



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

تحقيق و ترميم كتاب

تفسير العياشي

... من اول سورة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل في كتابه

العلم والهدى والبرهان والهدى

الى صراط مستقيم

محمد بن

عبد الله العياشي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تحقيق و ترجمه كتاب تفسير العياشي

نويسنده:

محمد بن مسعود عياشي

ناشر چاپي:

ذوي القربي

ناشر دييجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	تحقیق و ترجمه کتاب تفسیر العیاشی المجلد ۱
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	پیش گفتار
۱۷	*نکته ای پیرامون تفسیر عیاشی
۱۹	انتخاب متن برای ترجمه
۲۱	معرفی مؤلف محترم رحمه الله علیه
۲۲	بیان بزرگان در تعریف و توثیق مؤلف
۲۲	*شیخ طوسی رحمه الله علیه متوفای سال ۵۶۰ ه. ق:
۲۳	*نجاشی متوفای سال ۴۵۰ ه. ق:
۲۴	*ابن ندیم متوفای سال ۳۸۰ ه. ق:
۲۴	*علامه حلی متوفای سال ۷۰۷ ه. ق:
۲۴	*ابن شهر آشوب متوفای سال ۵۸۸ ه. ق:
۲۵	*سید ابن طاووس متوفای سال ۶۶۴ ه. ق:
۲۵	*علامه و محدث بزرگوار محمد تقی مجلسی متوفای ۱۱۱۱ ه. ق:
۲۵	*علامه و مفسر محمد حسین طباطبائی، متوفای سال ۱۴۰۲ ه. ق:
۲۶	اساتید و شاگردان مؤلف
۲۸	ترجمه پیش گفتار فیلسوف و مفسر علامه طباطبائی رحمه الله علیه
۳۳	مقدمه المحقق، السید رسولی المحلّاتی
۳۵	*مقدمه ناسخ کتاب:
۳۶	به نام خداوند بخشاینده مهربان و از او کمک می طلبیم
۳۶	*پیش گفتار بازنویس کتاب:
۳۷	فی فضائل القرآن

۳۸	بیان فضائل قرآن
۵۷	باب ترک روایه‌ی التي بخلاف القرآن
۵۸	باب - رها کردن روایات مخالف قرآن
۶۱	فی ما أنزل [فی] القرآن
۶۲	درباره (کلیاتی از) آن چه در قرآن نازل شده است
۶۵	تفسیر الناسخ و المنسوخ و الظاهر و الباطن و المحکم و المتشابه
۶۶	تفسیر ناسخ، منسوخ، ظاهر، باطن، محکم و متشابه
۷۱	تأویل کلّ حرف من القرآن علی وجوه
۷۲	تأویل هر حرفی از قرآن بر وجوهی است
۷۳	ما عنی به الأئمة علیهم السلام من القرآن
۷۴	مواردی که در قرآن مقصود از آن‌ها امامان علیهم السلام هستند
۷۷	علم الأئمة علیهم السلام بالتأویل
۷۸	علوم امامان علیهم السلام در تأویل قرآن
۸۹	فی من فسر القرآن برأیه
۹۰	کسی که قرآن را با رأی و نظر خود تفسیر کند
۹۳	کراهیه الجدل فی القرآن
۹۴	ناپسند بودن جدال پیرامون قرآن
۹۸	سورة المبارکة [۱] ﴿الحمد - فاتحة الكتاب﴾
۹۹	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۹۹	فضلها و بعض خواصها
۱۰۰	به نام خداوند بخشننده مهربان
۱۲۰	سورة المبارکة [۲] البقرة
۱۲۱	فضلها و بعض خواصها
۱۲۲	فضائل و بعض از خواص آن
۶۵۳	فهرس الآيات المبارکة
۶۵۹	فهرس الأحادیث الشریفه

تحقیق و ترجمه کتاب تفسیر العیاشی المجلد 1

مشخصات کتاب

سرشناسه : عیاشی محمد بن مسعود ، 320 ق .

عنوان قراردادی : تفسیر العیاشی - فارسی

عنوان و نام پدیدآور: تحقیق و ترجمه کتاب تفسیر العیاشی / تألیف ابو النصر محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی السمرقندی معروف به عیاشی ؛ محقق و مترجم عبدالله صالحی

مشخصات نشر : قم : ذوی القربی ، 1395

شابک ج 1 - 01 - 573 - 518 - 964 - 978

وضعیت فهرست نویسی : فیها

یادداشت : کتاب نامه : ص 644 - 679؛ هم چنین به صورت زیرنویس

موضوع : تفاسیر ماثوره

موضوع : تفاسیر شیعه - قرن 3 ق .

شناسه افزوده : صالحی نجف آبادی ، عبدالله ، 1327 - ، مترجم

رده بندی کنگره : 1395 7041 ت 9 ع / 93

رده بندی دیویی : 297 / 1726

شماره کتاب شناسی ملی : 4219642

تحقیق و ترجمه کتاب شریف تفسیر العیاشی

جزء اول

تألیف محدث جلیل القدر ابو النصر محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی السمرقندی معروف به عیاشی رضوان الله تعالی علیه

محقق و مترجم: عبدالله صالحی

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم مریم محققیان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

سرشناسه : عیاشی محمد بن مسعود ، 320 ق .

عنوان قراردادی : تفسیر العیاشی - فارسی

عنوان و نام پدیدآور: تحقیق و ترجمه کتاب تفسیر العیاشی / تالیف ابو النضر محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی السمرقندی معروف به

عیاشی ؛ محقق و مترجم عبدالله صالحی

مشخصات نشر : قم : ذوی القربی ، 1395

شابک ج 01 - 573 - 518 - 964 - 978

وضعیت فهرست نویسی : فیها

یادداشت : کتاب نامه : ص 644 - 679؛ هم چنین به صورت زیرنویس

موضوع : تفاسیر ماثوره

موضوع : تفاسیر شیعه - قرن 3 ق .

شناسه افزوده : صالحی نجف آبادی ، عبدالله ، 1327 - ، مترجم

رده بندی کنگره : 1395 7041 ت 9 ع / 93

رده بندی دیویی : 297 / 1726

شماره کتاب شناسی ملی : 4219642

ذوی القربی

قم - خیابان ارم - پاساژ قدس - پلاک 59

تلفن : 02537744663

تحقیق و ترجمه کتاب شریف تفسیر العیاشی

مؤلف : محمد بن مسعود عیاشی

محقق و مترجم : عبدالله صالحی

چاپ خانه سلیمان زاده * تیراژ : 1500 جلد * تاریخ چاپ : 1395 ه . ش

نوبت چاپ: اول * شابک ج 1 : 0 - 573 - 518 - 964 - 978

قیمت دوره : 180000 تومان

ص: 3

با سپاس و ستایش بی‌نهایت خداوند یکتا را به پاس نعمت‌های بی‌منت‌هایش به ویژه که برای هدایت بندگانش کتاب حکمت آمیز و سعادت بخش قرآن را نازل نمود تا راه گشای حقیقی برای رسیدن به کمالات دنیا و آخرت‌بندگان باشد و ما را از معتقدان و پیروان آن و نیز موالیان و علاقه‌مندان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام قرار داد؛ و سلام و درود بر اشرف موجودات و افضل پیامبران، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله، و بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پیشوایان برحق و هدایت‌گران راستین بشریت

لعن و نفرین بی‌حدّ بر ظالمان و دشمنان آنان باد که در حقیقت دشمنان خدا و رسول او هستند.

* حیات و زندگی انسان - در مادیات و معنویات - بستگی به معرفت و شناخت دارد که اگر معرفت و شناختی برایش نباشد راه به جایی نمی‌برد پس شناخت برای انسان یک هدف می‌باشد که بدون شناخت وسیله و سبب رسیدن به کمالات امکان‌پذیر نخواهد بود بنابراین از هر طریق صحیحی که شده باید وسیله را کاملاً بشناسد تا به هدف نهایی شناخت پیدا کند.

که یکی از وسائل و اسباب شناخت، قرآن حکیم می‌باشد، ولی باید توجه داشت که شناخت قرآن نسبت به دیگر حقائق و اسباب از امتیاز و ویژگی خاصی برخوردار می‌باشد و آن این است که خوشبختانه شناخت خود قرآن نیاز به اسباب دیگری ندارد بلکه خودش وسیله شناخت خودش خواهد بود و اساساً

قرآن شناسی برای هر کسی که جویای آن باشد امکان پذیر است هم چنان که خداشناسی هم دارای چنین ویژگی است همان طوری که گفته اند: (یا مَنْ دَلَّ عَلٰی ذَاتِهِ بِذَاتِهِ) ای خدایی که خود وسیله شناساندن ذات خود هستی که او در همه آثار و آفرینش جهان هستی آشکار است و از باب نمونه گفته شده است:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار *** هر ورقش دفتری است معرفت کردار

بنابر این هم چنان که برای نزدیک شدن به خدا از قدرت آفرینش استفاده خواهد شد راه نزدیک شدن به قرآن، هم از محتوای خود قرآن خواهد بود که این مطلب به خوبی برای اهل معرفت روشن و از بدیهیات می باشد

و از طرفی دیگر قرآن سند حقانیت رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله می باشد و برای حقانیت آن همین بس که تا کنون حدود 1431 سال از نزول آن می گذرد و هیچ انسانی نتوانسته حتی آیه ای از آن را بیاورد با این که خود قرآن به طور مکرر فریاد می زند اگر می توانید مثل آن را و یا سوره ای و یا حتی آیه ای از آن را بیاورید که تا کنون با تمام تجهیزات علمی پیشرفته نتوانسته اند و بعد از این هم نخواهند توانست.

پس ضمن آنکه قرآن از هر جهت معجزه ای جاوید می باشد نیز وسیله ای برای شناخت دیگر اسبابی است که انسان را به هدف سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت میرساند البته اگر درست و دقیق جستجو کنیم و درست و صحیح بفهمیم و درست طبق خودش به اجرا در آوریم و آن را در ابعاد گوناگون زندگی بدون هیچ گونه توجیه نفسانی، سیاسی و شخصی، پیاده کنیم.

* شرافت و عظمت قرآن بر هیچ صاحب دانش و ادب - از هر ملت و مذهبی

که باشد - پوشیده نیست که چنان چه در حقانیت آن شک و تردیدی می داشتند آن را به هر نوع ممکن تضعیف و نابود می کردند و حد اقل آیه ای همانند آن را ارائه می کردند ولی چون خود را از چنین معارضه ای ناتوان دیده و می بینند این همه توطئه ها سمپاشی ها تهمت ها خونریزی ها و جنگ های تسلیحاتی و تبلیغاتی از همان دوران نزول آن به راه انداخته اند

* نکته دیگری که نیاز به اشاره دارد این است که قرآن مادر دیگر قوانین گوناگون - مورد نیاز جوامع بشری - است و استفاده از این قوانین برای همه افراد قابل تشخیص و بهره گیری نیست بلکه طبق تصریح خود قرآن باید به اهل قرآن مراجعه نمود که همان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند و چون علوم ایشان اکتسابی نیست بلکه (به اصطلاح) لدنی می باشد و علوم ایشان متصل به علوم الهی است و لذا برای ایشان سن و سال مطرح نیست همان طوری که برای انبیا مطرح نبوده مثلاً حضرت عیسی علیه السلام در دو سه روز بعد از ولادت خود که به دلائلی واهی و پوچ خود و مادر معصومش مورد اعتراض افراد غرض ورز و کینه توز قرار گرفت خداوند چنین حکایت می فرماید: (قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا) (1) (اعتراض کنندگان مُغرض) گفتند: ما چگونه با یک بچه شیرخوار و تازه به دنیا آمده صحبت کنیم، (قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَآتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا * وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَنِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا * وَبَرِّمَ ابْوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا) (2) (نوزاد) اظهار

ص: 6

1- سوره مریم 29/19

2- سوره مریم: 30/19 - 32

داشت: «من بنده خدا هستم خداوند برای من (از طرف خودش) کتاب فرستاده و مرا پیامبر خود قرار داده است* و تا زمانی که زنده باشم، مرا به انجام نماز و پرداخت زکات سفارش نموده* و این که به مادرم نیکی و احسان کنم، خداوند مرا ستمگر و بدبخت خود سر قرار نداده است.»

و امیر المؤمنین علی علیه السلام در ابتدای ولادتش روی دستان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله، قرآن را - که هنوز کسی از آن اطلاعی نداشت - تلاوت نمود و بلکه دیگر کتاب های آسمانی پیشین را هم خواند (1) و یا حضرت جواد الائمه علیهم السلام در شش ماهگی نامه خواند و حتی چشم نابینا را به اذن خداوند شفا بخشید. (2) و در 9 سالگی با دانشمندان و درباریان مأمون عباسی به مناظره و مباحثه علمی پرداخت و مسائل بسیار مشکل را پاسخ فرمود و حتی حضرت مسائلی را مطرح نمود که علما و اندیشمندان در جواب آن ها ماندند و از حضرت تقاضا کردند تا خودش جواب گوید. (3) و در دو سالگی در جمع خطیبان و شاعران و دیگر دانشمندان سخنرانی کند (4) و با بچه ها مشغول بازی بود که چون مأمون عباسی خواست از بین آن ها عبور کند همه فرار کردند ولی حضرت ماند و با او احتجاج نمود و سپس از وجود دریا در آسمان ها خبر داد. (5)

ص: 7

-
- 1- شجره طوبی ج 2 ص 219 و مدینه المعاجز: ج 1 ص 48 تصریح کرده است که آیات سوره مبارکه «مؤمنون» را تلاوت نمود
 - 2- خرائج مرحوم راوندی: ج 1 ص 372، بحار ج 50 ص 46 ح 20.
 - 3- احتجاج طبرسی ج 2 ص 472، کشف الغمّة: ج 2 ص 370
 - 4- حلیة الأبرار: ج 4 ص 534 ح 2.
 - 5- اثبات الهداة: ج 4 ص 351

پس استفاده صحیح از قرآن در بسیاری از آیات بدون مراجعه به اهل بیت رسالت علیهم السلام، امکان پذیر نمی باشد و در مقدمات همین تفسیر شریف دلیل بر یکایک ادعاها مطرح شده که از دید خوانندگان گرامی خواهد گذشت

* قرآن بنا بر آن چه در روایات و بین مفسرین مشهور است دو مرحله نزول داشته است که برخی از آیات شریفه بر آن دلالت دارد یکی نزول «انزالی» است (از باب افعال) که یک مرتبه مجموعه قرآن از طرف خداوند بر آسمان چهارم و یا بر قلب نازنین حضرت محمد صلی الله علیه و آله در شب قدر نازل گردید (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ) (1) و دوم نزول «تنزیلی» است (از باب تعییل) که به مرور زمان و مقتضیات جامعه و نیاز زمان توسط فرشته وحی، جبرئیل امین علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مدت 23 سال - نازل گردید (وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا) (2) و نیز (إِنَّمَا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا) (3) و سپس آن حضرت در اختیار اهل بیت علیهم السلام و اصحاب قرار می داد.

*** نکته ای پیرامون تفسیر عیاشی**

این کتاب یکی از تفسیرهای کهن شیعه در عصر غیبت صغرا، تألیف ابو نصر محمد بن مسعود عیاشی می باشد که مورد استفاده بزرگان قرار می گرفته و حتی به آن استناد می نموده و در استدلالات خود از آن بهره می گرفته اند.

ص: 8

1- سوره قدر 1/97

2- سوره اِسرَاء: 106/17.

3- سوره اِنْسَان: 23/76.

مؤلف این تفسیر محمد بن مسعود سمرقندی (عیاشی) است ابتدا دارای مذهب تسنن بود و بعد تشیع را پذیرفت او معاصر محدث بزرگ محمد بن یعقوب کلینی بوده است.

این تفسیر که به شیوه و سبک روایی تألیف و تنظیم گردیده است در ضمن تفسیر آیات مبارکه قرآن، اهمیت ویژه ای در بیان مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مبذول داشته و با استناد به روایات از طریق تشیع و تسنن - درج گردیده است هم چنین توجه خاصی به آیات الاحکام و مسائل فقهی دارد که بیش تر از دیگر تفاسیر کهن امامیه - هم چون تفسیر فرات کوفی و تفسیر علی بن ابراهیم قمی - به چشم می خورد

در تفسیر عیاشی علاوه بر مطالب تفسیری و فقهی به مسائل کلامی نیز پرداخته شده است که خواننده محترم با مطالعه منظم و توجه کامل به این نکات و دیگر نکات ارزشمند خواهد رسید.

جلد اول - بر مقیاس چاپ رحلی حجری - این تفسیر شامل مطالب و عناوین بسیار مهمی پیرامون قرآن است - که در فهرست موضوعات اشاره شده است و نیز شامل سوره «حمد» تا آخر سوره «کهف» می باشد که به مقیاس و شیوه چاپ جدید در دو جلد وزیری در اختیار دانشمندان و دانش پژوهان علوم قرآنی قرار گرفته است.

و اما جلد دوم این تفسیر از کتاب های مفقود به حساب آمده - که هم چون بسیاری از دیگر آثار بزرگان شیعه به دلائل مختلفی مفقود گشته است ولی ظاهراً دو نسخه قدیمی از این تفسیری که مفقود شده نزد علامه مجلسی بوده و که در کتاب شریف و ارزشمند بحار الأنوار و دیگر تألیفات گران قدرشان مورد

استفاده قرار گرفته و همانند این نسخه های موجود سند آن ها حذف شده است.

انتخاب متن برای ترجمه

متن موجود از این کتاب شریف به دو نوع در اختیار عموم اهل تفسیر و حدیث قرار دارد یکی همان متنی است که توسط حجة الإسلام حاج سید هاشم رسولی محلاتی - در 2 جلد وزیری - تصحیح و تحقیق شده که از آن سه ، مرحله - توسط انتشارات علامه در قم توسط مکتبه علمیه اسلامیة در تهران و مؤسسه اعلمی در بیروت - چاپ گردیده است

دومین متن توسط هیئت تحقیقاتی در اساتد الاسلامیة، مؤسسه بعثت در قم تصحیح و با چهار نسخه معتبر - در 3 جلد - تصحیح و تحقیق شده است که ما برای برنامه تحقیق و ترجمه از هر دو متن استفاده نموده ایم، چون هر کدام دارای مزایا و نیز نواقصی هستند و این روال طبیعی برای این نوع کارها می باشد، گرچه همّت هر شخصی در این است که کار او به نحو احسن و بدون نقص و اشکال قرار گیرد ولی در نهایت مواجهه با برخی از ایرادها و اشکالهایی می شود که خود مؤلف، محقق و مترجم متواضعانه ناچار به پذیرش و عذرخواهی و پوزش طلبی می گردد «الْعُذْرُ عِنْدَ كِرَامِ النَّاسِ مَقْبُولٌ» و چون «الانسان محلّ الخطأ والنسيان» می باشد مورد اعتراض و تضعیف نباید قرار گیرد

*نکات قابل توجه

- چنانچه اختلاف مهمی با دیگر منابع و مصادر بوده است، در متن با علامت کروشه [] و یا در ذیل همان عبارت در پاورقی و یا در ضمن آدرس دهی منابع اشاره به اختلاف شده است

ص: 10

- آیات مربوط به احادیث در متن اصل کتاب آورده نشده است ولی ما هر آیه مربوط به احادیث را - با علایم آیه و قلمی روشن تر - در جایگاه مناسب افزوده ایم هم چنین ترجمه این آیات را قبل از ترجمه همان احادیث آورده ایم تا خواننده محترم با اطلاع از مضمون آیه احادیث را بهتر مورد مطالعه استفاده قرار دهد.

- ترجمه و توضیح برای لغت های مشکل عبارات مبهم با استفاده از کتابهای لغت و یا بیان بزرگان در پاورقی مربوطه اشاره شده است.

- راویانی که احیاناً نیاز به ترجمه و توضیح رجالی داشته باشند، در ذیل نام همان شخص (با استفاده از کتاب های رجال و درایه) توضیح لازم انجام گرفته است.

- آدرس منابع و مصادری که حدیث را آورده اند، در پاورقی همان حدیث انجام گرفته با توجه به این که آن منابع و مصادری که حدیث را مستقیماً از کتاب «التفسیر العیاشی» نقل کرده اند اولین منبع با عبارت - عنه ... ثبت شده و سپس دیگر منابع و مصادری که حدیث را با همان سند و عبارات؛ و یا با سندی دیگر و یا با اختلاف در الفاظ نقل نموده اند ثبت گردیده است.

- در ترجمه از هر گونه توضیح تأویل و توجیه درباره عبارت ها و سند ها، خودداری شده و بر عهده خواننده محترم واگذار گردیده است تا با معلومات و ذکاوت های علمی و فکری خود به نحو احسن استفاده و بهره برداری نماید.

- همان طور که ملاحظه خواهید نمود در جلد سوم این کتاب شریف که جلد پنجم این تحقیق و ترجمه می شود قسمتی به عنوان مستدرکات اختصاص یافته که این قسمت در تحقیقات آقای رسولی محلاتی وجود ندارد - و با این که

زحمت زیادی کشیده اند ولی طبیعی است که نواقصی وجود دارد ولی در این تحقیق به مواردی دیگر دست یافته که در جایگاه مربوط خود افزوده ایم؛ و چنان چه به اشتباهی در کلمات عبارات عناوین و یا روایان برخورد شود در پاورقی همراه با اصلاح توضیحی - هر چند مختصر - داده شده است.

- فهرست آیات در پایان هر جلد به همراه هفت فهرست دیگر: احادیث، آثار، اعلام 14 معصوم علیهم السلام، اعلام پیامبران و اوصیاء علیهم السلام، اعلام روایان حدیث مکان ها و شهر ها مصادر و منابع جهت استفاده بیشتر و بهتر خوانندگان و علاقه مندان محترم در پایان آخرین جلد آورده می شود.

- برای هر حدیث در متن عربی دو شماره - یکی برای مجموع احادیث کتاب و دیگری برای احادیث هر فصل و هر سوره - ثبت نموده، ولی در ترجمه ها فقط به شماره فرعی بسنده شده است.

- در نهایت از خوانندگان گرامی تقاضا نمودم که از نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده خود حقیر را بهره مند فرمایند تا در چاپ های بعدی و دیگر تألیفات و تحقیقات و ترجمه ها مورد استفاده قرار گیرد و قبلاً از همه بزرگان و صاحب نظران کمال تشکر و قدر دانی را دارم.

- امید است که این اثر ارزشمند مورد استفاده و افاده عموم مقبول افتد و هم چنین مورد قبول خداوند کریم و ذخیره ای «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ - لِي و لِمَنْ لَهُ عَلَى حَقِّ الْمُؤَلَّفَةِ» قرار گیرد. آمین یا رب العالمین

معرفی مؤلف محترم رحمة الله عليه

ابو نصر محمد فرزند مسعود فرزند محمد فرزند عیاش از قبیله سلمی و

از اهالی سمرقند - معروف به عیاشی - می باشد.

جدّ او عیاش پادشاه سمرقند بوده و یکی از رؤسای بزرگ قبیله تمیم به حساب می آمده است و در سال 112 کشته شد. (1)

بعضی بر آنند که او اهل سمرقند بوده و برخی گفته اند از قبیله بنی تمیم بوده (2) و عدّه ای هم بر این عقیده اند که او عراقی و از اهالی کوفه بوده است. (3)

با کمال تأسّف هم چون برخی دیگر از بزرگان شیعه در کتاب ها نسبت به تاریخ ولادت و رحلت و نیز محل دفن او اشاره ای نشده است، گر چه بعضی از بزرگان تخمین زده و گفته اند: تاریخ وفات او سال 320 ه. ق می باشد (4)

و در مجموع از بین کلمات بزرگان و معاصران او می توان ادعا کرد که او از بزرگان دوران غیبت صغرا بوده و در نیمه قرن دوم زندگی می کرده است. (5)

بیان بزرگان در تعریف و توثیق مؤلف

***شیخ طوسی رحمة الله علیه متوفای سال 560 ه. ق:**

در کتاب رجال خود او را در قسمت افرادی که مستقیماً از ائمّه علیهم السلام روایت نکرده اند وارد نموده و گفته است: او در زمان خود از جهت دانش، ادب فضل و

ص: 13

-
- 1- تاریخ: طبری ج 7 ص 76 - 80 (حوادث سال 112 ه) و اعلام زرکلی: ج 3 ص 145
 - 2- فهرست شیخ طوسی: ص 136 رقم 593 معالم العلماء ابن شهر آشوب: ص 99 فهرست ابن ندیم: ص 274
 - 3- روضات الجنّات: ج 6 ص 129، ریحانة الأدب: ص 220
 - 4- برای اطلاع بیشتر به معجم المفسّرین ج 2 ص 636 و اعلام زرکلی: ج 7 ص 95 مراجعه شود.
 - 5- هم چنین برای اطلاع بیشتر به ریحانة الأدب: ج 4 ص 221 مراجعه شود.

فهم و ذکاوت، نسبت به بسیاری از افراد بالا تر بوده او بیش از دویست کتاب نوشته است که تعدادی از آن ها را در کتاب فهرست درج کرده ایم، او دو مجلس (درس و سخن) داشت: یکی برای اهل سنت و دیگری برای شیعه

هم چنین نامبرده در کتاب فهرست خود ص 126 گفته است: عیاشی اهل سمرقند بود و برخی گفته اند: از قبیله بنی تمیم و کنیه اش: ابو النضر بوده است او جلیل القدر، عظیم الشان، واسع الأخبار و نسبت به روایت شناسی بصیر و آشنای کامل بوده است.

***نجاشی متوفای سال 450 ه. ق:**

درباره او گفته است: مورد وثوق صدوق و راستگو، عینٌ من عیون هذه الطائفة - بزرگی از بزرگان این شیعه - بوده است ولی بسیار از افراد ضعیف روایت کرده او در ابتدا مذهب اهل سنت را داشت سپس بصیرت یافت و چون حقیقت برایش آشکار شد مذهب شیعه امامیه را پذیرفت او جوان بود و از بسیاری از محدثین و راویان همچون علی بن حسن فضال، عبد الله بن محمد بن خالد طیالسی و جماعتی از بزرگان کوفه بغداد و قم روایت نقل کرده است منزل او همانند مسجد محل افراد بسیاری از نسخ کنندگان (که از نوشته ها و دست خط دیگران رونویسی می کرده اند) مقابله کنندگان نسخه ها و نوشته ها با یک دیگر خوانندگان عبارات و متون نوشته ها تعلیقه و حاشیه نویس های متعدّد بوده است، او بیش از دویست کتاب در موضوعات مختلف نوشته که از بین آن ها فقط همین کتاب تفسیر در دسترس عموم قرار گرفته است. (1)

ص: 14

1- نام کتاب ها در این کتاب - رجال نجاشی - آمده است و ما به خاطر خلاصه گویی از درج آن ها خودداری کرده ایم

هم چنین از بیانات مرحوم نجاشی استفاده می شود که عیاشی عشق و علاقه وافری به کسب علوم، فنون و دیگر معارف داشته و برای دست یابی به آن ها مکان و زمان برایش مطرح و ملاک نبود و بر همین اساس به شهر های مختلفی هم چون، کوفه، بغداد خراسان و قم هجرت کرده و از بزرگان به شیوه های مختلف شفاهی کتبی و استتساخی حداکثر بهره را می گرفته است. (1)

*ابن ندیم متوفای سال 380 ه. ق

عیاشی از فقهای بزرگ شیعه امامیه و از جهت دانش و کمال از نمونه های نایاب دوران خود بود و در نواحی خراسان از موقعیت خاصی برخوردار بود (2)

*علامه حلّی متوفای سال 707 ه. ق:

او شخصیتی مورد وثوق صدوق، مورد اعتماد طایفه امامیه و از بزرگان ایشان بود او بسیار مأنوس با روایات و احادیث و اهل بصیرت به رجال و درایه بود ولی از افراد ضعیف بسیار نقل روایت می کرد او در ابتدا عامی مذهب بود و سپس با پی بردن به حقیقت و بصیرت یافتن مذهب حقه امامیه را پذیرفت. (3)

*ابن شهر آشوب متوفای سال 588 ه. ق:

او از علمای برجسته دوران خود و از دانشمند ترین و فاضل ترین اهل شرق در زمان خود بود. (4)

ص: 15

1- گزیده ای از اظهارات رجال نجاشی ص 350 شماره 944

2- الفهرست ص 275

3- رجال علامه حلّی : ص 184 رقم 1502.

4- معالم العلماء: ص 88

*سید ابن طاووس متوفای سال 664 ه. ق.:

از جمله کسانی که در بین علمای شیعه به علم نجوم آشنا بوده و در این زمینه کتاب نوشته است استاد بزرگواری است که همگان بر عدالت و جلالت او تصریح و اعتقاد دارند آقای محمد بن مسعود عیاشی که بزرگانی هم چون شیخ طوسی، نجاشی و ابن ندیم از او با تجلیل فراوانی نام برده اند و کتابی را در علم نجوم برای او یادآور شده اند. (1)

*علامه و محدث بزرگوار محمد تقی مجلسی متوفای 1111 ه. ق.:

او از رؤسا بزرگان و شاخص های مهم شیعه است او جلیل القدر، عظیم الشان کثیر الروایه بوده و اهل نقد و بررسی رجال و درایه است بزرگان ما نام او را در کتابهای تراجم و اعلام با تجلیل و ثنای خاصی نقل نموده اند. (2)

*علامه و مفسر محمد حسین طباطبائی، متوفای سال 1402 ه. ق.

او از اعیان و دانشمندان برجسته شیعه بود او از اسطوانه های حدیث و تفسیر بود که در اواخر قرن سوم هجری قمری زندگی می کرد تمام دانشمندان و بزرگانی که بعد از او آمده اند بر جلالت و منزلت علمی و تقوای او بر کثرت فضائل و مناقب او اتفاق نظر دارند و از مجموع گفتار و نظریات بزرگان چنین استفاده می شود که او شخصیتی مورد وثوق و اعتماد، در بیان سخن و نقل حدیث راست گو و از مشایخ روایت و حدیث بوده که اعیان محدثین هم چون کسّی صاحب رجال - که خود شاگرد عیاشی - بوده و فرزندش جعفر بن محمد

ص: 16

1- فرج المهموم: ص 124.

2- بحار الأنوار: ج 1 ص 97 (در مقدمه دوم).

اساتید و شاگردان مؤلف

علامه مجلسی شخصیت هایی را که مرحوم عیاشی از آنان نقل روایت نموده و نیز بزرگانی را که از او نقل کرده اند در ضمن حالات او بیان نموده است (2) هم چنین به طور مبسوط در مقدمه چاپ جدید تفسیر عیاشی آورده شده است، که تعداد 65 نفر از مشایخ و شخصیت‌های برجسته و ممتاز بوده اند و آن هایی که از او نقل روایت کرده اند بیش از 40 نفر از شخصیت های ممتاز هستند که برخی از شاگردان و برخی از دیگر بزرگان هم عصر او می باشند که به جهت اختصار از نقل و یاد آوری آن ها خودداری می شود

محقق و مترجم: عبد الله صالحی

27 / رجب المرجب / 1435 ه. ق

ص: 17

1- برگرفته شده از تقریض مرحوم علامه طباطبایی است که بعد از دو سه صفحه آینده می آید.

2- بحار الأنوار: ج 1 ص 99 - 100 (در مقدمه دوم).

بِسْمِهِ تَعَالَى ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ ، مُحَمَّدٍ الَّذِي أَوْسَلْتَهُ بِكِتَابِكَ الْكَرِيمِ ، وَبِالطَّاهِرِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ هَدَيْتَنَا بِهِمْ إِلَى مَعَارِفِ كِتَابِكَ وَمَعَالِمِ دِينِكَ ، وَوَفَّقْتَنَا لِاقْتِنَاءِ آثَارِهِمْ وَتَعَاطِيِ أَخْبَارِهِمْ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ .

أما بعد : فإنَّ من البين اللائح الذي لا يرتاب فيه ذوريب : أن الكتاب الكريم هو الأساس القويم الذي تقوم عليه بنية الدين الحنيف، وهو الروح السماوية التي بها حياة العلة البيضاء ، وأن النبي الكريم هو الذي خصه الله ببيان ما أنزل إلى الناس من ربهم وتعليمه كما قال عز من قائل: (لِنُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (1) . وقال : (وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (2)

وأن الطاهرين من أهل بيته هم الذين قارنهم النبي صلى الله عليه وآله بكتاب الله ، فسمّاهما الثقلين ، وأوقفهم موقف البيان والتعليم ، وأمر بالتمسك بهم وأخذ الكتاب عنهم ، فهم الهداة ، يهدي الله بهم لنوره من يشاء ، وهم المعلمون القائمون بتعليم ما فيه من حقائق المعارف وشرائع الدين .

وقد بعث الله رجالاً من أولى النهى والبصيرة ، وذوي العلم والفضيلة على الاقتباس من مشكاة أنوارهم ، والأخذ والضبط العلومهم وآثارهم ، وإيداع ذخائرهم في كتبهم ، وتنظيم شتاتها في تأليفهم ليدوق بذلك الغائب من منهل

ص: 18

1- سورة النحل : 44/16 .

2- سورة البقرة : 129/2

ترجمه پیش گفتار فیلسوف و مفسر علامه طباطبائی رحمة الله علیه

به نام خداوند متعال خداوندا! سپاس مخصوص تو می باشد که بر ما به وسیله پیامبر رحمت خود نعمت عطا کردی حضرت محمد صلی الله علیه و آله که او را به همراه کتاب (قرآن) کریم ارسال نمودی و به وسیله اهل بیت پاک و پاکیزه او ما را به معارف کتاب و احکام دین هدایت (و آشنا) نمودی و به ما توفیق دادی تا پیرو آثار و اجرا کننده اخبار ایشان باشیم. خداوندا بر او و بر ایشان درود فرست و از سوی خودت بر ما رحمت عنایت فرما همانا تو بخشنده ای

اما بعد از آن به درستی از چیز هایی که روشن و آشکار می باشد و شک و تردیدی در آن راه نمی یابد این است که کتاب (قرآن) کریم همان اساس محکمی است که بنای دین حنیف (اسلام) بر آن استوار می باشد آن همان روح آسمانی است که علت زندگی روشن و سعادت بخش قرار گرفته و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله همان شخصیتی است که خداوند او را برای به آن (کتاب) برای مردم و آموزش به آنان مختص گردانید؛ هم چنان که خداوند عزیز فرموده است: «تا آن چه را که برای مردم نازل می شود، برای آنان بیان نمایی، شاید که بیندیشند (و در گفتار و کردار خود تجدید نظر نمایند)» و نیز فرموده: «و خداوند به ایشان کتاب و حکمت می آموزد و ایشان را تزکیه می نماید به راستی که تو عزیز و بخشنده هستی»

و به درستی که پاکان از اهل بیت آن حضرت، کسانی هستند که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آنان را همتای کتاب خدا معرفی نموده و هر دو را به عنوان دو چیز گران بها نامیده است و آنان را در جایگاه بیانگر قرار داده و امر نموده تا به آنان تمسک شود و از آنان دریافت گردد پس ایشان هدایت گر هستند و خداوند هر کسی را که بخواهد به وسیله نور هدایت ایشان هدایت می نماید ایشان تعلیم دهندگانی هستند که بر تعلیم آن چه درون آن (کتاب حکیم) - از حقایق معارف و مسائل (مختلف) دین - می باشد، ایستاده اند.

وإنَّ أحسن ما ورثناه من ذلك كتاب التفسير المنسوب إلى شيخنا العيَّاشي - رحمه الله - ، وهو الكتاب القيم الذي يقدمه النشر اليوم إلى القراء الكرام ، فهو لعمرى أحسن كتاب ألف قديماً في بابه، وأوثق ما ورثناه من قدماء مشايخنا من كتب التفسير بالمأثور.

أمَّا الكتاب فقد تلقاه علماء هذا الشأن منذ ألف إلى يومنا هذا - ويقرب من أحد عشر قرناً - بالقبول من غير أن يذكر بقدرح أو يغمض فيه بطرف.

وأمَّا مؤلفه : فهو الشيخ الجليل أبو النصر (النصر) محمَّد بن المسعود بن محمَّد بن العيَّاش التميمي الكوفي السمرقندي من أعيان علماء الشيعة، و أساطين الحديث و التفسير بالرواية ممن عاش في أواخر القرن الثالث من الهجرة النبويَّة.

أجمع كلَّ من جاء بعده من أهل العلم على جلاله قدره، و علوِّ منزلته ، وسعة فضله ، و أطراه علماء الرجال متسالمين على أنَّه ثقة ، عين ، صدوق في حديثه ، من مشايخ الرواية ، يروي عنه أعيان المحدثين كشيخنا الكشَّبي صاحب الرجال وهو من تلامذته ، و شيخنا جعفر بن محمَّد بن المسعود العيَّاشي و هو ولده.

كان شيخنا المترجم عنه نشأ على مذهب أهل السنَّة، ثمَّ تشبَّع فكان أحد أساطين العلم و أعيان الطائفة. اشتغل في حداثة من سنَّه بتحصيل العلم ، فلم يلبث كثيراً حتى برع و تمهَّر في شتَّى العلوم، و تضلَّع في مختلفها كالفقه و الحديث و الطبِّ و النجوم و القيافة و غيرها.

و به تحقیق مردانی را مبعوث نمود که از خردمندان بزرگ و بصیرت می باشند صاحبان دانش و فضیلت هستند که از مشکات انوار ایشان اقتباس می گردد و بهره گرفتن و مواظبت بر علوم و آثار ایشان و نگهداری در نوشته ها و تنظیم و تألیف آن ها (وظیفه شرعی و عقلی است) تا افراد و نسل های غایب از دست پرورده شاهدان حاضر بچشند و استفاده (و افاده) نمایند و آیندگان در جایگاه سابقین قرار گیرند.

و به راستی بهترین چیزی که به ارث برده ایم کتاب تفسیری است که به استاد ما عیاشی رحمه الله منسوب می باشد و آن کتاب ارزشمندی است که امروزه به خوانندگان گرامی عرضه می گردد سوگند به جان خودم آن بهترین کتابی است که در موضوع خود نگاشته شده و معتبرترین اثری می باشد که از مشایخ گذشته ما در باب تفسیر به وسیله احادیث معصومین علیهم السلام به دست ما رسیده است.

اما این کتاب که از (حدود) هزار سال پیش در اختیار دانشمندان قرار گرفته تا زمان کنونی ما که نزدیک به 11 قرن می شود مورد قبول همگان بوده و هست بدون آن که خدشه و ایرادی بر آن وارد شده باشد

و اما نویسنده، آن شیخ جلیل القدر ابو نصر محمد فرزند مسعود، فرزند محمد، فرزند عیاش تمیمی کوفی سمرقندی است که از شخصیت های برجسته شیعه و از استوانه های حدیث و تفسیر روایی می باشد او در اواخر قرن سوم هجری می زیسته است تمام دانشمندانی که بعد از او آمده اند بر جلالت قدر او، عظمت منزلت او و بسیاری فضل او وحدت کلمه و اتفاق نظر داشته اند و تمامی دانشمندان علم رجال که متعرض او شده اند همگی معتقد هستند بر این که او موثق مورد اعتماد راستگو در سخن و از مشایخ روایت هماهنگ بوده است شخصیت های برجسته ای همانند شیخ بزرگوار کشی - صاحب علم رجال - که خود از شاگردان او بوده و شیخ بزرگوار جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی که فرزند او است از او روایت نقل کرده اند

شیخ بزرگوار ما که مورد بحث می باشد در ابتدا بر مذهب اهل سنت بوده و سپس تشیع را پذیرفته است و یکی از استوانه های علم و شخصیت های برجسته

وكان (رحمه الله) ذا جدّ بليغ في ما اندرس من رسوم العلم، ورفع ما عفى من قواعده، فكانت داره مجمع رجال العلم والثقافة وطلاب الفضيلة كالمدرسة المملوءة بأهلها من محصّل وباحث وكاتب ومقابل وناسخ حتّى قيل: إنّه أنفق في سبيل العلم جميع ما كان عنده من مال وثروة بالغة، وقد كان ورث من أبيه ثلاث مائة ألف دينار، وكان له مجلس مع العامّ ومجلس مع الخاصّ.

وفّق رحمه الله لتأليفات جمّة في مختلف العلوم والفنون، ربما انهميت إلى ما تبي كتاب أو أزيد، وأشهرها ذكرًا وأعرفها عند القوم تفسيره المعروف بتفسير العياشي في جزئين، يروي عنه علمائنا. وقد أصيب الكتاب من جهتين أحدهما: أنّ جلّ رواياته كانت مسندة فاختصره بعض النساخ بحذف الأسانيد وذكر المتون، فالنسخة الموجودة الآن مختصر التفسير.

والثانية: إنّ الجزء الثاني منه صار مفقوداً بعده حتّى أنّ أرباب التفاسير الروائية والمحدّثين لم ينقلوا منه إلّا ما في جزئه الأوّل (1) من الروايات كالبحراني في تفسير البرهان، والحويزي في نور الثقلين، والكاشاني في الصافي، والمجلسي في البحار، نعم ربّما يذكر فيما يذكر أنّ بعض خزائن الكتب من بلاد إيران الجنوبيّة يحتوي على الكتاب بجزئيه، ولم يتحقّق ذلك ولا اهتدينا إليه بعد، ونسأل الله عزّ اسمه أن يوفّقنا للحصول عليه ونشره بتمامه، إنّه سميع الدعاء، قريب مجيب.

محمد حسين الطباطبائي - آخر ذي القعدة 1380 هـ -.

ص: 22

1- يستفاد من هذه العبارة بأنّ هذين الجزئين الموجودين عندنا وعند العلماء - الماضين منهم والباقيين كانا قبل الطبع مجلّداً واحداً، وأنّ محقّقيهما جزأ ذلك المجلّد بهذه الصورة المطبوعة الموجودة في أيدينا، فالموضوع قابل للتدبّر والبحث والتفحص المحقّق والمترجم.

شیعه قرار گرفت از دوران نوجوانی به تحصیل علم مشغول گردید و مدّت زمانی نگذشت که در بسیاری از رشته های علوم آشنا و کارشناس گردید و در انواع علوم پهلو گرفت همانند، فقه، حدیث، طبابت ستاره شناسی چهره شناسی و غیر این ها

آن مرحوم علاقه و تلاش خستگی ناپذیری در بحث و بررسی و بهره وری علوم داشت و بر همین اساس خانه او همانند مدرسه ای محل تجمع مردان علم فرهنگ و دانشجویان فضل و کمال بود که برخی تحصیل می کردند برخی مباحثه می نمودند برخی می نوشتند برخی نسخه ها را مقابله و برخی هم استنساخ می کردند به طوری که گفته شده در راه ترویج علم تمام ثروت و اموال انبوه خود را، انفاق و هزینه می کرد، او سی صد هزار دینار (طلا) از پدر خود ارث گرفته بود که همه آن ها را هزینه این امور نمود، او دارای دو جلسه درس و بحث داشت یکی برای عموم و دیگری برای خواص

او توفیق یافت تا در علوم و فنون مختلف تألیفی داشته باشد و متجاوز از دویست کتاب تألیف نماید که مشهور ترین آن ها در نزد شیعه تفسیر معروف به تفسیر عیاشی است که در دو جلد می باشد و علمای ما از آن نقل می نمایند گرچه این کتاب از دو جهت آسیب دیده است یکی این که بیشترین روایاتش مستند بوده ولی ناسخین به جهت اختصار و خلاصه نویسی سند های آن را حذف کرده و فقط به ثبت متن (روایات) اکتفا نموده اند.

بنابر این نسخه موجود (از جهت سند) خلاصه نویسی شده. دیگر این که جلد دوم آن بعد از خودش مفقود گشته و بزرگان تفسیر روایی، هم چیزی از آن نقل نکرده مگر آن چه را که در جلد اول موجود بوده همانند بحرانی در تفسیر برهان حویزی در نور الثقلین، کاشانی در تفسیر صافی و مجلسی در بحار الأنوار

بلی چه بسا گفته شود: در بعضی کتاب خانه های جنوب ایران هر دو جلد موجود می باشد ولی تا کنون ثابت نگشته و ما به آن دست نیافته ایم از خداوند عزیز درخواست می کنیم تا توفیقی بر تحصیل مجموعه و نشر آن عطا نماید به درستی که او اجابت کننده نزدیکی است. محمد حسین طباطبایی - آخر ماه ذی القعدة، 1380 قمری (تاریخ ترجمه: 22 ماه رمضان 1432 قمری، صالحی)

مقدمة المحقق، السيد رسولي المجلاتي

مصادر التصحيح، اعتمدت في تصحيح الكتاب : اولاً : على نسخة مخطوطة عتيقة من مكتبة دانشگاه تهران و هي من جملة ما أهده الأستاذ العلامة الحاج السيد محمد - المشتهر بمشكوة - إلى تلك المكتبة من الكتب القيّمة ، وقد توسط في إيصالها إلينا الأخ الأعزّ المفضل السيد محمود الزندي دامت توفيقاته العالمة.

و ثانياً : على نسخة مصحّحة للفاضل الكامل الشيخ عبد الله الشاه ميري التفرشي - نزيل تهران - وقد استنسخها بخطه من نسخة العلامة المحدث النوري رضوان الله عليه ، ثم سافر إلى المشهد المقدّس الرضوي - أرواحنا له الفداء - و قابلها دامت توفيقاته مع نسخة المكتبة الرضويّة. و ثالثاً : الموسوعات الكبيرة و الجوامع المتأخّرة الناقله عن الكتاب، و إليك أسماء بعضها : 1 - كتاب تفسير البرهان لمؤلفه العلامة المحدث المتبحّر السيد هاشم التوبلي البحراني (رحمه الله) ، المتوفّي سنة 1107 - 1109.

وقد نقل (رحمه الله) تمام الكتاب إلا ما شدّ مما يحتمل سقطه من قلم النسخ - في مطاويه. 2 - كتاب بحار الأنوار تأليف العلامة التحرير المحدث ، المولى محمد باقر المجلسي (رحمه الله) ، المتوفّي سنة 1111 ، المطبوع بطهران بالطبعة الحروفية، سنة 1375 - 3 - كتاب الصافي في تفسير القرآن لمؤلفه العارف المحقق المحدث محمد ابن المرتضى ، المدعوّ اباالمحسن ، الملقب بالفيض الكاشاني، المتوفّي سنة 1091.

4 - كتاب وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة ، لمؤلفه المحدث الشهير

الشيخ محمد بن الحسن الحرّ العاملي (رحمه الله)، المتوفى سنة 1104. 5 - كتاب، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات له (رحمه الله) أيضاً. 6 - كتاب مجمع البيان في تفسير القرآن، لمؤلفه العلامة المحقق الأديب الشيخ أبي عليّ الفضل بن الحسن الطبرسي (رحمه الله)، المتوفى سنة 548، وغير ذلك من كتب الحديث والتفسير على كثرتها. وقد قابلنا أحاديث الكتاب مع ما نقل منه في هذه الكتب، وذكرنا موارد الاختلاف ورقم صفحاتها في الذيل، تميماً للفائدة. ولا تسأل أيها الأخ الكريم عمّا قاسينا في تصحيح الكتاب ومقابلته و تهذيبه من الكدّ والتعب إلى أن خرج من الطبع بهذه الصورة البهيّة، فلله الحمد على هذا التوفيق العظيم. ولا يسعني دون أن أقدم ثنائي العاطر إلى كلّ من وازرني وساعدني في هذا المشروع من الأصدقاء الكرام والعلماء العظام سيّما الزميل الفاضل الشيخ حسين الدارابي، المشتهر بالكرماني حيث ساعدني في مقابلة الكتاب مع كتابي البحار والبرهان، وفقه تعالى لمرضاته، ونسأل الله تعالى أن يوفّقنا وجميع إخواننا لخدمة الدين وإحياء آثار سيّد المرسلين وأولاده الطاهرين المعصومين - صلوات الله عليهم أجمعين - و آخر دعوانا: أن الحمد لله ربّ العالمين. قمّ المشرفّة: السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، 12 ذي الحجة 1380. (1)

ص: 25

1- نیاز برای ترجمه این مقدمه نیست چون فقط بیان مصادر و منابعی است که مورد استفاده محقق محترم قرار گرفته است.

بسم الله الرحمن الرحيم، و به نستعين

* مقَدِّمة ناسخ الكتاب :

الحمد لله على إفضاله و الصلوة على محمّد و آله.

قال العبد - الفقير إلى رحمة الله - إتي نظرت في التفسير الذي صنّفه أبو النضر محمّد بن مسعود بن محمّد بن عيَّاش السلمى بإسناده، و رغبت إلى هذا وطلبت من عنده سماعاً من المصنّف، أو غيره فلم أجد في ديارنا من كان عنده سماع أو إجازة منه، حذف منه الأسناد، و كتبت الباقي على وجهه ليكون أسهل على الكاتب و الناظر فيه، فإن وجدت بعد ذلك من عنده سماع أو إجازة من المصنّف أتبع الأسانيد، و كتبتها على ما ذكره المصنّف، أسأل الله تعالى التوفيق لإتمامه، و ما توفيقى إلا بالله عليه توكلت و إليه أئيب.

ص: 26

به نام خداوند بخشاینده مهربان و از او کمک می طلبیم

*پیش گفتار باز نویسی کتاب:

شکر و سپاس مخصوص خداوند است در برابر نعمت ها و بخشش های والایش و درود و تحیت بر حضرت محمد و بر اهل بیت (طاهرین) او باد این بنده نیازمند رحمت خداوند گوید: به راستی در تفسیری که جناب ابو نصر محمد بن مسعود بن محمد بن عبّاش سلمی با سند خود نگاشته با دقت نگاه کردم و شیفته آن شدم و در مورد شخص و اشخاصی که از مصتّف و یا از غیر او شنیده باشند جستجو کردم ولی کسی را در مناطق خود نیافتم که شنیده و یا اجازه ای در نقل داشته باشد به همین علت سند های آن را حذف کردم و ما بقی آن ها را به همان شیوه خودش باز نویسی کردم تا برای نویسنده و نگاه (مطالعه) کننده آسانتر باشد پس اگر بعد از این شخصی را یافتم که از مصنف شنیده و یا اجازه داشته باشد سند آن را نیز همراه قرار می دهم

و من بر همان شیوه ای که مصتّف تألیف و تصنیف نموده باز نویسی کرده ام از خداوند متعال درخواست توفیق می کنم که بتوانم آن را به پایان برسانم و توفیقی برای من نیست مگر به خواست خداوند بر او توکل می کنم و به سوی او بازگشت و توبه می نمایم

ص: 27

1 / [1] - روى جعفر بن محمد بن مسعود، عن أبيه، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام، عن أبيه عن آبائه ما عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ هُدِنَ وَ أَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ السَّفَرِ وَالسَّبْرِ بِكُمْ سَرِيعٌ فَقَدْ رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ يُبْلِيَانِ كُلَّ جَدِيدٍ، وَ يُقَرَّبَانِ كُلَّ بَعِيدٍ وَيَأْتِيَانِ بِكُلِّ مَوْعُودٍ فَأَعِدُّوا أَلْجَهَارَ لِجَعْدِ الْمَفَازِ

فَقَامَ الْمَقْدَادُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا دَارُ الْهُدْنَةِ؟

قَالَ دَارُ بَلَاءٍ وَ انْقِطَاعٍ فَإِذَا انْتَبَسَتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدِّقٌ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ وَ هُوَ كِتَابٌ تَقْصِي يَلِ وَيَبَيِّنُ وَ تَحْصِيلٌ، وَ هُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَطَاهِرَةٌ حِكْمَةٌ [حكم] وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرَةٌ أُنِيقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ (1)، لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى عَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَازِلُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ

ص: 28

1- في بعض النسخ و كذا تحقيق المحلاتي : له تخوم و على تخومه تخوم . و قال العلامة المجلسي رحمه الله : لعل المراد بقوله : له نجوم أي آيات تدل على أحكام يهتدى بها، وفيه آيات تدل على هذه الآيات و توضحها . أو المراد بالنجوم الثالث : السنة، فإن السنة توضح القرآن أو الأئمة عليهم السلام العالمون بالقرآن أو المعجزات فإنها تدل على حقيقة الآيات لمن عرف الصفة، أي الصفات التي توجب المغفرة من القرآن، أو الصفة التعريف و الاستنباط . مرآة العقول : 479/12 .

1) - امام صادق علیه السلام، به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ای مردم: به راستی شما در زمان هدنه قرار گرفته اید و در فراهم سازی سفر (آخرت) هستید عُمر به سرعت می گذرد حرکت شب و روز خورشید و ماه را ملاحظه کرده اید که هر تازه ای را کهنه و هر دوری را نزدیک می گردانند و هر وعده ای را می رساند پس بار سفر و نیاز هایش را فراهم سازید که این سفر بسی طولانی و پر زحمت است سپس مقدار برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! هدنه چیست؟

فرمود سرای آزمایش، سختی و جدایی (از براهین و حجت های الهی) است هر گاه فتنه هایی همانند قطعه های شب تاریک شما را فرا گیرد بر شما باد به قرآن؛ زیرا قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته شود و گواهی دهنده ای راست گو است.

هر کس قرآن را پیشوای خویش قرار دهد او را به بهشت هدایت می کند و هر که قرآن را پشت سر خود اندازد او را به دوزخ می کشاند قرآن راهنمایی است که به سوی بهترین صراط (خیر و سعادت) هدایت می نماید کتابی است که در آن تشریح (جریانات) بیان (احکام و اخلاق) و راه تحصیل (سعادت یا شقاوت) می باشد.

این کتاب تشریح کننده حقایق و واقعیات است فاضل و دایی (بین حق و باطل)، است باطل و شوخی نیست دارای (عبارات و الفاظی) ظاهر و درونی پر محتوا است؛ ظاهرش حکمت و درونش دانش است ظاهرش ساده و پسندیده ولی درونش بسیار عمیق و شگفت انگیز است؛ مرزهای بی شماری دارد و برای هر یک از آن ها مرز های دیگری می باشد که شگفتی ها و امور غریبه اش قابل محاسبه نیست؛ کهنه و پوسیده نگردد (و برای همه جوامع و زمان ها کافی است) درون آن چراغ های هدایت،

[2] / 2 - عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ رَفَعَهُ إِلَى الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّا إِذَا كُنَّا عِنْدَكَ سَمِعْنَا الَّذِي نَسُدُّ (نَسُدُّ) وَدِينَنَا وَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِكَ سَمِعْنَا أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً مَعْمُوسَةً لَا نَدْرِي مَا هِيَ؟

قَالَ أَوْ قَدْ فَعَلُوهَا؟

قُلْتُ نَعَمْ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ أَتَانِي جَبْرَيْلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِكَ فِتْنَةٌ قُلْتُ فَمَا الْمَخْرُجُ مِنْهَا؟

فَقَالَ كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ بَيَانٌ مَا قَبْلَكُمْ مِنْ خَيْرٍ وَخَبْرٌ مَا بَعْدَكُمْ وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَهُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ مَنْ وُلَاهُ مِنْ جَبَّارٍ فَعَمِلَ بِغَيْرِهِ قَصَدَ حَمَهُ اللَّهُ وَ مِنْ التَّمَسُّسِ الْهَدَى فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ وَهُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَهُوَ الذِّكْرُ الْحَكِيمُ وَهُوَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ لَا تَزِيغُهُ الْأَهْوَاءُ وَلَا تُلَبِّسُهُ الْأَلْسِنَةُ وَلَا يَخْلُقُ عَنِ الرَّدِّ وَلَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ وَلَا يَشْبَعُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ هُوَ الَّذِي لَمْ تُكِنَّهُ الْجِنَّ إِذْ سَمِعَهُ أَنْ قَالُوا: (إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ

ص: 30

1- عنه بحار الأنوار: 17/92 ح 16 فيه: بأسانيد عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله، و البرهان في تفسير القرآن: 19/1 ح 4، و نور الثقلين: 13/4 ح 47. الكافي: 598/2 ح 2 عنه وسائل الشيعة: 171/6 ح 7657 قطعة منه، أعلام الدين: 333 (الحديث الخامس)، فيه: عن أبي سعيد الخدري قال: خطبنا رسول الله صلى الله عليه و آله عنه البحار: 177/74 ح 5 إرشاد القلوب: 79/1 (باب 19 في قراءة القرآن) مرسل وبتفاوت، النوادر للراوندي: 143، عنه البحار: 134/77 ح 46، و 179 إرشاد القلوب: 79/1 (الباب التاسع، عشر في قراءة القرآن)، كنز العمال: 288/2 ح 4027 بتفاوت يسير في الجميع.

منزل های حکمت آمیز و راهنمایی (برای کردار گفتار و برنامه های) خوب و مفید، (تمامی آن ها) برای کسی است که نسبت به آن ایمان و معرفت داشته باشد.

(2) - از یونس بن عبد الرحمان از حارث اعور روایت کرده است که گفت:

بر امیر المؤمنین علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: ای امیر مؤمنان! هنگامی که در محضر شما هستیم چیزی ما می شنویم که دین و ایمان ما محکم می گردد و چون از نزد شما بیرون می رویم چیز های گوناگونی را می شنویم که سرگردان کننده است؛ نمی دانیم این تغییر حالت برای چیست؟

فرمود: آیا آن ها چنین حرکاتی را انجام داده اند؟ عرضه داشتم: بلی.

فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! به زودی در بین امت توفتنه و آشوبی تحقق می یابد

گفتم: راه چاره چیست؟

گفت: ارتباط با کتاب خدا که اخبار و جریانات گذشته و آیندگان و هم چنین شرح وظایف کنونی شما در آن وجود دارد این کتاب تشریح حقایق و واقعیات است هر ستمگری که آن را وسیله قرار دهد و بر خلاف آن عمل کند خداوند او را بر زمین زند و کسی که از غیر آن هدایت جوید خداوند گمراهش نماید.

و این کتاب ریسمان محکم خدا تذکر دهنده و یاد آورنده ای حکیم و صراط مستقیم است؛ هوا ها و امیال آن را منحرف و کج نمی گرداند و به وسیله زبان ها پوشانده و پنهان نگردد؛ به وسیله رد کردن و یا ایراد گرفتن کهنه و مندرس نشود؛ شگفتی هایش پایان نیابد دانشمندان از آن سیر و بی رغبت نمی شوند آن چنان کتابی است که جنیان در آن نفوذ نکرده و هنگامی که (نزول) قرآن را شنیدند گفتند: یعنی «به راستی که ما قرآن شگفت آوری را شنیدیم * که به سوی سعادت و کمال هدایت می نماید و ما به آن ایمان آوردیم و به پروردگاران شرک نمی آوریم».

هر که آن را بپذیرد و بر طبق آن عمل نماید مأجور است و هر که به آن چنگ

بِرَبِّنَا أَحَدًا) (1)، مَنْ قَالَ بِهِ صُدِّقَ وَ مَنْ عَمِلَ بِهِ أُجِرَ وَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِهِ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ هُوَ الْكِتَابُ الْعَزِيزُ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ. (2)

[3]/3 - عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ (3)، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:

[لَمَّا] حَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ اِنصَرَفَ عَلَى النَّاسِ - فَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ نَبَأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُ لَنْ يَعْمَرَ مِنْ نَبِيِّ إِلَّا - نَصَفَ عُمُرَ الَّذِي يَلِيهِ مِمَّنْ قَبْلَهُ وَ إِنِّي لَا أَظُنُّنِي أَوْشَكَ أَنْ أُدْعَى فَأُجِيبَ، وَ إِنِّي مَسْئُولٌ وَ إِنِّكُمْ مَسْئُولُونَ، فَهَلْ بَلَّغْتُمْ؟ فَمَاذَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ؟

قَالُوا: نَشْهَدُ بِأَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ جَاهَدْتَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا خَيْرًا

ص: 32

1- سورة الجن: 1/72 - 2.

2- عنه بحار الأنوار: 24/92 ح 25، و البرهان في تفسير القرآن: 19/1 ح 5. مجمع البيان: 45/1، اعلام الدين: 99، فيه: روى الشيخ الفقيه أبو الفتح الكراچكي في كتابه كنز الفوائد، مرفوعاً إلى الحارث الأعور، مناقب أمير المؤمنين عليه السلام لمحمد بن سليمان الكوفي: 30 بتفاوت يسير، و نحوه شرح الأخبار: 310/2 ح 6321، كشف الغمّة: 48/1 عن زيد بن أرقم قال: أقبل نبيّ الله من حجّة الوداع حتّى إذا نزل بغدير الجحفة - بين مكّة و المدينة - قام بالدوحات فقم ما تحتهنّ من شوك و نادى الصلاة جامعة قال: فخرجنا إلى رسول الله صلى الله عليه و آله في يوم شديد الحرّ و إنّ منّا من يضع بعض رداءه تحت قدميه من شدّة الرمضاء حتّى انتهينا إلى رسول الله صلى الله عليه و آله فصلّى بنا ثمّ انصرف فقال... بتفاوت يسير، و نحوه الصوارم المهركة: 180، سنن الترمذي: 172/5 ح 2906، سنن الدارمي: 435/2، و المصنّف لابن أبي شيبة: 164/7 ح 2 و الدرّ المنثور للسيوطي: 337/6، و كنز العمال: 1 / 375 ح 1636 بتفاوت يسير في الجميع .

3- المفضل بن صالح، عدّه الشيخ في رجاله من أصحاب الصادق عليه السلام، قاتلاً: أبو عليّ مولى بنى أسد يكنّى بأبي جميلة مات في حياة الإمام الرضا عليه السلام راجع قاموس الرجال: 203/10 رقم 7695، و رجال الشيخ: 307 رقم

زند به سوی صراط مستقیم هدایت می شود این کتابی شریف، نیرومند و بی مانندی است که باطل - نه از پیش رو و نه از پشت سر - در آن راه ندارد؛ کتابی است که از طرف خدای حکیم و حمید نازل شده است.

(3) - از ابو جمیل مفضل بن صالح نقل نموده که یکی از اصحاب گفته است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جمعه بعد از نماز ظهر رو به مردم نمود و خطبه ای برای آنان ایراد نمود ای مردم! خداوند مرا خبر داده که هر پیامبری نصف عمر پیامبر قبل از خود را می نماید من گمان می کنم که به زودی دعوت حق را لبیک گویم از من سؤال خواهند کرد و از شما نیز سؤال خواهد شد؛ سپس از آن فرمود: آیا من رسالت خود را به شما رسانده ام؟! شما چه می گوئید؟

گفتند: ما گواهی می دهیم که شما تبلیغ رسالت نمودی و نصیحت کردی و در راه خدا جهاد نمودی خداوند جزای خیر به شما عنایت کند
اظهار نمود: خدایا تو شاهد باش

آن گاه فرمود: ای مردم! مگر شما گواهی نمی دهید که خدائی جز آفریدگار جهان نیست؟ و اینکه محمد بنده و رسول اوست؟ و بهشت حق است و جهنم واقعیت دارد؟ و زنده کردن بعد از مرگ حق است؟
گفتند: (خداوندا)، بلی.

اظهار نمود: خدایا تو گواه باش بعد فرمود: ای مردم! به راستی خدا مولای من است و من نسبت به مؤمنین از جانشان اولی تر هستم بدانید که هر کس من سرور و رهبر اویم علی نیز سرور و رهبر اوست خدایا دوست بدار هر که علی را ولی خود بداند و دشمن بدار هر که علی را دشمن دارد

بعد از آن فرمود: ای مردم! من (در رفتن سفر آخرت) بر شما سبقت می گیرم

و شما در کنار حوض (کوثر) بر من وارد می شوید حوضی که پهنای آن به اندازه فاصله بین بصره و صنعاء است در آن حوض به تعداد ستارگان قدح های نقره ای است بدانید که وقتی در کنار حوض بر من وارد شوید من از شما راجع به دو ذخیره گران بها پرسش می کنم مواظب باشید که با آن دو، پس از من چگونه رفتار خواهید کرد.

گفتند: ای رسول خدا! آن دو ذخیره گرانب ها چیست؟

فرمود: ذخیره اکبر، کتاب خداست که یک طرف آن به دست خدا و یک طرف دیگرش به دست شماست به آن تمسک جوئید تا گمراه نشوید و خوار نگردید؛ و ذخیره اصغر، عترت و اهل بیت من هستند خداوند لطیف و خبیر به من اطلاع داده است که آن ها از یک دیگر جدا نخواهند شد تا بر من وارد شوند من نیز از خداوند همین را درخواست داشتم ام و او اجابت نمود، پس بر آن ها سبقت نگیرید که گمراه می شوید و از آنان عقب نمانید و گرنه هلاک خواهید شد و به چیزی نیاموزید که از شما داناترند

4) - از ابو عبد الله مولى بنى هاشم از ابو سخیله روایت کرده است که گفت:

من با سلمان از کوفه برای انجام حجّ حرکت نمودیم چون به ابادر برخوردیم اظهار داشت: پس از من فتنه و آشوبی بر پا شود - که خواهد شد - بر شما باد که دو موضوع را از دست ندهید: که یکی کتاب خداوند و دیگری علی بن ابی طالب است؛ زیرا که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی علیه السلام اشاره فرمود: این اول کسی است که به من ایمان آورد؛ اول کسی است که در قیامت با من مصافحه می کند؛ راست گویی بزرگ است؛ فارق و جدایی انداز بین حق و باطل می باشد علی علیه السلام رئیس و پیشوای مؤمنین است و ثروت پیشوای منافقین

ص: 35

يُنَ الْحَقُّ وَالْبَاطِلُ، وَهُوَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الْمُنَافِقِينَ. (1)

[5]/5 - عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام:

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْمَدِينَةِ فَكَانَ فِيهَا قَالَ لَهُمْ الْحَدِيثَ (2)

[6]/6 - عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَمَا وَجَدْتُمْ آيَةً نَجَا بِهَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَأَعْمَلُوا بِهِ، وَمَا وَجَدْتُمُوهُ هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَاجْتَنِبُوا (3)

[7]/7 - عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْحَسَّابِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُرْفَعُ الْأَمْرُ وَالْخِلَافَةُ إِلَى آلِ أَبِي بَكْرٍ أَبَدًا وَلَا إِلَى آلِ عُمَرَ وَلَا إِلَى آلِ بَنِي أُمَيَّةَ وَلَا فِي وُلْدِ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرِ أَبَدًا وَذَلِكَ أَنَّهُمْ بَتَرُوا الْقُرْآنَ وَأَبْطَلُوا السُّنَنَ وَعَطَّلُوا الْأَحْكَامَ

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الصَّلَاةِ وَتَبْيَانٌ مِنَ الْعَمَى وَاسْتِقَالَةٌ مِنَ الْعَثْرَةِ وَنُورٌ مِنَ الظُّلْمَةِ وَصِيَاءٌ مِنَ الْأَحْزَانِ وَ عِصْمَةٌ مِنَ الْهَلَاكَةِ وَرُشْدٌ مِنَ الْغَوَايَةِ وَبَيَانٌ مِنَ الْفِتَنِ وَبَلَاغٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَفِيهِ كَمَالُ دِينِكُمْ

ص: 36

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 26/92 ح 27، والبرهان في تفسير القرآن: 20/1 ح 6. الأمامي للطوسي: 147 ح 242 (المجلس الخامس فيه بقية أحاديث) بإسناده عن أبي سخيطة، قال: حججت أنا و سلمان الفارسي، فمررنا بالربذة و جلسنا إلى أبي ذر الغفاري، عنه، عنه البحار 424/22 ح 34، ونحوه بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله: 84 و 103 و 152، عنه البحار: 38: 217 ح 22 شرح الأخبار: 257/2 ح 559 بتفاوت يسير، وكشف الغمة: 385/1 (فصل في - ذكر مناقب شتي)، ونحوه تاريخ مدينة دمشق: 41/42 و فرائد السمطين: 140/1، سير أعلام النبلاء: 73/23 مختصراً ونحوه مجمع الزوائد: 102/9
- 2- البرهان في تفسير القرآن: 20/1 ذيل ح 6.
- 3- عنه بحار الأنوار: 94/92 ح 43، والبرهان في تفسير القرآن: 20/1 ح 7.

5) - از زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه خطبه ای را ایرد نمود در ضمن آن فرمود: ...

6) - از داود بن فرقد روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر شما باد به قرآن پس هر آیه ای را یافتید که پیشینیان شما به وسیله آن نجات یافته اند به آن عمل نمایید و هر چه را دیدید که باعث نابودی پیشینیان شما گردیده است، از آن اجتناب ورزید.

7) - از حسن بن موسی خشاب نقل کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: امر خلافت در دودمان ابو بکر و عمر هرگز باز نگردد، نه در بنی امیه و نه در فرزندان طلحه و زبیر باز نخواهد گشت برای آن که اینان قرآن را به یک سوره ها و سنت ها (ی رسول خدا صلی الله علیه و آله را باطل و احکام الهی) را تعطیل (و بی اهمیّت رها) کردند

و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: قرآن راهنمایی در گمراهی ها، بینائی برای هر کوری است؛ و سبب بخشش و گذشت از لغزش ها و روشنی در هر (نوع) تاریکی و نوری از غم و اندوه ها خواهد بود سدی در برابر پیشامد ها (و بدعت ها)، است نگاهدارنده از هر هلاکتی ره جوئی در هر گمراهی و بیانگر هر فتنه و اشتباهی است انسان را (از پستی های دنیا به سعادت های) آخرت می رساند و در آن کمال دین شماسست.

پس توصیف رسول خدا صلی الله علیه و آله برای قرآن این گونه می باشد که هیچ کس از قرآن روی گردان نشود جز به سوی دوزخ

فَهَذِهِ صِفَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْقُرْآنِ وَمَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلَّا إِلَى النَّارِ. (1)

[8]/8 - عن مسعدة بن صدقة ، قال :

قال أبو عبد الله : إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ عَلَيْهَا يَسْتَدُّ يَرْمَحُ الْقُرْآنَ وَبِهَا يُوهَبُ الْكُتُبُ وَيَسْتَبِينُ الْإِيْمَانُ ، وَقَدْ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُقْتَدَى بِالْقُرْآنِ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَذَلِكَ حَيْثُ قَالَ فِي آخِرِ خُطْبِهِ خُطْبَهَا : إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ : الثَّقَلَ الْأَكْبَرَ ، وَالثَّقَلَ الْأَصْغَرَ ؛ فَأَمَّا الْأَكْبَرُ فَكِتَابُ رَبِّي ، وَأَمَّا الْأَصْغَرُ فَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي ، فَاحْفَظُونِي فِيهِمَا ، فَلَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا. (2)

[9] /9 - عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ : سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقُرْآنِ ؟

فَقَالَ لِي : هُوَ كَلَامُ اللَّهِ . (3)

[10] / 10 - وَعَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، قَالَ :

قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ أُمَّتَكَ سُنْفُسُنْ ، فَسُئِلَ مَا الْمَخْرَجُ مِنْ ذَلِكَ ؟

فَقَالَ : كِتَابُ اللَّهِ الْعَزِيزِ الَّذِي لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ فِي غَيْرِهِ أَضَلَّهُ اللَّهُ ، وَمَنْ وَلِيَ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ جَبَّارٍ فَعَمِلَ بِغَيْرِهِ قَصَمَهُ اللَّهُ ، وَهُوَ الذِّكْرُ الْحَكِيمُ ، وَالنُّورُ الْمُبِينُ ، وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ . فِيهِ خَيْرٌ مَا كَانَ قَبْلَكُمْ ، وَتَبَأُ مَا بَعْدَكُمْ ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ ، وَهُوَ الْفَصْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ ، وَهُوَ

ص : 38

1- عنه بحار الأنوار: 94/9 ح 43 ، و البرهان في تفسير القرآن : 20/1 ح 8 . الكافي : 600/2 ح 8 عنه البحار : 26/89 ح 28 .

2- عنه بحار الأنوار: 142/23 ذيل ح 92 أشار إليه ، و 27/92 ح 29 ، البرهان في تفسير القرآن : 26/1 ح 8

3- عنه بحار الأنوار: 120/92 ح 7 ، و البرهان في تفسير القرآن : 20/1 ح 9 .

8) - از مسعدة بن صدقه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند ولایت ما اهل بیت را قطب و محور قرآن و محور تمامی کتاب های آسمانی قرار داد؛ محکّمات قرآن بر گرد این موضوع می گردد که کتاب ها (ی آسمانی هم) به آن اشاره نموده اند و ایمان به وسیله آن آشکار می شود.

و همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد که به قرآن و به آل محمد علیهم السلام اقتدا شود و این در آخرین خطبه ای بود که ایراد نمود و فرمود: من در میان شما دو ذخیره ای گران بها برجای می گذارم: ذخیره اکبر و ذخیره اصغر.

اما اکبر کتاب پروردگام است و اصغر عترت من - اهل بیتم - خواهند بود حُرمت مرا در مورد آن ها رعایت کنید که اگر به آن ها تمسّک جوئید هرگز گمراه نخواهید شد.

9) - از فضیل بن یسار روایت کرده است که گفت:

از امام رضا علیه السلام (درباره قرآن) سؤال کردم؟ فرمود: قرآن سخن خداوند است.

10) - از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته شد: به راستی امت تو به زودی مورد فتنه ها و دسیسه ها قرار می گیرد سؤال شد که راه نجات چگونه است؟

فرمود: تمسّک به کتاب عزیز، خداوند که باطل - نه از پیش رو و نه از پشت سر - در آن راه ندارد، کتابی است که از طرف خدای حکیم و حمید نازل گردیده؛ هر که دانش را در غیر آن جستجو کند خداوند او را گمراه کند و کسی که در این امر (ولایت و امامت) از ستمگری پیروی نماید و به غیر از قرآن عمل کند خداوند او را با شکست مواجه کند قرآن تذکر دهنده و یادآورنده ای حکیم و نوری روشنایی بخش و صراطی مستقیم است.

ص: 39

الَّذِي سَمِعْتَهُ الْجِنُّ فَلَمْ تَنَاهَا أَنْ قَالُوا: (إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَنَأْمَنُ بِهِ) (1)، لَا يَخْلُقُ عَلَى طُولِ الرَّدِّ، وَلَا تَنْقُضِي عِبْرَهُ،
وَلَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ (2)

[11]/11 - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ لَمَّا خَلَقَ الْخَلْقَ فَجَعَلَهُ فِرْقَتَيْنِ، فَجَعَلَ خَيْرَتَهُ فِي إِحْدَى الْفِرْقَتَيْنِ، ثُمَّ جَعَلَهُمْ أَثْلَاثًا فَجَعَلَ خَيْرَتَهُ فِي إِحْدَى الْأَثْلَاثِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَخْتَارُ حَتَّى اخْتَارَ عَبْدَ مَنَافٍ، ثُمَّ اخْتَارَ مِنْ عَبْدِ مَنَافٍ هَاشِمًا، ثُمَّ اخْتَارَ مِنْ هَاشِمٍ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ، ثُمَّ اخْتَارَ مِنْ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَبْدَ اللَّهِ، وَاخْتَارَ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ أَطْيَبَ النَّاسِ وَلَاذَةً وَأَطْهَرَهَا، فَبَعَثَهُ اللَّهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا فِي الْكِتَابِ تَبَيَّنَتْهُ. (3)

[12]/12 - عَنْ عَمْرِو بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدْعُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَبَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ، وَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَدًّا وَجَعَلَ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ، وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حَدًّا. (4)

ص: 40

1- سورة الجن : 1/72 - 2.

2- عنه بحار الأنوار: 27/92 ح 30، و البرهان في تفسير القرآن : 20/1 ح 10 . إعجاز القرآن للباقلاني : 185 .

3- عنه بحار الأنوار : 94/92 ح 44 فيه : عن محمد بن حمدان و البرهان في تفسير القرآن : 21/1 ح 11 . المحاسن للبرقي : 267/1 ح 354 (باب 36) عنه البحار : 89/89 ح 33

4- عنه البرهان في تفسير القرآن : 21/1 ح 12 . الكافي : 59/1 ح 2، عنه وسائل الشيعة : 16/28 ح 34103، بصائر الدرجات : 6 - 3 بتفاوت يسر (باب - 3 معرفة العالم الذي من عرفه) عنه البحار : 84/89 ح 16 .

اخبار گذشتگان پیش از شما، جریانات دوران خودتان و حوادث بعد از شما، در آن موجود می باشد این کتاب تشریح حقایق و واقعیات است آن چنان کتابی که جنیان (هنگام نزول قرآن) شنیدند ولی به آن دست نیافتند و گفتند: «به راستی که ما قرآن شگفت آوری را شنیدیم* که به سوی سعادت و کمال هدایت می نماید پس به آن ایمان آوردیم» به وسیله ردّ و ایراد کهنه و مندرس نشود عبرت ها و شگفتی هایش نابود نگردد (آری) شگفتی های این کتاب بی پایان است.

(11) - از محمد بن حُمران روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: موقعی که خداوند بندگان را آفرید، آن ها را دو گروه قرار داد پس برترین مخلوق خود را در یکی از آن دو گروه قرار داد و ایشان را سه دسته گردانید؛ برترین مخلوق خود را در یکی از آن سه قرار داد سپس بر همین شیوه برترین ها را برگزید تا آن که عبد مناف را انتخاب نمود و از عبد مناف هاشم را و از هاشم عبد المطلب را و از عبد المطلب، عبد الله را و از عبد الله محمد رسول الله صلی الله علیه وآله و سلم را برگزید که از جهت ولادت پاک و پاکیزه ترین مردمان بود؛ پس خداوند او را بر حقّ و بشارت دهنده و انذار کننده بندگان مبعوث نمود و کتابی را بر او نازل کرد که چیزی موجود نیست مگر آن که در آن کتاب تبیین گشته است.

(12) - از عمرو بن قیس روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: به راستی که خداوند تبارک و تعالی چیزی را که مورد نیاز این امت تا قیامت باشد رها نکرده مگر آن که در کتاب (قرآن) بیان کرده و بر رسول گرامی اش نازل کرده است و برای هر چیزی محدوده ای همراه با راهنما و دلیل قرار داده است و هر کس از آن حدود تجاوز نماید برایش مجازات مقرر نموده است.

13 / [13] - عن زرارة، قال : سألتُ أبا جَعْفَرٍ عليه السلام عن القرآن؟

فَقَالَ لي: لا خَالِقٌ ولا مَخْلُوقٌ (1)، وَلِكِنَّهُ كَلَامُ الخَالِقِ (2)

14 / [14] - عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ ، قال : سَأَلْتُهُ عَنِ الْقُرْآنِ ، أَخَالِقُ هُوَ؟

قال : لا ، قُلْتُ : أَمَخْلُوقٌ؟

قال : لا ، وَلِكِنَّهُ كَلَامُ الخَالِقِ - يَعْنِي أَنَّهُ كَلَامُ الخَالِقِ بِالْفِعْلِ - (3)

15 / [15] - عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

خَطَبَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُطْبَةً فَقَالَ فِيهَا :

نَسَبَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِكِتَابٍ فَصَّلَهُ وَأَحْكَمَهُ وَأَعَزَّهُ وَحَفِظَهُ بِعِلْمِهِ وَأَحْكَمَهُ بِنُورِهِ وَ
أَيْدَهُ بِسُلْطَانِهِ وَكَلَامَهُ مَنْ لَمْ يَتَنَزَّهْ هَوَى لَا (4) تَمِيلُ بِهِ شَهْوَةٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ وَلَا يُخْلِقُهُ
طُولُ الرَّدِّ وَلَا يَفْنَى عَجَائِبُهُ مَنْ قَالَ بِهِ صِدْقٌ وَمَنْ عَمِلَ أَجْرًا وَمَنْ خَاصَمَ بِهِ فَلَجَّ وَمَنْ قَاتَلَ بِهِ نُصِرَ وَمَنْ قَامَ بِهِ

ص: 42

1- هذا الخبر وأشباهه مما يتمسك به في البحث عن مخلوقية القرآن، وقد عنونه كثير من العلماء والمحدثين من الخاصة وغيرهم في كتبهم، فراجع البحار: 147/2 و 31/19، و كتاب البيان في تفسير القرآن: 283/1، و كتاب الملل والنحل (ط مصر): 117/1، و تاريخ الخلفاء: 207، وغير ذلك.

2- عنه بحار الأنوار: 120/92 ح 8 و البرهان في تفسير القرآن: 21/1 ح 13،، الأماشي للصدوق: 545 ح 12 (المجلس 81) بإسناده عن الحسين بن خالد، قال: قلت للرضا عليه السلام... ونحوه التوحيد: 223 ح 1، عنهما البحار: 117/89 ح 1.

3- عنه بحار الأنوار: 120/92 ح 9، و البرهان في تفسير القرآن: 21/1 ح 14.

4- في النسخ أو، و ما أثبتناه فمن البحار.

(13) - و از زرارہ روایت کرده است کہ گفت: از امام باقر علیہ السلام پیرامون قرآن سؤال کردم؟

فرمود: قرآن نہ خالق است و نہ مخلوق، بلکہ سخن و کلام خالق (خداوند) است.

(14) - نیز زرارہ گفت:

از آن حضرت پیرامون قرآن سؤال کردم کہ آیا خالق است؟

فرمود: نہ گفتم: آیا مخلوق است؟

فرمود: نہ ولکن سخن خالق است - یعنی قرآن سخن خالق می باشد کہ بہ فعلیت و حالت کنونی در آمدہ است -

(15) - از مسعدہ بن صدقہ از امام صادق از پدر و جدّ بزرگوارش علیہم السلام، روایت نموده است کہ فرمود:

امیر مؤمنان علی علیہ السلام خطبہ ای خواند و در آن فرمود: شہادت می دہیم کہ خدایی جز خدای یگانه نیست و شریکی ندارد؛ و این کہ حضرت محمد صلی اللہ علیہ و آلہ بنده و رسول اوست او را با کتابی (قرآن) محکم و روشن و آیاتی ماندگار (برای راهنمایی بشر) محفوظ (از دستبرد اجانب) فرستاد با نور حکمت خود محکمش نمود و با قدرت خود تأیید و پایدارش، گردانید آن را دور نمود از این کہ هواها پراکنده و متلاشی اش کند و یا شہوات متمایل آن شود و یا باطل نتواند - از پیش رو و نہ از پشت سر - در آن راه یابد کتابی است کہ از طرف خدای حکیم و حمید نازل گردیدہ ایراد شبہہ ها آن را کهنہ و تضعیف نکند شگفتی هایش نابود و فانی نگردد ہر کہ گویای بہ آن باشد راست گو ہر کہ بر طبق آن عمل نماید مأجور؛ ہر کہ بہ وسیلہ آن بہ پا ایستد بہ سوی صراط مستقیم ہدایت یابد.

ص: 43

هُدًى إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ فِيهِ نَبَأٌ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَالْحُكْمُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَخَيْرَةٌ مَعَادِكُمْ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَأَشْهَدَ الْمَلَائِكَةَ بِتَصْدِيقِهِ

قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَجْهُهُ: (لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ، وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا) (1)، فَجَعَلَهُ اللَّهُ نُورًا يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَقَالَ: (فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ) (2)، وَقَالَ: (أَتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ وَأُولِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ) (3)

وَقَالَ: (فَاسْتَتِيمْ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (4)، فَفِي اتِّبَاعِ مَا جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ وَفِي تَرْكِهِ الْخَطَأُ الْمُبِينُ قَالَ: (فَإِذَا يَأْتِيَنكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْغَى) (5)، فَجَعَلَ فِي اتِّبَاعِهِ كُلَّ خَيْرٍ يُرْجَى فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَالْقُرْآنُ أَمْرٌ وَرَاجِرٌ حُدَّ فِيهِ الْحُدُودُ وَسُنَّ فِيهِ الْأَسْئُنُ وَضُرِبَ فِيهِ الْأَمْثَالُ، وَشُرِعَ فِيهِ الدِّينُ إِعْذَارًا مِّن نَّفْسِهِ وَحُجَّةً عَلَى خَلْقِهِ أَخَذَ عَلَى ذَلِكَ مِيثَاقَهُمْ وَارْتَهَنَ عَلَيْهِ أَنْفُسَهُمْ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَأْتُونَ وَمَا يَنْتَفُونَ (لِيَهْلِكَ مَن هَلَكَ عَن بَيْنِهِ وَيَحْيَى مَن حَيَّ عَن بَيْنِهِ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ). (6). (7)

ص: 44

1- سورة النساء: 166/4 .

2- سورة القيامة: 18/75

3- سورة الأعراف: 3/7

4- سورة هود 112/11

5- سورة طه: 123/20

6- سورة الأنفال: 42/8

7- عنه بحار الأنوار: 25/92 ح، 26، و البرهان في تفسير القرآن: 21/1 ح 15 .

در آن سرگذشت پیشینان شما و احکام و برنامه ها معاد و قیامت شما را (بر دنیای فانی) برتری داد آن را با علم خود نازل کرد و فرشتگان را بر تصدیق آن گواه گرفت که خداوند جلیل فرموده است: «و لکن خداوند به آن چه بر تو فرستاده گواهی می دهد که با علم خویش نازل کرده و فرشتگان نیز گواهی می دهند هر چند که گواهی خداوند کفایت می کند».

پس آن را نوری قرار داد که هدایت گر کسانی باشد که ثابت و پا برجا هستند؛ و فرمود: هر گاه آن را خواندی از آن پیروی نما و با آن همراه باش؛ و فرمود: از چیزی که از طرف پروردگارتان برای شما نازل گشته پیروی نمایید و با غیر خدا مأنوس نشوید و از آن ها پیروی نکنید که افراد اندکی از شما متذکر خواهید شد و فرمود: «پس بر همان گونه که دستور یافته ای با کسانی که با تو (به سوی خدا آمده و) توبه نموده اند، محکم و با استقامت باش و طغیان نکنید که آن چه را انجام دهید خداوند به آن بینا است».

بنابراین در پیروی آن چه از سوی خدا آمده سعادت عظیم و در رهایی از آن اشتباهی آشکار خواهد بود که فرموده است: « پس هرگاه هدایت من بر شما آمد هر کس از آن پیروی کند نه گمراه خواهد شد و نه در شقاوت قرار گیرد» پس تمام خیر های دنیا و آخرت را در پیروی از آن قرار داد.

پس قرآن هم امر کننده است و هم بیم دهنده حدی است که در آن حدّ و مرزها تعیین گشته در آن روش ها و آداب اخلاقی ترسیم شده ضرب المثل ها (ی سازنده)، مطرح گشته مسایل دین در آن تشریح گردیده تا آن که عذر موجه خود را بیان نماید و حجّتی برای بندگان باشد و بر این مطلب از ایشان عهد و پیمان گرفته و خودشان را بر آن شاهد گرفت تا آن چه را که انجام داده و آن چه را که رعایت و اجتناب کرده اند

16 / [16] - عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْقُرْآنِ؟

فَقَالَ: لَعَنَ اللَّهُ الْمُرْجِيَّةَ (1) وَلَعَنَ اللَّهُ أَبَا حَنِيفَةَ [أبا عبيدة]، أَنَّهُ كَلَّمَ اللَّهَ غَيْرَ مَخْلُوقٍ حَيْثُ مَا تَكَلَّمْتَ بِهِ، وَحَيْثُ مَا قَرَأْتَ وَنَطَقْتَ فَهُوَ كَلَامٌ وَخَبْرٌ وَقِصَصٌ. (2)

17 / [17] - عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ وَهُوَ الصَّادِقُ الْبَرُّ، فِيهِ خَبْرُكُمْ وَخَبْرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَخَبْرُ مَنْ بَعْدَكُمْ، وَخَبْرُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَلَوْ أَنَّكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَتَعَجَّبْتُمْ مِنْ ذَلِكَ. (3)

ص: 46

1- وهم الذين يعتقدون بأنه لا يضرّ مع الإيمان، معصية، كما لا ينفع مع الكفر طاعة، وقيل غير ذلك

2- عنه بحار الأنوار: 120/92 ح 10 ، و البرهان في تفسير القرآن: 22/1 ح 16 .

3- عنه بحار الأنوار: 90/92 ذيل ح 35 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 22/1 ح 17. المحاسن: 267/1 ح 353(36) ، باب إنزال

الله في القرآن تبياناً) بتفاوت يسير، عنه البحار 90/92 ح 35 ، الكافي: 599/2 ح 3 ، و نور الثقلين: 77/3 ح 189

اخبار گذشتگان پیش از شما جریانات دوران خودتان در آن موجود است برایشان تبیین کند «تا آن که از روی حجّت و برهان هلاک (و گمراه) شوند و از روی حجّت و برهان زنده (و هدایت) گردند و به راستی که خداوند شنوا و داناست.»

16- از یاسر خادم روایت کرده است که گفت:

از امام رضا علیه السلام درباره قرآن سؤال شد؟

فرمود: خدا لعنت کند (طایفه) مُرجئه (1) را، خدا لعنت کند ابو حنیفه (ابو عییده) را به راستی که قرآن بدون آن که مخلوق باشد به هر طوری که قرائت نمائی و بر زبان جاری کنی سخن خداست بر راستی که قرآن (مجموعه ای از) سخنان اخبار و داستان ها می باشد

17- از سماعه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند کتابی را بر شما نازل کرد که راست گو و نیکو است در آن احوال شما اخبار گذشتگان و آیندگان بعد از شما اخبار آسمان و زمین را در بر دارد چنان چه از آن اخبار برایتان بیان شود، به شگفت درآیید.

ص: 47

1- آن ها گروهی هستند که عقیده دارند با داشتن ایمان گناه و معصیت ضرری نمی رساند هم چنان که با کفر اطاعت (و عبادت) سودی نخواهد داشت.

باب ترك رواية التي بخلاف القرآن

[1]/18 - عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي خُطْبَةٍ بِمِنَى أَوْ بِمَكَّةَ - : يَا أَيُّهَا النَّاسُ! مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ الْقُرْآنَ فَأَنَا قُلْتُهُ وَمَا جَاءَكُمْ عَنِّي لَا يُوَافِقُ الْقُرْآنَ فَلَمْ أَقُلْهُ. (1)

[2] / 19 - عن إسماعيل بن أبي زياد السكوني، عن أبي جعفر، عن أبيه، عن علي صلوات الله عليهم، قال :

الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِفْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ وَتَرْكُكَ حَدِيثًا لَمْ تُرَوْهُ خَيْرٌ مِنْ رِوَايَتِكَ حَدِيثًا لَمْ تُحْصِهِ، إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ (2)

[3]/20 - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

(يَا مُحَمَّدُ، مَا جَاءَكَ فِي رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يُوَافِقُ الْقُرْآنَ فَخُذْ بِهِ، وَمَا جَاءَكَ فِي

ص: 48

1- عنه بحار الأنوار: 244/2 ح 49، والبرهان في تفسير القرآن: 73/1 ح 7، و مستدرك الوسائل: 304/17 ح 21414 المحاسن: 221/18 ح 120، (باب 11، الاحتياط في الدين) عنه البحار: 242/2 ح 39.

2- عنه بحار الأنوار: 165/2 ح 25 و 243 ذيل ح 44 أشار إليه، و وسائل الشيعة: 171/27 ح 33520 قطعة منه، و البرهان في تفسير القرآن: 73/1 ح 8 و مستدرك الوسائل: 303/17 ح 21415. المحاسن: 226/12 ح 150، (باب 14، حقيقة الحق) فيه: عن قوله: إن على كلِّ حقٍّ.... عن رسول الله صلى الله عليه وآله عنه البحار: 243/2 ح 44 و 259 ح 7 قطعة منه، و نحوه الكافي: 65/1 ح 1 عنه وسائل الشيعة: 109/27 ح 33343، و الأماي للصدوق: 367 ح 16، (اللمجلس 57) عنه البحار: 227/2 ح 4.

باب - رها کردن روایات مخالف قرآن

(1) - از هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در منی - یا مکه - خطبه ای ایراد نمود و فرمود: ای مردم! آن چه که از من به شما رسد اگر موافق کتاب خدا بود، آن را گفته ام و آن چه بر خلاف کتاب خدا باشد آن را نگفته ام.

(2) - و از سکونی از امام باقر علیه السلام، به نقل از پدر بزرگوارش علیهما السلام روایت کرده که فرمود:

امام علی علیه السلام فرمود: تأمل و توقف نزد چیزی که شبهه ناک و حق از باطل نا معلوم است بهتر از افتادن در سختی هلاکت و تباه شدن می باشد؛ ترک نمودن حدیث و سخنی که آن را (از دیگری) روایت نکرده ای برای بهتر است از روایت حدیثی که آن را خوب حفظ نکرده ای به درستی که برای هر جریان حقی و واقعی است و در هر جریان، درستی نوری وجود دارد پس هر آن چه که موافق کتاب خدا (قرآن) است آن را دریافت کنید و آن چه را که مخالف کتاب خداست رهاش نمایید

(3) - و از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: ای محمد! اگر روایتی به شما رسید و چه گوینده آن، خوب و چه بد باشد، چنان چه آن روایت با قرآن موافقت کند آن را بگیر و (بر طبق آن) عمل کن؛ ولی اگر با قرآن مخالف بود آن را مورد عمل قرار مده

رَوَايَهُ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يُخَالِفُ الْقُرْآنَ فَلَا تَأْخُذُ بِهِ. (1)

21 / [4] - عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحَرِّ، قَالَ :

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ ، وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ ، فَهُوَ زُخْرُفٌ (2)

22 / [5] - عَنْ كُتَيْبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : مَا أَتَاكُمْ عَنَّا مِنْ حَدِيثٍ لَا يُصَدِّقُهُ كِتَابُ اللَّهِ فَهُوَ بَاطِلٌ (3).

23 / [6] - عَنْ سَدِيدِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَابْنِ أَبِي عَدَدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولَانِ : لَا يُصَدِّقُنَا إِلَّا بِمَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (4).

24 / [7] - عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

إِذَا كَانَ جَاءَكَ الْحَدِيثَانِ الْمُخْتَلِفَانِ فَتَسْأَلُهُمَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَعَلَى أَحَادِيثِنَا، فَإِنْ أَشْبَهَهُمَا فَهُوَ حَقٌّ وَإِنْ لَمْ يُشْبَهْهُمَا فَهُوَ بَاطِلٌ (5).

ص: 50

-
- 1- عنه بحار الأنوار : 244/2 ح 50، و البرهان في تفسير القرآن : 73/1 ح 9 و مستدرک الوسائل : 304/17 ح 21416 .
 - 2- عنه بحار الأنوار: 242/2 ذيل ح 37 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن : 73/1 ح 10 و مستدرک الوسائل : 303/17 - 21417 .
 - المحاسن : 220/1 ح 128 عنه البحار : 242/2 ح 37 ، الكافي : 69/1 ح 3، عنه وسائل الشيعة : 116/27 ح 33347، مشكاة الأنوار : 152 (الفصل 12 في الأخذ بالسنة .
 - 3- عنه البرهان في تفسير القرآن : 73/1 ح 11، و مستدرک الوسائل : 303/17 ح 21418 . المحاسن : 221/1 ح 129 عنه البحار : 242/2 ح 38 و مستدرک الوسائل : 304/17 ح 21418 .
 - 4- عنه بحار الأنوار: 244/2 ح 51 ، و وسائل الشيعة : 123/27 ح 33380 ، و البرهان في تفسير القرآن : 73/1 ح 12
 - 5- عنه بحار الأنوار: 244/2 ح 52، و وسائل الشيعة : 123/27 ح 33381، و البرهان في تفسير القرآن : 73/1 ح 13

(4) - از ایوب بن حرّ روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر چیزی به کتاب خدا و سنت (حضرت رسول صلی الله علیه و آله) ارجاع و تطبیق داده می شود؛ هر حدیثی که موافق کتاب خدا نباشد مزخرف و دروغی فریبنده است.

(5) - و از کلب اسدی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آن چه از احادیث ما به شما می رسد چنان چه کتاب خدا آن را تصدیق نکند باطل و غیر حق است.

(6) - و از سدید روایت کرده است که گفت:

امام باقر و امام صادق علیهما السلام می فرمودند: حدیثی را از ما قبول نکنید مگر آن که موافق کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد

(7). و از حسن بن جهم روایت کرده است که گفت:

امام کاظم علیه السلام فرمود: چنان چه دو حدیث مختلف به شما رسید آن ها را بر کتاب خدا و بر دیگر احادیث ما عرضه کنید اگر همانند آنها بود حق است و گرنه باطل و غیر حق خواهد بود

ص: 51

في ما أنزل [في] القرآن

[1]/25 - عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى أَرْبَعَةِ رُبُوعٍ فِينَا، وَرُبُوعٌ فِي عَدُوِّنَا، وَرُبُوعٌ فِي فَرَائِضٍ وَأَحْكَامٍ، وَرُبُوعٌ سُنَنٌ وَأَمْثَالٌ وَ لَنَا كَرَائِمُ الْقُرْآنِ (1).

[2] / 26 - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ:

سَدَّ أَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقُرْآنِ وَالْفُرْقَانِ ، قَالَ: الْقُرْآنُ جُمْلَةُ الْكِتَابِ وَأَخْبَارُ مَا يَكُونُ، وَالْفُرْقَانُ الْمُحْكَمُ الَّذِي يُعْمَلُ بِهِ، وَكُلُّ مُحْكَمٍ فَهُوَ فُرْقَانٌ (2)

[3] / 27 - وَعَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: نَزَلَ الْقُرْآنُ اثْنَلَاثًا ثُلُثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا وَثُلُثٌ سُنَنٌ وَأَمْثَالٌ وَثُلُثٌ فَرَائِضٌ وَأَحْكَامٌ (3).

[4] / 28 - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَزَلَ الْقُرْآنُ بِإِيَّاكَ أَعْنِي! وَأَسْمَعِي يَا جَارَةَ (4). (5)

ص: 52

1- عنه بحار الأنوار: 114/92 ح 1 ، و البرهان في تفسير القرآن : 53/1 ح 4 . الكافي : 459/2 ح 4 .

2- عنه بحار الأنوار: 15/92 ح 11 ، و البرهان في تفسير القرآن : 53/1 ح 5 و 2/6 ح 4 . الكافي : 481/2 ح 11 بتفاوت يسير معاني الأخبار : 189 ح 1 ، عنه البحار : 28/92 ح 32

3- عنه بحار الأنوار: 114/92 ح 2 ، و البرهان في تفسير القرآن : 53/1 ح 6 . الكافي : 459/2 ح 2 .

4- وهذا مثل يضرب لمن يتكلم بكلام ويريد به شيئاً غيره ، وقيل : إن أول من قال ذلك سهل بن مالك الفزاري ، ذكرت قصته في مجمع الأمثال (ج 1 - 50 - 51 ط مصر) ، وقال الطريحي : هو مثل يراد به التعريض للشيء يعني أن القرآن خوطب به النبي صلى الله عليه وآله ، لكن المراد به الأمة

5- عنه بحار الأنوار : 382/92 ح 17 ، و البرهان في تفسير القرآن : 55/1 ح 2 . الكافي : 461/2 ح 14 .

درباره (کلیاتی از) آن چه در قرآن نازل شده است

(1) - از ابی الجارود روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: قرآن بر چهار قسمت نازل شده: یک چهارم آن درباره ما (اهل بیت)؛ یک چهارم درباره دشمنان ما یک چهارم آن واجبات و احکام یک چهارم دیگر آن درباره سنت ها و مثل ها؛ که عالی ترین برگزیده های قرآن مخصوص ما می باشد

(2) - (هم چنین با سند خود) از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام پیرامون قرآن و فرقان سؤال کردم؟

فرمود: قرآن مجموعه ای از مطالب و خیر هایی است که رخ می دهد و فرقان، محکمت (و دستور العمل هایی) است که بر طبق آن ها عمل می شود و هر محکمی فرقان می باشد

(3) - از اصیغ بن نباته روایت کرده است که گفت:

از امیر المؤمنین علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: قرآن بر سه قسمت نازل شده است: یک سوم آن درباره ما (اهل بیت) و دشمنان ما و یک سوم پیرامون سنت ها و مثل ها؛ و یک سوم هم درباره واجبات و احکام

(4) - از عبد الله بن بکیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: قرآن همانند این ضرب المثل عربی: «إِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمَعِي يَا جَارَةَ» نازل شده است، یعنی تو را قصد می کنم ولی ای همسایه تو گوش کن

29 / [5] - عن ابن أبي عمير، عمّن حدّثه، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال:

مَا عَاتَبَ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَهُوَ يَعْنِي بِهِ مَنْ قَدْ مَضَى فِي الْقُرْآنِ، مِثْلُ قَوْلِهِ: (وَ لَوْلَا أَنْ تَبَسَّنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا) (1) عَنِ بَدَلِكَ غَيْرِهِ (2)

30 / [6] - عن أبي بصير، قال:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَا يَقُولُ: إِنَّ الْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَآمِرٌ، يَأْمُرُ بِالْجَنَّةِ وَيُزَجِّرُ عَنِ النَّارِ (3).

31 / [7] - عن مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْكَرْخِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ إِلَى خَيْثَمَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا خَيْثَمَةُ الْقُرْآنُ نَزَلَ أَثَلَاثًا: ثُلُثٌ فِينَا وَفِي أَحِبَّائِنَا، وَ ثُلُثٌ فِي أَعْدَائِنَا وَ عَدُوِّ مَنْ كَانَ قَبْلَنَا وَ ثُلُثٌ سَمَّهَ وَ مَثَلٌ، وَ لَوْ أَنَّ الْآيَةَ إِذَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ ثُمَّ مَاتَ أَوْلِيَاكَ الْقَوْمِ مَاتَتِ الْآيَةُ لَمَا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ، وَ لَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي أَوَّلُهُ عَلَى آخِرِهِ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ، وَ لِكُلِّ قَوْمٍ آيَةٌ يَتْلُونَهَا [وَ هُمْ مِنْهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ]. (4)

ص: 54

1- سورة الإسراء: 74/17.

2- عنه بحار الأنوار: 382/92 ح 18، و البرهان في تفسير القرآن: 55/1 ح 3، و نور الثقلين: 198/3 ح 365. الكافي: 461/2 ح 14

3- عنه بحار الأنوار: 115/92 ح 3، و البرهان في تفسير القرآن: 54/1 ح 9

4- عنه بحار الأنوار: 115/92 ح 4، و البرهان في تفسير القرآن: 54/1 ح 7

5) - از ابن ابی عُمیر، به نقل از کسی که برایش نقل حدیث نموده، روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود مواردی که خداوند پیغمبرش صلی الله علیه و آله را در قرآن مورد عتاب و سرزنش قرار داده مانند فرمایش خداوند: «چنان چه ما تو را ثابت قدم نمی گردانیم چه بسا که به آنها تمایل پیدا می کردی»؛ مقصود غیر حضرت است.

6) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: به راستی که قرآن بازدارنده و فرمان دهنده است فرمان دهنده به سمت بهشت و بازدارنده از آتش دوزخ می باشد

7) - و از محمد بن خالد کرخی، از بعضی اصحابش، از خیثمه روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: ای خیثمه! قرآن بر سه قسمت نازل شده یک سوم آن درباره ما و دوستان ما و یک سوم درباره دشمنان ما و دشمنان کسانی که پیش از ما بوده اند؛ و یک سوم درباره سنت ها و مثل ها است و اگر آیه ای درباره گروهی نازل شده که آن ها از دنیا رفته اند در صورتی که منظور و مفهوم آیه نیز از بین رفته باشد دیگر از قرآن چیزی باقی نمی ماند تمام قرآن از ابتدا تا انتهایش (در تمام دوران ها و برای تمامی طبقات) قابل تطبیق و اجرا شدن است تا وقتی که آسمان ها و زمین پایدار باشند برای هر گروهی (در هر دوره ای) آیه ای است، - سعادت باشد یا شقاوت - ، که آن را تلاوت می کنند.

ص: 55

تفسير الناسخ و المنسوخ و الظاهر و الباطن و المحكم و المتشابه

32 / [1] - عن أبي محمد الهمداني ، عن رجل ، عن أبي عبد الله الله قال : سَأَلْتُهُ عَنِ النَّاسِخِ وَالْمَنْسُوحِ وَالْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ؟

قال : النَّاسِخُ الثَّابِتُ ، وَالْمَنْسُوحُ مَا مَضَى ، وَالْمُحْكَمُ مَا يُعْمَلُ بِهِ ، وَالْمُتَشَابِهُ الَّذِي يُشْبِهُ بَعْضُهُ بَعْضاً (1)

33/[2] - عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا جَابِرُ، إِنَّ لِلْقُرْآنِ بَطْنًا، وَ لِلْبَطْنِ ظَهْرًا. ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ!، وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْهُ، إِنَّ آيَةَ لَيَنْزِلُ أَوْلَهَا فِي شَيْءٍ، وَ أَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ، وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ، وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يُتَصَرَّفُ عَلَيْهِ وَجُوهٌ (2)

34/[3] - عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام قال :

نَزَلَ الْقُرْآنُ نَاسِخًا وَ مَنْسُوحًا (3)

35 / [4] - عن حمران بن أعين ، عن أبي جعفر عليه السلام قال :

ظَهَرَ الْقُرْآنُ الَّذِينَ نَزَلَ فِيهِمْ الْقُرْآنُ، وَ بَطْنُهُ الَّذِينَ عَمِلُوا بِمِثْلِ أَعْمَالِهِمْ. (4)

ص: 56

1- عنه بحار الأنوار: 93/69 و 383/92 ح 19 ، و البرهان في تفسير القرآن : 50/1 ح 6 .

2- عنه بحار الأنوار: 94/92 ح 45، و وسائل الشيعة : 204/27 ح 33605، و البرهان في تفسير القرآن : 50/1 ح 7.

3- عنه بحار الأنوار: 94/92 ح 46، و 383 ح 20 ، و وسائل الشيعة : 203/27 ح 33603، و البرهان في تفسير القرآن : 50/1 ح 8.

4- عنه بحار الأنوار: 94/92 ح 46 ، و 383 ح 20، و البرهان في تفسير القرآن : 50/1 ح 9.

تفسیر ناسخ، منسوخ، ظاهر، باطن، محکم و متشابه

1) - از ابو محمد همدانی به نقل از مردی روایت نموده که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه سؤال کردم؟

فرمود: ناسخ آن چیزی است که ثابت و پا بر جا باشد و منسوخ سپری گردیده و محکم بر طبق آن عمل می شود و متشابه آن چیزی است که بعضی از (مطالب) آن با بعضی دیگر شبیه می باشد

2) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: ای جابر! همانا برای قرآن باطنی است و هر باطنی ظاهری دارد سپس افزود: ای جابر! چیزی دورتر از تفسیر قرآن نسبت به عقل و اندیشه مردمان نیست چه بسا آیه ای نازل شده که ابتدایش درباره چیزی وسطش در مورد چیزی دیگر و پایانش هم چیز دیگری باشد قرآن کلامی متصل و مرتبط به هم است که بر شکل های مختلف قابل توجیه و تفسیر است.

3) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: قرآن به حالت ناسخ و منسوخ نازل شده است.

4) - از حمران بن اعین روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: ظهر (ظاهر) قرآن کسانی هستند که قرآن در شأن آن ها نازل شده؛ و بطن (باطن) قرآن کسانی هستند که بر طبق (محتوای) آن عمل می نمایند.

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ الرَّوَايَةِ : مَا فِي الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَلَهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ ، وَ مَا فِيهِ حَرْفٌ إِلَّا وَلَهُ حَدٌّ ، وَ لِكُلِّ حَدٍّ مُطَّلَعٌ (1) ، مَا يَعْنِي بِقَوْلِهِ : لَهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ ؟

قال عليه السلام : ظَهْرُهُ وَبَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ ، مِنْهُ مَا مَضَى وَمِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ بَعْدُ ، يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ، كُلَّمَا جَاءَ مِنْهُ شَيْءٌ وَقَعَ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (2) ، [نَحْنُ نَعْلَمُهُ] (3).

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول : إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مُحْكَمٌ وَ مُتَشَابِهٌ ، فَأَمَّا الْمُحْكَمُ فَتُؤْمِنُ بِهِ وَ نَعْمَلُ بِهِ وَ نَدِينُ بِهِ ، وَأَمَّا الْمُتَشَابِهُ فَتُؤْمِنُ بِهِ وَ لَا نَعْمَلُ بِهِ. (4)

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّاسِخِ وَالْمُنْسُوخِ وَالْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ؟ قَالَ: «النَّاسِخُ الثَّابِتُ الْمَعْمُولُ بِهِ، وَالْمُنْسُوخُ مَا قَدْ كَانَ يُعْمَلُ بِهِ ثُمَّ جَاءَ مَا

1- قال الفيض : المطلع مكان الاطلاع من موضع عال و يجوز أن يكون بوزن مصعد و معناه : أي مصعد يصعد إليه من معرفة علمه، و محصل معناه قريب من معنى التأويل و البطن كما أن معنى الحد قريب من معنى التنزيل و الظهر

2- سورة آل عمران : 7/3

3- عنه بحار الأنوار: 94/92 ح 47 ، و البرهان في تفسير القرآن : 50/1 ح 10 .

4- عنه بحار الأنوار : 283/89 ح 21 ، و البرهان في تفسير القرآن : 51/1 ح 11. بصائر الدرجات : 233 ح 3 (باب 10 - في الأئمة عليهما السلام أنهم راسخون في العلم)، بتفاوت يسير عنه وسائل الشيعة : 198/27 ح 33583 . .

(5) - از فضیل بن یسار روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره این روایت سؤال کردم: در قرآن آیه ای نیست مگر آن که دارای ظاهر و باطنی است؛ و حرفی در قرآن نیست مگر آن که دارای حدی و برای هر حدی آغاز سخنی است مقصود از ظهر و بطن چیست؟

فرمود: ظاهر و باطن آن تأویل و تفسیر آن است که بعضی مربوط به گذشته و برخی مربوط به آینده است که با گذشت زمان و گردش خورشید و ماه (و پدید آمدن شب و روز)، روشن خواهد شد، هر وقت تأویل آیه ای از قرآن به وقوع انجامد نسبت به آن هائی می باشد که از دنیا رفته اند هم چنان که برای افراد زنده هم خواهد بود خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «کسی غیر از خداوند و راسخان در دانش تأویل قرآن را نمی داند» (و آن ها کسانی هستند که آگاه به تمام علوم و صاحبان امور بوده و اهل استنباط می باشند)

(پس از آن افزود:) (به درستی که) ما علم تأویل آن (قرآن) را می دانیم.

(6) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: به راستی که قرآن در بر دارنده محکم و متشابه می باشد محکم همان است که به آن ایمان داریم و بر طبق آن عمل می کنیم و به آن پایبند هستیم به متشابه ایمان داریم ولی بر طبق (ظاهر) آن عمل نمی کنیم.

(7) - از مسعدة بن صدقه روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه سؤال کردم؟

فرمود ناسخ ثابت و پایدار است که بر طبق آن عمل می شود؛ و منسوخ چیزی است که مدتی به آن عمل شده سپس چیز دیگری می آید و حکم آن را

ص: 59

[8] / 39 - عَنْ جَابِرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شَيْءٍ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ فَأَجَابَنِي ثُمَّ سَأَلْتُهُ ثَانِيَةً فَأَجَابَنِي بِجَوَابٍ آخَرَ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ كُنْتُ أَجِبْتُ فِي هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ بِجَوَابٍ غَيْرِ هَذَا قَبْلَ الْيَوْمِ!؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي: يَا جَابِرُ إِنَّ الْقُرْآنَ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ بَطْنٌ وَ ظَهْرٌ وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرٌ يَا جَابِرُ (2) وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، إِنَّ آيَةَ لَتَكُونُ أَوْلَاهَا فِي شَيْءٍ وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَ هُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يُتَصَرَّفُ عَلَيَّ وَجُوهٍ. (3)

[9] / 40 - عن أبي عبد الرحمن السلمي:

إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ عَلَيَّ قَاضٍ فَقَالَ: تَعْرِفُ النَّاسِخَ مِنَ الْمَنْسُوخِ؟

فَقَالَ: لَا فَقَالَ: هَلَكْتَ وَ أَهْلَكَتَ، تَأْوِيلُ كُلِّ حَرْفٍ مِنَ الْقُرْآنِ عَلَيَّ وَجُوهٍ. (4)

ص: 60

1- عنه بحار الأنوار: 93/66 و 93/69، و 283/92 ح 22، و تفسير الصافي، 1:30، و البرهان، في تفسير القرآن: 51/1 ح 12. و يأتي قطعة منه في سورة آل عمران ح 3.

2- في تحقيق المحلّاتي: و للبطن ظهراً يا جابراً.

3- بحار الأنوار: 95/92 ح 48، و 110 ح 10، وسائل الشيعة: 203/27 ح 33604، و البرهان في تفسير القرآن: 51/1 ح 13. المحاسن: 300/2 ح 5، (كتاب العلل)، عنه وسائل الشيعة: 192/27 ح 33572، و البحار: 91/89 ح 37، تأويل الآيات الظاهرة:

23

4- عنه بحار الأنوار 95/92 ح 45، و 110 ح 9، و 265/101 ح 10 و 265/104 ح 10، و وسائل الشيعة: 202/27 ح 33596 بتفاوت يسير و البرهان في تفسير القرآن: 51/1 ح 14.

نسخ و از مرحله عمل می اندازد متشابه هم چیزی است که برای افراد نادان مشتبه و نا مفهوم می باشد

(8) - از جابر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره چیزی از تفسیر قرآن سؤال کردم پس جواب مرا داد دو مرتبه سؤال کردم و پاسخی دیگر بیان نمود سپس عرضه داشتم: فدایت کردم! برای این سؤال قبلاً جواب دیگری بیان نمودید؟

فرمود: ای جابر! همانا قرآن در بر دارنده باطنی است؛ و هر باطنی، باطن و ظاهری دارد و هر ظاهری هم، دارای ظاهر دیگری می باشد

ای جابر! چیزی دورتر از تفسیر قرآن نسبت به عقل و اندیشه مردمان نیست چه بسا آیه ای نازل شده که ابتدایش درباره چیزی وسطش در مورد چیزی دیگر و پایانش هم چیز دیگری باشد قرآن کلامی متصل و مرتبط به هم است که بر شکل های مختلف قابل توجیه و تفسیر است.

(9) - از ابو عبد الرحمن سلمی روایت کرده است که گفت:

همانا امام علی علیه السلام با یک نفر قاضی برخورد نمود، به او فرمود: ناسخ را از منسوخ می شناسی و تشخیص می دهی؟

اظهار داشت: خیر. فرمود: (با ندانستن آن) هم خویش را هلاک کرده ای و هم دیگران را به هلاکت انداخته ای (همانا) تأویل و تفسیر هر حرفی از قرآن بر شکل های مختلفی قابل تفسیر است

ص: 61

تأويل كل حرف من القرآن على وجوه

*تأويل كل حرف من القرآن على وجوه (1)

41 / [1] - عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

إِنَّ فِي الْقُرْآنِ مَا مَضَىٰ وَ مَا يَحْدُثُ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ ، كَانَتْ فِيهِ أَسْمَاءُ الرِّجَالِ فَأَلْقَيْتُ ، وَإِنَّمَا الْإِسْمُ الْوَاحِدُ مِنْهُ فِي وُجُوهِ لَا تُحْصَى ، يَعْرِفُ ذَلِكَ الْوَصَاءُ (2) . (3)

42 / [2] - عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ ، قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْأَحَادِيثَ تَخْتَلِفُ عَنْكُمْ؟

قَالَ: فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ ، وَ أَدْنَى مَا لِلْإِمَامِ أَنْ يُفْتِيَ عَلَى سَبْعَةِ وُجُوهِ ثُمَّ قَالَ: (هَذَا عَطَاؤُنَا فَاْمُنُّنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (4) . (5)

ص: 62

1- هذا العنوان لم يؤت في تحقيق المحلّاتي ووقعا الحديثان الآتيان ذيل الأحاديث السابقة .

2- قال الفيض رحمه الله : لعل المراد بأسماء الرجال الملكية أعلامهم و بالإسم الواحد ما كنى به تارة عنهم و تارة عن غيرهم من الألفاظ التي لها معان متعدّدة، و ذلك كالذكر فإنّه قد يراد به رسول الله صلى الله عليه و آله ، و قد يراد به أمير المؤمنين عليه السلام، و قد يراد به القرآن و كالشيطان فإنّه قد يراد به الثاني، و قد يراد به إبليس، و قد يراد به غيرهما، أراد عليه السلام أن الرجال كانوا مذكورين في القرآن تارة بأعلامهم فألقيت و أخرى بكنائيات فألقيت فهم اليوم مذكورون بالكنائيات بألفاظ لها معان آخر يعرف ذلك الأوصياء . تفسير الصافي : ج 1 : 25 :

3- عنه بحار الأنوار: 55/92 ح 23 و 95 ح 50 ، و البرهان في تفسير القرآن : 51/1 ح 15 بصائر الدرجات : 215 ح 6، عنه البحار : 95/92 ح 50 .

4- سورة ص: 39/38 .

5- عنه بحار الأنوار: 83/92 ذيل ح 13 و البرهان في تفسير القرآن : 51/1 ح 16، و نور الثقلين : 462/4 ح 65 ، و مستدرک الوسائل : 303/17 ح 21419 . النخصال : 358 ح 43 ، عنه البحار : 83/92 ح 13 .

تأویل هر حرفی از قرآن بر وجوهی است

(1) - از ابراهیم بن عمر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که در قرآن چیز هایی است که بعضی سپری گشته و بعضی ایجاد می شود و بعضی هم در حال وقوع و اجراء می باشد می باشد در قرآن اسامی مردانی بوده که انداخته شده، همانا اسم یک چیزی (در قرآن) می باشد که وجوهی مختلف و معانی بسیاری دارد، آن ها را فقط اوصیای (رسول خدا علیهما السلام) می شناسند.

(2) - و از حماد بن عثمان روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: (چرا) احادیث و فرمایشات شما به صورت های مختلف و گوناگون به دست ما می رسد؟!

فرمود: همانا قرآن بر هفت (گونه) حرف (قابل تفسیر) نازل شده کمترین موارد آن ها این است که امام (معصوم) می تواند به هفت نوع بیان نماید، سپس فرمود: «این است عطای ما (به هر کس که می خواهی منت گذار و) عطایش کن و یا امساک و خودداری نما بدون آن که محاسبه ای در کار باشد

ص: 63

ما عنى به الأئمة عليهم السلام من القرآن

[1]/43 - عَنْ إِبْنِ مُسْكَانَ ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرَنَا مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَكَّبِ الْفِتْنَ (1)

[2]/44 - عَنْ حَتَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

يَا أَبَا الْفَضْلِ لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْمُحْكَمِ مِنَ اللَّهِ لَوْ مَحَوْهُ فَقَالُوا لَيْسَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا، لَكَانَ سَوَاءً. (2)

[3]/45 - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا مُحَمَّدُ! إِذَا سَمِعْتَ اللَّهَ ذَكَرَ أَحَدًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِخَيْرٍ فَخُنْ هُمْ وَإِذَا سَمِعْتَ اللَّهَ ذَكَرَ قَوْمًا بِسُوءٍ مِمَّنْ مَضَى فَهُمْ عَدُوْنَا (3)

[4]/46 - عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَزْدَةَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ قَدْ قُرِئَ الْقُرْآنُ كَمَا أَنْزَلَ لَأَلْفَيْتَنَا فِيهِ مُسَمَّيْنَ (4)

[5] / 47 وَقَالَ سَعِيدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْكِنْدِيُّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَعْدَ مُسَمَّيْنَ كَمَا سَمَّى مَنْ قَبَلْنَا (5)

ص: 64

1- عنه بحار الأنوار: 115/92 ح 5، و البرهان في تفسير القرآن: 56/1 ح 1 .

2- عنه بحار الأنوار: 115/92 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 56/1 ح 2، و مستدرک الوسائل: 277/7 ح 8216.

3- عنه بحار الأنوار: 115/92 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 56/1 ح 3.

4- عنه بحار الأنوار: 55/92 ح 24 و 115 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 56/1 ح 4 .

5- عنه بحار الأنوار: 55/92 ح 24 و 115 ح 8، و البرهان في تفسير القرآن: 56/1 ح 5 . قال السيد الخوئي رحمه الله: في

الروايات التي تدلّ على أن بعض الآيات المنزلة من القرآن قد ذكرت فيها أسماء الأئمة عليهم السلام: إن بعض التنزيل كان من قبيل

التفسير للقرآن، وليس من القرآن، نفسه، فلا بدّ من حمل هذه الروايات على أن ذكر أسماء الأئمة عليهم السلام في التنزيل من هذا القبيل،

و إذا لم يتمّ هذا الحمل فلا بدّ من طرح هذه الروايات لمخالفتها للكتاب و السنّة و الأدلّة القائمة على نفى التحريف، و قد دلّت الأخبار

المتواترة على وجوب عرض الروايات على الكتاب و السنّة، وأنّ ما خالف الكتاب منها يجب طرحه و ضربه على الجدار. البيان في تفسير

القرآن: 230. قوله: (لولا أنه زيد في كتاب الله و نقص منه ...) لقد أجمع المسلمون على عدم الزيادة في القرآن و أقاموا الأدلّة على ذلك

من القرآن و السنّة، وقالوا: إن مجموع ما بين الدفتين كلّه من القرآن، ممّن ادّعى الإجماع الشيخ المفيد و الطوسي، و البهائي وغيرهم من

الأعظم. أمّا النقيصة؛ فلا بدّ من حملها على وجه معيّن، و إلا فلا بدّ من طرحها لمخالفتها للكتاب و السنّة. البيان في تفسير القرآن: 233

مواردی که در قرآن مقصود از آن‌ها امامان علیهم السلام هستند

(1) - از ابن مسکان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که (موقعیت و عظمت) ما را در قرآن نشناخته باشد، از فتنه‌ها و انحرافات کناره‌گیری نکرده است.

(2) - از حنّان بن سُدیر از پدرش روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: ای ابا الفضل! برای ما (اهل بیت رسالت) از طرف خداوند (متعال) در کتابش حقی محکم و حتمی وجود دارد پس عده‌ای گفته‌اند: از طرف خدا نیست آیا اینان نمی‌دانند که اگر چنین بود یک سان می‌گشت.

(3) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: ای محمد! چنان چه شنیدی که خداوند در قرآن شخصی از این امت را به خوبی یاد نماید مقصود ما هستیم؛ و چنان چه شنیدی که خداوند (در قرآن) گروهی از گذشتگان از این امت را به زشتی و بدی یاد نماید مقصود دشمنان ما هستند.

(4) - از داود بن فرقد، از کسی که به او خبر داده روایت کرده، است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: چنان چه قرآن به کیفیتی که نازل شده خوانده شود، خواهی یافت که ما (اهل بیت رسول) از نام برده شدگان هستیم

(5) - و از سعید بن حسین کندی روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: (به درستی که) ما از نام برده شدگانیم هم چنان که گذشتگان ما نام برده شده‌اند.

لَوْلَا أَنَّهُ زِيدَ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَنَقَصَ مِنْهُ مَا خَفِيَ حَقُّنَا عَلَى ذِي حِجَابٍ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمًا فَنَطَقَ صَدَقَهُ الْقُرْآنُ (1)

49/7] - عَنْ مَسَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، قَالَ : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَمُّوهُمْ بِأَحْسَنِ أَمْثَالِ الْقُرْآنِ - يَعْنِي عِثْرَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ فَاشْرَبُوا وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ فَاجْتَنِبُوا. (2)

50 / [8] - عن عمر بن حنظلة ، عن أبي عبد الله عليه السلام ، عن قول الله : (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدَ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) (3) فَلَمَّا رَأَى أَتْبَعُ هَذَا وَ أَشْبَاهَهُ مِنَ الْكِتَابِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَسْبُكَ كُلُّ شَيْءٍ فِي الْكِتَابِ مِنْ فَاتِحَتِهِ إِلَى خَاتِمَتِهِ مِثْلُ هَذَا ، فَهُوَ فِي الْأَيْمَةِ عُنَى بِهِ (4)

ص: 66

1- عنه بحار الأنوار: 55/92 ح 25 و 115 ح 9 ، و البرهان في تفسير القرآن : 56/1 ح 6.

2- عنه بحار الأنوار: 115/92 ح 10 ، و البرهان في تفسير القرآن : 56/1 ح 7 .

3- سورة الرعد : 43/13 .

4- عنه بحار الأنوار: 116/92 ح 11 ، و البرهان : 56/1 ح 8 و نور الثقلين : 523/2 ح 215 .

(6) - و از میسر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر در کتاب خداوند کم و زیاد نشده بود، حَقِّ ما بر صاحبان عقل پنهان نمی ماند و چنان چه قائم ما (حقایق) سخن را بیان نماید، قرآن او را تصدیق و تأیید می کند

(7) - از مسعدة بن صدقه روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام از پدرش، از جدش علیهما السلام نقل نماید که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: آن ها را با بهترین نام ها و مثال های قرآن بخوانید، یعنی عترت و اهل بیت پیغمبر اکرم علیهم السلام را، این آب گوارای شیرین است از آن بیاشامید و این هم آب

شور و تلخ است از آن دوری و اجتناب کنید

(8) - از عمر بن حنظله روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام (پیرامون) آیه شریفه قرآن: (ای پیغمبر!) «بگو: خداوند، به عنوان شاهد کفایت می کند بین من و شما و کسی که علم کتاب نزد اوست» (سؤال کردم)؟ و چون حضرت متوجه شد که درباره این آیه و امثال آن تتبع و کنجکاوی دارم فرمود: (همین مقدار) تو را کافی است که هر چیزی در این کتاب از ابتدا تا انتهایش همانند این مورد بود مقصود امامان علیهم السلام هستند.

ص: 67

[1]/51 - عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ:

لَمَّا تَقَدَّمَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْكُوفَةَ صَدَّى بِهِمْ أَرْبَعِينَ صَدَّاحًا يَقْرَأُ بِهِمْ (سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى)، قَالَ: فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ: لَا وَاللَّهِ مَا يُحْسِنُ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ، وَلَوْ أَحْسَنَ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ لَقَرَأَ بِنَا غَيْرِ هَذِهِ السُّورَةِ.

قَالَ: فَبَلَغَهُ ذَلِكَ، فَقَالَ: وَيْلٌ لَهُمْ! إِنِّي لَأَعْرِفُ نَاسِيخَهُ مِنْ مَنَسُوخِهِ، وَمُحَكَّمَهُ مِنْ مُتَشَابِهِهِ، وَفَصْلَهُ مِنْ وَصَالِهِ، وَحُرُوفَهُ مِنْ مَعَانِيهِ، وَاللَّهِ مَا مِنْ حَرْفٍ نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا إِنِّي أَعْرِفُ فِيمَنْ أَنْزَلَ، وَفِي أَيِّ يَوْمٍ، وَفِي أَيِّ مَوْضِعٍ،

وَيْلٌ لَهُمْ أَمَا يَقْرَءُونَ (إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى * صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى) (1)، وَاللَّهُ عِنْدِي، وَرِثْتُهُمَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ أَنْهَى رَسُولُ اللَّهِ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَيْلٌ لَهُمْ! وَاللَّهُ أَنَا الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ فِي (وَتَعْيَهَا أُذُنٌ وَأَعْيَةٌ) (2)، فَإِنَّمَا كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيُخْبِرُنَا بِالْوَحْيِ فَأَعْيِهِ أَنَا وَمَنْ يَعْيِهِ، فَإِذَا خَرَجْنَا قَالُوا: مَاذَا قَالَ آتِفًا؟ (3)

[2] / 52 - سُلَيْمُ بْنُ قَيْسٍ الْهَلَالِيُّ قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

مَا نَزَلَتْ آيَةٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ فَأَكْتُبُهَا بِخَطِّي - وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسِيخَهَا وَمَنَسُوخَهَا وَمُحَكَّمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا - وَدَعَا اللَّهُ

ص: 68

1- سورة الأعلى : 18/87 - 19.

2- سورة الحاقة : 12/69

3- عنه بحار الأنوار: 88/92 ذيل ح 23، و البرهان في تفسير القرآن : 40/1 ح 13. بصائر الدرجات : 155 ح 3، عنه البحار : 87/91 ح

(1) - از اصبع بن نباته روایت کرده است که گفت:

چون امیر المؤمنین علی علیه السلام به کوفه آمد، چهل روز نماز صبح را برای اهل کوفه امامت نمود و سوره «سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» را قرائت می نمود منافقین گفتند: نه به خدا سوگند! پسر ابو طالب قرآن را خوب نمی داند اگر می توانست قرآن را نیک می خواند و برای ما سوره ای غیر از این را تلاوت می نمود

اصبع گوید: چون این مطالب به حضرت رسید، فرمود: وای بر این افراد! همانا ناسخ قرآن را از منسوخ آن محکم آن را از متشابه آن، اتصال و انفصال آن را، الفاظ آن را از معانی می شناسم؛ به خداوند سوگند! حرفی بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل نشده مگر آن که من می شناسم درباره چه کسی و در چه روزی و در چه مکانی نازل شده است وای بر ایشان! آیا نمی خوانند: «به راستی که این در صحیفه های پیشینیان است * در صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی علیهما السلام می باشد».

وای بر ایشان به خداوند سوگند من آن کسی هستم که خداوند درباره ام نازل نمود: «گوش های شنونده و نگهدارنده آن ها را می شنود و نگه می دارد» همانا که ما در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم و ما را بر وحی آگاه می نمود پس من و دیگران آن را حفظ می کردیم چون بیرون می رفتیم دیگران می گفتند: چند لحظه پیش چه فرمود؟ (البته که از روی بی اعتنایی و بی توجهی سریع فراموش می کردند.)

(2) - از سلیم بن قیس هلالی روایت کرده است که گفت:

از امیر المؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیه ای (از قرآن) بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل نگشته مگر آن که آن را برای من خوانده و برایم املا فرموده که با خط خود بنویسم و تأویل و تفسیر آن را ناسخ و منسوخ آن را محکم و متشابه آن را

لِي أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهَمَّهَا وَحِفْظَهَا، فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلِمًا إِمْلَانُهُ عَلَيَّ وَكَتَبْتُهُ مُنْذُ دَعَا لِي بِمَا دَعَا، وَمَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ، وَلَا أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ كَانَ أَوْ يَكُونُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَحَفِظْتُهُ، فَلَمْ أَنْسَ حَرْفًا وَاحِدًا، ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِي وَدَعَا اللَّهَ لِي أَنْ يَمَلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَفَهْمًا وَحِكْمَةً وَنُورًا، لَمْ أَنْسَ شَيْئًا وَلَمْ يَفْتِنِي شَيْءٌ لَمْ أَكْتُبْهُ

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْ تَخَوَّفَ عَلَيَّ النَّسِيَّانَ فِيمَا بَعْدُ؟

فَقَالَ: لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ نَسِيَانًا وَلَا جَهْلًا، وَقَدْ أَخْبَرَنِي رَبِّي أَنَّهُ قَدْ اسْتَجَابَ لِي فِيكَ وَفِي شُرَكَائِكَ الَّذِينَ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِكَ

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ شُرَكَائِي مِنْ بَعْدِي

قَالَ: الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَبِي فَقَالَ: الْأَوْصِيَاءُ مِنِّي إِلَى أَنْ يَرِدُوا عَلَى الْحَوْضِ كُلُّهُمْ هَادٍ مُهْتَدٍ لَا يَصُدُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ، هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لَا يُفَارِقُهُمْ وَلَا يُفَارِقُونَهُ بِهِمْ تُنْصَرُ أُمَّتِي وَبِهِمْ يُمَطَّرُونَ، وَبِهِمْ يُدْفَعُ عَنْهُمْ وَبِهِمْ اسْتَجَابَ دُعَاءُهُمْ،

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! سَمِّهِمْ لِي فَقَالَ: إِبْنِي هَذَا - وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحَسَنِ - ثُمَّ إِبْنِي هَذَا - وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ -، ثُمَّ إِبْنِي لَهُ يُقَالُ لَهُ عَلِيُّ سَيُولَدُ فِي حَيَاتِكَ فَاقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ، [ثُمَّ] تُكْمَلُهُ إِثْنَا عَشَرَ مِنْ وَلَدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

فَقُلْتُ يَا أَبَا أَنْتَ [وَأُمِّي] فَسَمِّهِمْ لِي فَسَمَّاهُمْ رَجُلًا رَجُلًا. فِيهِمْ وَاللَّهِ يَا أَخِي بَنِي هَالِلٍ! - مَهْدِيَّ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ مَنْ يَبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَ

به من تعلیم نموده است؛ و از خداوند خواست که (قدرت) فهم و حفظ آن ها را عطایم نماید پس هیچ آیه ای از کتاب خدا و دانشی را که بر من املا نموده و نوشته، ام از روزی که برایم دعا نموده فراموش نکرده ام

و چیزی را که خداوند از علوم حلال و حرام از امر و نهی را - مربوط به طاعت و یا معصیت - که تعلیمش داد او نیز مرا تعلیم داد و من آن ها را حفظ نموده و حتی یک حرفش را هم فراموش نکرده ام؛ سپس (رسول خدا صلی الله علیه و آله) دستش را بر سینه ام نهاد و به درگاه خدا برایم دعا کرد که قلب مرا از علم و فهم و نور حکمت انباشته کند؛ و چیزی را فراموش نکرده و نوشته هایم را از دست نداده ام.

پس از آن اظهار داشتم: ای رسول خدا! می ترسی که من بعد از این فراموش کنم؟

فرمود: ترسی از فراموشی و ندانستگی برایت ندارم زیرا که پروردگرم مرا آگاه نمود که (دعایم را) درباره تو و شریکان پس از تو مستجاب نمود.

اظهار داشتم: ای رسول خدا! شرکای من چه کسانی هستند؟

فرمود: آن شریکانی که خداوند قرین خود و قرین من قرار داده است پس فرمود: پس فرمود: اوصیاء از جانب او می باشند تا آن که کنار حوض (کوثر) بر من وارد شوند همه ایشان هدایت گر و هدایت شده هستند توهین و ستم افراد به ایشان آسیبی نمی رساند ایشان با قرآن و قرآن با ایشان است و از یک دیگر جدا نخواهند شد، ائت به وسیله ایشان یاری و حمایت، شوند به وسیله ایشان باران می بارد به وسیله ایشان دفع عذاب می شوند و به وسیله ایشان دعا ها مستجاب می گردد.

عرضه داشتم: ای رسول خدا! نام ایشان را برایم بفرما

فرمود: این فرزندانم - و دست خود را بر سر حسن علیه السلام نهاد سپس این فرزندانم - و دست خود را بر سر حسین علیه السلام نهاد - ، سپس پسر او که علی نام دارد و به زودی در حیات تو تولد می یابد سلام مرا به او برسان سپس ایشان

53 / [3] - عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كُهَيْلٍ ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ :

لَوْ اسْتَبَقَمْتُ لِي الْإِمْرَةُ وَكُسِرَتْ - أَوْ تُبَيَّتْ - لِي الْوَسَادَةُ لَحَكَمْتُ لِأَهْلِ التَّوْرَةِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي التَّوْرَةِ ، حَتَّى يَذْهَبَ إِلَى اللَّهِ أَنِّي قَدْ حَكَمْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهَا ، وَ لَحَكَمْتُ لِأَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْإِنْجِيلِ ، حَتَّى يَذْهَبَ إِلَى اللَّهِ أَنِّي قَدْ حَكَمْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ، وَ لَحَكَمْتُ فِي أَهْلِ الْقُرْآنِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ ، حَتَّى يَذْهَبَ إِلَى اللَّهِ أَنِّي قَدْ حَكَمْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ (2)

54 / [4] - عَنْ أَيُّوبَ بْنِ حُرِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

قُلْتُ لَهُ: الْأَيْمَةُ بَعْضُهُمْ أَعْلَمُ مِنْ بَعْضٍ؟

قَالَ: نَعَمْ وَ عِلْمُهُمْ بِالْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَاحِدٌ (3)

55 / [5] - عَنْ حَفْصِ بْنِ قُرْطِبَةَ الْجُهَنِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبَ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ عِلْمٍ بِالْقُرْآنِ ، وَ نَحْنُ عَلَى مِنْهَا جِهَةٌ (4)

ص: 72

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 100/92 ذيل ح 69 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن : 40/1 ح 14، و نور الثقلين : 554/5 ح 8 قطعة منه إكمال (كمال) الدين و إتمام (تمام) النعمة : 284 ح 37 عنه البحار: 98/92 ح 69، و شواهد ، التنزيل: 35/1 ح 41
 - 2- عنه بحار الأنوار: 95/92 ح 51 ، و البرهان في تفسير القرآن : 41/1 ح 15
 - 3- عنه بحار الأنوار: 95/92 ح 52 ، و البرهان في تفسير القرآن : 41/1 ح 16
 - 4- عنه بحار الأنوار: 95/92 ح 53 ، و البرهان في تفسير القرآن : 41/1 ح 17

تکمیل یابند تا به دوازده نفر از فرزندان محمد (صلی الله علیه و آله) برسند.

عرضه داشتم: پدر و مادرم فدایت باد! نام ایشان را برایم بفرما

پس نام یکا یکا ایشان را بیان نمود.

به خدا سوگند ای برادر بنی هلال! مهدی از امت محمد صلی الله علیه و آله است که زمین را پُر از عدل و داد می نماید هم چنان که پُر از ظلم و ستم گشته به خدا سوگند! من می شناسم آن هایی را که بین رکن و مقام (کنار کعبه الهی) با او بیعت می کنند و اسامی پدران و قبایل آن ها را می شناسم

(3) - از سلمة بن کهیل، و او از کسی که برایش حدیث گفته، روایت نمود:

امام علی علیه السلام فرمود: چنان چه برایم مسند قضاوت و ریاست قرار داده شود و برایم تکیه گاهی نهاده گردد، برای اهل تورات از آن چه که خداوند بر ایشان نازل نموده حکم می نمایم به طوری که اگر نزد خدا رود شهادت دهد که حکم من در تورات مطابق با آن چه است که خداوند نازل نموده و برای اهل انجیل از آن چه که خداوند بر ایشان نازل نموده حکم می نمایم که چون نزد خدا رود شهادت دهد حکم من در انجیل مطابق است با آن چه که خداوند نازل نموده و برای اهل قرآن بر آن چه که خداوند بر ایشان نازل نموده حکم می نمایم به طوری که نزد خدا رود شهادت دهد که حکم من در قرآن مطابق می باشد با آن چه که خداوند نازل نموده است.

(4) - از ایوب بن حرّ روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم آیا امامان علیهم السلام، بعضی بر بعضی دیگر ترجیح و برتری دارند؟

فرمود: بلی، ولی علم ایشان نسبت به حلال و حرام و تفسیر قرآن یک سان می باشد.

(5) - از حفص بن قرط جهنی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: امام علی علیه السلام صاحب (آشنائیت به) حلال و

56 / [6] - عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ فِيكُمْ مَنْ يُقَاتِلُ عَلَيَّ تَأْوِيلَ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَيَّ تَنْزِيلَهُ، وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. (1)

57 / [7] - عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ طَاعَتَنَا فِي كِتَابِهِ فَلَا يَسْعُ النَّاسَ جَهْلًا، لَنَا صَدَقُ الْمَالِ، وَ لَنَا الْأَنْفَالُ، وَ لَنَا كَرَائِمُ الْقُرْآنِ وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّا أَصْحَابُ الْغَيْبِ، وَ نَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ وَ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَمِلُ كُلَّ شَيْءٍ، إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمَنَا عِلْمًا لَا يَعْلَمُهُ أَحَدٌ غَيْرُهُ، وَ عِلْمًا قَدْ أَعْلَمَهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ، فَمَا عَلِمْتُهُ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ فَنَحْنُ نَعْلَمُهُ. (2)

58 / [8] - وَ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَبْعَثُ فِيْنَا مَنْ يَعْلَمُ كِتَابَهُ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ. وَ إِنَّ عِنْدَنَا مِنْ حَلَالِ اللَّهِ وَ حَرَامِهِ مَا يَسَعُنَا [مِنْ] كِتْمَانِهِ مَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نُحَدِّثَ بِهِ أَحَدًا (3)

ص: 74

1- عنه بحار الأنوار: 96/92 ح 54، ووسائل الشيعة: 203/27 ح 33606، و البرهان في تفسير القرآن: 42/1 ح 18 .

2- عنه بحار الأنوار: 96/92 ح 55، و البرهان في تفسير القرآن: 42/1 ح 19.

3- عنه بحار الأنوار: 96/92 ح 56، و البرهان في تفسير القرآن: 42/1 ح 20، و مستدرک الوسائل: 334/17 ح 21511. بصائر الدرجات: 155 ح 3 .

حرام و عالم به قرآن بود و ما (اهل بیت رسالت، بعد از او) بر راه و روش او هستیم

(6) - سکونی از امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام روایت نموده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که در بین شما کسی است که بر تأویل قرآن می جنگد هم چنان که من بر تنزیل قرآن جنگیدم و او علی بن ابی طالب علیه السلام است.

(7) - از بشیر دهنان روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: به راستی که خداوند فرمانبرداری از ما (اهل بیت) را در قرآن واجب نموده پس مردم راهی (برای رسیدن به سعادت) جز فراگیری آن ندارند و جهلشان مانع از آن نمی شود، اموال برگزیده پاکیزه و غنیمت های جنگی از برای ماست آیات کریمه قرآن مخصوص ما نازل گردیده است.

من نمی گویم: ما اصحاب غیب هستیم و غیب می دانیم، ولی ما به کتاب خداوند عالم هستیم و کتاب خدا در بر دارنده هر چیزی است خداوند ما را به علمی تعلیم داد که دیگران آن را نمی دانند؛ و علمی را هم به فرشته ها و رسولانش آموخت، پس آن چه را که به فرشته ها و رسولانش آموخت ما نیز می دانیم.

(8) - از مرزم روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خداوند، همیشه از ما کسی را بر می گزیند که آشنای به کتابش (قرآن) - از ابتدا تا انتهای آن - باشد و به راستی که نزد ما از حلال و حرام خداوند علومی است که چاره ای جز کتمان و پنهان داشتن آن نداریم زیرا که توان بیان آن ها را با هیچ کس نداریم

ص: 75

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ - وَسَأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ - : لَوْ لَقَيْتُكَ بِالْمَدِينَةِ لَأُرَيْتَكَ أَثَرَ جَبْرَيْلَ فِي دُورِنَا، وَنُزُولِهِ عَلَيَّ جَدِّي بِالْوُحْيِ وَالْقُرْآنِ وَالْعِلْمِ، فَيَسْتَسْقِي النَّاسَ الْعِلْمَ مِنْ عِنْدِنَا فَيَهْدُونَهُمْ وَصَلَلْنَا نَحْنُ؟! هَذَا مُحَالٌ (1)

60 / [10] - عَنْ يُوسُفَ بْنِ السَّخْتِ الْبَصْرِيِّ قَالَ:

رَأَيْتُ التَّوْفِيعَ بِحِطِّ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (2) فَكَانَ فِيهِ: الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَلَكُمْ أَنْ تَقُولُوا إِنَّا قُدْوَةُ اللَّهِ وَائِمَّةٌ، وَخُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ أُمَّنَاؤُهُ عَلَيَّ خَلْقِهِ، وَحُجَجُهُ فِي بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَنَعْرِفُ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَفَصَلَ الْخِطَابِ (3)

61 / [11] - عَنْ ثَوْبَانَ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بَيْنَ اللَّوْحَيْنِ شَيْءٌ إِلَّا وَأَنَا أَعْلَمُهُ. (4)

62 / [12] - عَنْ سُلَيْمَانَ الْأَعْمَشِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَأَنَا عَلِمْتُ فِيمَنْ أَنْزَلَتْ وَأَيْنَ نَزَلَتْ وَعَلَى مَنْ

ص: 76

1- عنه بحار الأنوار: 96/92 ح 57 فيه : عن الحكم بن عيينة، و البرهان في تفسير القرآن : 42/1 ح 21.

2- كذا في نسختي الأصل والبحار، وفي نسخة البرهان في تفسير القرآن : محمد بن محمد بن الحسن بن عليّ و الظاهر : محمد بن الحسن بن عليّ، وهو الحجة المنتظر صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين.

3- عنه بحار الأنوار: 96/92 ح 58، و البرهان في تفسير القرآن : 42/1 ح 22.

4- عنه بحار الأنوار: 97/92 ح 58، و البرهان في تفسير القرآن : 42/1 ح 23.

(9) - از حکم بن عتیبه (عُیْنِه) روایت کرده است، که گفت:

امام صادق علیه السلام به مردی از اهل کوفه - که چیزی را از حضرت سؤال کرده بود - فرمود: چنان چه تو را در مدینه ملاقات می کردم جای پای جبرائیل را در منزلتان و داخل شدنش بر جدّ ما که وحی قرآن و علوم را می آورد نشانت می دادم پس مردم از علوم ما سیراب خواهند شد آیا مردم هدایت یافته گانند ما گمراه شدگانیم؟ این محال و غیر ممکن است

(10) - از یوسف بن سخت بصری روایت کرده است که گفت:

توقیع و دست خط حضرت محمد بن الحسن بن علی (امام زمان عَجَل الله تعالی فرجه الشریف) را مشاهده نمودم در آن چنین بود: آن چه بر شما (شیعیان و دوستان ما) واجب است که درباره ما (اهل بیت رسالت) بگویید این است که ما برای شما الگو پیشوا و خلفای خداوند در، زمین امینان بر مخلوقاتش و حجت هایی در برابر جنایتکاران هستیم ماییم که حلال و حرام تأویل کتاب و فصل الخطاب را می شناسیم

(11) - از ثویر بن ابی فاخته از پدرش روایت کرده است که گفت:

امام علی علیه السلام فرمود: ما بین دو لوح (کتاب (خدا) چیزی وجود دارد که من بر آن آگاه هستم

(12) - از سلیمان اعمش از پدرش روایت کرده است که گفت: امام علی علیه السلام فرمود: آیه ای (از قرآن) نازل نشده مگر آن که من می دانم درباره

نَزَلَتْ، إِنَّ رَبِّي وَهَبَ لِي قَلْبًا عَقُولًا وَلِسَانًا طَلْقًا (1)

63 / [13] - عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ:

قال أبو عبد الله عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ التَّنْزِيلَ وَالتَّأْوِيلَ فَعَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (2)

ص: 78

1- عنه بحار الأنوار: 97/92 ح 60، و البرهان في تفسير القرآن: 42/1 ح 24.

2- عنه بحار الأنوار: 97/92 ح 61، و البرهان في تفسير القرآن: 43/1 ح 25، و مستدرک الوسائل: 334/17 ح 21512.

چه کسی در کجا و در چه موردی نازل شده است همانا خداوند قلب دَرّاک و هوشمندی با زبانی رسا و گویا به من عطا نموده است.

(13) - و از ابو الصباح (کنانی) روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند (متعال) علم تأویل و تنزیل را به پیغمبرش صلی الله علیه و آله آموخت و او (نیز) به علی علیه السلام آموخت

ص: 79

في من فسر القرآن برأيه

[1]/64 - عَنْ زُرَّارَةَ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرَّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ، إِنَّ الْآيَةَ يَنْزِلُ أَوَّلَهَا فِي شَيْءٍ ، وَ أَوْسَطُهَا فِي شَيْءٍ ، وَ آخِرُهَا فِي شَيْءٍ ، ثُمَّ قَالَ : (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) (1) مِنْ مِيلَادِ الْجَاهِلِيَّةِ (2)

[2]/65 - عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ (3) ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ :

مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَاصَّابَ لَمْ يُوجَرْ ، وَإِنْ أَخْطَأَ كَانَ إِثْمُهُ عَلَيْهِ (4)

[3]/66 - عَنْ أَبِي الْجَارُودِ ، قَالَ : قَالَ أَبُو جَعْفَرِ

مَا عَلِمْتُمْ فَقُولُوا ، وَمَا لَمْ تَعْلَمُوا فَقُولُوا : اللَّهُ أَعْلَمُ ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَنْزِلُ بِالْآيَةِ فَيَخِرُّ بِهَا أَبْعَدَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (5)

ص: 80

1- سورة الأحزاب : 33/33 .

2- عنه بحار الأنوار: 110/92 ح 10 ، والبرهان في تفسير القرآن : 46/1 ح 7 ، ونور الثقلين : 277/4 ح 110 .

3- وفي نسخة من البرهان في تفسير القرآن : هشام بن سالم عن أبي جعفر عليه السلام ، ولكن الظاهر هو المختار ، فإنه لا يروي عن أبي جعفر الباقر عليه السلام

4- عنه بحار الأنوار: 110/92 ح 11 ، والبرهان في تفسير القرآن : 47/1 ح 9 و مستدرک الوسائل : 334/17 ح 21513

5- عنه بحار الأنوار: 110/92 ح 12 و البرهان في تفسير القرآن : 47/1 ح 10 الكافي : 33/1 ح 4.

کسی که قرآن را با رأی و نظر خود تفسیر کند

(1) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: نسبت به عقل و اندیشه مردمان، چیزی دورتر از تفسیر قرآن نیست همانا آیه ای نازل شده که ابتدایش درباره چیزی وسطش چیز دیگری و پایانش هم چیز دیگری باشد، و پایانش هم چیز دیگری باشد سپس فرمود: «همانا خداوند اراده کرده است که هر نوع پلیدی و گناه را از شما اهل بیت (رسالت) دور نماید؛ و شما را پاک و منزّه گرداند» که از (فرزندان و) تربیت یافته گان زمان جاهلیت نباشند!!

(2) - از هشام بن سالم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی که قرآن را با (رأی و) نظر خود تفسیر نماید چنان چه حقیقت را درک کند پاداشی ندارد و اگر خطا کند گناه و عقابش بر خود اوست.

(3) - از ابی الجارود روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: آن چه را که فرا گرفته اید و می دانید پاسخ دهید و آن چه را که نمی دانید بگویید خداوند داناتر است همانا مردی (برای این که ادعای خویش را ثابت کند) آیه ای از قرآن را می رباید ولی (با این کار) از حقیقت منحرف گشته و گویا به اندازه فاصله آسمان تا زمین سقوط کرده است.

67/4] - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ إِنْ أَصَابَ لَمْ يُوجَرْ وَإِنْ أَخْطَأَ خَرَّ أَبْعَدَ مِنَ السَّمَاءِ. (1)

68/5] - عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ أَبْعَدُ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنَ الْقُرْآنِ. (2)

69/6] - عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سُئِلَ عَنِ الْحُكْمِ قَالًا: مَنْ حَكَّمَ بِرَأْيِهِ بَيْنَ اثْنَيْنِ فَقَدْ كَفَرَ، وَ مَنْ فَسَّرَ [بِرَأْيِهِ] آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ. (3)

ص: 82

1- عنه بحار الأنوار: 110/92 ح 13، وسائل الشيعة: 202/27 ح 33597، والبرهان في تفسير القرآن: 47/1 ح 11.

2- عنه بحار الأنوار: 111/92 ح 14، وسائل الشيعة: 203/27 ح 33600، والبرهان في تفسير القرآن: 47/1 ح 12 و مستدرك الوسائل: 334/17 ح 21514

3- عنه بحار الأنوار: 111/92 ح 15 و 264/104 ح 9، و وسائل الشيعة: 60/27 ح 33195 و 203 ح 33598، والبرهان في تفسير القرآن: 47/1 ح 13

(4) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر که قرآن را با رأی و نظر خود تفسیر نماید، اگر حقیقت را درک کند پاداشی ندارد و اگر خطا کند (فاصله او با حقیقت و معنویت) هم چون دوری و فاصله آسمان (تا زمین) است.

(5) - از عبد الرحمان بن حجّاج روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: چیزی دورتر از تفسیر (و تأویل قرآن) نسبت به عقل و اندیشه انسان نیست

(6) - از عمّار بن موسی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره حکم و قضاوت سؤال شد؟

فرمود: هر کسی که بین دو نفر با (رأی و) نظر خود قضاوت کند کافر گشته؛ و هر که آیه ای از قرآن را با رأی و نظر خود تفسیر کند کافر شده است.

ص: 83

كراهية الجدل في القرآن

[1]/70 - عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِيَّاكُمْ وَالْخُصُومَةَ فَإِنَّهَا تُحْبِطُ الْعَمَلَ وَتَمْحَقُ الدِّينَ وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَنْزِعُ بِالْأَيْمَةِ يَقَعُ [منها] فِيهَا أَبْعَدَ مِنَ السَّمَاءِ (1)

[2]/71 - عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ (2)، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا ضَرَبَ رَجُلٌ الْقُرْآنَ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ (3) إِلَّا كَفَرَ (4)

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَاسِرٍ [الخدادم] عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

الْمِرَاءُ فِي كِتَابِ اللَّهِ كُفْرٌ (5)

ص: 84

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 111/92 ح 16، وسائل الشيعة: 203/27 ح 33602، والبرهان في تفسير القرآن: 47/1 ح 14.
 - 2- في بعض النسخ: القاسم بن المعمّر وفي بعضها القاسم بن القمر، ولعلّ الظاهر ما أثبتاه كما في جامع الرواة: 17/2، و معجم رجال الحديث: 20/14
 - 3- وقال الفيض (رحمه الله): لعلّ المراد بضرب بعضه بعض: تأويل بعض متشابهاته إلى بعض، بمقتضى الهوى من دون سماع من أهله، أو نور وهدى من الله. تفسير الصافي: ج 1: 21.
 - 4- عنه بحار الأنوار: 39/92 ذيل ح 1 أشار إليه، والبرهان في تفسير القرآن: 47/1 ح 15. المحاسن: 212 ح 86، والكافي: 462/2 ح 17، و عقاب الأعمال: 280، و معاني الأخبار: 19 ح 1 عنهم البحار: 39/92 ح 1.
 - 5- عنه بحار الأنوار: 111/92 ح 17، وسائل الشيعة: 203/27 ح 33601، والبرهان في تفسير القرآن: 47/1 ح 16.

ناپسند بودن جدال پیرامون قرآن

(1) - از زرارہ روایت کرده است کہ گفت:

امام باقر علیہ السلام: فرمود بر شما باد دوری از خصومت و دشمنی با یکدیگر زیرا کہ (این روش) عمل را بی تاثیر و دین را نابود می نماید و چه بسا یکی از شما (برای ادعای خود) آیه ای (از قرآن) را بر باید، و در آن سخن گوید، ولی فاصله او دورتر از فاصله بین آسمان و زمین است.

(2) - از قاسم بن سلیمان از یاسر (خادم) روایت کرده است کہ گفت:

امام صادق علیہ السلام به نقل از پدر بزرگوارش علیہ السلام فرمود: شخصی کہ قسمتی از (آیات) قرآن را با آیاتی دیگر مورد استفاده قرار نداده و تفسیر نکرده مگر آن کہ کافر گشته است.

(3) - از یعقوب بن یزید روایت کرده است کہ گفت:

امام رضا علیہ السلام می فرمود: مراء و جدال پیرامون قرآن، کفر و بی دینی است.

لَا تَقُولُوا لِكُلِّ آيَةٍ هَٰذِهِ رَجُلٌ وَهَٰذِهِ رَجُلٌ إِنَّ مِنَ الْقُرْآنِ حَلَالًا وَمِنْهُ حَرَامٌ وَفِيهِ نَبَأٌ مَنْ قَبْلَكُمْ، وَخَيْرٌ مَنْ بَعْدَكُمْ وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ، فَهَكَذَا هُوَ
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُفَوَّضٌ فِيهِ إِنْ شَاءَ فَعَلَ الشَّيْءَ وَإِنْ شَاءَ تَذَكَّرَ حَتَّى إِذَا فُرِضَتْ فَرَائِضُهُ، وَخُمِّسَتْ أَحْمَاسُهُ، حَقَّقَ عَلَى
النَّاسِ أَنْ يَأْخُذُوا بِهِ، لِأَنَّ اللَّهَ قَالَ: (مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَيْكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا). (1). (2)

ص: 86

1- سورة الحشر : 7/59

2- عنه بحار الأنوار : 111/92 ح 18، والبرهان في تفسير القرآن : 47/12 ح 17.

4- از داود بن فرقد روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: برای هر آیه ای نگوئید: این مردی است و آن مردی همانا بعضی از آیات (قرآن) بیان حلال و بعضی بیان محرّمات (الهی) است، بعضی سرگذشت پیشینیان برخی خبر های آیندگان و بعضی هم احکام بین شما است (آری) قرآن چنین خواهد بود.

این امر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله تقویض شده، چنان چه مایل بود انجام می داد و اگر می خواست تذکر می داد؛ و چون واجبات مطرح گشت و حقّ الناس تخمیس (یک پنجم) گردید (مأمور شد) که بر طبق آن عمل نماید، چون خداوند فرمود: «آن چه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله را برایتان آورده دریافت و عمل کنید و آن چه را که نهی نموده آن را رها و ترک نمایید»

ص: 87

74 / [1] - بِإِسْنَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ الْبَطْنِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ مُقَطَّعٌ فِي أُمَّ الْكِتَابِ. (1)

75/[2] - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِيْدَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِأَبِي حَنِيفَةَ: مَا سُورَةٌ أَوْلَاهَا تَحْمِيدٌ وَأَوْسَطُهَا إِخْلَاصٌ وَآخِرُهَا دُعَاءٌ

فَبَقِيَ مُتَحَيِّرًا ثُمَّ قَالَ: لَا أَدْرِي فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السُّورَةُ الَّتِي أَوْلَاهَا تَحْمِيدٌ، وَأَوْسَطُهَا إِخْلَاصٌ، وَآخِرُهَا دُعَاءٌ: سُورَةُ «الْحَمْدِ» (2)

76/[3] - عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَمَّنْ رَفَعَهُ، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: [عَنْ] (وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ)؟ (3)

فَقَالَ: هِيَ سُورَةُ «الْحَمْدِ»، وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ مِنْهَا (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الْمَثَانِي لِأَنَّهَا تُتْلَى فِي الرُّكْعَتَيْنِ. (4)

ص: 90

1- عنه بحار الأنوار: 234/92 ح 16، و البرهان في تفسير القرآن: 101/1 ح 12. ثواب الأعمال: 104 عنه البحار: 234/92 ح 16.

2- عنه بحار الأنوار: 235/92 ح 22، و البرهان في تفسير القرآن: 101/1 ح 13.

3- سورة الحجر: 87/15

4- عنه بحار الأنوار: 20/85 ح 10 و 235/92 ح 23، و البرهان في تفسير القرآن: 101/1 ح 14، و نور الثقلين: 6/1 ح 11 و 27/3 ح

98، و مستدرک الوسائل: 159/4 ح 4361، و 164 ح 4385 بحذف الذيل.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

1- با سند هایی از ابو حمزه بطنانی به نقل از پدرش روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: (حروف) اسم اعظم خداوند، در «أم الكتاب»، تقطیع و پراکنده است.

2- از محمد بن سنان روایت کرده است که گفت:

امام کاظم از پدر بزرگوارش علیهما السلام نقل نموده که به ابو حنیفه فرمود: چیست آن سوره ای که ابتدای آن ستایش وسط آن اخلاص و پایان آن دعا و نیایش می باشد؟ ابو حنیفه سرگردان ماند و گفت: نمی دانم

امام صادق علیه السلام فرمود: سوره ای که ابتدای آن ستایش وسط آن اخلاص و پایان آن نیایش، باشد، سوره «حمد» است.

3- از یونس بن عبد الرحمان روایت کرده است که بعضی از اصحاب گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره (فرمایش خداوند: «به تحقیق ما هفت تا از جفتی ها را با قرآن عظیم به تو دادیم»، سؤال کردم؟

فرمود: سوره «حمد» است که دارای هفت آیه می باشد و (بسم الله الرحمن الرحيم) جزئی از آن هاست: و به آن «مثنی» گفته شده، چون دو بار در دو رکعت نماز خوانده می شود

77/4] - عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَرَقُوا أَكْرَمَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (1)

78/5] - عَنْ صَفْوَانَ الْجَمِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ كِتَابًا إِلَّا وَفَاتِحَتُهُ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)، وَإِنَّمَا كَانَ يُعْرَفُ انْقِضَاءُ السُّورَةِ بِنُزُولِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) ابْتِدَاءً لِالْآخِرِ. (2)

79/6] - عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْهَرُ بِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَيَرْفَعُ صَوْتَهُ بِهَا، فَإِذَا سَمِعَهَا الْمُشْرِكُونَ وَلَوْ مُدْبِرِينَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ (وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا) (3). (4)

80/7] - قَالَ أَحْسَنُ بْنُ خُرَزَادَةَ، وَرَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

إِذَا أَمَّ الرَّجُلُ الْقَوْمَ، جَاءَ شَيْطَانُ إِلَى الشَّيْطَانِ الَّذِي هُوَ قَرِيبُ الْإِمَامِ، فَيَقُولُ: هَلْ ذَكَرَ اللَّهُ - يَعْنِي هَلْ قَرَأَ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)؟ - فَإِنْ قَالَ: نَعَمْ، هَرَبَ مِنْهُ، وَإِنْ قَالَ: لَا، رَكِبَ عُنُقَ الْإِمَامِ، وَدَلَّى رِجْلَيْهِ فِي صَدْرِهِ، فَلَمْ يَزَلِ الشَّيْطَانُ إِمَامَ الْقَوْمِ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنْ صَلَاتِهِمْ (5)

ص: 92

1- عنه بحار الأنوار: 20/85 ذيل ح 10، و 236/92 ح 28، و البرهان في تفسير القرآن: 101/1 ح 15، و نور الثقلين: 6/1 ح 12، و مستدرک الوسائل: 165/4 ح 4386.

2- عنه بحار الأنوار: 20/85 ضمن ح 10 و 236/92 ح 29، و البرهان في تفسير القرآن: 101/1 ح 16، و نور الثقلين: 6/1 ح 13 و 238/2 ح 223، و مستدرک الوسائل: 165/4 ح 4383، و 166 ح 4393 عن السياري في كتاب التزويل.

3- سورة الإسراء: 46/17.

4- عنه بحار الأنوار: 82/85 ح 24 و 236/92 ح 30، و البرهان في تفسير القرآن: 102/1 ح 17، و نور الثقلين: 173/3 ح 247.

5- عنه بحار الأنوار: 20/85 ضمن ح 10 و 236/92 ح 31، و البرهان في تفسير القرآن: 102/1 ح 18، و مستدرک الوسائل: 165/4 ح 4388.

(4) - از ابو حمزه روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: گرامی ترین آیات کتاب خدا را سرقت کرده اند که (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) می باشد.

(5) - و از صفوان جمّال روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: کتابی از آسمان نازل نگشته مگر آن که در ابتدای آن (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) بوده است و پایان هر سوره با نزول (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) شناخته می شد چون در ابتدای دیگری می بود.

(6) - از ابو حمزه روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را با صدای بلند تلاوت می نمود و چون مشرکین آن را می شنیدند پشت کرده و می رفتند لذا خداوند در آیه فرمود: «هنگامی که خدا را به تنهایی نام می بری ، (مشرکان) با نفرت پشت کرده و می روند».

(7) - حسن بن خرّزاد گفت و از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

هنگامی که مردی برای گروهی امام جماعت شود، ابلیس نزد شیطنی می آید که کنار امام جماعت است و می گوید: آیا خدا را نام برده یعنی (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را قرائت کرده است؟

پس اگر بگوید: بلی فرار می کند؛ ولی چنان چه بگوید نه برگردن او سوار شود و پا های خود را بر سینه اش اندازد پس شیطان امام جماعت آن ها خواهد بود تا از نماز فارغ شوند.

81/8] - عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ إِبْلِيسَ رَنَّ أَرْبَعَ رَنَاتٍ (1) أَوَّلُهُنَّ يَوْمَ لَعْنٍ، وَحِينَ هَبَطَ إِلَى الْأَرْضِ، وَحِينَ بُعِثَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى فَتْرِهِ مِنَ الرُّسُلِ، وَحِينَ أَنْزَلَتْ أُمُّ الْكِتَابِ (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)، وَنَخَرَ نَخْرَتَيْنِ (2) حِينَ أَكَلَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَحِينَ أَهْبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ

قَالَ: وَلَعَنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ. (3)

82/9] - عن إسماعيل بن أبان، يرفعه إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال :

قال رسول الله صلى الله عليه وآله قال لجابر بن عبد الله : يا جابر، ألا أعلمك أفضل سورة أنزلها الله في كتابه؟

قال : فقال جابر : بلى يا بلي أنت و أمي يا رسول الله علمنيها

قال: فَعَلَّمَهُ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» - أُمُّ الْكِتَابِ-

قال: ثُمَّ قَالَ لَهُ : يَا جَابِرُ! أَلَا أَخْبِرُكَ عَنْهَا؟

قَالَ: بَلَى يَا بَلِي أَنْتَ وَ أُمِّي! فَأَخْبَرَنِي

قَالَ: هِيَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ يَعْنِي الْمَوْتَ (4)

ص: 94

1- الرثة : صوت المكروب أو المريض.

2- نخر الإنسان أو الدابة : مدّ الصوت و النفس في خياشيمه

3- عنه بحار الأنوار: 237/92 ح 32 ، و البرهان في تفسير القرآن : 102/1 ح 19 الخصال : 263 ح 141 .

4- . عنه مجمع البيان: 88/1، فيه السام الموت، و بحار الأنوار: 237/92 ح 33، و وسائل الشيعة : 232/6 ح 7813 ، و البرهان في

تفسير القرآن : 102/1 ح 20

8- از عبد الملک بن عمر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: شیطان در چهار مرحله ناله کنان، فریاد زده است: اولین بار روزی بود که لعن شد دومین بار هنگامی بود که به زمین هبوط کرد، سومین بار موقعی بود که (خداوند متعال) حضرت محمد صلی الله علیه و آله را پس از فاصله ای از پیامبران مبعوث نمود چهارمین بار وقتی بود که «أمّ الكتاب» نازل شد.

و دو بار از شادی باد در بینی خود انداخت (و به خود بالید): اول هنگامی بود که آدم علیه السلام از (میوه آن) درخت خورد؛ و دوم هنگامی که آدم (از بهشت) به زمین فرود آمد

حضرت افزود: و بر این (روش) کارش بود که لعنت شد

9- از اسماعیل بن ابان به طور مرفوعه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به جابر بن عبد الله (انصاری) فرمود:

ای جابر! آیا تو را تعلیم ندهم بر افضل و برترین سوره هایی که خداوند نازل کرده است؟

جابر گفت: بلی، پدر و مادرم فدایت باد ای رسول خدا آموزشم بدهید.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله سوره «الحمد لله» - أمّ الكتاب - را برایش قرائت نمود و سپس فرمود: ای جابر آیا تو را از (خاصیت) آن آگاه نگردانم؟

جابر گفت: بلی پدر و مادرم فدایت باد مرا آگاه فرما

فرمود: این سوره شفابخش و درمان هر دردی است مگر مرض سام که همان مرگ باشد.

سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: مَنْ لَمْ تَبْرِئْهُ «الْحَمْدِ» لَمْ يَبْرِئْهُ شَيْءٌ (1)

84/11] - عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَاقْرَأِ الْمَثَانِيَّ وَ سُورَةَ أُخْرَى وَ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ ادْعُ اللَّهَ، قُلْتُ: أَصَدَّ لِحَاكَ اللَّهُ! وَ مَا الْمَثَانِي؟ قَالَ (عليه السلام): «فَاتِحَةُ الْكِتَابِ» (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)... (2)

85/12] - عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ [عبيد] اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بَلَغَهُ أَنَّ أَنَسًا يَنْزِعُونَ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) فَقَالَ: هِيَ آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَنَسَاهُمْ إِيَّاهَا الشَّيْطَانُ. (3)

86/13] - عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) أَقْرَبُ إِلَى إِسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا. (4)

ص: 96

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 237/92 ح 34، و البرهان في تفسير القرآن: 102/1 ح 21. الكافي: 458/2 ح 22، و مجمع البيان: 88/1.
 - 2- عنه مجمع البيان: 18/1 مختصراً، و بحار الأنوار: 20/85 ضمن ح 10 و 237/92 ح 35، و وسائل الشيعة: 232/6 ح 7814 مختصراً، و البرهان في تفسير القرآن: 102/1 ح 22، و مستدرک الوسائل: 165/4 ح 4389، و 312/6 ح 6889. و يأتي الحديث أيضاً في سورة «الحجر» ح 35
 - 3- عنه بحار الأنوار: 20/85 ضمن ح 10 و 237/92 ح 36، و البرهان في تفسير القرآن: 103/1 ح 23، و مستدرک الوسائل: 165/4 ح 4390.
 - 4- عنه بحار الأنوار: 233/92 ح 15 و البرهان في تفسير القرآن: 103/1 ح 24. عيون أخبار الرضاء عليه السلام: 5/2 ح 11، تحف العقول: 487، عنهما البحار: 233/92 ح 15، تهذيب الأحكام: 389/2 ح 1159 مجمع البيان: 89/1، كشف الغمة: 420/2، و البحار 371/78 ح 6.

(10) - از سلمة بن محرز [محمد] روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر دردمندی که سوره حمد شفايش نبخشد چیز دیگری درمانش نکند.

(11) - از ابوبکر حضرمی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه حاجتی داشتی سوره «مثنی» را به همراه سوره ای دیگر تلاوت کن و پس از آن دو رکعت نماز به جای آور و سپس حاجت خود را بخواه

عرضه داشتیم: خداوند امور شما را اصلاح نماید! «مثنی» چیست؟

فرمود: «فاتحة الكتاب»: (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ ...)

(12) - از عیسی بن عبد [عبید] الله، به نقل از پدر از جدش، از امام علی علیه السلام روایت کرده است که گفت:

چون به امام علی علیه السلام خبر رسید که مردم (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ) از (از ابتدای سوره ها) می اندازند فرمود: این آیه ای از کتاب خداوند است که شیطان آن ها (مخالفین) را به فراموشی انداخته است.

(13) - از اسماعیل بن مهران روایت کرده است که گفت:

امام رضا علیه السلام فرمود: (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ) از نزدیک ترین اسماء به اسم اعظم خداوند متعال است (حتی) از فاصله سیاهی چشم به سفیدی آن هم نزدیک تر می باشد

عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ أَهْلُهُ، فَلْيَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُلَاطَفَةً، فَإِنَّهُ أَلْيَنُ لِقَلْبِهَا، وَ أَسَلُّ لِسَخِيمَتِهَا (1)، فَإِذَا أَفْضَى إِلَى حَاجَتِهِ، قَالَ: بِسْمِ اللَّهِ -ثَلَاثًا، فَإِنْ قَدَرَ أَنْ يَقْرَأَ أَيَّ آيَةٍ حَضَرَتْهُ مِنَ الْقُرْآنِ فَعَلَّ، وَإِلَّا قَدْ كَفَتْهُ التَّسْمِيَةُ»

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ فِي الْمَجْلِسِ فَإِنْ قَرَأَ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) أُوجِرَ بِهِ؟

فَقَالَ: وَ أَيَّ آيَةٍ أَعْظَمَ فِي كِتَابِ اللَّهِ؟

فَقَالَ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) (2)

15/88] - عَنِ الْحَسَنِ بْنِ خُرَزَادَةَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَسْأَلُ عَنْ مَعْنَى اللَّهِ؟

فَقَالَ: اسْتَوَلَى عَلَى مَا دَقَّ وَ جَلَّ. (3)

16/89] - عَنِ خَالِدِ بْنِ مُخْتَارٍ قَالَ:

سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: مَا لَهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ عَمَدُوا إِلَى أَعْظَمِ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، فَزَعَمُوا أَنَّهَا بَدَعُهُ إِذَا أَظْهَرُوهَا، وَ هِيَ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ). (4)

ص: 98

1- السخيمة: الحقد و الضغينة و الموجدة في النفس، و في الحديث: اللهم اسئل سخيمة قلبي. لسان العرب: 282/12 (سخم).

2- عنه بحار الأنوار: 238/92 ح 37، و البرهان في تفسير القرآن: 103/1 ح 25، فيه قطعة منه .

3- عنه بحار الأنوار: 238/92 ح 38 و البرهان في تفسير القرآن: 108/1 ح 10 . الكافي: 114/11 ح 3، التوحيد: 230 ح 4 فيه: عن الحسن بن راشد عن أبي الحسن موسى عليه السلام، و نحوه معاني الأخبار: 4 ح 1.

4- عنه بحار الأنوار: 21/85 ضمن ح 10 و 238/92 ح 39، و البرهان في تفسير القرآن: 103/1 ح 26، و مستدرک الوسائل: 166/4 ح 4391.

14) - از سلیمان جعفری روایت کرده است که گفت:

شنیدم که امام رضا علیه السلام می فرمود: هنگامی که یکی از شما بخواهد با همسر خود هم بستر شود باید قبل از آن با همسرش ملاطفت و معاشقه کند تا دل او را به دست آورد و برای انجام عمل جنسی آماده گردد (و با رغبت خود را در اختیار شوهر قرار دهد) و چون خواست مجامعت کند، سه بار «بسم الله» بگوید؛ و نیز اگر توانست یک آیه دیگر هم بخواند ولی اگر نتوانست همان «بسم الله» کفایت می کند

پس مردی به حضرت عرض کرد: اگر فقط (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) را بخواند پاداش خواهد داشت؟

فرمود: و چه آیه ای عظیم تر از آن می باشد؟

پاسخ داد: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)

15) - از حسن بن خُزّاد روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام نوشتم و پیرامون معنای «الله» از آن حضرت سؤال کردم؟

فرمود: خداوند (تبارک و تعالی) بر هر چیز کوچک، ظریف بزرگ و جلیل تسلط و استیلاء دارد

16) - از خالد مختار روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ایشان را چه شده؟! خدا آنان را بکشد عظیم ترین آیه در کتاب خداوند را قصد کردند و گمان نموده اند که اگر آن را آشکار کنند بدعت است و آن (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) می باشد.

قوله تعالى : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (1) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (2) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (3)

[17/90] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ بْنِ مَسْعُودٍ ، قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : (وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ) ؟ (1)

فَقَالَ : « فَاتِحَةُ الْكِتَابِ [يُسْتَنَّى فِيهَا الْقَوْلُ ،

قَالَ : وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : إِنَّ اللَّهَ مَنْ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ [مِنْ كَنْزِ الْجَنَّةِ ، فِيهَا (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) الْآيَةُ الَّتِي يَقُولُ فِيهَا : (وَإِذَا ذُكِرَتْ رَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحَدِّثْهُ وَتَوَاعَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا) . (2) وَ (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) دَعْوَى أَهْلِ الْجَنَّةِ ، حِينَ شَكُرُوا اللَّهَ حُسْنَ الثَّوَابِ . وَ (مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ) قَالَ جَبْرَائِيلُ : مَا قَالَهَا مُسْلِمٌ قَطُّ إِلَّا صَدَّقَهُ اللَّهُ وَ أَهْلُ سَمَاوَاتِهِ . (إِيَّاكَ نَعْبُدُ) إِخْلَاصُ الْعِبَادَةِ . (وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) أَفْضَلُ مَا طَلَبَ بِهِ الْعِبَادُ حَوَائِجَهُمْ . (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) صِرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ ، وَ هُمْ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ . (غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ) الْيَهُودُ وَ (وَغَيْرِ الضَّالِّينَ) النَّصَارَى (3)

[18 / 91] - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي تَفْسِيرِ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) فَقَالَ : (الْبَاءُ بِهَاءِ اللَّهِ وَ (الْسَيْنُ) سَنَاءُ اللَّهِ وَ (الْمِيمُ) مَجْدُ اللَّهِ . (4)

ص : 100

1- سورة الحجر : 87/15

2- سورة الإسراء : 46/17 .

3- عنه مجمع البيان : 109/1 ، و بحار الأنوار : 21/85 ذيل ح 10 ، و 238/92 ح 40 ، و البرهان في تفسير القرآن : 120/1 ح 28 ، و مستدرک الوسائل : 166/4 ح 4392 قطعة منه

4- عنه بحار الأنوار : 231/92 ح 11 ، و البرهان في تفسير القرآن : 108/1 ح 9 . المحاسن : 238 ح 213 ، و الكافي : 89/1 ح 1 ، و معاني الأخبار : 3 ، 1 ، و التوحيد : 213 ح 2

فرمایش خداوند متعال: به نام خداوند بخشاینده مهربان (1) حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است (2) (که او) بخشاینده و مهربان است. (3)

(17) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند «ما آیات هفت گانه دوتایی و قرآن عظیم را بر تو نازل کردیم»، سؤال کردم؟

فرمود: سوره «فاتحة الكتاب» است که دو بار «در نماز» خوانده می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند بر من مَتَّ نِهَاد و «فاتحة الكتاب» را از گنجینه عرش برایم فرستاد در آن (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) است همان آیه ای که درباره آن می فرماید: «هنگامی که پروردگارت را به تنهایی در قرآن یاد نمودی، (کافران) با حالت نفرت روی گردانده و پشت کنند؛ و (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)، ادعای اهل بهشت است که این گونه خدا را بر پاداش نیکویش سپاس گویند؛ و (مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ) که جبرئیل فرموده است: مسلمانی آن را نگوید مگر آن که خداوند و اهل آسمان ها تصدیقش نمایند.

و (إِيَّاكَ نَعْبُدُ)، سخن اخلاص بندگان است؛ (وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)، برترین خواسته ای است که بندگان در حاجت های خود درخواست می کنند؛ و (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)، صراط همان پیامبرانی هستند که خداوند بر آن ها نعمت، ارزانی داشته است؛ (غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ)، یهودیان هستند؛ و (وَلَا الضَّالِّينَ) نصرانی ها می باشند

(18) - از عبد الله بن بن سنان روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ)، سؤال کردم؟

فرمود: (باء) بهاء خداوند، (سین) سناء خدا، (میم) مجد و عظمت خدا است

92 / [19] - وَرَوَى غَيْرُهُ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : « الْمِيمُ » مُدَّكَ اللَّهُ ، « اللَّهُ » إِلَهَ الْخَلْقِ ، « الرَّحْمَنُ » بِجَمِيعِ الْعَالَمِ « الرَّحِيمُ » بِالْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً (1)

93 / [20] - وَرَوَى غَيْرُهُ عَنْهُ : وَ اللَّهُ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ . (2)

قوله تعالى : مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ (4)

94 / [21] - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ (مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ) . (3)

95 / [22] - عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ :

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقْرَأُ مَا لَا أَحْصِي (مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ) (4)

96 / [23] - عَنْ الزُّهْرِيِّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ :

لَوْ مَاتَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ ، كَانَ إِذَا قَرَأَ (مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ) يُكْرِّرُهَا وَ يَكَادُ أَنْ يَمُوتَ (5)

ص : 102

1- عنه بحار الأنوار: 231/92 ذيل ح 11، و البرهان في تفسير القرآن: 104/1 ذيل ح 9. المحاسن: 238 ذيل ح 213، و الكافي:

89/1 ذيل ح 1، و معاني الأخبار: 3 ح 1، و التوحيد: 213 ذيل ح 2.

2- عنه البرهان في تفسير القرآن: 108/1 ذيل ح 9. تفسير قمي: 1/28.

3- عنه مجمع البيان: 109/1، و بحار الأنوار: 85/22 ضمن ح 11، و 22/85 ح 11 و 239/92 ح 41، و البرهان في تفسير القرآن:

121/1 ح 29، و نور الثقلين: 19/1 ح 79.

4- عنه بحار الأنوار: 85/22 ضمن ح 11 و 22/85 ذيل ح 11 و 239/92 ح 42، و البرهان في تفسير القرآن: 121/1 ح 30، و نور

الثقلين: 19/1 ح 80

5- عنه بحار الأنوار: 22/85 ذيل ح 12 قطعة منه، 239/92 ح 43، و البرهان في تفسير القرآن: 121/1 ح 31 و مستدرک الوسائل:

463/3 ح 4003، و 221/4 ذيل ح: 4542. الكافي: 440/2 ح 13، و مشكاة الأنوار: 120، عنه مستدرک الوسائل: 221/4 ح 4542

(19) - و غیر از او دیگران از آن حضرت علیه السلام روایت کرده اند:

«میم» ملک خداوند ؛ - «الله» معبود و مورد پرستش آفریده ها؛ «رحمن» بخشاینده به همه آفریده ها و موجودات «رحیم» فقط نسبت به مؤمنان مهربان است .

(20) - و دیگران از آن حضرت علیه السلام روایت کرده اند:

«الله» خداوند تمامی موجودات است.

فرمایش خداوند متعال: او مالک روز جزا خواهد بود. (4)

(21) - از محمد بن علی حلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام همیشه (آیه شریفه) (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) را قرائت می نمود.

(22) - از داود بن فرقد روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که (مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ) را بی نهایت قرائت می نمود.

(23) - از زهری روایت کرده است که گفت:

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: اگر (تمامی موجودات) ما بین مشرق و مغرب بمیرند چون قرآن با من باشد از تنهایی هراسی ندارم

و آن حضرت آن چنان (مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ) را قرائت و تکرار می کرد که گویا مرگش نزدیک می باشد

قوله تعالى : (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) (5)

97 / [24] - عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْجَمَالِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

بَعَثَ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ مَرْوَانَ إِلَى عَامِلِ الْمَدِينَةِ أَنْ وَجِّهْ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَلَا تُهَيِّجْهُ وَلَا تُرَوِّعْهُ وَاقْضِ لَهُ حَوَائِجَهُ. وَقَدْ كَانَ وَرَدَ عَلَى عَبْدِ الْمَلِكِ رَجُلٌ مِنَ الْقَدْرِيَّةِ (1) فَحَضَرَ جَمِيعَ مَنْ كَانَ بِالشَّامِ فَأَعْيَاهُمْ جَمِيعاً فَقَالَ: مَا لِهَذَا إِلَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ فَكَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الْمَدِينَةِ أَنْ يَحْمِلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ إِلَيْهِ، فَأَتَاهُ صَاحِبُ الْمَدِينَةِ بِكِتَابِهِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): إِنِّي شَيْخٌ كَبِيرٌ لَا أَقْوَى عَلَى الْخُرُوجِ وَهَذَا جَعْفَرُ ابْنِي يُقَوْمُ مَقَامِي فَوَجَّهَهُ إِلَيْهِ، فَوَجَّهَهُ إِلَيْهِ فَلَمَّا قَدِمَ عَلَى الْأُمَوِيِّ اذْذَرَاهُ (2) لَصِغَرِهِ وَكَرِهَ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقَدْرِيِّ مَخَافَةَ أَنْ يَغْلِبَهُ، وَتَسَامَعَ النَّاسُ بِالشَّامِ بِقُدُومِ جَعْفَرٍ لِمُخَاصَمَةِ الْقَدْرِيِّ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ اجْتَمَعَ النَّاسُ بِخُصُومَتِهِمَا. فَقَالَ الْأُمَوِيُّ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ قَدْ أَعْيَانَا أَمْرٌ هَذَا الْقَدْرِيُّ، وَإِنَّمَا كَتَبْتُ إِلَيْكَ لِأَجْمَعَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، فَإِنَّهُ لَمْ يَدَعْ عِنْدَنَا أَحَدًا إِلَّا خَصَمَهُ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ يَكْفِينَاهُ

لَمَّا قَدِمَ عَلَى الْأُمَوِيِّ اذْذَرَاهُ لَصِغَرِهِ وَكَرِهَ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقَدْرِيِّ مَخَافَةَ أَنْ يَغْلِبَهُ، وَتَسَامَعَ النَّاسُ بِالشَّامِ بِقُدُومِ جَعْفَرٍ لِمُخَاصَمَةِ الْقَدْرِيِّ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ اجْتَمَعَ النَّاسُ بِخُصُومَتِهِمَا. فَقَالَ الْأُمَوِيُّ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ قَدْ أَعْيَانَا أَمْرٌ هَذَا الْقَدْرِيُّ، وَإِنَّمَا كَتَبْتُ إِلَيْكَ لِأَجْمَعَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ، فَإِنَّهُ لَمْ يَدَعْ عِنْدَنَا أَحَدًا إِلَّا خَصَمَهُ. فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَكْفِينَاهُ.

قَالَ: فَلَمَّا اجْتَمَعُوا، قَالَ الْقَدْرِيُّ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَلْ عَمَّا شِئْتَ.

فَقَالَ لَهُ: اقْرَأْ سُورَةَ «الْحَمْدِ»

قَالَ: فَقَرَأَهَا، وَقَالَ الْأُمَوِيُّ - وَأَنَا مَعَهُ - : مَا فِي سُورَةِ «الْحَمْدِ» عَلَيْنَا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا

ص: 104

1- القدري في الأخبار يطلق على الجبري وعلى التفويضي، والمراد في هذا الخبر هو الثاني، وقد أحال كل من الفريقين ما ورد في ذلك على الآخر، وقد ورد في ذمهم أحاديث كثيرة في كتب الفريقين مثل قوله: لعن الله القدرية على لسان سبعين نبياً، وقوله صلى الله عليه وآله: القدرية مجوس أمتي، وقوله صلى الله عليه وآله: إذا قامت القيامة نادى مناد أهل الجمع: أين خصماء الله؟ فتقوم القدرية، إلى غير ذلك

2- از دراه: احتقره و استخف به و أصله من زرى، ثم از ترى ثم از ترا، فادراً.

فرمایش خداوند متعال ما فقط تو را عبادت می کنیم و تو را کمک می طلیم (5)

24) - از حسن بن محمد جمال به نقل بعضی از اصحاب روایت کرده که گفت: عبد الملک بن مروان به استاندار مدینه پیام فرستاد: محمد بن علی بن الحسین (علیهم السلام) را به سوی من بفرست و او را تحریک و ناراحت مگردان او را ترسان و خواسته هایش را برآورده کن در همین حال مردی از طایفه قدریه بر عبد الملک وارد شده بود، پس تمامی اهل شام را (برای احتجاج و مناظره با او) به حضور دعوت کرد و همگی در مقابل او در مانده گشتند، چون چنین دید گفت: فقط محمد بن علی علیهما السلام از عهده این کار بر می آید و نامه ای (با این مضمون) برای استاندار مدینه نوشت: محمد بن علی را به نزد عبد الملک بفرستد.

چون استاندار مدینه نامه را خدمت حضرت آورد فرمود: من پیرمردی بزرگ سال هستم و توان بیرون رفتن را ندارم فرزندم جعفر جانشین من است، او را به نزد عبد الملک بفرست

موقعی که (امام صادق علیه السلام) بر عبد الملک اموی وارد شد، حضرت را به خاطر سن کم و کوتاهی عمرش تحویل نگرفت و احترام لازم را به جای نیاورد و دوست نداشت که او را با دانشمند قدری کنار هم بنشانند، مبادا که (مرد) قدری بر حضرت پیروز آید - و اهالی شام از آمدن امام صادق علیه السلام برای احتجاج با (مرد) قدری آگاه شده بودند - به ناچار چون فردای آن روز شد مردم جهت مشاهده و مناظره آن دو نفر اجتماع کردند عبد الملک اموی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: این (دانشمند) قدری تمامی ما را در مانده کرده من نامه نوشتم که بیایی و با او اجتماع (و احتجاج) نمایی؛ زیرا کسی نمانده که با او مخاصمه نکرده باشد.

حضرت فرمود: خداوند ما را کفایت می نماید.

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، قَالَ: فَجَعَلَ الْقَدْرِيُّ يَقْرَأُ سُورَةَ «الْحَمْدِ» حَتَّى بَلَغَ قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قِفْ مَنْ تَسْتَعِينُ؟ وَمَا حَاجَتُكَ إِلَى الْمَعُونَةِ؟ إِنَّ الْأَمْرَ إِلَيْكَ

فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. (1)

قوله تعالى: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ) (6)

98 / [25] - عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَوْقِدٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)، يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (2)

99 / [26] - قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ:

سَمِعْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا لَا أَحْصِي وَأَنَا أُصَلِّي خَلْفَهُ يَقْرَأُ: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ). (3)

قوله تعالى: غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (7)

100/[27] - عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

ص: 106

1- عنه بحار الأنوار: 55/5 ح 98 و 239/92 ح 44، وفي تفسير القرآن البرهان: 121/1 ح 32 و نور الثقلين: 20/1 ح 83

2- عنه بحار الأنوار: 23/85 ح 12 و 240/92 ح 45، و البرهان في تفسير القرآن: ح 121/1 ح 33 . تفسير قمّي: 28/1، و معاني الأخبار: 32 ح 3.

3- عنه بحار الأنوار: 240/92 ح 45، و البرهان في تفسير القرآن: 122/1 ح 34، و مستدرک الوسائل: 221/4 ح 4543.

و چون اجتماع نمودند دانشمند قدری به امام صادق علیه السلام گفت: از آن چه می خواهی سؤال کن

حضرت فرمود: سوره «حمد» را قرائت کن هنگامی که خواست بخواند اموی (در پیش خود) گفت: در سوره «حمد» چیزی بر ضرر ما نیست، (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)، پس شروع بخواندن کرد تا رسید به فرمایش خداوند متعال: (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ).

امام صادق علیه السلام به او فرمود: همین جا بایست چه کسی را کمک می طلبی؟

اگر امور به دست خودت می باشد چه نیازی به کمک داری

پس او مبهوت ماند؛ زیرا خداوند ظالمان را هدایت نمی کند

فرمایش خداوند متعال: ما را بر صراط مستقیم هدایت نما (6)

(25) - از داود بن فرقد روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) یعنی (صراط و طریق) امیر المؤمنین علیه السلام.

(26) - از محمد بن علی حلبی روایت کرده است که گفت:

هنگامی که پشت سر آن حضرت (امام صادق علیه السلام) نماز می خواندم بسیار می شنیدم که (اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) را قرائت می نمود

فرمایش خداوند متعال: همان صراط و راهی که بر ایشان نعمت دادی نه آنهایی غضب شدند و نه آن هایی که گمراه گشتند (7)

(27) - از معاویه بن وهب روایت کرده است که گفت:

101/ [28] - عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ رَفَعَهُ: فِي قَوْلِهِ: «غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَغَيْرِ الضَّالِّينَ» هَكَذَا نَزَلَتْ؟ (2)

قَالَ: الْمَغْضُوبُ عَلَيْهِمْ: فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ وَ النَّصَابُ وَ الضَّالِّينَ: الشُّكَّاكُ الَّذِينَ لَا يَعْرِفُونَ الْإِمَامَ (3)

ص: 108

1- عنه بحار الأنوار: 23/85 ضمن ح 11 و 240/92 ح 46، والبرهان في تفسير القرآن: 122/1 ح 35. الاستبصار: 319/1 ح 1 .
2- مسألة اختلاف النزول والقراءات في الآيات الكريمة القرآنية من العويصات التي عنونها المفسرون في كتبهم، وذهب كل إلى قول، و نقل أقوالهم و ما هو الحق فيها خارج عن وضع هذه التعليقة، و من أراد الوقوف على شتى الأقوال و معتقد الإمامية في ذلك، فليراجع كتاب البيان في تفسير القرآن للمرجع المعظم العلامة الخوئي قدس الله نفسه، و غيره من الموسوعات، و التفاسير، و رأيت أخيراً في مجلة الهادي (العدد الأول من السنة الثانية) مقالة في كيفية نزول القرآن من الزميل الفاضل الدكتور السيد محمد باقر الحجّتي، و قد جمع فيها الأقوال و الآراء و لا تخلو مطالعتها عن الفائدة، و كيف كان فهذا الحديث و نظائره ممّا مرّ و قد ورد عن أئمة أهل البيت عليهم السلام بقراءة «غير الضالّين»، بدل «ولا الضالّين»، و قد نقل هذه القراءة عن عمر بن الخطّاب و غيره أيضاً. قال الطبرسي: وقرأ «الضالّين» عمر بن الخطّاب، و روي ذلك عن عليّ عليه السلام، و قد مرّ نظير هذا الحديث في اختلاف النزول أحاديث أخرى فيما تقدّم و يأتي في مطاوي الكتاب أيضاً، و لا يخفى عن معنى النزول في تلك الروايات ليس هو التحريف المدعى في بعض الكلمات، بل المراد من النزول هو التفسير و التأويل من حيث المعنى، كما صرح به معظم العلماء بل المنتمين إلى ذلك القول، كالمحدّث الحرّ العاملي في كتاب إثبات الهداة و المولى محسن الفيض في الوافي و غيرهم، و الّا فهى أخبار آحاد لا تعارض ما ثبت بالتواتر بين المسلمين هامش المطبوع لمكتبة الإسلامية

3- عنه بحار الأنوار: 23/85 ضمن ح 12، و 240/92 ح 47، و البرهان في تفسير القرآن: 122/1 ح 36 .

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: (غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ) - غضب شدگان و گمراهان، سؤال کردم؟

فرمود: یهودی ها و نصرانی ها هستند.

(28) - از مردی که از ابن ابی عمیر نقل نموده روایت کرده است که گفت:

که (غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ) این چنین نازل شده است، (الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ)، فلان و فلان و فلان و ناصبی ها هستند؛ و (الضَّالِّينَ)، شک اندازانی می باشند که امام (زمان شان) را نشناخته اند.

ص: 109

فضلها و بعض خواصها

[1]/102 - عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُعْطِيَتْ الطَّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَاهِ، وَ أُعْطِيَتْ الْمِثِينَ مَكَانَ الْإِنْجِيلِ، وَ أُعْطِيَتْ الْمَثَانِي مَكَانَ الزَّبُورِ، وَ فَضِّلَتْ بِالْمُفْصَلِ (1) سَبْعَ وَ سِتِّينَ سُورَةً. (2)

[2]/103 - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ قَرَأَ الْبَقْرَةَ وَ آلَ عِمْرَانَ جَاءَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تِظْلَانَةٌ عَلَى رَأْسِهِ مِثْلَ الْغَمَامَتَيْنِ

ص: 112

1- اختلف الأقوال في تفسير هذه الألفاظ أقربها إلى الصواب: أن الطول كصرد، هي السبع الأول بعد الفاتحة على أن بعد الأنفال و البرائة واحدة لنزولهما جميعاً في المغازي و تسميتهما بالقرينتين، و المئين من بني إسرائيل إلى سبع سور؛ سميت بها لأن كلاً منها على نحو مائة آية و المفصل من سورة محمد صلى الله عليه و اله إلى آخر القرآن؛ سميت به لكثرة الفواصل بينهما و المثنائي بقية السور، و هي التي تقصر عن المئين و تزيد على المفصل .

2- عنه بحار الأنوار: 27/92 ح 31 و البرهان في تفسير القرآن: 123/1 ح 1. الكافي: 601/2 ح 10 بتفاوت يسر، عنه نور الثقلين: 638/1 ح 232 و 29/3 ح 112 و 25/5 ح 4 المناقب لابن شهر آشوب: 229/1 بتفاوت عنه البحار: 335/16 ذيل ح 28، المعجم الكبير للطبراني: 258/8، تفسير الثعلبي: 68/9، الدر المنثور للسيوطي: 189/1 و 101/6، كنز العمال: 573/1 ح 2585

فضائل و بعضی از خواص آن

(1) - از سعد اسکاف روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: سوره های طولانی به جای تورات به من عطا شده است و سوره های صد آیه ای به جای انجیل، سوره های مثانی (که تفسیر آن می آید) به جای زبور

و به وسیله سوره های مفصل (که آیات کم و کوتاه دارند) - و شصت و شش سوره هستند - برتری یافته ام

(2) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سوره «بقره» و «آل عمران» را بخواند، روز قیامت به گونه ای وارد (صحرای محشر) شود که هم چون دو کبوتر و یا دو عبا بر سرش سایه افکنند.

[3]/104 - عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ ، رَفَعَهُ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ أَرْبَعَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الْبَقَرَةِ ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ ، وَ آيَتَيْنِ بَعْدَهَا ، وَ ثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا ، لَمْ يَرَفِي نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ شَيْئاً يَكْرَهُهُ ، وَ لَمْ يَقْرَبْهُ الشَّيْطَانُ ، وَ لَمْ يَنْسَ الْقُرْآنَ (2)

ص: 114

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 265/92 ذيل ح 8 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن : 123/1 ح 2، و مستدرک الوسائل : 332/4 - 4809 .
ثواب الأعمال : 104 (ثواب من قرأ سورة البقرة و آل عمران) عنه وسائل الشيعة : 249/6 ح 7859 ، و البحار : 265/92 ح 8، و نور الثقلين: 309/1 ح 1 مجمع البيان: 75/1، جوامع الجامع : 61/1، أعلام الدين: 369 (باب عدد أسماء الله تعالى و هي تسعة) .
- 2- عنه بحار الأنوار: 265/92 ذيل ح 9 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن : 123/1 ح 3. الكافي : 621/2 ح 5 عنه وسائل الشيعة : 250/6 ح 7860 ، ثواب الأعمال : 104 (ثواب ، من قرأ أربع آيات من أول البقرة)، عنه البحار : 265/92 ح 9، عدّة الداعي : 294، المصباح للكفعمي : 193، جامع الأخبار : 45 (الفصل الثاني و العشرون).

(3)- از عمرو بن جمیع روایت کرده است که گفت:

امام علی علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که چهار آیه از اول سوره «بقره» و «آیه الکرسی» و دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر این سوره را بخواند در بین خویشان و خانواده و اموالش چیزی را که برایش ناخوش باشد نخواهد دید و شیطان نزدیکش نشود و قرآن را فراموش نکند

ص: 115

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قوله تعالى: الْم (1) ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ (2)

[4]/105 - عن سعدان بن مسلم عن بعض أصحابه ، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: (الْم * ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ) ، قال : [في] كتاب عليّ (لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) ، قال : المتقون شيعتنا (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ) ، وَمِمَّا عَلَّمْنَاهُمْ يَبْتُونَ . (1)

[5]/106 - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يُحَدِّثُ، قَالَ: «إِنَّ حُيَّيًّا وَابْنَ يَاسِرٍ ابْنِي أَخْطَبَ وَنَفَرًا مِنْ يَهُودِ أَهْلِ خَيْبَرَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالُوا لَهُ: أَلَيْسَ فِيمَا تَذَكَّرُ، فِيمَا أَنْزَلَ عَلَيْكَ: (الم) ؟ قَالَ: بَلَى . قَالُوا: أَتَاكَ بِهَا جَبْرَيْلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ؟

قَالَ: نَعَمْ. قَالُوا: لَقَدْ بَعَثْتَ أَنْبِيَاءَ قَبْلَكَ، وَ مَا نَعْلَمُ نَبِيًّا مِنْهُمْ أَحَبَرَ مَا مُدَّةُ مُلْكِهِ، وَ مَا أَجَلُ أُمَّتِهِ غَيْرِكَ!

فَأَقْبَلَ حَتَّى عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَهُمْ: الْأَلْفُ وَاحِدٌ، وَالْأَلَامُ ثَلَاثُونَ، وَالْمِيمُ أَرْبَعُونَ، فَهِيَ أَحَدٌ وَ سَبْعُونَ، فَعَجَبَ مِمَّنْ يَدْخُلُ فِي دِينِ مُدَّةِ مُلْكِهِ وَ أَجَلِ أُمَّتِهِ

ص: 116

1- عنه بحار الأنوار: 22/2 ح 59 و 18/67 ، و البرهان في تفسير القرآن : 124/1 ح 2. تفسير القمّي : 30/1 بإسناده عن سعدان بن مسلم، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام ، و نحوه معاني الأخبار: 23 ح 2 بإسناده عن سعدان عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام ، يتفاوت يسير عنه البحار : 16/2 ح 38 و 375/92 ح 3، تأويل الآيات الظاهرة : 33 بإسناده عن جميل بن صالح، عن المفضل، عن جابر ، عن أبي جعفر عليه السلام بتفاوت يسير .

فرمایش خداوند متعال: الف لام، میم (1) این همان کتابی است که شکی در آن (و حقانیت آن که هدایت گر پرهیزکان است) نخواهد بود. (2)

(4) - از سعدان بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «الف لام میم* در این کتاب هیچ شکی و تردیدی وجود ندارد فرمود» (منظور از) کتاب، امام علی علیه السلام است که شکی در آن نیست و فرمود: منظور از متقین شیعیان ما هستند که از آن چه تعلیم ایشان داده ایم پخش و منتشر می کنند

(5) - از محمد بن قیس روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم: که می فرمود: روزی حُبی و ابویاسر از فرزندان اخطب با گروهی از یهود خیبر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و اظهار داشتند: آیا در آن چه که می گوئی خدا بر تو نازل کرده است «الم» هم هست؟

فرمود: بلی. گفتند: آیا آن را جبرئیل از جانب خدا آورده است؟

فرمود: بلی گفتند: قبل از تو پیامبرانی هم مبعوث شده اند، ولی ما پیامبری را که از مدّت حکومت و زمان انقراض امّش خبر داده باشد نمی شناسیم مگر جنابعالی را

إِحْدَى وَ سَبْعُونَ سَنَةً [قال:] ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ هَلْ هَذَا غَيْرٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ فَهَاتِهِ قَالَ (المص) قَالَ هَذِهِ أَثْقَلُ وَ أَطْوَلُ، الْأَلْفُ وَاحِدٌ وَ اللَّامُ ثَلَاثُونَ (1) وَ الْمِيمُ أَرْبَعُونَ وَ الصَّادُ تِسْعُونَ فَهَذِهِ مِائَةٌ وَ إِحْدَى وَ سِتُّونَ سَنَةً ثُمَّ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ: هَلْ مَعَ هَذَا غَيْرُهُ؟ قَالَ نَعَمْ، قَالَ هَاتِهِ.

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (المر) قَالَ هَذَا أَثْقَلُ وَ أَطْوَلُ، الْأَلْفُ وَاحِدٌ وَ اللَّامُ ثَلَاثُونَ وَ الرَّاءُ مِائَتَانِ، ثُمَّ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَهَلْ مَعَ هَذَا غَيْرُهُ؟

قال: نَعَمْ. قَالَ: هَاتِهِ قَالَ: (المر)، قَالَ: هَذِهِ أَثْقَلُ وَ أَطْوَلُ، الْأَلْفُ وَاحِدٌ، وَ اللَّامُ ثَلَاثُونَ، وَ الْمِيمُ أَرْبَعُونَ، وَ الرَّاءُ مِائَتَانِ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: هَلْ مَعَ هَذَا غَيْرُهُ؟

قَالَ: نَعَمْ. قَالُوا: قَدْ التَّبَسَّ عَلَيْنَا أَمْرُكَ، فَمَا نَدْرِي مَا أُعْطِيتُ. ثُمَّ قَامُوا عَنْهُ

ثُمَّ قَالَ أَبُو يَاسِرٍ لِلْحَمِيِّ أَخِيهِ مَا يُدْرِيكَ! لَعَلَّ مُحَمَّدًا قَدْ جَمَعَ لَهُ هَذَا كُلَّهُ وَ أَكْثَرَ مِنْهُ.

قَالَ: فَذَكَرَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ هَذِهِ الْآيَاتِ أَنْزَلَتْ فِيهِمْ (مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَ آخَرٌ مُتَشَبِهَاتٌ) (2)

قَالَ: وَ هِيَ تَجْرِي فِي وَجْهِ آخَرَ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلٍ حَيٍّ وَ أَبَا يَاسِرٍ وَ أَصْحَابِهِمَا. (3)

ص: 118

1- من هنا إلى آخر الحديث ساقط عن تفسيره فيما بأيدينا، فأضفناها من تفسير القمي و معاني الأخبار و البحار .

2- سورة آل عمران : 7/3.

3- عنه بحار الأنوار : 374/92 ح 2 ، و البرهان في تفسير القرآن : 129/1 ح 10، فيه إلى قوله : و اللام ثلاثون تفسير القمي : 223/1 بتفاوت يسير عنه البحار : 209/9 ح 79، معاني الأخبار: 3/23 عنه و عن القمي البحار : 374/92 ح 2 تفسير ابن كثير : 40/2 ، الدر المنثور للسيوطي : 23/1 ، و 4/2 .

سپس حَبَّي (بن أخطب) به همراهانش روی کرد و گفت: «الف» (به حساب ابجد) یک «لام» سی، «میم» «چهل که جمعش هفتاد و یک سال می شود با این حساب شگفت انگیز است کسی دینی را بپذیرد که هفتاد و یک سال بیشتر دوام ندارد، سپس روی به رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و گفت ای محمد! آیا غیر از آن کلمه دیگری هم هست؟

فرمود: بلی گفت: آن را بگو فرمود: «المص» عرض کرد: این سنگین تر و طولانی تر است «الف» یک «لام» سی، «میم» «چهل «صاد» نود تازه این حساب را هم که بگیریم یک صد و شصت و یک سال می شود.

سپس به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: آیا چیز دیگری هم هست؟

فرمود بلی گفت: آن را بگو.

فرمود: «الر» حَبَّي گفت: این پر محتواتر و طولانی تر است «الف» یک «لام» سی «ر» دویست است بعد از آن به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: آیا غیر از این ها (باز هم) هست؟ فرمود، بلی گفت آن را هم بیان کن فرمود: «المر».

گفت: این سنگین تر و طولانی تر است «الف» یک «لام» سی، «میم» «چهل»، «ر» دویست سپس گفت: آیا چیز دیگری اضافه بر آن ها هست؟

فرمود: بلی گفتند: ما از کار تو سر در نمی آوریم و نمی فهمیم که به تو چه چیزی داده شده است سپس از جای خود برخاستند. أبو یاسر به برادرش حَبَّي گفت: چه (چیزی) دستگیرت شد؟ شاید همه این ها با هم جمع شود و نیز شاید بیشتر از این هایی که حَبَّي و ابو یاسر و یارانشان یافته اند باشد.

سپس امام باقر علیه السلام یاد آور شد که این آیات «این آیات محکمت امّ الکتاب و برخی دیگر متشابهات هستند» در مورد آن ها نازل شده و فرمود این آیات به نوعی دیگر غیر از تأویل حَبَّي و ابو یاسر و همراهانشان جاری می گردد.

قوله تعالى: وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (30) وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (31) قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (32)

[6]/107 - حدثنا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَحَبَّ [اراد] أَنْ يَخْلُقَ خَلْقًا بِيَدِهِ - وَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا مَضَى لِلْحَجِّ وَ النَّسْنَسِ (1) فِي الْأَرْضِ سَبْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ -

قَالَ: وَ لَمَّا كَانَ مِنْ شَأْنِ اللَّهِ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلَّذِي أَرَادَ مِنَ التَّدْبِيرِ وَ التَّقْدِيرِ لِمَا هُوَ مُكُونُهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ عِلْمِهِ لِمَا أَرَادَهُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَشَطَ عَنْ أَطْبَاقِ

ص: 120

1- النسناس: قيل: خلق على صورة الناس أشبهوهم في شيء وخالفوهم في، ليسوا من بني آدم، وقيل: إن حياً من قوم عاد عصوا رسولهم، فمسخهم الله نسناً لكل منهم يد ورجل من شق واحد يتقرون كما ينقر الطائر ويرعون كما يرعون البهائم، وقيل: هم يأجوج و مأجوج . مجمع البحرين: 306/4، (نسناس).

فرمایش خداوند متعال: آن هنگامی را به خاطر بیاور که پروردگارت به فرشتگان گفت: من روی زمین جانشین (و نماینده ای را) قرار خواهم داد فرشتگان اظهار داشتند: پروردگارا! آیا کسی را در زمین قرار می دهی که فساد و خونریزی می کند؟ (زیرا موجودات زمینی دیگری که قبل از این آدم وجود داشتند نیز، به فساد و خونریزی آلوده شده بودند پس اگر هدف از آفرینش این انسان عبادت است) ما تسبیح و حمد تو را بجا می آوریم و تو را تقدیس می کنیم فرمود: من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید (30) سپس علم و دانش تمامی اسماء (و اسرار آفرینش و نام گذاری موجودات) را به آدم آموخت و سپس آن ها را بر فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوئید، اسامی این ها را به من خبر دهید (31) (فرشتگان) اظهار داشتند: (خداوندا!) تو منزّه هستی، ما چیزی جز آن چه را که به ما تعلیم نموده ای، نمی دانیم تو دانا و حکیم هستی (32)

6) - ... از عمرو بن ابی المقدم به نقل از جابر (بن یزید جعفی) روایت کرده است که گفت: امام باقر علیه السلام فرمود:

امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: به درستی که خداوند تبارک و تعالی هنگامی که اراده نمود تا موجودی را به دست (قدرت) خود (در زمین) بیافریند - در حالی که این جریان بعد از گذشت هفت هزار سال از خلقت جنّ و نسناس بر روی زمین بود -، حضرت افزود: از شأنیت خداوند چنین بود که - به جهت تدبیر و تقدیری را که اراده کرده بود تا در آسمان ها و زمین تکوین گردد - آدم علیه السلام را آفرید و چون خداوند تمامی آن (امور و مقدرات) را می دانست، از تمامی طبقات آسمان ها پرده برداشت

السَّمَاوَاتِ ثُمَّ قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ: انظُرُوا إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ خَلْقِي مِنَ الْجِنَّ وَالنَّسْنَسِ فَلَمَّا رَأَوْا مَا يَعْمَلُونَ فِيهَا مِنَ الْمَعَاصِي وَ سَفْكِ الدَّمَاءِ وَ
الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ بَغَيْرِ الْحَقِّ، عَظُمَ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ غَضِبُوا لِلَّهِ وَ أَسْفُؤُوا عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَمْ يَمْلِكُوا عَضْدَ بِهِمْ أَنْ قَالُوا يَا رَبِّ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْقَادِرُ الْجَبَّارُ الْقَاهِرُ الْعَظِيمُ الشَّانِ وَ هَذَا خَلَقْتَ الضَّعِيفَ الذَّلِيلَ فِي أَرْضِكَ يَتَقَلَّبُونَ فِي قَبْضَتِكَ وَ يَعِيشُونَ بِرِزْقِكَ وَ يَسْتَمْتِعُونَ بِعَافِيَتِكَ وَ
هُمْ يَعْصُونَكَ بِمِثْلِ هَذِهِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ لَا تَأْسَفُ وَ لَا تَغْضَبُ وَ لَا تَنْتَهِمُ لِنَفْسِكَ لِمَا تَسْمَعُ مِنْهُمْ وَ تَرَى وَ قَدْ عَظُمَ ذَلِكَ عَلَيْنَا وَ أَكْبَرْنَا فِيكَ

فَلَمَّا سَمِعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ قَالَ (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) لِي عَلَيْهِمْ فَيَكُونُ حُجَّةً لِي عَلَيْهِمْ فِي أَرْضِي عَلَى خَلْقِي

فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ سُبْحَانَكَ (أَنْجَعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ) ، وَ قَالُوا فَاجْعَلْهُ مِنَّا فَإِنَّا لَا نُفْسِدُ فِي
الْأَرْضِ وَ لَا نَسْفِكُ الدَّمَاءَ

قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا مَلَائِكَتِي! (إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَخْلُقَ خَلْقًا بِيَدِي أَجْعَلُ ذُرِّيَّتَهُ أَنْبِيَاءَ مُرْسَلِينَ وَ عِبَادًا صَالِحِينَ وَ أُمَّةً
مُهْتَدِينَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفَائِي عَلَى خَلْقِي فِي أَرْضِي يَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعَاصِي وَ يُنذِرُونَهُمْ عَذَابِي وَ يَهْدُونَهُمْ إِلَى طَاعَتِي وَ يَسْلُكُونَ بِهِمْ طَرِيقَ سَبِيلِي
وَ أَجْعَلُهُمْ حُجَّةً لِي عُدْرًا أَوْ نُذْرًا وَ أُبَيِّنُ النَّسْنَسَ مِنْ أَرْضِي فَأُطَهِّرُهَا مِنْهُمْ وَ أَثْقُلُ مَرَدَةَ الْجِنَّ الْعُصَاةَ عَنِ بَرِيَّتِي وَ خَلْقِي وَ خَيْرَتِي وَ أُسْكِنُهُمْ

سپس به فرشته‌ها فرمود: به زمین بنگرید و از آفریده‌های من - جنّ و نسناس را - ببینید. پس موقعی که نگاه کردند و دیدند که چه معصیت‌هایی از آن‌ها سر می‌زند و بر روی زمین بدون حق خون‌ریزی و فساد می‌کنند بر ایشان بسیار بزرگ و دشوار گشت و برای خداوند غضباناک شده و بر اهل زمین تأسف خورده و نتوانستند خشم خود را کنترل و مهار کنند لذا اظهار داشتند: پروردگار تو، عزیز، قادر جبار غالب و عظیم الشان، هستی این‌ها آفریده‌های ضعیف و ذلیل در زمین تو هستند که در قبضه (قدرت) تو تقلب و حرکت می‌کنند و با روزی تو زندگی خود را می‌گذرانند و با عافیت و تندرستی تو (که عطایشان کرده‌ای) خوش‌گذرانی می‌کنند و نافرمانی و با چنین گناهای بزرگ معصیت تو را انجام می‌دهند و بر آنها تأسف نمی‌خوری و خشمگین نمی‌گرددی و به خاطر آن چه از آن‌ها مشاهده می‌نمایی برای خودت انتقام نمی‌گیری و این جریان برای ما بسی سخت و سنگین گشته است و آن‌ها را در برابر تو بزرگ (ستیزی) می‌پنداریم

پس چون خداوند عزیز و جلیل این نکات را از آنان شنید، فرمود: «به درستی که من در زمین جانشینی را قرار می‌دهم که حجت من در (بین اهل) زمین باشد»، و حجت من بر آن‌ها باشد و (این جانشین) حجت من در زمین حجتی بر آفریده‌هایم خواهند بود فرشته‌ها گفتند: تو منزه می‌باشی «آیا در زمین موجودی را می‌آفرینی که (همانند جنیان) در زمین فساد کنند و خونریزی انجام دهند ما همیشه ستایش و تسبیح تو را می‌گوئیم و تو را تقدیس می‌نمائیم» و اظهار داشتند: این حجت را از بین ما انتخاب فرما؛ زیرا ما در زمین فساد نمی‌کنیم و خون‌ریزی (و نافرمانی) نخواهیم کرد.

خدای عزیز و جلیل فرمود: ای فرشته‌های من! «همانا من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید» به درستی که من اراده کرده‌ام با دست (قدرت) خود آفرینشی را بیافرینم و از ذریّه او پیامبران و رسولان و بندگان صالح و امامان هدایت یافته‌ای

فِي الْهَوَاءِ وَفِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ لَا يَجَارُونَ نَسْلَ خَلْقِي: وَاجْعَلْ بَيْنَ الْجِنَّ وَبَيْنَ خَلْقِي حِجَابًا، وَلَا يَرَى نَسْلُ خَلْقِي الْجِنَّ وَلَا يُؤَانِسُونَهُمْ وَلَا يُخَالِطُونَهُمْ وَلَا يُجَالِسُونَهُمْ فَمَنْ عَصَانِي مِنْ نَسْلِ خَلْقِي الَّذِينَ اصْطَفَيْتُهُمْ لِنَفْسِي أَسْكَنْتُهُمْ مَسَاكِنَ الْعُصَاهِ وَأَوْرَدْتُهُمْ مَوَارِدُهُمْ وَلَا أُبَالِي،

فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا! افْعَلْ مَا شِئْتَ (لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ) (1)

فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِلْمَلَائِكَةِ: (إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ* فَإِذَا سَوَّيْتُهُ، وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) (2)

وَكَانَ ذَلِكَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَّ تَقَدَّمَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ فِي آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْلُقَهُ، وَاحْتِجَاجًا مِنْهُ عَلَيْهِمْ .

قال (عليه السلام) : فَاعْتَرَفَ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى غُرْفَهُ [بِيَمِينِهِ] مِنَ الْمَاءِ الْعَذْبِ الْفُرَاتِ - وَكَلَّمَا يَدَيْهِ يَمِينٌ - فَصَلَّصَهَا فِي كَفِّهِ فَجَمَدَتْ ثُمَّ قَالَ لَهَا مِنْكَ أَخْلُقُ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِيَ الصَّالِحِينَ وَالْأَيْمَةَ الْمُهْتَدِينَ وَالِدُّعَاةَ إِلَى الْجَنَّةِ وَاتَّبَاعَهُمْ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَلَا أُبَالِي وَلَا أُسْأَلُ عَمَّا أَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ - يعني بذلك خلقه - .

ص: 124

1- سورة البقرة : 32/2

2- سورة الحجر : 28/15 - 29 .

قرار دهم و آنان را جانشینان خود بر آفریده های خود در زمین قرار دهم تا آن ها را از معصیت و نافرمانی بازدارند و آن ها را از عذاب (سوزان و دردناک) من دور گردانند و به طاعت و فرمان برداری از من هدایتشان نمایند و در مسیر راه من هدایتشان کنند و من ایشان را حجت های خود بر آن ها قرار می دهم تا عذر و بهانه ای نداشته باشند و زمین خود را از لوث نسناس پاک سازم و جثیان عصیان گر را پراکنده کرده و از بین خوبان و نیکانی که آفریده هایم جدایشان کرده و در هوا و اطراف زمین سکونت می دهم تا مجاور ذریه این آفریده ام قرار نگیرند و بین آن ها و آفریده ام حجابی قرار می دهم که ذریه آفریده ام جن را نخواهند دید و با آن ها مأنوس و هم نشین نخواهند گشت

پس هر که از ذریه این آفریده ام - که برای خود برگزیده ام - معصیت و نافرمانی مرا کند همنشین معصیت کاران قرارشان می دهم و ایشان را در جایگاه آن ها وارد می گردانم و واهمه ای نخواهم داشت. سپس فرشته ها گفتند: ای پروردگار! ما هر چه مایل هستی انجام ده و ایجاد فرما، «علم و آگاهی برای ما نیست مگر آن چه را که به آموخته ای همانا تو همان دانای حکیم هستی»

خداوند جلیل به فرشته ها فرمود: «من انسانی را از گل و لای کهنه و دگرگون یافته خواهم آفرید* پس هر گاه او را آفریدم و از روح خود در (کالبد) او دمیدم بر او سجده کنید.»

و این جریان امر خداوند بود که در مورد آدم علیه السلام که پیش از آن که آفریده شده باشد به فرشته ها ارائه گردید در حالی که حجابی بر ایشان قرار داشت.

(امام علیه السلام) فرمود: پس خداوند تبارک و تعالی با دست (قدرت) راستش مشتی از آب خالص فرات را برگرفت - در حالتی که هر دو دست (قدرت) او راست می باشد - و آن را چرخانید تا منجمد گردید سپس به آن فرمود: پیامبران رسولان بندگان شایسته

ثُمَّ إِنَّهُ اعْتَرَفَ عُرْفَهُ أُخْرَى مِنْ الْمَاءِ الْمَالِحِ الْأَجَاجِ (1) فَصَلَّصَلَهَا فِي كَفِّهِ فَجَمَدَتْ

ثُمَّ قَالَ لَهَا: مِنْكَ أَخْلُقُ الْجَبَّارِينَ وَالْفِرَاعِنَةَ وَالْعُتَاةَ وَإِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَائِمَةَ الْكُفْرِ وَالذُّعَاةَ إِلَى النَّارِ وَاتَّبَاعَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُبَالِي وَلَا أُسْأَلُ عَمَّا أَفْعَلُ وَهُمْ يُسَدُّونَ وَاشْتَرَطَ فِي ذَلِكَ الْبَدَاءَ فِيهِمْ وَلَمْ يَشْتَرَطْ فِي أَصْحَابِ الْيَمِينِ الْبَدَاءَ لَهُ فِيهِمْ ثُمَّ خَلَطَ الْمَائِينَ فِي كَفِّهِ جَمِيعًا! فَصَلَّصَلَهَا ثُمَّ كَفَّاهُمَا فُدَّامَ عَرْشِهِ وَهُمْ بَلَّةٌ [ثَلَّةٌ] مِنْ طِينٍ

ثُمَّ أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ الْأَرْبَعَةَ - الشَّمَالَ وَالذَّبُورَ وَالصَّبَا وَالْجَنُوبَ - أَنْ جَوُّوْهَا عَلَى هَذِهِ الثَّلَّةِ الطِّينِ فَأَبْرَثُوْهَا وَأَنْشَتُوْهَا ثُمَّ جَزَّوْهَا وَفَصَلُّوْهَا وَاجْرُوا فِيهَا الطَّبَائِعَ الْأَرْبَعَةَ: الرِّيحَ وَالْبَلْغَمَ وَالْمِرَّةَ وَالْدَّمَ

قَالَ: فَجَالَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ الشَّمَالَ وَالْجَنُوبَ وَالذَّبُورَ وَالصَّبَا وَاجْرُوا فِيهَا الطَّبَائِعَ فَالرِّيحُ فِي الطَّبَائِعِ الْأَرْبَعَةِ مِنْ قِبَلِ الشَّمَالِ وَالْبَلْغَمُ فِي الطَّبَائِعِ الْأَرْبَعَةِ فِي الْبَدَنِ مِنْ نَاحِيَةِ الصَّبَا

قَالَ وَالْمِرَّةُ فِي الطَّبَائِعِ الْأَرْبَعَةِ مِنْ نَاحِيَةِ الذَّبُورِ قَالَ: وَالْدَّمُ فِي الطَّبَائِعِ الْأَرْبَعَةِ مِنْ نَاحِيَةِ الْجَنُوبِ قَالَ فَاسَدَتْ تَعَلَّتِ النَّسَمَةُ وَكَمَلَ الْبَدَنُ قَالَ: فَلَزِمَهَا مِنْ نَاحِيَةِ الرِّيحِ حُبُّ الْحَيَاةِ وَطُولُ الْأَمَلِ وَالْحَرُصُ وَلَزِمَهَا مِنْ نَاحِيَةِ الْبَلْغَمِ: حُبُّ

ص: 126

1- قد وقع إلى هنا من النسخ في صدر الحديث سقط كما هو ظاهر والله أعلم به، وتمامه مذكور في علل الشرائع: 104/1 ح 1، (الباب 96 عدّة الطبايع والشهوات والمحبتات) وهكذا الحديث مذكور في تفسير القمي رحمه الله عند تفسير قوله تعالى: (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا) - (32): 52/1 - ونحن أوردناه من صدر الحديث إلى هنا، بلفظ علل الشرائع .

و امامان هدایت یافته را که تا برپایی روز قیامت دعوت کننده به بهشت هستند و (نیز) پیروان ایشان را از تو می آفرینم و باک و واهمه ای نخواهم داشت و از آن چه انجام دهم بازخواست نخواهم شد ولی آفریده ها بازخواست می شوند

بعد از آن مشتی از آب شور و تلخ مزه را برگرفت و آن را گردانید تا منجمد گردید سپس به آن فرمود: ستمگران، فرعونیان سرکشان برادران شیطان ها، پیشوایان کفر و دعوت کنندگان به آتش تا روز قیامت را از تو می آفرینم و باک و واهمه ای نخواهم داشت و از آن چه انجام دهم بازخواست نخواهم شد ولی آفریده ها بازخواست می شوند.

و در همین موقعیت (موضوع) بدا (در امور تشریحی و تکوینی) را با آن ها شرط نمود (که در تمام امور کلی و جزئی برای خداوند بدا وجود خواهد داشت) هر دو آب را در مشت (قدرت) خود مخلوط یکدیگر نمود و آن ها را گردانید و بعد از آن آن ها را که هم چون گلی مرطوب نیمه پخته بود جلوی عرش خود قرار داد و فرشته های چهارگانه - (باد) شمال، دبور (مغرب) صبا (مشرق) و مغرب دستور داد تا بر آن گل مرطوب نیمه پخته - به شکل جولان - بدمند، سپس آن را خشکانند و بعد از آن تجزیه و جدایش کردند و طبیعت های چهارگانه - باد، بلغم سوداء و خون را بر آن ها جاری گردانند.

(امام علیه السلام) فرمود: فرشته های باد شمال، جنوب، دبور (مغرب) و صبا (مشرق) را بر آن ها جاری کردند و طبیعت های چهارگانه را در آن ها جریان دادند.

پس باد در بین طبیعت های چهارگانه از ناحیه شمال می باشد و بلغم در بین طبیعت های چهارگانه بدن از صبا خواهد بود و سوداء در طبیعت های چهارگانه از ناحیه مغرب است و خون در طبیعت های چهارگانه از ناحیه جنوب می باشد

الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَاللِّبَاسِ وَاللَّيْنِ وَالْحِلْمِ وَالرَّفْقِ وَلَزِمَهَا مِنْ نَاحِيَةِ الْمِرَّةِ: الْغَضَبِ وَالسَّفَهَ وَالشَّيْطَنُ وَالشَّجْبُ وَالْتَّمَرُ وَالْعَجَلَةَ وَلَزِمَهَا مِنْ نَاحِيَةِ الدَّمِ: الشَّهْوَةُ لِلنِّسَاءِ وَاللَّدَاتِ وَرُكُوبُ الْمَحَارِمِ فِي الشَّهَوَاتِ .

قَالَ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ: وَأَخْبَرَنِي عُمَرُ بْنُ جَابِرٍ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ قَالَ وَجَدْنَا هَذَا الْكَلَامَ مَكْتُوبًا فِي كِتَابٍ مِنْ كُتُبِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (1)

108 / [7] - قَالَ: قَالَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا عَلِمَ الْمَلَائِكَةُ بِقَوْلِهِمْ: (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ) لَوْلَا أَنَّهُمْ قَدْ كَانُوا رَأَوْا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ. (2)

109/[8] - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ:

إِنِّي لِأَطُوفُ بِالْبَيْتِ مَعَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ طَوَالَ جُعْشَمٍ (3) مُتَعَمِّمٌ بِعِمَامَةٍ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ، يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، قَالَ: فَرَدَّ عَلَيْهِ أَبِي، فَقَالَ: أَشْيَاءٌ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهَا، مَا بَقِيَ أَحَدٌ يَعْلَمُهَا إِلَّا رَجُلٌ أَوْ رَجُلَانِ،

قَالَ: فَلَمَّا قَضَى أَبِي الطَّوْفَ دَخَلَ الْحِجْرَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ قَالَ هَهُنَا

ص: 128

1- عنه بحار الأنوار: 103/11 ح 10 و 298/61 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 109/1 ح 107. تفسير القمّي: 36/1، عنه البحار: 103/11 ح 10 علل الشرائع: 104 ح 1، عنه البحار: 298/61 ح 7 فيه: عن أبي عبد الله عليه السلام، 82/63 ح 39 نور الثقلين: 51/1 ح 80

2- عنه بحار الأنوار: 103/11 ح 10 و 117 ح 47، 298/61 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 165/1 ح 3 تفسير القمّي: 36/1، و علل الشرائع: 104 ح 1، دعائم الإسلام: 291/18 (ذكر الرغائب في الحج) فيه: روي عن أبي جعفر محمد بن عليّ عليهما السلام، عنه مستدرک الوسائل: 324/9 ح 11011، و البحار: 46/99 ح 36 بتفاوت.

3- الجعشم: الرجل الغليظ مع شدة.

(امام علیه السلام) فرمود: در نهایت وجود برتری یافت و (اجزای) بدن کامل شد بنابراین این از ناحیه باد عشق بر زندگی آرزوهای طولانی، حرص و طمع لازمه آن گردید و از ناحیه بلغم عشق به طعام (و خوردنی ها) نوشیدنی، لباس، ملایمت و مدارا بردباری و رفاقت لازمه آن شد و از ناحیه سوداء غضب، نادانی، شیطنت، زورگویی سرکشی و عجله حادث می شود و از ناحیه ، خون تمایل و شهوت به زنان و دیگر لذت ها و ارتکاب کارهای حرام و انواع شهوت ها لازم می آید.

ابو علی حسن بن محبوب گفت: عمرو از جابر به من خبر داد که امام باقر علیه السلام به من خبر داد که این کلمات را در کتابی از کتاب هایی که امام علی بن ابی طالب علیه السلام نوشته است یافته ایم.

(7)- از هشام بن سالم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود فرشته ها مفهوم گفته خود را نمی دانستند، «آیا در زمین موجودی را می آفرینی که در زمین فساد کنند و خونریزی انجام دهند»، اگر ندیده بودند که آنان در زمین فساد و خون ریزی نموده اند.

(8)- از محمد بن مروان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: من با پدرم در حال طواف کعبه الهی بودیم که مردی بلند قد و تنومند که عمامه بر سر داشت وارد شد و گفت: سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و پدرم جواب سلامش را داد پس از آن گفت چیزهایی را می خواهم از شما سؤال کنم که کسی جواب آن ها را نمی داند مگر یکی دو نفر.

فرمود هنگامی که پدرم از طواف فارغ گردید داخل حجر (اسماعیل) شد و دو رکعت نماز خواند سپس به من فرمود: ای جعفر! همین جا بمان و به آن مرد رو کرد و فرمود گویا که غریب هستی؟

يَا جَعْفَرُ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى الرَّجُلِ فَقَالَ لَهُ أَبِي كَأَنَّكَ غَرِيبٌ؟

فَقَالَ: أَجَلٌ فَأَخْبِرْنِي عَنْ هَذَا الطَّوَّافِ كَيْفَ كَانَ؟ وَ لِمَ كَانَ؟

قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ (إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا) (1) إِلَى آخِرِ آيَاتِهِ كَانَ ذَلِكَ مَنْ يَعْصِي مِنْهُمْ فَأَحْتَجَبَ عَنْهُمْ سَبْعَ سِنِينَ فَلَاذُوا بِالْعَرْشِ يَلُودُونَ يَقُولُونَ: لَبَّيكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيكَ حَتَّى تَابَ عَلَيْهِمْ فَلَمَّا أَصَابَ آدَمُ الذَّنْبَ طَافَ بِالْبَيْتِ حَتَّى قِيلَ اللَّهُ مِنْهُ

قَالَ فَقَالَ صَدَقْتَ قَالَ فَعَجِبَ أَبِي مِنْ قَوْلِهِ صَدَقْتَ قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ (ن * وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ) (2) قَالَ: تَوْنُ نَهْرٍ فِي الْجَنَّةِ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ،

قَالَ: فَأَمَرَ اللَّهُ الْقَلَمَ فَجَرَى بِمَا هُوَ كَائِنٌ وَمَا يَكُونُ، فَهُوَ بَيْنَ يَدَيْهِ مَوْضُوعٌ مَا شَاءَ مِنْهُ زَادَ فِيهِ، وَمَا شَاءَ نَقَصَ مِنْهُ، وَمَا شَاءَ كَانَ، وَمَا لَا يَشَاءُ لَا يَكُونُ.

قَالَ: صَدَقْتَ، فَعَجِبَ أَبِي مِنْ قَوْلِهِ: صَدَقْتَ. قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِهِ: (فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ) (3) مَا هَذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ؟

قَالَ: هُوَ الشَّيْءُ يُخْرِجُهُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ، فَيَكُونُ لِلنَّائِبِ وَالصَّلَةِ.

قَالَ: صَدَقْتَ، قَالَ: فَعَجِبَ أَبِي مِنْ قَوْلِهِ: صَدَقْتَ. قَالَ: ثُمَّ قَامَ الرَّجُلُ، فَقَالَ أَبِي: عَلَيَّ بِالرَّجُلِ، قَالَ: فَطَلَبْتُهُ فَلَمْ أَجِدْهُ (4)

ص: 130

1- سورة البقرة : 30/2

2- سورة القلم : 1/68

3- سورة المعارج : 24/70

4- عنه بحار الأنوار : 369/57 ح 7 ، و 95/96 ح 10 فيهما قطعتان منه، و 204/99 ح 17، و البرهان في تفسير القرآن : 165/1 ح 4، و مستدرک الوسائل : 35/7 ح 7584، و 369/9 ح 11098 قطعتان منه فيهما .

گفت: آری (اکنون) مرا خبر بده این طواف چگونه بوده؟ و برای چه می باشد؟

فرمود: چون خداوند به ملائکه فرمود: به راستی من در روی زمین جانشینی قرار می دهم گفتند: آیا در زمین کسی را قرار می دهی که فساد می کند و خون می ریزد این جریان از برخی مخالفین معصیت کار بود پس هفت سال در پرده حجاب قرار گرفتند و به عرش الهی پناهنده گشته و می گفتند: بلی ای صاحب مقامات و درجات بلی تا آن که خداوند توبه آنان را پذیرفت؛ و چون آدم علیه السلام مرتکب آن لغزش شد بر این خانه (الهی) طواف کرد تا خداوند (توبه) او را پذیرفت

آن مرد اظهار داشت راست گفתי سپس پدرم از این سخن تعجب کرد.

سپس گفت: مرا از (ن * وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ) خبر ده؟

فرمود: (ن) نهی در بهشت است که از شیر سفیدتر می باشد پس خداوند قلم را دستور داد و بر هر بود و نبودی به جریان افتاد و حرکت کرد، آن قلم در پیشگاه خداوند قرار گرفته و آن چه را که خدا اراده نماید به آن افزوده شود و آن چه را که بخواهد نقصان یابد خلاصه هر چه را اراده نماید وجود یابد و هر چه را اراده نکند تحقق نیابد

آن مرد اظهار داشت، راست گفתי مرا از فرمایش خداوند: (فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ) خبر ده که این حق چه حقی می باشد؟

فرمود: این چیزی که مرد از اموال خود خارج می نماید زکات نیست بلکه برای جبران کمبودها و خسارت دیدگان و کمکی به خویشاوندان است.

آن مرد اظهار داشت راست گفתי پس پدرم از این سخن تعجب کرد.

سپس آن مرد برخاست (ورفت) پدرم فرمود: او را بیاورید من دنبال او رفتم و پیدایش نکردم

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كُنْتُ مَعَ أَبِي فِي الْحِجْرِ فَبَيْنَمَا هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَجَلَسَ إِلَيْهِ فَلَمَّا انْصَرَفَ سَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ وَرَجُلٌ آخَرٌ، قَالَ: مَا هِيَ؟

قَالَ: أَحْبَبْتَنِي أَوْ شَيْءٌ كَانَ سَبَبَ الطَّوَافِ بِهَذَا الْبَيْتِ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسَّجُدُوا لِآدَمَ، رَدَّتِ الْمَلَائِكَةُ فَقَالَتْ: (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ) (1)

فَغَضِبَ عَلَيْهِمْ، ثُمَّ سَأَلُوهُ التَّوْبَةَ فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَطُوفُوا بِالضَّرَاحِ - وَهُوَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ - فَمَكَثُوا بِهِ يَطُوفُونَ سَبْعَ سِنِينَ، يَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ مِمَّا قَالُوا، ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَرَضِيَ عَنْهُمْ، فَكَانَ هَذَا أَصْلَ الطَّوَافِ. ثُمَّ جَعَلَ اللَّهُ الْبَيْتَ الْحَرَامَ حِذَاءَ الضَّرَاحِ، تَوْبَةً لِمَنْ أَذْنَبَ مِنْ بَنِي آدَمَ وَطَهَّرَ لَهُمْ،

فَقَالَ: صَدَقْتَ ثُمَّ ذَكَرَ الْمَسْأَلَتَيْنِ نَحْوَ الْحَدِيثِ الْأَوَّلِ ثُمَّ قَامَ الرَّجُلُ (2) فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا الرَّجُلُ يَا أَبَه؟

فَقَالَ: يَا بُنَيَّ هَذَا الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (3)

ص: 132

1- سورة البقرة: 30/2 .

2- وفي نسخة البرهان في تفسير القرآن: ثم قال الرجل: صدقت

3- عنه بحار الأنوار: 205/99 ح 18 و البرهان في تفسير القرآن: 166/1 ح 5، و مستدرک الوسائل: 424/32 ح 3919 قطعة منه، و 370 ح 11099 بتمامه . الكافي: 188/4 ح 2 عنه وسائل الشيعة: 295/13 ح 17782 قطعة منه، البحار: 59/58، ح 7 نقلاً عن الدر المنثور، قال: أخرج الأزرقى عن علي بن الحسين عليهما السلام بتفاوت

9- از محمد بن مروان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: من با پدرم در داخل حجر (اسماعیل) بودیم پس در حالی که پدرم نماز می خواند مردی وارد شد و در محضر او نشست و چون از نماز فارغ گشت به پدرم سلام کرد و گفت: درباره سه چیز از تو سؤال دارم که کسی جز تو جواب آن ها را نداند.

پدرم فرمود چیست؟ گفت: مرا خبر بده که علت طواف بر این خانه چیست؟

فرمود: چون خداوند متعال ملائکه را دستور داد تا بر آدم سجده کنند دستور خدا را رد کرده و اظهار داشتند «آیا در زمین کسی را قرار می دهی که فساد کند و خون بریزد؟ ما تو را تسبیح و تقدیس می کنیم خداوند فرمود: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید،» پس خداوند بر آن ها غضب نمود و آن ها درخواست توبه کردند لذا دستور داد تا بر اطراف «صراح» که همان بیت معمور می باشد (در کنار عرش الهی که مساوی کعبه) است با ناله طواف کنند

پس به مدت هفت سال در آن جا طواف می کردند و از آن چه گفته بودند استغفار می نمودند بعد از آن (خداوند) توبه آنان را پذیرفت و راضی گشت این اصل و اساس طواف بود. سپس خداوند کعبه را محاذی و مساوی «صراح» و بیت معمور - را حالت طهارت - برای پذیرش توبه گناه کاران بنی آدم، قرار داد.

آن مرد اظهار داشت راست گفتمی؛ و پس از آن دو سؤال دیگر خود را مطرح نمود که در حدیث قبل آمده بود و باز آن مرد گفت: راست فرمودی من پرسیدم ای پدرم! این مرد کیست؟

پدرم فرمود: ای فرزندم! او حضرت خضر علیه السلام است.

111 / [10] - علي بن الحسين عليه السلام في قوله : (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ) (1) ، [قال:] رَدُّوا عَلَيَّ اللَّهُ فَقَالُوا «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟ وَإِنَّمَا قَالُوا ذَلِكَ بِخَلْقِ مَصْيِي - يَعْنِي الْجَانَّ ابْنَ الْجِنِّ - ، (وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ) ، فَمَثُّوا عَلَيَّ اللَّهُ بِعِبَادَتِهِمْ إِيَّاهُ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ ثُمَّ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ، ثُمَّ قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ : (أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ) ، قَالُوا : (لَا عِلْمَ لَنَا) ، قَالَ : (يَا أَدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ) ، فَأَنْبَأَهُمْ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ : (اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا) (2) ، وَقَالُوا فِي سُجُودِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا كُنَّا نَنْظُرُ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنَّا نَحْنُ خُزَّانُ اللَّهِ وَجِيرَانُهُ وَأَقْرَبُ الْخَلْقِ إِلَيْهِ

فَلَمَّا رَفَعُوا رُءُوسَهُمْ قَالَ: اللَّهُ مَا تَبُدُّونَ مِنْ رَدِّكُمْ عَلَيَّ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ طَنَّنَّا أَنْ لَا يَخْلُقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنَّا وَهُمْ الَّذِينَ أُمِرُوا بِالسُّجُودِ فَلَاذُوا بِالْعَرْشِ وَقَالُوا بِأَيْدِيهِمْ - وَأَشَارَ بِإِصْبَعِهِ يَدِيرُهَا فَهُمْ يَلُودُونَ حَوْلَ الْعَرْشِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَمَّا أَصَابَ آدَمَ الْخَطِيئَةَ جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْبَيْتَ لِمَنْ أَصَابَ مِنْ وُلْدِهِ خَطِيئَةً أَتَاهُ فَلَاذِبُ بِهِ مِنْ وُلْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمَا لَاذُوا أَوْلِيكَ بِالْعَرْشِ

فَلَمَّا هَبَّ ط أَيُّ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ طَافَ بِالْبَيْتِ ، فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ الْمُسَدِّ تَجَارَى دَنَا مِنَ الْبَيْتِ فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي فَنُودِيَ أَنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَكَ،

ص: 134

1- سورة البقرة : 30/2

2- سورة البقرة : 30/2 - 32 .

10) - امام علی بن الحسین علیهما السلام درباره فرمایش خداوند: چون به ملائکه فرمود: «به - راستی من روی زمین جانشینی قرار می دهم به عنوان ردّ بر فرمایش خدا، گفتند: آیا در زمین کسی را قرار می دهی که فساد می کند و خون می ریزد؟! البته این موضوع را از آفریده هایی که سپری گشته بودند می دانستند، که جتّیان باشند.

(سپس (افزودند: «ما تو را تسبیح و تقدیس می گوئیم»؛ و با این طرح، عبودیت بر خداوند منت نهادند ولی خدا اعتنایی ننمود و تمامی نام ها را به آدم تعلیم داد و به ملائکه فرمود: «نام های ایشان را به من بگوئید.»

گفتند خداوندا! تو منزه هستی «ما که علمی نداریم»

لذا به حضرت آدم علیه السلام دستور داد آن اسامی را به ایشان خبر بده؛ و چون ایشان را آگاه نمود خداوند دستورشان داد: «برای آدم سجده کنید، پس سجده کردند» و گفتند: گمان نمی کردیم که خداوند مخلوقی بیافریند که از ما برتر باشد ما خزینه داران خداییم در جوار عرش او می باشیم و نزدیک ترین خلق او هستیم.

هنگامی که سر از سجده برداشتند خداوند اظهار نمود: آن چه را آشکارا در ردّ من می گوئید و یا پنهان می دارید به آن عالم و آگاه هستم (که با خود می گوئید): گمان می کردیم که خداوند مخلوقی نمی آفریند که از ما برتر باشد پس چون ملائکه متوجه شدند که در اشتباه می باشند - اینان جمعی از ملائکه بودند که چنین اندیشه ای را کرده بودند و مأمور به سجده برای آدم شدند - به عرش پناهنده شدند و با دست خود می گفتند - و امام علیه السلام انگشت خود را می چرخانید - و تا روز قیامت در اطراف عرش پناهنده خواهند بود.

چون آدم علیه السلام به خطا مبتلا شد خداوند این بیت (کعبه) را برای بعضی از فرزندان آدم که خطا کار هستند قرار داد که همانند ملائکه به آن پناهنده شوند؛ و چون آدم بر زمین فرود آمد در اطراف این خانه طواف نمود هنگامی که به محلّ مستجار رسید

قَالَ: يَا رَبِّ! وَ لَوْلِي قَالَ: فَتَوَدَّى يَا آدَمُ مَنْ جَاءَنِي مِنْ وُلْدِكَ فَبَاءَ بِذَنبِهِ بِهَذَا الْمَكَانِ غَفَرْتُ لَهُ (1)

[11]/112 - عَنْ عَيْسَى بْنِ حَمْزَةَ قَالَ:

قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّ الدُّنْيَا عُمُرُهَا سَبْعَةُ آلَافِ سَنَةٍ

فَقَالَ: لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ لَهَا خَمْسِينَ أَلْفَ عَامٍ فَتَرَكَهَا قَاعًا قَفْرَاءَ خَاوِيَةً (2) عَشْرَةَ أَلْفِ عَامٍ، ثُمَّ بَدَأَ لِلَّهِ بَدَأَ الْخَلْقَ فِيهَا، خَلَقَ لَيْسَ مِنَ الْجِنِّ وَلَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَلَا مِنَ الْإِنْسِ، وَقَدَّرَ لَهُمْ عَشْرَةَ أَلْفِ عَامٍ، فَلَمَّا قَرُبَتْ آجَالُهُمْ أَفْسَدُوا فِيهَا فَدَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ تَدْمِيرًا ثُمَّ تَرَكَهَا قَاعًا قَفْرَاءَ خَاوِيَةً عَشْرَةَ أَلْفِ عَامٍ، ثُمَّ خَلَقَ فِيهَا الْجِنَّ وَقَدَّرَ لَهُمْ عَشْرَةَ أَلْفِ عَامٍ، فَلَمَّا قَرُبَتْ آجَالُهُمْ أَفْسَدُوا فِيهَا وَسَفَكُوا الدِّمَاءَ وَهُوَ قَوْلُ الْمَلَائِكَةِ: (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ) (3)، كَمَا سَفَكَتُ بَنُو الْجَانِّ، فَأَهْلَكَهُمْ اللَّهُ.

ثُمَّ بَدَأَ لِلَّهِ فَخَلَقَ آدَمَ، وَقَدَّرَ لَهُ عَشْرَةَ آلَافِ عَامٍ، وَقَدْ مَضَى مِنْ ذَلِكَ سَبْعَةُ آلَافِ عَامٍ وَمِائَتَانِ، وَأَنْتُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ (4)

ص: 136

1- عنه بحار الأنوار: 205/99 ح 19، و البرهان في تفسير القرآن: 166/1 ح 6، و مستدرک الوسائل: 370/9 ح 11100 دعائم الإسلام: 291/1 (ذكر الرغائب في الحج) فيه: روي عن أبي جعفر محمد بن عليّ عليهما السلام أنه قال: عنه البحار: 3646/99، و مستدرک الوسائل: 386/9 ح 11141.

2- القاع: المستوى من الأرض، و خاوية: أي خالية من الأهل

3- سورة البقرة: 30/2

4- عنه بحار الأنوار: 86/57 ح 72 فيه: عن عيسى بن أبي حمزة و البرهان: 167/1 ح 7. تفسير القمّي: 36/1 (ابتداء خليفة آدم عليه السلام) بإسناده عن جابر، عن أبي جعفر محمد بن عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام، عن أمير المؤمنين عليه السلام بتفاوت عنه البحار: 103/11 ح 10.

کنار بیت آمد و دو دست خود را بلند کرد و اظهار داشت ای پروردگارا مرا بیامرزش پس ندایی به او رسید: من تو را آمرزیدم، گفت: پروردگارا! فرزندانم را هم بیامرزش ندا آمد ای آدم هر که از فرزندان نزد من آید و در این محل از خطای خود توبه کند، او را می آمرزم.

(11) - از عیسی بن ابی حمزه روایت کرده است که گفت :

مردی به امام صادق علیه السلام عرضه داشت: فدایت گردم: مردم می پندارند که عمر دنیا هفت هزار سال است. حضرت فرمود چنان نیست که آنان می گویند همانا خداوند دنیا را به مدت پنجاه هزار سال آفریده که مدت ده هزار سال به آن حالت بیابانی هموار و بدون آبادانی رهایش نمود

سپس برای خداوند بدا (و تجدید اراده) حاصل شد و اراده کرد که در آن خلقی بیافریند پس موجودی آفرید که نه جن بود نه فرشته و نه آدمی؛ و مدت ده هزار سال به آنان مهلت داد

و چون و عدشان فرا رسید فساد کردند و خداوند آن ها را نابود کرد و سپس ده هزار سال آن را بیابانی ویران و بدون سگنه رها نمود، پس از آن جنیان را آفرید و ده هزار سال به آنان مهلت داد و چون موعدهشان نزدیک شد در آن فساد و خون ریزی کردند که این (معنای) همان گفتار فرشته ها است «آیا در آن کسی را قرار می دهی که فساد و خون ریزی کند»

هم چنان که جنیان انجام دادند پس خداوند آن ها را نابود کرد و آدم را آفرید و نیز مدت ده هزار سال به او مهلت داد که البته هفت هزار و دو بیست سال آن گذشته است و شما در آخرین مراحل زمان هستید.

ص: 137

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ مِنْ أَحَادِيثِ الشُّعْبَةِ

فَقُلْتُ: إِنَّ عِنْدِي مِنْهَا شَيْئًا كَثِيرًا قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أُوقِدَ لَهَا نَارًا ثُمَّ أَحْرِقُهَا

فَقَالَ وَبَيِّنَا [وَارَهَا تَسْنَا] مَا أَنْكَرْتَ مِنْهَا فَخَطَرَ عَلَى بَالِ الْآدَمِيِّونَ فَقَالَ لِي: مَا كَانَ عِلْمُ الْمَلَائِكَةِ حَيْثُ قَالُوا (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ) (1)

114 / [13] - قَالَ: وَكَانَ يَقُولُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: - إِذَا حَدَّثَ بِهَذَا الْحَدِيثِ -: هُوَ كَسَرَ عَلَى الْقَدْرِ يَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ آدَمَ كَانَ لَهُ فِي السَّمَاءِ خَلِيلٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَلَمَّا هَبَطَ آدَمُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ اسْتَوْحَشَ الْمَلَكُ وَشَكَى إِلَى اللَّهِ وَسَأَلَهُ أَنْ يَأْذَنَ لَهُ فَيَهْبِطَ عَلَيْهِ فَأْذَنَ لَهُ فَهَبَطَ عَلَيْهِ، فَوَجَدَهُ قَاعِدًا فِي قَفْرِهِ مِنَ الْأَرْضِ، فَلَمَّا رَأَاهُ آدَمُ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَصَاحَ صَاحَةً

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَرُؤُونَ أَنَّهُ أَسَمَعَ عَامَّةَ الْخَلْقِ، فَقَالَ لَهُ الْمَلَكُ: يَا آدَمُ! مَا أَرَاكَ إِلَّا قَدْ عَصَيْتَ رَبِّكَ وَحَمَلْتَ عَلَى نَفْسِكَ مَا لَا تُطِيقُ، أَتَدْرِي مَا قَالَ اللَّهُ لَنَا فِيكَ فَرَدَدْنَا عَلَيْهِ؟

قَالَ: لَا قَالَ: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»

فَلَمَّا (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ) فَهُوَ خَلَقَكَ أَنْ تَكُونَ فِي الْأَرْضِ يَسْتَقِيمُ أَنْ تَكُونَ فِي السَّمَاءِ:

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اللَّهُ عَزَّى بِهَا آدَمُ ثَلَاثًا (2)

ص: 138

1- عنه بحار الأنوار: 282/25 ح 28، والبرهان في تفسير القرآن: 167/1 ح 8. بصائر الدرجات: 236 - 6 (باب - 10 في الأئمة عليهم السلام، عنه البحار: 282/25 ح 28

2- عنه بحار الأنوار: 211/11 ح 18 فيه: عن زرارة، والبرهان في تفسير القرآن: 167/1 ح 9، ملاحظة: قطعة صدر الحديث وقع ذيل الحديث السابق، فأصله هنا

12) - زراره گفته است: موقعی که در محضر امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم، به من فرمود: چه احادیثی از شیعه داری؟

عرضه داشتم: احادیث زیادی از آن‌ها دارم که تصمیم داشتم ام آتشی بیفروزم و همه آن‌ها را بسوزانم فرمود: آن‌هایی را که قبول نداری و انکار می‌کنی پنهان کن

در همین حال چند مطلب به ذهنم خطور کرد و حضرت به من فرمود: دانش ملائکه چه مقدار بود که (به خداوند اعتراض کردند و گفتند: «آیا کسانی قرار می‌دهی تا در زمین فساد و خون‌ریزی نمایند») (همانا حکمت خداوند قابل درک نمی‌باشد)

13) - (هم چنین زراره) گفته است:

هرگاه امام صادق علیه السلام این حدیث را مطرح می‌نمود، می‌فرمود: (این مطالب)، اعتقادات قدریه را در هم می‌شکنند.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: همانا آدم در آسمان دوستی از ملائکه داشت، هنگامی که از آسمان بر زمین فرود آمد وحشت وجود آن دوست را فراگرفت و به خدا شکایت نمود و درخواست کرد که اجازه فرماید تا بر زمین فرود آید، خداوند هم اجازه داد و چون بر آدم فرود آمد مشاهده کرد که آدم بر زمینی بدون آبادانی و امکانات و خالی از سکنه نشسته است دست خود را بر آدم نهاد و فریادی زد.

امام صادق علیه السلام افزود: گویند که تمامی موجودات و آفریده‌ها صدای او را شنیدند، سپس اظهار داشت: ای آدم! در تو چنین حالتی نمی‌بینم مگر آن که نافرمانی خدا نمودی و کاری را که طاقت و تحمل آن را نداشتی انجام دادی آیا می‌دانی که خداوند درباره تو به ما چه گفت، که جواب رد به او دادیم؟

پاسخ داد: نه. فرشته گفت: خدا فرمود: «می‌خواهم در زمین خلیفه‌ای قرار دهم»، و ما گفتیم: «آیا می‌خواهی کسی را بیافرینی که در زمین فساد و خون‌ریزی نماید» پس او تو را آفریده تا در زمین باشی و توان دارد که تو در آسمان واقع شوی.

سپس امام صادق علیه السلام افزود: خداوند به وسیله او، آدم را سه بار تعزیت نمود.

115 / [14] - عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [قَالَ]: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) مَاذَا عَلَّمَهُ؟ قَالَ: الْأَرْضِينَ، وَالْجِبَالَ، وَالشُّعَابَ، وَالْأُودِيَةَ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى بَسَاطٍ تَحْتَهُ، فَقَالَ: وَهَذَا الْبَسَاطُ مِمَّا عَلَّمَهُ (1).

116 / [15] - عَنْ الْفَضْلِ بْنِ عَبَّاسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) مَا هِيَ؟

قَالَ: أَسْمَاءُ الْأُودِيَةِ وَالنَّبَاتِ وَالشَّجَرِ وَالْجِبَالِ مِنَ الْأَرْضِ: (2)

قوله تعالى: (قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (33)

117/[16] - عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ الْعَطَّارِ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَدَعَا بِالْخِوَانِ فَتَعَدَّيْنَا ثُمَّ جَاءُوا بِالطُّشْتِ وَالِدَسْتِ سِيئَانَهُ (3) فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُهُ: (وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) الطُّشْتُ وَالِدَسْتُ سِنَانَهُ مِنْهُ فَقَالَ: وَالْفِجَاجُ (4) وَالْأُودِيَةُ وَأَهْوَى بِيَدِهِ كَذَا وَكَذَا. (5)

ص: 140

1- عنه بحار الأنوار: 147/11 ح 18 و البرهان في تفسير القرآن: 168/1 ح 10 . مجمع البيان: 180/1 عنه البحار: 146/11 ذيل ح 16 .

2- عنه بحار الأنوار: 147/11 ح 19 ، و البرهان في تفسير القرآن: 168/1 ح 11 فيه: عن الفضل أبي العباس تفسير القمي: 45/1 (حج آدم عليه السلام مرسلًا وبتفاوت يسير، عنه البحار: 146/11 ح 16.

3- كذا في النسخ، و استظهر في هامش نسخة البحار أن الصحيح: ثم جاؤا بالطشت و الدست سويه - في الموضعين - و عليه فالكلمة فارسيّة، و هو الإناء المعدّ لغسل اليد

4- الفجاج جمع الفجّ: الطريق الواضح بين الجبلين. و في بعض النسخ: العجاج، و هو بمعنى الغبار.

5- عنه بحار الأنوار: 147/11 ح 20 ، و البرهان في تفسير القرآن: 168/1 ح 12 ،

(14) - از ابو العباس روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند: «تمامی اسم ها را به آدم تعلیم نمود» پرسش کردم که آن علم و دانش چه بود؟

فرمود: (همان علمی که مربوط به) زمین ها، کوه ها، راه ها، درّه ها و رود ها است سپس حضرت به گلیمی که روی آن نشسته بود نگاهی انداخت و فرمود: این گلیم نیز جزء علم و دانش آدم است.

(15) - از فضل بن عباس روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند: «تمامی اسم ها را به آدم تعلیم نمود» سؤال کردم که آن چه بود؟

فرمود: اسامی رود ها، نباتات و گیاهان درختان کوه ها و زمین بود.

فرمایش خداوند متعال: فرمود: ای آدم! آنان را از اسامی (و اسرار این) موجودات آگاه نما پس هنگامی که آنان را آگاه نمود (خداوند) فرمود: آیا به شما نگفتم: من غیب آسمان ها و زمین را می دانم؟ و نیز آن چه را که شما آشکار می کنید و آن چه را پنهان می دارید (همه را) می دانم (33)

(16) - از داود بن سرحان عطار روایت کرده است که گفت:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم که دستور داد سفره ای آوردند و غذا خوردیم سپس تشت و ظرف آب آوردند پس اظهار داشتم: فدایت کردم فرمایش خداوند: «تمامی اسم ها را به آدم تعلیم نمود» مربوط به تشت و ظرف آب هم بود؟

فرمود: (آری، حتی) راه های بیابانی و کوهستانی درّه ها. سپس با دست خود اشاره به چنین و چنان نمود.

لَمَّا أَنْ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسْجُدُوا لَهُ، فَقَدَّالَتِ الْمَلَائِكَةُ فِي أَنْفُسِهِهَا: مَا كُنَّا نَنْظُرُ أَنْ اللَّهَ خَلَقَ خَلْقًا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنَّا، فَنَحْنُ جِيرَانُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ خَلْقِهِ إِلَيْهِ،

فَقَالَ اللَّهُ: (أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ) (1) فِيمَا أَبَدُوا مِنْ أَمْرِ بَنِي الْجَانِّ، وَكْتَمُوا مَا فِي أَنْفُسِهِمْ فَلَاذَاتِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ قَالُوا مَا قَالُوا بِالْعَرْشِ. (2)

119 / [18] - عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ إِبْلِيسَ أَكَانَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؟ أَوْ كَانَ يَلِي شَيْئًا مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ؟

فَقَالَ: لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَكَانَتْ الْمَلَائِكَةُ تَرَى أَنَّهُ مِنْهَا، وَكَانَ اللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ مِنْهَا، وَلَمْ يَكُنْ يَلِي شَيْئًا مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ وَلَا كِرَامَةِ،

فَأَتَيْتُ الطَّيَّارَ (3) فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَأَلْتُ فَأَنْكَرَ وَقَالَ: كَيْفَ لَا يَكُونُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؟ وَاللَّهُ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ (أَسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَّجُدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ)

(4) فَدَخَلَ عَلَيْهِ الطَّيَّارُ فَسَأَلَهُ وَأَنَا عِنْدَهُ، فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) فِي غَيْرِ مَكَانٍ فِي مُخَاطَبَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْ يَدْخُلُ فِي هَذِهِ الْمُنَافِقُونَ؟

فَقَالَ: نَعَمْ يَدْخُلُونَ فِي هَذِهِ الْمُنَافِقُونَ وَالضُّلَّالُ وَكُلُّ مَنْ أَقْرَبَ بِالِدَّعْوَةِ الظَّاهِرَةِ. (5)

ص: 142

1- سورة البقرة: 33/2

2- عنه بحار الأنوار: 148/11 ح 21، والبرهان في تفسير القرآن: 168/1 ح 13.

3- المشهور بهذا اللقب محمد بن عبد الله، وقد يطلق على ابنه حمزة بن الطيار.

4- سورة البقرة: 34/2.

5- عنه مجمع البيان: 190/1، وبحار الأنوار: 148/11 ح 22 و 217/63 ح 54، والبرهان في تفسير القرآن: 177/1 ح 13، وقصص

الأنبياء عليهم السلام للجزائري: 28 (الفصل الأول في فضلها). الكافي: 274/8 ح 413، عنه البحار: 217/63 ذيل ح 54

(17) - از حرّیز به نقل از کسی که خبر داده روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند آدم را آفرید به ملائکه دستور داد تا برایش سجده کنند پس آنان با خود گفتند گمان نمی کردیم خداوند مخلوقی را بیافریند که از ما برتر باشد با این که ما در جوار خدا و از نزدیک ترین مخلوقات او به او می باشیم پس خداوند فرمود: «مگر نگفتم: من غیب آسمان ها و زمین را می دانم و آن چه آشکار و یا کتمان نمایید همه را می دانم».

در آن چه پیرامون جنیان آشکار کرده و آن چه را که در افکار و اذهان خود می پروراندند و ملائکه هایی که چنین گفتند و یا نگفتند، به عرش خداوند، پناهنده شدند.

(18) - از جمیل بن درّاج روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره ابلیس پرسیدم که آیا از فرشته ها بود و یا برخی از برنامه های آسمان را در دست داشت؟

فرمود: فرشته نبود ولی فرشته ها او را از خود می دانستند و فقط خدا می دانست که از فرشته ها نیست و متصدی هیچ کاری در آسمان نبود و کرامتی هم نداشت.

من نزد (حمزة بن محمد) طیار آمدم و آن چه را که شنیده بودم برایش گفتم و او انکار کرد و گفت: چگونه از فرشته ها نبود (در صورتی که) خدا به فرشته ها می فرماید: «به آدم سجده کنید و همه سجده کردند جز ابلیس». پس طیار نزد آن حضرت آمد و سؤال کرد که من حضور داشتم گفت: فدایت گردم فرمایش خدا: ای کسانی که ایمان آورده اید! - که در جاهای مختلف خطاب به مؤمنان نموده، آیا شامل منافقان نیز می گردد؟

فرمود: بلی گمراهان و هر که دعوت آشکار (اسلام) را اقرار کرده شامل می شود.

120 / [19] - عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ إِبْلِيسَ أَ كَانَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؟ أَوْ هَلْ كَانَ يَلِي شَيْئاً مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ؟

قَالَ: لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَكُنْ يَلِي شَيْئاً مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ وَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ ، وَ كَانَ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَانَتْ الْمَلَائِكَةُ تَرَى أَنَّهُ مِنْهَا ، وَ كَانَ اللَّهُ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ مِنْهَا (1) فَلَمَّا أَمَرَ بِالسُّجُودِ كَانَ مِنْهُ الَّذِي كَانَ . (2)

121 / [20] - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَوَّلَ كُفْرٍ كُفِرَ بِاللَّهِ حَيْثُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ كُفِرَ إِبْلِيسَ حَيْثُ رَدَّ عَلَى اللَّهِ أَمْرَهُ، وَ أَوَّلَ الْحَسَدِ حَيْثُ حَسَدَ ابْنُ آدَمَ أَخَاهُ، وَ أَوَّلَ الْحِرْصِ حِرْصُ آدَمَ ، نُهِىَ عَنِ الشَّجَرَةِ فَأَكَلَ مِنْهَا فَأَخْرَجَهُ حِرْصُهُ مِنَ الْجَنَّةِ . (3)

ص: 144

1- قال المجلسي رحمه الله بعد ذكر احاديث: ما حاصله: أن الله تعالى إنما أدخله في لفظ الملائكة لأنه كان مخلوطاً بهم و كونه ظاهراً منهم، و إنما وجه الخطاب في الأمر بالسجود إلى هؤلاء الحاضرين، و كان من بينهم فشملة الأمر، أو المراد أنه خاطبهم بيا أيها الملائكة! مثلاً و كان إبليس أيضاً مأموراً، لكونه ظاهراً منهم و مظهراً لصفاتهم، كما أن خطاب يا أيها الذين آمنوا يشمل المناققين لكونهم ظاهراً من المؤمنين. و أما ظنّ الملائكة فيحتمل أن يكون المراد أنهم ظنوا أنه منهم في الطاعة و عدم العصيان؛ لأنه يبعد أن لا يعلم الملائكة أنه ليس منهم مع أنهم رفعوه إلى السماء، و أهلکوا قومه فيكون من قبيل قولهم: سلمان منّا أهل البيت على أنه يحتمل أن يكون الملائكة ظنّوا أنه كان ملكاً جعله الله حاكماً على الجنان. و يحتمل أن يكون هذا الظنّ من بعض الملائكة الذين لم يكونوا بين جماعة منهم قتلوا الجنان و رفعوا إبليس

2- عنه بحار الأنوار: 218/63 ح 55 ، و البرهان في تفسير القرآن: 177/1 ح 14 و قصص الأنبياء عليهم السلام الجزائري: 36 (الفصل الثاني في سجود الملائكة). مجمع البيان: 190/1 ، قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي: 42 ح 6 ، عنه البحار: 144/11 ح 14 ، و 63 / 249 ح 109 . و يأتي الحديث أيضاً في سورة «الكهف»، الحديث 36.

3- عنه بحار الأنوار: 149/11 ح 23 ، و البرهان في تفسير القرآن: 178/1 ح 15 .

(19) - از جمیل بن درّاج روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام دربارهٔ ابلیس سؤال کردم که آیا از فرشته‌ها بود و یا این که برخی برنامه‌های آسمان را در دست داشت؟

فرمود: فرشته نبود و متصدی هیچ کاری هم در آسمان نبود، او از جنیان و در کنار و و هم ردیف فرشته‌ها بود، ولی فرشته‌ها او را از خود می‌دانستند؛ و خدا می‌دانست که از فرشته‌ها نیست و چون امر به سجده شدند درون خود را آشکار کرد

(20) - نیز از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: اولین مرحله (کفر ابلیس)، موقعی بود که خداوند متعال آدم علیه السلام را آفرید و ابلیس در آن حالتی که از دستور خدا سر باز زد کافر گشت

و اولین کاربرد حسادت زمانی بود که فرزند آدم برادر خود را کشت

و اولین جایی که حرص و طمع واقع شد زمانی بود که آدم از خوردن (میوه) آن درخت ممنوع گردید ولی از آن تناول نمود و همین طمع، سبب بیرون راندنش از بهشت شد.

ص: 145

122/12] - عَنْ بَدْرِ بْنِ خَلِيلٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَوَّلُ بُقْعَةٍ عَرِِدَ اللَّهُ عَلَيْهَا ظَهْرُ الْكُوفَةِ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسْجُدُوا لِأَدَمَ سَجَدُوا عَلَى ظَهْرِ الْكُوفَةِ (1)

قوله تعالى: (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (34) وَقُلْنَا يَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (35)

123 [22] - عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ الْوَاسِطِيِّ (2)، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُفْرِ وَالشُّرْكِ، أَيُّهُمَا أَقْدَمُ؟

فَقَالَ: مَا عَهْدِي بِكَ تَخَاصِمُ النَّاسَ! قُلْتُ: أَمَرَنِي هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ ذَلِكَ. فَقَالَ لِي: الْكُفْرُ أَقْدَمُ وَهُوَ الْجُحُودُ قَالَ [اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ] (إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ). (3)

ص: 146

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 11: 149 ح 24 و 100/232 ح 25 و البرهان في تفسير القرآن: 1/178 ح 16 و مستدرک الوسائل: 4/484 ح 5227 و 10/206 - 11865، وقصص الأنبياء عليهم السلام للجرائري: 36 (الفصل الثاني في سجود الملائكة)
 - 2- فيه بكر بن موسى الواسطي، وما أثبتناه عن البحار و البرهان
 - 3- عنه بحار الأنوار: 72/97 ح 14 و البرهان في تفسير القرآن 1/178 ح 17 الكافي 2/385 ح 6 باسناد عن موسى بن بكير، قال: سألت أبا الحسن عليه السلام بتفاوت يسير.

(21)- از بدر بن خلیل اسدی از مردی اهل شام روایت کرده است که گفت: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: اولین محل و جایگاهی که: خداوند پرستش شد. کوفه بود چون خداوند به فرشته ها دستور سجده برای آدم را داد که بر بلندای کوفه انجام گرفت.

فرمایش خداوند متعال و هنگامی که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده (و فروتنی) کنید پس همگی سجده کردند جز ابلیس که امتناع ورزید و تکبر کرد (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران گردید (34) و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت نما و از (نعمت های انبوه) آن - از هر جا که می خواهید گوارا - بخورید (ولی مواظب باشید) به این درخت نزدیک نشوید (و نخورید) که از ستمگران خواهید شد. (35)

(22)- از موسی بن بکر واسطی روایت کرده است که گفت: از امام کاظم علیه السلام سؤال کردم که کدام یک از کفر و شرک جلوتر بوده است؟

فرمود: من سابقه ستیزه گی و مخاصمه تو را با مردم نداشتم.

عرض کردم: هشام بن حکم مرا دستور داده که این را از شما سؤال کنم

فرمود: کفر جلوتر است و آن (به معنای) انکار است خداوند عزیز و جلیل فرموده است: (همه سجده کردند) «مگر ابلیس که سرپیچی و تکبر کرد و از کافران گردیده»

124 / [23] - عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ): يَعْنِي لَا تَأْكُلَا مِنْهَا (1)

125 / [24] - عَنْ عَطَاءٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ:

إِنَّمَا كَانَ لِبَيْتِ آدَمَ وَحَوَاءٍ فِي الْجَنَّةِ حَتَّى خَرَجَا مِنْهَا سَبْعَ سَاعَاتٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا حَتَّى أَكَلَا مِنَ الشَّجَرَةِ، فَأَهْبَطَهُمَا اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ يَوْمِهِمَا ذَلِكَ،

قَالَ: فَحَاحَّ آدَمُ رَبَّهُ فَقَالَ: يَا رَبِّ أَرَأَيْتَكَ قَبْلَ أَنْ تَخْلُقَنِي كُنْتُ قَدَرْتُ عَلَى هَذَا الذَّنْبِ وَكُلَّ مَا صِدْرْتُ وَأَنَا صَائِرٌ إِلَيْهِ، أَوْ هَذَا شَيْءٌ فَعَلْتُهُ أَنَا مِنْ قَبْلِ لَمْ تُقَدِّرْهُ عَلَيَّ، غَلَبْتَ عَلَيَّ شِقْوَتِي، فَكَانَ ذَلِكَ مِنِّي وَفِعْلِي لَا مِنْكَ وَلَا مِنْ فِعْلِكَ؟

قَالَ لَهُ: يَا آدَمُ أَنَا خَلَقْتُكَ... وَعَلَّمْتُكَ أَنِّي أُسْكِنُكَ وَزَوْجَتَكَ الْجَنَّةَ، وَبِنِعْمَتِي وَ مَا جَعَلْتُ فِيكَ مِنْ قُوَّتِي قَوِيَّتَ بِجَوَارِحِكَ عَلَى مَعْصِيَتِي، وَ لَمْ تَغِبْ عَنْ عَيْنِي، وَ لَمْ يَحُلْ عَلَيَّ مِنْ فِعْلِكَ وَ لَا مِمَّا أَنْتَ فَاعِلُهُ، قَالَ آدَمُ: يَا رَبِّ! الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ!

قال: فحين خَلَقْتَنِي وَ صَوَّرْتَنِي وَ نَفَخْتَ فِيَّ مِنْ رُوحِكَ! قال الله تعالى: يا آدم اني أسجدت لك ملائكتي (2)، وَ نَوَّهْتَ بِاسْمِكَ فِي سَمَواتِي، وَابْتَدَأْتُكَ بِكَرامَتِي

ص: 148

-
- 1- عنه مجمع البيان: 194/1، و بحار الأنوار: 187/11 ح 41، و البرهان في تفسير القرآن: 188/1 ح 14 الكافي: 447/7 ضمن ح 2 عنه وسائل الشيعة: 253/23 ح 29506، و البحار: 289/16 ح 149، النوادر للأشعري: 55 ضمن ح 107 (باب - 8 الاستثناء في اليمين)، عنه البحار: 306/76 ح 7 و 231/104 ح 73، و مستدرک الوسائل: 60/16 ح 19146
- 2- ما أثبتاه عن البرهان، و الأصل هكذا و نفخت في من روعي، أسجدت لك ملائكتي ...

(23) - از سلام بن مستنیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «نزدیک این دخت نشوید»، فرمود: یعنی از آن درخت نخورید

(24) - از عطا به نقل از امام باقر، از پدران بزرگوارش، از امام علی علیه السلام روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

همانا آدم و حوا مدّت هفت ساعت از ساعات روز های دنیا در بهشت ماندند که در همان روز خداوند آنان را بر زمین فرود فرستاد

سپس فرمود: آدم با خداوند احتجاج کرد و گفت: ای پروردگار! فکر می کنم پیش از آن که مرا بیافرینی بر من مقدر نموده ای که چنین گناهی را مرتکب شوم و به سمت چنین سرنوشتی رهسپار گردم؟ و یا آن که چنین کاری را که من کردم از روی شقاوت خودم بوده است؟! که در این صورت گناه از خودم سرچشمه گرفته و ربطی به مقدرات تو ندارد؟

خداوند فرمود: ای آدم! من تو را آفریدم و می دانستم که با همسرت ساکن بهشت من خواهی شد و با استفاده از نعمت ها و توانایی هایی که به تو دادم مرا معصیت می کنی؛ و هیچ موقع از من پنهان نگشته ای و علم من بر اعمال و حالات تو تداوم داشته است.

آدم اظهار داشت: ای پروردگار! بنابراین در همان لحظه ای که مرا آفریدی و از روح خود در من دمیدی حجت تو بر علیه من تمام گشته است.

خدای متعال فرمود: ای آدم! فرشته هایم را دستور دادم تا برایت سجده کنند و نام تو را در آسمان ها یم بالا برده و منتشر کردم آفرینش تو را با تکریم خود

ص: 149

وَأَسَدٌ كُنْتُكَ جَنَّتِي، وَلَمْ أَفْعَلْ ذَلِكَ إِلَّا بِرِضَا مَنِّي عَلَيْكَ أِبْلُوكَ [إِنِّي تَلَيْتُكَ] بِذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ عَمِلْتَ لِي عَمَلًا تَسَّ تَوْجِبُ بِهِ عِنْدِي مَا فَعَلْتُ بِكَ،

قَالَ آدَمُ: يَا رَبَّ الْخَيْرِ مِنْكَ وَالشَّرِّ مِنِّي، قَالَ اللَّهُ: يَا آدَمُ! أَنَا اللَّهُ الْكَرِيمُ خَلَقْتُ الْخَيْرَ قَبْلَ الشَّرِّ، وَخَلَقْتُ رَحْمَتِي قَبْلَ غَضَبِي، وَقَدَّمْتُ بِكَرَامَتِي قَبْلَ هَوَانِي، وَقَدَّمْتُ بِاحْتِجَاجِي قَبْلَ عَذَابِي، يَا آدَمُ! أَلَمْ أَنهَكَ عَنِ الشَّجَرَةِ وَأُخْبِرَكَ أَنَّ الشَّيْطَانَ عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجَتِكَ؟ وَأُحذِرُكُمَا قَبْلَ أَنْ تَصِيدَا إِلَى الْجَنَّةِ وَأَعْلَمَكُمَا أَنَّكُمَا إِنْ أَكَلْتُمَا مِنَ الشَّجَرَةِ كُنْتُمَا ظَالِمِينَ لِأَنفُسِكُمَا عَاصِدِينَ لِي يَا آدَمُ! لَا يُجَاوِرُنِي فِي جَنَّتِي ظَالِمٌ عَاصٍ لِي

قَالَ: فَقَالَ: بَلَى يَا رَبَّ! الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَعَصَيْنَا وَإِنْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا نَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ قَالَ: فَلَمَّا أَقْرَأَ لِرَبِّهِمَا بِذُنُوبِهِمَا وَأَنَّ الْحُجَّةَ مِنَ اللَّهِ لَهُمَا تَدَارَكَهُمَا رَحْمَةُ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَتَابَ عَلَيْهِمَا رَبُّهُمَا إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

قَالَ اللَّهُ: يَا آدَمُ! اهْبِطْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ إِلَى الْأَرْضِ فَإِذَا أَصَدَّ لِحْتُمَا أَصَدَّ لِحْتُكُمَا وَإِنْ عَمِلْتُمَا لِي قَوَّيْتُمَا، وَإِنْ تَعَرَّضْتُمَا لِرِضَايَ تَسَارَعْتُ إِلَى رِضَاكُمَا، وَإِنْ خِفْتُمَا مِنِّي أَمْتُكُمَا مِنْ سَخَطِي.

قَالَ: فَبَكِيًا عِنْدَ ذَلِكَ، وَقَالَا: رَبَّنَا! فَأَعِنَّا عَلَى صَلَاحِ أَنْفُسِنَا، وَعَلَى الْعَمَلِ بِمَا يُرْضِيكَ عَنَّا.

قَالَ اللَّهُ لَهُمَا: إِذَا عَمِلْتُمَا سُوءًا فَتُوبَا إِلَىَّ مِنْهُ أَتُبُّ عَلَيْكُمَا، وَأَنَا اللَّهُ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. قَالَا: فَأَهْبِطْنَا بِرَحْمَتِكَ إِلَى أَحَبِّ الْبِقَاعِ إِلَيْكَ؛

شروع نمودم تو را ساکن بهشتم گرداندم این چنین کارها را با رضا و رغبت خویش برایت انجام داده ام؛ (به درستی که) تو را با آن برنامه ها آزمایش می کنم بدون این که عملی برایم انجام داده باشی و مستحق آن همه تکریم باشی

آدم گفت: ای پروردگار! خیر و خوبی از آن تو و شرّ و بدی از سوی من است

خداوند فرمود: ای آدم! من خدای کریمی هستم خیر و خوبی ها را پیش از شرّ و بدی ها آفریدم رحمت خود را پیش از غضب آفریدم، کرامت و بزرگواری من پیش از خواری و ذلّت می باشد؛ قبل از آن که به عذاب من مبتلا گردی با من احتجاج می کنی؟ ای آدم! آیا تو را از آن درخت نهی نکردم؟ و آیا تو را آگاه نساختم که شیطان دشمن (آشکار) تو و همسرت می باشد؟ و آیا پیش از آن که وارد بهشت شوید شما را متوجه نکردم که اگر از آن درخت تناول نمایید بر خود ستم کرده و مرا نیز معصیت و نافرمانی نموده اید؟ ای آدم! کسی که ستم و عصیان نموده هم جوار من در بهشت نمی شود

حضرت فرمود: آدم اظهار داشت: بلی قبول دارم حجت تو بر ما تمام است ما بر خود ستم و تو را نافرمانی کردیم اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نمایی از خسارت دیدگان می باشیم

حضرت فرمود: چون هر دو بر گناه خود اقرار کرده و پذیرفتند که حجّت خداوند بر ایشان انجام گرفته است رحمت خدای بخشاینده مهربان شامل حالشان گردید و توبه شان را پذیرفت زیرا که او توبه پذیر و مهربان است.

خداوند فرمود: ای آدم! تو با همسرت بر زمین فرود آید، پس اگر خود را اصلاح نمودید (امور) شما را اصلاح می نمایم اگر برای من کاری کردید شما را نیرو می بخشم اگر خواستار رضایت و خوشنودی من بودید، سریع از شما راضی می شوم اگر از من ترسیدید شما را از خشم خود در امان می دارم

قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ: أَنْ أَهْبِطَهُمَا إِلَى الْبَلَدِ الْمُبَارَكِ مَكَهَ

قَالَ: فَهَبَطَ بِهِمَا جِبْرِئِيلُ فَأَلْقَى آدَمَ عَلَى الصَّفَا، وَ أَلْقَى حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ. قَالَ: فَلَمَّا أَلْقِيَا، قَامَا عَلَى أَرْجُلَيْهِمَا وَرَفَعَا رُؤُوسَهُمَا إِلَى السَّمَاءِ، وَ صَجَّجَا بِأَصْوَاتِهِمَا بِالْبُكَاءِ إِلَى اللَّهِ، وَ خَضَعَا بِأَعْنَاقِهِمَا. قَالَ: فَهَتَفَ اللَّهُ بِهِمَا: مَا يُبْكِيكُمَا بَعْدَ رِضَايَ عَنْكُمَا؟

قَالَ: فَقَالَا: رَبَّنَا! أَبْكَتْنَا خَطِيئَتُنَا، وَهِيَ أَخْرَجَتْنَا مِنْ جِوَارِ رَبَّنَا. وَ قَدْ خَفِيَ عَنَّا تَقْدِيرُ مَلَائِكَتِكَ لَكَ رَبَّنَا!، وَ بَدَتْ لَنَا عَوْرَاتُنَا وَاضَةً طَرَفًا ذُنُوبَنَا إِلَى حَرْثِ الدُّنْيَا وَ مَطْعَمِهَا وَ مَشْرَبِهَا، وَ دَخَلَتْنَا وَحْشَةً شَدِيدَةً لِتَقْرِيْبِكَ بَيْنَنَا.

قَالَ: فَرَحِمَهُمَا الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عِنْدَ ذَلِكَ وَ أَوْحَى إِلَى جِبْرِئِيلَ: أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَ أَنِّي قَدْ رَحِمْتُ آدَمَ وَ حَوَاءَ لِمَا شَكِيَا إِلَيَّ فَاهْبِطْ عَلَيْهِمَا بِخَيْمَةٍ مِنْ خِيَامِ الْجَنَّةِ، وَ عَزِّهِمَا (1) عَنِّي بِفِرَاقِ الْجَنَّةِ، وَاجْمَعْ بَيْنَهُمَا فِي الْخَيْمَةِ فَإِنِّي قَدْ رَحِمْتُهُمَا لِإِبْكَائِهِمَا وَ وَحْشَتِهِمَا وَ وَحَدَّثْتُهُمَا، وَ أَنْصَبْ لَهُمَا الْخَيْمَةَ عَلَى التَّرْعَةِ (2)

ص: 152

1- من التعزية بمعنى التسلية .

2- وقال المجلسي رحمه الله في بيان الحديث : التربة بالتاء المثناة من فوق و الراء المهملة : الدرجة و الروضة في مكان مرتفع، و لعل المراد هنا الدرجة لكون قواعد البيت مرتفعة، و في بعض النسخ بالنون و الزاي المعجمة ، أي المكان الخالي عن الأشجار و الجبال، تشبيهاً بنزعة الرأس، و ظفائر الأرجوان في أكثر نسخ الحديث بالطاء، و لعله تصحيف الضاد، قال الجزري : الضفر : النسج و الضفائر الذوائب المصفورة و الضفير جبل مفتول . انتهى . و الأرجوان صبغ أحمر شديد الحمرة، و كأنه معرّب أرغوان . و هبوطه تعالى كناية عن توجه أمره و اهتمامه بصدور ذلك الأمر كما قال تعالى : (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ الْمَلَائِكَةِ) . (البقرة : 210/2). و الظلال ما أظلك من شيء، و ههنا كناية عن كثرة الملائكة و اجتماعهم : أي اهبط أمرى مع جم غفير من الملائكة، و اليوم المذكور في آخر الخبر لعل المراد به اليوم من أيام الآخرة، كما مر، و قد سقط فيما عندنا من نسخ العياشي من أول الخبر شيء تركناه كما وجدنا .

حضرت فرمود: در این لحظه هر دو گریستند و گفتند: ای پروردگار! ما را بر اصلاح نفس خویش و بر کاری که موجب رضای تو باشد، یاری فرما.

خداوند به هر دوی آنان فرمود: چنان چه خلافی انجام دهید و به درگاه من توبه کنید توبه شما را می پذیرم زیرا که من توبه پذیر مهربانی هستم اظهار داشتند پس ما را در بهترین جایگاه زمین فرود آور

حضرت فرمود: پس خداوند به جبرئیل وحی فرستاد: هر دورا در سرزمینی مبارک - به نام مکه - فرود آور؛ و جبرئیل آنان را فرود آورد و آدم را در کوه صفا و حوا را در کوه مروه نهاد و چون بر زمین قرار گرفتند بر پای خود ایستادند و سر خود را به سمت آسمان بلند کرده و با حالت تواضع و صدای بلند به درگاه خدای متعال گریه کردند.

خداوند به آنان ندا داد: با این که از شما راضی شدم چرا گریه می کنید؟

اظهار داشتند پروردگار! بر خطای خود گریه می کنیم که سبب بیرون راندن ما از بهشت و جدائی از جوار پروردگارمان شد؛ و از طرف دیگر ارزش تکریم و تقدیس فرشته ها ندانستیم و عورت های ما نمایان گشت گناه ما سبب شد که ما (برای امرار معاش خویش) در زمین کار کنیم تا خوردنی و آشامیدنی خویش را تهیه نماییم و حشت سختی بر ما وارد گشته چون بین ما جدایی انداخته ای

حضرت فرمود: پس خداوند بخشاینده مهربان به آنان رحم کرد و به جبرئیل وحی نمود: من خدای بخشاینده مهربان هستم من آدم و حوا را چون شکایت خود را با من گفتند رحمشان کردم خیمه ای از خیمه های بهشتی برایشان فرود آور و آن ها را به خاطر فراق بهشت، از طرف من تسلیت بگو و آنان را در خیمه کنار هم جمعشان کن زیرا که من آنان را به سبب گریه و تنهایی و ترسشان رحم کردم و خیمه را نیز بر تُوَعه گلزار بین کوه های مکه بر پا گردان

قَالَ وَ التَّرْعَةُ مَكَانُ الْبَيْتِ وَقَوَاعِدِهِ الَّتِي رَفَعَتْهَا الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ ، فَهَبَطَ جِبْرِيْلُ عَلَى آدَمَ بِالْخَيْمَةِ عَلَى مِقْدَارِ أَزْكَانِ الْبَيْتِ وَقَوَاعِدِهِ فَصَبَّهَا .

قَالَ : وَأَنْزَلَ جِبْرِيْلُ آدَمَ مِنَ الصَّفَا وَأَنْزَلَ حَوَاءَ مِنَ الْمَرْوَةِ وَجَمَعَ بَيْنَهُمَا فِي الْخَيْمَةِ ، قَالَ : وَكَانَ عَمُودُ الْخَيْمَةِ قَضِيْبَ يَاقُوْتٍ أَحْمَرَ فَأَصَاءَ نُورُهُ وَضَوْؤُهُ جِبَالِ مَكَّةَ وَ مَا حَوْلَهَا ، قَالَ : وَكَلَّمَا امْتَدَّ ضَوْؤُ الْعَمُودِ فَجَعَلَهُ اللَّهُ حَرَمًا فَهُوَ مَوَاضِعُ الْحَرَمِ الْيَوْمَ ، كُلُّ نَاحِيَةٍ مِنْ حَيْثُ بَلَغَ ضَوْؤُ الْعَمُودِ فَجَعَلَهُ اللَّهُ حَرَمًا لِحُرْمَةِ الْخَيْمَةِ وَالْعَمُودِ لِأَنَّهِنَّ مِنَ الْجَنَّةِ ، قَالَ : وَ لِذَلِكَ جَعَلَ اللَّهُ الْحَسَنَاتِ فِي الْحَرَمِ مُضَاعَفَةً وَ السَّيِّئَاتِ فِيهِ مُضَاعَفَةً ، قَالَ : وَ مُدَّتْ أَطْنَابُ الْخَيْمَةِ حَوْلَهَا فَمُنْتَهَى أَوْتَادُهَا مَا حَوْلَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ، قَالَ : وَ كَانَتْ أَوْتَادُهَا مِنْ عُصُونِ الْجَنَّةِ ، وَ أَطْنَابُهَا مِنْ ظَفَائِرِ الْأَرْجُوانِ

قَالَ : فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِيْلَ : أَهْبِطْ عَلَى الْخَيْمَةِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَحْرُسُونَهَا مِنْ مَرَدَةِ الْجِنِّ ، وَ يُؤَسُّونَ آدَمَ وَ حَوَاءَ ، وَ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْخَيْمَةِ تَعْظِيمًا لِلْبَيْتِ وَ الْخَيْمَةِ ،

قَالَ : فَهَبَطَتِ الْمَلَائِكَةُ فَكَانُوا بِحَضْرَةِ الْخَيْمَةِ يَحْرُسُونَهَا مِنْ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ وَ الْعُتَاةِ ، وَ يَطُوفُونَ حَوْلَ أَزْكَانِ الْبَيْتِ وَ الْخَيْمَةِ كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ كَمَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي السَّمَاءِ حَوْلَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ، وَ أَزْكَانُ الْبَيْتِ الْحَرَامِ فِي الْأَرْضِ حِيَالِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ الَّذِي فِي السَّمَاءِ .

قَالَ : ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى جِبْرِيْلَ بَعْدَ ذَلِكَ : أَنْ أَهْبِطْ إِلَى آدَمَ وَ حَوَاءَ فَنَحِّهْمَا عَنْ مَوَاضِعِ قَوَاعِدِ بَيْتِي فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَهْبِطَ فِي ظِلَالٍ مِنْ مَلَائِكَتِي إِلَى أَرْضِي فَأَرْفَعَ

حضرت (رسول صلی الله علیه آله) فرمود: «تُرعه» جایگاه کعبه و پایه های آن است که قبل از این، مورد ملائکه آن ها را بالا برده بودند پس جبرئیل بر جایگاه کعبه و پایه های آن به همراه خیمه بر آدم فرود آمد و خیمه را بر پا داشت، سپس آدم را از کوه صفا و حوا را از کوه مروه پایین آورد و در خیمه جمعشان نمود.

تیرک و ستون خیمه از یاقوت قرمز بود که تمام مکه و کوه ها و حوالی آن را نور افشانی کرد و تا هر کجا که نور پرتو افکند به احترام خیمه و تیرک آن، در محدوده حرم قرار گرفت زیرا که خیمه و تیرک آن از بهشت بود.

حضرت فرمود: بر همین اساس خداوند کار های حسنه و یا سیئه ای که در حریم کعبه انجام شود جزایشان را چند برابر قرار داد

و چون می خواستند طناب های خیمه را ببندند آن قدر کشاندند تا آن که میخ های آن در اطراف مسجد الحرام کوبیده شد که (البته) میخ های طناب ها از شاخه های پیچا پیچ بوته گل قرمز بهشتی بود.

حضرت فرمود: پس از آن خداوند بر جبرئیل وحی فرستاد: که هفتاد هزار فرشته برای نگهداری خیمه - از نزدیک شدن شیطان و نوادگان جنیان - فرود آور تا این که مونس آدم و حوا باشند و اطراف خیمه به عنوان تعظیم خیمه و جایگاه کعبه طواف کنند پس فرشته ها فرود آمدند و از ورود شیطان و نوادگانش به خیمه، نگهداری می دادند و اطراف آن هر شبانه روز طواف می کردند که این جایگاه در موازی «بیت المعمور» قرار گرفته که فرشته های آسمان اطراف آن طواف می کنند و پایه های کعبه روی زمین در قبال «بیت المعمور» در آسمان قرار دارد.

حضرت فرمود: بعد از آن خداوند به جبرئیل وحی فرستاد بر آدم و حوا فرود آی و آنان را از جایگاه و پایه های خانه من دورشان، گردان زیرا که می خواهم با جمعی از فرشتگان بر زمین وارد شویم و پایه های خانه ام را برای فرشته ها

أَرْكَانَ بَيْتِي لِمَلَائِكَتِي وَ لِحَلْقِي مِنْ وُلْدِ آدَمَ

قَالَ : فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَى آدَمَ وَ حَوَاءَ فَأَخْرَجَهُمَا مِنَ الْخَيْمَةِ وَنَ حَاهُمَا عَنْ تُرْعَةِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ نَحَى الْخَيْمَةَ عَنْ مَوْضِعِ التُّرْعَةِ ،

قَالَ : وَ وَضَعَ آدَمَ عَلَى الصَّفَا ، وَ وَضَعَ حَوَاءَ عَلَى الْمَرْوَةِ ، وَ رَفَعَ الْخَيْمَةَ إِلَى السَّمَاءِ ، فَقَالَ آدَمُ وَ حَوَاءُ : يَا جَبْرَائِيلُ ! بَسَّ خَطِ مِنَ اللَّهِ حَوْلَتَنَا وَ فَرَّقْتَ بَيْنَنَا أَمْ بِرِضَى تَقْدِيرًا مِنَ اللَّهِ عَلَيْنَا ؟

فَقَالَ لَهُمَا : لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ سَخَطًا مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمَا ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ لَا يُسَدُّ مَلُ عَمَّا يَفْعَلُ ، يَا آدَمُ : إِنَّ السَّبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ الَّذِينَ أَنْزَلَهُمُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ لِيُنْزِلُوا حَوْلَ أَرْكَانِ الْبَيْتِ وَ الْخَيْمَةَ سَأَلُوا اللَّهَ أَنْ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَكَانَ الْخَيْمَةِ بَيْنًا عَلَى مَوْضِعِ التُّرْعَةِ الْمُبَارَكَةِ حِيَالِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فَيَطُوفُونَ حَوْلَهُ كَمَا كَانُوا يَطُوفُونَ فِي السَّمَاءِ حَوْلَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْ : أَنْ أُنْحِيكَ وَ حَوَاءَ وَ أَرْفَعَ الْخَيْمَةَ إِلَى السَّمَاءِ ،

فَقَالَ آدَمُ : رَضِينَا بِتَقْدِيرِ اللَّهِ وَ نَافِذِ أَمْرِهِ فِينَا ، فَكَانَ آدَمُ عَلَى الصَّفَا وَ حَوَاءُ عَلَى الْمَرْوَةِ ، قَالَ : فَدَخَلَ آدَمُ لِفِرَاقِ حَوَاءَ وَ حَشَّةً شَدِيدَةً وَ حُزْنَ

قَالَ : فَهَبَطَ مِنَ الصَّفَا يُرِيدُ الْمَرْوَةَ شَوْقًا إِلَى حَوَاءَ وَ لِيُسَلِّمَ عَلَيْهَا وَ كَانَ فِيمَا بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَادِيًا

وَ كَمَا أَنَّ آدَمَ يَرَى الْمَرْوَةَ مِنْ فَوْقِ الصَّفَا ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى مَوْضِعِ الْوَادِي غَابَتْ عَنْهُ الْمَرْوَةُ فَسَدَّ عَى فِي الْوَادِي حَذْرًا لِمَا لَمْ يَرِ الْمَرْوَةَ مَخَافَةَ أَنْ يَكُونَ قَدْ ضَلَّ عَنْ طَرِيقِهِ ، فَلَمَّا أَنْ جَارَ الْوَادِي وَ اِزْتَفَعَ عَنْهُ نَظَرَ إِلَى الْمَرْوَةِ فَمَشَى حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْمَرْوَةِ فَصَدَّ عَدَّ عَلَيْهَا فَسَلَّمَ عَلَى حَوَاءَ ، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهَا نَحْوَ مَوْضِعِ التُّرْعَةِ يُنْظَرَانِ هَلْ رُفِعَ قَوَاعِدُ الْبَيْتِ وَ يَسْأَلَانِ اللَّهَ أَنْ يَرُدَّهُمَا إِلَى مَكَانِهِمَا حَتَّى هَبَطَ مِنَ الْمَرْوَةِ فَرَجَعَ إِلَى الصَّفَا فَقَامَ عَلَيْهِ وَ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ نَحْوَ مَوْضِعِ التُّرْعَةِ فَدَعَا اللَّهَ ،

و بنی آدم مقرر گردانم. فرمود: پس جبرئیل بر آدم و حوا فرود آمد و آنان را از خیمه بیرون کرد و از حوالی جایگاه کعبه دورشان کرد هم چنین خیمه را هم از حوالی آن دور نمود؛ و آدم را بر کوه صفا و حوا را بر کوه مروه قرار داد و خیمه را به آسمان برد، آدم و حوا اظهار داشتند: ای جبرئیل! آیا با خشم خدا جای ما را تغییر دادی و بین ما جدایی انداختی؟ یا آن که با رضایت و مقدرات خداوند چنین کردی؟

در پاسخ گفت: از روی خشم و غضب خدا نبود ولی بدانید که خداوند هر چه را انجام دهد مورد سؤال و پرسش قرار نمی گیرد ای آدم هفتاد هزار فرشته را خداوند بر زمین فرستاد تا مونس تو باشند و در اطراف جایگاه خیمه و کعبه طواف نمایند از خدا تقاضا کردند که در ساختمانی به جای خیمه مقابل «بیت المعمور» ساخته شود تا در اطراف آن طواف کنند هم چنان که در آسمان اطراف «بیت المعمور» طواف می نموده اند خداوند بر من وحی فرستاد: تا تو و حوا را از این جا دور گردانم و خیمه را به آسمان ببرم آدم گفت: به مقدرات خداوند و آن چه بر ما حکم فرماید راضی شدیم.

پس آدم بر کوه صفا و حوا بر کوه مروه ماندند؛ آدم از فراق حوا به وحشت و ناراحتی سختی افتاد پس از صفا پایین آمد که بر مروه کنار حوا رود و بر او سلام کند ما بین صفا و مروه درّه ای بود - و آدم از بالای صفا حوا را در مروه می دید- چون به انتهای وادی رسید مروه از دید او ناپدید گشت پس شروع به سعی و تلاش در وادی نمود که چرا مروه را نمی بیند و نکند که راه را اشتباه پیموده و چون از وادی بیرون شد و بالا آمد چشمش به مروه افتاد و به راه خود ادامه داد تا به مروه رسید پس بر بالای آن رفت و بر حوا سلام کرد و سپس با هم به سمت «ترعه» روی کرده و نگاه می کردند که آیا پایه های کعبه بالا رفته است یا نه؟ و از خداوند تقاضا می کردند که به جایگاهشان برگردند. سپس از مروه پایین آمد و چون در بالای صفا ایستاد روی خود را به سمت ترعه گرداند و به درگاه خدا دعا کرد.

ثُمَّ إِنَّهُ اسْتَأْذَنَ إِلَى حَوَاءَ فَهَبَطَ مِنَ الصَّفَا يُرِيدُ الْمَرْوَةَ فَفَعَلَ مِثْلَ مَا فَعَلَهُ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى الصَّفَا فَفَعَلَ عَلَيْهِ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى ، ثُمَّ إِنَّهُ هَبَطَ مِنَ الصَّفَا إِلَى الْمَرْوَةَ فَفَعَلَ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الْمَرَّتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى الصَّفَا فَقَامَ عَلَيْهِ وَدَعَى اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ حَوَاءَ

قَالَ: فَكَانَ ذَهَابُ آدَمَ مِنَ الصَّفَا إِلَى الْمَرْوَةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَرُجُوعُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَذَلِكَ سِتَّةُ أَشْوَاطٍ ، فَلَمَّا أَنْ دَعَا اللَّهَ وَبَكَى إِلَيْهِ وَسَأَلَهُ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمَا مِنْ سَاعَتِهِمَا مِنْ يَوْمِهِمَا ذَلِكَ مَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ ، فَأَتَاهُ جِبْرَائِيلُ وَهُوَ عَلَى الصَّفَا وَقَفَّ يَدْعُو اللَّهَ مُقْبِلًا بِوَجْهِهِ نَحْوَ التَّرْعَةِ

فَقَالَ لَهُ جِبْرَائِيلُ : انزِلْ يَا آدَمُ! مِنَ الصَّفَا فَالْحَقْ بِحَوَاءَ ، فَنَزَلَ آدَمُ مِنَ الصَّفَا إِلَى الْمَرْوَةَ فَفَعَلَ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الثَّلَاثِ الْمَرَّاتِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْمَرْوَةَ فَصَدَّعَهَا وَخَبَرَ حَوَاءَ بِمَا أَخْبَرَهُ جِبْرَائِيلُ فَفَرِحَا بِذَلِكَ فَرِحًا شَدِيدًا وَحَمِدَا اللَّهَ وَشَكَرَاهُ ، فَلِذَلِكَ جَرَتِ السُّنَّةُ بِالسَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ ، وَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ : (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شِعَابِ اللَّهِ فَمَنْ حَاجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) (1) قَالَ : ثُمَّ إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَتَاهُمَا فَأَنْزَلَهُمَا مِنَ الْمَرْوَةَ وَأَخْبَرَهُمَا أَنَّ الْجَبَّارَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَ هَبَطَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَفَعَ قَوَاعِدَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ بِحَجَرٍ مِنَ الصَّفَا ، وَحَجَرٍ مِنَ الْمَرْوَةَ وَحَجَرٍ مِنْ طُورِ سَيْئَاءَ وَحَجَرٍ مِنْ جَبَلِ السَّلَامِ وَهُوَ ظَهْرُ الْكُوفَةِ ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرَائِيلَ أَنْ ابْنِهِ وَأَتَمَّهُ ، قَالَ : فَافْتَلَعَ جِبْرَائِيلُ الْأَحْجَارَ الْأَرْبَعَةَ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ مَوَاضِعٍ مَعْنَى بَجَنَاحِيهِ فَوَضَعَهُمَا حَيْثُ أَمَرَهُ اللَّهُ فِي أَرْكَانِ الْبَيْتِ عَلَى قَوَاعِدِهِ الَّتِي قَدَّرَهَا الْجَبَّارُ وَنَصَبَ أَعْلَامَهَا ،

ص: 158

باز هم مشتاق (دیدار) حوا شد از صفا پایین آمد و به طرف مروه رفت - و کار هایش را همانند دفعه اول انجام داد - و باز به صفا بازگشت - و همانند دفعه قبل کارها را انجام داد - و باز هم از صفا به قصد مروه فرود آمد - و همانند دو دفعه قبل عمل کرد - و به صفا بازگشت و از خداوند درخواست نمود که او را با همسرش کنار هم آورد

حضرت فرمود: رفت و آمد آدم به مروه سه مرتبه واقع شد که روی هم شش مرحله (رفت و برگشت) انجام گرفت پس چون خدا را خواندند و به درگاهش گریه کردند و تقاضا نمودند که کنار یک دیگر باشند خداوند همان روز پیش از غروب آفتاب دعایشان را مستجاب نمود و جبرئیل نزد او آمد در حالی که بالای به سمت «ترعه» ایستاده و دعا می کرد پس جبرئیل به او گفت: ای آدم! از کوه صفا پایین بیا و نزد حوا برو پس آدم از صفا به قصد مروه فرود آمد و همانند سه مرحله قبل عمل نمود تا به مروه رسید و بالا رفت و حوا را بر آن چه جبرئیل بود آگاهش نمود و بسیار خوشحال گشتند و خدا را سپاس گزاری کردند.

و بر همین اساس سعی بین صفا و مروه (برای حاجیان) سنت گردید و خداوند فرمود: همانا (سعی بین) صفا و مروه از شعائر الهی است پس هر که حج انجام دهد باکی بر او نیست که ما بین آن دورا سعی و طواف کند

حضرت فرمود: سپس جبرئیل نزد هر دو آمد و آنان را از مروه پائین آورد و خبر داد که خدای جبار متعال بر زمین هبوط نموده و پایه های (چهار دیواری) کعبه را به وسیله سنگ هائی از کوه «صفا»، «مروه»، «طور سینا» و «سلام» - که در پشت کوفه قرار دارد - (ساخته و) مرتفع نموده است. بعد از آن خداوند بر جبرئیل وحی فرستاد: بنای کعبه را به اتمام رسان

پس جبرئیل به وسیله بال های خود سنگ هایی را به امر خداوند از چهار کوه جدا می کند و طبق دستور خدا در پایه های دیواری که خداوند مهندسی آن را

ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ : أَنْ ابْنِهِ وَ أْتَمَمَهُ بِحِجَارَةٍ مِنْ أَبِي قُبَيْسٍ وَ اجْعَلْ لَهُ بَابَيْنِ : بَابَ شَرْقِيٍّ ، وَ بَابَ غَرْبِيٍّ ،

قَالَ : فَأَتَمَّهُ جِبْرِئِيلُ ، فَلَمَّا انْفَرَعَ مِنْهُ طَافَتِ الْمَلَائِكَةُ حَوْلَهُ فَلَمَّا نَظَرَ آدَمُ وَ حَوَاءُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْبَيْتِ انْطَلَقَا فَطَافَا بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ ، ثُمَّ خَرَجَا يَطْلُبَانِ مَا يَأْكُلَانِ وَ ذَلِكَ مِنْ يَوْمِهِمَا الَّذِي هَبَطَ بِهِمَا فِيهِ (1)

126 / [25] - عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ :

إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْأَرْضِ جَمِيعاً مَكَّةَ وَ اخْتَارَ مِنْ مَكَّةَ بَكَّةَ فَأَنْزَلَ فِي بَكَّةَ سِدْرًا دِقًّا مِنْ نُورٍ مَحْفُوفًا بِالدُّرِّ وَ الْيَاقُوتِ ثُمَّ أَنْزَلَ فِي وَسْطِ السَّرَادِقِ عَمْدًا أَرْبَعَةً وَ جَعَلَ بَيْنَ الْعَمْدِ الْأَرْبَعَةِ لُؤْلُؤَةً بَيْضَاءَ وَ كَانَ طُولُهَا سَبْعَةَ أَذْرُعٍ فِي تَرَابِيعِ الْبَيْتِ وَ جَعَلَ فِيهَا نُورًا مِنْ نُورِ السَّرَادِقِ بِمَنْزِلَةِ الْقَنَادِيلِ وَ كَانَتِ الْعَمْدُ أَصْدَأَ لَهَا فِي الثَّرَى وَ الرُّوسُ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ كَانَ الرَّبُّعُ الْأَوَّلُ مِنْ زُمْرِدٍ أَخْضَرَ وَ الرَّبُّعُ الثَّانِي مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ وَ الرَّبُّعُ الثَّلَاثُ مِنْ لُؤْلُؤٍ أَبْيَضٍ وَ الرَّبُّعُ الرَّابِعُ مِنْ نُورٍ سَاطِعٍ وَ كَانَ الْبَيْتُ يَنْزِلُ فِيمَا بَيْنَهُمْ مُرْتَبَعًا مِنَ الْأَرْضِ وَ كَانَ نُورُ الْقَنَادِيلِ يَبْلُغُ إِلَى مَوْضِعِ الْحَرَمِ وَ كَانَ أَكْبَرُ الْقَنَادِيلِ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ فَكَانَ الْقَنَادِيلُ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَ سِتِّينَ قِنْدِيلًا فَالرُّكْنُ

ص: 160

1- عنه بحار الأنوار: 182/11 ح 36، وسائل الشيعة: 224/13 ح 17606، قطعة منه، و البرهان في تفسير القرآن: 188/1 ح 15، و مستدرک الوسائل: 322/9 ح 11009، و 334 ح 11013 قطعتان منه الكافي: 195/4 ح 2 ياسناده عن محمد بن إسحاق، عن أبي جعفر، عن آبائه عليهم السلام بتفاوت، و نحوه علل الشرائع: 420/2 ح 3 (باب - 159) عنه البحار: 208/11 ح 11 و 70/99 ح 1 الخصال: 396/2 ح 103 - إلى قوله من يومها ذلك عنه البحار 142/11 ح 10، و قصص الأنبياء عليهم السلام للجزائري: 35 (الفصل الثاني في سجود الملائكة).

نموده بود قرار می داد سپس خدا به جبرئیل وحی نمود: باقی مانده پایه ها را با سنگ های کوه «ابوقیس» به پایان رسان و دو درب ورودی - درب شرقی و درب غربی - برایش قرار بده

حضرت فرمود: جبرئیل آن را به پایان رساند و چون فارغ گشت فرشته ها اطراف آن طواف کردند موقعی که آدم و حوا دیدند که فرشته ها اطراف کعبه طواف می کنند به راه افتادند و هفت دور طواف انجام دادند سپس حرکت کردند تا چیزی را برای خوردن تهیه کنند تمامی این برنامه ها و جریانات در همان روزی انجام گرفت که از بهشت فرود آمدند.

(25) - و از جابر جعفی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السلام فرمود: همانا که خداوند از بین تمامی زمین ها مکه را برگزید و از مجموع مکه، بگه (جایگاه بیت) را برگزید پس خیمه و پرده ای را که از نور و آغشته به درّ و یاقوت بود برای آن، قرارداد سپس چهار تیرک (ستون) برای وسط خیمه فرستاد و در بین هر تیرک لؤلؤی سفید قرار داد درازای آن خیمه هفت ذراع (30/3 متر) برای چهار گوشه بیت بود و درون آن نورهایی از سرادق عرش - به جای چند قندیل (چراغ های آویز) - ایجاد نمود و اصل ستون ها در زمین نمناک و سر آن ها زیر عرش بود که یک چهارم اول آن از زمرد سبز، یک چهارم دوم آن از یاقوت قرمز، یک چهارم سوم آن از لؤلؤ سفید و یک چهارم آخر آن از نور پرتو افکن بود.

و بیت در بین آن ها بلند تر از زمین قرار داشت؛ و روشنایی نور قندیل ها تا جایگاه حرم، نور افشانی می کرد؛ بزرگ ترین قندیل در مقام (کنونی) حضرت ابراهیم علیه السلام بود؛ که تعداد مجموعه قندیل ها 360 قندیل بود.

الْأَسْوَدُ بَابِ الرَّحْمَةِ إِلَى الرُّكْنِ الشَّامِيِّ فَهُوَ بَابُ الْأَنْبَاءِ وَبَابُ الرُّكْنِ الشَّامِيِّ بَابُ التَّوَسُّلِ وَبَابُ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ بَابُ التَّوْبَةِ وَهُوَ بَابُ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام) وَشَبَّعْتِهِمْ إِلَى الْحَجْرِ. فَهَذَا الْبَيْتُ حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ.

فَلَمَّا هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ هَبَطَ إِلَى الصَّفَا وَلِذَلِكَ اسْتَقَى اللَّهُ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِ آدَمَ لِقَوْلِ اللَّهِ: (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ) (1) وَنَزَلَتْ حَوَاءُ عَلَى الْمَرْوَةِ فَاسْتَقَى اللَّهُ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِ الْمَرْوَةِ وَكَانَ آدَمُ نَزَلَ بِمَرْوَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَلَمَّا لَمْ يَخْلُقْ آدَمَ الْمَرْوَةَ إِلَى جَنْبِ الْمَقَامِ وَكَانَ يَرْكُنُ إِلَيْهِ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُهْبِطَ الْبَيْتَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَهْبَطَ فَصَارَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَكَانَ آدَمُ يَرْكُنُ إِلَيْهِ وَكَانَ اِرْتِقَاعُهَا مِنَ الْأَرْضِ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ وَكَانَتْ لَهُ أَرْبَعَةُ أَبْوَابٍ وَكَانَ عَرْضُهَا خَمْسَةً وَعِشْرِينَ ذِرَاعًا فِي خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ ذِرَاعًا تَرَابِيعِهِ وَكَانَ السَّرَادِقُ مِائَتِي ذِرَاعٍ فِي مِائَتِي ذِرَاعٍ (2)

127 / [26] - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ:

كَانَ إِبْلِيسُ أَوَّلَ مَنْ تَعَنَّى وَ أَوَّلَ مَنْ نَاحَ وَ أَوَّلَ مَنْ حَدَا لَمَّا أَكَلَ آدَمَ مِنَ الشَّجَرَةِ تَعَنَّى، فَلَمَّا أَهْبَطَ حَدَا بِهِ فَلَمَّا اسْتَرَّ عَلَى الْأَرْضِ نَاحَ يُدَكِّرُهُ مَا فِي الْجَنَّةِ. (3)

ص: 162

1- سورة آل عمران : 33/3

2- عنه بحار الأنوار: 63/99 ح 39، و البرهان في تفسير القرآن: 191/1 ح 16، و مستدرک الوسائل : 329/9 ح 11019 قطعة منه، و 335 ح 11034 .

3- عنه بحار الأنوار: 247/79 ح 25، و مسائل الشيعة : 310/17 ح 22621، و البرهان في تفسير القرآن : 192/1 ح 17، و الحديث قطعة من الحديث 278 في سورة «النساء» فتأتي تخريجاته هناك . و زاد بعده في نسخة البحار فقال آدم رب! هذا الذي جعلت بيني وبينه العداوة لم أقو عليه و أنا في الجنة و إن لم تعني عليه لم أقو عليه، فقال الله : السيئة بالسئية و الحسنه بعشر أمثالها إلى سبعمائه، قال : رب زدني، قال : لا يولد لك ولد إلا جعلت معه ملكاً أو ملكين يحفظانه قال : رب زدني، قال : التوبة مفروضة في الجسد مادام فيها الروح، قال : رب! زدني، قال : أغفر الذنوب و لا أبالي قال : حسبي، قال : فقال إبليس : رب! هذا الذي كرمت علي و فضلته و إن لم تفضل علي لم أقو عليه، قال : لا يولد له ولد إلا ولد لك ولدان، قال رب زدني، قال : تجري منه مجرى الدم في العروق، قال : رب زدني، قال : تتخذ أنت و ذريتك في صدورهم مساكن، قال : رب زدني، قال : تعدهم و تمنىهم : (وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا) النساء : 120/4 . انتهى

پس رکن سیاه همان باب رحمت است که به سمت رکن شامی - رکن انابه - (زاری و توبه) می باشد؛ و رکن شامی همان باب توسل است، رکن یمانی همان باب توبه است که باب آل محمد علیهم السلام و شیعیانشان می باشد.

این بیت در زمین حجت خداوند بر آفریده هایش خواهد بود و موقعی که آدم بر زمین فرود آمد بر کوه صفا وارد شد و به همین خاطر نام آن یکی از نام های آدم (علیه السلام) برگرفته شده است در آن جایی که خداوند فرموده: «به راستی که خداوند آدم را برگزید» که اصل «اصطفی» «صفا» بوده است .

حوا بر کوه مروه وارد شد و خداوند نام آن را از نام زن «مرأة» برگرفته است

(آدم به همراه آئینه ای از بهشت فرود آمد و آن را در کنار مقام حضرت ابراهیم علیه السلام آویزان و ایجاد کرد) - آن جا تکیه گاه آدم بود - و از پروردگار خود تقاضا نمود که «بیت» را از آسمان بر زمین فرود فرستد

پس (خداوند متعال) آن را فرستاد و روی سطح زمین قرار داد و تکیه گاه آدم شد که ارتفاع آن از زمین هفت ذراع (3/50 متر) بود چهار درب داشت، پهنای سطح آن 25 × 25 ذراع - چهار گوش - بود و خیمه و سرادقی که برای آن آورده شد 200 × 200 ذراع بوده است.

(26) - از جابر بن عبد الله روایت کرده است که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابلیس اول کسی بود که سرود و آوازه خوانی غنا، نوحه و آهنگ خداخوانی را انجام داد.

(و نیز) هنگامی که آدم از آن درخت تناول نمود غنا و آواز موسیقی را سرایید.

(هم چنین) زمانی که از بهشت بیرون شد: آهنگ خدا سر داد و موقعی که بر زمین مستقر گردید نوحه و ناله کرد و او را بر نعمت های بهشت یادآور می شد.

128/27] - عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ حِينَ أَهْبَطَ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ أَمَرَهُ أَنْ يَحْرِثَ بِيَدِهِ فَيَأْكُلَ مِنْ كَدِّهِ بَعْدَ الْجَنَّةِ وَنَعِيمِهَا فَلَبِثَ يَجَارُ (1) وَيَبْكِي عَلَى الْجَنَّةِ مَا تَتَى سَدِّهُ ثُمَّ إِنَّهُ سَجَدَ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لِيَالِيهَا. ثُمَّ قَالَ يَا رَبُّ! ثُمَّ قَالَ: أَيُّ رَبِّ أَلَمْ تَخْلُقْنِي؟

فَقَالَ اللَّهُ: قَدْ فَعَلْتُ، فَقَالَ: أَلَمْ تَنْفُخْ فِي مِنْ رَوْحِكَ؟

قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ، قَالَ: أَلَمْ تَسْكُنِي جَنَّتِكَ؟

قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ، قَالَ: أَلَمْ تَسْبِقْ لِي رَحْمَتَكَ غَضَبِكَ؟

قَالَ اللَّهُ: قَدْ فَعَلْتُ، فَهَلْ صَبَرْتَ أَوْ شَكَرْتَ؟

قَالَ آدَمُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»، فَرَحِمَهُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَتَابَ عَلَيْهِ، إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». (2)

ص: 164

1- جار: رفع صوته بالدعاء .

2- عنه بحار الأنوار: 212/11 ح 19، ووسائل الشيعة: 36/19 ح 24096، و البرهان في تفسير القرآن: 195/1 ح 7 و مستدرک الوسائل: 475/4 ح 5203 قطعة منه، و 24/13 ذيل ح 14633 أشار إليه . قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي: 49 ح 21 بإسناده عن عامر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله - إلى قوله: ثلاثة أيام ولياليها- عنه وسائل الشيعة: 382/6 ح 8244، و البحار: 210/11 ح 159 و مستدرک الوسائل: 461/13 ح 15901 .

(27) - از جابر (بن یزید جرفی) روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی هنگامی که خداوند آدم را بر زمین فرود آورد دستور داد که با دست خود زراعت کند - و با توجه به از دست دادن بهشت و نعمت هایش - و با زحمت، روزی خود را تهیه نماید و بخورد پس مدتی را (به همین منوال) گذراند و با صدای بلند استغاثه می کرد و تا دویست سال در فراق بهشت گریه می نمود.

بعد از آن در برابر خداوند سجده ای کرد و مدت سه شبانه روز سر از سجده نداشت، سپس اظهار داشت: ای پروردگار من! آیا تو مرا نیافریده ای؟

خداوند فرمود: بلی چنین کردم

گفت: از روح خودت در من ند میدی؟

فرمود: بلی چنین کردم

گفت: آیا نسبت به من رحمت تو بر غضبت پیشی نگرفته بود؟

فرمود: بلی چنین انجام دادم ولی آیا تو صبر کردی؟ یا شکر بجای آوردی؟

آدم گفت نیست خدایی مگر خدای یکتا خداوند! تو منزه هستی من بر خودم ستم کردم پس (بر من رحم کن) و مرا بیامرز همانا تو بهترین آمرزندگان و برترین مهربانان هستی

پس خداوند او را بر چنین حالتش رحم نمود و توبه او را پذیرفت به درستی که او توبه پذیر مهربانی است

ص: 165

قَالَ: الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّيْهِنَّ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى، قَالَ: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ! إِنِّي عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ إِنِّي عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ)، إِنِّي عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». (1). (2)

إِذَا اسْتَيْقَظْتَ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلْ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقَّى بِهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَّحْتَ رَحْمَتَكَ غَضَبَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ» (3).

ص: 166

-
- 1- الدعاء في الطبع المكتبة الإسلامية هكذا: «سبحانك اللهم وبحمدك! إِنِّي عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، إِنِّي عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»
 - 2- عنه بحار الأنوار: 186/11 ح 37، و 193/95 ح 21، و البرهان في تفسير القرآن: 195/1 ح 8 قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي : 53 ح 29 بتفاوت يسير عنه البحار: 181/11 ح 35، و 354/95 ح 9.
 - 3- عنه بحار الأنوار: 186/11 ح 38، و 195/76 ح 11، و البرهان في تفسير القرآن: 195/1 ح 9.

(28) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: کلماتی را که آدم (علیه السلام) از خداوند دریافت کرد و بعد از آن توبه نمود و هدایت یافت چنین بود که اظهار داشت:

خداوندا! تو منزّه و اهل سپاسی به درستی که من کار بدی را مرتکب شده ام و بر خود ستم نمودم پس مرا بیامرز همانا تو بسیار آمرزنده و مهربان هستی ای خداوندا! همانا خدایی غیر از تو وجود ندارد تو منزّه و اهل سپاسی، کار بدی کرده ام و بر خود ستم نمودم پس مرا بیامرز که تو برترین آمرزنده ها هستی ای خداوندا! همانا خدایی غیر از تو نیست تو منزّه و اهل سپاسی

همانا من کار بدی انجام داده ام و بر خود ستم نمودم پس مرا بیامرز همانا تو خودت آمرزنده و مهربان هستی

(29) - از حسن بن راشد روایت کرده است که گفت:

هر گاه از خواب بیدار شدی کلماتی را که آدم (علیه السلام) از پروردگار خود دریافت نمود بگو: بسیار منزّه و مقدّس است پروردگار فرشته ها و روح رحمت تو بر غضبت پیشی گرفته است نیست خدایی مگر خدای یکتا همانا من بر خود ستم نمودم پس مرا بیامرز که تو بسیار توبه پذیر مهربان و آمرزنده هستی.

ص: 167

قوله تعالى: (فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ، كَلِمَةً فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (37) قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (37)

131/ [30] - عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَرَضَ عَلَى آدَمَ فِي الْمِيثَاقِ ذُرِّيَّتَهُ، فَمَرَّ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَفَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا تَتْلُوهُمَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ يَتْلُوَانِ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَقَالَ اللَّهُ: يَا آدَمُ، إِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ عَلَيْهِمْ بِحَسَدٍ، أُهْبِطَكَ مِنْ جَوَارِي.

فَلَمَّا أَسَدَ كَنَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ، مَثَلٌ لَهُ النَّبِيُّ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَانظُرْ إِلَيْهِمْ بِحَسَدٍ، ثُمَّ عُرِضَتْ عَلَيْهِ الْوَلَايَةُ فَأَنْكَرَهَا فَرَمَتْهُ الْجَنَّةَ بِأُورَاقِهَا، فَلَمَّا تَابَ إِلَى اللَّهِ مِنْ حَسَدِهِ وَأَقْرَبَ بِالْوَلَايَةِ وَدَعَا بِحَقِّ الْخَمْسَةِ؛ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ (تبارك وتعالى): (فَتَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ) الْآيَةَ. (1)

ص: 168

1- عنه بحار الأنوار: 187/11 ح 39 و 326/26 ح 9، و البرهان في تفسير القرآن: 196/1 ح 10.

فرمایش خداوند متعال: پس از آن آدم از پروردگار خود کلماتی را دریافت داشت و (به وسیله آن‌ها) به درگاه خداوند توبه کرد و خداوند توبه او را پذیرفت؛ چرا که خداوند توبه پذیر و مهربان است (37) گفتیم: همگی از (درون) آن (بهشت) فرود آید پس چنان چه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند نه ترسی بر آن‌ها خواهد بود و نه غمگین خواهند شد. (38)

30 - از عبد الرحمان بن کثیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند هنگام گرفتن میثاق، ذریه آدم را بر او عرضه کرد، پس چشم آدم بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افتاد که کنار علی علیه السلام بود فاطمه و نیز حسن و حسین علیهم السلام در کنار ایشان بودند.

خداوند به آدم فرمود: مواظب باش که با نگاه حسادت به آنان نظر نکنی که از جوار من پایین خواهی رفت

و چون خداوند آدم را در بهشت جای داد (انوار) پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام در مقابلش تجسم یافتند و آدم با حسادت بر (مقام و منزلت) ایشان نگریست سپس (پذیرش) ولایت ایشان بر آدم اعلام شد و او نپذیرفت با این کار لباس بهشتی که بر وجودش بود ریخت. هنگامی که به درگاه خداوند - نسبت به حسادت خود - توبه نمود و اقرار بر ولایت ایشان کرد و خدا را به حقّ خمسّه طیّبه - حضرت محمد علی فاطمه حسن و حسین علیهم السلام - خواند، خداوند او را آمرزید و این همان فرمایش خداوند است:

«پس آدم کلماتی را از پروردگارش دریافت کرد»

132 / [31] - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلْقِيهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ قَالَ: «يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ لَمَّا تُبِتَ عَلَيَّ»، قَالَ: وَ مَا عَلِمَكَ بِمُحَمَّدٍ

قَالَ: رَأَيْتُهُ فِي سُرَادِقِكَ الْأَعْظَمِ مَكْتُوباً وَ أَنَا فِي الْجَنَّةِ. (1)

133 / [32] - عَنْ جَابِرٍ، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْأَمِيَةِ فِي بَاطِنِ الْقُرْآنِ: (فَأَمَّا يَا تَبْنَكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ). .

قَالَ: «تَفْسِيرُ الْهُدَى عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ اللَّهُ فِيهِ: (فَمَنْ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (2)

قوله تعالى: يَنْبِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَارْهَبُونِ (40) وَ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرِينَ بِهِ، وَلَا تَسْتُرُوا بِآيَتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونِ (41)

ص: 170

1- عنه بحار الأنوار: 187/11 ح 40، و 367/16 ح 74، و البرهان في تفسير القرآن: 196/1 ح 11 . اليقين: 190 (باب - 42 فيما ذكره من كتاب القاضي) بإسناده عن الحميري رفعه و 234 (باب - 74 فيما ذكره من كتاب الإمامة) بإسناده عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير في كليهما عنه البحار: 7/27 ح 15 .

2- عنه البرهان في تفسير القرآن: 200/1 ح 18 . . تفسير فرات الكوفي: 58 ح 17 بتفاوت .

(31) - از محمد بن عیسی بن عبد الله علوی به نقل از پدرش از جدش روایت کرده است که گفت:

امام علی علیه السلام فرمود: کلماتی را که آدم از پروردگارش دریافت نمود، چنین بود که اظهار داشت ای پروردگار تو را به حق حضرت محمد سوگندت می دهم که توبه مرا قبول فرمایی خداوند خطاب نمود محمد را از کجا می شناسی؟

گفت: زمانی که در بهشت بودم او را در سرادق (سراپرده عرش) دیدم که ثبت گردیده بود.

(32) - از جابر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام پیرامون تفسیر باطن این آیه شریفه پس هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آید کسانی که از آن پیروی کنند ترس و وحشتی بر آن ها نخواهد بود و ناراحت و غمگین نخواهند شد سؤال کردم؟

فرمود: تفسیر «هدی» علی علیه السلام است که خداوند فرمود: هر کسی که هدایت مرا پیروی کند (در برزخ و روز قیامت) ترس و اندوهی برایش نخواهد بود.

فرمایش خداوند متعال: ای فرزندان اسرائیل! نعمت هایی را که به شما ارزانی داشتم یاد آور شوید! و به عهد و پیمانی که با من بسته اید وفا کنید تا من نیز به پیمان شما وفا کنم (و در انجام وظیفه و بندگی) فقط از من واهمه داشته باشید (40) و به آن چه (از کتاب های آسمانی و قرآن) نازل کرده ام ایمان بیاورید! که (این قرآن) تصدیق کننده کتاب های شما است می باشد و نخستین کافر به آن نباشید! و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید! و تنها از من (و از مخالفت دستور های من) بترسید (41)

ص: 171

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ) (1) قَالَ: أَوْفُوا بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ فَرَضًا مِنَ اللَّهِ أَوْفِ لَكُمْ الْجَنَّةَ. (2)

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ فِي بَاطِنِ الْقُرْآنِ (وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَتْ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ) (3)، [قَالَ:] «يَعْنِي فَلَانًا وَصَاحِبَهُ وَمَنْ تَبِعَهُمْ وَدَانَ بِدِينِهِمْ، قَالَ اللَّهُ يَغْنِيهِمْ: (وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ) يَعْنِي عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ. (4)

قوله تعالى: وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرُّكُوعِ (43) أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (44)

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ) قَالَ: هِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ. (5)

ص: 172

1- سورة البقرة: 40/2 .

2- عنه بحار الأنوار: 97/36 ح 35 ، و 341/69، و البرهان في تفسير القرآن: 203/1 ح 7 . تفسير فرات الكوفي: 58 ح 18 و 19 بإسنادهما عن سماعة بن مهران عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير عنهما البحار: 130/36 ح 80 و 62/37 ح 31 .

3- سورة البقرة: 41/2 .

4- عنه بحار الأنوار: 97/36 ح 36 ، و البرهان في تفسير القرآن: 204/1 ح 2 .

5- عنه بحار الأنوار: 6/96 ، و 6/104 ، و البرهان في تفسير القرآن: 205/1 ح 3 .

(33) - از سماعة بن مهران روايت کرده است که گفت:

از امام صادق عليه السلام پيرامون فرمايش خداوند «به عهد و ميثاق من وفا كنيد، به عهد شما وفا مي نمايم» سؤال كردم؟ حضرت فرمود: بر ولايت علي عليه السلام که از طرف خداوند بر شما واجب گردیده و فادار باشيد تا بر بهشت وفا کنم.

(34) - از جابر جعفي روايت کرده است که گفت:

از امام باقر عليه السلام پيرامون باطن تفسير آيه شريفه «ايمان بياوريد به آن چه نازل کرده ام که تصديق کننده است آن چه را که نزد شما و همراه شما است و اولين فرد کافر نسبت به آن نباشيد» سؤال كردم؟

فرمود: يعني فلاني و رفيقش و کسانی که از آن ها پيروي و آئين آن ها را عمل کردند که خداوند آنان را قصد نمود «اولين فرد کافر نسبت به او نباشيد» يعني (مقصود از ضمير در «به») علي عليه السلام می باشد (که اولين کافر و انکار کننده ولايت و امامت او نباشيد)

فرمايش خداوند متعال: و نماز را بيا داريد و زکات (و خمس) را بپردازيد و همراه رکوع کنندگان رکوع (و پيروي) کنيد! (43) آيا مردم را به نيکی (و ايمان به پيامبري که صفات او در تورات) آمده دعوت می کنيد ولی خودتان را فراموش می نماييد با اين که شما کتاب (آسمانی) را می خوانيد آيا (در سرنوشت خود) نمی انديشيد؟! (44)

(35) - از اسحاق بن عمّار روايت کرده است که گفت:

از امام صادق عليه السلام پيرامون فرمايش خداوند: «و نماز را به پا داريد و زکات (مال خود) را بپردازيد»، سؤال كردم؟

فرمود: اين آيه در مورد زکات فطره است که خداوند بر مؤمنان واجب نموده است.

137 / [36] - عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ صَدَقَةِ الْفِطْرِ أَوْ جِبَةِ هِيَ بِمَنْزِلَةِ الزَّكَاةِ؟

فَقَالَ: هِيَ مِمَّا قَالَ اللَّهُ: « أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ » هِيَ وَاجِبَةٌ. (1).

138 / [37] - عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَيْسَ عِنْدَهُ غَيْرُ ابْنِهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ زَكَاةِ الْفِطْرَةِ؟

فَقَالَ: يُودَى الرَّجُلُ عَنْ نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ وَعَنْ رَقِيقِهِ الذَّكَرِ مِنْهُمْ وَالْأُنْثَى وَالصَّغِيرِ مِنْهُمْ وَالْكَبِيرِ، صَاعًا مِنْ تَمْرٍ عَنْ كُلِّ إِنْسَانٍ أَوْ نِصْفَ صَاعٍ مِنْ حِنْطَةٍ، وَ هِيَ الزَّكَاةُ الَّتِي فَرَضَهَا اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مَعَ الصَّلَاةِ عَلَى الْغَنِيِّ وَالْفَقِيرِ مِنْهُمْ، وَ هُمْ جُلُّ النَّاسِ وَأَصْحَابُ الْأَمْوَالِ أَجَلُّ النَّاسِ، قَالَ: قُلْتُ: وَ عَلَى الْفَقِيرِ الَّذِي يُتَصَدَّقُ عَلَيْهِمْ؟

قَالَ: نَعَمْ يُعْطَى مَا يُتَصَدَّقُ بِهِ عَلَيْهِ. (2).

139 / [38] - عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

نَزَلَتْ الزَّكَاةُ وَ لَيْسَ لِلنَّاسِ الْأَمْوَالُ وَ إِنَّمَا كَانَتْ الْفِطْرَةُ. (3).

ص: 174

1- عنه بحار الأنوار: 104/96 ح 7 و وسائل الشيعة: 320/9 ح 12119، و البرهان في تفسير القرآن: 205/1 ح 4.

2- عنه بحار الأنوار: 108/96 ح 12، و وسائل الشيعة: 320/9 ح 12120 قطعة منه و 339 ح 12178 بتمامه، و البرهان في تفسير القرآن: 205/1 ح 5. الكافي: 172/4 ح 11 القطعة الأخيرة منه، و نحوه تهذيب الأحكام: 74/4 ح 16، و الاستبصار: 41/2 ح 10، عنهم وسائل الشيعة: 324/9 ح 12134، و نحوه دعائم الإسلام: 267/1 (ذكر زكاة الفطر)، عنه مستدرک الوسائل: 139/7 ح 7849.

3- عنه بحار الأنوار: 6/96، و 8/104، و البرهان في تفسير القرآن: 206/1 ح 6. الكافي: 171/4 ح 3 مع زيادة في أوله، و نحوه من لا يحضره الفقيه: 180/2 ح 2075، و تهذيب الأحكام: 85/4 ح 3 عنهم وسائل الشيعة: 317/9 ح 12110، و نحوه علل الشرائع: 30/22 ح 1 (باب - 128)، عنه البحار: 106/96 ح 8.

(36)- از ابراهیم بن عبد الحمید روایت کرده است که گفت:

از امام کاظم علیه السلام دربارهٔ صدقه فطره سؤال کردم: آیا همانند زکات پرداخت آن واجب است؟

فرمود: این از موارد فرمایش خداوند (متعال) است: نماز را اقامه نمایید و زکات را بپردازید

(37)- از زراره روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام - هنگامی که غیر از فرزندش جعفر علیه السلام کسی در محضرش نبود - پیرامون زکات فطره سؤال کردم؟

فرمود: مرد از طرف خود و عیال و دیگر افراد خود، مرد باشند یا زن کوچک باشند یا بزرگ یک صاع (سه کیلو) خرما برای هر نفر یا نصف صاع گندم می پردازد و این همان زکاتی است که خداوند آن را همراه نماز بر مؤمنان - خواه فقیر باشند و یا ثروتمند - واجب نموده است که این افراد اکثریت مردم می باشند و صاحبان ثروت اکثریت جامعه خواهند بود.

زراره گوید: اظهار داشتیم: آیا بر فقیری هم که صدقه می گیرد، (پرداخت فطره) واجب است؟

فرمود: بلی از همان چیزی که گرفته است پرداخت می کند

(38)- از هشام بن حکم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: آیه زکات در موقعی نازل شد که مردم مال و اموالی نداشتند؛ و این آیه در رابطه با زکات فطره بود.

140 / [39] - عَنْ سَالِمِ بْنِ مُكْرَمِ الْجَمَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَعْطِ الْفِطْرَةَ قَبْلَ الصَّلَاةِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ (وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ) (1) وَ الَّذِي يَأْخُذُ الْفِطْرَةَ عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَ عَنْ نَفْسِهِ وَ عَنْ عِيَالِهِ وَ إِنْ لَمْ يُعْطِهَا حَتَّى يَنْصَرِفَ مِنْ صَلَاتِهِ فَلَا تَعُدَّ فِطْرَهُ. (2)

141 / [40] - عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ قَوْلُهُ تَعَالَى: (أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ)

قَالَ: فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى حَلْقِهِ قَالَ: كَالذَّابِحِ نَفْسَهُ. (3)

142 / [41] - وَقَالَ الْحَبَّالُ عَنِ ابْنِ إِسْحَاقَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ: (وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ) أَيْ تَتْرُكُونَ. (4)

قوله تعالى: وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ (45) الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (46) يَبْنِي إِسْرَائِيلَ أَذْكَرُوا نِعْمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَلَيْ فَضَلْتُمْ عَلَى الْعَلَمِينَ (47)

ص: 176

1- سورة البقرة: 43/2 .

2- عنه بحار الأنوار: 108/96 ح 13 ، و وسائل الشيعة: 355/9 ح 12223 ، و البرهان في تفسير القرآن: 206/1 ح 7 .

3- عنه بحار الأنوار: 84/100 ح 55 ، و البرهان في تفسير القرآن: 208/1 ح 2 ، و مستدرک الوسائل: 202/12 ح 13883

4- عنه بحار الأنوار: 85/100 ح 55 ، و البرهان في تفسير القرآن: 209/1 ح 3 و مستدرک الوسائل: 202/12 ذيل ح 13883 . تفسير

القمي: 199/1 (سورة الأنعام) مرسلًا، عنه البحار: 204/9 ذيل ح 67 .

(139) - از سالم بن مکرم جمال روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: زکات فطره را پیش از انجام نماز (عید) بپردازد که همان فرمایش خداوند: «نماز را اقامه نمایید و زکات را بپردازید می باشد».

و کسی هم که زکات دریافت می کند بر او لازم است که از طرف خود و خانواده اش (زکات) بپردازد و چنان چه پرداخت نکند تا از نماز فارغ گردد. فطره ای برایش محسوب نمی شود

(120) - از یعقوب بن شعیب روایت کرده است که گفت:

به امام صادق لیه السلام عرضه داشتم: (درباره) فرمایش خداوند: «آیا مردم را دستور به احسان و نیکی می دهید ولی خودتان را فرموده می کنید» (که احسان نمایید)؟ پس حضرت دست خود را بر حلق خود نهاد و فرمود: هم چون کسی خواهد بود که خود را ذبح کرده باشد.

(41) - و حجاج به نقل از ابو اسحاق از شخصی که از او روایت شده (فرمود: (و تَسْوَنَ أَنْفُسَكُمْ) یعنی خود را رها (و از دیگران جدا) می نمایید.

فرمایش خداوند متعال: به وسیله شکیبایی (در امور) و نماز یاری جویند (و با مهار کردن هوس ها از پروردگار نیرو بگیرید) و این برنامه (یاری جستن) برای غیر خشوع کنندن سنگین و سخت است (45) آنان (خاشعین) کسانی هستند که می دانند با پروردگار خود دیدار کننده هستند و (برای حسابرسی اعمال و پاداش) به سوی او باز می گردند (49) ای بنی اسرائیل! نعمت هایی را که به شما ارزانی داشتم به خاطر بیاورید و (توجه داشته باشید که) من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم (47)

ص: 177

143 / [42] - عَنْ مِسْمَعٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا مَسْمَعُ! مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ). (1)

144 / [43] - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ)] قَالَ: الصَّبْرُ هُوَ الصَّوْمُ (2).

145 / [44] - عَنْ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي أَحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) قَالَ:

الصَّبْرُ الصَّوْمُ إِذَا نَزَلَتْ بِالرَّجُلِ الشَّدَّةُ أَوْ النَّازِلَةُ فَلْيَصُمْ قَالَ: اللَّهُ يَقُولُ: (اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ) الصَّبْرُ (3): الصَّوْمُ (4).

ص: 178

1- عنه بحار الأنوار: 342/69، و 348/91 ح 10، و البرهان في تفسير القرآن: 210/1 ح 4، و مستدرک الوسائل: 319/6 ح 6903. مصباح المتهجد: 323 (صلوات الحوائج في يوم الجمعة)، عنه وسائل الشيعة: 134/8 ح 10242، مجمع البيان: 217/1، عنه وسائل الشيعة: 138/8 ح 10251، و البحار: 342/69.

2- عنه بحار الأنوار: 254/96 ح 29، و وسائل الشيعة: 408/10 ح 13718، و البرهان في تفسير القرآن: 210/1 ح 5، و نور الثقلين: 76/1 ح 181 و يأتي الحديث أيضاً في هذه السورة - الحديث 127 -.

3- البرهان في تفسير القرآن: ج 1 ص 94. و زاد بعده: إذا نزلت بالرجل الشدة أو النازلة، فليصم، فإن الله عزّ وجلّ يقول: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ)، و الخاشع الذليل في صلاته المقبل عليها، يعني رسول الله صلى الله عليه وآله و أمير المؤمنين عليه السلام

4- عنه بحار الأنوار: 254/96 ح 30، و البرهان في تفسير القرآن: 210/1 ح 6. الكافي: 63/4 ح 7، الدعوات للراوندي: 26 - 42 بتفاوت يسير فيهما، عنه البحار: 313/9 ضمن ح 17.

(42) - از مسمع روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: ای مسمع! یکی از شما (مؤمنین) را چه می شود که وقتی غم و اندوه دنیایی برایش روی آورد وضو بگیرد و وارد مسجد شود، دو رکعت نماز بخواند و از درگاه خداوند برای بر طرف شدن غم و اندوه خود دعا نماید آیا نشنیده ای که خداوند متعال می فرماید: «به وسیله صبر و نماز درخواست کمک نمایید»

(43) - از عبد الله بن طلحه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال فرمود: (منظور از) «صبر» روزه گرفتن است.

(44) - از سلیمان فراء روایت کرده است که گفت:

امام کاظم علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «به وسیله صبر و نماز درخواست کمک و یاری نمایید» فرمود

«صبر» روزه گرفتن است موقعی که بر مردی مشکل و سختی وارد شود روزه بگیرد هم چنان که خداوند می فرماید «به وسیله صبر و نماز درخواست کمک نمایید» صبر روزه داری است.

ص: 179

146 / [45] - وَعَنْ أَبِي مَعْمَرٍ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ: (الَّذِينَ يُظَنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ) يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُوقِنُونَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ وَ
الظَّنُّ مِنْهُمْ يَبِينُ. (1)

147 / [46] - عَنْ هَازِرُونَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ) قَالَ: هُمْ نَحْنُ خَاصَّةً. (2)

148 / [47] - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ (يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ)

قَالَ: هِيَ خَاصَّةٌ بِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (3)

149 / [48] - عَنْ أَبِي دَاوُدَ عَمَّنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ:

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ إِسْمِي أَحْمَدُ وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ (4) إِسْمِي إِسْرَائِيلُ فَمَا أَمْرُهُ فَقَدْ أَمَرَنِي وَ مَا عَنَاهُ فَقَدْ عَنَانِي (5)

ص: 180

1- عنه بحار الأنوار: 42/7 ح 16، و 193/82، و البرهان في تفسير القرآن: 211/1 ح 10 . التوحيد: 267 ضمن ح 5 (باب - 36 في الرد على الثنوية و الزنادقة) بإسناده عن أبي معمر السعداني أن رجلاً أتى أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، الاحتجاج: 250/1 (احتجاجه عليه السلام على الزنديق) بتفاوت يسير فيهما، عنه و عن التوحيد و العياشي البحار: 193/83 ح 5، و 138/93 ضمن ح 2.

2- عنه بحار الأنوار: 397/24 ح 117، و البرهان في تفسير القرآن: 212/1 ح 1

3- عنه بحار الأنوار: 397/24 ح 118 و البرهان في تفسير القرآن: 212/1 ح 2

4- وقال المجلسي (رحمه الله): لعل المعنى: أن المراد بقوله تعالى: (يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ) في الباطن آل محمد صلى الله عليه وآله؛ لأن إسرائيل معناه: عبد الله و انا ابن عبد الله و أنا عبد الله، لقوله سبحانه: (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ) فكلّ خطاب حسن يتوجه إلى بنى إسرائيل في الظاهر يتوجه إليّ و إلى أهل بيتي في الباطن .

5- عنه بحار الأنوار: 397/24 ح 119 و البرهان في تفسير القرآن: 212/1 ح 3.

(45) - و از ابو مُعَمَّر روایت کرده است که گفت:

امام علی علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «کسانی که گمان می کنند بر این که پروردگارشان را ملاقات می کنند و به سوی او باز می کردند» می فرمود:

آنان یقین دارند که (پس از مرگ) زنده و محشور می شوند و «ظنّ» آنان به معنای یقین است.

(46) - از هارون بن محمد حلبی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند «ای فرزندان اسرائیل!» سؤال کردم؟

فرمود مقصود فقط ما (اهل بیت رسالت) هستیم

(47) - از محمد بن علی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند: «ای فرزندان اسرائیل!»، سؤال کردم؟

فرمود: مقصود فقط آل محمد علیهم السلام هستند.

(48) - از ابو داود به نقل از کسی که از او شنیده روایت کرده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: من بنده خدا هستم، نامم احمد است، من عبد الله هستم نام من اسرائیل می باشد آن چه که به او امر شده، به من نیز امر گردیده و (نیز) هدف او، هدف من می باشد

ص: 181

قوله تعالى: وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ، وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ (51)

150 / [49] - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ لِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً) قَالَ: كَانَ فِي الْعِلْمِ وَ التَّقْدِيرِ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ بَدَأَ لِلَّهِ فَزَادَ عَشْرًا فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ لِلْأَوَّلِ وَالْآخِرِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً. (1)

قوله تعالى: (وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَاكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ وَ سَدِّ نَزِيدِ الْمُحْسِنِينَ (58) فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْرًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (59)

151 / [50] - عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ (وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ) قَالَ: فَقَالَ (2) أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ بَابُ حِطَّتِكُمْ (3)

ص: 182

1- عنه بحار الأنوار: 226/13 ح 27، والبرهان في تفسير القرآن: 218/1 ح 2، وقصص 226/13 الأنبياء عليهم السلام الجزائري:

274 (الفصل السادس في نزول التوراة).

2- في المصدر فقال، وما أثبتاه عن البحار.

3- عنه بحار الأنوار: 122/23 ح 46، والبرهان في تفسير القرآن: 230/1 ح 3.

فرمایش خداوند متعال: و (هم چنین بیاد آورید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم (و او برای گرفتن فرمان های الهی به میعادگاه آمد.) سپس شما گوساله را بعد از او برای خود انتخاب کردید در حالی که شما ستمکار بودید (51)

(49) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و هنگامی که به موسی وعده چهل شب دادیم» فرمود: در علم و مقدرات الهی سی شب بود سپس تصمیم خداوند بر آن شد که ده شب افزایش یابد بنابراین وعده خداوند چهل شب پایان یافت

فرمایش خداوند متعال: و (به خاطر آورید) زمانی را که گفتیم: در این شهر (بیت المقدس) وارد شوید و هر چه می خواهید از نعمت های فراوان آن بخورید و از درب (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد شوید و بگویید: خداوند! گناهان ما را بریز تا خطای های شما را ببخشیم و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد (58) ولی افراد ستمگر این سخن را که به آن ها گفته شده بود تغییر دادند (و به جای آن جمله استهزا آمیزی را مطرح کردند) لذا بر ستمگران در برابر این نافرمانی عذابی از آسمان فرستادیم (59)

(50) - از سلیمان جعفری روایت کرده است که گفت:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که درباره فرمایش خداوند: «و بگویید: حطّه ای هستیم که خطایای شما را می آمرزیم» به نقل از امام باقر علیه السلام فرمود: ما (اهل بیت رسالت) حطّه شما (شیعیان و پیروانمان) هستیم

51/152- عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ: (وَ قُولُوا حِطَّةً) مَغْفِرَةً حُطَّ عَنْهَا، أَيْ إِغْفِرْ لَنَا. (1)

52/153- عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ بِهِذِهِ آيَةٍ (فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ رِجْزًا مِنْ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ). (2)

53/154- عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قال الله تعالى لقوم موسى: (وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ) الآية. (3)

قوله تعالى: (وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَ بَصَدْلِهَا قَالِ أَنْتَسْتَبَدِلُونِ الَّذِي هُوَ أَذْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (61)

ص: 184

1- عنه بحار الأنوار: 266/13 ح 23، و البرهان تفسير القرآن: 2301 ح 4.

2- عنه بحار الأبرار: 222:24 ح 8، و البرهان في تفسير القرآن: 230/1 ح 5. تفسير القمى: 47/1 (حج آدم) مرسلًا القطعة الأدنى منه الكافي: 423/1 ح 58 بإسناده عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام عنه البحار: 121/24 ح و نحوه تأويل الايات الظاهرة: 69.

3- عنه البرهان في تفسير القرآن 230/1 ح 6

51- از ابو اسحاق از کسی که از او نقل کرده روایت کرده است که «وَقُولُوا حِطَّةً» مغفرت و آموزش است و «حِطًّا عَنَّا» یعنی برای ما بیامرز

52- از زید شحام روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: جبرئیل این آیه را این چنین نازل کرد: پس کسانی که به محمد و آل او علیهم السلام ستم کردند سخنان را تبدیل و تغییر دادند به غیر از آن طوری برای ایشان گفته شده بود پس بر کسانی که در حق محمد و آل او علیهم السلام ستم کردند از آسمان عذابی سخت فرستادیم به خاطر آن که فاسق شدند

53- از صفوان جمّال روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال به قوم موسی فرمود:

«با حالت سجده وارد دروازه (شهر بیت المقدس) شوید و بگویید: خداوندا! گناهان ما را بیامرز پس آن هایی که ستم کردند سخنان را تغییر دادند به غیر از آن طوری برای ایشان گفته شده بود»

فرمایش خداوند متعال: و (به خاطر آوردید) زمانی را که گفتید: ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک خوراک اکتفا کنیم از پروردگار خود بخواه از آن چه زمین می رویاند از سبزیجات، خیار، سیر عدس و پیازش برای ما فراهم سازد. موسی گفت: آیا غذای پست تر را به جای غذای بهتر انتخاب می کنید؟! (اکنون که چنین است بگوشید از این بیابانی) در مصر فرود آید زیرا هر چه خواستید در آن جا برای شما هست و (مهر) ذلت و نیاز بر پیشانی آن ها زده شد و باز گرفتار خشم خدایی شدند چرا که آنان نسبت به آیات الهی کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند این افراد به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند. (61)

155/ [54] - (عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ) فَقَالَ: وَاللَّهِ! مَا ضَرَبُوهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَلَا قَتَلُوهُمْ بِأَسْيَافِهِمْ وَلَا كُنَّ سَمِعُوا أَحَادِيثَهُمْ فَأَدَّعَوْهَا فَأَخَذُوا عَلَيْهَا فَقَاتَلُوا فَصَارَ قِتَالًا وَإِعْتِدَاءً وَمَعْصِيَةً.) (1)

قوله تعالى: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (63)

156/[55] - (عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ) أَقُوَّةٌ فِي الْأَبْدَانِ؟، أَمْ قُوَّةٌ فِي الْقُلُوبِ؟

قَالَ: فِيهِمَا جَمِيعًا.) (2)

157/[56] - (عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

قَالَ: (أَذْكُرُوا مَا فِيهِ) وَ أَذْكُرُوا مَا فِي تَرْكِهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ) (3)

ص: 186

1- عنه بحار الأنوار: 74/2 ذيل ح 44 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 231/1 ح 7 و مستدرک الوسائل: 296/12 ح 14128 و 213/18، ح 22535 المحاسن: 256/1 ح 291 (باب - 31 في التقية) بإسناده عن إسحاق بن عمار قال: تلا أبو عبد الله عليه السلام عنه البحار: 74/2 ح 44، ونحوه قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي: 181 ح 219 عنه البحار: 420/75 ح 76. و يأتي الحديث أيضاً في الحديث 132 من سورة «آل عمران» .

2- عنه بحار الأنوار: 226/13 ح 24، و البرهان في تفسير القرآن: 232/1 ح 3. المحاسن: 261/1 ح 319 (باب - 33 في النية) بإسناده عن إسحاق بن عمار و يونس قالوا: سألتنا أبا عبد الله عليه السلام عنه وسائل الشيعة: 52/1 ح 104، و نحوه مشكاة الأنوار: 147 (الفصل العاشر في قول الخير و فعله). و يأتي الحديث أيضاً في الحديث 101 من سورة «الأعراف» .

3- عنه بحار الأنوار: 226/13 ح 25، و البرهان في تفسير القرآن: 233/1 ح 4. مجمع البيان: 262/1، فيه: عن الإمام الصادق عليه السلام، عنه البحار: 267/70.

(54) - از اسحاق بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام این آیه قرآن «و این بدان سبب بود که به آیات خدا کافر شدند و پیامبران را به ناحق کشتند و نافرمانی کردند و تجاوز می ورزیدند» را قرائت نمود و فرمود: به خدا سوگند! پیامبران را با دست کتک نزدند و با شمشیر نکشتند ولی احادیثی را از آنان شنیدند و منتشر کردند پس دشمنان و مخالفان آنان را برای همان احادیث دستگیر کرده و کشتند پس به جهت کار کشتن، دشمنی و معصیت نمودند.

فرمایش خداوند متعال: و (نیز به یاد آورید) زمانی را که از شما عهد و پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم (و به شما گفتیم): آن چه را (از آیات و احکام) به شما داده ایم با قدرت بگیرید و آن چه را که در آن قرار دارد به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید) شاید پرهیزکار شوید (63)

(55) - از اسحاق بن عمّار روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «آن چه را که به شما داده ایم با اطمینان بگیرید» سؤال کردم که مقصود قوت و نیروی جسم است یا نیروی قلب؟

فرمود: مقصود هر دوی آن ها می باشد.

(56) - از عبید الله حلبی روایت کرده است که گفت:

(امام صادق علیه السلام) فرمود: به یاد آورید (و عمل نمایید) آن چه را که در ترک آن عذاب و عقوبت می باشد

ص: 187

158/[57]- (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ بَعْضِ اصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: « خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ » قَالَ: السُّجُودُ وَوَضْعُ الْيَدَيْنِ عَلَى الرُّكْبَتَيْنِ فِي الصَّلَاةِ وَأَنْتَ رَاكِعٌ). (1)

159/[58]- (عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَرَّارٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَتْ الْقِرْدَةُ وَهُمْ الْيَهُودُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا فِي السَّبْتِ فَمَسَحَهُمُ اللَّهُ قُرُودًا). (2)

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيَّنَّ يَدَيَهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ (66) وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (67) قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ (68) قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْئِهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ (69) قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ (70))

ص: 188

-
- 1- عنه بحار الأنوار. 266/13 ح 36 و البرهان في تفسير القرآن 233/1 ح 5 يأتي التحديث أيضاً في سورة «الأعراف» الحديث 102
 - 2- عنه بحار الأنوار 55/14 ح 8، و البرهان في تفسير القراء: 233/1 ح 6 . الكافي 246/6 ضمن ح 14 بإسناده عن محمد بن الحسن الأشعري، عن أبي الحسن الرضا عليه السلام و نحوه تهذيب الأحكام 39/9 ح 166 عنهما وسائل الشيعة 106/24 ح 30095

(57) - از محمد بن ابی حمزه از بعضی اصحاب روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خدای عزّ و جلّ: «آن چه را که به شما داده ایم با اطمینان بگیرید» فرمود: حالت سجود و نهادن دو کف دست بر سر زانو ها در حالت رکوع می باشد.

(58) - از عبد الصمد بن برار روایت کرده است که گفت:

شنیدم که امام کاظم علیه السلام می فرمود: بوزینه و میمون همان یهودیانی بودند که در روز شنبه تعدی و مخالفت کردند پس خداوند آنان را به بوزینه مسخ و تبدیل کرد.

فرمایش خداوند متعال: پس ما این کیفر را درس عبرتی برای مردم آن زمان و نسل های بعد از آن ها و (نیز) پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم (66) و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: خداوند به شما دستور می دهد که گاو ماده ای را ذبح کنید (و قطعه ای از آن را به مقتول بزنید تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند) گفتند: (ای موسی! آیا ما را مسخره می کنی؟ گفت: به خدا پناه می برم از این که من از جاهلان باشم! (67) گفتند: از پروردگار خود بخواه تا برای ما روشن نماید این گاو ماده چگونه باشد؟ گفت: (خداوند) می فرماید: گاو ماده ای که نه پیر، نه از کار افتاده و نه کوچک باشد بلکه میان این دو باشد پس آنچه به شما دستور داده شد انجام دهید (68) گفتند: از پروردگار خود بخواه تا برای ما روشن گرداند که رنگ آن چگونه باشد؟ گفت: می فرماید: گاوی باشد زرد یک دست که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد (69) گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما روشن کند که چگونه گاوی باید باشد؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده است! و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد! (70)

160 / [59] - عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ) قَالَ: [قالا]:

لِمَا مَعَهَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا مِنْ أَهْلِ الْقَرْيَةِ وَلِمَا خَلْفَهَا قَالَ [قالا]: وَنَحْنُ وَ لَنَا فِيهَا مَوْعِظَةٌ. (1)

161 / [60] - عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَتَلَ قَرَابَةَ لَهُ ثُمَّ أَخَذَهُ فَطَرَحَهُ عَلَى طَرِيقِ أَفْضَلِ سَبِطٍ مِنْ أَسَدِ بَاطِ بَنِي إِسْرَائِيلَ ثُمَّ جَاءَ يَطْلُبُ بَدَمِهِ فَقَالُوا لِمُوسَى: إِنَّ سَبِطَ آلِ فُلَانٍ قَتَلَ فُلَانًا فَأَخْبِرْنَا مَنْ قَتَلَهُ؟ فَقَالَ: اثْنُونِي بِبَقَرِهِ (قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُورًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ)

قال: وَ لَوْ عَمَدُوا إِلَى بَقَرِهِ أَجْرَتُهُمْ وَ لَكِنْ شَدَدُوا فَشَدَدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ (قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يَبِينُ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ) وَ لَوْ أَنَّهُمْ عَمَدُوا إِلَى بَقَرَةٍ أَجْرَتُهُمْ وَ لَكِنْ شَدَدُوا فَشَدَدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

(قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يَبِينُ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ) وَ لَوْ أَنَّهُمْ عَمَدُوا إِلَى بَقَرَةٍ لَا أَجْرَتُهُمْ وَ لَكِنْ شَدَدُوا فَشَدَدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

(قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يَبِينُ لَنَا مَا هِيَ إِنْ الْبَقَرُ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ * قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذُلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَ لَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ)

ص: 190

1- عنه بحار الأنوار: 55/14 ح 9، و البرهان في تفسير القرآن : 233/1 ح 7.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام پیرامون فرمایش خداوند: «پس قرار دادیم آن را، عبرت و مجازات سختی برای حاضران و آیندگانشان هم چنین موعظه ای برای پرهیزکاران باشد» فرمودند: بر آن چه ناظران و یا آیندگان، بر آن (مسخ بوزینه) نگاه می اندازند سپس افزودند: شخص برای ما و وجود ما نیز در آن موعظه ای است.

60- و از احمد بن محمد بزندی روایت کرده است که گفت:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: مردی از بنی اسرائیل یکی از خویشان خود را کشت سپس جنازه او را در سر راه بهترین قبیله از قبیله های بنی اسرائیل انداخت آن گاه خود مطالبه خون او را نمود بنی اسرائیل به موسی علیه السلام گفتند: فلان شخص از فلان قبیله، فلانی را کشته است به ما خبر بده که چه کسی او را کشته است؟

فرمود: گاوی را نزد من آورید، «گفتند: ما را مسخره کرده و دست انداخته ای؟ گفت: به خدا پناه می برم که از نادانان باشم»

(امام علیه السلام) فرمود: اگر آنان (به دستور موسی) عمل کرده بودند و هر گاوی را که آورده بودند کفایت می کرد ولی سخت گرفتند و خدا هم بر آنان سخت گرفت؛ زیرا که گفتند: «از پروردگارت بخواه که چه گاوی باشد، موسی گفت: خدا می فرماید: آن گاوی که نه چندان بزرگ و از کار افتاده و نه کوچک باشد میان حال و متوسط باشد.

(امام علیه السلام) فرمود: اگر آنان عمل کرده بودند هر گاوی را که آورده بودند کفایت می کرد ولی سخت گرفتند و خدا هم بر آنان سخت گرفت و باز گفتند: «از پروردگارت بخواه که برای ما توضیح دهد که رنگش چگونه باشد؟ * موسی گفت: خدا می فرماید: آن گاوی است که زرد پر رنگ و خالص و شاد کننده بینندگان باشد».

(امام علیه السلام) نیز فرمود: اگر آنان عمل کرده بودند، هر گاوی را که می آوردند کفایت می کرد ولی سخت گرفتند و خدا هم بر آنان سخت گرفت؛ و به موسی

فَطَلَبُوهَا فَوَجَدُوهَا عِنْدَ فِئْتَى مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ: لَا أُبِيعُهَا إِلَّا بِمِلْءِ مَسْكِيهَا ذَهَبًا فَجَاءُوا إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالُوا قَالَ: اشْتَرُوهَا

قال: فَقَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: إِنَّ هَذِهِ الْبَقْرَةَ لَهَا نَبَأٌ

فَقَالَ: وَمَا هُوَ؟

قَالَ: إِنَّ فِئْتَى مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ بَارًا بِأَبِيهِ وَإِنَّهُ اشْتَرَى بَيْعًا فَجَاءَ إِلَى أَبِيهِ وَالْأَقَالِيدُ تَحْتَ رَأْسِهِ فَكَّرَ أَنْ يُوقِظَهُ فَمَرَّكَ ذَلِكَ فَاسْتَيْقِظَ أَبُوهُ فَأَخْبَرَهُ
فَقَالَ لَهُ: أَحْسَنْتَ خُذْ هَذِهِ الْبَقْرَةَ فَهِيَ لَكَ عِوَضٌ بِمَا فَاتَكَ

قَالَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: انظُرُوا إِلَى الْبَرِّ مَا بَلَغَ بِأَهْلِهِ (1)

162 / [61] - عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ (2)، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَذْبَحُوا بَقْرَةً، وَإِنَّمَا كَانُوا يَحْتَاجُونَ إِلَى ذَنْبِهَا، [فَشَدَّدُوا]، فَشَدَّدَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

(3)

ص: 192

1- عنه مجمع البيان: 273/1، و بحار الأنوار: 262/13 ذيل ح 2 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 137/1 ذيل ح 161 أشار إليه، و مستدرک الوسائل : 213/15 ذيل ح 18033 أشار إليه . تفسير القمّي : 49/1 (قصّة البقرة) ياسناده عن ابن أبي عمير، عن بعض رجالهم، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت عنه البحار: 1259/13 ، و قصص الأنبياء عليهم السلام للجزائري : 283 (الفصل السابع في قصة قارون و ذبح البقرة)، عيون أخبار الرضا عليه السلام: 13/2 ح 31، عنه بحار الأنوار: 262/13 ح 2 و 68/74 ح 41 ، و البرهان في تفسير القرآن : 244/1 ح 2، و مستدرک الوسائل : 211/15 ح 18032

2- في طبع القديم: عن الحسن بن عليّ بن محبوب، عن عليّ بن يقطين، قال: سمعت أبا الحسن عليه السلام .

3- عنه بحار الأنوار: 266/13 ح 6 ، و البرهان في تفسير القرآن : 246/1 ح 4 .

گفتند: «از پروردگارت بخواه که این چگونه گاوی است؟* جریان آن گاو بر ما مشتبه و مشکل شده است همانا که اگر خدا بخواهد ما از هدایت شدگانیم موسی گفت: خدا می فرماید: آن گاوی است که نه رام باشد که زمین شخم زند و نه با آن از چاه آب کشند و زراعت را آب دهند و دارای رنگ خالص یک دست، باشد (در این موقع) گفتند: اکنون حقیقت را برای ما بیان نمودی»

پس جستجو کردند آن گاو را با آن خصوصیات نزد جوانی از بنی اسرائیل یافتند ولی او گفت: آن را نمی فروشم مگر این که پوست آن را پر از طلا کنید، بنی اسرائیل نزد موسی آمده و خبر را گزارش دادند موسی فرمود: باید آن را خریداری کنید

پس بعضی از اصحاب موسی علیه السلام به او گفتند: به درستی که این گاو حکایتی دارد! فرمود: آن حکایت چیست؟

گفتند: جوانی از بنی اسرائیل بسیار بر پدرش نیکوکار بود تا آن که معامله ای را انجام داد و خواست که آن را تحویل (خریدار دهد ولی) کلید (محل آن) زیر سر پدرش قرار داشت (که خوابیده بود) پس دوست نداشت که پدر خود را بیدار کند پس معامله را رها کرد چون پدرش از خواب برخاست و به او جریان را گفت (پدر هم) وی را تحسین کرد و گفت: این گاو را - عوض آن سودی که در آن معامله از دست داده ای - بگیر

امام رضا علیه السلام افزود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به عمل نیک و نیکوکاری بنگرید که اهلش را تا کجا می برد

61- از حسن بن علی بن فضال روایت کرده است که گفت:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا خداوند دستور داد که بنی اسرائیل، گاوی را سر ببرند و آنان فقط دم گاو را نیاز داشتند، پس (با بهانه جویی) سخت گرفتند و خداوند نیز بر آنان سخت گرفت.

163 / [62] - عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ مَسْرُورًا حَتَّى يُبْلِيَهَا، كَمَا قَالَ اللَّهُ (صَفْرَاءَ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ) (1)

164 / [63] - وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يُبْلِيَهَا حَتَّى يَسْتَقِيدَ عِلْمًا أَوْ مَالًا (2)

قوله تعالى: (قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا أَسَافَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ) (71)

165 / [64] - عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ (3)، قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَذْبَحُونَ الْبَقَرَةَ فِي اللَّبَبِ فَمَا تَرَى فِي أَكْلِ لِحُومِهَا؟ قَالَ فَسَدَتْ هُنَيْهَةً ثُمَّ قَالَ: قَالَ اللَّهُ (فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ) لَا تَأْكُلْ إِلَّا مَا ذُبِحَ مِنْ مَذْبُوحِهِ. (4)

ص: 194

1- عنه وسائل الشيعة: 70/5 ح 5940، والبرهان في تفسير القرآن: 246/1 ح 5. الكافي: 466/6 ح 5 بإسناده عن أبي البختری، عن أبي عبد الله عليه السلام، وح 6 بإسناده عن جابر الجعفي، عن أبي جعفر عليه السلام بتفاوت يسير فيهما، عنه وسائل الشيعة: 69/5 ح 5936، وح 5937، والبحار 261/13، مجمع البيان: 274/18 عنه وسائل الشيعة: 70/5 ح 5939، و مكارم الأخلاق 124 (في خلع النعال والخفاف إذا جلس).

2- عنه وسائل الشيعة: 70/5 ح 5940، والبرهان في تفسير القرآن: 246/1 ح 5 عيون أخبار الرضا عليه السلام: 13/2 ح 31 مجمع البيان: 273/1

3- وفي البرهان في تفسير القرآن: يونس بن عبد الرحمن، بدل يونس بن يعقوب.

4- عنه بحار الأنوار: 323/65 ح 27 وسائل الشيعة: 15/24 ح 529865 أشار إليه، والبرهان في تفسير القرآن: 246/1 ح 6 مجمع البيان: 132/2، عنه وسائل الشيعة: 14/24 ح 529865

(62) - از فضل بن شاذان به نقل از بعضی اصحاب ما، به طور مرفوعه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که نعلین زردی بپوشد، همیشه خوشحال است تا آن نعلین را کهنه کند هم چنان که خداوند فرمود: «رنگ آن زرد بسیار روشن است که بینندگان از دیدن آن شادمان شوند».

(63) - و حضرت فرمود: کسی که نعلین زردی بپوشد آن را کهنه نمی کند تا آن که از مال و یا از علم و دانشی استفاده نماید.

فرمایش خداوند متعال: (موسی) گفت: خداوند می فرماید: گاوی باشد که نه برای شخم زدن رام شده و نه برای زراعت آبکشی کند و از هر عیبی بر کنار باشد و حتی هیچ گونه رنگ دیگری در آن نباشد، گفتند: اکنون حق مطلب را آوردی! سپس (چنان گاوی را پیدا کردند و) آن را سر بریدند ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند (71)

(64) - از یونس بن یعقوب روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام گفتم: اهل مکه گاوها را از گودی زیر گلو ذبح می کنند، در مورد خوردن گوشت آن ها چه می فرمائی؟

حضرت اندکی سکوت نمود و سپس فرمود: خدا فرموده است: «آن را سر بریدند و نزدیک بود که انجام ندهند» از آن نخور مگر آن که از محلّ ذبح آن، سر بریده شده باشد.

قوله تعالى : (فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ، ثُمَّ قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ) (79)

166 / [65] - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ [مُسْلِمٍ]، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ:

قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: خَرَجَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ مِنْ عِنْدِ عُثْمَانَ فَلَقِيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَ لَمَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ! بَيَّنَّا اللَّيْلَةَ فِي أَمْرٍ نَرْجُو أَنْ يُبَيَّنَّ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَنْ يَخْفَى عَلَيَّ مَا بَيْنَكُمْ فِيهِ حَرَفْتُمْ وَغَيَّرْتُمْ وَبَدَلْتُمْ تَسَعِ مَائِهِ حَرْفٍ، ثَلَاثُمَائِهِ حَرَفْتُمْ وَثَلَاثُمَائِهِ غَيَّرْتُمْ وَثَلَاثُمَائِهِ بَدَلْتُمْ (فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ - إِلَى آخِرِ الْآيَةِ - مِمَّا يَكْسِبُونَ) . (1)

167 / [66] - عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) قَالَ: قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تَجِبُونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَفَحِّشَ، السَّائِلَ الْمُلْحِفَ، وَيُحِبُّ الْحَيَّ الْحَلِيمَ الضَّعِيفَ الْمُتَعَفِّفَ (2)

ص: 196

1- عنه بحار الأنوار: 126/30 ح 38 و 55/92 ح 26، و البرهان في تفسير القرآن: 260/1 ح 2.

2- عنه بحار الأنوار: 309/71 قطعة منه، و 161/74 ح 19، و البرهان في تفسير القرآن: 265/1 ح 8، و مستدرک الوسائل: 82/12 ح 13573 بحذف الذيل، و نحوه 387 ح 14367. الكافي: 165/2 ح 10 بإسناده عن جابر بن يزيد عن أبي جعفر عليه السلام - إلى قوله: أن يقال فيكم - عنه وسائل الشيعة: 341/16 ح 21711، و البحار: 341/74 ح 125، الأمالي للصدوق: 254 ح 4 (المجلس الرابع و الأربعون)، تحف العقول: 300، عنه البحار: 181/78، روضة الواعظين: 370/2 (مجلس في ذكر الحث على اصطناع المعروف)، مشكاة الأنوار: 189 (الفصل الثاني في آداب المعاشرة)، مجموعة ورام: 197/2 نحو الكافي.

فرمایش خداوند متعال گفت: پس وای بر آن افرادی که نوشته ای را با دست خود می نویسند سپس می گویند این از طرف خداوند می باشد تا آن را به بهای ناچیزی بفروشند پس وای بر آن ها از آن چه با دست خود نوشتند و وای بر آن ها از آن چه از این راه به دست می آورند! (79)

(65) - از محمد بن سالم (مسلم) از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: عبد الله بن عمرو بن عاص از نزد عثمان بیرون آمد و در بین راه علی علیه السلام را ملاقات نمود به حضرت عرض کرد: ای علی! امشب را در جریان و برنامه ای سپری کردیم که امید است خداوند این امت را پایدار بدارد

امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: برنامه شما از من مخفی و پنهان نمی باشد، شما (حقایق و واقعیات را) تحریف و دگرگون کردید و نه صد حرف را تبدیل نموده سی صد حرف آن ها را، تحریف سی صد حرف را تغییر و سی صد حرف را تبدیل کردید «عذاب ویل برای کسانی است که کتابی را با دست خود (و از پیش خود) می نویسند و می گویند این نوشته (و مطالب) از طرف خداست ... و (این عذاب به خاطر) آن چه است که کسب می کنند و به دست می آورند».

(66) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «با مردم سخن نیکو بگویید»، فرمود: به مردم بهترین سخنی را بگویید که دوست دارید درباره شما بگویند زیرا خداوند افراد فحش دهنده بد زبان طعنه زن و زخم زبان زننده به مؤمنین را مبغوض و دشمن می دارد آن که فحش دهد و هرزگی کند، پُر توقع و پُر حرف است ولی (خداوند) افراد شرمگین، بردبار، عفیف و آبرومند را دوست دارد.

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَطْعِمُ رَجُلًا سَائِلًا لَا أَعْرِفُهُ مُسْلِمًا؟

قَالَ: نَعَمْ أَطْعِمُهُ مَا لَمْ تَعْرِفْهُ بِوَلَايَتِهِ وَلَا بِعِدَاوَةِ، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا). وَلَا تَطْعِمُ مَنْ يَنْصِبُ لِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ، أَوْ دَعَا إِلَى شَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ . (1)

169/[68] - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: ائْتُوا اللَّهَ وَلَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْثَابِكُمْ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) قَالَ: وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَ اِشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَصَلُّوا مَعَهُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ حَتَّى النَّفْسِ (2) وَحَتَّى يَكُونَ الْمُبَايَنَةُ . (3)

170/[69] - عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِخَمْسَةِ أَسْيَافٍ فَسَيَّفُ عَلَى أَهْلِ الذَّمِّ قَالَ اللَّهُ: (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) نَزَلَتْ فِي أَهْلِ الذَّمِّ ثُمَّ نَسَخْتَهَا أُخْرَى قَوْلُهُ (قَاتِلُوا

ص: 198

1- عنه بحار الأنوار: 31371 ح 15، إلى آخر الآية، و 367/74 ح 53، و البرهان في تفسير القرآن: 265/12 ح 9، و نور الثقلين: 94/1 ح 262 - إلى قوله تعالى: للناس حسناً، - و مستدرک الوسائل: 198/7 ح 8022، و 238/16 ح 19719 قطعة منه الكافي: 13/42 ح 1 بإسناده عن سدير الصيرفي قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، و نحوه تهذيب الأحكام: 107/4 ح 40 عنهما وسائل الشيعة: 414/9 ح 12363، و البحار: 370/74، المقنعة للمفيد: 263 (باب - 28 من الزيادات في الزكاة).

2- في البحار حتى ينقطع النفس

3- عنه بحار الأنوار: 313/71 ح 16 إلى آخر الآية، و 161/74 ح 20، و البرهان في تفسير القرآن: 265/1 ح 10، و نور الثقلين: 94/1 ح 263 إلى قوله تعالى: للناس حسناً، 94/1 ح، و مستدرک الوسائل: 457/6 ح 7228 و 509 ح 7386 و 314/8 ح 9532 بحذف الذيل. المحاسن: 18/1 ح 51 (باب - 11 في وصايا أهل بيته عليه السلام) بتفصيل، عنه وسائل الشيعة: 301/8 ح 10724، و البحار: 159/74 ح 14 و 419/75 ح 75 و 73/88 ح 24 صفات الشيعة: 27 ح 38 نحو المحاسن، مستطرفات السرائر: 599 عنه وسائل الشيعة: 7/12 ح 15500 .

67 - از حریر از بریر روایت کرده، است که گفت:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: چه بسا درخواست کننده (فقیری) را که نمی شناسم مسلمان است یا نه طعام دهم؟

فرمود: بلی، کسی را که نمی شناسی معتقد به ولایت اهل حق (اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام) هست یا نیست عطایش کن زیرا خداوند می فرماید: «با مردم سخن نیکو بگویند» ولی کسی که ناصبی و دشمن سرسخت جزئی از حق هم که باشد و یا دعوت به باطل کند عطایش نکن

68 - از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از (عذاب) خدا بترسید و مردم را بر خود وا ندارید که همانا خدا در کتابش فرموده است: «با مردم سخن نیکو بگویند» از بیمار های آنان عیادت کنید در تشییع جنازه هایشان حاضر شوید و همراه آنان در مساجدشان نماز بخوانید تا نفس بند آید و آن چه میان شما و آنان است جدا و مشخص گردد

69 - از حفص بن غیاث روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با پنج شمشیر مبعوث نمود که یکی از آن ها بر علیه اهل ذمه می باشد زیرا که خداوند فرمود: «با مردم سخن نیکو بگویند» و درباره اهل ذمه نازل گردید که پس از مدتی به واسطه آیه: «با آن گروه از اهل کتاب که ایمان به خدا نمی آورند، جنگ نمایید» نسخ و حکم آن لغو گردید.

ص: 199

قوله تعالى: وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهََ وَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ (83) وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَضْتُمْ وَأَنْتُمْ تَسْهَدُونَ (84) ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تَقَادُّوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجَهُمْ أَفْتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (85)

171 / [70] - عَنْ أَبِي عَمْرٍو الزُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْكُفْرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَى خَمْسَةٍ أَوْجُهُ فَمِنْهَا كُفْرُ الْبِرَانَةِ [وَهُوَ عَلَى قِسْمَيْنِ]: كُفْرُ النَّعْمِ وَالْكُفْرُ بِتَرْكِ أَمْرِ اللَّهِ فَالْكُفْرُ بِمَا نَقُولُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ (3) فَهُوَ كُفْرُ الْمَعَاصِي وَتَرْكُ مَا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ

ص: 200

1- سورة التوبة : 29/9

2- عنه بحار الأنوار: 67/100 ح 14، و البرهان في تفسير القرآن : 265/1 ح 11 . يأتي الحديث بتفصيل في سورة «البراءة» حديث 42 .

3- في العبارة تشويش ، يحتمل فيها السقط

فرمایش خداوند متعال و (به یاد آورید آن) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر مادر نزدیکان یتیمان و بینوایان نیکی کنید و با مردم گفتار نیک داشته و نماز را برپا دارید و زکات بدهید سپس همه شما - جز افراد اندکی - سرپیچی کردید و از آن روی گردان شدید (83) و (نیز) هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم دیگر را نریزید و یک دیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید پس شما اقرار کردید (و بر این پیمان) گواه بودید (84) اما این شما هستید که یک دیگر را می کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید و در این گناه و تجاوز، به یک دیگر کمک می نمایید در حالی که اگر بعضی از آن ها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیة می دهید و آنان را آزاد می سازید! با این که بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می آورید و به بعضی کافر

می شوید؟ برای هر کسی از شما که این عمل را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان چیزی نخواهد بود و روز قیامت به شدیدترین عذاب ها گرفتار می شوند و خداوند از آن چه انجام می دهید غافل نیست (85)

(70) - از ابو عمر و زبیری روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: کفر در کتاب خداوند بر پنج حالت می باشد، بعضی از آن کفر بیزاری و برائت است که بر دو قسم خواهد بود و کفران نعمت ها نیز بر دو قسم می باشد کفر و ترک دستورات خداوند و کفر آن چه به خدا نسبت داده می شود

دِمَاءِكُمْ - إِلَى قَوْلِهِ (تعالى): أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ) فَكُفِّرُهُمْ بِتَرْكِهِمْ مَا أَمَرَ اللَّهُ وَنَسَّ بِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ وَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُمْ وَ لَمْ يَنْفَعَهُمْ عِنْدَهُ، فَقَالَ: (فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ - إِلَى قَوْلِهِ: - وَ مَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ عَمَّا تَعْمَلُونَ). (1)

قوله تعالى: (وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ (87)

[71]/172 - عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَمَّا قَوْلُهُ (أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ) الْآيَةَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، ذَلِكَ مَثَلُ مُوسَى وَ الرُّسُلِ مِنْ بَعْدِهِ وَ عِيسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ صُزِبَ مَثَلًا لِأُمِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، فَقَالَ اللَّهُ لَهُمْ. فَإِنْ جَاءَكُمْ مُحَمَّدٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ بِمُؤَالَاهِ عَلَيَّ اسْتَكْبَرْتُمْ وَ فَرِيقًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ كَذَّبْتُمْ، وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ فَذَلِكَ تَفْسِيرُهَا فِي الْبَاطِنِ. (2)

ص: 202

1- عنه بحار الأنوار: 52/71 ح 78 ، و البرهان في تفسير القرآن: 270/1 ح 2 الكافي: 389/22 ح 1 بتفصيل عنه وسائل الشيعة: 32/1 ح 48 ، و البحار: 308/8 ح 73 ، و أيضاً البحار: 100/2 ح 30 و مستدرک الوسائل: 76/1 ح 18 كلاهما عن تفسير النعماني، في كتاب فضل القرآن عن أمير المؤمنين عليه السلام بتفاوت يسير . - و تأتي قطعة منه في الحديث 124 في هذه السورة

2- عنه بحار الأنوار: 307/24 ح 8 ، و البرهان في تفسير القرآن: 272/1 ح 3 و نور الثقلين: 99/1 ح 275. الكافي: 418/12 ح 31 بتفاوت يسير عنه البحار: 374/23 ح 54 ، و البحار: 307/24 ح 7 المناقب لابن شهر آشوب: 206/3 (فصل في بغضه عليه السلام) ، عنه البحار: 262/39 ذيل ح 35

همان کفر معصیت و گناه و ترک کردن دستورات او خواهد بود «و آن هنگام را که از شما پیمان گرفتیم که خونریزی نکنید - تا جایی که فرمود - آیا به بعضی از کتاب ایمان می آورید و بعضی دیگر را انکار می کنید؟» که خداوند آنان را به خاطر ترک دستورات و نسبتشان به ایمان تکفیرشان نموده و کردارشان را نپذیرفته که (اعمالشان) سودی هم برایشان نخواهد داشت سپس فرمود: «پاداش کسی که چنین کند در دنیا جز خواری نیست تا جایی که فرموده: - و خدا از آن چه می کنید غافل نیست» جزای کسانی که آن چنان انجام می دهند چیزی جز خواری و ذلت نخواهد بود.

فرمایش خداوند متعال: و به تحقیق ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و بعد از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم و به عیسی بن مریم دلایل روشنی را دادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید نمودیم، آیا چنین نیست که هر زمان پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد در برابر او تکبر کردید (و ایمان نیاوردید) پس عده ای را تکذیب کرده و جمعی را به قتل رساندید؟! (87)

(71) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: اما فرمایش خداوند: «آیا چنین نیست که پیامبری برایتان آمده، برنامه ای بر خلاف هوای نفس شما آورده است»؛ همانند موسی و پیامبران بعد از او و عیسی - درود خدا بر او و بر دیگر پیامبران باد - مثلی است برای امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، که خداوند به ایشان فرموده است: اگر محمد نکات و دستوراتی - همانند موالات علی علیه السلام - را آورد که هوای نفس شما پذیرای آن نباشد تکبر نموده و عده ای از آل محمد علیهم السلام را تکذیب نمودید و بعضی را هم می کشید و به شهادت می رسانید این تفسیر باطن و درون آیه شریفه بود.

قوله تعالى : (وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ) (89)

173 / [72] - عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ : (وَ كَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا) ، فَقَالَ :

كَانَتْ الْيَهُودُ تَجِدُ فِي كُتُبِهَا أَنَّ مُهَاجِرَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّوَّةُ وَالسَّلَامُ مَا بَيْنَ عَيْرٍ (1) وَ أَحَدٍ فَخَرَجُوا يَطْلُبُونَ الْمَوْضِعَ ، فَمَرُّوا بِجَبَلٍ يُسَمَّى حَدَادًا فَقَالُوا ، حَدَادٌ وَ أَحَدٌ سِوَاءَ فَتَفَرَّقُوا عِنْدَهُ .

فَنَزَلَ بَعْضُهُمْ بِفَدَكٍ وَ بَعْضُهُمْ بِخَيْبَرَ وَ بَعْضُهُمْ بِتَيْمَاءَ (2) ، فَاشْتَقَى الَّذِينَ بِتَيْمَاءَ إِلَى بَعْضِ إِخْوَانِهِمْ فَمَرَّ بِهِمْ أَعْرَابِيٌّ مِنْ قَيْسٍ ... فَتَكَارَرُوا مِنْهُ وَ قَالَ لَهُمْ : أَمْرٌ بِكُمْ مَا بَيْنَ عَيْرٍ وَ أَحَدٍ فَقَالُوا لَهُ : إِذَا مَرَرْتَ بِهِمَا فَادْنُ بِهِمَا ،

فَلَمَّا تَوَسَّطَ بِهِمْ أَرْضَ الْمَدِينَةِ قَالَ لَهُمْ : ذَلِكَ عَيْرٌ وَ هَذَا أَحَدٌ ،

فَنَزَلُوا عَنْ ظَهْرِ إِبِلِهِ . فَقَالُوا لَهُ : قَدْ أَصَبْنَا بُغْيَتَنَا (3) فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي إِبِلِكَ ، فَذَهَبَ حَيْثُ شِئْتَ وَ كَتَبُوا إِلَى إِخْوَانِهِمْ الَّذِينَ بِفَدَكٍ وَ خَيْبَرَ : أَنَا قَدْ أَصَبْنَا الْمَوْضِعَ فَهَلُمُّوا إِلَيْنَا فَكُتِبُوا إِلَيْهِمْ : أَنَا قَدْ اسْتَقَرَّتْ بِنَا الدَّارُ وَ اتَّخَذْنَا

ص : 204

1- العَيْرُ : الْجَبَلُ ، وَ قَدْ غَلَبَ عَلَى جَبَلِ الْمَدِينَةِ ، وَ عَيْرٌ جَبَلَانُ بِالْمَدِينَةِ . انظر لسان العرب : 620/4 ، وَ مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ : 418/3 (عير) .
وَ قِيلَ : إِنْ بِالْمَدِينَةِ جَبَلَيْنِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا : عَيْرٌ : الْوَارِدُ وَ الْآخِرُ غَيْرُ الْوَارِدِ .

2- تَيْمَاءُ : اسْمُ أَرْضٍ عَلَى عَشْرِ مَرَاحِلٍ مِنْ مَدِينَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ شَامِيًّا ، وَ عَلَى خَمْسِ مَرَاحِلٍ مِنْ خَيْبَرَ شَامِيًّا . مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ : 24/6 (تيم) .

3- الْبَغِيَّةُ - بَضْمُ الْمَوْحِدَةِ - الْحَاجَةُ نَفْسَهَا مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ : 53/1 (بغو - بغا) .

فرمایش خداوند متعال: و بعد از آن که از طرف خداوند کتابی برای آن ها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند و پیش از این به خود نوید پیروزی بر کافران را می دادند (که به وسیله آن بر دشمنان پیروز خواهند شد) با این حال هنگامی که این کتاب و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آن ها آمد به او کافر شدند پس لعنت خدا بر کافران باد! (89)

(72) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند « (مشرکان اهل کتاب) از قبل پیش بینی می کردند که بر کافران پیروز می شوند ولی هنگامی که چیزی برایشان وارد شد که نسبت به آن معرفت داشتند، به آن کافر شدند و ایمان نیاوردند» فرمود:

یهودیان در کتاب های خود یافته بودند که هجرت گاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله میان کوه «عیر» (در مدینه) و کوه «أحد» (در حجاز) است، به همین جهت در جستجوی آن حضرت از دیار خود خارج شده و به آن جا رفتند تا این که به کوهی - به نام «حداد» - برخورد کردند و با خود گفتند: «حداد» و «أحد» یکی است و در اطراف آن کوه توقف کرده و پراکنده شدند پس برخی از ایشان در «تیماء» (صحرای بین وادی القری و شام) و برخی دیگر در «فدک» و برخی هم در «خیبر» منزل گرفتند.

آن هایی که در «تیماء» بودند اشتیاق دیدار بعضی از برادران خود را پیدا کردند پس مردی بیابان نشین از قبیله قیس به آن ها برخورد کرد و (برای دیدن برادران خود) از او شتر کرایه کردند و آن مرد قیسی گفت: من شما را از میان دو کوه «عیر» و «أحد» عبور می دهم آن ها گفتند: هر زمان که به آن دو کوه رسیدی ما را خبر کن هنگامی که به وسط سرزمین مدینه رسید به آن ها گفت: این کوه «عیر» است و آن دیگری کوه «أحد» می باشد یهودیان از شتر ها پیاده شدند و گفتند: ما به خواسته خود رسیدیم و دیگر نیازی به شتر های تو نداریم و توبه هر کجا که می خواهی برو.

سپس نامه ای به برادران خود که در «فدک» و «خیبر» بودند نوشتند: ما آن

الْأَمْوَالَ وَمَا أَقْرَبْنَا مِنْكُمْ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَمَا أَسْرَعْنَا إِلَيْكُمْ فَاتَّخَذُوا بِأَرْضِ الْمَدِينَةِ الْأَمْوَالَ

فَلَمَّا كَثُرَتْ أَمْوَالُهُمْ بَلَغَ تَبِعَ (1) فَغَزَاهُمْ فَتَحَصَّنُوا مِنْهُ فَحَاصَرَهُمْ، فَكَانُوا يَرْقُونَ لِضِعْفَاءِ أَصْحَابِ تَبِعَ، فَيُلْقُونَ إِلَيْهِمُ بِاللَّيْلِ التَّمْرَ وَالشَّعِيرَ.

فَبَلَغَ ذَلِكَ تَبِعَ فَرَقَّ لَهُمْ وَآمَنَهُمْ فَنَزَلُوا إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُمْ: إِنِّي قَدْ اسْتَطَبْتُ بِلَادَكُمْ وَلَا أَرَى إِلَّا مُقِيمًا فِيكُمْ،

فَقَالُوا لَهُ: إِنَّهُ لَيْسَ ذَلِكَ لَكَ إِنَّهَا مُهَاجِرٌ نَبِيٌّ وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ حَتَّى يَكُونَ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُمْ: فَإِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ مِنْ أَسْرَتِي مَنْ إِذَا كَانَ ذَلِكَ سَاعَدَهُ وَنَصَرَهُ،

فَخَلَفَ فِيهِمْ حَيِّينَ الْأَوْسَ وَالْخَزْرَجَ فَلَمَّا كَثُرُوا بِهَا كَانُوا يَتَنَاولُونَ أَمْوَالَ الْيَهُودِ، فَكَانَتِ الْيَهُودُ تَقُولُ لَهُمْ: أَمَا لَوْ بُعِثَ مُحَمَّدٌ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ دِيَارِنَا وَأَمْوَالِنَا،

فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ آمَنَتْ بِهِ الْأَنْصَارُ وَكَفَرَتْ بِهِ الْيَهُودُ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَكَانُوا مِنْ قَبْلِ يَسَّ تَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا - إِلَى قَوْلِهِ: - فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ). (2)

ص: 206

1- تبع كسكّر من ملوك حمير سمّي تبعاً لكثرة أتباعه وقال الطريحي: هو ذو القرنين الذي قال الله فيه: (أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تَبِعَ).

2- عنه مجمع البيان: 310/1، و بحار الأنوار: 225/15 ح 49، و البرهان في تفسير القرآن: 278/1 ذيل ح 2 أشار إليه. الكافي: 308/8 ح 481 بتفاوت يسير عنه البحار: 225/15 ذيل ح 49 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 277/1 ح 2.

محلی را که می خواستیم پیدا کردیم شما هم نزد ما بیایید

در پاسخ نوشتند: ما در این جا خانه ساخته ایم و اموالی به دست آورده ایم و فاصله ما با شما نزدیک است هرگاه جریان هجرت محمد پیش آمد شتابان نزد شما خواهیم آمد و این گروه در شهر مدینه اموالی را به دست آوردند و چون دارائی آن ها زیاد شد «تُبَّع» (پادشاه «یمن» در آن زمان) از وضع آن ها آگاه گشت و به جنگ ایشان آمد آن ها از روی ناچاری به قلعه های خود پناهنده و در محاصره مهاجمان قرار گرفتند؛ و چنان بودند که برای ضعیفان و ناتوانان از همراهان «تُبَّع» دل سوزی می کردند و چون شب فرا می رسید برای آن ها از بالای قلعه ها خرما و (نان) جو پائین می ریختند

این جریان به گوش «تُبَّع» رسید و دلش به حال آنان سوخت و ایشان را امان داد یهود از قلعه ها نزد او آمدند سپس «تُبَّع» به ایشان گفت: من از شهر شما خوشم آمده و تصمیم گرفته ام در میان شما بمانم یهودیان به او گفتند: تو نمی توانی چنین کاری را بکنی چون این جا هجرت گاه پیغمبر است و هیچ کس پیش از او نمی تواند این کار را بکند تا موقعی که جریان واقع شود. «تُبَّع» گفت: پس من از خاندان خود کسانی را در میان شما بر جای می گذارم که چون آن پیغمبر بیاید او را یاری و کمک دهند. پس دو طایفه «اوس» و «خزرج» را جایگزین خود کرد و چون افراد این دو طایفه در آن جا زیاد شدند بر اموال یهودیان دست انداخته و به تصرف خود در می آوردند یهودیان به آن ها می گفتند: تَوَّجِه داشته باشید که چون محمد مبعوث گردد شما را از شهر های خود بیرون می نمایم و دست شما را از اموال خود کوتاه می گردانیم. موقعی که خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث نمود، انصار به او ایمان آوردند و یهودیان کافر شدند؛ و این است (معنای) فرمایش خداوند:

« (مشرکان اهل کتاب) از قبل پیش بینی می کردند که بر کافران پیروز می شوند ولی هنگامی که چیزی بر ایشان وارد شد که نسبت به آن معرفت داشتند، به آن کافر شده و ایمان نیاوردند پس لعنت خدا بر کافران باد»

قوله تعالى : (بِسْمِ مَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (90) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَ يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (91)

174 / [7] - عَنْ جَابِرٍ، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ آيَةٍ، مِنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ)؟

قَالَ: (تَفْسِيرُهَا فِي الْبَاطِنِ: لَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَفَرُوا بِهِ، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: [فِيهِمْ: (فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ)]: «يَعْنِي بَنِي أُمِّيَّةَ، هُمْ الْكَافِرُونَ فِي بَاطِنِ الْقُرْآنِ».

وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَكَذَا: (بِسْمِ مَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ - فِي عَلِيٍّ - بَغْيًا).

قَالَ اللَّهُ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ) يَعْنِي عَلِيًّا، قَالَ اللَّهُ: (فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ) يَعْنِي بَنِي أُمِّيَّةَ (وَالْكَافِرِينَ) يَعْنِي بَنِي أُمِّيَّةَ (عَذَابٌ مُهِينٌ). (1)

ص: 208

1- عنه بحار الأنوار: 98/36 ح 38، والبرهان في تفسير القرآن: 279/1 ح 4 القطعة الأولى 279/1 منه ونور الثقلين: 101/18 ح 281 و 282. تفسير فرات الكوفي: 60 ح 60 بتفاوت يسير عنه البحار: 129/36 ح 78.

فرمایش خداوند متعال: ولی آن ها در مقابل بهای بدی (ارزش) خود را فروختند و به ناروا به آیاتی که خداوند فرستاده بود کافر گشتند و اعتراض داشتند که چرا خداوند به فضل خویش بر هر شخصی از بندگان خود را نازل می کند؟ از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند و برای کافران عذایی خوار کننده است (90) و اگر به آن ها گفته شود: به آن چه خداوند نازل نموده است ایمان آوریدگویند: به آن چه بر ما نازل گشته ایمان می آریم و به ماورای آن کفر می ورزند. و حال آن که (این قرآن) تصدیق کننده همان چیزهایی است که با آن ها می باشد نگو: پس چرا پیامبران خدا را می کشتید اگر ایمان دارید؟! (91)

173 - از جابر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره این آیه از فرمایش خداوند: «و چون برای ایشان از جانب خدا چیزی (کتابی) آمد آن را شناختند، به آن ایمان نیاوردند»، سؤال کردم؟

فرمود: تفسیر آن در معنا و باطن چنین است: چون بر ایشان مطالبی پیرامون علی علیه السلام ما وارد شد نسبت به آن کفر ورزیدند و خداوند فرمود: «پس لعنت خدا بر کافران باد» که مقصود از کافران - در باطن قرآن - ، بنی امیه هستند.

امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه چنین بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است: «بد معامله ای با خودشان کردند، آن گاه که از روی حسادت و ستم، به آن چه از جانب خدا - درباره علی - نازل گردید، کافر شدند» و خداوند در (شأن و منزلت) علی علیه السلام، فرمود «و از این که خدا فضل و کرم خویش را به هر کس از بندگان خود بخواهد نازل می نماید (حسد بردند)» که مقصود علی علیه السلام می باشد؛ (هم چنین) فرمود: «پس قرین خشمی افزون بر خشم دیگر قرار گرفتند» که مقصود بنی امیه هستند «و برای کافران» هم چنین منظور بنی امیه است. «عذابی خوارکننده خواهد بود»

ص: 209

نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَكَذَا وَاللَّهِ - (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ - مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ فِي عَلِيٍّ -) يَعْنِي بَنِي أُمَّيَّةَ، (قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا) يَعْنِي فِي قُلُوبِهِمْ، بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ (وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ) بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي عَلِيٍّ (وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ) يَعْنِي عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ. (1)

176/ [75] - عَنِ ابْنِ أَبِي عَمْرٍو الزُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ - يَحْكِي قَوْلَ الْيَهُودِ - ، (إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِينَا بِقُرْبَانٍ) (2) آيَةٌ فَقَالَ «فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) وَإِنَّمَا نَزَلَ هَذَا فِي قَوْمٍ [مِنَ] الْيَهُودِ وَكَانُوا عَلَى عَهْدِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَقْتُلُوا الْأَنْبِيَاءَ بِأَيْدِيهِمْ، وَ لَأَكُنُوا فِي زَمَانِهِمْ، وَإِنَّمَا قُتِلَ أَوْلَادُهُمُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ، فَجَعَلَهُمُ اللَّهُ مِنْهُمْ وَأَصَافَ إِلَيْهِمْ فِعْلَ أَوْلَادِهِمْ بِمَا تَبِعُوهُمْ وَ تَوَلَّوْهُمْ. (3)

ص: 210

1- عنه بحار الأنوار: 98/36 ذيل ح 38 و البرهان في تفسير القرآن: 282/1 ح 2، و نور الثقلين: 102/1 ح 283 دعائم الإسلام: 29/1

(ذكر إيجاب الصلاة على محمد و على آل محمد عليهم السلام) بتفصيل.

2- سورة آل عمران: 183/3 .

3- عنه بحار الأنوار: 95/100 ح 5، و البرهان في تفسير القرآن: 282/1 ح 3 و نور الثقلين: 102/1 ح 284.

(74) - و از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه شریفه این چنین بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است: «و هنگامی که به آن ها گفته می شود: - پروردگار شما درباره علی چه چیزی نازل نموده؟ -» که منظور بنی امیه می باشند، «گفتند: ایمان می آوریم بر آن چه که بر ما نازل شده» یعنی در دل هایشان (ایمان بیاورند)، به آن چه که خداوند نازل نموده «ولی نسبت به ما و رای آن کفر می ورزند» یعنی به آن چه که خداوند در شأن و منزلت علی نازل کرده است «و حال آن که او بر حق و تصدیق کننده است آن چه را که آن ها (از کتاب های آسمانی مانند تورات و انجیل) همراه دارند» یعنی، علی علیه السلام

(75) - از ابو عمرو زُبیری روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در کتاب خود به نقل از قول یهودیان حکایت فرماید: «همانا خداوند با ما عهد و پیمان بسته است که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم مگر آن که یک نوع قربانی بیاوریم.»

و (خداوند در جواب) فرمود: «پس اگر ایمان آورده اید، چرا پیامبران الهی را می کشتید؟!» این آیه درباره گروهی از یهود نازل شد چون که یهودیان زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله شخصاً در کشتار پیامبران دخالت و مشارکتی نداشتند و در زمان گذشته هم با کشتندگان نبودند، بلکه پیشینیان آن ها پیامبران را کشته بودند پس این آیه درباره پیشینیان آن ها نازل شده است و خداوند آن ها را شریک آن کشتندگان قرار داده چون از آنان پیروی کرده و به آنان اظهار علاقه می کردند

ص: 211

قوله تعالى : (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خَازِنًا مَا تَتَّبِعُونَ إِلَّا طَرِيقَ الْبَيْتِ الْمَقْدِسِ فَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ أَصْحَابَ الْأَنْجَارِ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا وَتَوَلَّى قَوْمِ الْأَثَلِ الَّذِينَ خَلَقْنَا بِالْأَنْجَارِ وَاتَّخَذُوا قَوْمَهُمْ حُلِيِّمًا فَأَنذَرْنَاهُمْ يَوْمَهُمْ أَنَّ الَّذِي لَكُمْ وَالَّذِي لَنَا سَوَاءٌ حَلِيٌّ بَلْ يَكْفُرُونَ بِالطُّغْيَانِ وَالْعَدْوِّ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا فَالْتَمَحْنَا بِالسُّيُوفِ فِيهِم بِالَّذِينَ هُمْ يُكَفِّرُونَ) (93)

177/76] - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ)

قَالَ: لَمَّا تَاجَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنْ يَا مُوسَى! قَدْ فَتِنْتُ قَوْمَكَ، قَالَ: وَبِمَاذَا يَا رَبِّ؟ قَالَ: بِالسَّامِرِيِّ، قَالَ وَمَا فَعَلَ السَّامِرِيُّ؟

قَالَ: صَاغَ لَهُمْ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا، قَالَ: يَا رَبِّ! إِنَّ حُلِيِّهِمْ لَتَحْتَمِلُ أَنْ يُصَاغَ مِنْهُ غَزَالٌ أَوْ تِمْثَالٌ أَوْ عِجْلٌ فَكَيْفَ فَتِنْتَهُمْ؟!

قَالَ: إِنَّهُ صَاغَ لَهُمْ عِجْلًا فَخَارَ، قَالَ: يَا رَبِّ! وَمِنْ أَخَارِهِ؟

قَالَ: أَنَا، فَقَالَ عِنْدَهَا مُوسَى: (إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ) (1). قَالَ: فَلَمَّا انْتَهَى مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ وَرَأَاهُمْ يَعْبُدُونَ الْعِجْلَ أَلْقَى الْأَلْوَاحَ مِنْ يَدِهِ فَتَكَسَّرَتْ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ يُنْبَغِي أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ عِنْدَ إِخْبَارِ اللَّهِ إِيَّاهُ قَالَ: فَعَمَدَ مُوسَى فَبَرَدَ (2) الْعِجْلُ مِنْ أَنْفِهِ إِلَى طَرَفِ ذَنْبِهِ ثُمَّ أَحْرَقَهُ بِالنَّارِ، فَذَرَّهُ فِي الْيَمِّ قَالَ: فَكَانَ أَحَدُهُمْ لَيَقَعُ فِي الْمَاءِ وَمَا بِهِ إِلَيْهِ مِنْ

ص: 212

1- سورة الأعراف: 155/7

2- البرد: سحكك الحديد بالمبرد أي السوهان (بالفارسية) كتاب العين: 27/8 (برد).

فرمایش خداوند متعال: و زمانی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم (و گفتیم: این دستوراتی را که به شما داده ایم محکم بگیرید و درست بشنوید (و مورد عمل قرار دهید)! آن ها گفتند: شنیدیم ولی مخالفت کردیم دل های آن ها بر اثر کفرشان با محبت گوساله آمیخته شده، به آن ها بگو: ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می دهد اگر ایمان داشته باشید! (93)

(76) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خدای عزّ و جلّ: «و در درون و دل هایشان گوساله نوشانیده شد» فرمود: چون موسی علیه السلام با پروردگار خود مناجات کرد، به او وحی نمود ای موسی! قوم تو مبتلا به آزمایش و فتنه شده اند موسی گفت: پروردگارا! چگونه چنین امری انجام شده است؟

خطاب رسید: به وسیله (گوساله) سامری

گفت: (گوساله) سامری چگونه ساخته شد؟

فرمود: (سامری با ذوب کردن) از طلاها و زیور آلات خودشان (گوساله) را ساخت موسی گفت: پروردگارا! زیور آلات آنان به قدری بود که بتوانند آهو، مجسمه و یا گوساله بسازند ولی چگونه ایشان را آزمایش نمودی؟

فرمود: او گوساله ای را ساخت و در آن صدای مخصوص گوساله را در آورد.

گفت: چه کسی آن را ایجاد کرد؟

فرمود من. پس موسی اظهار داشت: «این نیست مگر آزمایشی از جانب خودت که به واسطه آن هر کسی را بخواهی گمراه و یا هدایت می کنی»

امام علیه السلام افزود: موقعی که موسی به قوم خود رسید و آن ها را در حال گوساله پرستی مشاهده کرد الواح تورات از دست او افتاد و شکست.

ص: 213

حَاجِهِ، فَيَعْرِضُ بِذَلِكَ لِلرَّمَادِ فَيَشْرِبُهُ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: (وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ) (1)

قوله تعالى: (وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ) (101)

178/ [77] - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَمَّا هَدَاكَ سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَضَعَ إِبْلِيسُ السَّحْرَ، ثُمَّ كَتَبَهُ فِي كِتَابٍ فَطَوَاهُ وَكَتَبَ عَلَى ظَهْرِهِ: هَذَا مَا وَضَعَ آصَفُ بْنُ بَرْخِيَا مِنْ مُلْكِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ذَخَائِرِ كُنُوزِ الْعِلْمِ، مَنْ أَرَادَ كَذَا وَكَذَا فَلْيَقُلْ كَذَا وَكَذَا ثُمَّ دَفَنَهُ تَحْتَ السَّرِيرِ ثُمَّ إِسْأَلْهُ لَهَا فَتَدَّ أَلْ كَافِرُونَ: مَا كَانَ يَغْلِبُنَا سُلَيْمَانُ إِلَّا بِهَذَا، وَقَالَ الْمُؤْمِنُونَ: وَهُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَنَبِيُّهُ فَقَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ) أَيْ السَّحْرَ (2)

ص: 214

1- عنه بحار الأنوار: 227/13 ح 28، و البرهان في تفسير القرآن: 284/1 ح 2، و نور الثقلين: 102/1 ح 285 قطعة منه، قصص الأنبياء عليهم السلام للجزائري: 274 (الفصل السادس في نزول التوراة)

2- عنه مجمع البيان: 337/1، و بحار الأنوار: 138/14 ح 3 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 299/1 ح 3 أشار إليه، و مستدرک الوسائل: 105/13 ح 14903. تفسير القمّي: 55/1 (أصل السحر) مفصلاً، و 199/2 (سورة سبأ) بتفاوت يسير، عنه البحار: 138/14 ح 3، و 279/63 ح 167، و البرهان في تفسير القرآن: 298/1 ح 3، و قصص الأنبياء عليهم السلام للجزائري: 384 (الفصل الثالث في قصته عليه السلام مع بلقيس)، و مستدرک الوسائل: 105/13 ح 14903.

آنگاه امام باقر علیه السلام افزود: وقوع این امر در علم الهی مقدر شده بود سپس موسی از (سر) بینی تا دم آن گوساله را به وسیله ازه و سوهان سایید و سپس آن را به آتش سوزانید و در آب دریا ریخت.

پس بعضی از آن ها آن قدر به آن گوساله علاقه داشت که خود را به آب می انداخت و از خاکستر آن گوساله (که در آب دریا ریخته شده بود می نوشید بدن آن که حاجتی داشته باشد و این همان فرمایش خداوند است: «و در درون و دل هایشان گوساله نوشانیده شد»

فرمایش خداوند متعال: بگو: و هنگامی که فرستاده ای از سوی خدا به سوی آن ها آمد، و با نشانه هایی که نزد آن ها بود مطابقت داشت جمعی از آنان که به آن ها کتاب (آسمانی) داده شده بود کتاب خدا را پشت سر افکندند، گویا که هیچ از آن خبر ندارند (101)

(77) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: موقعی که سلیمان درگذشت ابلیس جادو را ساخت و آن را در کتابی نوشت و در هم پیچید و بر پشت آن نوشت: این توسط آصف بن برخیا برای سلیمان بن داود علیهما السلام ساخته شده که از گنجینه های دانش می باشد هر که خواهد چنین و چنان شود چنین و چنان کند

پس آن را زیر تخت خود در خاک پنهان کرد و آنان را بر آن آگاه نمود و برایشان خواند که کافران گفتند: سلیمان بر ما چیره نشده بود مگر به این برنامه ولی مؤمنان گفتند: بلکه او بنده خدا و پیغمبر بوده است.

ص: 215

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ سَأَلَهُ عَطَا وَ نَحْنُ بِمَكَّةَ - عَنْ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ؟

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانُوا يَنْزِلُونَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ يَحْفَظُونَ أَعْمَالَ أَهْلِ أَوْسَاطِ الْأَرْضِ مِنْ وُلْدِ آدَمَ وَ الْحِنِّ فَيَكْتُبُونَ أَعْمَالَهُمْ وَ يَعْرُجُونَ بِهَا إِلَى السَّمَاءِ،

قَالَ فَضَحَّ أَهْلُ السَّمَاءِ مِنْ مَعَاصِي أَهْلِ أَوْسَاطِ الْأَرْضِ فَتَأَمَّرُوا بَيْنَهُمْ مِمَّا يَسْمَعُونَ وَ يَرُونَ مِنْ إِفْتِرَائِهِمْ الْكَذِبَ عَلَى اللَّهِ وَ جُرْأَتِهِمْ عَلَيْهِ وَ نَزَّهُوا اللَّهَ فِيمَا يَقُولُ فِيهِ خَلْقَهُ وَ يَصِفُونَ

قَالَ: فَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: يَا رَبِّنَا! مَا تَغَضِبُ مِمَّا يَعْمَلُ خَلْقَكَ فِي أَرْضِكَ مِمَّا يَفْتَرُونَ عَلَيْكَ الْكَذِبَ وَ يَقُولُونَ الزُّورَ وَ يَرْتَكِبُونَ الْمَعَاصِيَ وَ قَدْ نَهَيْتَهُمْ عَنْهَا ثُمَّ أَنْتَ تَحْلُمُ عَنْهُمْ؟ وَ هُمْ فِي قَبْضَتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ خِلَالِ عَافِيَتِكَ

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ أَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يَرَى الْمَلَائِكَةَ قُدْرَتَهُ وَ نَافِذَ أَمْرِهِ فِي جَمِيعِ خَلْقِهِ وَ يَعْرِفَ الْمَلَائِكَةَ مَا مَنْ بِهِ عَلَيْهِمْ مِمَّا عَدَلَهُ عَنْهُمْ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِمْ وَ مَا طَبَعَهُمْ عَلَيْهِمْ مِنَ الطَّاعَةِ وَ عَصَمَهُمْ بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ،

قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْ أُنْدَبُوا (1) مِنْكُمْ مَلَكَينِ حَتَّى أَهْبِطَهُمَا إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ أَجْعَلْ فِيهِمَا مِنْ طَبَائِعِ الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ وَ الشَّهْوَةِ وَ الْحِرْصِ وَ الْأَمَلِ مِثْلَ مَا جَعَلْتُ فِي وُلْدِ آدَمَ ثُمَّ اخْتَبِرْهُمَا فِي الطَّاعَةِ لِي،

قَالَ: فَانْدَبُوا لِذَلِكَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ وَ كَانُوا [كانا] مِنْ أَشَدِّ الْمَلَائِكَةِ قَوْلًا

ص: 216

1- نذبه إلى الأمر و للأمر : دعاه وحثه عليه، و في بعض النسخ: انتدبوا، و هو بمعناه، واستظهره المجلسي .

در مکه بودیم که عطا از امام باقر علیه السلام دربارهٔ هاروت و ماروت سؤال کرد؟

حضرت فرمود: فرشته‌ها هر روز و هر شب از آسمان بر زمین وارد می‌شدند و کردار ساکنان زمین را از آدمی و جتنی نگهبانی می‌دادند و می‌نوشتند و به آسمان می‌بردند

فرمود: پس اهل آسمان از دیدن گناهان اهل زمین ضجّه و شیون می‌کردند و با هم در این باره گفتگو کردند و سخن چینی نمودند نسبت به آن چه که می‌شنیدند و می‌دیدند از نسبت دادن دروغ به خداوند و از جرأت داشتن در برابر خدا، هم چنین خدا را از آن چه به او نسبت می‌دادند و یا او را به اوصافی توصیف می‌کردند منزّه می‌دانستند.

پس گروهی از فرشته‌ها اظهار داشتند پروردگارا خشم نمی‌کنی نسبت به آن چه که خلق تو در زمین انجام می‌دهند و به تو نسبت دروغ می‌دهند و اوصاف نادرست می‌گویند و گناهانی را مرتکب می‌شوند با این که آن‌ها را نهی کرده‌ای باز هم بردباری می‌کنی با آن که آن‌ها در قبضه قدرت تو هستند و آسایش و امنیت از طرف تو دارند

امام باقر علیه السلام فرمود: خدا خواست که به فرشته‌ها قدرت و نفوذ فرمان خود را در همه آفریده‌هایش بنمایاند و به فرشته‌ها بفهماند که چه متنی بر آن‌ها دارد از این که آن چه با خلق خود کرده از آن‌ها برگردانده و چه آمادگی به آن‌ها برای پذیرش اطاعت ارزانی داشته که از گناهان معصوم بمانند.

فرمود: به همین خاطر، خداوند به فرشته‌ها وحی نمود: از میان خود دو فرشته را انتخاب کنید تا به زمین بفرستم و طبیعت و منش خوردن نوشیدن شهوت طمع و آرزو که خوی آدم‌ها می‌باشد به ایشان بدهم و ایشان را در فرمان بری خود آزمایش کنم.

فِي الْعَيْبِ لِوُلْدِ آدَمَ.

قَالَ: ثُمَّ أَوْحَى إِلَيْهِمَا أَنْظُرَا أَلَا تَشْرِكَا بِي شَيْئاً وَلَا تَقْتُلَانِ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمْتُ، وَلَا تَزْنِيَانِ وَلَا تَشْرَبَانِ الْخَمْرَ،

قَالَ: ثُمَّ كَشَطَ (1) عَنِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ لِيُرِيَهُمَا قُدْرَتَهُ ثُمَّ أَهْبَطَهُمَا إِلَى الْأَرْضِ فِي صُورِهِ الْبَشَرِ وَلِيَأْسِيَهُمْ، فَهَبَطَا بِرِحْتِهِ بَابِلَ مَهْرُوزٍ (2) فَرَفَعَ لَهُمَا بِنَاءً مُشْرِفٌ فَأَقْبَلَا نَحْوَهُ فَإِذَا بِحَصَدِ رَتِّهِ امْرَأَةً جَمِيلَةً حَسَنَاءَ مَزِينَةً مُعَطَّرَةً مُسْفِرَةً مُقْبِلَةً نَحْوَهُمَا، فَلَمَّا نَظَرَا إِلَيْهَا وَنَاطَقَاهَا وَتَأَمَّلَاهَا وَقَعَتْ فِي قُلُوبِهِمَا مَوْفِعاً شَدِيداً لِمَوْضِعِ الشَّهْوَةِ الَّتِي جُعِلَتْ فِيهِمَا، ثُمَّ إِنَّهُمَا ائْتَمَرَا بَيْنَهُمَا وَذَكَرَا مَا نَهَيَا عَنْهُ مِنَ الزَّنَا فَمَضَيَا ثُمَّ حَرَكْتُهُمَا الشَّهْوَةُ الَّتِي جُعِلَتْ فِيهِمَا فَرَجَعَا إِلَيْهَا رُجُوعَ فِتْنَتِهِ وَخِذْلَانٍ، فَرَاوَدَاهَا عَنْ نَفْسِهَا فَقَالَتْ لَهُمَا: إِنَّ لِي دِيناً أَدِينُ بِهِ وَ لَسْتُ أَقْدِرُ فِي دِينِي الَّذِي أَدِينُ لَهُ عَلَى أَنْ أُحِبِّبَكُمَا إِلَيَّ مَا تُرِيدَانِ إِلَّا أَنْ تَدْخُلَانِ فِي دِينِي الَّذِي أَدِينُ بِهِ،

فَقَالَا لَهَا: وَمَا دِينُكَ؟

فَقَالَتْ: لِي إِلَهٌ مِنْ عَبَدَةِ وَ سَجَدَ لَهُ كَانَ لِي السَّبِيلُ إِلَى أَنْ أُحِبِّبَهُ إِلَيَّ كُلُّ مَا سَأَلَنِي فَقَالَا لَهَا: وَمَا إِلَهُكَ؟

قَالَتْ: إِلَهِي هَذَا الصَّنَمُ،

قَالَ: فَنَظَرَ أَحَدُهُمَا إِلَى صَاحِبِهِ فَقَالَا هَاتَانِ الْخَصْلَتَانِ مِمَّا نَهَيْتَنَا عَنْهُمَا الشَّرْكُ

ص: 218

1- كشط الغطاء عن الشيء : نزعه و كشف عنه

2- كذا في النسخ، وفي نسختي البحار و الصافي : فهبطا في ناحية ، بابل ، فرجع لهما، و الظاهر هو الصحيح

فرمود: پس دو فرشته را به نام هاروت و ماروت که بیش از دیگران آدمیان را نکوهش و سرزنش می کردند انتخاب کردند و خداوند به آن دو سفارش کرد مواظب باشید که برای من شریک قرار ندهید و بت پرستی نکنید آدمی را بی تقصیر نکشید زنا نکنید و شراب ننوشید.

و فرمود: سپس آسمان های هفت طبقه را گشود تا قدرت خود را به آن ها بنمایاند و سپس آن ها را به صورت انسان و با پوشش و لباس آنان به زمین فرستاد و آن دو در سرزمین بابل فرود آمدند و یک ساختمان با شکوه نظر آن ها را جلب کرد و به سمت آن رفتند که ناگاه در آن ساختمان زنی نیکو، زیبا، خوش بو و آرایش کرده به استقبال آن ها، آمد موقعی که او را دیدند و با او سخن گفتند، به او خیره شدند و او سخت دل آن ها را به غریزه شهوتی که داشتند بر افروخت و در نتیجه عاشق او شدند ولی (هر دو با هم) گفتگو کرده و بیاد نهی خداوند از زنا افتادند پس منصرف گشتند و به آن زن اعتنایی نکردند.

اما به لحاظ شهوتی که در آن ها قرار گرفته بود تحریک شدند و به سمت آن زن به حالت ذلت و خواری بازگشتند و از او خواستند تا کامی برگیرند

زن گفت: من کیش و آئینی دارم که جز با هم کیش خود هم بستر نخواهم شد مگر این که شما هم به کیش من در آید و آئین مرا بپذیرید، گفتند: آئین تو چیست؟

گفت: من یک بُت دارم هر کسی که آن را بپرستد و به او سجده کند می تواند از من کام گیرد گفتند خدا و معبود تو کدام است؟

گفت: این بت خدای من می باشد

(امام علیه السلام) فرمود: آن دو به یکدیگر نگاه کرده و گفتند: این دو کار است که خداوند ما را از آن نهی کرده بت پرستی و زنا چون اگر به این بت سجده کنیم شرک به خدا آورده ایم پس باید بت پرستیم تا به زنا برسیم

وَ الرَّزْنَا، لِأَنَّا إِن سَجَدْنَا لِهَذَا الصَّنَمِ وَ عِبَدْنَاهُ أَشْرَكْنَا بِاللَّهِ، وَ إِنَّمَا نُشْرِكُ بِاللَّهِ لِنَصِلَ إِلَى الرَّزْنَا، وَ هُوَ ذَا نَحْنُ نَطْلُبُ الرَّزْنَا فَلَيْسَ نُعْطَاهُ إِلَّا بِالشَّرِكِ،
قَالَ: فَأْتَمَرًا بَيْنَهُمَا فَغَلَبَتْهُمَا الشَّهْوَةُ الَّتِي جُعِلَتْ فِيهِمَا، فَقَالَ لَهَا: نُجِيبُكَ إِلَى مَا سَأَلْتِ، قَالَتْ: فَدُونِكُمَا فَاشْرَبَا هَذَا الخَمْرَ فَإِنَّهُ قُرْبَانٌ لَكُمْ
عِنْدَهُ، وَ بِهِ نَصِي لَآنَ إِلَى مَا تُرِيدَانِ، فَقَالَ فَأْتَمَرًا بَيْنَهُمَا فَقَالَ: هَذِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ مِمَّا قَدْ نَهَانَا رَبُّنَا عَنْهُ: الشَّرِكُ وَ الرَّزْنَا، وَ شَرْبُ الخَمْرِ، وَ إِنَّمَا
نَدْخُلُ فِي شَرْبِ الخَمْرِ حَتَّى نَصِلَ إِلَى الرَّزْنَا فَأْتَمَرًا بَيْنَهُمَا ثُمَّ قَالَ لَهَا: مَا أَعْظَمَ البَلِيَّةَ بِكَ قَدْ أَجَبْنَاكَ إِلَّا مَا سَأَلْتِ،

قَالَتْ: فَدُونِكُمَا فَاشْرَبَا مِنْ هَذَا الخَمْرِ وَ أَعْبُدَا الصَّنَمَ وَ أَسْجُدَا لَهُ

قَالَ: فَشَرِبَا الخَمْرَ وَ سَجَدَا لَهُ، ثُمَّ رَاوَدَاهَا عَنْ نَفْسِهَا فَلَمَّا تَهَيَّأَتْ لَهَا وَ تَهَيَّأَ لَهَا دَخَلَ عَلَيْهِمَا سَائِلٌ يَسْئَلُ فَلَمَّا أَنْ رَأَاهُ دَعَرَا مِنْهُ، فَقَالَ لَهُمَا:
إِنَّكُمَا لَمُرَبِّينِ دَعَرَيْنِ قَدْ خَلَوْتُمَا بِهِذِهِ المَرْأَةِ العَطْرَةَ الحَسَنَاءِ إِنَّكُمَا لَرَجُلَا سَوْءٍ وَ خَرَجَ عَنْهُمَا،

فَقَالَتْ لَهُمَا: لَا وَ إِلَهِي! لَا نَصِي لَآنَ إِلَيَّ أَنْ تَقْرَبَانِي وَ قَدْ أُطْلِعَ (1) هَذَا الرَّجُلُ عَلَى حَالِكُمَا وَ عَرَفَ مَكَانَكُمَا خَرَجَ الْآنَ فَيُخْبِرُ بِخَبْرِكُمَا، وَ
لَكِنْ بَادِرَا إِلَى هَذَا الرَّجُلِ فَأَقْتُلَاهُ قَبْلَ أَنْ يُفْضَحَكُمَا وَ يُفْضَحَنِي، ثُمَّ دُونِكُمَا فَافْضِيَا حَاجَتِكُمَا وَ أَنْتُمَا مُطْمَئِنَّانِ آمِنَانِ،

قَالَ: فَقَامَا إِلَى الرَّجُلِ فَأَذْرَكَاهُ فَقتَلَاهُ ثُمَّ رَجَعَا إِلَيْهَا فَلَمْ يَرِيَاهَا وَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا، وَ نَزَعَ عَنْهُمَا رِيَاشُهُمَا، وَ أَسْقَطَا فِي أَيْدِيهِمَا،

قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمَا: أَنْتُمَا أَهْبَطْتُمَا إِلَى الأَرْضِ مَعَ خَلْقِي سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ فَعَصَيْتُمَانِي بِأَرْبَعِ مَعْاصِي كُلِّهَا قَدْ نَهَيْتُكُمَا عَنْهَا، وَ تَقَدَّ دَمْتُ
إِلَيْكُمَا فِيهَا فَلَمْ تُرَاقِبَانِي وَ لَمْ تَسْتَحْيَا مِنِّي وَ قَدْ كُنْتُمَا أَشَدَّ مَنْ يَنْقُمُ عَلَيَّ

ص: 220

فرمود: آن دو با هم در این مورد مشورت کردند و شهوت بر آن ها غلبه کرد و از آن زن پذیرفتند و او گفت این شراب است آن را بنوشید که شما را آماده کار کند با هم مشورت کردند که این سه کار - شرک به خدا زنا و شراب خواری که خدا ما را از آن ها نهی کرده بود و شراب خواری هم که برای انجام زنا می باشد و پس از مشورت و گفتگوی با هم به زن گفتند ای زن تو چه بلای خطرناکی هستی خواسته تورا پذیرفتیم

زن گفت: بسیار خوب پس از این شراب بنوشید و برای این بت سجده کنید و آن ها هم این کار ها را انجام دادند و چون از او کام خواستند و او هم آماده شد و آن ها هم آماده شدند یک گدا بر آن ها وارد شد و درخواست چیزی کرد از دیدن او ترسیدند و او به آن ها گفت شما دو مرد هراسناک و ترسو هستید و با این زن زیبایی که عطر زده خلوت کرده اید شما دو مرد بدی هستید و از نزد آن ها بیرون رفت.

آن زن گفت: نه به خدایم سوگند! به من دست نخواهید یافت چون با اطلاع این مرد به حال شما و شنیدن سخنان شما و دیدن موقعیت شما الان می رود و برای دیگران مطرح می کند زود بروید و تا شما و مرا رسوا نکرده او را بکشید و پس از آن کار خود را با دلی آرام و آسوده انجام دهید.

(امام باقر علیه السلام) فرمود: آن دو برخاستند و آن مرد را گرفتند و کشتند و نزد آن زن بازگشتند ولی او را ندیدند و پشیمان شدند و پرهایشان ریخت و سرافکنده گشتند و خداوند به آن ها وحی نمود من شما را یک ساعت به زمین فرستادم و از چهار گناه مخصوص نهی کردم اما شما مرا در نظر نداشتید و از من شرم نکردید و شمایی که از همه بیشتر بر اهل زمین عیب می گرفتید و از افسوس و خشم من

أَهْلِ الْأَرْضِ مِنَ الْمَعَاصِي وَ أَسَدَ جَرَ سَعِيرٍ غَضَبِي عَلَيْهِمْ وَلِمَا جَعَلْتُ فِيكُمْ مِنْ طَبْعِ خَلْقِي وَعِصْمَتِي إِيَّاكُمْ مِنَ الْمَعَاصِي فَكَيْفَ رَأَيْتُمَا
مَوْضِعَ خِذْلَانِي فِيكُمَا، إِخْتَارَا عَذَابَ الدُّنْيَا أَمْ عَذَابَ الْآخِرَةِ؟

فَقَالَ أَحَدُهُمَا: نَتَمَتَّعُ مِنْ شَهْوَاتِنَا فِي الدُّنْيَا إِذْ صِرْنَا إِلَيْهَا إِلَى أَنْ نَصِيرَ إِلَى عَذَابِ الْآخِرَةِ، وَقَالَ الْآخَرُ: إِنَّ عَذَابَ الدُّنْيَا لَهُ مُدَّةٌ وَإِنْ قُطِعَ، وَ
عَذَابُ الْآخِرَةِ دَائِمٌ لَا يُقْطَعُ لَهُ، فَلَسْنَا نَخْتَارُ عَذَابَ الْآخِرَةِ الدَّائِمَ الشَّدِيدَ عَلَى عَذَابِ الدُّنْيَا الْفَانِي الْمُنْقَطِعِ،

قَالَ: فَاخْتَارَا عَذَابَ الدُّنْيَا، فَكَانَا يُعَلِّمَانِ السَّحْرَ بِأَرْضِ بَابِلَ، ثُمَّ لَمَّا عَلَّمَا النَّاسَ [السَّحْرَ] رُفِعَا مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّمَاءِ فَهُمَا مُعَدَّبَانِ مِنْكَسَانِ
مُغْلَقَانِ فِي السَّمَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (1)

180/79]- عن زرارة، عن أبي الطفيل قال:

كُنْتُ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَسَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ - وَنَادَاهُ ابْنُ الْكُوفَةِ وَهُوَ فِي مَوْخِرِ الْمَسْجِدِ - فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مَا
الْهُدَى؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَعَنَكَ اللَّهُ! - وَلَمْ يُسْمِعْهُ - مَا الْهُدَى تُرِيدُ وَ لَكِنَّ الْعَمَى تُرِيدُ ثُمَّ قَالَ لَهُ اذْنُ فِدَانًا مِنْهُ فَسَأَلَهُ عَنْ أَشْيَاءَ فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ: أَخْبِرْنِي
عَنْ هَذِهِ الْكُوكَبَةِ الْحَمْرَاءِ؟ يَعْنِي الزُّهْرَةَ

قَالَ: إِنَّ اللَّهَ اطَّلَعَ مَلَائِكَتُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَهُمْ عَلَى مَعْصِيَةِ مِنْ مَعَاصِيهِ

فَقَالَ الْمَلَكَانِ هَارُوتُ وَ مَارُوتُ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ خَلَقْتَ أَبَاهُمْ بِيَدِكَ وَأَسْجَدْتَ لَهُ مَلَائِكَتَكَ يَعْصُونَكَ؟

ص: 222

1- عنه مجمع البيان: 339/1، و بحار الأنوار: 319/59 ذيل ح 2 أشار إليه . تفسير القمي : 55/1 (قصة هاروت و ماروت) بإسناده عن
محمد بن قيس عن أبي جعفر عليه السلام، عنه البحار : 316/59 ح 2 ، و نور اليقلين: 112/1 ح 304، و مجمع البيان: 338/1

بر آن ها سخن می گفتید چون شما را معصوم ساخته و از گناه بدور داشتیم اکنون چگونه می خواهید شما را کیفر و مجازات کنم آیا عذاب دنیا را می خواهید و یا عقاب آخرت را می طلبید؟ یکی به دیگری گفت: اکنون که به این دنیا آمده ایم از دلخواه های آن بهر مند شویم تا روزی که به عذاب آخرت برسیم دیگری گفت: عذاب دنیا اندازه دارد و تمام می شود ولی عذاب آخرت پیوسته و بی نهایت است و نباید عذاب آخرت را بر عذاب دنیا برگزینیم که آن تمام شدنی نخواهد بود .

فرمود: آن ها عذاب دنیا را اختیار کردند و در سرزمین بابل به مردم جادو یاد می دادند و چون آموزش دادند از زمین به هوا بالا برده شدند و در فضا آویزان گشتند و تا روز قیامت چنین خواهند بود.

(79) - از زراره از ابو طفیل روایت کرده است که گفت:

در مسجد کوفه بودم شنیدم که امام علی علیه السلام بر بالای منبر است و این کَوّاء از آخر مسجد فریاد زد: ای امیرالمؤمنین! هدایت چیست؟

فرمود: خدا تو را لعنت کند تو طالب هدایت نیستی بلکه کور دلی می خواهی - ولی او کلام حضرت را نشنید - سپس به او فرمود: نزدیک بیا و او نزدیک رفت و از چیز هایی سؤال کرد و حضرت جواب او را داد. سپس گفت: از ستاره سرخ - یعنی زهره - به من خبر بده

فرمود: خداوند فرشته ها را نسبت به خلق خود آگاه کرد که در حال انجام گناهی از گناهان بودند. و هاروت و ماروت - که دو فرشته بودند - گفتند: این هایی که پدرشان را به دست (قدرت) خود آفریدی و فرشته ها را به سجده برای او واداشتی ، اکنون در نافرمانی و معصیت تو می باشند.

خداوند فرمود: شاید شما اگر مانند آن ها آزموده شوید و دارای شهوت باشید نیز همانند آن ها مرا نافرمانی و معصیت کنید.

اظهار داشتند: به عزّت خودت سوگند! نه (ما چنان نخواهیم کرد)

قَالَ فَلَعَلَّكُمْ إِذَا ابْتَلَيْتُمْ بِمِثْلِ الَّذِي ابْتَلَيْتُهُمْ (1) بِهِ عَصَـةٌ يُتَمَوَّنِي كَمَا عَصَوْنِي قَالَا: لَا وَعِزَّتِكَ! قَالَ: فَابْتَلاَهُمَا بِمِثْلِ الَّذِي ابْتَلَى بِهِ بَنِي آدَمَ مِنَ الشَّهْوَةِ ثُمَّ أَمَرَهُمْ أَنْ لَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَلَا يَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ، وَلَا يَزْنُوا وَلَا يَسْرُبُوا الْحَمْرَ

ثُمَّ أَهْبَطَهُمَا إِلَى الْأَرْضِ فَكَانَا يَقْضِيَانِ بَيْنَ النَّاسِ هَذَا فِي نَاحِيَةٍ وَهَذَا فِي نَاحِيَةٍ، فَكَانَا بِذَلِكَ حَتَّى أَتَتْ إِحْدَاهُمَا هَذِهِ الْكُوكَبَةُ تُحَاصِمُ إِلَيْهِ، وَكَانَتْ مِنْ أَجْمَلِ النَّاسِ فَأَعْجَبَتْهُ فَقَالَ لَهَا: الْحَقُّ لَكَ وَلَا أَقْضِي لَكَ حَتَّى تُمَكِّنِي مِنْ نَفْسِكَ فَوَاعَدَتْ يَوْمًا ثُمَّ أَتَتْ الْآخَرَ فَلَمَّا خَاصَمَتْ إِلَيْهِ وَقَعَتْ فِي نَفْسِهِ وَأَعْجَبَتْهُ كَمَا أَعْجَبَتْ الْآخَرَ، فَقَالَ لَهَا مِثْلَ مَقَالِهِ صَاحِبِهِ، فَوَاعَدَتْهُ السَّاعَةَ الَّتِي وَعَدَتْ صَاحِبَهُ فَاتَّفَقَا جَمِيعاً عِنْدَهَا فِي تِلْكَ السَّاعَةِ، فَاسْتَحْيَا كُلُّ وَاحِدٍ مِنْ صَاحِبِهِ حَيْثُ رَأَاهُ وَطَاطَأَ رُؤُوسَهُمَا وَنَكَسَا، ثُمَّ نَزَعَ الْحَيَاءُ عَنْهُمَا، فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: يَا هَذَا! جَاءَ بِي الَّذِي جَاءَ بِكَ،

قَالَ: ثُمَّ أَعْلَمَاهَا وَرَاوَدَاهَا عَنْ نَفْسِهَا فَأَبَتْ نَفْسُهَا فَابْتُغَتْ لَهَا شَرَابٌ مِنْ شَرَابِهَا فَلَمَّا شَرِبَتْ صَارَتْ لَوْنِيَّةً وَدَخَلَ مَسْكِينٌ فَرَأَاهُمَا، فَقَالَتْ لَهُمَا: يَخْرُجُ هَذَا فَيُخْبِرُ عَنْكُمَا فَقَامَا إِلَيْهِ فَقَتَلَاهُ، ثُمَّ رَاوَدَاهَا عَنْ نَفْسِهَا فَأَبَتْ حَتَّى يُخْبِرَاهَا بِمَا يَصْعَدَانِ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَكَانَا يَقْضِيَانِ بِالنَّهَارِ، فَإِذَا كَانَ اللَّيْلُ صَعِدَا إِلَى السَّمَاءِ فَأَبَيَا عَلَيْهَا وَأَبَتْ أَنْ تَفْعَلَ فَأَخْبِرَاهَا، فَقَالَتْ ذَلِكَ لِتَجَرَّبَ مَقَالَتَهُمَا وَصَعِدَتْ، فَرَفَعَا أَبْصَارَهُمَا إِلَيْهَا فَرَأَى أَهْلَ السَّمَاءِ مُسْتَرْفِينِ عَلَيْهِمَا يَنْظُرُونَ إِلَيْهِمَا وَتَنَاهَتْ إِلَى السَّمَاءِ، فَمَسِيخَتْ فَهِيَ الْكُوكَبَةُ الَّتِي تَرَى. (2)

ص: 224

1- في نسخة البحار: إذا ابتليتكم بمثل الذي ابتلوهم.

2- عنه بحار الأنوار: 324/59 ح 9 والبرهان في تفسير القرآن: 149/1 ح 181. تأتي قطعتان منه في سورة «بني إسرائيل»، الحديث 30 و 99.

پس خداوند آن ها را همانند بنی آدم گرفتار شهوت کرد و به آن ها دستور داد: برای من شریکی قرار ندهید و بُت نپرستید شخصی را به نا حق نکشید زنا نکنید و شراب ننوشید و سپس آن ها را بر زمین فرستاد

آن ها در میان مردم قضاوت می کردند و هر کدام در یک ناحیه ای قرار گرفتند و به این کار مشغول بودند تا این ستاره ای که زیباترین مردم بود برای مرافعه و حل نزاع نزد یکی از آن ها آمد و چون از او خوشش آمد به او گفت حق با تو است ولی حکم برای تو نمی کنم تا خود را بر من عرضه کنی و روزی را با او وعده گذاشت

بعد از آن او برای مرافعه و حلّ نزاع دیگری رفت و دل او را به خود جلب کرد و همان وعده را در همان ساعت با او گذاشت.

و در همان ساعت هر دو با وی ملاقات کردند و هر کدام از رفیق خود خجالت کشید و سر های خود را به زیر انداختند ولی شرم و حیا از آن ها رفت و یکی به دیگری گفت: من برای همان مقصودی آمده ام که تو آمده ای و با هم از او کام جویی خواستند، ولی او قبول نکرد و گفت تا بت مرا نپرستید و از شراب من ننوشید نمی شود آن ها پیشنهاد او را نپذیرفتند و خواسته خود را تکرار کردند و او اصرار ورزید که باید شراب بنوشند و چون شراب نوشیدند به بت او هم سجده کردند.

در همین بین مسکینی وارد شد و آن ها را (با آن حالت) دید، زن گفت: این مسکین می رود و گزارش شما را می دهد پس (هر دو) برخاستند و آن مسکین را کشتند و از او خواستند تا کام بگیرند گفت: نه (امکان ندارد) مگر آنکه به من پیاموزید به چه وسیله ای به آسمان می روید - چون روز ها برای مردم قضاوت می کردند و شب ها به آسمان می رفتند گفتند: نه و او هم گفت: نه تا در نهایت به او خبر دادند. پس او هم به عنوان آزمایش به آسمان بالا رفت و آن ها دیده از او برنداشتند و دیدند که اهل آسمان آن ها را می نگرند و آن زن هم به آسمان رسید و به صورت این ستاره که می بینی درآمد.

قوله تعالى: (مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (106)

80/181] - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا) .

قَالَ: النَّاسِخُ مَا حُوِّلَ، وَ مَا يُنْسِيهَا مِثْلُ الْغَيْبِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ بَعْدُ، كَقَوْلِهِ: (يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثِبْتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ). (1)

قَالَ: فَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُحَوِّلُ مَا يَشَاءُ، مِثْلُ قَوْمِ يُوسُفَ إِذْ بَدَّلَهُ فَرَحِمَهُمْ، وَ مِثْلُ قَوْلِهِ: (فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ) (2) قَالَ: أَدْرَكْتُهُمْ رَحْمَتِهِ. (3)

81/182] - عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا)؟

فَقَالَ: كَذَبُوا مَا هَكَذَا هِيَ، إِذَا كَانَ يُنْسَى وَيَنْسَخُهَا أَوْ يَأْتِ بِمِثْلِهَا لَمْ يَنْسَخُهَا

قُلْتُ: هَكَذَا قَالَ اللَّهُ؟

قَالَ: لَيْسَ هَكَذَا قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى،

قُلْتُ: فَكَيْفَ قَالَ؟

قَالَ لَيْسَ فِيهَا أَلْفٌ وَ لَا وَآؤُ قَالَ: (مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ

ص: 226

1- سورة الرعد : 39/13

2- سورة الذاريات : 54/51

3- عنه بحار الأنوار: 116/4 ح 42، 324:59 ح 9، و البرهان في تفسير القرآن 303/1 ح 2

فرمایش خداوند متعال: هر حکمی را که نسخ کنیم و یا نسخ آن را به تأخیر بیندازیم بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم، آیا نمی دانستی که خداوند بر هر چیزی توانمند است؟! (106)

(80) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «ما آیه ای را نسخ و یا باطل نمی کنیم مگر بهتر از آن و یا همانند آن را می آوریم» فرمود: نسخ و نسخ متحوّل و دگرگون یافته است نسیان مانند هر چیز پنهان و پوشیده ای است که هنوز واقع نشده باشد همانند فرمایش خداوند: «خداوند آن چه را بخواهد محو و نابود و آن چه را که بخواهد ثابت و پایدار می نماید و مادر تمامی علوم در پیشگاه او می باشد پس هر چه را بخواهد و مصلحت بداند انجام می دهد و آن چه را که نخواهد دگرگون می گرداند؛ همانند قوم یونس هنگامی که مشیّت خدا تعلق گرفت مورد رحمت قرار گرفتند؛ و همانند فرمایش خداوند: «تواز آنان روی گردان پس مورد ملامت و سرزنش قرار نمی گیری» یعنی آنان را به وسیله رحمت خویش نجات داد.

(81) - از عمر بن یزید روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند: «ما آیه ای را نسخ و یا باطل نمی کنیم مگر بهتر از آن و یا همانند آن را می آوری»، سؤال کردم؟

فرمود: دروغ گفته اند آیه این طور نیست زیرا اگر آیه را نسخ کند و مانند آن را بیاورد پس نسخ نکرده است گفتم: آیا خداوند این طور بیان نموده است؟

فرمود: نه خدای تبارک و تعالی چنین فرموده است.

گفتم: پس چگونه فرموده است؟

فرمود: در آیه الف و واو «أُو» نبوده بلکه خداوند چنین فرموده: «ما آیه ای را نسخ و یا باطل نمی کنیم مگر بهتر از آن همانند آن را بیاوریم» هیچ امامی

ص: 227

مِنْهَا مِثْلَهَا) ، يَقُولُ: مَا نُمِيتُ مِنْ إِمَامٍ أَوْ نُسِيهِ ذِكْرَهُ نَأَتْ بِخَيْرٍ مِنْهُ مِنْ صَلْبِهِ مِثْلَهُ). (1)

قوله تعالى: (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (114) وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (115)

[82]/183 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَحْيَى : فِي قَوْلِهِ (مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ) يَعْنِي الْإِيمَانَ لَا يَقْبَلُونَهُ إِلَّا وَالسَّيْفُ عَلَى رُءُوسِهِمْ .

(2)

[83] / 184 - عَنْ حَرِيْزٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ آيَةَ فِي التَّطَوُّعِ خَاصَّةً (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) وَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِيْمَاءً عَلَى رَاحِلَتِهِ أَيْنَمَا تَوَجَّهَتْ بِهِ حَيْثُ خَرَجَ إِلَى حَيْبَرَ ، وَحِينَ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَجَعَلَ الْكَعْبَةَ حَلْفَ ظَهْرِهِ . (3)

ص: 228

1- عنه بحار الأنوار: 116/4 ح 3 و 208/23 ح 10 ، و البرهان في تفسير القرآن : 304/1 ح ، و نور الثقلين : 115/1 ح 312

2- عنه بحار الأنوار: 341/83 قطعة منه، و 26/100 ح 29، و البرهان في تفسير القرآن : 150/1 ح 184 .

3- عنه بحار الأنوار : 70/84 ح 29 ، و وسائل الشيعة : 333/4 ح 5317 ، و البرهان في تفسير القرآن : 314/1 ح 5 ، و مستدرک الوسائل

: 191/3 ح 3330 .

را نمی میرانیم یا او را از خاطر نمی بریم مگر آن که بهتر (1) از او را (از صلب او) مانند خودش می آوریم.

فرمایش خداوند متعال: و چه کسی ستم کار تر از آن فردی است که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کند و سعی در ویرانی آن ها را دارد؟ شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت وارد این (کانون های عبادت) شوند بهره آن ها در دنیا (فقط) رسوایی است و در آخرت عذاب عظیمی خواهند داشت! (114)

(ای پامبر بگو:) مشرق و مغرب از آن خداوند است! و به هر سو و سمتی رو کنید خدا آن جا می باشد خداوند بی نیاز و دانا است (115)

(82) - از محمد بن یحیی روایت کرده است که گفت:

منظور از فرمایش خداوند «حق نداشتند وارد آن شوند مگر به حالت ترسناک» این است که ایمان را نمی پذیرند مگر آن که شمشیر بالای سرشان باشد.

(83) - از حریر (سجستانی) روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند این آیه را فقط در مورد نماز های مستحبی نازل نمود: «پس به هر سمتی رو گردانید، به طرف خدا خواهد بود، به درستی که خداوند گسترش دهنده و دانا است»؛ و رسول خدا صلی الله علیه و آله آن موقعی که به طرف خیبر می رفت هم چنین زمانی که از مکه به سوی مدینه باز می گشت سوار بر مرکب بود و به هر سمت که مرکب می رفت سمت نماز می خواند که (گاهی) مکه پشت سرش قرار می گرفت

ص: 229

1- شاید منظور از بهتر بودن در تمام این عبارات از نظر مصلحت است نه از جهت فضائل و کمالات مترجم.

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ وَالْمَحْمِلِ سَوَاءٌ؟

قَالَ: النَّافِلَةُ كُلُّهَا سَوَاءٌ تُؤمَى إِيْمَاءً أَيْنَمَا تَوَجَّهْتَ دَابَّتْكَ وَ سَدَّ فِينَتَكَ وَ الْفَرِيضَةُ تَنْزِلُ لَهَا عَنِ الْمَحْمِلِ إِلَى الْأَرْضِ إِلَّا مِنْ خَوْفٍ فَإِنْ خِفْتَ أَوْمَاتٌ وَ أَمَّا السَّيْفِينَةُ فَصَلِّ فِيهَا قَائِمًا وَ تَوَخَّ [تَوَجَّهْ] الْقِبْلَةَ بِجُهدِكَ فَإِنَّ نُوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ صَلَّى الْفَرِيضَةَ فِيهَا قَائِمًا مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ وَ هِيَ مُطَبَّقَةٌ عَلَيْهِمْ

قَالَ: قُلْتُ وَ مَا كَانَ عِلْمُهُ بِالْقِبْلَةِ فَيَتَوَجَّهَهَا وَ هِيَ مُطَبَّقَةٌ عَلَيْهِمْ

قَالَ: كَانَ جَبْرَيْئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُومُهُ نَحْوَهَا

قَالَ: قُلْتُ: فَاتَوَجَّهَ نَحْوَهَا فِي كُلِّ تَكْبِيرٍ؟

قَالَ أَمَّا فِي النَّافِلَةِ فَلَا إِنَّ مَا تَكْبَّرَ فِي النَّافِلَةِ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ أَكْثَرَ ثُمَّ قَالَ كُلُّ ذَلِكَ قِبْلَةٌ لِلْمُتَنَفِّلِ إِنَّهُ قَالَ: (فَأَيْنَمَا تَوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ). (1)

186 / [85] - عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَقْرَأُ السَّجْدَةَ وَ هُوَ عَلَى ظَهْرِ دَابَّتِهِ؟

قَالَ يَسْجُدُ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ يُصَلِّي عَلَى نَاقَتِهِ النَّافِلَةَ وَ هُوَ مُسْتَقْبِلُ الْمَدِينَةِ ، يَقُولُ (اللَّهُ تَعَالَى): (فَأَيْنَمَا تَوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) . (2)

ص: 230

- 1- عنه بحار الأنوار: 70/84 ذيل ح 29 ، و 45/87 ح 36 ، وسائل الشيعة : 324/4 ح 5283 ، و البرهان في تفسير القرآن : 315/1 ح 6 .
 2- عنه بحار الأنوار: 100/84 ح 18 ، و 169/85 ذيل ح 4 أشار إليه ، 50/87 ذيل ح 30 ، و البرهان في تفسير القرآن : 315/1 ح 7 علل الشرائع: 2 ح 358 1 (باب- 76 العدة التي من أجلها يسجد) بإسناده عن حمّاد، عن الحلبي ، عن أبي عبد الله عليه السلام عنه وسائل الشيعة : 248/6 ح 7857 ، و البحار: 70/84 ح 28 و 169/85 ح 4 ، و 40/87 ح 30.

84) - زرارہ گفته است: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا نماز در حال مسافرت، داخل کشتی و کجاوه یکسان است؟

فرمود: (نماز های) نافله فرقی نمی کند هر کجا در هر حالتی در کشتی و یا بر روی حیوان و به هر سمتی که باشی (برای رکوع و سجود) اشاره می کنی؛ ولی برای (نماز های) واجب از مرکب سواری فرود می آیی و نماز را روی زمین (در محلی ثابت) بجای می آوری مگر آنکه ترسی وجود داشته باشد که در این صورت نیز با اشاره انجام می دهی و اما نسبت به کشتی در آن نماز به جا می آوری و سعی می کنی رو به قبله باشی حضرت نوح علیه السلام نماز واجب خود را در کشتی رو به قبله به حالت ایستاده به جای آورد با این که کشتی دارای چند طبقه (و تاریک) بود. عرض کردم: قبله را چگونه تشخیص می داد و در سمت آن قرار می گرفت با این که کشتی دارای چند طبقه بود؟

فرمود: جبرئیل او را به سمت قبله می گردانید، گفتم: آیا در هر تکبیری باید رو به سمت قبله کنم؟

فرمود: در نماز مستحبی لازم نیست و می توانی به سمت غیر قبله می توانی تکبیر بگویی سپس افزود: برای نماز نافله همه جهت ها و قبله است «به طرف خدا خواهد بود به درستی که خداوند گسترده و دانا است».

85) - از حماد بن عثمان روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره شخصی که بر پشت چهار پا سوار است و می خواهد سجده انجام دهد سؤال کردم؟

فرمود: به هر سمتی که می تواند رو کند همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار بر شتر بود و به سمت مدینه می رفت و نماز می خواند خداوند فرموده: «پس به هر سمتی که رو گردانید، به طرف خدا خواهد بود به درستی که خداوند گسترده و دانا است».

ص: 231

قوله تعالى: (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ) (121)

86/187 - عَنْ أَبِي وَلاَدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ)؟

قَالَ: فَقَالَ هُمْ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (1)

87/188 - عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ) فَقَالَ: أَلُوْقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. (2)

88/189 - (عَنْ يَعْقُوبَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعَدْلُ الْقَرِيضَةُ). (3)

89/190 - (وَعَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْعَدْلُ» فِي قَوْلِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْفِدَاءُ). (4)

ص: 232

1- عنه بحار الأنوار: 189/23 ح 6، و 189/89 ح 6، و البرهان في تفسير القرآن: 316/1 ح 2. الكافي: 168/1 ح 4، تأويل الآيات الظاهرة: 77/1 ح 56.

2- عنه بحار الأنوار: 214/92 ح 12، و البرهان في تفسير القرآن: 317/1 ح 3 و مستدرک الوسائل: 237/4 ح 4590. عدّة الداعي: 153 مرسلًا و بتفاوت يسير .

3- عنه بحار الأنوار: 61/8 ح 83، و البرهان في تفسير القرآن: 317/1 ح 1، و نور الثقلين: 77/1 ح 188.

4- عنه بحار الأنوار: 61/8 ح 84، و البرهان في تفسير القرآن: 317/1 ح 2، و نور الثقلين: 77/1 ح 189

فرمایش خداوند متعال: کسانی (یعنی یهود و نصارا) که کتاب آسمانی را به آن ها داده ایم آن را چنان که شایسته آن است می خوانند، آن ها به او (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) ایمان می آورند. (121)

(86) - از ابو ولاد روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «آن کسانی که کتاب را عطایشان کردیم و آن را با درک حقیقت و توجه تلاوت می کنند، آن ها به او ایمان می آورند» فرمود: آن ها ائمه علیهم السلام هستند.

(87) - از منصور از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «آن را با درک حقیقت و توجه تلاوت می کنند» پرسیدم؟

فرمود: (هنگام تلاوت قرآن) وقتی به اسم بهشت و دوزخ می رسند، توقف می کنند (که اهل کدام می باشند)

(88) - از یعقوب احمر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: (منظور از) «العدل»، واجبات (الهی) است.

(89) - از ابراهیم بن فضیل روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: «العدل» در نظر حضرت ابو جعفر (امام باقر) علیه السلام: قربانی است.

قوله تعالى: (وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَمْعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ) (123)

90/191 - قَالَ: وَرَوَاهُ أَسْبَاطُ الزُّطِّيِّ قَالَ:

قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُ اللَّهِ «لَا يُقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفًا وَلَا عَدْلًا»

قَالَ: الصَّرْفُ: التَّافِلَةُ وَالْعَدْلُ الْفَرِيضَةُ. (1)

ص: 234

1- عنه بحار الأنوار: 61/8 ح 85 و البرهان في تفسير القرآن: 317/1 ح 3 و نور الثقلين: 77/1 ح 190

فرمایش خداوند متعال: از روزی بترسید که هیچ کسی از دیگری کفایت و دفاع نمی کند و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود و شفاعت هم برای او سودی نخواهد داشت و (از هیچ سوئی) یاری نمی شوند! (123)

(90) - گفت: و نیز اسباط زطی روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام و عرض کردم: تفسیر فرمایش خداوند متعال: «خداوند از او هیچ عملی را - چه مستحب و چه واجب - نمی پذیرد» (1) (چیست)؟

فرمود: (منظور از) «صرف»، مستحبات و «عدل» (در این مورد) واجبات (الهی) است.

ص: 235

1- این عبارت در قرآن نیست یا ناسخ اشتباه کرده و احتمالاً در کلام سائل: (وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ) - بقره آیه 123 بوده است و یا آن که عبارت «قوله تعالی» در حدیث نبوده و ناسخ آن را افزوده است. خداوند به حقایق امور عالم می باشد مترجم

قوله تعالى: وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (124) وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَدِّقِينَ وَعِشْوَةً لِّقُلُوبِهِمْ وَأَوْفُقْنَا إِبْرَاهِيمَ أَن طَهَّرَ بَيْتِي لِّلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (125) وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (126)

[91]/192 - رَوَاهُ بِأَسَانِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ ، قَالَ:

كُنَّا بِمَكَّةَ فَجَرَى الْحَدِيثُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ) قَالَ: أَتَمَّهُنَّ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي قَوْلِ اللَّهِ: (ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)، (1) ثُمَّ قَالَ: (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) قَالَ: يَا رَبِّ! وَيَكُونُ مِنْ ذُرِّيَّتِي ظَالِمٌ؟

قَالَ: نَعَمْ، فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ وَمَنْ اتَّبَعَهُمْ. قَالَ: يَا رَبِّ! فَعَجِّلْ لِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

ص: 236

فرمایش خداوند متعال: و هنگامی که خداوند ابراهیم را با برنامه های گوناگونی آزمود و او آن ها را به پایان رساند پس (خداوند) به او فرمود: من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم ابراهیم اظهار داشت: از ذریه و دودمان من (نیز امامانی قرار بده!) (خداوند) فرمود: عهد و پیمان من به ستم کاران نمی رسد! (124) و هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم پس از مقام ابراهیم عبادت گاهی برای خود انتخاب کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاک و پاکیزه گردانید (125) و هنگامی که ابراهیم گفت: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را - که به خدا و روز آخرت ایمان آورده اند - از ثمرات (گوناگون آن) روزی ده فرمود: و به آن هایی که کافر شدند بهره ناچیزی خواهیم داد سپس آن ها را به عذاب آتش می کشانیم و چه بد سرانجامی خواهد بود! (126)

(91) - با سند هایی از صفوان جمّال روایت کرده است که گفت:

در مکه بودیم که بحثی از فرمایش خداوند به میان آمد: «وزمانی که خداوند ابراهیم را به کلمات (و برنامه هایی) مورد ابتلا قرار داد و او آن ها را به پایان رساند» فرمود: کلمات را به وسیله محمد علی و امامان از فرزندان علی علیهم السلام تکمیل کرد؛ و آن تفسیر این فرمایش خداوند است که: «دودمان و ذریه ای که بعضی از بعضی دیگرند و خداوند شنوا و دانا است»

ص: 237

مَا وَعَدْتَنِي فِيهِمَا، وَعَجَّلَ نَصْرَ رِكَ لَهُمَا وَإِلَيْهِ أَشَارَ بِقَوْلِهِ تَعَالَى : (وَ مَنْ يَرْعُبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ، وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ
إِنِّهٖ، فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ) (1) فَالْمِلَّةُ : الْإِمَامَةُ

فَلَمَّا أَسَدَ كُنْ ذُرِّيَّتَهُ بِمَكَّةَ قَالَ: (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ أُرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ) (2) ، فَاسْتَشْتَى (مَنْ آمَنَ) خَوْفًا أَنْ يَقُولَ لَهُ: لَا، كَمَا
قَالَ لَهُ فِي الدَّعْوَةِ الْأُولَى: (وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) .

فَلَمَّا قَالَ اللَّهُ: (وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ) قَالَ: يَا رَبِّ! وَ مَنْ الَّذِي مَتَّعْتَهُمْ؟

قَالَ: الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِي فَلَانَ وَ فَلَانَ وَ فَلَانَ. (3)

92/193- [عَنْ حَرِيْزٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ) أَيْ لَا يَكُونُ إِمَامًا ظَالِمًا. (4)]

ص: 238

1- سورة البقرة : 130/2.

2- سورة البقرة : 126/2 في الطبع القديم (الرحلي)، بدل الآية الموجودة، هكذا جاءت : (رَبَّنَا إِنِّي أَسَدَكُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ
عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ) - إلى قوله : - (مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ) .

3- عنه بحار الأنوار: 201/25 ح 14 و البرهان في تفسير القرآن : 324/1 ح 6 .

4- عنه بحار الأنوار: 202/25 ح 50، و البرهان في تفسير القرآن : 324/1 ح 7 .

سپس به او فرمود: «من تو را امام و پیشوا قرار داده ام، اظهار داشت: و در دودمان و فرزندانم؟ جواب داد: عهد و خلافت من به ستمگران نمی رسد»

ابراهیم گفت: ای پروردگارا! آیا در دودمان و ذریه من ظالم و ستمگر وجود خواهد داشت؟ پاسخ داد: بلی فلان و فلان و فلان پیروان آن هاینده.

ابراهیم اظهار نمود: ای پروردگارا! آن چه را که در مورد محمد و علی (علیهما السلام) به من وعده داده ای عجله فرما و زود ایشان را یاری فرما که به همین مطلب با فرمایش خود اشاره نموده است: «و کسی از دین و ملت ابراهیم کناره گیری نخواهد کرد مگر آن که سفیه و نادان باشد ما او را در دنیا برگزیدیم و او در آخرت از صالحین و نیکان خواهد بود» که منظور از ملت (در این آیه) امامت می باشد

موقعی که (حضرت ابراهیم علیه السلام) خانواده خود را ساکن مکه گردانید گفت: «پروردگارا! این شهر را امن قرار ده و آن دسته از اهالی که ایمان به خداوند و قیامت آورند، از میوه ها روزیشان گردان» از اهالی آن «کسانی که ایمان آورده اند» را استثنا نموده که مبادا به او بگویند: نه چنان چه در دعای قبلی خود به او گفتند: «عهد (خلافت) به ظالمان نمی رسد»

و چون خداوند فرمود: «هر کسی که کافر شود او را (در دنیا) مختصری بهره مند می کنیم و پس از آن به سوی عذاب جهنم رهسپارش خواهیم نمود که آن گرفتاری بدی است؛ ابراهیم اظهار داشت: ای پروردگارا! آن هایی که مختصری بهره مندشان می کنی چه کسانی هستند؟ (خداوند) فرمود: آنان کسانی هستند که به آیات من کفر می ورزند که فلانی و فلانی و فلانی می باشند.

92) - از حریر (سجستانی) به نقل از کسی که یادآورش شده روایت کرده است که گفت: امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «عهد (خلافت) به ظالمان نمی رسد» فرمود: یعنی امام و پیشوا نمی تواند ظالم و ستمگر باشد.

194/93- (عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ (إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا) قَالَ: فَقَالَ: لَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ إِسْمَاءَ أَفْضَلُ مِنْهُ لَسَمَّانَا بِهِ). (1)

195/94- (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ [عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ] قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الطَّوَافِ فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ؟

فَقَالَ: إِنْ كَانَ بِالْبَلَدِ صَدَّقْتَنِي رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ (وَإِتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى) وَإِنْ كَانَ إِزْتَحَلَ وَسَارَ فَلَا أَمْرَهُ أَنْ يَرْجِعَ). (2)

196/95- (عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فِي حَجٍّ كَانَ أَوْ عُمْرَةٍ وَجَهَلَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يُصَدِّقُ لِيهَا وَلَوْ بَعْدَ أَيَّامٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (وَإِتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى) (3)

197/96- (عَنِ الْمُؤَنِّدِ الثَّوْرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَجَرِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَزَلَتْ ثَلَاثَةٌ أَحْجَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ: الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ اسْتَوْدَعَهُ إِبْرَاهِيمَ، وَ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ حَجَرُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

ص: 240

1- عنه بحار الأنوار: 104/25 ح 3، و البرهان في تفسير القرآن: 324/1 ح 8

2- عنه بحار الأنوار: 215/99 ح 9، و البرهان في تفسير القرآن: 327/1 ح 7، و مستدرک الوسائل: 414/9 ح 11218، و 415 ح 11222. باختصار. الكافي: 425/4 ح 1 تهذيب الأحكام: 139/5 ح 130، الاستبصار: 235/2 ح 6، عنهم وسائل الشيعة: 431/13 ح 18138

3- عنه بحار الأنوار: 215/99 ح 10، و وسائل الشيعة: 433/13 ح 18142 قطعة منه، و البرهان في تفسير القرآن: 328/1 ح 8 مجمع البيان: 203/1، عنه وسائل الشيعة: 432/13 ح 18141.

93- از هشام بن حکم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «به درستی که من تو را برای مردم امام و پیشوا قرار داده ام» فرمود: چنان چه خداوند اسمی بهتر و برتر از آن می دانست، آن را برای ما نام می نهاد.

94- از محمد بن الفضیل [از ابو الصباح] روایت کرده است، که گفت:

از امام صادق درباره مردی که دو رکعت نماز طواف حج یا عمره را فراموش کرده است که در کنار مقام (ابراهیم علیه السلام) بخواند، سؤال شد؟

فرمود: اگر در شهر مکه است دو رکعت نماز را کنار مقام ابراهیم علیه السلام انجام دهد همانا که خدای عزّ و جلّ می فرماید «از کنار مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز برگزینید» ولی اگر کوچ کرده و رفته است دستورش نمی دهم که برگردد.

95 - از حلبی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی طواف واجب کعبه - در حج یا عمره - را انجام داد ولی نمی دانست که باید دو رکعت نماز را در کنار مقام ابراهیم علیه السلام بخواند سؤال کردم؟

فرمود: آن نماز را انجام دهد، گر چه چند روزی هم گذشته باشد زیرا که خداوند فرموده است از مقام ابراهیم جایگاهی برای نماز برگزینید».

96 - از منذر ثوری روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره «حَجَر» (سنگ)، سؤال کردم؟

فرمود سه عدد سنگ از بهشت فرود آمد: (اول) «حجر الأسود» که ابراهیم علیه السلام آن را به ودیعه نهاد؛ (دوم) سنگ موجود در مقام ابراهیم و (سوم) سنگی که (همراه) بنی اسرائیل بود.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ إِسْمٌ تَوَدَّعَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَجَرَ الْأَبْيَضَ وَكَانَ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ الْقَرَّاطِيسِ فَاسْوَدَّ مِنْ خَطَايَا بَنِي آدَمَ . (1)

[97]/198 - (عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

يَا جَابِرُ! مَا أَعْظَمَ فِرْيَةَ أَهْلِ الشَّامِ عَلَى اللَّهِ يَزْعُمُونَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيْثُ صَدَّ إِلَى السَّمَاءِ وَضَعَ قَدَمَهُ عَلَى صَخْرَةِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ ، وَ لَقَدْ وَضَعَ عَبْدٌ مِنَ عِبَادِ اللَّهِ قَدَمَهُ عَلَى حَجَرٍ فَأَمَرْنَا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ نَتَّخِذَهَا مُصَدِّمِي ، يَا جَابِرُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا نَظِيرَ لَهُ وَلَا شَبِيهَ ، تَعَالَى عَنْ صِفَةِ الْوَاصِدِينَ وَجَلَّ عَنْ أَوْهَامِ الْمُتَوَهِّمِينَ ، وَاحْتَجَبَ عَنْ عَيْنِ النَّاطِرِينَ لَا يَزُولُ مَعَ الزَّانِلِينَ وَلَا يَأْفُلُ مَعَ الْإَفْلِينَ (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (2)

[98]/199 - (عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتَهُ: أَتَغْتَسِلُ النِّسَاءُ إِذَا أَتَيْنَ الْبَيْتَ؟

قَالَ: نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (وَطَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ لَا يَدْخُلَ إِلَّا وَهُوَ طَاهِرٌ قَدْ غَسَلَ عَنْهُ الْعَرَقَ وَالْأَذَى وَتَطَهَّرَ (3)

ص: 242

1- عنه بحار الأنوار : 227/99 ح 27، و البرهان في تفسير القرآن : 333/1 ح 5، و مستدرک الوسائل : 431/9 ح 11270 . البحار : 84/12، و قصص الأنبياء عليه السلام للجزائري : 120 (الفصل الرابع في أحوال أولاده عليه السلام و أزواجه) كلاهما عن الطبرسي رحمه الله قال : روي عن الباقر عليه السلام

2- عنه بحار الأنوار: 291/3 ح 6، و 270/102 ح 3، و البرهان في تفسير القرآن : 334/1 ح 6 . التوحيد : 179 ح 13 ، عنه البحار: 329/3 ح 31

3- عنه بحار الأنوار : 193/99 ح 7، و وسائل الشيعة : 282/13 ذيل ح 17749، و البرهان في تفسير القرآن : 329/1 ح 5 علل الشرائع : 411/2 ح 1 (باب - 151 علة غسل دخول البيت)، عنه وسائل الشيعة : 281/13 ح 17749، و البحار : 369/99 ح 3، تهذيب الأحكام : 251/5 ح 12 عنه وسائل الشيعة : 247/14 ح 19112 .

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند «حجر الأسود» را به ابراهیم ودیعه داد، که سفیدتر از کاغذ بود پس (دست) خطا کاران و گناه کاران بنی آدم آن را سیاه کرد.

(97) - از جابر جعفی روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام: فرمود ای جابر! بزرگ ترین نسبت ناروای اهل شام به خداوند این بود که عقیده داشتند خدای متعال به آسمان بالا رفته و پای خود را روی سنگ بیت المقدس نهاده است حال آن که بنده ای از بندگان خدا پای خود را روی آن سنگ نهاده که خداوند پس از آن دستور داد تا آن را مصلائی خود قرار دهیم.

ای جابر! همانا خداوند متعال مانند ی و شبیهی ندارد خداوند والاتر است از آن چه که توصیفش می کنند شریف تر است از آن چه که خیال اندیشان در ذهن خود می پروراند خداوند از چشم هر بیننده ای ناپیداست او به همراه از بین روندگان نابود نمی شود و با خاموش شوندگان خاموش نمی گردد، چیزی همانند او نخواهد بود او شنوا و دانا می باشد.

(98) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: آیا زنانی که می خواهند وارد خانه (کعبه) شوند باید غسل کنند؟

فرمود: بلی زیرا خداوند (سبحان) فرموده است: «خانه مرا برای طواف کنندگان و رکوع و سجود کنندگان (نمازگزاران) تطهیر و پاک گردانید»، پس مقتضی است که بنده خدا وارد مکه نشود مگر با طهارت که بدن خود را از عرق و گرد و خاک و (...) شستشو دهد.

ص: 243

200/19] - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فِي قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَدَأًا آمِنًا وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ) إِنَّا عَنَى بِذَلِكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِدَائِعَهُ وَصِدِّيَّهِ، قَالَ: (وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتَعَهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَصَدَّ طَرَفَهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ) قَالَ: عَنَى بِذَلِكَ مَنْ جَحَدَ وَصِيَّتَهُ وَلَمْ يَتَّبِعْهُ مِنْ أُمَّتِهِ، وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةُ. (1)

201 / [100] - (عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَنْ دَعَا رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ فَطَعَ قِطْعَةً مِنَ الْأَرْدَنِ فَأَقْبَلَتْ حَتَّى طَافَتْ بِالْبَيْتِ سَبْعًا ثُمَّ أَقْرَبَهَا اللَّهُ فِي مَوْضِعِهَا وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ الْأَطَائِفُ بِالطَّوَافِ بِالْبَيْتِ. (2)

202 / [101] - (عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ مِنَ الْجَنَّةِ لِأَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ الْبَيْتُ دُرَّةً بَيْضَاءَ فَرَفَعَهُ اللَّهُ إِلَى السَّمَاءِ وَبَقِيَ أَساسُهُ فَهُوَ حِيَالُ هَذَا الْبَيْتِ وَقَالَ: يَدْخُلُهُ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفًا مَلَكًا لَا يَرْجِعُونَ إِلَيْهِ أَبَدًا فَأَمَرَ اللَّهُ

ص: 244

1- عنه بحار الأنوار: 84/99 ح 43، والبرهان في تفسير القرآن: 334/1 ح 7، ونور الثقلين: 24/1 ح 360.

2- عنه بحار الأنوار: 109/12 ذيل ح 31، و 80/99 ح 21 أشار إليه، والبرهان في تفسير القرآن: 334/1 ح 8. المحاسن: 340/2 ح 130 (كتاب العلل) بإسناده عن أحمد بن محمد أبي نصر قال: قال أبو الحسن عليه السلام، الكافي: 428/4 ح 7 بتفاوت يسير علل الشرائع: 442/2 ح 1 (باب - 189) بإسناده عن إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه عليّ بإسناده قال: قال أبو الحسن عليه السلام، عنه البحار: 109/12 ح 3، و 79/99 ح 18، وقصص الأنبياء عليهم السلام للجزائري: 127 (الفصل الرابع في أحوال أولاده عليه السلام وأزواجه).

99) - از عبد الله بن غالب او از، پدرش به نقل از مردی روایت کرده است که گفت:

امام سجاد علیه السلام درباره سخن حضرت ابراهیم: «پروردگارا! این شهر را محل امن قرار ده و از انواع میوه ها روزی اهل آن گردان آن هایی که به خداوند ایمان آورند» فرمود: مقصود ما (اهل بیت عصمت و طهارت) با دوست داران و شیعیان وصیش می باشیم

و فرمود «و کسانی که کفر ورزند، پس اندک متاعی در اختیارشان قرار می دهم سپس به عذاب آتش مجبورشان می نمایم»، مقصود کسانی هستند که وصی (حضرت رسول صلی الله علیه و آله) را انکار کرده و از امت او پیروی و متابعت ننموده اند.

100) - از احمد بن محمد روایت کرده است که گفت:

آن حضرت امام ابو الحسن علیه السلام فرمود: هنگامی که ابراهیم به درگاه پروردگارش دعا کرد که خداوند اهل مکه را از ثمرات بهره مند نماید، خداوند نیز قطعه ای از زمین اردن را جدا نمود و آن قطعه آمد و در اطراف کعبه هفت دور طواف نمود سپس خداوند آن را در جایگاه خودش برگردانید؛ و این که چرا آن را طائف گویند؟ فرمود: چون در اطراف کعبه طواف نموده است.

101) - و از ابو سلمه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند «حجر الأسود» را از بهشت برای آدم فرستاد و خانه کعبه هم چون دژی سفید و شفاف بود، سپس خداوند آن را به آسمان بالا برد ولی اساس و جایگاهش باقی ماند آن خانه ای که بالا رفته در موازی و قبال این (خانه ای است که در زمین موجود) می باشد

سپس افزود: هر روز هفتاد هزار فرشته در آن وارد می شوند که باز نمی گردند؛

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْبَيْتِ أَ كَانَ يُحَجُّ قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ وَتَصَدِيقُهُ فِي الْقُرْآنِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ قَالَ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ - حَيْثُ تَزَوَّجَ - : (عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ) (2) وَلَمْ يَقُلْ ثَمَانِي سِنِينَ. وَإِنَّ آدَمَ وَنُوحًا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حَجَّ وَ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَدْ حَجَّ الْبَيْتَ بِالْحِجِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ وَالرِّيحِ وَحَجَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى جَمَلٍ أَحْمَرَ يَقُولُ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ، وَإِنَّهُ كَمَا قَالَ اللَّهُ: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ) (3) وَقَالَ: (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ) (4) وَقَالَ (أَنْ طَهَّرْنَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ) وَ إِنْ اللَّهُ أَنْزَلَ الْحَجَرَ لِآدَمَ وَكَانَ الْبَيْتُ. (5)

ص: 246

1- عنه مجمع البيان 389/1، وبحار الأنوار: 86/12 و 64/99 ح 40، والبرهان في تفسير القرآن: 334/12 ح 9 و مستدرك الوسائل: 322/9 ح 11008. الكافي: 188/4 ح 2 بإسناده عن أحمد بن عائذ، عن أبي خديجة قال: ...، عنه وسائل الشيعة: 208/13 ح 17580، علل الشرائع: 398/2 ح 1 (باب - 140) بإسناده عن أبي خديجة، عن أبي عبد الله عليه السلام عنه البحار: 57/58 ح 2 و 1258/99.

2- سورة القصص: 27/28

3- سورة آل عمران: 96/3

4- سورة البقرة: 127/2

5- عنه بحار الأنوار: 64/99 ح 42، والبرهان في تفسير القرآن: 334/1 ح 10، ونور الثقلين: 124/4 ح 54 قطعة منه، و مستدرك الوسائل: 9/8 ح 8922، كذا قطعة فيه

و خداوند ابراهیم و اسماعیل را دستور داد تا این خانه را بر همان پایه ها (اولیه اش) بسازند.

102 - و حلیی گفته است:

از امام صادق علیه السلام پیرامون خانه (کعبه) سؤال شد که آیا (مردم در آن زمان) پیش از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حج به جا می آوردند؟

فرمود: بلی؛ و تأیید آن در قرآن به نقل از سخن شعیب که به موسی علیه السلام در موقع ازدواجش گفت: «بنابر آن که هشت مرحله حج انجام دهی» و نگفت هشت سال دیگر آن که آدم و نوح علیهما السلام حج را انجام دادند.

هم چنین سلیمان علیه السلام به همراه، جنیان، انسیان، پرندگان و بادها، حج را به جای آورد، موسی علیه السلام سوار بر شتر سرخ رنگ حج انجام داد و می گفت: «لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ».

و هم چنان که خداوند متعال فرموده است «همانا اولین خانه ای که روی زمین نهاده شد آن خانه ای است که در مکه با برکت واقع شد که هدایت گر جهانیان می باشد» و فرموده «و هنگامی که ابراهیم با اسماعیل پایه های خانه را بالا می بردند» و (نیز) فرموده: «خانه مرا برای طواف کنندگان و رکوع و سجود کنندگان (نمازگزاران) تطهیر و پاک گردانید» خداوند متعال حجر الأسود را نازل نمود در حالی که کعبه وجود داشت.

ص: 247

قوله تعالى : (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (127) (رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ) (128)

204/ [103] - (عَنْ أَبِي الْوَرْقَاءِ [أَبِي الْوَرْدِ] قَالَ :

قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوَّلُ شَيْءٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَا هُوَ؟

قَالَ: أَوَّلُ شَيْءٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فَهُوَ الْبَيْتُ الَّذِي بِمَكَّةَ أَنْزَلَهُ اللَّهُ يَا قُوتَةَ حَمْرَاءَ فَفَسَقَ قَوْمُ نُوحٍ فَرَفَعَهُ حَيْثُ يَقُولُ (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ) (1).

205/ [104] - عَنْ أَبِي عَمْرٍو الرُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهُمْ؟

قَالَ: أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ بَنُو هَاشِمٍ خَاصَّةً،

قُلْتُ: فَمَا الْحُجَّةُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ أَنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِهِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ دُونَ غَيْرِهِمْ؟

قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ) فَلَمَّا أَجَابَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَجَعَلَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا أُمَّةً مُسْلِمَةً وَبَعَثَ فِيهَا رَسُولًا مِنْهَا - يَعْنِي مِنْ تِلْكَ الْأُمَّةِ - يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ رَدَفَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: 248

1- عنه بحار الأنوار: 64/99 ح 42 و البرهان في تفسير القرآن : 335/1 ح 11، و نور الثقلين: 126/1 ح 365 .

فرمایش خداوند متعال: و زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند (می گفتند): پروردگارا! از ما بپذیر همانا تو شنوا و دانا هستی! (127) پروردگار ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از نسل و دودمان ما امتی که تسلیم فرمان تو باشند به وجود آور و شیوه عبادت و مناسک ما را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر به درستی که تو توبه پذیر و مهربان هستی (128)

(103) - از ابوورقاء روایت کرده است که گفت:

به امیر المؤمنین علیه السلام عرض کردم: اولین چیزی که از آسمان فرود آمد، چه بود؟

فرمود: اولین چیزی که از آسمان بر زمین نازل شد خانه ای است که در مکه می باشد که خداوند آن را هم چون یاقوتی قرمز نازل نمود، ولی قوم نوح فسق و فجور کردند تا این که خداوند آن را به آسمان بالا برد همان طوری که فرمود: «در آن هنگامی که ابراهیم و اسماعیل اساس و پایه های خانه (کعبه) را بالا بردند».

(104) - از ابو عمرو زبیری روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا از امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آگاه فرما چه کسانی هستند؟

فرمود: امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله فقط بنی هاشم می باشند.

عرض کردم: چه دلیلی است که فقط اهل بیت آن حضرت از امت او هستند؟ فرمود: فرمایش خداوند است که می فرماید: «هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند گفتند: پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانا هستی * پروردگارا! ما و فرزندان ما را فرمان بردار خویش قرار ده و مناسک ما را به ما بیاموز و توبه ما را بپذیر که تو، توبه پذیر و مهربان هستی» پس چون خداوند (دعای) ابراهیم و اسماعیل را اجابت نمود بعضی از دودمان و ذریّه،

ص: 249

دَعْوَتَهُ الْأُولَى بِدَعْوَتِهِ الْأُخْرَى فَسَأَلَ لَهُمْ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرِكِ وَ مِنْ عِبَادِهِ الْأَصْدَانِ لِيَصِحَّ أَمْرُهُ فِيهِمْ وَلَا يَتَّبِعُوا غَيْرَهُمْ، فَقَالَ (وَ أَجُنُبِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضَلَّلْنَ كَثِيراً مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (1) فَهَذِهِ دَلَالَةٌ عَلَى أَنَّهُ لَا تَكُونُ الْأَيْمَةُ وَ الْأُمَّةُ الْمَسْئُومَةُ الَّتِي بُعِثَ فِيهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَّا مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَوْلِهِ (وَ أَجُنُبِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ) (2).

(3)

قوله تعالى : (أَمْ كُنْتُمْ شُرَكَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (133))

[105]/206- (عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ تَقْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ مِنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : (إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا) ؟

ص: 250

1- سورة إبراهيم : 36/14 .

2- سورة إبراهيم : 35/14

3- عنه بحار الأنوار: 154/24 ح 7 و 229/68 قطعة منه ، و البرهان في تفسير القرآن : 335/1 ح 12، و نور الثقلين : 129/1 ح 379 دعائم الإسلام : 33/1 (ذكر إيجاب الصلاة على محمد و على آل محمد عليهم السلام) بتفاوت .

ایشان را ائمت مسلمان قرار داد و از بین خود آن ائمت پیامبری را برگزید، که آیات خداوند را برای ایشان تلاوت می نمود و ایشان را ترکیه و تربیت می کرد و کتاب و حکمت را تعلیم شان می داد

هم چنین حضرت ابراهیم علیه السلام به دنبال دعای اولش، دعای دیگری نمود و درخواست کرد که (ائمت مسلمان و ذریه اش) از هر نوع شرک و بت پرستی پاک و منزّه باشند تا آن که دستور خداوند صحیح و درست اجرا شود و از هر گونه تمایل به غیر خدا اجتناب نمایند هم چنان که فرمود: «(خداوندا!) مرا و فرزندانم را از بت پرستی دورگردان * پروردگارا! آنان بسیاری از انسان ها را گمراه کردند پس هر که مرا پیروی نماید از من است و هر کسی که مخالفت و معصیت مرا کند، تو درباره او آمرزنده و مهربان هستی» بنابراین استفاده می شود که امامان و ائمت مسلمانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله از بین آنان برانگیخته شد فقط از ذریه ابراهیم علیه السلام هستند؛ زیرا که فرمود: «من و فرزندان مرا از بت پرستی دور گردان».

فرمایش خداوند متعال: آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید شما حاضر بودید؟ در آن هنگامی که به فرزندانش گفت: بعد از (درگذشت) من چه چیز را می پرستید؟ گفتند: خدای تو، و خدای پدرانت ابراهیم اسماعیل و اسحاق را همان خداوند یکتا را (پرستش می نمایم) و ما در برابر او تسلیم هستیم (133)

(105) - از جابر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام پیرامون تفسیر این آیه از فرمایش خداوند: «هنگامی که (یعقوب) به فرزندان خود گفت: بعد از من چه کسی را پرستش می کنید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را به عنوان خدای یکتا

قَالَ جَرَتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (1)

[106]/207 - (عَنْ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْحَنِيفَةَ هِيَ الْإِسْلَامُ). (2)

[107]/208 - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: [قال]:

مَا أَبْتَقْتُ الْحَنِيفِيَّةَ شَيْئاً حَتَّى إِنَّ مِنْهَا قَصَّ الشَّارِبِ وَقَلَمِ وَالْأظْفَارِ الْخِتَانِ). (3)

قوله تعالى: (قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسَدَ بَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (136) فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (137)

[108]/209 - (عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ (4)، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ) أَمَّا قَوْلُهُ: (قُولُوا) فَهُمْ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَوْلُهُ: (فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا) سَائِرُ النَّاسِ). (5)

ص: 252

-
- 1- عنه البرهان في تفسير القرآن: 337/1 ح 1 ونور الثقلين: 131/1 ح 387.
 - 2- عنه بحار الأنوار: 281/3 ح 21، و البرهان في تفسير القرآن: 337/1 ح 1.
 - 3- عنه بحار الأنوار: 33/67 و 68/76 ح 4، و وسائل الشيعة: 437/21 ح 27521، و البرهان في تفسير القرآن: 337/1 ح 2 ونور الثقلين: 94/3 ح 263.
 - 4- في تحقيق المحلّاتي: الفضل بن صالح
 - 5- عنه بحار الأنوار: 355/23 ح 5 و 152/24 ح 39، و البرهان في تفسير القرآن: 338/1 ح 1.

می پرستیم» سؤال کردم که مقصود کیست؟

فرمود: درباره حضرت قائم (آل محمد علیهم السلام) می باشد

(106) - از ولید روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که «حنيفية»، همان اسلام می باشد.

(107) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر لیه السلام فرمود: دین حنیف (اسلام واقعی) چیزی را (از شرح وظایف برای انسان ها) ترک نکرده است بلکه حتی کوتاه کردن شارب (سبیل)، ناخن و ختنه کردن را هم آورده است.

فرمایش خداوند متعال: بگوئید: ما به خدا ایمان آورده ایم و به آن چه که بر ما نازل شده و آن چه که بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب و (بر دیگر) پیامبران از فرزندان او نازل گردیده و آن چه به موسی عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده (ایمان آوردیم) و در میان هیچ یک از آن ها جدایی قائل نمی شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم (136) پس اگر آن ها نیز به مانند آن چه شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند هدایت یافته اند ولی اگر سرپیچی کنند از حق جدا شده اند و خداوند شرّ آن ها را از تو برطرف می نماید و او شنونده و دانا است (137)

(108) - از مفضل بن صالح، به نقل از بعضی اصحابش پیرامون فرمایش خداوند: «بگوئید: ما به خدا و آیاتی که بر ما نازل شده ایمان آورده ایم و نیز آن چه بر ابراهیم اسماعیل، اسحاق، یعقوب و سبط ها نازل آمده است» روایت کرده است که مقصود از «قُولُوا» آل محمد علیهم السلام هستند و «پس اگر به آن چه شما ایمان آورده اید، آنان نیز ایمان بیاورند، هدایت یافته اند» سایر انسان ها می باشند

ص: 253

109/210] - (عَنْ حَتَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: كَانَ وُلْدُ يَعْقُوبَ أَنْبِيَاءَ؟

قَالَ: لَا وَ لَكِنَّهُمْ كَانُوا أَسْبَاطَ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَمْ يَكُونُوا يُفَارِقُوا الدُّنْيَا إِلَّا سَعْدَاءَ تَابُوا وَ تَذَكَّرُوا مَا صَنَعُوا. (1)

110/211] - (عَنْ سَلَامٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا) قَالَ: [إِنَّمَا] عَنَى بِذَلِكَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ جَرَتْ بَعْدَهُمْ فِي الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: ثُمَّ يَرْجِعُ الْقَوْلُ مِنَ اللَّهِ فِي النَّاسِ فَقَالَ: (فَإِنْ آمَنُوا) يَعْنِي النَّاسَ (بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ) يَعْنِي عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ بَعْدِهِمْ (فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ) . (2)

قوله تعالى: (صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عِبْدُونَ) (138)

111/ 212] - (عَنْ زُرَّازَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: 254

-
- 1- عنه مجمع البيان: 405/1، و بحار الأنوار: 9/11 و 291/12 ذيل ح 75 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 338/1 ح 2 الكافي : 246/82 ح 343 مع زيادة في آخره، عنه البحار: 269 30 ح و 26930 ح 137 قطعه منه، و البرهان في تفسير القرآن: 338/1 ذيل ح 2 أشار إليه . و تأتي قطعتان منه في الحديث ح 83 سورة «آل عمران» و الحديث 77 من سورة «يوسف».
- 2- عنه بحار الأنوار: 355/23 ح 6 ، و 152/24 ح 40 ، و 20/67، و البرهان في تفسير القرآن: 339/1 ذيل ح 3 أشار إليه . الكافي : 344/1 ح 19 عنه تأويل الآيات الظاهرة: 84 ، و البحار: 356/23 ذيل ح 6 أشار إليه، و عنه و عن العياشي، البحار: 20/67

109) - از حنّان بن سَدیر، به نقل از پدرش روایت کرده است که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آیا فرزندان یعقوب، پیامبر بودند؟

فرمود: نه ولی آنان اسباط و فرزندان پیامبران بودند و از دنیا نرفتند، مگر آن که خوشبخت و رستگار گردیدند چون موفق به توبه شدند و از کردار گذشته خویش استغفار کردند.

110) - از سلّام روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «(ابراهیم علیه السلام اظهار نمود: ما به خدا و آیاتی که بر ما نازل شده ایمان آورده ایم)» فرمود: مقصود علی، فاطمه حسن و حسین علیهم السلام هستند که بعد از ایشان در دیگر امامان علیهم السلام نیز جاری می باشد سپس سخن خداوند به دیگر مردم باز می گردد که فرموده است: «پس اگر ایمان آوردند» یعنی مردم هم چنان که شما ایمان آورده اید» که علی فاطمه، حسن، حسین و دیگر امامان علیهم السلام هستند «پس هدایت یافته اند، اما اگر روی برگردانند و پشت کنند در شقاوت و بدبختی خواهند بود»

فرمایش خداوند متعال رنگ خدایی را رنگ ایمان و توحید و اسلام (بپذیرید) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما فقط او را عبادت می کنیم (138)

111) - از زراره از امام باقر علیه السلام، و (نیز) از حمران از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که (درباره این آیه شریفه) فرموده اند «صبغة»، (همان معارف و احکام) اسلام است

ص: 255

213 / [112] - (عَنْ عُمَرَ وَبْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ الْهَاشِمِيِّ - مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (صَبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صَبْغَةً) قَالَ: الصَّبْغَةُ مَعْرِفَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْوَلَايَةِ فِي الْمِيثَاقِ). (2)

قوله تعالى: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ عَمَلَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ) (143)

214 / [113] - (عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ

قُلْتُ لَهُ (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) قَالَ: نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ

ص: 256

1- عنه بحار الأنوار: 281/3 ح 19 و البرهان في تفسير القرآن: 340/1 ح 6. المحاسن: 240/12 ح 221 (باب - 24 جوامع من التوحيد) بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام قال: عروة الله الوثقى التوحيد و الصبغة الإسلام عنه البحار: 279/3 ح 14

2- عنه بحار الأنوار: 281/3 ح 20، و البرهان في تفسير القرآن: 340/1 ح 7. تفسير فرات الكوفي: 53 ح 25 عنه البحار: 366/23 ح 32 بتفاوت، و نحوه الكافي: 422/1 ح 53، عنه تأويل الآيات الظاهرة: 85 و البحار: 379/23 ح 65، الصراط المستقيم: 291/1 (الباب الثامن فيما جاء في تعيينه).

(112) - از عمرو بن عبد الرحمان بن كثير هاشمی روایت کرده است که گفت:

امام صادق درباره فرمایش خداوند: «این رنگ خداست و رنگ چه کسی از رنگ خدا بهتر است» فرمود: مقصود از «صبغة» امیر المؤمنین علیه السلام می باشد که این آیه نسبت به ولایت آن حضرت در (عالم ذرّ و) میثاق است.

فرمایش خداوند متعال: و هم چنین شما را، نیز امت میانه ای قرار دادیم (که در حد اعتدال بوده) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه خواهد بود و ما آن قبله ای را که قبلاً بر آن، بودی تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند از آن افرادی که به جاهلیت باز می کردند مشخص شوند و این حکم بر غیر از کسانی که خداوند آن ها را هدایت کرده دشوار بود و خداوند هرگز ایمان (و نماز) شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم رحیم و مهربان است. (143)

(113) - از برید بن معاویه روایت کرده است که گفت :

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: (مقصود از) فرمایش خدای تبارک و تعالی: «ما شما را این چنین از بهترین امت ها قرار دادیم تا بر مردمان گواه باشید و رسول هم بر شما گواه باشد»، (چه کسانی هستند)؟

فرمود: ما امت وسط هستیم و ما گواهان خدا بر آفریده هایش خواهیم بود

ص: 257

عَلَى حَلْقِهِ وَحُجَّتُهُ فِي أَرْضِهِ. (1)

215 / [114] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: نَحْنُ نَمَطُ الْحِجَازِ (2) فَقُلْتُ: وَمَا نَمَطُ الْحِجَازِ؟

قَالَ: أَوْسَطُ الْأَنْمَاطِ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا) قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنِّي نَارِجُ الْعَالِي وَبِنَا يَلْحَقُ الْمُقَصِّرُ. (3)

216 / [115] - (وَرَوَى عُمَرُ بْنُ حَنْظَلَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هُمْ الْأَيْمَةُ (4)

217 / [116] - وَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ يَرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ) قَالَ: بِمَا عِنْدَنَا مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَبِمَا صَيَّعُوا

مِنْهُ. (5)

ص: 258

1- عنه بحار الأنوار : 342/23 ذيل ح 23 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن : 345/1 ح 7. بصائر الدرجات 77 ح 11 (الباب 3)، عنه البحار : 342/23 ح 23 ، الكافي : 190/1 ح 2 بتفصيل عنه البحار : 357/16 ح 48 و 336/23 ح 2 .

2- قال المجلسي رحمه الله : كأنه كان النمط المعمول في الحجاز أفخر الأنماط، فكان يبسط في صدر المجلس وسط سائر الأنماط، وفي النهاية : في حديث علي عليه السلام : خير هذه الأمة النمط الأوسط، النمط : الطريقة من الطرائق إلى أن قال: والأنماط: ضرب من البسط له حمل رقيق، واحدها نمط . انتهى ، ثم ذكر كلام صاحب القاموس في ذلك، فراجع أن شئت.

3- عنه بحار الأنوار : 349/23 ح 57 ، و 441/22 ، و 334/23 ، و البرهان في تفسير القرآن : 345/1 ح 8 ، و نور الثقلين : 134/1 ح 407 .

4- عنه بحار الأنوار : 343/23 ذيل ح 28 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن : 346/1 ح 10 بصائر الدرجات : 82 ح 2 (باب - 13 - في الأئمة عليهم السلام أنهم شهداء لله)، عنه البحار : 343/23 ح 28 .

5- عنه البرهان في تفسير القرآن : 345/1 ح 9 و نور الثقلين : 135/1 ح 408. بصائر الدرجات : 82 ح 1 (باب - 13 - في الأئمة عليهم السلام أنهم شهداء لله)، و 516 ح 45 (باب - 18 - النوادر في الأئمة عليهم السلام)، عنهما البحار : 34/23 ح 27 .

و حجّت های او در زمینش می باشیم.

(114) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: ما (اهل بیت رسالت) نمط حجاز هستیم گفتیم: نمط حجاز چیست؟

فرمود: بهترین و برترین مردم حجاز می باشند همان طوری که خداوند فرموده است «و ما شما را این چنین از بهترین امت ها قرار دادیم تا بر مردمان گواه باشید»، سپس فرمود: هر بلند پروازی به سوی ما باز می گردد و هر کندرو و عقب افتاده ای به ما ملحق می شود

(115) - و از عمر بن حنظله روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام فرمود: ایشان، امامان و پیشوایان می باشند.

(116) - و نیز از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام (درباره فرمایش خداوند متعال): «تا بر مردمان گواه باشید» فرمود: به خاطر آن چه از حلال و حرام نزد ما می باشد و بر آن چه که دیگران ضایع کردند.

(117) - از ابو عمر و زبیری روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند متعال می فرماید: «هم چنین ما شما را امت میانه و از بهترین امت ها قرار دادیم تا بر مردمان گواه باشید و رسول هم بر شما گواه باشد» پس اگر گمان می کنی که خداوند در این آیه تمام اهل قبله - از یکتا پرستان - را اراده نموده است (گمان نادرستی است) آیا (چنین تفسیری صحیح است) کسی که شهادتش در دنیا برای یک من خرما پذیرفته نمی شود

قَالَ اللَّهُ: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) فَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّ اللَّهَ عَنَى بِهَذِهِ الْآيَةِ جَمِيعَ أَهْلِ الْقَبْلَةِ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ أَفْتَرَى أَنَّ مَنْ لَا يَجُوزُ شَهَادَتُهُ فِي الدُّنْيَا عَلَى صَاعٍ مِنْ تَمْرٍ يَطْلُبُ اللَّهُ شَهَادَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَقْبَلُهَا مِنْهُ بِحَضْرَةِ جَمِيعِ الْأُمَّمِ الْمَاضِيَةِ كَلَّا لَمْ يَعْنِ اللَّهُ مِثْلَ هَذَا مِنْ خَلْفِهِ، يَعْنِي الْأُمَّةَ الَّتِي وَجَبَتْ لَهَا دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ) (1) وَهُمْ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَهُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ . (2)

219/118] قَالَ أَبُو عَمْرٍو الرُّبَيْرِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أَلَا تُخْبِرُنِي عَنِ الْإِيمَانِ أَقَوْلٌ هُوَ وَعَمَلٌ أَمْ قَوْلٌ بِلَا عَمَلٍ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِيمَانُ عَمَلٌ كَلَّةٌ وَالْقَوْلُ بَعْضُ ذَلِكَ الْعَمَلِ، مَفْرُوضٌ مِنَ اللَّهِ مُبَيَّنٌ فِي كِتَابِهِ وَاضِحٌ نُورُهُ، ثَابِتَةٌ حُجَّتُهُ يُشْهَدُ لَهُ بِهَا الْكِتَابُ وَيَدْعُو إِلَيْهِ وَلَمَّا أَنْ أَصْرَفَ نَبِيِّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْكَعْبَةِ عَنْ بَيْتِ الْمَقْدِسِ قَالَ الْمُسْلِمُونَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَرَأَيْتَ صَلَاتَنَا الَّتِي كُنَّا نُصَلِّي إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ مَا حَالُنَا فِيهَا، وَمَا حَالُ مَنْ مَضَى مِنْ أَمْوَاتِنَا وَهُمْ يُصَلُّونَ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ؟

فَأَنْزَلَ اللَّهُ (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ) فَسَمِيَ الصَّلَاةُ إِيمَانًا فَمَنْ اتَّقَى اللَّهَ حَافِظًا لِحَوَارِجِهِ مُوفِيًا كُلَّ جَارِحَةٍ مِنْ جَوَارِحِهِ بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ، لَقِيَ اللَّهَ مُسْتَكْمِلًا لِإِيمَانِهِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ

ص: 260

1- سورة آل عمران : 110/3 .

2- عنه بحار الأنوار: 350/23 ح 58، و البرهان في تفسير القرآن: 346/1 ح 11، و نور الثقلين: 135/1 ح 409. دعائم الإسلام : 35/1

(ذكر إيجاب الصلاة على محمد و على آل محمد عليهم السلام) بتفصيل .

خداوند در روز قیامت از او شهادت بطلبد و در مقابل تمام امت های گذشته شهادت او را بپذیرد؟

هرگز چنین چیزی را خداوند اراده نکرده که مانند چنین فردی منظورش باشد ابراهیم علیه السلام برای چنین فردی دعا نکرده است، بلکه منظور افرادی هستند که دعوت ابراهیم علیه السلام شاملشان گشته باشد هم چنان که فرمود: «شما بهترین و برترین امت های می باشید که برای مردم آفریده شده اید» و ایشان معتدل ترین امت و بهترین امت از میان مردم خواهند بود.

(118) - ابو عمر و زبیری گفته است:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا مرا از ایمان آگاه نمی فرمایی، که آیا سخن و کردار با هم است؟ یا سخن بدون کردار؟

فرمود: مجموعه ایمان همان کردار است و سخن، بخشی از کردار می باشد که خداوند آن را واجب گردانده و در کتابش (قرآن) بیان نموده که نورش فراگیر است برهانش آشکار و پایدار می باشد کتاب (قرآن) بر آن گواه و دعوت کننده به آن است.

چون خداوند (قبله) پیامبرش را از بیت المقدس به سمت مکه بازگردانید عده ای از مسلمانان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند: نمازی را که (تا کنون) به سمت بیت المقدس خوانده ایم (حکمش) چیست؟ وظیفه ما و مردگان ما که با آن حالت نماز خوانده اند چگونه است؟

پس خداوند (متعال) فرمود: «خدا ایمان شما را تباه نمی کند او بر مردمان مهربان و بخشاینده است و نماز را ایمان نامید بنابراین هر کسی که نگهدار اعضا و جوارح خود باشد و هر عضوی را در انجام وظیفه ای که خداوند بر آن نهاده و ادا کند؛ خداوند را در حالی ملاقات می کند که ایمانش کامل و اهل بهشت باشد؛ و کسی که در یکی از آن موارد خیانت کند خداوند را

ص: 261

وَمَنْ حَانَ فِي شَيْءٍ مِنْهَا أَوْ تَعَدَّى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهَا لَعِيَ اللَّهُ نَاقِصَ الْإِيمَانِ. (1)

قوله تعالى: (قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (144)

220 / [119] - (عَنْ حَرِيْزٍ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِسْتَقْبَلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ وَلَا تَقَلِّبْ وَجْهَكَ مِنَ الْقِبْلَةِ فَتَفْسُدَ صَلَاتُكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْفَرِيضَةِ: (فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ). (2)

221 / [120] - (عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

إِلْزَمِ الْأَرْضَ، لَا تُحَرِّكَنَّ يَدَكَ وَلَا رِجْلَكَ أَبَدًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ أَذْكُرُهَا لَكَ فِي سَنَةِ

ص: 262

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 199/19 ح 1 قطعة منه، 66/84 ح 20، و البرهان في تفسير القرآن: 347/1 ح 4، و مستدرک الوسائل: 3/172 ح 3293 قطعة منه . الكافي: 2/33 ح 1 بإسناده عن أبي عمرو الزبيری، عن أبي عبد الله عليه السلام، و 38 ح 7 بإسناده عن حماد بن عمرو النصيبي قال: سأل رجل العالم عليه السلام بتفصيل في كليهما، عنه البحار: 69/23 ح 6، دعائم الإسلام 4/1 (ذكر الإيمان)
- 2- عنه بحار الأنوار: 84/55 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 1/348 ح 2، و مستدرک، الوسائل: 3/182 ح 3306. من لا يحضره الفقيه: 1/278 ح 856 عنه وسائل الشيعة: 4/312 ح 5243.

در حالی ملاقات می کند که ایمانش ناقص خواهد بود

فرمایش خداوند متعال: همانا ما نگاه های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! پس اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی باز می گردانیم پس روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردان! و هر جا باشید روی خود را به سوی آن بگردانید و کسانی که کتاب آسمانی به آن ها داده شده بخوبی می دانند که این فرمان حقی است که از ساحیه پروردگارشان صادر شده است و خداوند از اعمال آن ها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست! (144)

(119) - از حریر (سجستانی) روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که با صورت خود رو به قبله قرار گرفتی صورت خویش را از قبله بر مگردان و گرنه نمازت باطل می شود زیرا که خدای عزّ و جلّ درباره نماز واجب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «پس روی خود را به سمت مسجد الحرام بگردانید؛ و در هر کجا که بودید صورت های خود را به سمت آن بگردانیده»

(120) - از جابر جعفی روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام (به جابر) فرمود: در جای خود بنشین و حرکتی از خود نشان نده تا موقعی که علائمی را در سال طاق رخ می دهد مشاهده کنی که اکنون آن علائم را برای تو یادآور می شوم در دمشق فریاد گری را ببینی که صدا می زند. در یکی از روستا های آن فرورفتگی پدید می آید قسمتی از مسجد آن فرو می ریزد پس از آن طایفه ترک را می بینی که از آن جا (دمشق) می گذرند و در جزیره (موصل - بین

ص: 263

وَتَرَى مُنَادِيًا يَدْعُو بِدِمَشْقَ، وَحَسَّ فَمَا بَقَرِيهِ مِنْ فُرَاهَا، وَتَسْمَعُ طَائِفَهُ مِنْ مَسَدِ جِدِّهَا، فَإِذَا رَأَيْتَ التُّرُكَ جَاؤُوهَا، فَأَقْبَلَتِ التُّرُكُ حَتَّى نَزَلَتْ
الْجَزِيرَةَ، وَأَقْبَلَتِ الرُّومُ حَتَّى نَزَلَتِ الرَّمْلَةَ، وَهِيَ سَنَةٌ اِخْتِلَافٍ فِي كُلِّ أَرْضٍ مِنْ أَرْضِ الْعَرَبِ. وَأَنَّ أَهْلَ الشَّامِ يَحْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى
ثَلَاثِ رَايَاتٍ: الْأَصَدَّ هَبِّ، وَالْأَبْقَعِ، وَالسُّفْيَانِيَّ، مَعَ بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ مُصَرِّرٍ، وَمَعَ السُّفْيَانِيَّ أَوْ خَوَالِهِ مِنْ كَلْبٍ، فَيُظْهِرُ السُّفْيَانِيُّ، وَمَنْ مَعَهُ بَنِي
ذَنْبِ الْحِمَارِ، حَتَّى يَفْتُلُوا قِتْلًا لَمْ يَقْتُلْهُ شَيْءٌ قَطُّ

وَيُحْضِرُ رَجُلٌ بِدِمَشْقَ، فَيَقْتُلُ هُوَ وَمَنْ مَعَهُ قِتْلًا لَمْ يَقْتُلْهُ شَيْءٌ قَطُّ، وَهُوَ مِنْ بَنِي ذَنْبِ الْحِمَارِ، وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: ()
فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَسِّ هَدْيِ يَوْمِ عَظِيمٍ). (1) يُظْهِرُ السُّفْيَانِيُّ وَمَنْ مَعَهُ حَتَّى لَا يَكُونَ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا آلُ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَشِيعَتُهُمْ

فَيَعْتُ وَاللَّهُ! بَعَثْنَا إِلَى الْكُوفَةِ فَيَصَابُ بِأَنَاسٍ مِنْ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ بِالْكُوفَةِ قِتْلًا وَصَلْبًا وَتُقْبَلُ رَايَةٌ مِنْ خُرَاسَانَ حَتَّى تَنْزِلَ سَاحِلَ الدَّجَلِ، يَخْرُجُ
رَجُلٌ مِنَ الْمَوَالِي ضَعِيفٌ وَمَنْ تَبِعَهُ، فَيَصَابُ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ، وَيَعْتُ بَعَثْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَقْتُلُ بِهَا رَجُلًا، وَيَهْرُبُ الْمَهْدِيُّ وَالْمَنْصُورُ مِنْهَا، وَ
يُؤْخَذُ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ صَدِّغِيهِمْ وَكَبِيرِيهِمْ، لَا يُتْرَكُ مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا حَبْسًا، وَيَخْرُجُ الْجَيْشُ فِي طَلَبِ الرَّجُلَيْنِ، وَيَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ
السَّلَامُ مِنْهَا عَلَى سُنَّةِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ، حَتَّى يَقْدَمَ مَكَّةَ،

وَتُقْبَلُ الْجَيْشُ حَتَّى إِذَا نَزَلُوا الْبَيْدَاءَ وَهُوَ جَيْشُ الْهَمَلَاتِ، حُسِفَ بِهِمْ

ص: 264

دجله و فرات -) فرود می آیند و رومیان هم در رمله فرود خواهند آمد. در آن سال، در تمام سرزمین عرب اختلاف روی می دهد، اهل شام در اطراف سه پرچم مختلف جمع می شوند یکی زرد و سفید دیگری سرخ و سفید و سوم پرچم سفیانی است.

سفیانی با دائی های خود - که از قبیله «کلب» هستند - خروج می کنند و بر قبیله «بنی ذنب الحمار» - از قبیله «مُضَر» - حمله می کنند و چنان جنگی می شود که تا آن روز آن چنان جنگی واقع نشده است سپس مردی از «بنی ذنب الحمار» وارد دمشق می شود و با همراهانش به طوری کشته می گردد که کسی را بدان گونه نکشته باشند؛ و این همان معنای آیه شریفه است که خداوند متعال فرموده: «طوائف و احزاب از میان مردم به جان هم می افتند پس وای بر کافرانی که در آن روز بزرگ در جنگ شرکت می کنند». سفیانی و پیروانش خروج می کنند و قصدی جز آزار و کشتن ذراری پیغمبر و شیعیان آنان را ندارند به خدا سوگند او یک لشکر به سمت کوفه می فرستد و جمعی از شیعیان آن جا را به قتل می رساند و عده ای را به دار می آویزد و لشکری از سمت خراسان می آیند و در ساحل رود دجله وارد می شوند

مرد ضعیفی از شیعیان (و دوستان اهل بیت رسالت) با طرفداران و یارانش (برای مقابله با سفیانی) به بیرون کوفه می رود و مغلوب می گردد سپس (سفیانی) لشکر دیگری به مدینه می فرستد و مردی در آن جا کشته می شود و مهدی و منصور از آن جا فرار می کنند؛ و سفیانی بزرگ و کوچک سادات و ذریه پیغمبر را گرفته و تمامی آنان را زندانی می کند آن گاه لشکری را برای پیدا کردن آن دو (مهدی و منصور) می فرستد. مهدی علیه السلام اما هم چون موسی بن عمران (که هراسان از مصر خارج شد) هراسان و نگران از مدینه بیرون می رود تا بدین گونه وارد مکه شود؛ و لشکری که به دنبال وی آمده اند (و قصد جان او را دارند) حرکت می کنند تا به بیابان «بیداء» (بین مکه و مدینه) می رسند زمین آنان را در خود فرو می برد و همه هلاک می شوند جز یک نفر که خبر آن ها را

فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا مُخْبِرٌ، فَيَقُومُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، فَيَصَدِّقُنِي وَيَنْصِرُنِي وَمَعَهُ وَزِيرُهُ، فَيَقُولُ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا وَسَلَبَ حَقَّنَا، مَنْ يُحَاجِّنَا فِي اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى بِاللَّهِ، وَمَنْ يُحَاجِّنَا فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ، وَمَنْ حَاجَّنَا فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ، وَمَنْ حَاجَّنَا فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ، وَمَنْ حَاجَّنَا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ حَاجَّنَا فِي النَّبِيِّينَ فَحَنُّ أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، وَمَنْ حَاجَّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَحَنُّ أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ.

إِنَّا نَشْهَدُ وَكُلُّ مُسْلِمٍ الْيَوْمَ أَنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَطَرَدْنَا وَبُغِيَ عَلَيْنَا، وَأَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَمْوَالِنَا وَأَهَالِينَا وَقُهرْنَا، إِلَّا أَنَا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَكُلَّ مُسْلِمٍ.

وَيَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُمِئَةٍ وَبِضْعَةِ عَشْرٍ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً، يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مِيعَادٍ قَرَعًا كَقَرَعِ الْخَرِيفِ (1)، يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) فَيَقُولُ رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: وَهِيَ الْقَرْيَةُ الظَّالِمَةُ أَهْلِهَا.

ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ هُوَ وَمَنْ مَعَهُ الثَّلَاثُمِئَةُ وَبِضْعَةُ عَشْرٍ يُبَايِعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، وَمَعَهُ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَأْيَتُهُ وَسِلَاحُهُ وَوَزِيرُهُ مَعَهُ، فَيُنَادِي الْمُنَادِي بِمَكَّةَ بِاسْمِهِ وَأَمْرِهِ مِنَ السَّمَاءِ، حَتَّى يَسْمَعَهُ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ، اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

ص: 266

1- قال الجزري في النهاية: و منه حديث علي عليه السلام: يجتمعون إليه كما يجتمع قرع الخريف، أي قطع السحاب المتفرقة، وإثما خصَّ الخريف؛ لأنه أول الشتاء، و السحاب يكون فيه متفرقاً غير متراكم و لا مطبق ثم يجتمع بعضه إلى بعض بعد ذلك .

گزارش دهد و او باقی می ماند حضرت قائم علیه السلام در بین رکن (کعبه) و مقام (ابراهیم) می ایستد و نماز می خواند سپس منصرف شده و بر می گردد در حالی که وزیر حضرت نیز با وی می باشد حضرت در آن هنگام می فرماید: ای مردم! من از خداوند می خواهم که مرا بر آن هایی که بر ما (آل محمد علیهم السلام) ظلم کردند و حق ما را گرفتند نصرت و یاری دهد.

هر که درباره خداوند متعال با ما گفتگویی دارد (بگوید زیرا که) ما از هر کسی دیگر به خداوند نزدیک تریم. هر کسی درباره آدم علیه السلام با ما گفتگویی دارد، (بگوید زیرا که) ما از هر کسی به آدم نزدیک تریم هر فردی درباره نوح علیه السلام با ما گفتگویی دارد، (با ما بگوید که) ما از هر شخصی به او نزدیک تر می باشیم هر که درباره ابراهیم علیه السلام با ما گفتگویی دارد (بگوید زیرا که) ما از هر شخص دیگری به ابراهیم نزدیک تریم

هر شخصی که درباره محمد صلی الله علیه و آله و با ما گفتگو و احتجاجی دارد (با ما بگوید زیرا که) ما از هر کس دیگر به محمد صلی الله علیه و آله و نزدیک تر خواهیم بود. هر کسی که درباره دیگر پیغمبران علیهم السلام اما با ما گفتگویی دارد (بگوید زیرا که) ما از هر کسی به پیغمبران نزدیک تریم و (خلاصه) هر فردی که در خصوص کتاب خدا (قرآن) با ما گفتگویی دارد (بگوید زیرا که) ما در این خصوص از هر کس دیگری سزاوارتر می باشیم

ما و هر مسلمان دیگری امروز گواهی می دهیم که (دشمنان) بر ما (خاندان پیغمبر) ستم کردند ما را آواره کردند و از خانه و دیار خود بیرون نمودند اموال ما را چپاول و ضبط کردند ما را از خانواده هایمان جدا نمودند ما را از همه چیز محروم و مقهور نمودند؛ توجه نمایید که اکنون ما از خداوند و از هر مسلمانی کمک و یاری می طلبیم.

(سپس امام علیه السلام افزود:) به خدا سوگند! 313 مرد، که در بین ایشان پنجاه زن نیز می باشند همانند قطعه های ابر در فصل پاییز در غیر موسم حج در مکه اجتماع می کنند؛ هم چنان که خداوند فرموده است: «هر کجا که باشید خداوند همگی شما را

ما أَشْكَلَ عَلَيْكُمْ فَلَمْ يُشْكَلْ عَلَيْكُمْ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَايَتُهُ وَسِلاَحُهُ وَالنَّفْسُ الرَّكِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ، فَإِنْ أَشْكَلَ عَلَيْكُمْ هَذَا فَلَا يُشْكَلْ عَلَيْكُمْ الصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ وَآمِرِهِ،

وَإِيَّاكَ وَشُدَّادًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّ لَالَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَايَةً وَلِغَيْرِهِمْ رَايَاتٍ. فَالزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تَتَّبِعْ مِنْهُمْ رَجُلًا أَبَدًا حَتَّى تَرَى رَجُلًا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَهُ عَهْدُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَايَتُهُ وَسِلاَحُهُ، فَإِنَّ عَهْدَ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَارَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ صَارَ عِنْدَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ، فَالزَّمْ هَؤُلَاءِ أَبَدًا وَإِيَّاكَ وَمَنْ ذَكَرْتُ لَكَ،

فَإِذَا خَرَجَ رَجُلٌ مِنْهُمْ مَعَهُ ثَلَاثُمِئَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا، وَمَعَهُ رَايَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَامِدًا إِلَى الْمَدِينَةِ، حَتَّى يَمُرَّ بِالْبِيدَاءِ، حَتَّى يَقُولَ هُنَا مَكَانُ الْقَوْمِ الَّذِينَ يُخَسَفُ بِهِمْ، وَهِيَ الْآيَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ: (أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ * أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ) (1)؟

فَإِذَا قَدِمَ الْمَدِينَةَ، أَخْرَجَ مُحَمَّدُ بْنُ الشَّجَرِيِّ عَلِيَّ سُنَّةَ يَوْسُفَ عَلَيْهِ السَّلَامُ،

ثُمَّ يَأْتِي الْكُوفَةَ فَيُطِيلُ بِهَا الْمَكْثَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمْكُثَ حَتَّى يَظْهَرَ عَلَيْهَا. ثُمَّ يَسِيرُ حَتَّى يَأْتِيَ الْعَدْرَاءَ هُوَ وَمَنْ مَعَهُ، وَقَدْ لَحِقَ بِهِ نَاسٌ كَثِيرٌ، وَالسُّفْيَانِيُّ يَوْمَئِذٍ بِوَادِي الرَّمْلَةِ، حَتَّى إِذَا التَّقَوَّا وَهُمْ يَوْمَ الْأَبْدَالِ، يَخْرُجُ أَنَا نَاسٌ كَانُوا مَعَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ شِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَيَخْرُجُ نَاسٌ كَانُوا مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى السُّفْيَانِيِّ، فَهُمْ مِنْ شِيعَتِهِ حَتَّى يَلْحَقُوا بِهِمْ، وَيَخْرُجُ كُلُّ

ص: 268

گرد هم می آورد، همانا خداوند بر همه چیز توانا است»؛ پس در آن موقع مردی از خاندان پیغمبر می گوید: از این جا بیرون برو که شهر (مکه) مردمی ستمگر دارد.

پس از آن او (حضرت مهدی علیه السلام) در حالی که عهد، علم و بیرق، سلاح و ابزار پیغمبر خدا با او می باشد به همراه 313 نفر خروج نموده و بین رکن (کعبه) و مقام (ابراهیم) با او بیعت می کنند سپس منادی در مکه و از آسمان، آن حضرت را با نام صدا می زند که مردم صدای او را می شنوند (و از ظهورش اطلاع می یابند)؛ به طوری که تمام اهل زمین اسم آن حضرت را می شنوند که نام وی نام پیغمبر است.

پس اگر (شناخت و نام او) برای شما مشکل باشد، عهد پرچم و سلاح پیغمبر و این که او (حضرت مهدی علیه السلام) یا مردی پاکدل از فرزندان امام حسین علیه السلام است باعث اشتباه و اشکال نخواهد بود ولی اگر این هم باعث اشتباه گردد، با آن صدای آسمانی که او را با نام و ظاهر شدنش صدا میزند دیگر اشتباهی نخواهد شد.

(سپس امام باقر علیه السلام به جابر جعفی فرمود:) مبادا به تعدادی اندک از سادات (که مدعی مهدویت می شوند) اعتنا کنی زیرا علم و بیرق آل محمد و علی علیهم السلام جدای از دیگران است پس خودداری کن و مواظب باش که از این افراد (مدعی دروغین مهدویت) پیروی نکنی، تا هنگامی که مردی از فرزندان امام حسین علیه السلام را ببینی که عهد نامه، علم و سلاح پیغمبر صلی الله علیه و آله با او خواهد بود. زیرا عهد نامه پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی بن الحسین رسید، سپس به محمد بن علی علیهم السلام (که خود امام باقر علیه السلام باشد) رسید بعد هم خداوند هر چه بخواهد انجام می دهد؛ پس همیشه با این افراد باش و از آنان - که برای تو ذکر کردم - جدا مباش موقعی که مردی از آل محمد که علم و بیرق پیغمبر با اوست به همراه 313 نفر مرد قیام و خروج کند و به سوی مدینه حرکت نماید و چون از بیابان «بیداء» عبور کند گوید: این جا جایگاه کسانی است که زمین آن ها را در خود فرو برده است هم چنان که خداوند می فرماید: «آیا مگاران حيله گری که کار های

ناسٍ إلى رأيهم وهو يوم الأبدال.

قال أمير المؤمنين عليه السلام: ويقتل يومئذ السُّفِيَانِيَّ وَمَنْ مَعَهُ حَتَّى لَا يَتْرَكَ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ، وَالْخَائِبُ يَوْمَئِذٍ مَنْ خَابَ مِنْ غَنِيمَةِ كَلْبٍ، ثُمَّ يُقْبَلُ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَكُونُ مَنْزِلُهُ بِهَا، فَلَا يَتْرِكُ عَبْدًا مُسْلِمًا إِلَّا اشْتَرَاهُ وَأَعْتَقَهُ، وَلَا غَارِمًا إِلَّا قَضَىٰ دَيْنَهُ، وَلَا مَظْلَمَةً لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَدَّهَا، وَلَا يُقْتَلُ مِنْهُمْ عَبْدٌ إِلَّا أَدَّى ثَمَنَهُ دِيَةً مُسَلَّمَةً إِلَىٰ أَهْلِهَا، وَلَا يُقْتَلُ قَتِيلٌ إِلَّا قَضَىٰ عَنْهُ دَيْنَهُ، وَالْحَقَّ عِيَالُهُ فِي الْعَطَاءِ حَتَّىٰ يَمَلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَعُدْوَانًا،

وَيَسْكُنُهُ هُوَ وَأَهْلُ بَيْتِهِ الرَّحْبَةَ، وَالرُّحْبَةُ إِنَّمَا كَانَتْ مَسْكَنَ نُوْحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهِيَ أَرْضٌ طَيِّبَةٌ، وَلَا يَسْكُنُ رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا يُقْتَلُ إِلَّا بِأَرْضٍ طَيِّبَةٍ زَاكِيَةٍ، فَهُمُ الْأَوْصِيَاءُ الطَّيِّبُونَ. (1)

ص: 270

1- عنه بحار الأنوار: 222/52 ح 87، والبرهان في تفسير القرآن: 352/1 ح 10 و 456/4 ح 3 و 120/5 ح 1 قطعان منه، وتأويل الآيات الظاهرة: 87 مختصراً

زشت و خلاف انجام دادند، خود را در امان دانستند که خداوند آن ها را در زمین فرو ببرد یا عذابی بر آنان وارد شود که انتظارش را نداشتند * یا در هنگامی که (برای کسب و تجارت) رفت و آمد می کنند عذاب شوند و ناتوان از فرار باشند؟»

و موقعی که وارد مدینه گردد (شخصی به نام) محمد بن شجری را مانند یوسف (از زندان) در می آورد سپس به کوفه می آید و مدتی طولانی را که خداوند اراده نماید در آن جا توقف می نماید و بر کوفه غلبه می کند سپس با همراهان خود به «عذراء» می رود، در آن جا مردم بسیاری به حضرت می پیوندند؛ و سفیانی در آن اوقات در بیابان «رمله» است (با لشکر حضرت مهدی علیه السلام) با هم برخورد می کنند آن روز، روز تبدیل و تحوّل می باشد که جمعی از لشکر سفیانی به اصحاب و شیعیان آل محمد علیهم السلام ملحق می شود و جمعی از کسانی که همراه آل محمد بوده اند به سفیانی می پیوندند (و این عده غیر از آن 313 نفر هستند) آنان از پیروان سفیانی قرار می گیرند در این وقت هر کسی به صف واقعی خود می پیوندد آن روز، روز تبدیل و تحوّل است. (1)

ص: 271

1- این قطعه ادامه متن است: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: در آن روز سفیانی با تمام پیروانش کشته می شوند به طوری که حتی یک نفر هم باقی نمی ماند که خبر و گزارش آن ها را بیان کند؛ بدبخت و بیچاره کسی است که در آن روز از غنیمت قبیله کلب بی نصیب بماند. آن گاه (قائم آل محمد علیهم السلام) به سمت کوفه حرکت می نماید و جایگاهش آن جا می باشد پس از آن هر جا مسلمانی را به بردگی فروخته باشند او را می خرد و آزاد می کند هر جا قرض داری باشد، قرض او را می پردازد هر کس مظلومه (حقّ الناس) به گردن داشته باشد آن را ادا می کند اگر یک نفر از ایشان کشته شود دیه یک مسلمان او را به ولیّ او می پردازد هم چنین اگر فردی کشته شود و قرض داشته باشد، قرض او را ادا می نماید و به خانواده اش کمک (های لازم را) می کند تا جایی که زمین پر از عدل و داد می شود چنان که پر از ظلم و ستم و دشمنی ها شده باشد حضرت و خانواده اش در «رحبه» سکونت می نماید که «رحبه» قبلاً محل سکونت حضرت نوح علیه السلام بوده و سرزمینی پاک می باشد؛ و ذریّه آل محمد علیهم السلام در محلی سکونت نمی کنند و به شهادت نمی رسند مگر در زمین هایی که پاک و پاکیزه بوده باشد زیرا که ایشان جانشینان پاک سرشت پیغمبران خواهند بود.

قوله تعالى: (وَ لِكُلِّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيَهَا فَاسْتَبَقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (148)

[121]/222 - (عَنْ أَبِي سُمَيْنَةَ عَنْ مَوْلَىٰ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا)

قَالَ: وَ ذَلِكَ وَ اللَّهِ! أَنْ لَوْ قَدَّ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا مِنْ جَمِيعِ الْبُلْدَانِ. (1)

[122]/223 - (عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أُذِنَ لِإِمَامٍ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِي الْأَكْبَرِ فَانْتَحَتْ لَهُ (2) أَصْدَحَابُهُ الثَّلَاثُ مِائَةٍ وَ الثَّلَاثَةُ عَشَرَ فَرَعًا كَفَرَعَ الْخَرِيفِ وَ هُمْ أَصْدَحَابُ الْوَلَايَةِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُفْتَقَدُ مِنْ فِرَاشِهِ لَيْلًا فَيُصْبِحُ بِمَكَهَ، وَ مِنْهُمْ مَنْ يَرَى يَسِيرٌ فِي السَّحَابِ نَهَارًا يُعَرَّفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ حَسْبِهِ وَ نَسْبِهِ

قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيْمَانًا؟

قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَارًا وَ هُمُ الْمَفْقُودُونَ، وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ

ص: 272

1- عنه بحار الأنوار: 291/52 ح 37 و 42/84، و البرهان في تفسير القرآن: 354/1 ح 11 الاختصاص: 255 (حديث في زيارة

المؤمن لله) بإسناده عن عمرو بن أبي المقدم، عن جابر الجعفي قال: قال لي أبو جعفر عليه السلام: ... بتفاوت يسير .

2- في بعض النسخ فانتخب له، و في بعضها: فانتحيت له، و في الغيبة: فأتيحت له أي تهيأت له .

فرمایش خداوند متعال: و برای هر طایفه ای قبله ای خواهد بود که خداوند آن را تعیین نموده است (بنا بر این زیاد درباره قبله گفتگو نکنید! و به جای آن) در نیکی ها و اعمال خیر بر یک دیگر سبقت گیرید هر جا که باشید خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در روز قیامت) حاضر می کند؛ زیرا او بر هر کاری توانمند است. (148)

121- از ابو سمینه - مولا و پیش خدمت امام کاظم علیه السلام - روایت کرده است که گفت:

از امام کاظم علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «هر کجا باشید خداوند تمامی شما را احضار می نماید» سؤال کردم؟

فرمود: آن به خدا سوگند! در رابطه با قائم آل محمد علیهم السلام است که چنان چه قیام و خروج نماید خداوند تمام شیعیان ما را از همه شهرها در کنار او جمع می نماید.

122- از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که به امام اجازه (ظهور) داده شود، او خدای بزرگ را به نام عبرانی اش می خواند پس از آن 313 نفر یاران آن حضرت برای آن حضرت هم چون پاره پاره ابر پاییزی، گرد آورده می شوند آنان پرچم داران حضرت می باشند بعضی از ایشان شبانه در بسترشان ناپدید می گردند و صبحگاهان در مکه ظاهر می شوند؛ و بعضی از ایشان در روز دیده می شوند که در میان ابر راه می روند که نام آنان و نام پدر ان ایشان و مشخصات و نسب ایشان شناخته شده است.

عرض کردم: فدایت گردم! کدام یک از ایشان از نظر ایمان برتر است؟

فرمود آنانی که در روز به وسیله ابر راه می روند ایشان مفقود شدگانند

ص: 273

الآية (أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً) (1)

قوله تعالى: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ) (152)

[123]/224 - (عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ الْمَلَكَ يَنْزِلُ الصَّحِيفَةَ أَوَّلَ النَّهَارِ، وَأَوَّلَ اللَّيْلِ يَكْتُبُ فِيهَا عَمَلَ ابْنِ آدَمَ فَأَمْلُوا فِي أَوَّلِهَا خَيْرًا وَفِي آخِرِهَا خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لَكُمْ مَا بَيْنَ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ) (2)

[124]/22 - (عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ لِلشُّكْرِ حَدٌّ إِذَا فَعَلَهُ الرَّجُلُ كَانَ شَاكِرًا؟ قَالَ: نَعَمْ قُلْتُ: مَا هُوَ؟

قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ عَلَيْهَا عَلَيَّ وَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِيهَا نِعْمَةٌ أَنْعَمَ عَلَيْهَا حَقُّ أَذَاهُ.

قَالَ: وَمِنْهُ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا) (3) حَتَّى عَدَّ آيَاتِهِ (4).

ص: 274

1- عنه بحار الأنوار: 368/52 ذيل ح 153 إليه والبرهان في تفسير القرآن: 354/1 ح 12 الغيبة للنعماني: 312 ح 3، عنه البحار:

368:52 ح 153

2- عنه بحار الأنوار: 247/96 ذيل ح 7، والبرهان في تفسير القرآن، 358/1 ح 2، و مستدرك الوسائل: 202/5 ح 5695، و 295 ح

5902 لأماني المفيد: 1 ح 1 (المجلس الأول مجلس يوم السبت)، بتفاوت يسير عنه فلاح السائل 215 (الفضل الثاني والعشرون)، و

وسائل الشيعة: 99/16 ح 26086، والبحار: 328/5 ح 25 245/86 ح 4 و مستدرك الوسائل 204/5 ح 5700، جامع الاخبار: 100

(الفصل السادس والخمسون في الإخلاص).

3- في النسخ هكذا، والآية في سورة الزخرف: 13/43، وهي: (سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا)

4- عنه البيان: 63/9، وبحار الأنوار: 212/93 ح 14 والبرهان في تفسير القرآن: 358/1 ح 3 و مستدرك الوسائل: 309/5 ح 5942.

که این آیه در مورد آنان نازل شده است هر کجا باشید. خداوند همگی شما را گرد هم خواهد آورد»

فرمایش خداوند متعال: پس (همیشه و در هر کجا) به یاد من باشید تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گوئید و (بر نعمت های من) کفران نکنید! (152)

(123) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام به نقل از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا اول هر صبح گاه و سر شب فرشته ای نامه ای را می آورد و در آن کردار و گفتار انسان ها نوشته می شود پس سعی نمایید که اول و آخر آن نامه خوب باشد تا اعمال در میان آن ها مورد آمرزش قرار گیرد. ان شاء الله؛ زیرا که خداوند فرموده است: «پس مرا بیاد آورید تا شما را بیاد آورم.»

(124) - با سند خود از سماعه بن مهران روایت کرده است. که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا برای انجام شکر و سپاس حدّ و اندازه ای می باشد که اگر شخصی آن را انجام دهد شکرگزار گردد؟

فرمود: بلی. عرض کردم: چگونه است؟

فرمود: «الحمد لله علی کل نعمه أنعمها علیّ» شکر مخصوص خداوندی می باشد بر هر نعمتی که بر من ارزانی داشته است و اگر شما نسبت به نعمت های الهی حقی داشته باشید آن ادا شده است. سپس حضرت افزود: و از همین موارد می باشد. این فرمایش خداوند «منزه است خدایی که این (حیوانات) را در تسخیر ما در آورده» و آیات دیگری را نیز حضرت متذکر شد.

ص: 275

226/ [125] - (عَنْ أَبِي عَمْرٍو الزُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْكُفْرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى خَمْسَةٍ أَوْجُهُ فَمِنْهَا كُفْرُ النَّعَمِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى يَحْكِي قَوْلَ سِدِّ لَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ (هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ) (1) الْآيَةُ؟ وَقَالَ اللَّهُ (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ) (2) وَقَالَ: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ) (3)

227 / [126] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ تَعَالَى: (فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ) (4)

228 / [127] - (عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ يَا فَضِيلُ بَلِّغْ مَنْ لَقِيتَ مِنْ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَقُلْ لَهُمْ: إِنِّي أَقُولُ: إِنِّي لَا أَعْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بَوْرَعٍ فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَكُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَعَلَيْكُمْ

ص: 276

1- سورة النمل : 40/27

2- سورة إبراهيم : 7/14 .

3- عنه بحار الأنوار : 52/68 ح 78 و البرهان في تفسير القرآن : 358/1 ح 4. تفسير القمّي : 32/1 (معاني الكفر) بتفصيل عنه البحار : 92/72 ح 2 ، و مستدرک الوسائل : 78/1 ح 22 ، و نحوه باختلاف الكافي : 389/2 ح 1 عنه وسائل الشيعة : 32/1 ح 48 ، و البحار : 308/8 ح 73 قطعة منه .

4- عنه بحار الأنوار : 331/85 ذيل ح 8 ، و البرهان في تفسير القرآن : 358/1 ح 5 ، و مستدرک الوسائل : 36/5 ح 5304 معاني الأخبار : 193 ذيل ح 5 بتفاوت يسير عنه وسائل الشيعة : 442/6 ح 8393 ، و البحار : 331/85 ح 8 و 155/93 ح 19 تأويل الآيات الظاهرة : 446 (سورة الأحزاب)، عنه مستدرک الوسائل : 36/5 ح 5305 .

(125) - از ابو عمرو زبیری روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: کفر در کتاب خداوند (متعال) بر پنج شکل آمده است:

بعضی از آن در قبال کفران نعمت ها می باشد که خداوند به نقل از سلیمان (علیه السلام) فرموده است: «این (موقعیت و امکانات همه) از فضل خداوند است تا مرا آزمایش نماید که سپاسگزارم و یا کفرگو؟»

هم چنین فرموده است: «چنان چه شکرگزار و سپاس گو (از نعمت ها) باشید بر شما می افزایم»

و نیز فرموده است: «پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم شکرگزار (نعمت های) من باشید و کفر نگویند».

(126) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یادآوری و ذکر کثیر می باشد هم چنان که خداوند (متعال) فرموده است: «پس مرا به یاد آورید تا شما را به یاد آورم»

(127) - از فضیل روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: ای فضیل! از دوستان ما هر شخصی را که دیدی، سلام ما را به او برسان و بگو همانا من می گویم:

برای شما در پیشگاه خداوند هیچ چیزی را بر عهده نمی گیرم، مگر با رعایت تقوا و پرهیزکاری؛ پس زبان های خود را حفظ نموده و دست های خود را کنترل نمایید، شکیبایی و به پا داشتن نماز را پیشه خود قرار دهید به راستی که خداوند با صبر پیشگان می باشد.

ص: 277

بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (1).

[128]/229 - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

الصَّبْرُ هُوَ الصَّوْمُ (2). (3).

قوله تعالى: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (155)

[129]/230 - عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ) ؟ قَالَ: ذَلِكَ جُوعٌ خَاصٌّ وَجُوعٌ عَامٌّ، فَأَمَّا بِالشَّامِ فَإِنَّهُ عَامٌّ وَأَمَّا الْخَاصُّ بِالْكُوفَةِ يَخُصُّ وَلَا يَعْزَمُ، وَلَكِنَّهُ يَخُصُّ بِالْكُوفَةِ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فَيَهْلِكُهُمُ اللَّهُ بِالْجُوعِ، وَأَمَّا الْخَوْفُ فَإِنَّهُ عَامٌّ بِالشَّامِ وَذَلِكَ الْخَوْفُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَأَمَّا الْجُوعُ فَفَقَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى « وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ

ص: 278

1- عنه البرهان في تفسير القرآن: 358/1 - 1، و نور الثقلين. 141/1 ح 441 . دعائم الإسلام : 113/1 (ذكر الرغائب في الصلاة)، عنه مستدرک الوسائل : 76/3 ح 3070 مستطرفات السرائر 1587 (من ذلك ما استطرفناه ممن كتاب حرير)، عنه وسائل الشيعة : 195/12 ح 16067 . والبحار: 308/70 ح 36 مشكاة الأنوار : 46 (الفصل الثاني عشر في التقوى والورع)، عنه البحار، 132/82، و مستدرک الوسائل: 268/11 ح 12966

2- في نسخة البحار هكذا: عن عبد الله بن طلحة، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله تعالى: (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ)، قال: الصبر هو الصوم

3- عنه البرهان في تفسير القرآن : 359/1 ح 2 و تقدّم أيضاً في الحديث 40 في هذه السورة

(128) - از عبد الله بن طلحه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: «الصبر» همان روزه می باشد.

فرمایش خداوند متعال: حتماً همه شما را با چیزی همانند ترس گرسنگی کاهش در اموال جان ها و میوه ها آزمایش می کنیم و شکیبایان از استقامت کنندگان را بشارت ده! (155)

(129) - از ثمالی روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند عزیز و جلیل: «و هر آینه شما را به مختصری از ترس و گرسنگی آزمایش می کنیم» سؤال کردم؟

فرمود: جوع و گرسنگی در این آیه شریفه دو نوع است:

گرسنگی خاص و گرسنگی عام، اما گرسنگی عام در شهر شام می باشد ولی گرسنگی خاص در شهر کوفه است ولی عمومیت ندارد بلکه اختصاص به دشمنان آل محمد علیهم السلام دارد که خداوند به وسیله همین گرسنگی آن ها را به هلاکت می رساند.

اما خوف و ترس فقط در (سرزمین) شام عمومیت دارد و آن هنگامی است که حضرت قائم علیه السلام قیام نماید که آن گرسنگی پیش از قیام حضرت خواهد بود. هم چنان که در فرمایش خداوند متعال آمده است: «و هر آینه حتماً شما را به مختصری از ترس و گرسنگی آزمایش می کنیم»

ص: 279

قوله تعالى : الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (156) أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (157)

231/ [130] - عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

لَمَّا قُبِضَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَعَلْنَا نُعَزِّي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ بَعْضُ مَنْ كَانَ مَعَنَا فِي الْمَجْلِسِ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا وَصَلَّى عَلَيهِ، كَانَ إِذَا حَدَّثَنَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: فَسَكَتَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَوِيلًا وَنَكَتَ فِي الْأَرْضِ (2)

قَالَ: ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَيْنَا فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنِّي أَعْطَيْتُ الدُّنْيَا بَيْنَ عِبَادِي فَيُضَا

فَمَنْ أَقْرَصَ نَبِيٌّ مِنْهَا قَرْضًا أَعْطَيْتُهُ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ عَشْرًا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ وَمَا شِئْتُ، فَمَنْ لَمْ يُقْرِضْنِي مِنْهَا قَرْضًا فَأَخَذْتُهَا مِنْهُ قَهْرًا أَعْطَيْتُهُ ثَلَاثَ خَصَالٍ لَوْ أَعْطَيْتُ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ مَلَائِكَتِي رَضُوا بِهَا عَنِّي ثُمَّ قَالَ: (الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ

ص: 280

1- عنه بحار الأنوار: 229/52 ذيل ح 94 أشار إليه، والبرهان في تفسير القرآن: 363/1 ح 9 ونور الثقلين: 120/1 ح 446 . الغيبة للنعماني: 68 ح 27 بتفاوت يسير عنه البحار: 229/52 ح 94.
2- نكت الأرض بقضيب أو ياصبعه: ضربها به حال التفكير فآثر فيها .

فرمایش خداوند متعال: آن افرادی که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد می گویند ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم! (156) این افراد، همان هایی هستند که الطاف و رحمت های خدا شامل حالشان شده و آن ها هدایت یافتگان هستند. (157)

(130)- از اسحاق بن عمار روایت کرده است که گفت:

موقعی که امام باقر علیه السلام قبض روح شد (و به شهادت رسید)، شروع نمودیم که به امام صادق علیه السلام تسلیت بگوئیم پس بعضی از افراد حاضر در مجلس، به حضرت اظهار داشتند: خداوند او را رحمت نماید خوب بنده ای بود و درود خدا بر او باد موقعی که می خواست برای ما سخنی مطرح نماید، می فرمود: رسول خدا فرموده است. (1)

امام صادق علیه السلام مدتی طولانی ساکت ماند و روی زمین نگاه می کرد و خط می کشید پس از آن نگاهی به ما کرد و اظهار نمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال فرموده است من دنیا را در میان بندگانم به عنوان قرض، قرار داده ام پس هر کسی که از آن به من قرض دهد (همانند صدقه هدیه صله به امام و انفاق) در برابر هر یکی ده برابر تا هفت صد برابر و چنان چه بخواهم بیشتر از آن را هم عطایش می کنم و کسی که به من قرض ندهد بر خلاف میلش چیزی را از او می گیرم پس اگر صبر کند سه خصلت عطایش می نمایم که اگر یکی از آن ها را به فرشتگانم دهم خوشحال و از من راضی می شوند سپس فرمود: «کسانی که اگر مصیبت و حادثه ای به آن ها برسد، بگویند - (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) -

ص: 281

1- مقصود این است که آن حضرت فرمایشات خود را به فرمایشات حضرت رسول صلی الله علیه و آله مستند می نمود

مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (1)

[131]/232 - (عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زِيَادِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ : مَنْ كَانَتْ عِصْمَتُهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

وَمَنْ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّعْمَةَ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ،

وَمَنْ إِذَا أَصَابَ ذَنْبًا قَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ،

وَمَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (2)

[132]/233 - (عَنْ أَبِي عَلِيِّ الْمُهَلَّبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ فِي نُورِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ: مَنْ كَانَ عِصْمَتُهُ أَمْرَهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ

اللَّهِ، وَمَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ: (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ)، وَمَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ

ص: 282

1- عنه البرهان في تفسير القرآن: 363/1 ح 10. النخصال: 130/1 ح 135 بإسناده عن عبد الله بن سنان قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير عنه البحار: 85/71 ح 32 و 395/74 ح 21.

2- عنه بحار الأنوار: 213/93 ح 15 و البرهان في تفسير القرآن: 364/1 ح 11، و مستدرک الوسائل: 309/5 ح 5943 الأماي للمفيد: 76 ح 1 (المجلس التاسع مجلس يوم السبت) بإسناده عن محمد بن علي بن جعفر، عن أبيه، قال: حدثني أخي موسى بن جعفر، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله عنه البحار: 396/69 ح 82، و 129/82 ح 8 و مستدرک الوسائل: 403/2 ح 2307، مسائل علي بن جعفر عليه السلام: 340 ح 837 مكارم الأخلاق: 306 (في التسييح والتحميد والتهليل)، جامع الأخبار: 50 (الفصل الرابع والعشرون في التهليل).

تا آن جایی که فرمود: «و ایشان هدایت یافتگان و سعادت مندان هستند».

(131) - از اسماعیل بن زیاد سکونی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کسی که دارای چهار خصلت باشد خداوند او را از اهل بهشت ثبت می نماید:

1- کسی که پناهگاه او شهادت بر یکتایی خداوند باشد.

2- کسی که چنانچه خداوند متعال نعمتی را عطایش کند حمد و ستایش خداوند را گوید.

3- کسی که مرتکب گناهی شود توبه و درخواست آمرزش کند

4 - کسی که مصیبتی دچارش شود (با معرفت) بگوید: ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم

(132) - از ابو علی مهلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق صلی الله علیه و آله فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کسی که دارای چهار خصلت باشد در نور (رحمت) عظیم خداوند می باشد:

1 - کسی که پناهگاه امور و برنامه هایش شهادت بر یکتایی خداوند و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله باشد.

2- کسی که مصیبتی دچارش شود (با معرفت) بگوید: ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم

3- کسی که چنان چه خیری و نعمتی به او برسد حمد و ستایش خدا را گوید.

وَمَنْ إِذَا أَصَابَ حَظِيئَهُ قَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ. (1)

[133]/234 - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَالِحِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: عَبْدِي الْمُؤْمِنُ إِنْ خَوَّلْتُهُ وَأَعْطَيْتُهُ وَرَزَقْتُهُ وَاسْتَقْرَضْتَهُ، فَإِنْ أَقْرَضَ نَبِيَّ عَفْوًا أَعْطَيْتُهُ مَكَانَ الْوَاحِدِ مِائَةَ أَلْفٍ فَمَا زَادَ، وَإِنْ لَا يَفْعَلْ أَخَذْتُهُ قَسْرًا بِالْمَصَائِبِ فِي مَالِهِ فَإِنْ بَصِرَ أَعْطَيْتُهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ، إِنْ اخْتَبَرَ بَوَاحِدِهِ مِنْهُنَّ مَلَائِكَتِي اخْتَارُوهَا ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ (الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ - إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى: - وَأَوْلَيْتُكَ هُمْ الْمُهْتَدُونَ) (2)

[134]/ 235 - قَالَ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا إِنْ أَخَذَ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئًا فَصَبَرَ وَاسْتَرْجَعَ. (3)

ص: 284

1- عنه بحار الأنوار: 213/93 ح 16 ، و البرهان في تفسير القرآن : 364/1 ح 12، و مستدرک الوسائل : 310/5 ح 5944 فيه : عن أبي عليّ اللهبّي . المحاسن: 7/1 ح 19 (باب - 2 في الأربعة) بإسناده عن عمرو بن جميع، عن أبي عبد الله، أبيه عليهما السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله، عنه وسائل الشيعة : 70/16 ح 21008، من لا يحضره الفقيه : 175/1 ح 514 عنه وسائل الشيعة : 248/3 ح 3539 ثواب الأعمال : 166 ، عنه البحار 280/93 ح 17، الخصال: 222/18 ح 49 نحو المحاسن، عنه البحار : 371/69 ح 14 ، تحف العقول: 40 عنه البحار : 146/77 ح 37 مشكاة الأنوار: 148 (الفصل الحادي عشر في الخصال المعدودة)، عنه البحار : 145/82 ح 30 ، جامع الأخبار : 50 (الفصل الرابع والعشرون في التهليل)، مسکن الفؤاد : 110 .

2- عنه البرهان في تفسير القرآن : 364/1 ح 13

3- عنه البرهان في تفسير القرآن : 364/1 ح 14 . الكافي : 92/2 ذيل ح 21 بإسناده عن إسحاق بن عمّار، عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام ، قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله، بتفاوت عنه البحار: 78/71 ذيل ح 15 و 126/82، الخصال: 130/1 ذيل ح 135 نحو الكافي

4- کسی که مرتکب گناهی شود توبه و درخواست آمرزش کند و بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ.

(133)- از عبد الله بن صالح خثعمی روایت کرده است، که گفت:

امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند متعال فرموده است: هرگاه چیزی را به بنده ام ببخشم و عطایش کنم و روزی او گردانم بعد از مدتی از او درخواست قرض می کنم پس هر کسی که از آن به من قرض دهد (همانند، صدقه، هدیه، صله به امام و انفاق به تهیدستان) در برابر هر یکی صد هزار برابر و چنان چه بخواهم بیشتر از آن را هم عطایش می کنم.

و کسی که انجام ندهد بر خلاف میلش مقداری از اموالش را می گیرم پس اگر صبر کند، سه خصلت عطایش می نمایم که اگر یکی از آن ها را به فرشتگانم دهم خوشحال و از من راضی می شوند.

سپس فرمود: «کسانی که چنان چه مصیبتی به آن ها برسد - تا آنجا که فرمود: - آن ها هدایت یافتگان هستند»

(134)- از اسحاق بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: این در صورتی است که خداوند متعال چیزی (فرزندی، مالی و....) را از او بگیرد و او نیز بردبار و صبور باشد و (در هر موردی از این موارد) (إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ) بگوید.

ص: 285

قول تعالى: (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ)
(158)

[135]/236- (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) أَى لَا حَرَجَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا). (1)

[136]/237- (عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ) يَقُولُ:

لَا حَرَجَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا فَتَنَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ، فَقُلْتُ: هِيَ خَاصَّةٌ أَوْ عَامَّةٌ؟

قَالَ: هِيَ بِمَنْزِلَةِ قَوْلِهِ (تَعَالَى) (ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصَّطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا) (2) فَمَنْ دَخَلَ فِيهِمْ مِنَ النَّاسِ كَانَ بِمَنْزِلَتِهِمْ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى (وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا) (3). (4)

ص: 286

1- بحار الأنوار: 336/99 ح 13 و البرهان في تفسير القرآن: 367/1 ح 7 و مستدرک الوسائل، 436/9 ح 11276 .

2- سورة فاطر: 32:35

3- سورة النساء: 69/4 .

4- بحار الأنوار 237/99 ح 14، و البرهان في تفسير القرآن: 367/1 ح 8، و مستدرک الوسائل: 436/9 ح 11277 و 438 ح 11280

كليهما عن عاصم بن حميد، عن أبي عبد الله عليه السلام

فرمایش خداوند متعال: همانا (کوه) صفا و مروه از شعائر (و نشانه های) خداوند است؛ بنابراین کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می دهند مانعی نیست که دور آن دو طواف کنند (و سعی بین صفا و مروه را انجام دهند) و کسی فرمان خدا را - در انجام کار های نیک - اطاعت کند. خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار و (از اعمال او) آگاه است. (158)

(135) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام در مورد فرمایش خداوند متعال: «به درستی که (سعی و هروله بین کوه) صفا و مروه از شعار های خداوند است پس هر کسی که حجّ و یا عمره به جای آورد مشکلی برایش نیست که بین آن دو (کوه) طواف و سعی نماید». فرمود: یعنی منعی و گناهی بر او نیست که طواف و سعی بین از دو (کوه) را انجام دهد

(136) - از عاصم بن حمید روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره (آیه شریفه: «به درستی که (سعی و هروله بین کوه) صفا و مروه از شعار های خداوند است») فرمود: طبق این آیه، گناهی بر او نیست که بین (کوه) صفا و مروه طواف و سعی نماید به حضرت عرض کردم: این حکم برای زمان و جامعه ای خاص است و یا آن که کلی و عمومی می باشد؟

فرمود: این آیه همانند فرمایش دیگر خداوند می باشد که فرموده: «سپس کتاب را در بین بندگان خود به ارث قرار دادیم» (که نسلی پس از نسلی از آن بهره می برند). پس هر کسی از مردم جزئی از بندگان گردد همانند آنان خواهند بود، هم چنین فرمایش دیگر خداوند متعال: «و کسانی که از خداوند و رسولش پیروی نمایند با افرادی خواهند بود که خداوند نعمت خود را بر آنان ارزانی داشته که پیامبران راستگویان شهیدان و نیکوکاران می باشند که بهترین رفیقان و هم نشینان خواهند بود».

ص: 287

238 / [137] - (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ فَرِيضَةٌ هُوَ أَوْ سُنَّةٌ؟

قَالَ: فَرِيضَةٌ

قَالَ: قُلْتُ: أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا)؟

قَالَ: كَانَ ذَلِكَ فِي عُمَرِهِ الْقَضَاءِ وَذَلِكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ سَدْرُ طُهُ عَلَيْهِمُ (1) أَنْ يَرْفَعُوا الْأَصْنَامَ فَتَشَاغَلَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ حَتَّى أُعِيدَتِ الْأَصْنَامُ فَجَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلُوهُ وَقِيلَ لَهُ: إِنَّ فُلَانًا لَمْ يَطُفْ وَقَدْ أُعِيدَتِ الْأَصْنَامُ، قَالَ: فَأَنْزَلَ اللَّهُ (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) أَيْ وَالْأَصْنَامُ عَلَيْهِمَا (2)

239 / [138] - (وَعَنْ إِبْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُهُ فَقُلْتُ: وَلِمَ جُعِلَ السَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ؟

قَالَ: إِنَّ إِبْلِيسَ تَرَاوَى لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْوَادِي فَسَعَى إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْهُ كَرَاهِيَةً

ص: 288

1- قال الفيض (رحمه الله) في الوافي : يعني شرط على المشركين أن يرفعوا أصنامهم التي كانت على الصفا والمروة حتى ينقضي أيام المناسك ثم يعيدوها، فتشاغل رجل من المسلمين عن السعي حتى انقضت الأيام وأعيدت الأصنام، فزعم المسلمون عدم جواز السعي حال كون الأصنام على الصفا والمروة.

2- عنه بحار الأنوار : 237/99 ح 15 ، و البرهان في تفسير القرآن 367/1 ح 9، و مستدرک الوسائل : 435/9 ح 11274. تفسير القمي : 64/1 بتفاوت يسير عنه مستدرک الوسائل : 435/9 ح 11274 أشار إليه الكافي : 435/4 ح 8 بإسناده عن الحسن بن علي الصيرفي، عن بعض أصحابنا قال : سئل أبو عبد الله عليه السلام بتفاوت، تهذيب الأحكام : 149/5 ح 15 عنه وسائل الشيعة : 468/13 ح 18227، المناقب لابن شهر آشوب : 257/4 .

(137) - از بعضی اصحاب ما روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام پیرامون سعی بین کوه صفا و مروه سؤال نمودم که آیا واجب است یا مستحب؟

فرمود: واجب است عرض کردم: آیا خداوند متعال نفرموده است: «پس باکی آن ها نیست که بین آن دو (کوه صفا و مروه) طواف کنند»؟

فرمود: این موضوع در مورد (حج) عمره قضا می باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشرکین شرط نمود تا بت های خود را از روی کوه صفا و مروه بردارند پس مردی در سعی بین صفا و مروه به جمع آوری آن ها مشغول گردید و سعی را ترک کرد تا آن که ایام حج پایان یافت و ثبت ها بازگردانده شدند، پس نزد آن حضرت آمده و اظهار داشتند: ای رسول خدا! فلانی سعی بین صفا و مروه را انجام نداد تا بت ها بازگردانده شدند.

پس خدای عزّ و جلّ (این آیه) «به درستی که (سعی و هرزوله بین کوه) صفا و مروه از شعار های خداوند است پس هر کسی که حجّ و یا عمره به جای آورد، مشکلی برایش نیست که بین آن دو (کوه) طواف و سعی نماید» را نازل نمود که مقصود حالتی است که بت ها روی کوه صفا و مروه باشند.

(138) - و ابن مسکان، از حلبی روایت کرده است که گفت:

از او (امام صادق علیه السلام) سؤال کردم و گفتم: برای چه بین صفا و مروه، سعی قرار داده شده است؟

فرمود: ابلیس در آن وادی (و سرزمین) خود را برای حضرت ابراهیم علیه السلام ظاهر گردانید پس ابراهیم تلاش نمود که از او دور شود تا مبادا با او سخن گوید؛

ص: 289

أَنْ يُكَلِّمَهُ وَكَانَ مَنَازِلَ الشَّيَاطِينِ (1)

240/ [139] - قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَبَرِ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ:

أَنَّهُ كَانَ عَلَى الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ أَصْنَامٌ فَلَمَّا أَنْ حَجَّ النَّاسُ لَمْ يَدْرُوا كَيْفَ يَصْنَعُونَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ الْآيَةَ فَكَانَ النَّاسُ يَسْعَوْنَ وَالْأَصْنَامُ عَلَى حَالِهَا فَلَمَّا حَجَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَمَى بِهَا. (2)

قوله تعالى: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (159) إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (160)

241/[140] - (عَنْ إِبْنِ أَبِي عَمِيرٍ (3) عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (قَالَ) (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى) فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (4)

ص: 290

1- بحار لأنور: 237/99 ح 16 و البرهان في تفسير القرآن: 368/1 ح 10، و مستدرك الوسائل: 436/9 ح 11275 مستطرفات السرائر 561 (ما استطرقه من نوادر أحمد)، عنه وسائل الشيعة ووسائل الشيعة: 471/13 ذيل ح 18233

2- عنه بحار الأنوار: 237/99 ح 17، و وسائل الشيعة: 504/13 - 18316، و البرهان في تفسير القرآن 368/1 ح 11، و مستدرك الوسائل: 452/19 ح 11314

3- في الطبع القديم: عن بن أبي عمير.

4- عنه بحار الأنوار: 76/2 ح 53 و البرهان في تفسير القرآن: 368/1 ح 1 و نور الثقلين: 148/1 ح 473

(139) - و در روایتی از حَمَّاد بن عثمان روایت کرده است که گفت :

امام صادق علیه السلام فرمود: بت ها بین کوه صفا و مروه بود چون مردم خواستند حج به جای آورند نمی دانستند چه کنند خداوند این آیه را نازل نمود، پس مردم در همان حالتی که بت ها موجود بود سعی خود را انجام می دادند؛ و هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حج نمود بت ها را دور انداخت

فرمایش خداوند متعال: همانا کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده ایم بعد از آن که در کتاب برای مردم بیان نمودیم. کتمان کنند خدا آن ها را لعنت می کند و همه لعن کنندگان نیز آن ها را لعن می کنند (159) فرمایش خداوند متعال: مگر آن کسانی که توبه و بازگشت کردند و (اعمال بد خود را به وسیله اعمال نیک) اصلاح نمایند (و آن چه را کتمان کرده اند آشکار سازند). پس من توبه آن ها را می پذیرم؛ زیرا که من تَوَّاب و رحیم هستم (160)

(140) - از این ابی عمیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا کسانی که آن چه را از براهین و نشانه ها فرستادیم کتمان می کنند» درباره امام علی علیه السلام می باشد که آن حضرت نشانه و برهان خواهد بود)

242 / [141] - (عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ) يَعْنِي بِذَلِكَ نَحْنُ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ). (1)

243 / [142] - (عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ عَذَابِ الْقَبْرِ؟

قَالَ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنَا أَنَّ رَجُلًا أَتَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ فَقَالَ حَدَّثَنِي فَسَكَتَ عَنْهُ ثُمَّ عَادَ فَسَكَتَ فَأَدْبَرَ الرَّجُلُ وَهُوَ يَقُولُ وَيُتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ) فَقَالَ لَهُ أَقْبِلْ إِنَّا لَوْ وَجَدْنَا أَمِينًا لَحَدَّثْنَاكَ وَ لَكِنْ أَعَدَّ لِمُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ إِذَا أَتَيْتَ فِي الْقَبْرِ فَسَأَلَاكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، فَإِنْ شَكَّكَتَ أَوْ الْتَوَيْتَ (2) ، ضَرْبَاكَ عَلَى رَأْسِكَ بِمِطْرَقَةٍ (3) مَعَهُمَا تَصِيرُ مِنْهَا رَمَادًا،

فَقُلْتُ: ثُمَّ مَهْ؟ قَالَ: يَعُودُ، ثُمَّ تَعَدَّبُ، قُلْتُ: وَ مَا مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ؟

قَالَ: هُمَا قَعِيدَا الْقَبْرِ (4) قُلْتُ: أَمْ لَكَانِ يُعَذَّبَانِ النَّاسَ فِي قُبُورِهِمْ؟

قَالَ: نَعَمْ). (5)

ص: 292

1- عنه بحار الأنوار: 76/2 ح 54، و البرهان في تفسير القرآن: 368/1 ح 2، و نور الثقلين: 148/1 ح 474.

2- التوى عليه الأمر: اشتد و امتنع .

3- المطرقة: آلة من حديد و نحوه يضرب بها الحديد و نحوه.

4- القعيد: الذي يصاحبك في قعودك، فعيل بمعنى مقاعد.

5- عنه بحار الأنوار: 76/2 ح 55 و 235/6 ح 53، و البرهان في تفسير القرآن: 368/1 ح 3، و مستدرک الوسائل: 295/12 ح 14126

(141) - از حمران روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: «همانا کسانی که آن چه را از براهین و نشانه ها فرستادیم، کتمان می کنند بعد از آن که آن چه را در کتاب است برای مردم بیان کرده ایم» مقصود (از آن براهین و نشانه ها) ما (اهل بیت رسالت) هستیم؛ و خداوند کمک خواسته (کمک دهنده) می باشد

(142) - از زید شحام روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره عذاب قبر سؤال شد، حضرت فرمود: همانا امام باقر علیه السلام فرموده است: مردی نزد سلمان فارسی آمد و گفت: برایم حدیثی بیان کن سلمان سکوت نمود او سخن خود را تکرار کرد و باز سلمان سکوت نمود پس پشت کرد و در حال رفتن این آیه را «همانا کسانی که آن چه را از براهین و نشانه ها فرستادیم، کتمان می کنند، بعد از آن که آن چه را در کتاب است برای مردم بیان کرده ایم» می خواند

سلمان گفت: برگرد اگر ما امینی را بیایم برایش سخن می گوئیم مواظب باش که خود را برای فرشته نکیر و منکر باید آماده کنی که چنان چه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کنند (باید پاسخی صحیح داشته باشی) که اگر شک داشتی و یا متحیر بودی آن دو با پتکی که همراه دارند چنان بر سرت می کوبند که خاکستر شوی

عرض کردم: سپس چه خواهد شد؟

فرمود: بر می گردد و باز عذاب می شود.

گفتم: نکیر و منکر چه کسانی هستند؟

فرمود: جایگاه آن ها در قبر می باشد.

گفتم: آیا دو فرشته الهی مردم را عذاب می کنند؟ فرمود: بلی.

ص: 293

244 / [143] - (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ)

قَالَ: نَحْنُ يُعْنَى بِهَا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ، إِنَّ الرَّجُلَ مَتَا إِذَا صَارَتْ إِلَيْهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَوْ لَمْ يَسْعُهُ - إِلَّا أَنْ يُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَنْ يَكُونُ بَعْدَهُ (1)

245/[144] - (وَرَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: هُمْ أَهْلُ الْكِتَابِ.) (2)

246/[145] - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ (أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ) قَالَ: نَحْنُ هُمْ وَقَدْ قَالُوا: هَوَامُّ الْأَرْضِ.) (3)

قوله تعالى: (وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ (165) إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ (166) وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ (167))

ص: 294

1- عنه بحار الأنوار: 76/7 ح 56 و البرهان في تفسير القرآن: 369/1 ح 4، و نور الثقلين: 149/1 ح 475.

2- عنه بحار الأنوار: 76/2 - 57، و البرهان في تفسير القرآن: 369/1 ح 5، و نور الثقلين: 149/1 ح 476 قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي: 247 فصل (2)

3- عنه بحار الأنوار: 76/2 ح 58، و البرهان في تفسير القرآن: 369/1 ح 6، و نور الثقلين: 149/1 ح 477

(143) - از بعضی اصحاب روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا درباره فرمایش خداوند متعال: «همانا کسانی که آن چه را از براهین و نشانه ها فرستادیم کتمان می کنند. بعد از آن که را آن چه در کتاب است برای مردم بیان کرده ایم». آگاه فرما

فرمود: مقصود از آن ما هستیم؛ و خداوند کمک کننده می باشد همانا یک نفر از ما موقعی که مطلبی به او برسد و نتواند و یا مجاز نباشد که برای مردم بیان نماید باید آن را برای (جانشین) بعد از خود بیان کند.

(144) - و از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: مقصود اهل کتاب می باشند.

(145) - از عبدالله بن بکیر، به نقل از کسی که حدیث گفته روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «آنان را خداوند و هر لعنت کننده ای لعنت می کند» فرمود: ما همان ها (یعنی لعنت کنندگان) هستیم و حال آن که مخالفین گفته اند، مقصود حشرات و جانداران زمینی هستند!

فرمایش خداوند متعال: و آن هایی که ستم کردند و غیر از خدا را برگزیدند) چون که عذاب را مشاهده کنند می فهمند که تمام قدرت از آن خدا (وند یکتا) است و او دارای مجازات شدید می باشد (165) در آن هنگام رهبران (گمراه کننده) از پیروان خود بیزاری می جویند و کیفر خدا را مشاهده می کنند و از هر وسیله ای قطع (و نا امید) شده اند (166) و پیروان آن ها گویند: ای کاش بار دیگر به دنیا باز می گشتیم تا از آن ها بیزاری جویم آن چنان که آنان (امروز) از ما بیزاری جسته اند! خداوند این چنین اعمال آن ها را به صورت حسرت آمیز به آنان نشان می دهد و هرگز از آتش (دوزخ) خارج نخواهند شد. (167)

ص: 295

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ)؟

قَالَ: فَقَالَ: هُمْ أَوْلِيَاءُ فَلَانٍ وَفُلَانٍ وَفُلَانٍ اتَّخَذُوهُمْ أَيْمَةً مِّن دُونِ الْإِمَامِ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (وَكَوَيْدِ الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ * إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ أُتْبِعُوا) - إِلَى قَوْلِهِ: (وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ) قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ! يَا جَابِرُ! هُمْ أَيْمَةُ الظُّلْمِ وَأَشْيَاعُهُمْ. (1)

[147]/248 - (عَنْ زُرَّارَةَ وَحُمْرَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ [فِي] قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ)، قَالَ: هُم آلُ مُحَمَّدٍ) (2)

[148]/249 - (عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ))

ص: 296

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 363/8 ح 41، و 157/30 ح 85 و البرهان في تفسير القرآن: 374/1 ح 3 و مستدرک الوسائل: 176/18 ح 22430 الكافي: 374/2 ح 11 بإسناده عن عمرو بن ثابت عن جابر قال: سألت أبا جعفر عليه السلام، عنه تأويل الآيات الظاهرة: 88 (سورة البقرة)، الاختصاص: 334 (حديث في زيارة المؤمن لله) بإسناده عن عمرو بن ثابت قال: سألت أبا جعفر عليه السلام، عنه البحار: 137/72 ح 23 و مستدرک الوسائل: 178/18 ح 22437، الغيبة للنعماني: 131 ح 12 نحو الكافي، عنه البحار: 359/23 ح 16.
- 2- عنه بحار الأنوار: 158/30 ح 86، و البرهان في تفسير القرآن: 374/1 ح 4، و نور الثقلين: 151/1 ح 487

146) - از جابر روایت کرده است که گفت: از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و برخی از مردم کسانی هستند که به غیر از خداوند، شریکانی را برای اقرار می دهند و به آن ها همانند خدا عشق می ورزند»، سؤال کردم؟

فرمود: به راستی که آن ها دوستداران و پیروان فلان و فلان هستند که آنان را امام و پیشوای خود قرار داده اند بدون توجه به افرادی که از طرف خداوند به عنوان امام و پیشوایان انسان ها منصوب شده اند؛ و به همین خاطر خداوند متعال فرموده است: «کسانی که ستم کرده اند هنگامی که عذاب را ببینند، متوجه می شوند که همه قدرت ها به (دست توانا و) قدرت خداوند است به راستی که عذاب خداوند سخت است * موقعی که پیروی شدگان از پیروان خود بیزاری می جویند عذاب را می بینند و رشته اسباب آنان گسیخته می شود * و پیروان آن ها می گویند: ای کاش ما را بازگشتی می بود تا ما نیز از آنان بیزاری می جستیم - تا جایی که فرمود: - امکان خارج شدنشان از آتش نخواهد بود».

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر! به خدا سوگند! آنان (همان) پیشوایان ظالم و پیروان آنان می باشند.

147) - از زراره و حمران و محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و برخی از مردم کسانی هستند که به غیر از خداوند شریکانی را برای اقرار می دهند و به آن ها همانند خدا عشق می ورزند ولی آن هایی که اهل ایمان هستند کمال ایمان را مخصوص به خدا می دانند» فرمودند: ایشان آل محمد علیهم السلام هستند.

148) - از عثمان بن عیسی به نقل از دیگری روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام درباره تفسیر فرمایش خداوند متعال: «این چنین خداوند اعمال ایشان را نشان شان می دهد که موجب حسرتشان خواهد شد» فرمود:

قَالَ هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُ مَالَ وَلَا يَنْفِقُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ بِخُلَاثَمٍ يَمُوتُ فَيَدْعُهُ لِمَنْ هُوَ يَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ أَوْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَإِنْ عَمِلَ بِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ رَأَى فِي مِيزَانٍ غَيْرِهِ فَرَادَ حَسْرَةً وَقَدْ كَانَ الْمَالُ لَهُ وَإِنْ عَمِلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَوَآهُ بِذَلِكَ الْمَالِ حَتَّى أَعْمَلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ (1)

[149]/250 - (عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ)؟

قَالَ: أَعْدَاءُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النَّارِ أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ. (2)

قوله تعالى: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ) (168)

[150]/251 - (عَنْ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ امْرَأَةٍ جَعَلَتْ مَالَهَا هَدِيًّا وَكُلَّ مَمْلُوكٍ لَهَا حُرًّا إِنْ كَلَّمَتْ أُخْتَهَا أَبَدًا؟

قَالَ: تَكَلَّمَهَا وَلَيْسَ هَذَا بِشَيْءٍ إِئْمًا هَذَا وَأَشْبَاهُهُ مِنْ خُطُوتِ الشَّيَاطِينِ. (3)

ص: 298

1- عنه بحار الأنوار: 147/73 ح 20، والبرهان في تفسير القرآن: 375/1 ح 7 و مستدرک الوسائل : 274/15 ح 18222.

2- عنه بحار الأنوار 158/30 ح 87 والبرهان في تفسير القرآن 375/1 ح 8 ونور الثقلين: 151/1 ح 488 و يأتي الحدث أيضاً في الحديث 101 من سورة «المائدة»

3- عنه بحار الأنوار: 223/104 ح 29، والبرهان في تفسير القرآن 376/1 ح 6 و مستدرک الوسائل 43/16 - 19078 أشار اليه . من لا يحضره الفقيه : 360/3 ح 4274 عنه وسائل الشيعة : 218/23 ح 29407، النوادر للأشعري: 26 ح 16 بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أحدهما عليهما السلام، عنه البحار 231/104 ح 77، و مستدرک الوسائل : 43/16 ح 19077، ونحوه فقه القرآن: 235/2

مردی مالی از خود بجا می‌گذارد که چون بخیل بوده آن را در مسیر طاعت و فرمان خدا هزینه و مصرف نکرده است پس موقعی که بمیرد دیگران آن را در طاعت و یا معصیت خدا مصرف می‌کنند چنانچه در طاعت خدا باشد، ثواب و پاداش آن را در میزان و نامه عمل دیگری می‌بیند و افسوس و حسرت می‌خورد که مال او بوده (ولی نتوانسته در راه خیر مصرف کند و ثواب ببرد) ولی اگر دیگری آن را در معصیت خدا مصرف کرده که در این صورت به وسیله آن کمک و تقویتی در گناه و معصیت او گردیده است (و صاحب اولیه مال را نیز عذاب می‌کنند).

(149) - از منصور بن حازم روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: منظور از «و آنان از آتش خارج و نجات نخواهند یافت» چیست؟

فرمود: دشمنان و مخالفان امام علی علیه السلام می‌باشند که در باشند که در آتش جهنم جاوید خواهند بود.

فرمایش خداوند متعال: ای مردم! آن چه در زمین است از حلال و پاکیزه اش بخورید و از (وسوسه ها و) گام های شیطان پیروی نکنید! چون که او دشمن آشکار شما است. (168)

(150) - از علاء بن رزین از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از یکی از دو امام (باقر یا صادق) علیهما السلام درباره زنی که نذر کرده اگر با خواهرش کلامی سخن بگوید هر چه مال دارد همه آن ها را به کعبه هدیه دهد و هر آن چه برده در اختیار دارد همه را آزاد کند سؤال شد؟

فرمود: با خواهرش سخن بگوید این (نذر ها) چیزی نیست این ها و امثال این موارد از خطوات و گام های شیطان است.

ص: 299

أَنَّ امْرَأَةً مِنْ آلِ الْمُخْتَارِ حَلَفَتْ عَلَى أُخْتَيْهَا أَوْ ذَاتِ قَرَابَةٍ لَهَا قَالَتْ: أُذْنِي يَا فُلَانَةَ! فَكُلِّي مَعِي، فَقَالَتْ: لَا فَحَلَفَتْ عَلَيْهَا بِالْمَشِيِّ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ وَعَتَقَتْ مَا يَمْلِكُ إِنْ لَمْ تَدْنِي فَتَأْكُلِي مَعِي، أَنْ لَا أَظَلَّ وَإِيَّاكَ سَقْفُ بَيْتٍ أَوْ أَكَلْتُ مَعَكَ عَلَى خِوَانِي أَبَدًا، قَالَ: فَقَالَتْ الْأُخْرَى مِثْلَ ذَلِكَ.

فَحَمَلَ عُمَرُ بْنُ حَنْظَلَةَ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقَالَتَهُمَا، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا أَقْضِي فِي ذَا، قُلْ لَهُمَا: فَلْتَأْكُلْ وَلِيُظَلَّهَا وَإِيَّاهَا سَقْفُ بَيْتٍ، وَلَا تَمْشِي وَلَا تُعْتِقِي وَلْتَتَّقِي اللَّهَ رَبَّهُمَا وَلَا تَعُودَا إِلَى ذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا مِنْ خُطُواتِ الشَّيَاطِينِ. (1)

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا سَمِعْتَ بِطَارِقٍ؟ أَنْ طَارِقًا كَانَ نَحَاسًا بِالْمَدِينَةِ فَاتَى أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا أَبَا جَعْفَرٍ! إِنِّي هَالِكٌ إِنِّي حَلَفْتُ بِالطَّلَاقِ وَالْعَتَاقِ وَالنُّدُورِ،

فَقَالَ لَهُ: يَا طَارِقُ! إِنَّ هَذِهِ مِنْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ. (2)

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ حَلَفَ أَنْ يَنْحَرَ وَلَدَهُ؟

1- عنه بحار الأنوار: 223/104 ح 30، والبرهان في تفسير القرآن: 376/1 ح 7، ومستدرک الوسائل: 45/16 ح 19086. الكافي: 440/7 ح 8 عنه وسائل الشيعة: 220/23 ح 29415، النوادر للأشعري: 27 ح 19 عنه البحار: 232/104 ح 80
2- عنه بحار الأنوار: 223/104 ح 31، والبرهان في تفسير القرآن: 376/1 ح 8 ومستدرک، الوسائل: 48/16 ح 19099. تهذيب الأحكام: 287/8 ح 50، عنه وسائل الشيعة: 231/23 ح 29450، النوادر للأشعري: 31/27 ح 27 عنه البحار: 234/104 ح 88، و مستدرک الوسائل: 296/15 ح 18295، و 48/16 ح 1900 أشار إليه.

(151) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

زنی از آل مختار بر خواهرش و یا یکی دیگر از خویشانش سوگند خورد و گفت: ای فلانی! بیا با من غذا بخور پاسخ داد: نه نمی خورم.

پس آن زن بر علیه او سوگند خورد که اگر نیایی و با من غذا نخوری، به حج خانه خدا پیاده می روم و هر چه برده دارم آزاد می باشند و هیچ موقع من با تو در زیر یک سقف جمع نخواهم شد مگر این که بیایی و همراه من غذا بخوری

او نیز مانند اول پاسخ داد: نه نمی آیم

عمر بن حنظله گفت و گوی آن دوزن را به عرض امام باقر علیه السلام رساند، حضرت فرمود: حکم می کنم که به آن زن بگویی: با او غذا بخورد و هر دو زیر یک سقف قرار گیرند و لازم نیست پیاده به حج برود و برده هایش را آزاد کند؛ و سعی نماید که تقوای الهی را پیشه خود قرار دهد و بداند که این ها از خطوات و گام های شیطان است.

(152) - از منصور بن حازم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا جریان طارق را شنیده ای؟ او مردی بود که در مدینه برده (غلام و کنیز) خرید و فروش می کرد روزی محضر امام باقر علیه السلام آمد و گفت: ای ابا جعفر! به درستی که من در هلاکت قرار گرفته ام همانا من سوگند خورده ام که (همسرم را) طلاق دهم و (برده هایم را) آزاد نمایم؛ و نذر هایی کرده ام.

حضرت فرمود: ای طارق! این ها از خطوات شیطان است (و اعتنایی نکن)

(153) - و از عبد الرحمان بن ابی عبد الله روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی که سوگند خورده است فرزندش را سر ببرد سؤال کردم؟

فَقَالَ: ذَلِكَ مِنْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ (1)

[154]/255 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: (لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ) قَالَ: كُلُّ يَمِينٍ بَغَيْرِ اللَّهِ فَهِيَ مِنْ خُطُواتِ الشَّيْطَانِ). \$ عنه بحار الأنوار: 223/104 ح 33، و البرهان في تفسير قرآن: 376/1 ح 10، و نور الثقلين: 152/1 ح 492

وسائل الشيعة : 46/22 ح 27987 عن الفضل بن الحسن الطيربي في مجمع ميان، بتفاوت يسير. \$

قوله تعالى : (إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (173)

[155] / 256 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ رَفَعَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ: (فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ) قَالَ:

الْبَاغِي الظَّالِمُ وَ الْعَادِي الْعَاصِبُ) (2)

[156]/257 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْمُضْطَرُّ لَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ لِأَنَّهَا لَا تَزِيدُهُ إِلَّا

ص: 302

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 223/104 ح 32، و البرهان في تفسير القرآن : 376/6 ح 9. تهذيب الأحكام: 288/8 ح 55 و 24 و 317 ح 59 الاستبصار : 48/4 ح 2 عنهما وسائل الشيعة : 222/23 ح 29419 و 282 ح 29574 و 325 ح 29661 ، النوادر للأشعري : 33 ح 36، عنه البحار : 235/104 ح 97، و مستدرک الوسائل : 77/16 ح 19200
- 2- عنه بحار الأنوار: 136/65 ح 5، و البرهان في تفسير القرآن 380/1 ح 3، و مستدرک الوسائل : 200/16 ح 19583 . و البحار : 137/65 ح 8 عن دعائم الإسلام

فرمود: این موارد از خطوات و گام های شیطان است.

(154) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «از خطوه ها و وسوسه های شیطان متابعت و پیروی نکنید» هر نوع سوگندی به غیر از سوگند به خداوند از خطوات و گام های شیطان است.

فرمایش خداوند متعال: (خداوند) فقط مردار، خون، گوشت خوک و آن چه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود حرام نموده است (ولی) آن کسی که مضطر و مجبور شود در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد گناهی بر او نیست (و می تواند به مقدار حفظ جان خود، از آن بخورد) خداوند بخشنده و مهربان است. (173)

(155) - از محمد بن اسماعیل روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس کسی که مضطر و ناچار باشد، ستمگر و متجاوز نمی باشد، فرمود باغی، ظالم و ستمگر است و عادی غاصب و متجاوز می باشد.

(156) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: مضطر کسی است که شراب (مست کننده) نیاشامد؛ زیرا چیزی به غیر از شرّ برایش به بار نمی آورد که اگر بنوشد سبب هلاکت و بیچارگی او گردد، پس نباید حتی قطره ای از آن را بیاشامد.

شَرًّا فَإِنْ شَرِبَهَا قَتَلْتُهُ فَلَا يَشْرَبَنَّ مِنْهَا قَطْرَةً . (1)

[157]/258 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَرَأَةِ أَوْ الرَّجُلِ يَذْهَبُ بَصَرُهُ فَيَأْتِيهِ الْأَطِبَّاءُ فَيَقُولُونَ: نُدَاوِيكَ شَهْرًا أَوْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مُسْتَلْقِيًا كَذَلِكَ يُصَلِّي فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ لَهُ، فَقَالَ: (فَمَنْ أُضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ) . (2)

[158]/259 - (عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (فَمَنْ أُضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ) قَالَ:

الْبَاغِي الْخَارِجُ عَلَى الْإِمَامِ وَالْعَادِي اللَّصُّ) . (3)

[159] /260 - (عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: أَتَتْ امْرَأَةً إِلَى عُمَرَ فَقَالَتْ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي فَجَرْتُ فَأَقِمْ فِيَّ حَدَّ اللَّهِ، فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا وَكَانَ عَلِيُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَاضِرًا، قَالَ: فَقَالَ لَهُ: سَلَهَا كَيْفَ فَجَرْتِ؟

ص: 304

1- عنه بحار الأنوار: 83/62 ذيل ح 5 أشار إليه، و 157/65 ح 33، و البرهان في تفسير القرآن: 380/1 ح 4، و مستدرک الوسائل: 67/17 ح 20778، و 76 ح 20807. علل الشرائع: 164/2 ح 1 عنه (باب - 227 علة منع شرب الخمر)، عنه وسائل الشيعة: 347/25 ح 32093 و 378 ح 32172، و البحار: 83/62 ح 5، و 157/65 ذيل ح 34، و 137/79 ح 34 .

2- عنه بحار الأنوار: 66/62 ح 11، و البرهان في تفسير القرآن: 380/1 ح 6. الكافي: 410/3 ح 4 بإسناده عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام، عنه وسائل الشيعة: 496/5 ح 7155

3- عنه بحار الأنوار: 136/65 ح 6 وزيادة في آخره: و العادي الذي يقطع الطريق، لا يحل لهما الميتة، و البرهان في تفسير القرآن: 380/1 ح 6، و مستدرک الوسائل: 201/16 ح 19584. الكافي: 265/6 ح 1 بإسناده عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عمّن ذكره عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، عنه وسائل الشيعة: 216/24 ح 30378، و البحار: 104/65، و نحوه معاني الأخبار: 213 ح 1، عنه البحار: 136/65 ح 3 و 137/65 ح 9 عن دعائم الإسلام

(157) - و (نیز با سند خود) از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره زن یا مردی که بینائی خود را از دست بدهد، پس وقتی به پزشکان مراجعه می کند می گویند: باید یک ماه یا چهل شب به پشت بخوابی تا درمان شوی با همین حالت نماز می خواند و چشمش بهبود می یابد

سپس در مورد او به امام علیه السلام رجوع کردم فرمود: «پس کسی که مضطر و ناچار باشد، ستمگر و متجاوز نمی باشد هر کسی که به حال اضطرار بیفتد و این اضطرار دستاورد خودش نباشد مانعی ندارد

(158) - از حمّاد بن عثمان روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس کسی که مضطر و ناچار باشد، ستمگر و متجاوز نمی باشد» فرمود: «باغی» کسی است که بر امام و پیشوا خروج کند و «عادی» دزد می باشد

(159) - از بعضی از اصحاب روایت کرده است که گفت:

زنی نزد عمر آمد و اظهار داشت من فحشا مرتکب شده و زنا داده ام بر من حدّ خداوند را جاری کن پس عمر دستور داد تا او را سنگسار کنند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام حضور داشت به عمر بن خطاب فرمود: از زن سؤال کن که چگونه اقدام به چنین عملی کرده است؟

(موقعی که سؤال کردند) گفت: در بیابانی تشنه بودم خیمه ای دیدم و نزدیک آن رفتم مردی بیابان نشین در آن بود از او درخواست آب کردم و او از آب ممانعت کرد و گفت مگر آن که خود را در اختیارش قرار دهم پس از او دور شده و فرار کردم تشنگی بر من غلبه کرد به طوری که چشمانم جایی را نمی دید و زبانم از کار افتاد و بی حال روی زمین افتادم.

ص: 305

قَالَتْ: كُنْتُ فِي فَلَاةٍ مِنَ الْأَرْضِ أَصَابَنِي عَطَشٌ شَدِيدٌ فَرَفَعْتُ لِي حَيْمَةً فَأَتَيْتُهَا فَأَصَبْتُ فِيهَا رَجُلًا أَعْرَابِيًّا فَسَأَلْتُهُ الْمَاءَ، فَأَبَى عَلَيَّ أَنْ يَسْقِيَنِي إِلَّا أَنْ أُمَكِّنَهُ مِنْ نَفْسِي، فَوَلَّيْتُ عَنْهُ هَارِبَةً فَأَشْتَدَّ بِي الْعَطَشُ حَتَّى غَارَتْ (1) عَيْنَايَ وَذَهَبَ لِسَانِي، فَلَمَّا بَلَغَ ذَلِكَ مِنِّي أَتَيْتُهُ فَسَقَانِي وَوَقَعَ عَلَيَّ

فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذِهِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ: (فَمَنْ أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ) وَهَذِهِ غَيْرُ بَاغِيهِ وَلَا عَادِيهِ فَحَلَّ سَبِيلَهَا، فَقَالَ عُمَرُ: لَوْ لَا عَلِيُّ لَهَلَكَ عُمَرُ. (2)

261/[160] - (عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَمَنْ أَضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ) قَالَ: الْبَاغِيُّ طَالِبُ الصَّيْدِ وَالْعَادِي السَّارِقُ لَيْسَ لَهُمَا أَنْ يَقْصُرَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ لَيْسَ لَهُمَا إِذَا أَضْطَرَّ إِلَى الْمَيْتَةِ أَنْ يَأْكُلَاهَا وَلَا يَحِلُّ لَهُمَا مَا يَحِلُّ لِلنَّاسِ إِذَا أَضْطَرُّوا. (3)

262/[161] - (عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ) (4) قَالَ:

مَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى فِعْلِ مَا يَعْمَلُونَ أَنَّهُ يُصَيِّرُهُمْ إِلَى النَّارِ. (5)

ص: 306

1- غارت عينه : دخلت في الرأس وانخسفت

2- بحار الأنوار: 51/79 ح 40 ، و البرهان : 380/1 ح 7 ، و مستدرک الوسائل : 58/18 ح 22025 . من لا يحضره الفقيه : 35/4 ح 5025 بإسناده عن محمد بن عمرو بن سعيد رفعه، تهذيب الأحكام 49/10 ح 186 بإسناده عن محمد بن عمرو بن سعيد عن بعض أصحابنا قال عنهما وسائل الشيعة : 111/28 ح 34346، عوالي اللئالي : 156/2 ح 433، فقه القرآن : 370/2 ح 3- عنه بحار الأنوار : 157/65 ح 35 ، و 68/89 ح 36 ، و البرهان في تفسير القرآن : 381/1 ح 8، و مستدرک الوسائل : 531/6 ح 7437، و 201/16 ح 19585.

4- سورة البقرة : 175/2

5- عنه بحار الأنوار: 298/8 ح 51، و البرهان في تفسير القرآن: 382/1 ح 2 . الكافي : 268/2 ح 2 عنه وسائل الشيعة : 299/15 ح 20566، و البحار : 313/73 ح 2 .

پس آن مرد آمد و مقدار آبی به من نوشانید و سپس با من عمل فحشای زنا انجام داد (که توان دفاع نداشتم)

امام علی علیه السلام فرمود: این از موارد فرمایش خداوند متعال است که فرموده: «پس کسی که مضطر و ناچار باشد، ستمگر و متجاوز نمی باشد» این زن نه باغی است و نه عادی او را آزاد بگذارید

در این موقع عمر گفت: «لولا علی لهلك عمر» اگر علی (علیه السلام) نمی بود (و این مشکل را حل نمی کرد) عمر به هلاکت می رسید.

160) - از حماد بن عثمان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خدای عزّ و جلّ: «پس کسی که مضطر و ناچار باشد، ستمگر و متجاوز نمی باشد»، فرمود: «باغی»، جوینده شکار است و «عادی» دزد می باشد این دو نفر نمی توانند (در سفر) نماز خود را شکسته بخوانند و حتی نباید در ضرورت گوشت مردار بخورند؛ و آن چه (در حکم) بر دیگر مسلمان ها حلال است بر این دو نفر حلال نمی باشد

161) - از ابن مسکان، به طور مرفوعه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «پس چه چیزی آنان را در برابر آتش بردبار کرده است» فرمود: (خداوند) آنان را بر عملی که می دانند نتیجه اش آتش می باشد، مهلت شان نمی دهد

ص: 307

قوله تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدَاةٍ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (178)

[162]/263- (عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى:

(الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى)، قَالَ لَا يُقْتَلُ حُسْرَ بَعْبِدٍ وَ لَكِنْ يُضْرَبُ ضَرْبًا شَدِيدًا وَيُعْرَمُ دِيَةَ الْعَبْدِ وَإِنْ قَتَلَ رَجُلٌ امْرَأَةً فَأَزَادَ أَوْلِيَاءَ الْمَقْتُولِ أَنْ يَقْتُلُوا أَدْوَا نِصْفَ دِيَّتِهِ إِلَى أَهْلِ الرَّجُلِ). (1)

[163]/264- (مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ) هِيَ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ مَا هِيَ لِلْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً.) (2)

[164]/265- (عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ)؟

ص: 308

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 406/104 ح 7، و وسائل الشيعة: 86/29 ح 35219، و البرهان في تفسير القرآن 386/1 ح 6 و نور الثقلين: 157/1 ح 514 الكافي: 304/7 ح 1 بإسناده عن أبي بصير، عن أحادهما عليهما السلام - إلى قوله: دية العبد، ونحوه تهذيب الأحكام 191/10 ح 51. و الاستبصار. 272/4 ح 4، عنهم وسائل الشيعة: 96/29 ح 35240، عوالي اللئالي: 583/3 ح 27
- 2- عنه بحار الأنوار: 396/104 ح 39، و وسائل الشيعة: 118/29 ح 35293. و البرهان في تفسير القرآن: 387:1 ح 7، و نور الثقلين: 156/1 ح 513 و 162 ح 545

فرمایش خداوند متعال: ای کسانی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشته شدگان بر شما نوشته (و با این بیان واجب) شده است آزاد در برابر آزاد برده در برابر برده و زن در برابر زن پس اگر کسی از سوی برادر دینی خود چیزی به او بخشیده شود باید از راه پسندیده پیروی کند و قاتل نیز به نیکی دیه را (به ولیّ مقتول) پردازد این تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن تجاوز کند عذاب دردناکی خواهد داشت. (178)

(162) - از سماعة بن مهران روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «شخص آزاده در برابر آزاده و (زرخريد) در برابر عبد و زن در برابر زن قصاص می شود» فرمود: انسان آزاد در برابر برده قصاص و کشته نمی شود بلکه کتک سختی بر او زده می شود و خون بهای او به عنوان یک برده پرداخت خواهد شد ولی اگر مردی زنی را کشت و اولیا و ورثه زن خواستند مرد را بکشند باید نصف خون بهای مرد را به اولیا و ورثه مرد پردازند

(163) - محمد بن خالد برقی، به نقل بعضی از اصحاب خود روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! قصاص بر شما نوشته و واجب شده است» فرمود: منظور جمعیت مسلمانان هستند این آیه مخصوص مؤمنان نمی باشد

(164) - از حلبی روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «پس کسی که حقّ خود را به برادر (دینی خود) ببخشد و با او رفتار خوب داشته باشد و با نیکی به او ادا نماید» سؤال کردم که چیست؟

ص: 309

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَنْبَغِي لِلذِّي لَهُ الْحَقُّ أَنْ لَا يَضُرَّ (1) أَخَاهُ إِذَا كَانَ قَادِرًا عَلَى دِيهِ، وَ يَنْبَغِي لِلذِّي عَلَيْهِ الْحَقُّ [بِالْمَعْنَى أَصْلَحَتْ] أَنْ لَا يُمَاطِلَ أَخَاهُ إِذَا قَدَرَ عَلَى مَا يُعْطِيهِ، وَيُودَى إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ، قَالَ: يَعْنِي إِذَا وَهَبَ الْقَوْدُ اتَّبَعُوهُ بِالذِّيهِ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ لِكَيْ لَا يَبْطُلَ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ. (2)

266/165]- (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ) مَا ذَلِكَ؟

قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَقْبَلُ الدِّيَةَ فَأَمَرَ اللَّهُ الذِّي لَهُ الْحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَهُ بِمَعْرُوفٍ وَلَا يُعْسِرَهُ، وَأَمَرَ اللَّهُ الذِّي عَلَيْهِ الدِّيَةُ أَلَّا يَمْطُلَهُ وَأَنْ يُودَى إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ إِذَا أَيْسَرَ. (3)

267 / 166] - (عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: (فَمَنْ إِعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ)؟

قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَقْبَلُ الدِّيَةَ أَوْ يَغْفُو أَوْ يُصَالِحُ ثُمَّ يَعْتَدِي فَيَقْتُلُ (فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ)

ص: 310

1- وفي بعض النسخ: أن لا يعسر، وفي نسخ أخرى: أن لا يعتر.

2- عنه بحار الأنوار: 409/104 ح 12، و البرهان في تفسير القرآن: 387/1 ح 8، و مستدرک الوسائل: 250/18 ح 22664. الكافي:

358/7 ح 1 بتفاوت في آخره، و نحوه تهذيب الأحكام: 179/10 ح 16، عنهما وسائل الشيعة: 119/29 ح 35296.

3- عنه بحار الأنوار: 409/104 ح 13 و البرهان في تفسير القرآن: 387/1 ح 9 و مستدرک الوسائل: 250/18 ح 22665 الكافي:

359/7 ح 4 بإسناده عن سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام مع زيادة في آخره، و نحوه من لا يحضره الفقيه: 111/4 ح 5218، و

تهذيب الأحكام: 178/10 ح 14، عنهم وسائل الشيعة: 120/29 ح 35298، دعائم الإسلام: 412/2 ح 1439 مختصراً عنه مستدرک

الوسائل: 251/18 ح 22666 ..

فرمود: کسی که صاحب حق می باشد سزاوار نیست که به برادر (دینی) خود ضرر و خسارتی وارد کند اگر چه توان پرداخت خون بها را داشته باشد؛ و نیز سزاوار است کسی که مدیون و بدهکار شده اگر توان پرداخت خون بها را دارد تأخیر نیندازد بلکه به نیکی پرداخت نماید. (حضرت در ادامه) افزود: معنای آن این می شود که اگر ورثه و اولیای مقتول از قصاص صرف نظر کردند باید خون بها به روش نیکی پرداخت گردد تا مبادا خون مسلمانی پایمال گردد و یا به وی توهین شود.

165 - از ابو بصیر روایت کرده، است که گفت:

از یکی از دو امام (باقر یا صادق) علیهما السلام درباره فرمایش خداوند: «کسی که حق خود را به برادر (دینی خود) ببخشد»، (سؤال کردم که) منظور چیست؟

فرمود: او مردی است که خون بها را پذیرفته است پس خداوند به کسی که صاحب حق می باشد دستور داده تا با خوبی رفتار کند و بر او سخت نگیرد؛ و نیز به کسی که خون بها را بدهکار است دستور داده تا تأخیر نیندازد و در حد توان به نیکی ادا نماید.

166- از حلبی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس کسی که پس از عفو و بخشش دشمنی و ظلم کند، عذابی دردناک برایش خواهد بود»، سؤال کردم؟

فرمود: مردی است که خون بها را قبول کرده و یا بخشیده و یا مصالحه نموده است ولی بعد از آن عداوت و دشمنی کرده و (طرف مقابلش را) می کشد پس برای او عذابی دردناک خواهد بود»

ص: 311

وَفِي نُسَخِهِ أُخْرَى فَيَلْقَى صَاحِبَهُ بَعْدَ الصَّلْحِ فَيَمَثَلُ بِهِ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (1)

قوله تعالى: (كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ (180) فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (181))

268/ [167] - (عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ)؟

قَالَ: حَقٌّ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

قَالَ: قُلْتُ: لِذَلِكَ حَدٌّ مَحْدُودٌ؟

قَالَ: نَعَمْ. قُلْتُ: كَمْ؟

قَالَ: أَدْنَاهُ السُّدُسُ، وَ أَكْثَرُهُ الثُّلُثُ. (2)

269/ [168] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَصِيَّةِ تَجُوزُ لِلْوَارِثِ؟

ص: 312

1- عنه بحار الأنوار: 409/104 ح 14 و البرهان في تفسير القرآن 387/1 ج 10، و مستدرک الوسائل: 252/68 ح 22668 الكافي: 358/7 ذیل ح 1، من لا يحضره الفقيه: 111/4 ذیل ح 5218 تهذيب الأحكام: 178/10 ذیل ج 14 و 179 ذیل ح 13 ح 16، عنهم و سائل الشيعة: 120/29 ذیل ح 35300، و 121/29 ذیل ح 35302.

2- عنه بحار الأنوار: 199/103 ح 30، و البرهان في تفسير القرآن: 389/1 ح 3، و مستدرک الوسائل: 142/14 ح 16327.

و در نسخه ای دیگر آمده است: پس بعد از مصالحه برادر (دینی) خود را می بیند و او را قصاص می کند، (فَلَهُ عَذَابُ أَلِيمٍ).

فرمایش خداوند متعال: (هم چنین) بر شما نوشته شده: هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا می رسد اگر چیز خوبی همانند بعضی اموال از خود به جای گذارده برای پدر و مادر و نزدیکان به طور شایسته وصیت کند که این حقی است بر پرهیزکاران (180) پس کسانی که بعد از شنیدن (حکم وصیت) آن را تغییر دهند گناه آن فقط بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می دهند. خداوند شنوا و دانا می باشد. (181)

(167) - از عمار بن مروان روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «اگر چیز ارزشمند و خوبی را به عنوان وصیت رها کند» سؤال کردم؟

فرمود: منظور وصیت حقی است که خداوند آن را در اموال مردم برای صاحب این امر قرار داده است.

گفتم: برای آن حدّ و حدودی هم هست؟ فرمود بلی گفتم: چگونه و چیست؟

فرمود کمترین آن یک ششم و بالاترین آن یک سوم (از تمامی اموال) می باشد.

(168) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره وصیت برای وارث سؤال کردم آیا جایز و صحیح است؟

ص: 313

قَالَ: نَعَمْ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ .) (1)

[169] / 270 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ أَوْصَى بِوَصِيَّتِهِ لغيرِ الْوَارِثِ مِنْ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ بِالْمَعْرُوفِ غَيْرِ الْمُنْكَرِ فَقَدْ جازَتْ وَصِيَّتُهُ .) (2)

[170] / 271 (عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَنْ لَمْ يُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِذَوِي قَرَابَتِهِ مِمَّنْ لَا يَرِثُ فَقَدْ خَتَمَ عَمَلَهُ بِمَعْصِيَةٍ .) (3)

[171] / 272 - (عَنْ إِبْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: قَوْلُهُ تَعَالَى (كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأُولَادَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ)

قَالَ: هِيَ مَنْسُوخَةٌ نَسَخَتْهَا آيَةُ الْفَرَائِضِ الَّتِي هِيَ الْمَوَارِيثُ (فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَجِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ) يَعْنِي بِذَلِكَ الْوَصِيَّةَ .) (4)

ص: 314

1- عنه بحار الأنوار: 199/103 ح 31 ، و البرهان في تفسير القرآن: 389/1 ح 4 ، و مستدرک الوسائل : 101/14 ح 16207 فيه : هل يجوز للوارث؟

2- عنه وسائل الشيعة : 435/19 ح 24897 ، و البرهان في تفسير القرآن : 389/1 ح 5 .

3- عنه بحار الأنوار: 200/103 ح 32 ، و البرهان في تفسير القرآن : 389/1 ح 6 ، و مستدرک الوسائل : 91/14 ح 16169 و 138 ح 16312 . ، من لا يحضره الفقيه : 182/4 ح 5415 ، تهذيب الأحكام : 174/9 ح 8 ، عنهم وسائل الشيعة : 263/19 ح 24553 و 418 ح - 24873 ، روضة الواعظين : 482/2 (مجلس في ذكر الوصية) ، عوالي اللئالي : 116/2 ح 320 ، مشكاة الأنوار : 335 (في ذكر الوصية) ، مكارم الأخلاق: 363 (في الوصية) .

4- عنه بحار الأنوار: 200/103 ح 33 ، و وسائل الشيعة : 290/19 ح 24630 و 71/26 ح ، 32506 قطعة منه ، و البرهان في تفسير القرآن : 389/1 ح 7 ، و نور الثقلين: 159/1 ح 528 .

فرمود: بلی جایز است؛ و سپس این آیه شریفه را چنان چه برای پدر و مادر و دیگر خویشاوندان وصیتی کند بهتر می باشد» تلاوت نمود.

(169) - از محمد بن قیس روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که برای غیر ورثه وصیت پسندیده ای کند، خواه صغیر باشند یا کبیر، چنان چه منکر (و خلاف شرع) نباشد، وصیتش نافذ و جایز می باشد

(170) - از سکونی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش علیهم السلام، از امام علی علیه السلام، فرمود:

کسی که هنگام مرگ خود برای خویشاوندانی که وارث او نمی باشند، وصیت نکرده باشد اعمال او با معصیت پایان یافته است.

(171) - از ابن مسکان از ابوبصیر روایت کرده است که گفت:

یکی از دو امام (باقر یا صادق) علیهما السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «مقرّر شد که هر گاه مرگ یکی از شما فرا رسد و مالی بر جای گذارد درباره پدر، مادر و خویشاوندان از روی انصاف وصیت کند، این (روش) شایسته پرهیزکاران است».

فرموده اند: این آیه به وسیله آیه فرائض - که همان آیه ارث باشد - نسخ گردیده که آن عبارت است از: «کسانی که بعد از شنیدن آن (وصیت)، تغییرش دهند، گناه آن بر افرادی است که آن را تغییر می دهند» که منظور وصایت و جانشینی می باشد

273/172] - (عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ). قَالَ: شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ قَالَ: قُلْتُ: فَهَلْ لَدَيْكَ حَدٌّ؟

قَالَ: نَعَمْ قُلْتُ: وَمَا هُوَ؟

قَالَ: أَذْنِي مَا يَكُونُ ثُلُثُ الثُّلُثِ. (1)

274/173] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْطَاهُ لِمَنْ أَوْصَى لَهُ، وَإِنْ كَانَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ).

(2)

275/174] - (عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى فِي حِجَّتِهِ فَجَعَلَهَا وَصِيَّةً فِي نَسَمِهِ؟

قَالَ: يَغْرُمُهَا وَصِيَّتُهُ وَيَجْعَلُهَا فِي حِجَّتِهِ كَمَا أَوْصَى بِهِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ). (3)

ص: 316

1- عنه بحار الأنوار: 200/103 ح 34، و البرهان في تفسير القرآن: 389/1 ح 8، و مستدرک الوسائل: 142/14 ح 16326. من لا يحضره الفقيه: 235/4 ح 5562

2- عنه بحار الأنوار: 203/103 ح 6 و البرهان في تفسير القرآن: 391/1 ح 7، و مستدرک الوسائل: 117/14 ح 16248. من لا يحضره الفقيه: 200/4 ح 5462، تهذيب الأحكام: 203/9 ح 5، الاستبصار: 129/4 ح 5 عنهم وسائل الشيعة: 337/19 ح 24722، و 345 ح 24734 عن علي بن موسى بن طاووس في كتاب غياث سلطان الوري عوالي اللثالي: 271/3 ح 10

3- عنه بحار الأنوار: 204/103 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 391/1 ح 8، و مستدرک الوسائل: 119/14 ح 16254. الكافي: 22/7 ح 2 من لا يحضره الفقيه: 443/3 ح 2923 و 207/4 ح 5480، تهذيب الأحكام: 493/5 ح 416، و 230/9 ح 52 عنهم وسائل الشيعة 207/11 ح 14636، 350/19 ح 24745 فقه القرآن: 323/2: (باب الزيادات)

(172) - و از سماعه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «اگر مالی را بر جای گذارد، درباره پدر مادر و خویشاوندان از روی انصاف وصیت کند این (روش) شایسته پرهیزکاران است» فرمود: وصیت چیزی است که خدای عز و جل آن را برای صاحب این امر قرار داده است. گفتم: برای آن حد و حدودی هم هست؟

فرمود: بلی. گفتم چگونه و چیست؟

فرمود: کمترین آن یک سوم از یک سوم (تمامی اموال شخص) می باشد.

(173) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی که وصیت کرده تا اموالش در راه خداوند مصرف شود سؤال کردم؟

فرمود: به هر کسی (و هر چیزی) که وصیت کرده، عطا کن، اگر چه، یهودی و یا نصرانی باشد؛ زیرا که خداوند متعال می فرماید: «پس کسانی که بعد از شنیدن آن (وصیت)، تغییرش دهند، گناه آن بر افرادی است که آن را تغییر می دهند.»

(174) - از ابو سعید روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردند که وصیت کرده تا یک برایش حجی را انجام دهند ولی وصی او آن (مال) را درباره آزاد کردن برده ای هزینه کرد؟

فرمود: وصی باید غرامت و خسارت آن را بر عهده گیرد و همان گونه که درباره حج وصیت کرده است انجام دهد؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «پس کسانی که بعد از شنیدن آن (وصیت)، تغییرش دهند، گناه آن بر افرادی است که آن را تغییر می دهند.»

ص: 317

[175]/276- (عَنْ مُثَنَّى بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى لَهُ بِوَصِيَّتِهِ فَمَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقْبَضَهَا وَ لَمْ يَتْرُكْ عَقِبًا؟

قَالَ: اِطْلُبْ لَهُ وَارِثًا أَوْ مَوْلَى فَاذْفَعْهَا إِلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ)

قُلْتُ: إِنَّ الرَّجُلَ كَانَ مِنْ أَهْلِ فَارِسَ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ لَمْ يُسَمَّ وَ لَا يَعْرِفُ لَهُ وَلِيٌّ.

قَالَ: إِجْهَدْ أَنْ تَقْدِرَ لَهُ عَلَى وَلِيٍّ فَإِنْ لَمْ تَجِدْهُ وَ عَلِمَ اللَّهُ مِنْكَ الْجَهْدَ تَصَدَّقْ بِهَا . (1)

قوله تعالى: فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (182) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (183)

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ)؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَسَخْتَهَا الَّتِي بَعْدَهَا (فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا)

ص: 318

1- بحار الأنوار: 204/103 ح 8، ووسائل الشيعة: 334/19 ذيل ح 24717 أشار إليه، والبرهان في تفسير القرآن 391/1 ح 9. و
مستدرک وسائل 114/14 - 16238. الكافي 13/7 ح 3 بإسناده عن العباس بن عامر قال: سأله من لا يحضره الفقيه. 311/4 ح 5490
إسماده عن العباس بن عامر، عن مثني قال: سألته، ونحوه تهذيب الأحكام. 231/9 ح 3. والاستبصار: 138/4 ح 3 عنهم وسائل شيعة:
334/19 ح 24717

175) - نیز از مثنیٰ فرزند عبد السلام روایت کرد است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی که وصیتی به نفع او انجام گرفته، ولی او پیش از آن که (مورد) وصیت را دریافت کند فوت کرده در حالی که وارث فرزندی هم ندارد سؤال کردم؟ فرمود: وارثی دیگر و یا مولا و اربابی برای او جستجو کن و آن را به او بپرداز؛ زیرا که خداوند متعال می فرماید: «پس کسانی که بعد از شنیدن آن (وصیت)، تغییرش دهند گناه آن بر افرادی است که آن را تغییر می دهند»

گفتم: این مرد از اهالی فارس است و تازه مسلمان شده، بدون آن که اسم و شهرتی داشته باشد ولی و سرپرستی هم برای او شناخته نیست فرمود: کوشش کن تا ولی و سرپرستی برایش پیدا کنی؛ پس اگر نیافتی و خداوند از کوشش و تلاش تو آگاه شد، پس آن را از طرف او صدقه قرار بده

فرمایش خداوند متعال: پس کسی که از انحراف وصیت کننده با از گناه او (که مبادا وصیت به کار خلافی کند) بترسد و میان آن ها را اصلاح دهد گناهی بر او نیست خداوند آمرزنده و مهربان است (182) ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته (و واجب) شده است - همان گونه بر افرادی که قبل از شما بودند نوشته شده بود- تا پرهیزکار شوید. (183)

176) - از محمد بن سوجه روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال «پس کسانی که بعد از شنیدن آن (وصیت)، تغییرش دهند گناه آن بر افرادی است که آن را تغییر می دهند» سؤال کردم؟

فرمود: این آیه را، آیه ای که بعد از آن می باشد، نسخ کرده است که گفت:

«پس کسی که از (محتوای) وصیت بترسد که از حق منحرف شود و یا

ص: 319

يَعْنِي الْمُوصَىٰ إِلَيْهِ إِنْ خَافَ جَنَفًا مِنَ الْمُوصَىٰ فِي ثُلُثِهِ جَمِيعًا فِيمَا أَوْصَىٰ بِهِ إِلَيْهِ مِمَّا لَا يَرْضَىٰ اللَّهُ بِهِ فِي خِلَافِ الْحَقِّ فَلَا إِثْمَ عَلَى الْمُوصَىٰ إِلَيْهِ أَنْ يُبَدِّلَهُ إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ مِنْ سَبِيلِ الْخَيْرِ. (1)

278/[177]- عَنْ يُونُسَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصَّ لِمَخَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) قَالَ: يَعْنِي إِذَا مَا اعْتَدَى فِي الْوَصِيَّةِ وَزَادَ فِي الثُّلُثِ. (2)

279/[178]- (عَنْ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ) قَالَ: هِيَ لِلْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةً.) (3)

280/[179]- (عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ) (4) وَ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ)؟

قَالَ: فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ: كُلُّهَا يَجْمَعُ الضَّلَالُ وَالْمُنَافِقِينَ وَكُلُّ مَنْ أَقْرَبَ بِالِدَّعْوَةِ الظَّاهِرِ.) (5)

ص: 320

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 204/103 ح 9 و البرهان في تفسير القرآن: 392/1 ح 10، و مستدرک الوسائل: 120/14 ح 16255. الكافي: 21/7 ح 2 تهذيب الأحكام: 186/9 ح 5 عنهما وسائل الشيعة: 351/19 ح 24746.
 - 2- عنه بحار الأنوار: 204/103 ح 10، و البرهان في تفسير القرآن: 392/1 ح 11، و مستدرک الوسائل: 98/14 ح 16195. علل الشرائع: 567/2 ح 4 (باب - 369) بإسناده عن يونس بن عبد الرحمن رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام، عنه وسائل الشيعة: 275/19 ح 24581، و البحار: 198/103 ح 26
 - 3- عنه البرهان في تفسير القرآن: 394/1 ح 3.
 - 4- سورة البقرة: 216/2
 - 5- عنه البرهان في تفسير القرآن: 394/1 ح 4، و نور الثقلين: 159/1 ح 528 و 162 ح 544 قطعة منه.

معصیت و خلافی ایجاد گردد» یعنی؛ کسی که وصیت نموده و از وصی خود می ترسد که مبادا نسبت به ثلث (یک سوم) مورد وصیت، در جهت رضایت خداوند عمل و هزینه نکند بلکه بر خلاف حق انجام نماید، پس گناهی بر وصیت کننده نیست که بر مبنای حق و رضایت خداوند در جهت امور خیر وصیت خود را تبدیل و اصلاح نماید

(177) - از یونس به طور مرفوعه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «پس کسی که از (محتوای) وصیت بترسد که از حق منحرف شود و یا معصیت و خلافی ایجاد گردد، گناهی بر او نیست» فرمود: آن هنگامی است که در عمل به وصیت تعدی و خلاف شود و بیشتر از ثلث (یک سوم) هزینه گردد.

(178) - از برقی به نقل از بعضی اصحاب روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما روزه ثبت و واجب گردیده است» فرمود: این اختصاص به مؤمنین دارد.

(179) - از جمیل بن درّاج روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «جنگ و قتال بر شما ثبت (و واجب) شده است» و نیز از: «ای کسانی که ایمان آورده اید! بر شما روزه ثبت و واجب گردیده است» سؤال کردم؟

فرمود: تمامی این موارد مربوط به گمراهان و منافقان و هر کسی که به ظاهر، دعوت به اسلام را پذیرفته می باشد.

ص: 321

قوله تعالى: (أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (184)

[180]/281 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

فِي قَوْلِهِ (وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ)

قَالَ: الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي يَأْخُذُهُ الْعَطَاشُ . (1)

[181]/282 (عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ) ؟

قَالَ: هُوَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ، وَالْمَرِيضُ . (2)

[182]/283 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مَرِضٍ مِنْ رَمْضَانَ إِلَى رَمْضَانَ قَابِلٍ وَ لَمْ يَصِحَّ بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يُطِقِ الصَّوْمَ ؟

قَالَ: يَتَصَدَّقُ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ، أَفْطَرَ عَلَى مَسْكِينٍ مَدًّا مِنْ طَعَامٍ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ حِنْطَهُ فَبِمِدٍّ مِنْ تَمْرٍ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ (فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ) فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ

ص: 322

1- عنه بحار الأنوار: 320/96 ح 3، و البرهان في تفسير القرآن 397/1 ح 14. و مستدرک الوسائل 385/7 ح 8483 الكافي: 116/4 ح

1 بتفاوت يسير، و نحوه تهذيب الأحكام: 237/4 ح 2، منهما وسائل الشيعة 210/10 ح 13242. فقه القرآن: 185/1

2- عنه بحار الأنوار: 320/96 ح 4، و وسائل الشيعة: 212/10 ح 13246، البرهان في تفسير القرآن 397/1 ح 13. و مستدرک الوسائل،

386/7 ح 8484 ح 8493

فرمایش خداوند متعال: چند روز معدود و معینی را (باید روزه بگیرد) و هر کسی از شما بیمار با مسافر باشد تعدادی از روز های دیگر را (روزه بگیرد) و بر کسانی که روزه برای آن ها طاقت فرسا می باشد لازم است کفّاره بدهند: (یعنی) مسکینی را اطعام کنند و کسی که کار خیری انجام دهد برای او بهتر است و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید (184)

(180) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و بر کسانی که توان و طاقت آن (روزه) را ندارند لازم است که قدیّه (به مقدار یک وعده) طعام مسکین بپردازند سؤال کردم؟

فرمود: منظور پیر کهن سال است و کسی که حالت تشنگی (مشقّت بار) داشته باشد.

(181) - از سماعه، به نقل از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و بر کسانی که توان و طاقت آن (روزه) را ندارند لازم است که فدیه (به مقدار یک وعده) طعام مسکین بپردازند» سؤال کردم؟

فرمود: (این در مورد) پیر کهن سالی است که نمی تواند روزه بگیرد و (یا) مریض می باشد.

(182) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت علیه السلام در باره مردی که از ماه رمضان تا رمضان بعدی مریض است و در بین آن هم، سلامتی خود را باز نیافته و توان روزه گرفتن نداشته سؤال کردم؟

ص: 323

يَصُومَ الرَّمْضَانَ الَّذِي يَسَّ تَقْبِيلُ وَإِلَّا فَلْيَتَرَبَّصْ إِلَى رَمَضَانَ قَابِلٍ فَيَقْضِيَهُ فَإِنْ لَمْ يَصِحَّ حَتَّى جَاءَ رَمَضَانُ قَابِلٌ فَلْيَتَصَدَّقْ كَمَا تَصَدَّقَ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرَ مُدًّا وَإِنْ صَحَّ فِي مَا بَيْنَ الرَّمْضَانَيْنِ فَتَوَانِي (1) أَنْ يَقْضِيَهُ حَتَّى جَاءَ رَمَضَانُ الْآخِرُ فَإِنَّ عَلَيْهِ الصَّوْمَ وَالصَّدَقَةَ جَمِيعاً يَقْضِي الصَّوْمَ وَ يَتَصَدَّقُ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ ضَيَّعَ ذَلِكَ الصِّيَامَ. (2)

[183]/284 - (عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ)

قَالَ: الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي يَأْخُذُهُ الْعَطَاشُ) (3)

[184 / 285 - (عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ (وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ)

قَالَ: الْمَرْأَةُ تَخَافُ عَلَى وَلَدِهَا وَالشَّيْخُ الْكَبِيرُ. (4)

ص: 324

1- تواني في الأمر: ترفق وتمهل فيه ولم يجعل. وفي نسخة البحار: متوالي، وهو تصحيفه.

2- عنه بحار الأنوار: 333/96 ح 7، ووسائل الشيعة: 339/10 ح 13553، والبرهان في تفسير القرآن: 397/1 ح 15 تهذيب الأحكام: 251/4 ح 20 بإسناده عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، ونحوه الاستبصار: 111/2 ح 4 عنهما وسائل الشيعة: 337/10 ح 13458.

3- عنه بحار الأنوار: 320/96 ح 5، والبرهان في تفسير القرآن: 397/1 ح 16، ومستدرک، الوسائل: 386/7 ح 8485 تقدم مع تخرجاته بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام في الحديث 180 في هذه السورة.

4- عنه بحار الأنوار: 320/96 ح 6، ووسائل الشيعة: 212/10 ح 13247، والبرهان في تفسير القرآن: 398/18 ح 17 ومستدرک الوسائل: 388/7 ح 8490.

فرمود برای هر روزه ای که افطار کرده یک مدّ طعام به مسکین صدقه دهد و اگر دسترسی به گندم نداشت یک مدّ خرما بدهد که این همان فرمایش خداوند: «فدیه (به مقدار) طعام مسکین پردازند» می باشد.

بعد از آن اگر توانست باید رمضان آینده را روزه بگیرد و اگر نه بعد از آن باید قضا و جبران کند پس چنان چه بعد از آن هم سالم نگشت تا رمضان بعدی فرا رسید، هم چنین مانند قبل باید برای هر روز یک مدّ طعام صدقه دهد.

اما اگر سالم شد و توانست روزه بگیرد ولی در اثر سستی کردن قضای آن ها را به عقب انداخت تا رمضان دیگری دیگر آمد، بر او لازم است که هم قضایش را بگیرد و هم صدقه دهد؛ چون عمداً قضای آن ها را تضييع کرده است.

(183) - از علاء از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و بر کسانی که توان و طاقت آن (روزه) را ندارند لازم است که فدیة (به مقدار) طعام مسکین پردازند» سؤال کردم؟

فرمود: منظور پیر کهن سال می باشد و کسی است که حالت تشنگی (شدید) داشته باشد.

(184) - از رفاعه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و بر کسانی که توان و طاقت آن (روزه) را ندارند لازم است که فدیة (به مقدار) طعام مسکین پردازند» فرمود: (آنان دو دسته اند یکی) آن زنی است که بر فرزند (نوزاد) خود بترسد (خواه حامله باشد یا شیر دهد) و (دوم) پیر مرد کهن سال می باشد.

ص: 325

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الَّذِي بِهِ الْعَطَاشُ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُفْطِرَا فِي رَمَضَانَ وَ تَصَدَّقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَ لَا قِضَاءٍ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ لَمْ يَقْدِرَا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِمَا . (1)

186/287] - (عَنْ الْحَارِثِ النَّصْرِيِّ [البصري]، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ:

قَالَ فِي آخِرِ شَهْرِ رَمَضَانَ: (إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ، وَ جَعَلْتَهُ هُدًى لِلنَّاسِ، وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ، قَدْ حَضَرَ، فَسَلِّمْنَا فِيهِ، وَ سَلِّمُهُ لَنَا، وَ سَلِّمُهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنكَ وَ عَافِيَةٍ. (2)

187/288] - (عَنْ عَبْدِوَسِّ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ قَدْ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَ أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ: هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى صِيَامِهِ وَ تَقَبَّلْهُ مِنَّا وَ سَلِّمْنَا فِيهِ وَ سَلِّمْنَا لَهٗ فِي يُسْرِ مِنكَ وَ عَافِيَةٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (3)

ص: 326

1- عنه بحار الأنوار: 320/96 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 398/1 ح 18، و مستدرک الوسائل: 388/7 ح 8491. الكافي: 116/4 ح 4 من لا يحضره الفقيه: 133/2 ح 1947، تهذيب الأحكام: 238/4 ح 4: الاستبصار: 104/2 ح 3، عنهم وسائل الشيعة: 209/10 ح 13240، عوالي اللئالي: 145/3 ح 45 فقه القرآن: 185/1.

2- عنه بحار الأنوار: 383/96 ح 1، و البرهان في تفسير القرآن: 399/1 ح 8. الكافي: 71/4 ح 2 بإسناده عن عمّار بن موسى الساباطي قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام بتفصيل، عنه وسائل الشيعة: 322/10 ح 13511، و نحوه إقبال الأعمال: 23 (دعاء آخر في أول ليلة من شهر رمضان)

3- عنه بحار الأنوار: 383/96 ح 2، و البرهان في تفسير القرآن: 400/1 ح 9. الكافي: 74/4 ح 5 بإسناده عن علي بن أبي حمزة، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام عنه وسائل الشيعة: 325/10 ح 13518. إقبال الأعمال: 18 (فصل فيما تذكره من الدعوات عند رؤية الهلال)، و 62 (دعاء آخر في هذه الليلة)، عن ابن أبي قرّة بإسناده إلى الصادق عليه السلام

(185) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: پیر مرد کهن سال و کسی که حالت تشنگی (شدید) دارد بر آنان مشکلی نیست که روزه خود را افطار کنند و برای هر روز آن یک مدّ (طعام) صدقه دهند (و در نوشته ای: دو مدّ وارد شده است) و قضا بر آنان نیست و اگر هم نتوانستند (پرداخت کنند)، باکی بر آنان نمی باشد

(186) - از حارث نصری [بصری] روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام در آخرین روز ماه شعبان (خطاب به خداوند) اظهار داشت: «به راستی این ماه مبارکی است که قرآن را در آن نازل نمودی و آن را هدایت گر انسان ها قرار دادی و روشنایی بخش هدایت و جدایی گرداندی این ماه فرا رسید ما را در آن سالم بدار و در حالت سادگی و تندرستی، آن را از ما سالم تحویل بگیر».

(187) - از عبدوس، عطار به نقل از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که ماه رمضان فرا می رسد، بگو: «خداوندا! ماه رمضان فرا رسید و روزه آن را بر ما واجب نمودی قرآن را در آن نازل کردی که هدایت گر انسان ها و بیانگر هدایت و فرقان می باشد خداوندا! ما را بر روزه آن کمک نما (روزه) آن را از ما قبول فرما ما را در آن سالم بدار و در سلامتی و آسانی و تندرستی آن را از ما بپذیر به راستی تو بر هر چیزی توانمندی ای که رحم کننده ترین رحم کنندگان هستی»

ص: 327

قوله تعالى: (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) (185)

[188]/289 - (عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ) كَيْفَ أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ؟ وَإِنَّمَا أُنزِلَ الْقُرْآنُ فِي عِشْرِينَ سَنَةً مِنْ أَوَّلِهِ إِلَىٰ آخِرِهِ

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَزَلَ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، ثُمَّ أُنزِلَ مِنَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي طُولِ عِشْرِينَ سَنَةً، ثُمَّ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَزَلَتْ صُحُفُ إِبْرَاهِيمَ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَأُنزِلَتِ التَّوْرَةُ لَيْسَتْ مَضَيْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَأُنزِلَتِ الْإِنْجِيلُ لثَلَاثَ عَشْرَةَ لَيْلَةً خَلَّتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأُنزِلَ الرَّبُّورُ لِثَمَانِيَةِ عَشْرَةٍ مِنْ رَمَضَانَ وَأُنزِلَ الْقُرْآنُ لِأَرْبَعِ وَعِشْرِينَ مِنْ رَمَضَانَ. (1)

ص: 328

1- عنه مجمع انيان 497/2 و بحار الأنوار 25/97 ح 61 و البرهان في تفسير القرآن : 400/1 ح 10، و بحار الأنوار 106/20 تفسير القمّي : 66/1 (ابراهيم عليه السلام و بناء البيت) مرسلًا، و باختصار عنه البحار: 237/9 ح 132 و 12/97 ح 19، الكافي : 628/2 ح 6 بإسناده عن حفص بن عباك، عن أبي عبد الله عليه السلام، و نحوه الأماي للمصدوق : 62 ح 5 (المجلس الخامس عشر). فضائل الأشهر الثلاثة : 87 ح 67 عنهما البحار 11/97 ح 14

فرمایش خداوند متعال (روزه در) ماه رمضان است ماهی که قرآن برای راهنمایی مردم و نشانه های هدایت و فرق میان حق و باطل در آن نازل شده است پس آن کسی که از شما در ماه رمضان در (وطن و منزل خود) حاضر باشد باید روزه بگیرد و آن کسی که بیمار یا در سفر است روز های دیگری را به جای آن روزه بگیرد (آری) خداوند آسایش و راحتی شما را می خواهد نه زحمت شما را و هدف این است که این روزها را تکمیل کنید و خدا را بر این که شما را هدایت کرده بزرگ شمارید باشد که شکر گزاری کنید. (185)

(188) - از ابراهیم روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام به درباره فرمایش حدی عزّ و جلّ: «ماه رمضان همان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است» سوال کردم که چگونه قرآن در ماه رمضان نازل گردید؟ (و افزودم:) با این که قرآن از اول تا آخر آن در مدّت بیست سال نازل شده است.

(امام صادق علیه السلام) فرمود: تمامی قرآن یک جا در ماه رمضان در «بیت المعمور» نازل شد سپس در طول بیست سال تدریجاً نازل گردید؛ پس از آن افزود: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: صحف ابراهیم در شب اول ماه رمضان نازل شد و تورات در موقعی نازل شد که شش شب از آن گذشته بود و انجیل در وقتی نازل شد که سیزده شب از آن باقی مانده بود و زبور هیجدهم ماه رمضان و قرآن در بیست و چهارم آن نازل شده است

ص: 329

290/[189]- (عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقُرْآنِ وَالْفُرْقَانِ أَهْمَا شَيْئَانِ أَوْ شَيْءٌ وَاحِدٌ؟

قَالَ: فَقَالَ الْقُرْآنُ جُمْلَةُ الْكِتَابِ، وَالْفُرْقَانُ الْمُحْكَمُ الْوَاجِبُ الْعَمَلُ بِهِ) (1)

291/[190]- (عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَّابَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ ابْنَ أَبِي يَعْقُوبٍ أَمَرَنِي أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسَائِلَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا هِيَ؟

قَالَ: يَقُولُ لَكَ: إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَأَنَا فِي مَنْزِلِي إِلَى أَنْ أُسَافِرَ؟

قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ) (فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ وَهُوَ فِي أَهْلِهِ فَلْيَسْ لَهُ أَنْ يُسَافِرَ إِلَّا لِحَاجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ أَوْ فِي طَلَبِ مَالٍ يَخَافُ تَلْفَهُ) (2)

292/[191]- (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ (فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ) قَالَ:

فَقَالَ: مَا أَبَيَّنَهَا لِمَنْ عَقَلَهَا، قَالَ: مَنْ شَهِدَ رَمَضَانَ فَلْيَصُمْهُ، وَمَنْ سَافَرَ فَلْيُفْطِرْ.) (3)

ص: 330

1- عنه بحار الأنوار: 28/92 ح 33، و البرهان في تفسير القرآن: 400/1 ح 11 الكافي: 630/2 ح 11، عنه وسائل الشيعة: 183/27 ح 33552، معاني الأخبار: 189 ح 1، عنه البحار: 15/92 ح 10.

2- عنه بحار الأنوار: 324/96 ح 14، و البرهان في تفسير القرآن: 402/1 ح 4، و نور الثقلين: 169/1 ح 580، و مستدرک الوسائل: 377/7 ح 8459.

3- عنه بحار الأنوار: 325/96 ح 15 و البرهان في تفسير القرآن: 395/1 ح 4 و 402 ح 5، و مستدرک الوسائل: 372/7 ح 8449 الكافي: 118/4 ح 3 بإسناده عن يونس عن سماعة قال: سألته عليه السلام، و نحوه تهذيب الأحكام: 256/4 ح 2، الاستبصار: 114/2 ح 2 عنهم وسائل الشيعة: 220/10 ح 13264، فقه القرآن: 180/1 ح 2.

(189) - از ابن سنان از کسی که نامش را برده روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره قرآن و فرقان پرسیدم که آیا دو چیز می باشند، یا یک چیز هستند؟

پس فرمود: قرآن همه کتاب است و فرقان همان آیات محکم است که عمل به آن ها واجب می باشد

(190) - از صباح بن سیابه روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ابن ابی یعفور مرا امر کرده تا مسائلی را از شما سؤال کنم حضرت فرمود: آن ها چیست؟

گفت: سؤال او این است: موقعی که ماه رمضان فرا رسد و من در منزل خود باشم آیا می توانم مسافرت کنم؟

فرمود: همانا خداوند فرموده است پس کسی که در ماه رمضان حضور داشته باشد باید آن ماه را روزه بگیرد، پس کسی که ماه رمضان برایش فرا رسد و در (کنار) خانواده (و شهر) خود باشد حق مسافرت ندارد مگر برای حج و یا عمره و یا برای به دست آوردن اموالی که می ترسد تلف شود.

(191) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «پس کسی که در ماه رمضان حضور دارد باید آن ماه را روزه بگیرد»، فرمود:

برای کسی که اندیشه و تعقل نماید چه قدر واضح و روشن می باشد که چون فرموده ماه رمضان فرا رسد و در منزل خود باشد باید روزه بگیرد و کسی که مسافر باشد باید افطار کند

ص: 331

293/ [192] - (وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَلْيَصُمْهُ» قَالَ:

الصَّوْمُ فُوهُ لَا يَتَكَلَّمُ إِلَّا بِالْخَيْرِ (1)

294/ [193] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ حَدِّ الْمَرَضِ الَّذِي يَجِبُ عَلَى صَاحِبِهِ فِيهِ الْإِفْطَارُ كَمَا يَجِبُ عَلَيْهِ فِي السَّفَرِ فِي قَوْلِهِ (وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ) ؟

قَالَ: هُوَ مُؤْتَمَنٌ عَلَيْهِ مُفَوَّضٌ إِلَيْهِ، فَإِنْ وَجَدَ ضَعْفًا فَلْيُفْطِرْ، وَإِنْ وَجَدَ قُوَّةً فَلْيَصُمْ، كَانَ الْمَرِيضُ عَلَى مَا كَانَ. (2)

295/ [194] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَصُومُ فِي السَّفَرِ تَطَوُّعًا وَلَا فَرِيضَةً يَكْذِبُونَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَرَسُولُ اللَّهِ بِكَرَاعِ الْغَمِيمِ (3) عِنْدَ صَدَاقَةِ الْفَجْرِ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِإِنَاءٍ فَشَرِبَ وَأَمَرَ النَّاسَ أَنْ يُفْطِرُوا فَقَالَ قَوْمٌ: قَدْ تَوَجَّهَ النَّهَارُ وَلَوْ صَدَّ مَنَا يَوْمَنَا هَذَا فَسَدَّ مَا هُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعُصَاةَ فَلَمْ يَزَالُوا يُسَمِّنُونَ بِذَلِكَ الْأِسْمِ حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (4)

296/ [195] - (عَنْ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ: (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ). قَالَ:

ص: 332

1- عنه بحار الأنوار: 325/96 ذيل ح 15، والبرهان في تفسير القرآن: 402/1 ح 6.

2- عنه بحار الأنوار: 325/96 ح 16، والبرهان في تفسير القرآن: 395/1 ح 5، ونور الثقلين: 164/1 ح 552، ومستدرک الوسائل: 389/7 ح 8494.

3- كُرَاعِ الْغَمِيمِ: موضع بناحية الحجاز بين مكة والمدینة. معجم البلدان: 503/4.

4- عنه مجمع البيان: 493/1، وفقه القرآن: 206/1، وبحار الأنوار: 325/96 ح 16، وسائل الشيعة: 204/10 ح 13223، والبرهان في تفسير القرآن: 395/1 ح 2، ونور الثقلين: 164/1 ح 553، ومستدرک الوسائل: 382/7 ح 8474.

192) - و امام صادق علیه السلام (درباره فرمایش خداوند: «پس روزه بگیرد»)، فرمود: روزه دهان این است که سخن نگوید، مگر به خیر و خوبی.

193) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره حدود و مقدار مریضی که سبب می شود صاحبش روزه نگیرد همان طوری که مسافر در سفر واجب است افطار کند طبق فرمایش خداوند متعال پس کسی که ماه رمضان را (در محل خود) حاضر باشد، باید آن (ماه) را روزه بگیرد» سؤال کردم؟

فرمود: تشخیص آن به خود شخص واگذار شده پس اگر (مریض) ضعف و ناتوانی دچارش شود باید افطار نماید ولی اگر توان و نیرو داشت - در هر وضعیتی که باشد - باید روزه بگیرد

194- از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسافرت، نه روزه مستحبی می گرفت و نه روزه واجب بر آن حضرت دروغ می بندند، موقعی که آیه قرآن نازل شد، هنگام نماز صبح بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله در محلی به نام «کراع غمیم» بود پس حضرت ظرف آبی را طلبید و نوشید سپس دستور داد تا دیگران هم افطار کنند بعضی افراد اعتراض کردند: روز روشن شده و ما روزه گرفته ایم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را گروه عصیان گر نامید و بر همین عنوان در بین اصحاب بودند تا موقعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت نمود.

195) - از ثمالی روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «خداوند نسبت به شما آسان می طلبد و (کارهای) سخت را نمی خواهد» فرمود:

ص: 333

الْيُسْرُ: عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ الْعُسْرُ، فَمَنْ كَانَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَدْخُلْ فِي وَلَا يَهْ فُلَانٌ وَفُلَانٌ. (1)

[196]/297 - (عَنْ الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

صَوْمُ السَّفَرِ وَالْمَرَضِ أَنَّ الْعَامَّةَ اخْتَلَفَتْ فِي ذَلِكَ فَقَالَ قَوْمٌ: يَصُومُ وَقَالَ قَوْمٌ لَا- يَصُومُ، وَقَالَ قَوْمٌ: إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ، وَأَمَّا نَحْنُ فَتَقُولُ يُفْطَرُ فِي الْحَالَيْنِ جَمِيعًا فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ، ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ (وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ) - إِلَى آخِرِ قَوْلِهِ تَعَالَى: - (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ). (2)

[197]/298 - (عَنْ سَعِيدِ النَّقَّاشِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنْ فِي الْفِطْرِ لَتَكْبِيرًا وَ لَكِنَّهُ مَسْ تُورٌ (مسنون) يُكَبَّرُ فِي الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَ فِي الْعَتَمَةِ وَالْفَجْرِ وَ فِي صَلَاةِ الْعِيدِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ

ص: 334

1- عنه بحار الأنوار: 99/36 ح 41، و نور الثقلين: 169/1 ح 581. المحاسن: 186/1 ح 199 (باب - 47 الرادّ لحديث آل محمّد عليهم السلام) عن بعض أصحابه رفعه، عنه البحار: 220/24 ح 18، المناقب لابن شهر آشوب: 103/3 (فصل في أنّه الرضوان و الإحسان، عنه البحار: 103/36

2- عنه بحار الأنوار: 325/96 ح 18 و البرهان في تفسير القرآن: 396/1 ح 6، و مستدرک الوسائل: 374/7 ح 8450 تفسير القمي: 187/1 (أقسام الصوم) ضمن حديث طويل، عنه البحار: 262/96 ح 1، الكافي: 86/4 ضمن ح 1 بإسناده عن سفيان بن عيينة، عن الزهري، عن عليّ بن الحسين عليهما السلام، و نحوه من لا يحضره الفقيه: 81/2 ضمن 1784، و تهذيب الأحكام: 296/4 ضمن ح 1، عنهم وسائل الشيعة: 174/10 ح 13142، الخصال: 537/2 ح 2 (الصوم على أربعين، و جهأ)، فقه الرضا عليه السلام: 23، عنه مستدرک الوسائل: 374/7 ذيل ح 8450 أشار إليه، كشف الغمّة: 103/2 (ثبت له الإمامة من وجوه).

منظور از «الیسر» امام علی علیه السلام و منظور از «العسر» فلان و فلان می باشند، پس هر کسی که از فرزندان حضرت آدم علیه السلام باشد داخل در ولایت فلانی و فلانی نمی شود

(196) - و از زهری روایت کرده است که گفت:

امام سجّاد علیه السلام (ضمن حدیثی مفصّل) فرمود: و اما در مورد روزه مسافر و مریض که علمای اهل سنت در آن اختلاف دارند عدّه ای گفته اند: باید روزه بگیرد، عدّه ای دیگر گفته اند: نباید بگیرد، عدّه ای هم گفته اند: مختار است، اگر خواست می تواند روزه بگیرد و اگر خواست افطار کند؛ ولی ما (اهل بیت رسالت علیهم السلام) می گوئیم: در هر دو حالت اگر مسافر و یا مریض روزه بگیرد باید قضای آن را هم به جا آورد؛

زیرا که خدای عزّ و جلّ فرموده است: «هر کسی که مریض و با مسافر باشد باید در روز های دیگری (که مریض و یا مسافر نباشد) جبران نماید» - تا آخر فرمایش خداوند متعال: - «خداوند نسبت به شما آسان میطلبد و (کار های سخت را از شما نمی خواهد) پس او (عمل و عبادت) آسان را انتخاب می کند (که طبق فرمان و خواسته اش باشد) و سختی (غیر قابل تحمّل) را نمی خواهد

(197) - از سعید نقّاش روایت کرده است که گفت:

شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: همانا در (عید) فطر تکبیری است که مستحبّ می باشد و آن در (نماز) مغرب عشا و صبح (عید) فطر و در نماز عید است پس تکبیر بگو که (گفتن) آن فرمایش خداوند متعال است:

تبارك وتعالى : (وَ لِيُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِيُتَكَبَّرُوا اللَّهُ عَلَى مَا هَدَاكُمْ) - وَ التَّكْبِيرُ أَنْ تَقُولَ « اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ »

قَالَ فِي رِوَايَةِ أَبِي عَمْرٍو: التَّكْبِيرُ الْأَخِيرُ أَرْبَعُ مَرَّاتٍ . (1)

[198]/299 - (عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا يُتَحَدَّثُ بِهِ عِنْدَنَا أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله صَامَ تِسْعَةً وَ عِشْرِينَ أَكْثَرَ مِمَّا صَامَ ثَلَاثِينَ أَحَقُّ هَذَا؟

قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ هَذَا حَرْفًا مَا صَامَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ آله إِلَّا ثَلَاثِينَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (وَ لِيُكْمِلُوا الْعِدَّةَ) فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَنْقُصُهُ !؟) (2)

[199]/ 300 - (عَنْ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ فِي الْفِطْرِ تَكْبِيرًا قَالَ: قُلْتُ: مَا تَكْبِيرٌ إِلَّا فِي يَوْمِ النَّحْرِ

قَالَ: فِيهِ تَكْبِيرٌ وَ لَكِنَّهُ مَسْنُونٌ فِي الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ وَ الْفَجْرِ وَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ رَكَعَتِي الْعِيدِ . (3)

ص: 336

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 133/90 ح 34، و البرهان في تفسير القرآن: 403/1 ح 6، و مستدرك الوسائل: 137/6 ح 6638 .
- 2- عنه بحار الأنوار: 299/96 ح 11، و البرهان في تفسير القرآن: 403/1 ح 7، و نور الثقلين: 170/1 ح 585 و مستدرك الوسائل: 412/7 ح 8561. من لا يحضره الفقيه: 170/22 ح 2042 بإسناده عن شعيب، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، تهذيب الأحكام: 167/4 ح 49 بإسناده عن معاذ بن كثير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام، و 171 ح 55 بتفاوت يسير فيهما، و نحوه الاستبصار: 65/2 ح 13، و 67 ح 18 عنهم وسائل الشيعة: 268/10 ح 13392، و 271 ح 13400، و البحار: 215/57 ح 186، معاني الأخبار: 382 ح 14 نحو الفقيه، عنه البحار: 298/96 ح 8
- 3- عنه بحار الأنوار: 133/90 ذيل ح 34، و البرهان في تفسير القرآن: 403/1 ح 8، و مستدرك الوسائل: 137/6 ح 6639 الكافي: 166/4 ح 1 بإسناده عن سعيد النقاش قال: قال أبو عبد الله عليه السلام بتفصيل، و نحوه من لا يحضره الفقيه: 167/2 ح 2034. و تهذيب الأحكام: 138/3 ح 43، عنهم وسائل الشيعة: 455/7 ح 9847، إقبال الأعمال: 271 (لباب السادس و الثلاثون) بإسناده عن معاوية بن عمّار قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام بتفصيل، عنه البحار: 116/91 ح 2

«بر آن چه که شما هدایت نموده خداوند را بزرگ شمارید و تکبیرگو باشید»؛ و اما تکبیر عبارت است از: «الله أكبر الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله و الله أكبر، الله أكبر و لله الحمد» یعنی خدا بزرگ است، خداوند بزرگ است خداوند بزرگ است نیست خدایی مگر خدای یکتا و خداوند بزرگ است و حمد مخصوص خداوند است

و در روایت ابو عمرو آمده است که تکبیر آخر چهار مرتبه گفته شود.

(198) - از ابن ابی عمیر، به نقل از مردی روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم! آن چه نزد ما بحث می شود این است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیست و نه روز بیشتر روزه می گرفت تا سی روز، آیا این واقعیت دارد؟

فرمود: حتی یک حرف از آن را هم خدا نیافریده است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله غیر از سی روز روزه نگرفت؛ زیرا خداوند می فرماید: «باشد که عدد را تکمیل نمایید» آن وقت رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را ناقص انجام می داد؟!

(199) - از سعید روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا برای (عید) فطر تکبیری است عرضه داشتم: تکبیری نمی باشد مگر در عید قربان

فرمود: در آن هم تکبیر هست ولی مستحب می باشد که آن برای نماز مغرب، عشا، صبح، ظهر، عصر و هم چنین برای دو رکعت نماز عید خواهد بود.

ص: 337

قوله تعالى: (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسِّرْ تَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (186) أَجَلٌ لَكُمْ لِيَدْرَأَ الصَّيَامَ الرَّفْعُ إِلَى نَسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَدَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (187)

200/301 [301] - (عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (فَلْيَسِّرْ تَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي) يَعْلَمُونَ أَنِّي أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَا يَسْأَلُونَ.) (1)

ص: 338

1- عنه بحار الأنوار: 323/93 ح 37 والبرهان في تفسير القرآن: 405/1 ح ومستدرک الوسائل 190/5 ح 5654

فرمایش خداوند متعال: و (ای پیامبر!) هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند (بگو): من (به شما و هر چیزی) نزدیک هستم. دعای دعا کننده را هنگامی که مرا می خواند پاسخ می گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا ارشاد شوند (و به مقصد برسند.) (186) آمیزش جنسی بما همسرانتان در شب (اول ماه رمضان و) روز هایی که روزه می گیرید حلال است آن ها لباس شما هستند و شما لباس آن ها (هر دو زینت هم و سب حفظ یک دیگر می باشید) خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید اکنون با آن ها آمیزش کنید و آن چه را خدا برای شما مقرر داشته طلب نمایید و بخورید و بیاشامید تا سفیده صبح از سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب تکمیل کنید و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید با زنان آمیزش نکنید! این ها حدود و مرز های الهی است پس به آن نزدیک نشوید خداوند آیات خود را این چنین برای مردم روشن می نماید باشد که پرهیز کار گردند. (187)

(200) - از ابن ابی یعفور روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «پس باید (دعوت) مرا اجابت نمایند و به من ایمان آورنده و به من ایمان آورنده» فرمود آنان علم و اطمینان دارند که من (خدا) توان دارم بر این که هر چه را درخواست کنند عطایشان کنم

ص: 339

سَدَّ اللَّهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ - إِلَى - وَكُلُوا وَاشْرَبُوا) قَالَ: نَزَلَتْ فِي خَوَاتِ بْنِ جُبَيْرٍ وَكَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْخَنْدَقِ وَهُوَ صَائِمٌ فَأَمْسَى عَلَى ذَلِكَ وَكَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْزَلَ هَذِهِ آيَةٌ إِذَا نَامَ أَحَدُهُمْ حَرَّمَ عَلَيْهِ الطَّعَامَ فَرَجَعَ خَوَاتٌ إِلَى أَهْلِهِ حِينَ أَمْسَى فَقَالَ عِنْدَكُمْ طَعَامٌ فَقَالُوا: لَا تَنَمَ حَتَّى نَصْنَعَ لَكَ طَعَامًا فَاتَّكَأْنَا فَقَالُوا: قَدْ فَعَلْتُ؟

قَالَ: نَعَمْ فَبَاتَ عَلَى ذَلِكَ فَاصْبَحَ فَعَدَا إِلَى الْخَنْدَقِ فَجَعَلَ يُغَشِّي عَلَيْهِ فَمَرَّ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمَّا رَأَى الَّذِي بِهِ سَأَلَهُ فَأَخْبَرَهُ كَيْفَ كَانَ أَمْرُهُ فَنَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ: (أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ - إِلَى - وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ .) (1)

303/[202] - (عَنْ سَعْدِ بْنِ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْهُمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي رَجُلٍ تَسَحَّرَ وَهُوَ شَاكٌّ فِي الْفَجْرِ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ (كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ) وَأَرَى أَنْ يَسْتَظْهَرَ فِي رَمَضَانَ وَيَتَسَحَّرَ قَبْلَ ذَلِكَ.) (2)

ص: 340

1- عنه بحار الأنوار: 269/96 ح 2، و البرهان في تفسير القرآن: 408/1 ح 8، و مستدرک الوسائل: 344/7 ح 8369 الكافي: 98/4 ح 4 ياسناده عن أبي بصير، عن أحدهما عليهما السلام بتفاوت يسير، ونحوه من لا يحضره الفقيه: 130/2 ح 1935، و تهذيب الأحكام: 184/4 ح 1 عنهم وسائل الشيعة: 112/10 ح 12990، و البحار: 267/20 ح 21، و 131/83 ح 95، فقه القرآن: 196/1 (الفصل الثامن في صوم الاعتكاف)

2- عنه بحار الأنوار: 270/96 ح 3، و وسائل الشيعة: 121/10 ح 13008، و البرهان في تفسير القرآن: 408/1 ح 9

از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند: «شب ماه رمضان برای شما حلال گردید هم خوابی و زناشویی با همسرتان - ... - بخورید و بیاشامید» سؤال کردم؟

فرمود: درباره خوات بن جبیر انصاری نازل شده است که با رسول خدا صل الله علیه و آله در کندن خندق با حالت روزه شرکت داشت پس با همان حالت (روزه و تلاش روز را) به شب رسانید؛ و تا پیش از نزول این آیه اگر کسی هنگام افطار می خوابید (خوردن و آشامیدن) بر او حرام می شد. موقعی که خوات شب به منزل نزد خانواده اش، رسید به اهل منزل گفت: آیا غذایی دارید؟

گفتند: نه، (غذای حاضر نداریم) ولی خوابت نبرد تا غذایی برایت تهیه کنیم

خوات (به پستی) تکیه داد و (چون خسته بود) خوابش برد پس اهل منزل غذایی را تهیه کرده و گفتند غذایت را بخور خوات از خواب بیدار شد و به ناچار دوباره خوابید و با شکم خالی روزه خود را ادامه داد صبح روز بعد برای کندن خندق به دیگران پیوست و (در اثر گرسنگی) مرتب به حالت ضعف و بیهوشی دچار می شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله بر خوات عبور کرد و چون وضعیتی او را دید احوال را او پرسید، و او هم ماجرای خود را برای حضرت بیان کرد سپس این آیه نازل شد «شب ماه رمضان برای شما زناشویی با همسران حلال گردید - تا جایی که فرمود: - و بخورید و بیاشامید تا موقعی که خیط ایض (سفیده فجر) از تاریکی آشکار و روشن گردد.»

(202) - از سعد به نقل بعضی از اصحاب روایت کرده است که گفت:

امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره مردی که سحری خورده و شک کرده که آیا فجر طلوع کرده یا نه؟ فرمودند: مشکلی برایش نیست، «بخورید و بیاشامید تا رشته سفیدی صبح از سیاهی شب بر شما پدیدار شود» ولی بهتر است که در ماه رمضان تفحص نماید و پیش از آن سحری میل کند

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلَيْنِ قَامَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ أَحَدُهُمَا: هَذَا الْفَجْرُ وَقَالَ الْآخَرُ: مَا أَرَى شَيْئًا قَالَ لِيَأْكُلِ الَّذِي لَمْ يَسْتَيْقِنِ الْفَجْرَ وَقَدْ حَرَّمَ الْأَكْلَ عَلَى الَّذِي زَعَمَ قَدْ رَأَى إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ (كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ.) (1)

305/204] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَنْ أَنَسٍ صَامُوا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَعَشَى بِهِمْ سَحَابٌ أَسْوَدٌ عِنْدَ مَغْرِبِ الشَّمْسِ فَظَنُّوا أَنَّهُ اللَّيْلُ فَأَفْطَرُوا أَوْ أَفْطَرَهُمْ ثُمَّ إِنَّ السَّحَابَ فَصَلَ عَنِ السَّمَاءِ فَإِذَا الشَّمْسُ لَمْ تَغِبْ؟

قَالَ عَلَى الَّذِي أَفْطَرَ فِصَاءَ ذَلِكَ الْيَوْمِ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ (ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ) فَمَنْ أَكَلَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ اللَّيْلُ فَعَلَيْهِ فِصَاؤُهُ لِأَنَّهُ أَكَلَ مُتَعَمِّدًا. (2)

306/205] - (عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جِرَّاحٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ اللَّهُ (تَبَارَكَ) وَتَعَالَى: (ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ) يَعْنِي صَوْمَ رَمَضَانَ

ص: 342

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 271/96 ح 4 ، و البرهان في تفسير القرآن: 408/1 ح 10، و مستدرک الوسائل: 348/7 ح 8378 دعائم الإسلام: 274/12 (ذكر ما يفسد الصوم) بتفصيل، عنه البحار: 284/96 ح ضمن ح 13، و مستدرک الوسائل: 348/7 ح 8379
- 2- عنه بحار الأنوار: 278/96 ح 1، و البرهان في تفسير القرآن 409/1 ح 11، و مستدرک الوسائل: 328/7 ح 8310 فيه قطعة منه، و 349 ح 8381 الكافي: 100/4 ح 1 بإسناده عن سماعة قال: سألته عليه السلام، و ح 2 بإسناده عن أبي بصير و سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام، و نحوه تهذيب الأحكام: 270/4 ح 8، و الاستبصار: 115/2 ح 4، عنهم وسائل الشيعة: 121/10 ح 13009.

(203) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره آن دو مردی که هر دو در ماه رمضان (برای خوردن سحری) برخاستند پس یکی گفت: فجر طلوع کرده و دیگری گفت: چیزی احساس نمی کنم سؤال کردم؟

فرمود: آن کسی که یقین به طلوع فجر ندارد می تواند بخورد، ولی بر کسی که یقین دارد (که طلوع کرده) خوردن حرام است زیرا خداوند می فرماید: «و بخورید و بیاشامید تا رشته سفیدی صبح از سیاهی شب بر شما پدیدار شود، سپس روزه را تا شب به پایان رسانید».

(204) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره گروهی که در ماه رمضان روزه گرفته اند، پس نزدیک غروب خورشید ابر سیاهی بالا آمده و گمان کردند که شب شده است پس بعضی از آنان افطار نمودند سپس ابر کنار رفت و خورشید نمایان گشت فرمود: کسی که افطار کرده همان را باید قضا نماید؛ زیرا خداوند می فرماید: «سپس روزه را تا شب به پایان رسانید» بنابراین هر کسی که قبل از ورود شب چیزی بخورد (یا بیاشامد) واجب است روزه آن روز را قضا کند؛ چون عمداً باطل کرده است.

(205) - از قاسم بن سلیمان به نقل از جراح روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: از این که خدای متعال فرموده است: «سپس روزه را تا شب به پایان رسانید» منظور روزه ماه مبارک رمضان می باشد

ص: 343

فَمَنْ رَأَى الْهَيْلَالَ بِالنَّهَارِ فَلْيَتِمَّ صِيَامَهُ. (1)

[206]/307 - (عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

عَلَى الَّذِي أَفْطَرَ الْقَضَاءَ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (ثُمَّ أَنْتُمُ الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ) فَمَنْ أَكَلَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ اللَّيْلُ فَعَلَيْهِ قَضَاؤُهُ لِأَنَّهُ أَكَلَ مُتَعَمِّدًا.)

(2)

[207]/308 - (عَنْ [عُبَيْدِ] اللَّهِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ (الْخَيْطِ الْأَبْيَضِ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ)؟

فَقَالَ: بِيَاضِ النَّهَارِ مِنْ سَوَادِ اللَّيْلِ. (3)

قوله تعالى: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ وَتُدْخِلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (188)

ص: 344

1- عنه بحار الأنوار، 299/96 ح 12، ووسائل الشيعة: 280/10 ح 13417 و البرهان في تفسير القرآن: 409 ح 12، و نور الثقلين.

175/1 - 606 . تهذيب الأحكام: 178/4 ح 64 بإسناده عن جراح المدائني قال: قال أبو عبد الله عليه السلام. ونحوه الاستبصار: 73/3

ح 3 عنهما وسائل الشيعة: 378/10 - 13411

2- عنه بحار الأنوار: 278/96 ح 2. و البرهان في تفسير القرآن 13 409/1 الكافي: 100/4 ذيل ح 1، و ذيل تهذيب الأحكام 270/4

ذيل ح 8 الاستبصار: 115/2 ذيل ح 4، عنهم وسائل الشيعة: 121/10 ذيل ح 13009

3- عنه بحار الأنوار: 271/96 ح 5 و البرهان في تفسير القرآن. 409/1 ح 14 تفسير القمّي. 66/1 (إبراهيم عليه السلام و بناء البيت)،

مرسلاً، الكافي: 98/4 ح 3 بإسناده عن الحلبي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام مع زياده في آخره. من لا يحضره الفقيه: 131/2 ح

1936، و تهذيب الأحكام 184/4 نحو الكافي، عنهم وسائل الشيعة: 111/10 ح 12987، و البحار: 265/22 ح 7، و 111/83 ح 13،

و 131 ح 96 عن الكافي و الفقيه .

بنابراین کسی که در روز ماه را می بیند باید روزه را به پایان برساند

(206) - از سماعه روایت کرده است که گفت:

کسی که افطار کرده همان را باید قضا نماید؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «سپس روزه را تا شب به پایان رسانید» بنابراین هر کسی که قبل از ورود شب چیزی بخورد (یا بیاشامد) واجب است روزه آن روز را قضا کند؛ چون عمداً باطل کرده است.

(207) - از عبید الله حلبی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره «خیط ایض و خیط اسود» سؤال کردم؟

فرمود: مقصود سفیدی و روشنایی روز از سیاهی و تاریکی شب می باشد.

فرمایش خداوند متعال: و اموال یک دیگر را به باطل (و ناحق) در بین خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید در حالی که شما می دانید (که این کار، خلاف و گناه است) (188)

ص: 345

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : (وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) . قَالَ : كَانَتْ فُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ ، فَهَاهُمْ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ) (1)

310/ [209] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

قُلْتُ لَهُ : قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى : (وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ) فَقَالَ : يَا أَبَا بَصِيرٍ ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ فِي الْأُمَّةِ حُكَّامًا يَجُورُونَ ، أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَغْنِ حُكَّامَ أَهْلِ الْعَدْلِ وَ لَكِنَّهُ عَنَى حُكَّامَ أَهْلِ الْجَوْرِ ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ ! أَمَا إِنَّهُ لَوْ كَانَ لَكَ عَلَى رَجُلٍ حَقٌّ فَدَعَوْتَهُ إِلَى حُكَّامِ أَهْلِ الْعَدْلِ فَأَبَى عَلَيْكَ إِلَّا أَنْ يُرَافِعَكَ إِلَى (حُكَّامِ) أَهْلِ الْجَوْرِ لَيَقْضُوا لَهُ كَانَ مِمَّنْ يُحَاكِمُ إِلَى الطَّاعُوتِ . (2)

311/ [210] - (عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ :

قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْأَسَدِ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ جَوَابُهُ بِخَطِّهِ ، سَأَلَ مَا تَقَسَّيِرُ قَوْلَهُ تَعَالَى ، (وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ ، وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ) ؟

قَالَ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ : الْحُكَّامُ الْقُضَاةُ ، قَالَ : ثُمَّ كَتَبَ تَحْتَهُ هُوَ أَنْ يَعْلَمَ

ص : 346

1- عنه بحار الأنوار: 234/79 ح 12، و البرهان في تفسير القرآن: 410/1 ح 4. الكافي: 122/5 ح 1 بإسناده عن زياد بن عيسى - و هو

أبو عبيدة الحداء - قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عنه وسائل الشيعة: 164/17 ح 22254

2- عنه بحار الأنوار: 264/104 ح 8، و وسائل الشيعة: 13/27 ذيل ح 33081 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 410/1 ح 5.

الكافي: 411/7 ح 3 بإسناده عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام، و نحوه تهذيب الاحكام: 219/6 ح 9، عنهما وسائل

الشيعة: 12/27 ح 33081، دعائم الإسلام: 530/2 ح 1884، و مستدرک الوسائل: 240/17 ح 21226 ..

(208) - از زیاد بن عیسی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خدای عزّ و جلّ «و اموال خود را در بین یک دیگر از روی ناحق و باطل نخورید» سؤال کردم؟
فرمود: قریش قماربازی می کردند و خانواده و اموال خود را در معرض برد و باخت قرار می دادند پس خدای عزّ و جلّ آنان را نهی کرده و از انجام چنین کار جلوگیری نمود.

(209) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت :

از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند: «و امواتان را میان خود به باطل نخورید و آن را به حاکمان ستمگر ندهید» سؤال کردم؟

فرمود: ای ابا بصیر! خداوند می دانست که در میان امت حاکمانی ستمگر خواهند بود هرگز مقصود او حاکمان عادل نیست بلکه حکام ستمگر را در نظر داشته است.

ای ابا محمد (1) اگر از شخصی ادعای حقی را داشته باشی و برای داوری نزد حاکمانی از اهل عدل مراجعه کنی ولی آن شخص دادرسی را نپذیرد مگر با مراجعه به حاکم ستمگر آن شخص از جمله کسانی است که داوری را نزد طاغوت می برند

(210) - از حسن بن علی (بن فضال) روایت کرده است که گفت:

در نامه ای از ابی اسد به امام رضا علیه السلام همراه با جواب و دست خط حضرت خواندم که نوشته بود: سؤال شده است که تفسیر فرمایش خداوند متعال: «و امواتان را میان خود به باطل نخورید و آن را به حاکمان ستمگر ندهید» چیست؟

حضرت در جوابش مرقوم فرموده بود منظور از آیه شریفه حکام و قاضیان هستند. سپس در پایین آن افزوده بود همانند کسی که می داند او حاکم ستمگری است

ص: 347

1- ظاهراً کنیه دوم برای ابا بصیر می باشد.

الرَّجُلُ أَنَّهُ ظَالِمٌ عَاصٍ هُوَ غَيْرُ مَعْدُورٍ فِي أَخْذِهِ ذَلِكَ الَّذِي حَكَمَ لَهُ بِهِ إِذَا كَانَ قَدْ عَلِمَ أَنَّهُ ظَالِمٌ. (1)

[211]/312 - (عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَكُونُ عِنْدَهُ شَيْءٌ يَتَّبَعُ بِهِ وَعَلَيْهِ الدَّيْنُ يُطْعِمُهُ عِيَالَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ اللَّهُ بِمَيْسَرَةٍ فَيَقْضِي دَيْنَهُ أَوْ يَسْتَقْرِضُ عَلَى ظَهْرِهِ؟

فَقَالَ: يَقْضِي بِمَا عِنْدَهُ دَيْنُهُ، وَلَا يَأْكُلُ أَمْوَالَ النَّاسِ إِلَّا - وَعِنْدَهُ مَا يُؤَدِّي إِلَيْهِمْ حُقُوقَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ) (2)

قوله تعالى: (يَسَّ تَلُونَا عَنْ الْأَهْلَاءِ قُلْ هِيَ مَوْقِيتٌ لِلنَّاسِ وَالْحَرَجِ وَ لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَ اتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (189)

ص: 348

1- عنه بحار الأنوار: 265/104 ح 12، و البرهاني في تفسير القرآن: 410/1 ح 6، و نور الثقلين: 176/1 ح 613 تهذيب الأحكام 219/6 ح 10 عنه وسائل الشيعة: 15/27 ح 33087

2- عنه بحر الأنوار: 144/103 ح 17 قطعة منه و البرهان في تفسير القرآن: 411/1 ح 7 الكافي: 95/5 ح 2 بتفصيل، من لا يحضره العقية: 184/3 ح 3690 و تهذيب الأحكام. 185/6 ح 8 نحو الكافي، عنهم وسائل الشيعة: 297/9 ح 12061، و 325/18 ح 23773، مستطرفات السرائر: 590 عنه البحار، 144/103 ح 18، فقه القرآن: 380/1، و مجموعة ورام: 2:264 (باب ذكر جمل من مناهي رسول الله صلى الله عليه وآله)، فيهما من أيوب عن مسلمة قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام. و يأتي أيضا في الحديث 101 من سورة «النساء» .

و برای داوری و قضاوت به او مراجعه می کند و او هم برایش حکم می نماید پس او حق ندارد آن چه را که حکم کرده بگیرد؛ (البته) اگر می دانسته که او ستمگر و ظالم است.

(211) - از سماعه روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی سرمایه ای دارد که با آن (معاش) زندگی خود و خانواده اش را می گذراند و هم چنین بدهکاری و دینی بر عهده اش است آیا می تواند سرمایه اش را هزینه خوراک و مخارج خانواده خود کند و به انتظار گشایشی باشد تا دین خویش را از آن طریق پرداخت کند؟ یا دین خود را پرداخت نماید و برای مخارج خانواده قرض کند؟

فرمود: از موجودی خویش دین خود را بپردازد و با نداشتن سرمایه چیزی از کسی قرض (و وام) نگیرد؛ همانا خداوند متعال فرموده است: «اموال خود را با یک دیگر به باطل نخرید»

فرمایش خداوند متعال: (ای پیامبر!) درباره هلال های ماه از تو سؤال می کنند بگو: آن ها بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین زمان) حج است و کار نیک آن نیست که از پشت خانه ها وارد شوید بلکه کار نیک این است که پرهیزگار باشید و از درب خانه ها وارد شوید و تقوا را پیشه خود قرار دهید تا رستگار گردید. (189)

ص: 349

313/ [212] - (عَنْ زَيْدِ أَبِي أَسَامَةَ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْأَهْلَةِ؟

قَالَ: هِيَ الشُّهُورُ فَإِذَا رَأَيْتَ الْهَيْلَالَ فَصُمْ وَإِذَا رَأَيْتَهُ فَأَفْطِرْ.

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ الشُّهُرُ تِسْعَةً وَعِشْرِينَ أَيَقْضَى ذَلِكَ الْيَوْمَ؟

قَالَ: لَا إِلَّا أَنْ تَشْهَدَ ثَلَاثَةَ عُدُولٍ فَإِنَّهُمْ إِنْ شَهِدُوا أَنَّهُمْ رَأَوْا الْهَيْلَالَ قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنَّهُ يَقْضَى ذَلِكَ الْيَوْمَ. (1)

314/ [213] - (عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: صُمْ حِينَ يَصُومُ النَّاسُ، وَافْطِرْ حِينَ يُفْطِرُ النَّاسُ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْأَهْلَةَ مَوَاقِيتَ. (2)

315/ [214] - (عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ (لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ

ص: 350

1- عنه بحار الأنوار: 300/96 ح 13، و البرهان في تفسير القرآن: 412/1 ح 2، و مستدرک الوسائل: 403/7 ح 8530 الكافي: 76/4 ح 1 ياسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام - إلى قوله: فأفطر - عنه البحار: 356/58، تهذيب الأحكام: 155/4 ح 2 ياسناده عن زيد الشحام جميعاً عن أبي عبد الله عليه السلام بتمامه، و نحوه 156/4 ح 6، و 161 ح 27، و 163 ح 31 عن عبد الله بن بن سنان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام، و ح 32 عن أبي أحمد عمر بن الربيع البصري قال: و نحوه الاستبصار: 62/2 ح 2، و 63 ح 6، عنهم الجميع وسائل الشيعة: 252/10 ح 13339، و 262 ح 13372، و 267 ح 13387.

2- عنه بحار الأنوار: 300/96 ح 14، و البرهان في تفسير القرآن: 412/1 ح 3، و مستدرک الوسائل: 418/7 ح 8580. جوابات أهل الموصل (للشيخ المفيد): 30، عنه مستدرک الوسائل: 404/7 ح 8536، تهذيب الأحكام: 164/4 ح 34 عنه وسائل الشيعة: 293/10 ح 13450.

(212) - از زید بن ابی اسامه روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره «الأهْلَة»، سؤال کردند؟

فرمود: منظور ماه ها می باشد چنان چه هلال ماه مبارک رمضان را مشاهده کردی روزه بگیر و چون (در پایان آن ماه را) دیدی (فردایش) روزه خود را افطار کن

گفتم: آیا اگر ماه (رمضان) بیست و نه روز شود یک روز آخر را باید قضا و جبران نمود؟

فرمود نه، مگر آن که سه نفر عادل گواهی دهند که ماه را دیده ایم در این صورت باید آن روز را قضا و جبران کند.

(213) - از زیاد بن منذر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هنگامی که مردم (اهل سنت) روزه می گیرند (تو نیز برای رعایت تقیه) روزه بگیر و چون افطار کنند، تو نیز افطار کن؛ همانا خداوند (سبحان) ماه ها را وقت های مخصوصی (برای شناسایی زمان ها مقرر نموده است

(214) - از سعد روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره این آیه (شریفه): راه و روش پسندیده و نیک چنین نیست که از پشت خانه ها وارد (خانه) شوید، بلکه روش پسندیده این است که با رعایت تقوا و ادب، از درب آن وارد شوید»، سؤال کردم؟

فرمود: آل محمد علیهم السلام (وسیله و) درب های ورودی خداوند (به سوی سعادت ها و کمال) هستند و ایشان وسیله و دعوت کنندگان به بهشت می باشند

ص: 351

إِنْتَقَى وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا) فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَ سَبِيلُهُ وَ الدَّعَاةُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ الفَادَةُ إِلَيْهَا وَ الأدْلَاءُ عَلَيْهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (1)

316 / [215] - (عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ: (لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا) أَلَايَهُ قَالَ:

يَعْنِي أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِهَا أَيْ الْأُمُورِ كَانَ . (2)

317 / [216] - (قَالَ: وَ رَوَى سَعِيدُ بْنُ مَخْلَبٍ فِي حَدِيثٍ لَهُ رَفَعَهُ قَالَ: (الْبُيُوتُ) الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الْأَبْوَابُ أَبْوَابُهَا . (3)

318 / [217] - (عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : (وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا) قَالَ إِثْنَا الْأُمُورَ مِنْ وَجْهِهَا (4)

قوله تعالى: (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (193) الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ الْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ) (194)

ص: 352

1- عنه بحار الأنوار: 104/2 ح 60، وسائل الشيعة: 20/27 ح 33099، و البرهان في تفسير القرآن: 416/1 ح 5، و نور الثقلين:

177/1 ح 622

2- عنه بحار الأنوار: 104/2 ح 61، و البرهان في تفسير القرآن: 416/1 ح 6. المحاسن: 224/1 ح 143 (باب - 11 الاحتياط في

الدين) عنه البحار: 262/2 ح 8.

3- عنه بحار الأنوار: 105/2 ح 62، و البرهان في تفسير القرآن: 416/1 ح 7.

4- عنه بحار الأنوار: 105/2 ح 63، و البرهان في تفسير القرآن: 416/1 ح 8.

وایشان تا زمان برپایی قیامت رهبران و راهنمایان به سوی بهشت خواهند بود.

(215) - از جابر بن یزید روایت کرده است، که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «راه و روش پسندیده و نیک چنین نیست که از پشت خانه ها وارد شوید»، فرمود: منظور این است که برای ورود در امور و انجام برنامه ها - هر جریان و برنامه ای که باشد - از مقابل و راه صحیح و طریق مستقیم باید وارد شد.

(216) - و سعید بن مُنخَّل در حدیثی به طور مرفوعه روایت کرده است که گفت: «البیوت امامان معصوم علیهم السلام هستند و «الأبواب» نیز درب های همین خانه ها باشند.

(217) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره «و خانه ها را از درشان وارد شوید» فرمود: برای ورود در جریان ها و برنامه ها، از طریق آن (یعنی از طریق اهل بیت علیهم السلام و واسطه های فیض الهی) وارد شوید.

فرمایش خداوند متعال: و با آن ها پیکار کنید! تا فتنه (و بت پرستی و سلب آزادی از مردم) از بین برود و دین مخصوص خدا گردد پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (مزاحم آن ها نشوید زیرا) تعدی جز بر ستم کاران روا نمی باشد (193) ماه حرام در برابر ماه حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند شما نیز حق دارید مقابله به مثل

کنید و بجنگید) و (در) تمام ماه های، حرام (قابل) قصاص است پس هر کسی که به شما تجاوز کند همانند آن بر او تجاوز کنید و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید) و بدانید که خدا با پرهیزگاران است. (194)

ص: 353

319/[218]- (عَنِ الْحَسَنِ بَيَّاعِ الْهَرَوِيِّ يَرْفَعُهُ عَنْ أَحَدِهِمَا: فِي قَوْلِهِ « فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ » قَالَ إِلَّا عَلَى ذُرِّيَّةِ قَتْلِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.) (1)

320 / [219] - (عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْفَضِيلِ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ أَيُّتَدْبِرُهُمُ الْمُسْلِمُونَ بِالْقِتَالِ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ الْمُشْدِرُ كُونَ ابْتَدَوْهُمْ بِاسْتِحْلَالِهِمْ، وَرَأَى الْمُسْلِمُونَ أَنَّهُمْ يَظْهَرُونَ عَلَيْهِمْ فِيهِ؛ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: (الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتِ قِصَاصٌ) (2)

321/[220]- (عَنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ أَخْبَرَنِي مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: قُلْتُ: « فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ » قَالَ: لَا يَعْتَدِي اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى نَسْلِ قَتْلِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.) (3)

ص: 354

1- عنه بحار الأنوار: 298/45 ح 8 ، ووسائل الشيعة: 142/16 ح 21191 ، والبرهان في تفسير القرآن: 417/1 ح 3 و نور الثقلين: 178/1 ح 627.

2- عنه بحار الأنوار: 53/100 ح 4 ، والبرهان في تفسير القرآن: 419/1 ح 3 و نور الثقلين: ، 179/1 ح 630 ، ومستدرک الوسائل: 48/11 ح 12400 بتفاوت يسير . تهذيب الأحكام: 142/6 ح 3 مع زيادة في آخره، عنه وسائل الشيعة: 70/15 ح 20006

3- عنه بحار الأنوار: 298/45 ح 9 ، ووسائل الشيعة: 142/16 ح 21192، والبرهان في تفسير القرآن: 417/1 ح 4، و نور الثقلين: 178/1 ح 628 .

218) - از حسن بیّاع هروی (1)، به طور مرفوعه روایت کرده است، که گفت: یکی از دو امام (باقر و یا صادق) علیهما السلام درباره فرمایش خداوند: «پس خصومت و دشمنی وجود ندارد مگر علیه ستمگران» فرمود: منظور ذریّه و نسل قاتلان امام حسین علیه السلام می باشند.

219) - از علاء بن فضیل روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت درباره مشرکین سؤال کردم آیا در ماه های حرام می توان با آنان شروع به جنگ کرد؟

فرمود: اگر مشرکین شروع جنگ در ماه های حرام را حلال بدانند و مسلمانان بدانند که مشرکین می خواهند بر علیه ایشان جنگ کنند مانعی ندارد که این فرموده خداوند است: «ماه حرام در برابر ماه حرام است و در ماه های حرام قصاص صحیح می باشد»

220) - از ابراهیم به نقل یکی از اصحاب خود روایت کرده است، که گفت: به یکی از دو امام (باقر و یا صادق) علیهما السلام عرض کردم: (منظور از فرمایش خداوند): «پس خصومت و دشمنی وجود ندارد مگر علیه ستمگران چیست»؟

فرمود: خداوند سبحان بر هیچ کسی ستم روا نمی دارد مگر بر نسل قاتلان امام حسین علیه السلام (که بر اعمال شنیع و دلخراش اجداد خود راضی هستند).

(1).

ص: 355

1- یعنی فروشنده نوع لباس مخصوصی بوده که منسوب به هَرَوِی در حوالی خراسان می باشد مجمع البحرین: 424/4 (هرو).

قوله تعالى: (وَ أَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (195) وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسْكِ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (196)

[221]/232 - (عَنْ حَمَّادِ اللَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَنْفَقَ مَا فِي يَدَيْهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا كَانَ أَحْسَنَ وَلَا وُفَّقَ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: (وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)؟ يَعْنِي الْمُقْتَصِدِينَ. (1)

ص: 356

1- عنه بحار الأنوار، 167/96 ح 12 و البرهان في تفسير القرآن: 420/1 ح 2، و مستدرک الوسائل 241/7 ح 8140 الكافي: 53/4 ح 7،
عنه وسائل الشيعة: 552/21 ح 27847، فقه القرآن 336/1 (باب من ليس له نهضة إلى الجهاد).

فرمایش خداوند متعال: و در راه خدا انفاق کنید و (با ترک انفاق) خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد. (195 و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر محصور شدید، (و مانعی همانند: ترس از دشمن یا بیماری، مانع از ورود به مکه شد.) آن چه از قربانی فراهم شود (ذبح) کنید و از احرام خارج شوید) ولی سرهای خود را تراشید تا قربانی به محل خود برسد (و در قربانگاه ذبح شود) و اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی در سر داشت (و ناچار بود که سر خود را بتراشد). باید قدیه و کفاره ای از قبیل روزه گرفتن یا صدقه و یا گوسفندی (به فقیر دادن) بدهد و هنگامی که (از بیماری و یا از دشمن) در امان بودید هر کس با پایان یافتن عمره حج را آغاز کند و آن چه از قربانی برای او امکان پذیر است (ذبح کند) و هر کسی که (قربانی) نیافت سه روز در ایام حج و هفت روز هنگامی که باز می گردد روزه بدارد! این ده روز کامل است (البته) این برای کسی است که خانواده او نزد مسجد الحرام نباشد (یعنی اهل مکه و اطراف آن نباشد) و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او دارای کیفی سخت است. (196)

(221)- از حماد لحم روایت کرده است. که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: چنان چه مردی تمام آن چه را که در دست دارد در راه خدا انفاق کند، کار خوبی انجام نداده و توفیقی هم نداشته است. مگر نه این که خداوند فرموده: «و با دست خود، خود را در هلاکت و بیچارگی نیندازید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد» مقصود: صرفه جویان هستند.

ص: 357

[222]/323 - (عَنْ حُدَيْفَةَ قَالَ: (وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ) قَالَ هَذَا فِي النَّفَقَةِ (1). (2).

[223]/324 - (عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ:

إِنَّ الْعُمْرَةَ وَاجِبَةٌ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ) مَا ذَلِكَ؟ هِيَ وَاجِبَةٌ مِثْلُ الْحَجِّ، وَ مَنْ تَمَتَّعَ أَجْرَاتُهُ، وَ الْعُمْرَةَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ مُتَعَةً (3)

[224]/325 - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ) قَالَ: إِتْمَامُهُمَا إِذَا آدَاهُمَا، يَبْقَى مَا يَبْقَى الْمُحْرَمُ فِيهِمَا. (4)

[225]/326 - (عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ (وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ) قَالَ: الْحَجُّ جَمِيعُ الْمَنَاسِكِ وَالْعُمْرَةُ لَا يُجَاوِزُ بِهَا مَكَّةَ. (5)

ص: 358

1- وفي بعض النسخ: «في التقيّة».

2- عنه بحار الأنوار: 270/96 ح 13، و وسائل الشيعة: 213/16 ح 21391 فيه: هذا في التقيّة، والبرهان في تفسير القرآن: 420/1 ح 3

3- عنه بحار الأنوار: 97/99 ح 11 و 332 ح 10 إلى قوله: مثل الحجّ، و وسائل الشيعة: 307/14 ح 19272، و البرهان في تفسير القرآن: 424/1 ح 14، و مستدرک الوسائل: 92/8 ح 9137، و 96 ح 9150 فيهما القطعة الأخيرة منه، و 176/10 ح 11781 باختصار. تهذيب الأحكام: 433/5 ح 148 بتفصيل عنه و وسائل الشيعة: 295/14 ح 19229، دعائم الإسلام: 333/1 (ذكر العمرة المفردة) عنه البحار: 332/99 ح 11.

4- عنه بحار الأنوار: 332/99 ح 6، و البرهان في تفسير القرآن: 424/1 ح 15. الكافي: 264/4 ح 1 بإسناده عن عمر بن أذينة قال: كتبت إلى أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، عنه و وسائل الشيعة: 7/11 ح 14108.

5- عنه بحار الأنوار: 332/99 ح 7، و وسائل الشيعة: 316/14 ح 19303، و البرهان في تفسير القرآن: 424/1 ح 16.

(222) - از حذیفه روایت شده است، که گفت:

«و با دست خود خود را در هلاکت و بیچارگی نیندازید» درباره نفقه و هزینه زندگی می باشد. (1)

(223) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: عمره همانند حج (بر کسی که توان داشته باشد) واجب است زیرا خداوند متعال می فرماید: «و حج و عمره را برای خدا انجام داده و (آن را) کامل گردانید» پس عمره مثل، حج واجب می باشد و کسی که حج تمتع بجا آورد (از عمره) کفایت می کند ضمناً عمره در ماه های حج تمتع محسوب می شود.

(224) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و حج و عمره را برای خدا انجام داده و (آن را) کامل گردانید» فرمود اتمام و تکمیل آن ها چنین است: از آن چه در احرام حج باید اجتناب شود نیز همان را (در احرام عمره) باید رعایت کند

(225) - از ابو عبیده روایت کرده، است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «حج و عمره را برای خدا انجام داده و (آن را) کامل گردانید»، فرمود: در حج باید تمام مناسک و برنامه ها انجام شود ولی اعمال عمره فقط در محدوده مکه می باشد.

ص: 359

1- و در نسخه ای دیگر آمده است که درباره تقیّه می باشد.

226/327] - (عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

(وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ) قُلْتُ : يَكْتَفِي الرَّجُلُ إِذَا تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ مَكَانَ ذَلِكَ الْعُمْرَةِ الْمُفْرَدَةِ

قَالَ نَعَمْ كَذَلِكَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَصْحَابَهُ (1)

227/328] - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ الدُّهْنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

إِنَّ الْعُمْرَةَ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ ، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ : (وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ) وَ إِنَّمَا نَزَلَتْ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَةِ وَ أَفْضَلُ الْعُمْرَةِ عُمْرَةُ رَجَبٍ . (2)

228/329] - (عَنْ أَبَانَ عَنِ الْفَضْلِ [بْنِ] أَبِي الْعَبَّاسِ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : عَنْ أَبَانَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي الْعَبَّاسِ : فِي قَوْلِ اللَّهِ : (وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ) قَالَ : هُمَا مَفْرُوضَانِ . (3)

229 / 330] - (عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالُوا : سَأَلْنَاهُمَا عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى (وَ اتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ)

ص : 360

1- عنه بحار الأنوار: 97/99 ح 12 ، و البرهان في تفسير القرآن : 424/1 ح 17 ، و مستدرک الوسائل : 178/10 ح 11789 .

2- عنه بحار الأنوار: 332/99 ح 8 ، و البرهان في تفسير القرآن : 425/1 ح 18 ، و مستدرک الوسائل : 176/10 ح 11783 . الكافي : 265/4 ح 4 تهذيب الأحكام : 433/5 ح 148 ياسناده عن زرارة بن أعين قال : قلت ح لأبي جعفر عليه السلام بتفاوت يسير فيهما عنهما ، وسائل الشيعة : 9/11 ح 14111 ، و 295/14 ح ، 19229 ، علل الشرائع : 408/2 ح 1 (باب - 144) نحو الكافي عنه البحار : 331/99 ح 2 .

3- عنه بحار الأنوار : 332/99 ح 9 ، و البرهان في تفسير القرآن : 425/1 ح 19 ، و مستدرک الوسائل : 8/8 ح 8920 ، و 176/10 ح 11780 فيهما : مفروضتان . الكافي : 265/4 ح 2 ، تهذيب الأحكام : 459/5 ح 239 عنهما وسائل الشيعة : 7/11 ح 14107 ، و 8 ح 14109 ، و 295/14 ح 19228 .

226) - از یعقوب بن شعیب روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره «حج و عمره را برای خدا انجام داده و (آن را) کامل گردانید»، سؤال کردم و گفتم: اگر مردی بجای عمره مفرده عمره تمتع را تبدیل به حج کرد آیا این کفایت می کند؟

فرمود، بلی، رسول خدا صلی الله علیه و آله اصحاب خود را این چنین دستور داد.

227) - از معاویه بن عمّار دهنی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: عمره بر تمام مسلمان هایی که توان داشته باشند، همانند حج واجب است؛ زیرا که خداوند متعال فرموده: «و حج و عمره را برای خدا انجام داده و (آن را) کامل گردانید» که آیه عمره در مدینه نازل شد و با فضیلت ترین (زمان انجام) حج عمره در ماه رجب خواهد بود.

228) - به نقل از ابان از فضل بن ابی العباس روایت کرده است که گفت:

(امام صادق علیه السلام) درباره فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «و حج و عمره را برای خدا انجام داده و (آن را) کامل گردانید»، فرمود: هر دوی آن ها واجب هستند.

229) - از زراره و حمران و محمد بن مسلم روایت کرده است که گفته اند:

از امام باقر و صادق علیهما السلام درباره فرمایش خداوند متعال: و حج و عمره را برای خدا انجام داده و (آن را) کامل گردانید»، سؤال کردیم؟

فرمودند: همانا به پایان رساندن حج و عمره این است که در آن ها «رفث»، فحش و ناسزاگویی (و یا همبستر شدن) «فسوق» گناه و خلاف «جدال» نزاع و کشمکش نبوده باشد.

قَالَ فَإِنَّ تَمَامَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ لَا يَزُفَتْ وَلَا يَفْسُقَ وَلَا يُجَادِلَ . (1)

[230]/331 - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْهَدْيُ مِنَ الْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ وَلَا يَجِبُ حَتَّى يُعَلَّقَ عَلَيْهِ يَعْنِي إِذَا قَلَّدَهُ فَقَدْ وَجِبَ، وَقَالَ: (فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ) شَاءَ . (2)

[231]/332 - (عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ (فَإِنْ أَحْصَرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ) قَالَ: يُجْزِيهِ شَاءٌ وَالْبَدَنَةُ وَالْبَقَرَةُ أَفْضَلُ . (3)

[232]/333 - (عَنْ زَيْدٍ [بْنِ] أَبِي أُسَامَةَ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ بَعَثَ بِهَدْيٍ مَعَ قَوْمٍ يُسَاقُ فَوَاعَدَهُمْ يَوْمًا يَقْلُدُونَ فِيهِ هَدْيَهُمْ وَيُحْرِمُونَ فِيهِ؟، قَالَ: يَحْرَمُ عَلَيْهِ مَا يَحْرَمُ عَلَى الْمُحْرِمِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَاَعَدَّهُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ، قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ اِخْتَلَفُوا فِي مِيعَادِهِمْ أَوْ أَبْطَأُوا فِي السَّيْرِ عَلَيْهِ وَهُوَ جَدَّاحٌ أَنْ يَجِلَّ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَاَعَدَّهُمْ؟ قَالَ: لَا . (4)

ص: 362

1- عنه بحار الأنوار: 173/99 ح 16، ووسائل الشيعة: 316/14 ح 19304، و البرهان في تفسير القرآن: 425/12 ح 20، و مستدرك الوسائل: 215/9 ح 10711 الكافي: 337/4 ح 2 بإسناده عن النضر بن سويد، عن عبد الله بن سنان بتفاوت يسير، عنه ووسائل الشيعة: 466/12 ح 16793، الخصال: 605/2 ضمن ح 9 بإسناده عن الأعمش، عن جعفر بن محمد عليهما السلام، عنه البحار: 169/99 ح 3.

2- عنه بحار الأنوار: 102/99 ح 7 و 278 ح 1، و وسائل الشيعة: 144/14 ح 18828، و البرهان في تفسير القرآن: 425/1 ح 21، و مستدرك الوسائل: 93/8 ح 9142.

3- عنه بحار الأنوار: 278/99 ح 2 و وسائل الشيعة: 101/14 ح 18704، و البرهان في تفسير القرآن: 425/1 ح 22.

4- عنه بحار الأنوار: 329/99 ح 1، و البرهان في تفسير القرآن: 425/1 ح 23، و مستدرك الوسائل: 314/9 ح 10989 الكافي: 539/4 ح 1 بإسناده عن أبي الصباح الكناني قال: سألت أبا عبد الله 7، و نحوه تهذيب الأحكام: 424/5 ح 117، عنهما ووسائل الشيعة: 190/13 ح 17545 و 191 ح 17548.

(230) - از عبد الله بن فرقد روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: هدی و قربانی عبارت است از: شتر، گاو و گوسفند، ضمناً آن واجب نمی شود مگر آن که بر گردن آن چیزی و علامتی آویزان کرده باشد به این معنا که اگر علامتی بر آن آویزان کرده واجب می شود سپس افزود: «پس آن چه نسبت به انجام قربانی ممکن باشد»، منظور گوسفند می باشد.

(231) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «اگر محصور و مجبور گشتید، پس از هر آن چه میسور و ممکن باشد، قربانی انجام گیرد» فرمود: گوسفند کفایت کند گر چه شتر و گاو با فضیلت تر می باشد.

(232) - از زید [بن] ابی اسامه روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی که شتر قربانی خود را به همراه عده ای فرستاده که خودشان علامتی بر آن بیاویزند و نیز با آن احرام بندند سؤال کردند؟

فرمود: از آن روزی که قرار گذاشته اند احرام ببندند، هر چه بر آنان حرام گشته بر این مرد نیز حرام می باشد تا موقعی که قربانی به محل خود برسد (و قربانی شود)

به حضرت عرض کردم: روزی را که قرار گذاشته اند چنانچه تخلف شود و یا در حرکت مسیر خود آهسته (و یا سریع) بروند آیا بر او مشکلی ایجاد می شود که در همان روزی که قرار گذاشته اند (مُحرم شود و یا) از احرام بیرون گردد؟

فرمود نه (مشکلی برایش نخواهد بود)

خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ حَجَّ حِجَّةَ الْوُدَاعِ ، خَرَجَ فِي أَرْبَعِ بَقِيْنَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ حَتَّى أَتَى الشَّجْرَةَ فَصَلَّى ثُمَّ قَادَ رَاحِلَتَهُ حَتَّى أَتَى الْبَيْدَاءَ.

فَأَحْرَمَ مِنْهَا وَ أَهْلًا بِالْحَجِّ وَ سَاقَ مِائَةَ بَدَنِهِ وَ أَحْرَمَ النَّاسَ كُلَّهُمْ بِالْحَجِّ ، لَا يُرِيدُونَ عُمْرَةً وَ لَا يَدْرُونَ مَا الْمُتَعَةُ ، حَتَّى إِذَا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَكَّةَ ، طَافَ بِالْبَيْتِ وَ طَافَ النَّاسُ مَعَهُ

ثُمَّ صَلَّى عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَلَمَ الْحَجَرَ

ثُمَّ قَالَ: أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ بِهِ، ثُمَّ أَتَى الصَّافَةَ بِدَأً بِهَا،

ثُمَّ طَافَ بَيْنَ الصَّافَةِ وَ الْمَرْوَةِ ، فَلَمَّا قَضَى طَوَافَهُ خَتَمَ بِالْمَرْوَةِ قَامَ يَخْطُبُ أَصْحَابَهُ وَ أَمَرَهُمْ أَنْ يُحْلُوا وَ يُجْعَلُوا عُمْرَةً وَ هُوَ شَيْءٌ أَمَرَ اللَّهُ بِهِ فَاحْلَ النَّاسِ (1)

335 / 234] - (وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ كُنْتُ إِسْمَ تَقَبَّلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا إِسْمَ تَدَبَّرْتُ لَفَعَلْتُ مَا أَمَرْتُكُمْ وَ لَمْ يَكُنْ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُحَلَّ مِنْ أَجْلِ الْهَدْيِ الَّذِي كَانَ مَعَهُ، لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (وَ لَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ)

فَقَالَ سُرَاقَةُ بْنُ جُعْشِمٍ الْكِنَانِيُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! عَلَّمْنَا [عَلَّمْتَنَا] دِينَنَا كَأَنَّمَا خُلِقْنَا الْيَوْمَ أَرَأَيْتَ لِهَذَا الَّذِي أَمَرْتَنَا بِهِ لِعَامِنَا هَذَا أَوْ لِكُلِّ عَامٍ

ص: 364

1- عنه البرهان في تفسير القرآن: 425/1 ح 24 ، و مستدرک الوسائل: 75/8 ح 9108 الكافي: 248/4 ح 6 بتفاوت يسير عنه وسائل الشيعة: 222/11 ح 14657 ، و البحار: 395/21 ح 18 ، علل الشرائع: 412/2 ح 1 (باب - 153) نحو الكافي عنه البحار: 88/99 ح

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای انجام حجّة الإسلام، از ماه ذی القعدة چهار روز باقی مانده بود که (از مدینه) خارج شد تا به (مسجد) «شجرة» آمد و نماز خواند سپس مرکب خود را راند تا به «بیداء» رسید و در آن جا لباس احرام پوشید و مشغول انجام حج گردید و صد شتر همراه خود سوق و حرکت داد و تمام مردم نیز به عنوان حج، احرام پوشیدند آنان تبت عمره نکردند و نمی دانستند که (عمره) تمتّع چیست؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله با حال احرام آمد تا به مکه رسید و اطراف خانه (کعبه) طواف کرد و مردم با آن حضرت طواف کردند، سپس دو رکعت نماز طواف در کنار مقام (ابراهیم علیه السلام) بجای آورد و پس از آن «حجر الأسود» را لمس کرد و آن را بوسید سپس فرمود: به آن چه خدای عزّ و جلّ (در قرآن) ابتدا نموده شما نیز شروع نمایید (به همین خاطر) به سمت (کوه) صفا رفته و از آن جا آغاز نمود و مابین صفا و مروه هفت بار طواف و رفت و آمد انجام داد چون هفت دور را به پایان رسانید در (کوه) مروه قرار گرفت (و در همان جا) ایستاد و (برای اصحاب) سخنرانی نمود و پس از آن دستور داد تا همگی لباس احرام خود را در آورند و حج را بدل به عمره کنند زیرا دستور خدای عزّ و جلّ چنین بود. پس مردم از احرام بیرون آمدند و محلّ گشتند (یعنی چیزهایی که در احرام بر آنان حرام بود حلال شد).

(234) - و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: با برنامه ای که مواجه شدم با آن مخالفت نخواهم کرد و همان کار و برنامه ای را که به شما دستور دادم انجام می دهم کسی که برای قربانی شتری همراه دارد نمی تواند از احرام بیرون بیاید مگر پس از رسیدن به محلّ قربانگاه؛ زیرا خدای عزّ و جلّ می فرماید و سر خود را تراشید (و بدین وسیله از احرام بیرون نیاید) مگر پس از رساندن قربانی به محلّ قربانگاه».

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا بَلَّ لِلْأَبْدِ . (1)

[235]/336 - (عَنْ حَرِيْزِ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفَدِيهِ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ) فَأَمَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَخْلُقَ رَأْسَهُ وَجَعَلَ الصِّيَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَالصَّدَقَةَ عَلَى سِتَّةِ مَسَاكِينَ مُدَيْنٍ لِكُلِّ مِسْكِينٍ وَالتُّسُكَ شَاءَ .) (2)

[236]/337 - (قَالَ : وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ «أَوْ» فَصَاحِبُهُ بِالْخِيَارِ، يَخْتَارُ مَا يَشَاءُ، وَكُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ «فَإِنْ لَمْ يَجِدْ» فَعَلَيْهِ ذَلِكَ .) (3)

ص: 366

1- عنه البرهان في تفسير القرآن: 426/1 ذيل ح 24 ، و مستدرک الوسائل : 13/8 ح 8935، و 75 ذيل ح 9108 و يظهر من البرهان و المستدرک بل و من المصادر بأن هذا الحديث مرويّ ضمن حديث سابقه فراجع المصادر المذكورة هناك. هذا الحديث مرويّ ضمن مصادر حديث سابقه فراجع إليها

2- عنه بحار الأنوار: 180/99 ح 4 ، و البرهان في تفسير القرآن : 426/1 ح 25، و مستدرک الوسائل : 302/9 ح 10971 بتفاوت يسير . الكافي : 358/4 ح 2 مع زيادة في آخره عنه البحار : 402/21 ح 37 و نحوه تهذيب الأحكام : 333/5 ح 60 ، و الاستبصار : 195/2 ح 1 ، عنهم وسائل الشيعة : 165/13 ح 17494 ، النوادر للأشعري : 72 ح 150 .

3- عنه بحار الأنوار: 336/96 ح 6 ، و 180/99 ح 5 ، و البرهان في تفسير القرآن : 426/1 ذيل ح 25 و مستدرک الوسائل : 303/9 ذيل ح 10971. كذا هذا الحديث مرويّ ضمن مصادر حديث سابقه فراجع إليها.

در این موقع سراقه بن مالک بن جعشم کنانی برخاست و اظهار داشت: ای رسول خدا! ما را به احکام و مسائل دینمان آشنا نما گویا که امروز خلق شده ایم، آیا فرمانی که صادر نمودی نسبت به امسال است؟ یا هر سال؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خیر، اختصاص به امسال نداشته بلکه تا ابد ادامه خواهد داشت.

(235) - از حریر به نقل از کسی که به او خبر داده روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس هر کس از شما بیمار باشد، یا موی سرش به علت مرض یا حشراتی که در سر او باشند»، فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر کعب بن عجره که لباس احرام پوشیده بود مرور کرد در حالی که شپش بر سر ابروها و چشمانش پُر شده بود پس به او فرمود: آیا این حشرات تو را اذیت می کنند؟

گفت: آری. پس این آیه شریفه نازل شد: «پس هر کس از شما بیمار باشد یا موی سرش به علت مرض یا حشراتی که در سر او باشند، او را آزار دهد، باکی نیست که سر خود را تراشد و با فدیة ای (کفاره ای): از گرفتن روزه یا دادن صدقه یا انجام مناسک آن را جبران کند» پس رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد تا سر او را تراشیدند.

و روزه امساک سه روز است و دادن صدقه به شش، مسکین که هر نفر دو مدّ (طعام، هر مدّی 10 سیر - 750 گرم - می باشد) خواهد بود و «نُسک»، قربانی کردن گوسفند است.

(236) - (راوی) گفت: امام صادق علیه السلام افزود: هر کجا در قرآن کلمه «أو» آمده مخاطب آن می تواند هر کدام را که مایل بود انتخاب و عمل کند. ولی هر کجا در قرآن عبارت «فمن لم یجد کذا، فعليه کذا» - هر کسی که نیافت پس بر او چنین و چنان است - باشد بهتر می باشد که آن عمل را انجام دهد

ص: 367

338/[237] - (وَعَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ إِسْمَ تَمَتَّعَتْ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَإِنَّ عَلَيْكَ الْهَدْيَ) (فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ) إِمَّا جُزُورٌ وَإِمَّا بَقْرَةٌ وَإِمَّا شَاةً فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ فَعَلَيْكَ الصِّيَامُ كَمَا قَالَ اللَّهُ(1)

339/[238] - (وذكر أبو بصير عنه عليه السلام قال:

وَنَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُتَعَهُ، وَهُوَ عَلَى الْمَرْوَةِ بَعْدَ فَرَغِهِ مِنَ السَّعْيِ). (2)

340/[239] - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ) قَالَ: لِيَكُنْ كَبِشًا سَمِينًا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَعِجْلًا مِنَ الْبَقْرِ وَالْكَبْشِ أَفْضَلُ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ جَذَعَ فَمَوْجًا مِنَ الضَّأْنِ وَإِلَّا مَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ شَاةً). (3)

341/[240] - (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

كُنْتُ قَائِمًا أَصَلِّيَ وَابْنُ الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَاعِدًا قُدَّامِي وَأَنَا لَا أَعْلَمُ، قَالَ: فَجَاءَهُ عَبَادُ الْبَصْرِيِّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَجَلَسَ وَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ تَمَتَّعَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ هَدْيٌ؟

قَالَ: يَصُومُ الْأَيَّامَ الَّتِي قَالَ اللَّهُ،

قَالَ: فَجَعَلْتُ سَمْعِي إِلَيْهِمَا قَالَ عَبَادٌ: وَآئِي أَيَّامٍ هِيَ)

ص: 368

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 278/99 ح 3، ووسائل الشيعة: 102/14 ح 18704، والبرهان في تفسير القرآن: 431/1 ح 17.
 - 2- عنه بحار الأنوار: 278/99 ح 4، ووسائل الشيعة: 102/14 ح 18704، والبرهان في تفسير القرآن: 431/1 ح 18 و مستدرك الوسائل: 85/8 ح 9117 من لا يحضره الفقيه: 236/2 صدرح 2288، عنه وسائل الشيعة: 231/11 صدرح 14668
 - 3- عنه بحار الأنوار: 278/99 ح 4، ووسائل الشيعة: 102/14 ح 18705، والبرهان في تفسير القرآن: 431/1 ح 19، و مستدرك الوسائل: 86/10 ح 11528.

(237) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: چنان چه عمره را به حج متصل کردی باید قربانی «هَدی» همراه داشته باشی خواه آن که شتر یا گاو یا گوسفند باشد، پس اگر توان آن را نداشتی باید همان طوری که خداوند فرموده است روزه بگیری

(238) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: (این آیه در حالی) بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد که او بعد از انجام سعی (بین کوه صفا و مروه) بر بالای مروه قرار داشت.

(239) - از معاویه بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس کسی که حج تمتّع به وسیله عمره انجام دهد، آن چه از قربانی ممکن باشد باید انجام دهد»، فرمود: قربانی گوسفند فریه ای باشد ولی اگر گوساله نیافت گوسفند برتر خواهد بود و چنان چه آن را هم نیافت گوسفندی باشد که آن را اخته کرده باشند و اگر آن را نیز نیافت پس هر چه که برایش از (انواع) گوسفند مقدور باشد (مانعی ندارد)

(240) - از عبد الرحمان بن حجاج روایت کرده است که گفت:

من ایستاده مشغول نماز بودم و امام موسی بن جعفر علیهما السلام جلوی من نشسته بود؛ و من از همه چیز بی خبر بودم که ناگهان عبّاد بصری وارد شد و سلام کرد و نشست پس از آن گفت ای ابا الحسن درباره مردی که در حج تمتّع است ولی قربانی به همراه نیاورده چه می فرمایی؟

حضرت فرمود: روزهایی را که خداوند دستور داده است روزه بگیرد - عبد الرحمان گوید: خوب به سخنان ایشان گوش می کردم -.

عبّاد اظهار داشت آن روزها چه روزهایی می باشند؟

قَالَ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ

قَالَ: فَإِنْ فَاتَهُ؟

قَالَ: يَصُومُ صَبِيحَةَ الْحَصْبَةِ وَ يَوْمَيْنِ بَعْدَهُ

قَالَ: أَفَلَا تَقُولُ كَمَا قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ؟

قَالَ: وَ أَىَّ شَيْءٍ قَالَ؟

قَالَ: يَصُومُ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ قَالَ: إِنَّ جَعْفَرًا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَمَرَ بِأَلَّا يُنَادِيَ: إِنَّ هَذِهِ أَيَّامُ أَكْلِ وَ شُرْبٍ وَ لَا يَصُومَنَّ أَحَدٌ،

فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! إِنَّ اللَّهَ قَالَ: (فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ)

قَالَ: كَانَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ كِلْتَيْنِ أَشْهُرُ الْحَجِّ . (1)

[241]/342 - (عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ وَ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ هَدْيٌ صَامَ قَبْلَ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ ، فَإِنْ لَمْ يَصُمْ هَذِهِ الْأَيَّامَ صَامَ بِمَكَهَ فَإِنْ أَعْجَلُوا صَامَ فِي الطَّرِيقِ ، وَ إِنْ أَقَامَ بِمَكَهَ قَدَرَ مَسِيرِهِ إِلَى مَنْزِلِهِ فَشَاءَ أَنْ يَصُومَ السَّبْعَةَ الْأَيَّامَ فَعَلَ . (2)

343 / [242] - (عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجَزَّازِودِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ) ؟

ص: 370

-
- 1- عنه بحار الأنوار : 291/99 ح 6 ، و البرهان في تفسير القرآن : 431/1 ح 20. تهذيب الأحكام : 230/5 ح 118 ، الاستبصار : 278/2 ح 6 ، عنهما وسائل الشيعة : 192/14 ح 18961 .
- 2- عنه بحار الأنوار: 292/99 ح 7 ، و وسائل الشيعة : 191/14 ح 18957 ، و البرهان في تفسير القرآن : 432/1 ح 21.

فرمود: یک روز قبل از ترویبه (هشتم ذی حجه) و روز ترویبه و روز عرفه می باشد گفت:

اگر آن روزها را از دست بدهد و نتوانست روزه بگیرد (تکلیفش چیست)؟

فرمود: روز حصبه (1) و دو روز بعد از آن را روزه می گیرد.

گفت: آیا گفته و نظر شما همانند گفتار عبد الله بن حسن نمی باشد؟

فرمود: او چه می گوید و چه نظریه ای دارد؟ گفت: باید ایام تشریق را روزه بگیرد.

فرمود: جعفر (بن محمد علیهما السلام) می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به بلال دستور داد تا اعلام کند: این ایام (تشریق)، روز های خوردن و آشامیدن است، پس کسی حق گرفتن روزه (در این روزها) را ندارد.

گفت: ای ابا الحسن! خداوند فرموده است «هر کسی که (قربانی) پیدا نکرد، سه روز در ایام حج و هفت روز هنگامی که (به محل خود) بازگردد، باید روزه بگیرد».

حضرت فرمود: جعفر (بن محمد علیهما السلام) می فرمود: ماه ذی قعدة و ذی حجه، هر دوی آن ها از ماه های حج خواهند بود.

(241) - از منصور بن حازم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: چنان چه حج تمتع به انجام عمره و حج تبدیل شد و شخص همراه خود قربانی نیاورده باشد باید یک روز قبل از ترویبه و روز ترویبه و عرفه (جمعاً سه روز) را روزه بگیرد و اگر نتوانست این روزها را روزه بگیرد در مکه انجام دهد و اگر قافله (کاروان) شتاب نمود و تحمل ماندن را نکرد در راه روزه بگیرد ولی چنان چه در مکه قصد اقامت کند و توانست به تنهایی به دیار خود بازگردد و مایل به روزه گرفتن بود باید هفت روز را روزه بگیرد.

(242) - از ربیع بن عبد الله بن جارود روایت کرده که گفت: از امام کاظم علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس سه روزه در روز های حج» سؤال کردم؟

ص: 371

1- روزی که به سمت مکه کوچ می کنند.

قَالَ: قَبْلَ التَّرْوِيهِ يَصُومُ وَ يَوْمَ التَّرْوِيهِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ ، فَمَنْ فَاتَهُ ذَلِكَ فَلْيَقْضِ ذَلِكَ فِي بَقِيَّةِ ذِي الْحِجَّةِ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ) (1)

243/344 - [عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ (فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ) قَالَ : إِذَا رَجَعْتَ إِلَى أَهْلِكَ.] (2)

244/345 - [عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِيمَنْ لَمْ يَصُمْ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ فِي ذِي الْحِجَّةِ حَتَّى يُهْلَ الْهَلَالَ؟

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ لِأَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ وَ تَعَالَى يَقُولُ: (فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ) فِي ذِي الْحِجَّةِ

قَالَ إِبْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: وَ سَقَطَ عَنْهُ السَّبْعَةُ الْأَيَّامُ.] (3)

245/346 - [عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ السَّبْعَةِ أَيْصُومُهَا مُتَوَالِيَةً أَمْ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا؟

قَالَ: يَصُومُ الثَّلَاثَةَ لَا يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا وَ لَا يَجْمَعُ الثَّلَاثَةَ وَ السَّبْعَةَ جَمِيعًا] (4)

246/347 - [عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ الثَّلَاثَةِ الْأَيَّامِ فِي الْحَجِّ وَ السَّبْعَةِ أَيْصُومُهَا مُتَوَالِيَةً أَوْ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا؟

ص: 372

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 292/99 ح 7 ، و وسائل الشيعة : 183/14 ح 18933 ، و البرهان في ، تفسير القرآن : 432/1 ح 22 .
 - 2- عنه بحار الأنوار: 292/99 ح 10 ، و وسائل الشيعة : 183/14 ح 18934 ، و البرهان في تفسير القرآن : 432/1 ح 23 .
 - 3- عنه بحار الأنوار: 292/99 ح 11 ، و وسائل الشيعة : 187/14 ح 18944 ، و البرهان في تفسير القرآن : 432/1 ح 24 .
 - 4- عنه بحار الأنوار : 293/99 ح 12 ، و وسائل الشيعة : 183/14 ح 18935 ، و البرهان في تفسير القرآن : 432/1 ح 25 ، و مستدرك الوسائل : 492/7 ح 8727 بتفاوت يسير .

فرمود باید یک روز قبل از ترویبه و روز ترویبه و عرفه (جمعاً سه روز) را روزه بگیرد و کسی که این سه روز را از دست دهد در باقیمانده روز های ذی حجّه باید جبران کند همان طوری که خداوند متعال در کتاب خود فرموده است: «ایام حج در ماه های معین و معلومی است.»

(243) - از معاویه بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس سه روزه در روز های حج و هفت روز هنگامی که (به محل خود) بازگشتید» فرمود: هنگامی است که به منزل و خانواده خود بازگردی

(244) - از حفص بن بختری روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره کسی که سه روز در ایام ذی حجّه را روزه نگرفته تا زمانی که ماه (شب اول محرم) را مشاهده کند سؤال کردم؟ فرمود: باید یک گوسفند به عنوان کفاره سر بیرد همان طوری که خداوند فرموده است: «پس سه (روز) روزه گرفتن در روز های حج» که آن در ماه ذی حجّه باید واقع شود.

ابن ابی عمیر گفته است عبارت هفت روز از حدیث افتاده است.

(245) - از علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام روایت کرده است که گفت: از ایشان سؤال کردم کسی که می خواهد سه روز و هفت روز از ایام حج را روزه بگیرد آیا آن را دنبال هم و یا جدای از هم روزه بگیرد؟

فرمود: سه روز اول را دنبال هم و بدون فاصله سپس هفت روز بعدی را نیز دنبال هم روزه بگیرد؛ ولی سه و هفت را جمع نکند.

(246) - از علی بن جعفر از برادرش (امام کاظم علیه السلام) روایت کرده است که گفت: از ایشان سؤال کردم کسی که می خواهد سه روز و هفت روز ایام حج را روزه بگیرد آیا آن را دنبال هم و یا جدای از هم بگیرد؟

قَالَ: يَصُومُ الثَّلَاثَةَ وَالسَّبْعَةَ لَا يُفَرِّقُ بَيْنَهُمَا وَلَا يَجْمَعُ السَّبْعَةَ وَالثَّلَاثَةَ جَمِيعًا. (1)

348/ [247] - (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَزْرَمِيِّ [العزرمي] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ قَالَ: قَبْلَ التَّرْوِيهِ بِيَوْمٍ وَ يَوْمَ التَّرْوِيهِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ فَإِنَّ فَائِدَةَ ذَلِكَ تَسْحَرُ لَيْلَةَ الْحَصْبَةِ. (2)

349/[248] - (عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ قَبْلَ التَّرْوِيهِ بِيَوْمٍ وَ يَوْمَ التَّرْوِيهِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ فَإِنَّ فَائِدَةَ ذَلِكَ تَسْحَرُ لَيْلَةَ الْحَصْبَةِ، فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعَ. (3)

350/[249] - (وَقَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا فَاتَ الرَّجُلَ الصِّيَامُ فَلْيَبْدَأْ صِيَامَهُ مِنْ لَيْلَةِ النَّفْرِ) (4)

ص: 374

1- عنه بحار الأنوار: 293/99 ح 13، و البرهان في تفسير القرآن: 432/1 ح 26. تهذيب الأحكام: 315/4 ح 25، الاستبصار:

281/2 ح 2 عنهما وسائل الشيعة: 383/10 ح 13649، و 183/14 ح 18935، و 200 ح 18979

2- عنه بحار الأنوار: 293/99 ح 14، و وسائل الشيعة: 184/14 ح 18936، و البرهان في تفسير القرآن: 432/1 ح 27. الكافي:

506/4 ح 1 بإسناده عن رفاعه بن موسى قال: سألت أبا عبد الله بتفصيل ونحوه تهذيب الأحكام: 38/5 ح 43، و 232 ح 124، و

الاستبصار: 280/2 ح 5، عنهم وسائل الشيعة: 178/14 ح 18919.

3- عنه بحار الأنوار: 293/99 ح 15، و وسائل الشيعة: 184/14 ح 18937، و البرهان في تفسير القرآن: 433/1 ح 28. قرب الإسناد

: 10 بتفاوت يسير عنه البحار: 290/99 ج 1، تهذيب الأحكام: 232/5 ح 125 بإسناده عن حماد بن عيسى قال: سمعت أبا عبد الله

عليه السلام يقول: قال علي عليه السلام بتفاوت يسير، ونحوه الاستبصار: 280/2 ح 6 عنهما وسائل الشيعة: 198/14 ح 18974

4- عنه بحار الأنوار: 293/99 ح 16، و وسائل الشيعة: 184/14 ح 18937، و البرهان في تفسير القرآن: 433/1 ح 28

فرمود: هم سه روز اول و هم هفت روز بعدی را دنبال هم روزه بگیرد بگونه ای که بین سه روز و بین هفت روز فاصله ای نباشد و (دقت کند که) بین سه و هفت جمع و اتصال نگردد.

(247) - از عبد الرحمان بن محمد عزرمی روایت کرده است، که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره سه روز روزه گرفتن در ایام حج به نقل از پدرش از امام علی علیه السلام روایت نموده که فرمود: یک روز قبل از ترویبه و (خود) روز ترویبه و روز عرفه می باشد پس اگر از دستش رفت و نتوانست در شب حصبه (1) نیت روزه کند.

(248) - از غیاث بن ابراهیم به نقل از پدرش روایت کرده است که گفت:

امام علی علیه السلام فرمود: سه روز روزه ایام حج یک روز قبل از ترویبه، یک روز ترویبه و یک روز عرفه می باشد پس اگر از دستش رفت و نتوانست باید در شب حصبه نیت روزه کند و سه روز در ایام حج و هفت روز هنگامی که باز گردد، روزه بگیرد.

(249) - و امام علی علیه السلام فرمود: هنگامی که شخصی روزه های ایام حج از دستش برود باید از شبی که می خواهد کوچ کند روزه بگیرد.

ص: 375

1- معنای آن جلوتر بیان شد.

250/351]- (عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَصُومُ الْمُتَمَتِّعُ قَبْلَ التَّرْوِيهِ يَوْمَ وَيَوْمَ التَّرْوِيهِ وَيَوْمَ عَرَفَةَ فَإِنْ فَاتَهُ أَنْ يَصُومَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ دَمٌ صَامَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ ، فَيَسَعِرُ لَيْلَةَ الْحَصْبَةِ ثُمَّ يُصْبِحُ صَائِمًا.) (1)

251/352]- (عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ)؟

قَالَ: هُوَ لِأَهْلِ مَكَّةَ لَيْسَتْ لَهُمْ مُتْعَةٌ وَلَا عَلَيْهِمْ عُمْرَةٌ.

قُلْتُ: فَمَا حَدُّ ذَلِكَ؟

قَالَ: ثُمَانِيَّةٌ وَأَرْبَعِينَ مِيلاً مِنْ نَوَاحِي مَكَّةَ ، كُلُّ شَيْءٍ دُونَ عُسْفَانَ وَدُونَ ذَاتِ عِرْقٍ فَهُوَ مِنْ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.) (2)

252/353]- (عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي (حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) قَالَ: دُونَ الْمَوَاقِيتِ إِلَى مَكَّةَ فَهُمْ مِنْ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ لَيْسَ لَهُمْ مُتْعَةٌ.) (3)

ص: 376

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 293/99 ح 17، ووسائل الشيعة: 184/14 ح 18938، و البرهان في تفسير القرآن: 433/1 ح 29
 - 2- عنه بحار الأنوار: 86/99 ح 1، و البرهان في تفسير القرآن: 433/1 ح 30، و مستدرك الوسائل: 88/8 ح 9125. تهذيب الأحكام: 492/5 ح 412 عنه ووسائل الشيعة: 260/11 ح 14742 .
 - 3- عنه بحار الأنوار: 87/99 ح 2، و البرهان في تفسير القرآن 433/1 ح 31، و مستدرك الوسائل: 89/82 ح 9126 بحذف الذيل . تهذيب الأحكام: 33/5 ح 28، الاستبصار: 158/2 ح 4 عنهما ووسائل الشيعة: 260/11 ح 14739 .

(250) - و از ابراهیم بن ابی یحیی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرش از امام علی علیهما السلام فرمود: شخصی در حج تمتع یک روز قبل از ترویبه و روز ترویبه و روز عرفه روزه می گیرد؛ ولی اگر نتوانست سه روز ایام حج را روزه بگیرد و نیز قربانی همراه نداشت تا خونی را بریزد هنگامی که ایام تشریق سپری شود باید شب حصبه سحری بخورد سپس با حالت روزه وارد صبح شود.

(251) - و از زراره روایت کرده است که گفت:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: (تفسیر) فرمایش خدای عزّ و جلّ در قرآن: «آن (حکم) برای کسی است که اهل او در مسجد الحرام حضور نداشته باشد» چیست؟

فرمود: یعنی بر اهالی مکه حج تمتع نیست هر کسی که در اطراف بیست و چهار فرسخی باشد مانند «ذات عرق» و «عسفان» که حوالی مکه دور می زنند آیه شاملشان می شود ولی برای کسی که اهل مکه باشد و در بیش از این محدوده زندگی کند حج تمتع بر او لازم می باشد.

(252) - و از حماد بن عثمان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره «در (حوالی و اطراف) مسجد الحرام»، فرمود: کسانی که فاصله آن ها تا مکه کمتر از مسافت یکی از میقات ها (محل پوشیدن لباس احرام) باشد، پس آنان افراد حاضر در مسجد الحرام می باشند و برای آنان حج تمتع نمی باشد.

ص: 377

354/253] - (عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ أَهْلِ مَكَّةَ هَلْ يَصِلُحُ لَهُمْ أَنْ يَتَمَتَّعُوا فِي الْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ؟

قَالَ: لَا يَصِلُحُ لِأَهْلِ مَكَّةَ الْمُتَمَتُّعُ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) (1)

355/254] - (عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَيْسَ لِأَهْلِ سَرِفٍ وَلَا لِأَهْلِ مَرٍّ وَلَا لِأَهْلِ مَكَّةَ مُتَمَتُّعٌ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: (ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ) (2)

قوله تعالى: (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (197))

356/256] - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ) هُوَ سُؤَالٌ وَذُو الْقَعْدَةِ وَذُو الْحِجَّةِ. (3)

ص: 378

-
- 1- عنه بحار الأنوار 8799 ح 3، و البرهان في تفسير القرآن: 433/1 ح 32 و مستدرک الوسائل: 89/8 ح 9127 قرب الإسناد 107 (باب الحجّ و العمرة) مرسلًا و باختصار عنه البحار 91/99 ح 11
 - 2- عنه بحار الأنوار: 87/99 ح 4 و البرهان في تفسير القرآن: 433/1 ح 33، و مستدرک الوسائل 89/8 ح 9128 الكافي: 299/4 ح 1 تهذيب أحكام: 497/5 ح 411، عنهما وسائل الشيعة 260/11 ح 14741
 - 3- عنه بحر الأنوار: 133/99 ح 5. و البرهان في تفسير القرآن: 436/1 ح 11 و مستدرک الوسائل، 91/8 - 9133 الكافي: 289/4 ذيل ح 2 بتفصيل عنه وسائل الشيعة: 271/11 - 14767.

(252) - و از علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام روایت کرده که گفت:

از آن حضرت درباره اهل مکه سؤال کردم که آیا می توانند حج عمره و تمتع را انجام دهند؟

فرمود: نه برای اهل مکه حج تمتع نیست؛ زیرا که خداوند فرموده است: «آن (حج تمتع) بر کسی واجب است که اهل او در (حوالی و اطراف) مسجد الحرام نباشد».

(254) - و از سعید اعرج روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: برای اهالی منطقه سرف (حدود 3 کیلومتری مکه) و اهالی «مرّه» (فاصله مرحله ای مکه) و اهالی مکه حج تمتعی نیست زیرا خداوند متعال می فرماید: «آن (حج تمتع) بر کسی واجب است که اهل او در (حوالی و اطراف) مسجد الحرام نباشند»

فرمایش خداوند متعال: حج در ماه های معلوم و معینی است و کسانی که (با بستن احرام و شروع به مناسک حج) حج را بر خود واجب کرده اند (باید توجه داشته باشند که) آمیزش جنسی با زنان و گناه و جدال در حج نیست و آن چه از کار های نیک انجام دهید خدا آن را می داند. پس زاد و توشه تهیه کنید که بهترین زاد و توشه تقوا و پرهیزکاری است ای صاحبان خرد! از (عذاب) من بپرهیزید. (197)

(255) - از معاویه بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خدای عزّ و جلّ: «(مناسک) حج در ماه های معلوم و معین است» فرمود: ماه شوال و ذی قعدة و ذی حجه است.

256/357] - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ) قَالَ: سُؤَالَ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ ، وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ بِالْحَجِّ فِيمَا سِوَاهُنَّ . (1)

358 / [257] - (عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ : (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ) قَالَ : الْأَهْلَةُ .) (2)

359 / [258] - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى :

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ) وَ الْفَرَضُ فَرَضُ الْحَجِّ التَّيْبِيُّ وَ الْإِشْدَاعُ وَ التَّقْلِيدُ فَأَيُّ ذَلِكَ فَعَلَ فَقَدْ فَرَضَ الْحَجَّ ، وَ لَا يُفَرِّضُ الْحَجَّ إِلَّا فِي هَذِهِ الشُّهُورِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ) وَ هِيَ سُؤَالَ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ .) (3)

360 / [259] - (عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي أَحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

مَنْ جَادَلَ فِي الْحَجِّ فَعَلَيْهِ إِطْعَامُ سِتَّةِ مَسَاكِينَ لِكُلِّ مَسْكِينٍ نَصْفُ صَاعٍ إِنْ كَانَ صَادِقًا أَوْ كَاذِبًا ، فَإِنْ عَادَ مَرَّتَيْنِ فَعَلَى الصَّادِقِ شَاةٌ ، وَ عَلَى الْكَاذِبِ بَقْرَةٌ ، لِأَنَّ اللَّهَ

ص: 380

1- عنه بحار الأنوار: 133/99 ح 6 ، و البرهان في تفسير القرآن 437/1 ح 12 ، و مستدرک الوسائل: 91/8 ح 9134 . الكافي: 2321/4 في حديث طول، من لا يحضره الفقيه: 456/2 ح 2959، تهذيب الأحكام: 51/5 ح 1 الاستبصار: 161/2 ح 1 كلاهما نحو الكافي، عنهم وسائل الشيعة: 273/11 ح 14773، و 323 ح 14921 .

2- عنه بحار الأنوار: 133/99 ح 7 ، و البرهان في تفسير القرآن: 437/1 ح 13، و مستدرک الوسائل: 91/8 ح 9135

3- عنه بحار الأنوار: 133/99 ح 8، و البرهان في تفسير القرآن: 437/1 ح 14، و مستدرک الوسائل: 91/8 ح 9136 الكافي: 289/4 ح 2 عنه وسائل الشيعة: 271/11 ح 14767 .

(256) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام پیرامون: «(مناسک) حج در ماه های معلوم و معین است» فرمود: ماه شوال و ذی قعدة و ذی حجه است و کسی در غیر از این ماه ها نمی تواند حج انجام دهد

(257) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند متعال: «(مناسک) حج در ماه های معلوم و معین است، پس کسی که در آن ماه ها حجّ برایش واجب شود» فرمود: (منظور) ماه ها (ی حج) می باشد

(258) - از معاویة بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام در مورد فرمایش خداوند: «(مناسک) حج در ماه های معلوم و معین است پس کسی که در آن ماه ها حجّ برایش واجب شود» فرمود: انجام اعمال حج با گفتن لبّیک و یا شکافتن کوهان شتر قربانی و یا آویختن نعلین (کفش یا دمپایی) بر گردن قربانی فرض و واجب می شود، هر یک از این سه کار که صورت بگیرد انجام حج واجب خواهد شد و کسی حق ندارد حج را بر خود واجب گرداند مگر در همین سه ماهی که خداوند فرموده است: «(مناسک) حج در ماه های معلوم و معین است» که عبارت از ماه شوال و ذی قعدة و ذی حجه می باشند.

(259) - از ابراهیم بن عبد الحمید روایت کرده است که گفت:

امام کاظم علیه السلام فرمود: کسی که در حج جدال نماید، باید شصت مسکین را - به هر مسکین، 1/5 کیلو - طعام دهد خواه آن جدال، صادق و حق باشد و یا دروغ و باطل؛ پس اگر تکرار کرد و بر حق بود باید یک گوسفند قربانی کند ولی اگر باطل بود باید یک گاو بدهد هم چنان که خدای عزّ و جلّ فرموده است:

ص: 381

عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: (فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) وَالرَّفَثُ الْجَمَاعُ، وَالْفُسُوقُ الْكُذِبُ، وَالْجِدَالُ قَوْلُ الرَّجُلِ لَا وَاللَّهُ وَبَلَى وَاللَّهُ
وَالْمُفَاخَرَةُ (1)

[260]/361 - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَوْلُ اللَّهِ (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) وَالرَّفَثُ هُوَ الْجَمَاعُ وَالْفُسُوقُ الْكُذِبُ وَالسَّبَابُ وَالْجِدَالُ: قَوْلُ الرَّجُلِ: لَا وَاللَّهُ وَبَلَى وَاللَّهُ [وَالْمُفَاخَرَةُ]. (2)

[261]/362 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ)؟

قَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَطَ عَلَى النَّاسِ شَرْطًا وَشَرَطَ لَهُمْ شَرْطًا، فَمَنْ وَفَى لِلَّهِ وَفَى اللَّهُ لَهُ، قُلْتُ: فَمَا الَّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِمْ؟ وَمَا الَّذِي شَرَطَ لَهُمْ؟

قَالَ: أَمَّا الَّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ قَالَ: (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ)

وَأَمَّا مَا شَرَطَ لَهُمْ فَإِنَّهُ قَالَ: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا

ص: 382

1- عنه بحار الأنوار: 173/99 ح 17 ، ووسائل الشيعة: 148/13 ح 17445 ، والبرهان في تفسير القرآن: 437/1 ح 15.

2- عنه بحار الأنوار: 173/99 ح 18 ، ووسائل الشيعة: 467/12 ح 16797 بتفاوت يسير والبرهان في تفسير القرآن: 437/1 ح 16 .

تفسير القمي: 68/1 (كيفية الحج) بتفاوت يسير عنه وسائل الشيعة: 115/13 ح 17374 ، والبحار 169/99 ح 1 الكافي: 337/4 ح

3 في حديث طويل، تهذيب الأحكام: 296/5 ح 1 بتفاوت يسير عنه وسائل الشيعة: 463/12 ح 16788 ، و 465 ح 16791 ، دعائم

الإسلام: بتفاوت، عنه البحار: 137/96 ح 11 .

«(مناسک) حج در ماه های معلوم و معین است پس کسی که در آن ماه ها حجّ برایش واجب شود، (پس در حال انجام مناسک حج) نباید زناشویی و هم خوابی کند، نباید دروغ و ناسزا بگوید و نباید جدال کند»؛ «الرفث»، زناشویی و هم خوابی؛ «فسوق»، دروغ و ناسزا گویی؛ و «جدال» این است که مرد هنگام سخن گفتن بگوید: نه به خدا آری به خدا چنین است که بخواهد فخر و مباهات کند می باشد

260) - از معاویه بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «حج در ماه های معلوم و معینی است پس کسی که در آن ماه ها حجّ برایش واجب شود، (پس در حال انجام مناسک حج) نباید زناشویی و هم خوابی کند، نباید دروغ و ناسزا بگوید و نباید جدال کند»؛ «الرفث- زناشویی و هم خوابی و «فسوق»، دروغ و ناسزا گویی می باشد؛ و «جدال»، این است که مرد هنگام سخن گفتن بگوید: نه به خدا، آری به خدا چنین می باشد.

261) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس کسی که در آن ماه ها حجّ برایش واجب شود، (پس در حال انجام مناسک حج) نباید زناشویی و هم خوابی کند، نباید دروغ و ناسزا بگوید و نباید جدال کند» سؤال کردم؟

فرمود: ای محمد! به راستی خداوند (در این آیه) شرطی را بر علیه مردم و شرطی را به سود مردم مقرر نموده کسی که وفای به شرط کند، خداوند نیز برایش وفا می نماید. گفتم: آن شرطی را که بر علیه مردم و شرطی را که به سود مردم مقرر نموده چیست؟

فرمود: اما شرطی که بر علیه ایشان مقرر داشته آن است که فرموده است: «(مناسک) حج در ماههای معینی انجام می گیرد پس کسی که در این ماه ها حج را بر خود فرض گرداند، باید از مباشرت با زنان از فحش و سخنان زشت، از دروغ و جدال در اعمال حج دوری و اجتناب نماید.»

إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى) (1) قَالَ: يَرْجِعُ لَا ذَنْبَ لَهُ. (2)

[262]/363 - (عَنْ أَبِي بصيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا حَلَفَ ثَلَاثَ أَيَّامٍ مُتَّابِعَاتٍ صَادِقًا فَقَدْ جَادَلَ فَعَلَيْهِ دَمٌ، وَإِذَا حَلَفَ بِوَاحِدِهِ كَاذِبًا فَقَدْ جَادَلَ فَعَلَيْهِ دَمٌ). (3)

[263]/364 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: عَنْ رَجُلٍ مُحْرِمٍ قَالَ لِرَجُلٍ: لَا لَعْمَرِي؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ ذَلِكَ بِجِدَالٍ إِنَّمَا الْجِدَالُ وَاللَّهِ! وَبَلَى وَاللَّهِ!) (4)

[264]/365 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ؟).

فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَطَ عَلَى النَّاسِ شَرْطَ لَهُمْ شَرْطًا، فَمَنْ وَفَى لِلَّهِ وَفَى اللَّهُ لَهُ، قَالَ: قُلْتُ: فَمَا الَّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِمْ وَشَرَطَ لَهُمْ)

ص: 384

1- سورة البقرة: 203/2

2- عنه بحار الأنوار: 173/99 ح 19 و البرهان في تفسير القرآن: 437/1 ح 17، و مستدرك الوسائل: 215/9 ح 10712 الكافي: 337/4 ح 1 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، و نحوه من لا يحضره الفقيه: 328/22 ح 2587، عنهما وسائل الشيعة: 464/12 ح 16789، معاني الأخبار: 294 ح 1 عنه البحار: 170/99 ح 9 فقه القرآن: 324/1

3- عنه بحار الأنوار: 174/99 ح 20 و البرهان في تفسير القرآن: 438/1 ح 18. الكافي: 338/4 ح 4 بإسناده عن أبي بصير، عن أحدهما عليهما السلام، عنه وسائل الشيعة: 146/13 ح 17439.

4- عنه بحار الأنوار: 174/99 ح 21، و البرهان في تفسير القرآن: 438/1 ح 19 و مستدرك الوسائل: 216/9 ح 10713. الكافي: 337/4 ح 3 بإسناده عن معاوية بن عمار قال: قال أبو عبد الله عليه السلام، عنه وسائل الشيعة: 465/12 ح 16792. يأتي الحديث أيضاً في الحديث 265 من هذه السورة

و اما شرطی که به سود ایشان قرار داده آن است که فرموده است: «پس کسی که مناسک حج خود را شتابان در این دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست؛ و هم چنین کسی که تأخیر بیندازد و در منی بماند، گناهی بر او نیست این احکام برای کسی است که تقوای الهی را پیشه خود سازد»

سپس افزود: چنین شخصی که از حج (و در چنین حالتی به دیار خود) باز می گردد هیچ گونه گناهی بر او نیست.

(262) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: چنان چه (در حال احرام حج) سه مرتبه دنبال هم، سوگند راست یاد کند اگر از روی مجادله بوده باید یک قربانی سر ببرد و اگر هم یک بار سوگند دروغ یاد کرد (هم چنین) باید یک قربانی سر ببرد.

(263) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از یکی از دو امام (باقر و صادق) علیهما السلام درباره مردی که در حال احرام بگوید: نه به جان خودم سوگند! سؤال نمودم؟ فرمود این (از موارد) جدال نیست، جدال آن است که بگوید: نه به خدا! آری به خدا این چنین است.

(264) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «حج در ماه های معینی انجام می گیرد، پس کسی که در این ماه ها حج را بر خود فرض گرداند»، سؤال کردم؟

فرمود: ای محمد! به راستی خداوند (در این آیه شریفه) شرطی را بر علیه مردم و شرطی را به سود مردم مقرر نموده پس کسی که وفای به شرط کند خداوند نیز با او وفا می نماید. گفتم آن شرطی را که بر علیه مردم و آن شرطی را که به سود مردم مقرر، نموده چیست؟

ص: 385

قَالَ: أَمَّا الَّذِي اشْتَرَطَ فِي الْحَجِّ فَإِنَّهُ قَالَ: (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ)

وَأَمَّا الَّذِي شَرَطَ لَهُمْ فَإِنَّهُ قَالَ: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى) (1) يَرْجِعُ لَا ذَنْبَ لَهُ

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ مَنْ أُبْتُلِيَ بِالرَّفَثِ - وَ الرَّفَثُ هُوَ الْجِمَاعُ - مَا عَلَيْهِ؟

قَالَ: يَسُوقُ الْهَدْيَ وَيَفْرُقُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَهْلِهِ حَتَّى يَقْضِيَانِ الْمَنَاسِكَ وَ حَتَّى يَعُودَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَصَابَا فِيهِ مَا أَصَابَا

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَرَادَ أَنْ يَرْجِعَا فِي غَيْرِ ذَلِكَ الطَّرِيقِ الَّذِي أُبْتُلِيَ فِيهِ؟

قَالَ فَلْيُجْتَمِعَا إِذَا قَضَيَا الْمَنَاسِكَ،

قُلْتُ: فَمَنْ أُبْتُلِيَ بِالْفُسُوقِ وَ الْفُسُوقُ الْكُذْبُ - فَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدًّا؟

قَالَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ يُبَلِّغِي،

قُلْتُ: فَمَنْ أُبْتُلِيَ بِالْجِدَالِ - وَ الْجِدَالَ قَوْلُ الرَّجُلِ: لَا وَاللَّهِ وَ بَلَى وَاللَّهِ - مَا عَلَيْهِ؟

قَالَ: إِذَا جَادَلَ قَوْمًا مَرَّتَيْنِ فَعَلَى الْمُصِيبِ دَمٌ شَاهٍ وَ عَلَى الْمُخْطِئِ دَمٌ بَرَّهِ (2)

ص: 386

1- سورة البقرة : 203/2

2- عنه البرهان في تفسير القرآن : 438/1 ح 20. الكافي : 337/4 ح 1 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، و نحوه من لا يحضره الفقيه : 328/2 ح 2587 بإسناده عن محمد بن مسلم و الحلبي جميعاً عن أبي عبد الله عليه السلام عنهما وسائل الشيعة : 464/12 ح 16789، معاني الأخبار : 294 ح 1 بإسناده عن عبد الله بن علي الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام عنه البحار : 170/99 ح، مستطرفات السرائر : 558 بإسناده عن محمد بن مسلم قال : سألت أبا جعفر عليه السلام.

فرمود: اما شرطی که بر علیه ایشان مقرر داشته آن است که فرموده: «حج در ماه های معینی انجام می گیرد پس کسی که در این ماه ها حج را بر خود فرض کند، باید از مباشرت با زنان از فحش و سخنان زشت، از دروغ و جدال در اعمال حج، دوری و اجتناب کند»

و اما شرطی که به سود ایشان قرار داده این است که فرموده: «پس کسی که مناسک حج خود را شتابان در این دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست؛ و هم چنین کسی که تأخیر بیندازد و در منی بماند گناهی بر او نیست، این احکام برای کسی است که تقوای الهی را پیشه خود سازد». سپس افزود: چنین شخصی که از حج (در چنین حالتی به دیار خود) باز می گردد، هیچ گونه گناهی ندارد.

گفتم: کسی که مبتلا به عمل زناشویی شود چه تکلیفی دارد؟

فرمود: باید یک شتر به عنوان قربانی، همراه خود حرکت دهد و ضمناً تا زمانی که مناسک و اعمال حج را انجام دهند و به همان محلی که زناشویی و خلاف کرده بودند باز گردند باید از همسر خود جدا باشد.

گفتم: چنان چه بخواهند از غیر آن راهی که رفته بودند باز گردند، آیا می توانند؟

فرمود: پس از آن که اعمال حج را انجام دادند می توانند با هم باشند.

گفتم: کسی که مرتکب فسق و دروغ شده با توجه بر این که محدوده ای برایش بیان نشده، تکلیفش چیست؟

فرمود: توبه می کند و سپس تلبیه می گوید.

گفتم: کسی که مرتکب جدال شده - با توجه به معنای جدال که بگوید: نه به خدا آری به خدا چنین است، تکلیفش چیست؟

فرمود اگر دو بار با عده ای جدال کند کسی که بر حق بوده یک گوسفند و کسی که بر اشتباه بوده یک گاو باید قربانی نمایند.

265/366] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَنِ الرَّجُلِ الْمُحْرِمِ قَالَ لِأَخِيهِ : لَا لَعْمَرِي ! قَالَ : لَيْسَ هَذَا بِجِدَالٍ إِنَّمَا الْجِدَالُ : لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ .) (1)

قوله تعالى : لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْرِعِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوا كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الصَّالِينَ (198) ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (199)

266/367] - (عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ - بَيَّاعِ السَّابِرِيِّ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : (لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ) يَعْنِي الرِّزْقَ إِذَا أَحَلَّ الرَّجُلُ مِنْ إِحْرَامِهِ وَقَصَى نُسْكَهُ فَلْيَسْتَرِ وَلْيَبِغْ فِي الْمَوْسِمِ) (2)

267/368] - (عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ) ؟

قَالَ : أَوْلَيْكَ قُرَيْشٌ كَانُوا يَقُولُونَ : نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِالْبَيْتِ وَ لَا يُفِيضُونَ إِلَّا مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ ، فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ يُفِيضُوا مِنْ عَرَفَةَ .) (3)

ص : 388

1- عنه البرهان في تفسير القرآن: 43/81 ح 21 الكافي : 337/4 ذيل ح 3 باسناده عن معاوية بن عمّار قال : قال أبو عبد الله عليه السلام عنه وسائل ، الشيعة 465/12 ذيل ح 16792

2- عنه بحار الأنوار : 372/99 ح 6 ، و وسائل الشيعة: 60/11 ح 14238 و البرهان في تفسير القرآن 438/1 ح 1 و مستدرک الوسائل : 166/10 ح 11769

3- عنه بحار الأنوار : 255/99 ح 28 و وسائل الشيعة: 553/13 ح 18433 و البرهان في تفسير القرآن: 440/1 ح 3 و نور الثقلين 195/1 ح 710.

265- از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت :

از امام باقر علیه السلام درباره مردی که در حال احرام بگوید: نه به جان خودم سوگند! سؤال کردم فرمود: این (از موارد) جدال نیست جدال آن است که بگوید: نه به خدا و آری به خدا (چنین است).

فرمایش خداوند متعال: گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان (از منافع اقتصادی در ایام حج) طلب کنید (که یکی از منافع حج پایه ریزی یک برنامه اقتصادی صحیح است) و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید. خداوند را نزد مشعر الحرام یاد کنید، او را همان گونه که شما را هدایت نمود یاد کنید و قطعاً شما پیش از این از گمراهان بودید (198) سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند. (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید و از (درگاه) خداوند آمرزش طلب نمایید همانا خداوند آمرزنده و مهربان است (199)

266- از عمر بن یزید - بیاع سابری - روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «بر شما مشکل و مانعی نیست که بخواهید در (به دست آوردن) فضل پروردگارتان تلاش و کوشش کنید»، فرمود: منظور رزق و روزی است که چنان چه شخص از احرام خود بیرون آمده و مناسک حج را انجام داده می تواند در همان ایام حج، خرید و فروش نماید.

267- از زید شحام روایت کرده است، که گفت:

از امام صادق علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند: «سپس کوچ کنید از جایی که مردم کوچ کرده اند»، سؤال کردم؟

فرمود: آنان قریش بودند که می گفتند: ما سزاوارترین مردم نسبت به خانه (کعبه) هستیم و کوچ نمی کردند مگر از «مزدلفه» (که «مشعر الحرام» می باشد). پس خداوند دستور داد تا آنان از عرفات کوچ کنند و خارج شوند.

268/369] - (عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ) ؟

قَالَ : إِنَّ أَهْلَ الْحَرَمِ كَانُوا يَقِفُونَ عَلَى الْمَشْرِعِ الْحَرَامِ وَيَقِفُ النَّاسُ بِعَرَفَةَ وَلَا يُفِيضُونَ حَتَّى يَطَّلِعَ عَلَيْهِمْ أَهْلُ عَرَفَةَ ، وَكَانَ رَجُلًا يُكَنَّى أَبَا سَيَّارٍ وَكَانَ لَهُ حِمَارٌ فَارَةٌ وَكَانَ يَسْبِقُ أَهْلَ عَرَفَةَ فَإِذَا طَلَعَ عَلَيْهِمْ قَالُوا : هَذَا أَبُو سَيَّارٍ ، ثُمَّ أَفَاضُوا فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ أَنْ يَقِفُوا بِعَرَفَةَ وَأَنْ يُفِيضُوا مِنْهُ .
(1)

269/370] - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ) قَالَ : يَعْنِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ .) (2)

270/371] - (عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ)

قَالَ كَأَنَّتَ قُرَيْشٌ تُفِيضُ مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ ، يَقُولُونَ نَحْنُ أَوْلَى بِالْبَيْتِ مِنَ النَّاسِ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ أَنْ يُفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ مِنْ عَرَفَةَ .) (3)

271/372] - (وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص : 390

1- عنه بحار الأنوار: 255/99 ح 29 ، ووسائل الشيعة : 553/13 ح 18424 ، و البرهان في تفسير القرآن : 440/1 ح 4 و نور الثقلين: 195/1 ح 711 .

2- عنه بحار الأنوار: 256/99 ح 30 ، ووسائل الشيعة : 553/13 ح 18425 ، و البرهان في تفسير القرآن : 440/1 ح 5 ، و نور الثقلين : 196/1 ح 712 .

3- عنه بحار الأنوار: 256/99 ح 31 ، ووسائل الشيعة : 553/13 ح 18426 ، و البرهان في تفسير القرآن : 440/1 ح 6 . دعائم الإسلام : 320/18 (ذكر الدفع من عرفة إلى المزدلفة) بتفاوت يسير عنه البحار: 269/99 ح 12 ، و مستدرک الوسائل : 33/10 ح 11387

(268) - از رفاعة روايت کرده است که گفت:

از امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «سپس کوچ کنید از جایی که مردم کوچ کرده اند» سؤال کردم؟

فرمود: اهالی حرم در مشعر الحرام و دیگر مردم در عرفات توقف می کردند و از آن جا کوچ نمی کردند مگر هنگامی که اهالی عرفات بر آنان وارد و آشکار گردند در آن زمان شخصی معروف به ابو سیار بود او الاغی چابک و تیز رو داشت و از اهالی عرفات سبقت می گرفت موقعی که (اهالی مشعر) او را می دیدند می گفتند: ابو سیار آمد و به دنبال او کوچ می کردند، پس خداوند دستور داد که در عرفات توقفی داشته باشند و سپس از عرفات کوچ کنند و خارج شوند.

(269) - از معاوية بن عمّار روايت کرده است که گفت:

امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «سپس کوچ کنید از جایی که مردم کوچ کرده اند» فرمود: منظور حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام هستند.

(270) - از علی [بن رئاب] روايت کرده است که گفت:

از امام صادق عليه السلام پیرامون فرمایش خداوند متعال: «سپس کوچ کنید از جایی که مردم کوچ کرده اند» سؤال کردم؟

فرمود: آنان قریش بودند که در زمان جاهلیت از «مزدلفه» (که «مشعر الحرام» می باشد کوچ نمی کردند و می گفتند ما سزاوارترین مردم نسبت به خانه (کعبه) هستیم، پس خداوند دستور داد تا از همان جایی که دیگر مردم کوچ می کنند آن ها نیز کوچ کنند که منظور عرفات می باشد.

(271) - و در روایتی دیگر (از حریر) چنین آمده است:

ص: 391

إِنْ فُرِيضًا كَانَ تُفِيضُ مِنْ جَمْعٍ (1) وَ مُضَرٌّ وَ رِبْعُهُ مِنْ عَرَفَاتٍ (2)

[272]/373 - (عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْرَجَ إِسْمَاعِيلَ إِلَى الْمَوْقِفِ فَأَفَاضَا مِنْهُ ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ كَانُوا يُفِيضُونَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا كَثُرَتْ فُرَيْشٌ قَالُوا لَا تُفِيضُ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَ كَانَتْ فُرَيْشٌ تُفِيضُ مِنَ الْمُرْدَلِفَةِ وَ مَنْعُوا النَّاسَ أَنْ يُفِيضُوا مَعَهُمْ إِلَّا مِنْ عَرَفَاتٍ ، فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ أَمَرَهُ أَنْ يُفِيضَ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ، وَ عَنَى بِذَلِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (3)

[273]/ 374 - (عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ) قَالَ : هُمْ أَهْلُ الْيَمَنِ .) (4)

قوله تعالى: (فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَ الَّذِي ذَكَرَكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (200) وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (201)

ص: 392

1- جمع : هو المزدلفة: سمي جمعا، لاجتماع الناس به، معجم البلدان: 189/2

2- عنه بحار الأنوار: 256/99 ح 32 و وسائل الشيعة . 554/13 ح 18427 و البرهان في تفسير القرآن : 4401 ح 7

3- عنه بحار الأنوار: 256/99 ح 33، و وسائل الشيعة : 554/13 ح 1848 و البرهان في تفسير القرآن: 440/1 ح 7

4- عنه بحار الأنوار: 256/99 ح 33 و وسائل الشيعة: 554/13 ح 18429 و البرهان في تفسير القرآن: 441/1 ح 9، و نور الثقلين:

امام صادق علیه السلام فرمود: قریش از «جمع» (که همان مزدلفه است) کوچ می کردند و خارج می شدند ولی طایفه مضر و ربیعہ از عرفات کوچ می نمودند.

(272) - از ابو الصباح روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام (فرزندش) اسماعیل را (از مزداغه بیرون می آورد و) در «موقف» (یعنی عرفات) نگاه می داشت و سپس از آن جا کوچ می نمودند و پس از آن مردم نیز از همان جا کوچ می کردند تا آن که افراد قریش زیاد شدند و اظهار داشتند از آن جایی که مردم کوچ می کنند و بیرون می روند ما از آنجا کوچ نمی کنیم و از مزدلفه کوچ می کردند و مانع دیگر مردم می شدند تا آن که از ته از عرفات کوچ کنند

هنگامی که خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث نمود، به او دستور داد تا از آن جایی کوچ کند که دیگر مردم کوچ می کنند که منظور از دیگر مردم حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام هستند

(273) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «سپس کوچ کنید از جایی که مردم کوچ کرده اند» فرمود: آنان اهالی یمن هستند.

فرمایش خداوند متعال: پس موقعی که مناسک (حج) خود را انجام دادید خدا را یاد کنید همانند یادآوری از پدرانمان بلکه از آن هم بیشتر! (در این مراسم مردم دو گروهند: بعضی از مردم می گویند خداوند! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن که در آخرت بهره ای ندارند (200) و بعضی (از مردم) می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگاه دار (201)

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ (فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا)

قَالَ: كَانَ الرَّجُلُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُ: كَانَ أَبِي وَكَانَ أَبِي فَأَنْزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ فِي ذَلِكَ. (1)

376/ [275] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْحَسَنِ بْنِ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ مِثْلَهُ سَوَاءً، أَى كَانُوا يَفْتَخِرُونَ بِأَبَائِهِمْ يَقُولُونَ: أَبِي الَّذِي حَمَلَ الدِّيَاتِ وَالَّذِي قَاتَلَ كَذَا وَكَذَا إِذَا قَامُوا بِمَنِي بَعْدَ النَّحْرِ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيْضًا يَحْلِفُونَ بِأَبَائِهِمْ لَا وَابِي وَلَا وَابِي) (2)

377/ [276] - (عَنْ زُرَّازَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ (فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا)؟

قَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْجَاهِلِيَّةِ كَانَ مِنْ قَوْلِهِمْ: كَلَّا وَابِيكَ، بَلَى وَابِيكَ، فَأَمَرُوا أَنْ يَقُولُوا: لَا وَاللَّهِ، وَبَلَى وَاللَّهِ. (3)

378/ [277] - (وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا) قَالَ:

ص: 394

1- عنه بحار الأنوار: 159/93 ح 35 و 311/99 ح 33 و البرهان في تفسير القرآن: 442/1 ح 4 . مستطرفات السرائر: 562 (من كتاب البزنطي) بتفاوت، عنه البحار: 311/99 ح 32 .

2- عنه بحار الأنوار: 311/99 ح 34، و وسائل الشيعة: 272/14 ذيل ح 19173 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 442/1 ح 5 . مستطرفات السرائر: 35 ح 50 عنه وسائل الشيعة: 272/14 ح 19173 .

3- عنه بحار الأنوار: 311/99 ح 35، و 211/104 ح 29، و البرهان في تفسير القرآن: 442/1 ح 6، و نور الثقلين: 199/1 ح 724 .

(274) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس خداوند را بیاد آورید هم چنان که پدرانتان را یاد می کنید و یا یاد کردنی پر محتواتر از ایشان» سؤال کردم؟

فرمود در زمان جاهلیت می گفتند: پدرم چنین بود: پدرم چنان بود پس این آیه نازل گردید.

(275) - از محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام و حسین از فضاله فرزند ایوب - از علاء از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام همانند (سؤال و جواب حدیث) قبل را روایت کرده و افزوده است: یعنی؛ (موقعی که بعد از قربانی به منی می آمدند) به وسیله پدران خود بر یک دیگر فخر فروشی می کردند و می گفتند: پدرم کسی بود که خون بهای افراد را به عهده می گرفت و دیگری می گفت: پدرم چنان کسی بود که جنگجو و قاتل فلان و فلان بوده و در کارها به پدران خود سوگند می خوردند (و می گفتند): نه به پدرم سوگند! آری به پدرم سوگند!

(276) - از زراره روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس خداوند را بیاد آورید هم چنان که پدرانتان را یاد می کنید و یا یادکردنی پر محتواتر از ایشان» سؤال کردم؟

فرمود: همانا از گفتار مردم در زمان جاهلیت این بود که می گفتند: به جان پدرت! هرگز چنین نیست به جان پدرت! حتماً چنین است پس مأمور شدند که بگویند: نه به خدا سوگند! آری به خدا سوگند! (که در گفتار خود) خداوند را به جای پدرانشان مطرح کنند

(277) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس موقعی که مناسک حج را انجام دادید خداوند را بیاد آورید هم چنان که پدرانتان را یاد می کنید و یا یاد کردنی

ص: 395

كَانَ الرَّجُلُ يَقُولُ: كَانَ أَبِي وَكَانَ أَبِي فَتَزَلَّتْ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ. (1)

[278] / 379 - (عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رِضْوَانُ اللَّهِ وَالْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ وَالسَّعَةُ فِي الْمَعِيشَةِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ فِي الدُّنْيَا. (2)

[279]/380 - (عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ:

رِضْوَانُ اللَّهِ وَالتَّوَسُّعُ فِي الْمَعِيشَةِ وَحُسْنُ الصُّحْبَةِ وَفِي الْآخِرَةِ الْجَنَّةُ. (3)

قوله تعالى: (وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ) (203)

[280]/381 - (عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْيَوْمِ الْمَعْدُودَاتِ؟

ص: 396

1- عنه البرهان في تفسير القرآن: 443/1 ح 7 ، و مستدرک الوسائل: 284/5 ح 5864

2- عنه بحار الأنوار: 348/95 ذیل ح 2 أشار إليه و البرهان في تفسير القرآن: 443/1 ح 8. الكافي: 71/5 ح 2 بإسناده عن جميل بن صالح، عن أبي عبد الله عليه السلام ، و نحوه من لا يحضره الفقيه: 156/3 ح 3566 ، تهذيب الأحكام: 327/6 ح 21 عنهم وسائل الشيعة: 9/17 ح 21843 ، معاني الأخبار: 174 ح 1 نحو الفقيه عنه البحار: 383/71 ح 18 و 348/95 ح 2 ، و مستدرک الوسائل: 7/13 ح 14564 ، فقه القرآن: 299/1 و 22/2

3- عنه البرهان في تفسير القرآن: 443/1 ح 9 و مستدرک الوسائل: 7/13 ح 14565 .

پر محتواتر از ایشان» فرمود: (در زمان جاهلیت) می گفتند: پدرم چنین بود پدرم چنان بود پس این آیه بر علیه آنان نازل گردید.

(278) - از عبد الاعلی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پروردگارا! در دنیا حسنه و در آخرت به ما حسنه ای عطا فرما و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار»، سؤال کردم؟

فرمود: رضوان خداوند و بهشت در قیامت می باشد و هم چنین معاش اخلاق نیکو در دنیا است.

(279) - از عبد الاعلی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: رضوان خداوند و توسعه در معاش و اخلاق نیکو داشتن و هم چنین بهشت در آخرت است.

فرمایش خداوند متعال: و خدا را در روز هایی که معین شده یاد کنید (که روز های 11 و 12 و 13 ماه ذی حجّه باشد) پس هر کسی که شتاب کند (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد گناهی بر او نیست و هر که تأخیر اندازد (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست (البته) برای کسی که تقوا پیشه کند پس از خدا بپرهیزد و بداند شما به سوی او محشور خواهید شد. (203)

(280) - از رفاعه روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره روز های (معین و) شمارش شده، سؤال کردم؟

ص: 397

قَالَ: هِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ (1).

[281]/382 - (عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْمَعْدُودَاتُ وَالْمَعْلُومَاتُ هِيَ وَاحِدَةٌ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ (2)

[282]/383 - (عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ: عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ) قَالَ: أَيَّامُ التَّشْرِيقِ (3).

[283] / 384 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ: (وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ)؟

قَالَ: التَّكْبِيرُ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ فِي دُبْرِ الصَّلَوَاتِ (4).

ص: 398

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 309/99 ح 26 ، و وسائل الشيعة: 272/14 ح 19174 ، و البرهان في تفسير القرآن: 446/1 ح 15 . معاني الأخبار: 297 ح 2 بإسناده عن محمد بن الفضيل عن أبي الصباح، عن أبي عبد الله عليه السلام، عنه البحار: 309/99 ح 23
 - 2- عنه بحار الأنوار: 309/99 ح 25 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 446/1 ح 16 . معاني الأخبار: 296 ح 3 بتفاوت يسير عنه البحار: 309/99 ح 24 .
 - 3- عنه بحار الأنوار: 309/99 ح 20 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 446/1 ح 18 . قرب الإسناد (الطبع (الحجري): 10 ، عنه البحار: 309/99 ح 19، تهذيب الأحكام: 487/5 ذيل ح 382 عنه وسائل الشيعة: 271/14 ح 19172 .
 - 4- عنه البرهان في تفسير القرآن: 446/1 ح 17 ، و مستدرک الوسائل: 138/6 ح 6642 ، فيه: في دبر الصلوات الكافي: 516/4 ح 1 بتفصيل، و نحوه تهذيب الأحكام: 139/3 ح 44 و 269/5 ح 33، عنهم وسائل الشيعة: 457/7 ح 9852، و 271/14 ح 19171، عوالي اللئالي: 168/3 ح 67، نزهة الناظر: 34 فصل في التكبيرات الواجبة).

فرمود: منظور روز های تشریق (کوچ کردن حاجیان) می باشد.

(281) - از زید شحام روایت کرده است که گفت :

امام صادق علیه السلام فرمود: منظور از معدودات و معلومات یک مفهوم است که روز های تشریق (کوچ کردن حاجیان) می باشد.

(282) - از حماد بن عیسی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود امام علی علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و به یاد آورید خداوند را در روز های (معین و) شمارش شده» فرموده است: منظور ایام تشریق (روز های کوچ کردن حاجیان) می باشد

(283) - از محمد بن مسلم روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و به یاد آورید خداوند را در روز های (معین و) شمارش شده» سؤال کردم؟

حضرت فرمود: تکبیراتِ روز های تشریق بعد از نماز های (واجب شبانه روز) می باشد

ص: 399

385 / [284] - (عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنبِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى) مِنْهُمْ الصَّيْدَ وَاتَّقَى الرَّفَثَ وَالْفُسُوقَ وَالْجِدَالَ وَمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي إِحْرَامِهِ.) (1)

386 / [285] - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) قَالَ: يَرْجِعُ مَغْفُورًا لَهُ لَا ذَنْبَ لَهُ.) (2)

387 / [286] - (عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا نُرِيدُ أَنْ نَتَعَجَّلَ فَقَالَ لَا تَتَفَرَّوْا فِي الْيَوْمِ الثَّانِي حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ فَأَمَّا الْيَوْمُ الثَّلَاثُ فَإِذَا انْتَصَفَ فَانْفَرُوا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) فَلَوْ سَكَتَ لَمْ يَبْقَ أَحَدٌ إِلَّا تَعَجَّلَ وَلَكِنَّهُ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ (وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ.) (3)

ص: 400

- 1- عنه بحار الأنوار: 315/99 ح 3، والبرهان في تفسير القرآن: 447/1 ح 19، ومستدرک الوسائل: 161/10 ح 11754 . من لا يحضره الفقيه: 480/2 ح 3017 عنه وسائل الشيعة: 28014 ح 19201.
- 2- عنه بحار الأنوار: 315/99 ح 4 والبرهان في تفسير القرآن: 447/1 ح 20، ومستدرک الوسائل: 160/10 ح 11751 من لا يحضره الفقيه: 215/2 ح 2201 عنه وسائل الشيعة: 276/14 ح 19186.
- 3- عنه بحار الأنوار: 315/99 ح 5، والبرهان في تفسير القرآن: 447/1 ح 21، ومستدرک الوسائل: 159/10 ح 11750 الكافي: 519/4 ح 1 بتفاوت يسير، ونحوه تهذيب الأحكام: 271/5 ج 2، والاستبصار: 300/2 ح 2 عنهم وسائل الشيعة: 275/14 ح 19182، والبحار: 275/2 ح 22

(284) - از سلام بن مستنیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس کسی که در دو روز عجله کند، گناهی بر او نیست و (نیز) بر کسی که تأخیر بیندازد و تقوا داشته باشد، گناهی بر او نیست فرمود: مربوط به کسانی است که از شکار حیوانات هم خوابی و زناشویی با همسر دروغ و ناسزاگویی جدال و از هر چه خداوند در حالت احرام بر او حرام نموده تقوای الهی را رعایت کرده و مرتکب نشده باشد.

(285) - از معاویه بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس کسی که در دو روز عجله کند، گناهی بر او نیست و کسی که تأخیر بیندازد (نیز) گناهی بر او نیست» فرمود: (بعد از اعمال حج) با حالت آمرزیده (شدن گناهان) باز می گردد

(286) - از ابویوب خزّاز روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ما برای حرکت و مسافرت عجله داریم (چه ساعتی کوچ کنیم)؟

فرمود: روز دوم کوچ نکنید مگر آن که زوال خورشید شود و ظهر گردد و اما روز سوم موقعی که خورشید منتصف (و روز بلند) شد حرکت نمایید که خداوند می فرماید: «پس اگر در دو روز اول عجله و کوچ کند گناهی بر او نیست» اگر خداوند به همین جمله اکتفا نموده بود همه عجله می کردند و کسی باقی نمی ماند ولی فرموده است: «و کسی که (کوچ کردن و بیرون رفتن را) عقب بیندازد گناهی بر او نخواهد بود.»

إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَاجِبًا لَا يَخْطُو خُطْوَةً وَلَا يَخْطُو بِهِ رَاحِلَتَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً، وَمَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً، وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً، فَإِذَا وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ فَلَوْ كَانَتْ لَهُ ذُنُوبٌ عَدَدَ الثَّرَى رَجَعَ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، يَقُولُ لَهُ: إِسْرَافُ الْعَمَلِ يَقُولُ اللَّهُ: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى). (1)

389/ [288] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْوُهُ وَزَادَ فِيهِ: فَإِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ لَمْ تَسْقُطْ شَعْرَةٌ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ لَهُ بِهَا نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَا أَنْفَقَ مِنْ نَفَقَةٍ كُتِبَتْ لَهُ فَإِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ رَجَعَ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ). (2)

390/ [289] - (عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) الْآيَةُ قَالَ أَنْتُمْ - وَاللَّهُ! هُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا يَنْبُتُ عَلَى وَلَا يَهِيَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ). (3)

391/ [290] - (عَنْ حَمَّادٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (لِمَنِ اتَّقَى) الصَّيْدُ فَإِنْ أُبْتُلِيَ

ص: 402

1- عنه بحار الأنوار: 315/99 ح 6، و البرهان في تفسير القرآن: 447 ح 22، و نور الثقلين: 203/1 ح 746. المحاسن: 63/1 ح 113 بتفاوت، عنه البحار: 8/96 ح 19، الكافي: 252/4 ح 2 بإسناده عن عبد الأعلى قال: قال أبو عبد الله عليه السلام بتفاوت عنه وسائل الشيعة: 93/11 ح 14327.

2- عنه بحار الأنوار: 315/99 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن: 447/1 ح 23، و مستدرک الوسائل: 136/10 ح 11690.

3- عنه بحار الأنوار: 316/99 ح 8، و البرهان في تفسير القرآن: 447/1 ح 24، و نور الثقلين: 203/1 ح 747.

(287) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بنده خدا از منزل خود، به قصد حج (و زیارت کعبه الهی) بیرون شود قدمی بر نمی دارد و مرکب سواری او گامی بر نمی دارد مگر آن که خداوند حسنه ای برایش ثبت و سیئه ای از او نابد کرده و یک درجه بر درجاتش می افزاید

هنگامی که در عرفات توقّف کند گناهایش اگر چه به تعداد ستارگان باشد هم چون روزی که از مادر متولد شده (آمرزیده و) از آن جا مراجعت می کند و به او خطاب شود: اعمال خود را از امروز (با دقّت) انجام بده که خداوند می فرماید: «پس کسی که در دو روز اول با عجله کوچ کند و تقوای الهی را رعایت کرده باشد گناهی بر او نیست»

(288) - از ابو بصیر همانند حدیث قبل را روایت کرده است و در پایان افزوده: و اگر سر خود را بتراشد مویی از او نیفتد مگر آن که خداوند در قیامت آن را برایش نور گرداند؛ و چیزی را انفاق نکند مگر آن که خداوند برایش ثبت نماید و چون طواف خانه (کعبه) کند در حالتی به منزل خود باز گردد هم چون وقتی که از مادر متولد شده است (و گناهی برایش نباشد)

(289) - از ابو حمزه ثمالی روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «پس کسی که در دو روز اول با عجله کوچ کند، گناهی بر او نیست» فرمود: به خدا سوگند! شما (شیعیان) آنان هستید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی بر ولایت علی علیه السلام ثابت نمی ماند، مگر آن که پرهیزکار باشد.

(290) - از حمّاد روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «برای کسی که تقوا را رعایت کند» فرمود:

ص: 403

بَشَىءٍ مِنَ الصَّيْدِ فَفَدَاهُ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَنْفِرَ فِي يَوْمَيْنِ .(1)

قوله تعالى: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ (204) وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ) (205)

[291] / 392 - (عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا)؟ قَالَ: فُلَانٌ وَفُلَانٌ، (وَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ) «النَّسْلُ» هُمُ الدَّرِيَّةُ وَ«الْحَرْثُ» الزَّرْعُ. (2)

[292] / 393 - (عَنْ زُرَّازَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَأَلْتُهُمَا عَنْ قَوْلِهِ: (وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ) إِلَىٰ آخِرِ آيِهِ -؟ فَقَالَا: النَّسْلُ: الْوَلَدُ، وَالْحَرْثُ: الْأَرْضُ) (3).

ص: 404

1- عنه بحار الأنوار: 316/99 ح 9، و البرهان في تفسير القرآن: 447/6 ح 25، و نور الثقلين: 203/1 ح 748، و مستدرک الوسائل: 161/10 ح 11755 تهذيب الأحكام : 273/5 ح 8 بإسناده عن حماد بن عثمان عن أبي عبدالله عليه السلام بتفاوت يسير، عنه وسائل الشيعة - 279/14 ح 19196

2- عنه بحار الأنوار : 189/9 ح 22 و البرهان في تفسير القرآن، 448/1 ح 2 و نور الثقلين: 203/1 ح 749 فقه القرآن : 140/2 فيه : قال بن عباس : معنى قوله : (و ح ر ث ل ك م) مزدرع أولادكم، كأنه قيل: محترث لكم. وإنما الحرث، الزرع

3- عنه بحار الأنوار: 189/9 ح 23، 315/75 ح 36 وفيهما: الحرث: النسل، و البرهان في تفسير القرآن: 448/1 ح 3 و نور الثقلين:

204/1 ح 751

منظور شکار است که اگر حیوانی را شکار کرد باید کفاره بدهد و در دو روز اول نمی تواند از آن جا کوچ کند

فرمایش خداوند متعال: و بعضی از مردم کانی هستند که گفتار آنان در زندگی دنیا مایه شگفتی تو می شود (در ظاهر اظهار علاقه و محبت می کنند) و خدا را بر آن چه در دل دارند گواه می گیرند (با این که) آنان سر سخت ترین دشمنان می باشند (204) (نشانه آن، این است) هنگامی که روی بر می گردانند (و از نزد تو می روند) در زمین کوشش در فساد می کنند و زراعت ها و چهار پایان را نابود می گردانند و (البته) خدا فاد را دوست نمی دارد. (205)

(291) - از حسین بن بشار روایت کرده است که گفت:

از امام کاظم علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند: «و برخی مردم هستند که گفتارشان در امور دنیایی برایت شگفت انگیز می باشد». سؤال کردم؟

فرمود: فلان و فلان (شخص) بوده اند (و درباره) «و زراعت و نسل (انسان) را هلاکت و نابود می نماید» فرمود: مقصود از «نسل» اولاد و ذریه می باشند و «حرث» زراعت خواهد بود.

(292) - از زراره روایت کرده است که گفت:

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره فرمایش خداوند: «و زمانی که پشت کند. سعی و تلاش می کند تا زراعت و نسل (انسان) را هلاک و نابود کند» تا آخر، آیه سؤال کردم؟

فرمودند: «نسل فرزندان هستند و «حرث» زمین می باشد.

ص: 405

394/ [293] - (وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَرْثُ: الذَّرِيَّةُ .). (1)

395/ [294] - (عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ السَّيِّعِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ) يَظْلُمُهُ وَسُوءَ سِيرَتِهِ (وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ). (2)

396/ [295] - (عَنْ سَعْدِ الْأَسْكَافِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ (وَهُوَ الَّذِي الْأَخْصَامِ) بَلْ هُمْ يَخْتَصِمُونَ.

قَالَ: قُلْتُ مَا «الَّذِي» قَالَ: شَدِيدُ الْخُصُومَةِ .) (3)

قوله تعالى: (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ) (207)

296/ 1397 - (عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَمَّا قَوْلُهُ: (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ) فَإِنَّهَا أَنْزَلَتْ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ بَدَلَ نَفْسَهُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ لَيْلَةً إِضْطَجَعَ عَلَى فِرَاشِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَمَّا طَلَبَتْهُ كُفَّارًا قُرَيْشٍ .) (4)

ص: 406

1- عنه بحار الأنوار: 189/9 ذيل ح 23 و 315/75 ذيل ح 36، والبرهان في تفسير القرآن. 448/1 ح 4. و نور الثقلين . 204/1 ح 752
2- عنه بحار الأنوار: 189/9 ح 24، 315/75 ح 37 ، والبرهان في تفسير القرآن : 448/1 ح 5 الكافي: 289/8 ح 435، عنه البحار : 57/92 ح 34 .

3- عنه بحار الأنوار. 190/9 ح 25 و البرهان في تفسير القرآن : 448/1 ح 6 و نور الثقلين: 203/1 ح 750

4- عنه بحار الأنوار: 78/19 ح 30، و البرهان في تفسير القرآن : 452/1 ح 6. تفسير فرات الكوفي : : 65 ح 31 و 32 بإسنادهما من أبي مالك عن ابن عباس باختصار

(293) - و امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود از «حرث» فرزندان می باشند.

(294) - از ابو اسحاق شیبی روایت کرده است که گفت:

امیر المؤمنین علی علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و چون روی برگردانند و از نزد شما بیرون روند در فساد و تباهی تلاش می کنند که زراعت ها و چهارپایان را نابود نمایند» فرمود: این تلاش به خاطر ستمگری بد رفتاری و کینه توزی آن هاست و خداوند فساد و فتنه انگیزی را دوست ندارد»

(295) - از سعد اسکاف روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیهما السلام فرمود: به راستی که خداوند در کتاب خود فرموده است: «بلکه آنان مخالف و دشمن کینه نوز هستند».

به حضرت عرض کردم: «الذُّ» به چه معنایی است؟

فرمود: درباره خصومت و دشمنی، سخت (و لجوج) است.

فرمایش خداوند متعال: بعضی از مردم (با ایمان و فداکار هم چون امام علی علیه السلام در لیلة المبیت به هنگام خفتن در جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله) جان خود را به خاطر خشنودی خداوند می فروشند و (البته) خداوند نسبت به بندگان مهربان است. (207)

(296) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: اما فرمایش خداوند: «و بعضی از مردم کسانی هستند که وجود خود را برای کسب رضای خداوند می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان رؤوف و مهربان است» در شأن و منزلت امام علی علیه السلام نازل شد، در آن موقعی که جان خود را در راه خدا و رسولش، فدا کرد و چون کفار قریش حضرت را جستجو کردن و بر علیه رسول خدا صلی الله علیه و آله هجوم آوردند در رختخواب آن حضرت خوابید.

ص: 407

297/398] - (عَنْ إِبْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: شَرَى عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِنَفْسِهِ، لِبَسِّ ثَوْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ نَامَ مَكَانَهُ فَكَانَ الْمُشْرِكُونَ يَرْمُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

قَالَ: فَجَاءَ أَبُو بَكْرٍ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَائِمًا وَابْنُ بَكْرٍ يَحْسُبُ أَنَّهُ نَبِيُّ اللَّهِ، فَقَالَ: أَيْنَ نَبِيُّ اللَّهِ؟

فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ قَدْ انْطَلَقَ نَحْوَ بَيْتِ مَيْمُونٍ فَأَذْرَكَ قَالَ: فَانْطَلَقَ أَبُو بَكْرٍ فَدَخَلَ مَعَهُ الْغَارَ

وَجَعَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُرْمَى بِالْحِجَارَةِ كَمَا كَانَ يُرْمَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَتَضَوَّرُ قَدْ لَفَّ رَأْسَهُ فَقَالُوا: إِنَّكَ! لَكِنَّهُ كَانَ صَاحِبُكَ لَا يَتَضَوَّرُ قَدْ اسْتَكْرَمْنَا ذَلِكَ (1)

قوله تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ) (208)

298/399] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ) قَالَ: أَ تَدْرِي مَا السِّلْمُ؟

قَالَ: قُلْتُ أَنْتَ أَعْلَمُ، قَالَ: وَ لَا يَهُ عَلِيٌّ وَ الْأَيْمَةُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)

ص: 408

1- عنه بحار الأنوار: 78/19 ح 31 و البرهان في تفسير القرآن : 453/1 ح 7. تفسير فرات الكوفي: (سورة الأحزاب) ح 466 بإسناده عن عمرو بن ميمون قال : إني لجالس عند ابن عباس رضي الله عنه إذ جاءه تسعة رهط فقالوا .. بتفصيل ، الطرائف: 36/1 ح 26 رواه عن أحمد بن حنبل في مسنده في حديث طويل يرويه عن عمر بن ميمون، و نحوه لعمدة : 237 ح 366 عنهما البحار : 41/36 ح 4، و 241/38. و كشف الغمّة. 81/1 ، و 292 كشف اليقين : 26 (المبحث الأول ، الإيمان) مسند احمد بن حنبل 331/1، عنه الطرائف : 36/1 ح 26، و البحار، 41/36 ح 4، المناقب للخوارزمي: 73 .

(297) - از ابن عباس روایت کرده است که گفت:

امام علی علیه السلام خود را فدای رسول خدا صلی الله علیه و آله نمود و جامه آن حضرت را پوشید و در جایش خوابید و چون مشرکین در انتظار دستگیری رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و چشم از خانه آن حضرت بر نمی داشتند تا در فرصت مناسبی آن حضرت را دستگیر کنند پس ابوبکر (به گمان آن که حضرت خوابیده) نزدیک آمده ولی متوجه شد که علی علیه السلام در جای آن حضرت خوابیده، پس گفت: پیامبر خدا کجا رفته است؟

علی علیه السلام پاسخ داد به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به سمت محل چاه میمون عزیمت کرده است اگر مایل هستی آن حضرت را دریاب! (ابن عباس) گفته است: ابوبکر به سوی چاه میمون حرکت کرد و به اتفاق آن حضرت وارد غار ثور شد.

سپس علی علیه السلام به عنوان این که او پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد، هدف سنگ های دشمن قرار گرفت ولی علی علیه السلام سر و صورت خود را (به وسیله پارچه ای) پوشانده بود (تا شناخته نشود و در ضمن سنگ ها به سر و صورتش آسیبی نرساند)، پس کافران (به او) گفتند: تو هستی؟! صاحب و رفیق تو خود را نمی پوشانید.

فرمایش خداوند متعال: ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح و آشتی در آید و از گام های (و افکار) شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست (208)

(298) - از ابوبصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره فرمایش خداوند: «ای کسانی که ایمان آورده اید! تمامی شما وارد اسلام شوید و از گام ها (و وسوسه های) شیطان پیروی نکنید»، فرمود: آیا می دانی «السلم» چیست؟ عرضه داشتم: شما آگاه تر می باشید، فرمود: منظور ولایت علی و امامان و جانشینان علیهم السلام بعد از او هستند.

ص: 409

قَالَ: وَخُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَاللَّهِ وَلَا يَهُ فُلَانٍ وَفُلَانٍ. (1)

400/299] - (عَنْ زُرَّازَةَ وَحُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَا:

سَأَلْنَا هُمَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً)، قَالَ: أَمَرُوا بِمَعْرِفَتِنَا (2)

401/300] - (عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ) قَالَ: أَسَلَّمُوا: هُمَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَمَرَ اللَّهُ بِالْدُّخُولِ فِيهِ، (3)

402/301] - (عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْكَلْبِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً) هُوَ وَلَا يَتَنَا. (4)

403/302] - (وَرَوَى جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (5) قَالَ:

(أَسَلَّمُوا) هُوَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَمَرَ اللَّهُ بِالْدُّخُولِ فِيهِ، وَ هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي

ص: 410

1- عنه بحار الأنوار: 159/24 ح 1، و البرهان في تفسير القرآن: 455/1 ح 4، و نور الثقلين: 206/1 ح 767.

2- عنه بحار الأنوار: 159/24 ح 2 و 230/68 باختصار، و البرهان في تفسير القرآن: 456/1 ح 5، و نور الثقلين: 206/1 ح 768. بصائر الدرجات: 525 ح 32 (باب - 20 في التسليم لآل محمد عليهم السلام) ياسناده عن داود بن فرقد، عن زيد عن أبي عبد الله عليه السلام عنه البحار: 204/2 ح 83.

3- عنه بحار الأنوار: 159/24 ح 3، و البرهان في تفسير القرآن: 456/1 ح 6، و نور الثقلين: 206/1 ح 769.

4- عنه بحار الأنوار: 159/24 ح 4، و 230/68 باختصار، و البرهان في تفسير القرآن: 456/1 ح 7، و نور الثقلين: 206/1 ح 770.

5- وفي الطبع الجديد: عن أبي عبد الله عليه السلام، و هو غير صحيح؛ لأن جابر لم يرو عنه عليه السلام

سپس افزود: و (منظور از) «خَطُواتِ الشَّيْطَانِ» به خدا سوگند! ولایت فلانی و فلانی می باشد

(299) - از زراره و حمران و محمد بن مسلم روایت کرده است که گفتند:

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! تمامی شما در اسلام وارد شوید»، سؤال کردیم؟

فرمودند: مؤمنین مأمور شده اند که نسبت به ما (اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام) معرفت پیدا کنند.

(300) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! تمامی شما در اسلام وارد شوید و از گام ها (و وسوسه های) شیطان پیروی نکنید»، فرمود: «السَّلَامُ» (ولایت) آل محمد علیهم السلام می باشد، که خداوند دستور داده تا (مؤمنین) در آن وارد شوند

(301) - از ابوبکر کلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش درباره فرمایش خداوند متعال: «تمامی شما در اسلام وارد شوید» فرمود: منظور از آن ولایت ما (اهل بیت رسالت علیهم السلام) می باشد

(302) - و از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: «السَّلَامُ» آل محمد علیهم السلام هستند، که خداوند دستور داده است تا (مؤمنین) در آن وارد شوند ایشان همان ریسمان خداوند می باشند که مردم مأمور شده اند تا به آنان چنگ زنند و توسل جویند،

أَمْرٍ بِالْإِعْتِصَامِ بِهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) (1). (2) .

[303]/404 - (وَفِي رِوَايَةٍ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ) قَالَ: هِيَ وَلَايَةُ الثَّانِي وَالْأَوَّلِ. (3) .

[304]/405 - (عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا- إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي هَبَّ طَبَّ بِهِ آدَمُ وَ جَمِيعُ مَا فَضَّلْتُ بِهِ النَّبِيِّينَ إِلَى خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ فِي عَشْرَةِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، فَأَيْنَ يَتَاهُ بِكُمْ وَأَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ يَا مَعْشَرَ مَنْ فُسِّخَ مِنْ أَصْلَابِ أَصْحَابِ السَّفِينَةِ!، فَهَذَا مَثَلُ مَا فِيكُمْ فَكَمَا نَجَا فِي هَاتِيكَ مِنْهُمْ مَنْ نَجَا وَكَذَلِكَ يَنْجُو فِي هَذِهِ مِنْكُمْ مَنْ نَجَا وَرَهْنَ ذِمَّتِي، وَوَيْلٌ لِمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُمْ إِنَّهُمْ فِيكُمْ كَأَصْحَابِ الْكَهْفِ، وَ مِثْلُهُمْ بَابُ حِطَّةٍ، وَ هُمْ بَابُ السَّلْمِ فَأَدْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَأَفَّةٍ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ (4)

[305]/406 - (عَنْ جَابِرٍ قَالَ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (فِي ظُلُلٍ مِنَ الْعِغَامِ وَالْمَلَأَكُ وَفُضِي الْأَمْرُ) قَالَ: يُنَزَّلُ فِي

سَبْعِ

ص: 412

1- سورة آل عمران : 102/3

2- عنه بحار الأنوار: 85/24 ح 9 ، 233/65 ، و البرهان في تفسير القرآن : 456/1 ح 8. و يأتي الحديث في السورة «آل عمران»،
الحديث 123

3- عنه البرهان في تفسير القرآن : 456/1 ح 9.

4- عنه البرهان في تفسير القرآن : 456/1 ح 10، و نور الثقلين: 206/1 ح 771 تفسير القمّي : 367/1 بإسناده عن ابن أبي عمير، عن ابن أذينة، عن أبي عبد الله عليه السلام باختصار، عنه البحار : 80/92 ح 7، الغيبة للنعماني : 44 الإرشاد للمفيد: 231/1 (فصل من كلامه عليه السلام في أهل البدع) عنه البحار : 99/2 ح 59 ، الاحتجاج : 262/1 (احتجاجه عليه السلام على من قال بالرأي) عنه البحار: 285/2

هم چنان که فرموده: «همگی به ریسمان الهی چنگ بزیند و پراکنده نگردید»

(303) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و از گام ها (و وسوسه های) شیطان پیروی نکنید» فرمود: منظور ولایت دومی و اولی می باشد

304- از مسعدة بن صدقه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش از امیر المؤمنین علیهم السلام فرمود: توجه نمایند علومی که حضرت آدم علیه السلام به همراه آن ها فرود آمد و دیگر پیامبران تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله همه به وسیله آن ها بر دیگران برتری یافتند، تمامی آن علوم، نزد عترت (علیهم السلام) موجود است پس شما را به کجا می برند؟ و پیش چه کسی می روید؟ ای جدا شدگان از ذریه اصحاب کشتی (نجات اهل بیت رسالت علیهم السلام) این عترت مثلی برای شما و در بین شماست، پس عترت هم چون کشتی نوح نجات بخش است؛ هر که بر ایشان وارد شود نیز نجات یابد و من به آن چه می گویم بر تعهد این گفتار هستم، وای بر کسی که روی از ایشان برتابد ایشان در بین شما همانند اصحاب کهف می باشند ایشان باب حظه بنی اسرائیل هستند ایشان باب تسلیم به درگاه خدایند پس همگی سر تسلیم فرود آورید و از (برنامه ها و) گام های شیطان پیروی نکنید.

(305) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: (آیا کافران مهلت داده می شوند هنگامی که امر) «خداوند در سایه هایی از فرشتگان وارد شود و امر الهی اجرا گردد»، فرمود: او در هفت نور گنبدی نما فرود می آید - و معلوم نیست

ص: 413

قَبَابٍ مِنْ نُورٍ لَا يُعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ حِينَ يَنْزِلُ فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ ، فَهَذَا حِينَ يَنْزِلُ. (1)

[306]/407 - (عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ: يَا أَبَا حَمْزَةَ كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ عَلَا نَجْفِكُمْ ، فَإِذَا عَلَا فَوْقَ نَجْفِكُمْ نَشَرَ رَايَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَإِذَا نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ. (2)

[307]/408 - (و) [عن أبي حمزة] ، وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّهُ نَازِلٌ فِي قَبَابٍ مِنْ نُورٍ حِينَ يَنْزِلُ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ عَلَى الْفَارُوقِ فَهَذَا حِينَ يَنْزِلُ وَ أَمَّا (قُضِيَ الْأَمْرُ) فَهُوَ الْوَسْمُ عَلَى الْخُرْطُومِ يَوْمَ يُوَسَّمُ الْكَافِرُ. (3)

قوله تعالى : (سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) (211)

[308] / 409 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ (سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ) (قَالَ:) فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ جَحَدَ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَقْرَّ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَنْكَرَ وَ مِنْهُمْ مَنْ يُبَدِّلُ نِعْمَةَ اللَّهِ) (4)

ص: 414

1- عنه البرهان في تفسير القرآن : 460/1 ح 4 ، و نور الثقلين : 206/1 ح 772 .

2- عنه البرهان في تفسير القرآن : 460/1 ح 5 . الأماي للمفيد : 45 ح (المجلس السادس) بإسناده عن أبي خالد الكابلي قال : قال لي علي بن الحسين عليهما السلام بتفاوت يسير ، عنه البحار : 135/51 ح 3 ، و نحوه الغيبة للنعماني : 308 ح 3 بإسناده عن أبي حمزة الشمالي قال : قال لي أبو جعفر عليه السلام ، عنه البحار : 361/52 ح 130 .

3- عنه البرهان في تفسير القرآن : 460/1 ذيل ح 5 و نور الثقلين : 206/1 ح 773 ، و 395/5 ح 46

4- عنه بحار الأنوار : 190/9 ح 26 بحذف القطعة الأخيرة ، و البرهان : 460/1 ح 2 . الكافي : 290/8 ح 440 ، عنه البحار : 58/92 ح

که (امر و قدرت خدا) در بین کدام خواهد بود - و در حوالی کوفه فرود خواهد آمد پس این همان واقعه ای است که انجام خواهد شد.

(306) - از ابو حمزه روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: ای ابا حمزه مثل این که قائم اهل بیت خود را می بینم که بر بلندای نجف، ظهور کرده و بر بلندای آن بیرق و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله در اهتزاز می باشد و فرشته های جنگ بدر همه بر او فرود آیند.

(307) - و [از ابو حمزه] روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: امر (رحمت و قدر خداوند) در هفت نور گنبدی نما در حوالی کوفه بر فاروق (قطعه ای از ابر) فرود می آید و این همان واقعه ای است که انجام خواهد شد؛ و اما «امر (خداوند) اجرا گردد» علامت و نشانه ای است که - بر بینی افراد هنگام داغ نهادن - بر کافر خواهد بود.

فرمایش خداوند متعال: از بنی اسرائیل سؤال کن: چه اندازه نشانه های روشن به آن ها داده ایم؟ (ولی آنان نعمت های مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان نهاده بود در راه غلط استفاده کردند) و کسی که نعمت خدا را پس از آن که به سراغش آمد تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) به درستی عقاب و عذاب خداوند سخت شدید است. (211)

(308) - از ابو بصیر روایت کرده، است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «از بنی اسرائیل سؤال کن، چه مقدار آیات و بینات عطایشان کردیم» پس برخی ایمان آوردند برخی انکار کردند، برخی اقرار نمودند، برخی رد کردند و برخی دیگر نعمت های خدا را تبدیل و تحریف می کنند.

ص: 415

قوله تعالى: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفُوا فِيهِ وَمَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اختلفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (213)

410/309] - (عَنْ زُرَّارَةَ وَحُمَرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ [سَأَلُوا] عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ)؟

قَالَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: كَانُوا ضَلَالًا فَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِمْ أَنْبِيَاءَ وَلَوْ سَأَلْتَ النَّاسَ لَقَالُوا: قَدْ فَرَّغَ مِنَ الْأَمْرِ (1)

411/310] - (عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً)؟

قَالَ: كَانَ هَذَا قَبْلَ نُوحٍ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَدَأَ لِلَّهِ فَأَرْسَلَ الرَّسُلَ قَبْلَ نُوحٍ،

قُلْتُ: أَعَلَى هُدًى كَانُوا أَمْ عَلَى ضَلَالَةٍ؟

قَالَ: بَلْ كَانُوا ضَلَالًا، كَانُوا لَا مُؤْمِنِينَ وَلَا كَافِرِينَ وَلَا مُشْرِكِينَ. (2)

ص: 416

-
- 1- عنه البرهان في تفسير القرآن: 461/1 ح 2. الأماشي للطوسي: 661 ح 1374 (مجلس يوم الجمعة الثالث والعشر) بإسناده عن هشام، عن أبي عبد الله عليه السلام باختصار عنه البحار: 113/4 ح 35، 48/5 ح 78
- 2- عنه البرهان في تفسير القرآن 461/8 ح 3، ونور الثقلين: 208/1 ح 782

فرمایش خداوند متعال مردم (در آغاز) یک دسته بودند. پس خداوند پیامبران را مبعوث نمود تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی را برای دعوت به سوی حق بر آنان نازل نمود تا در میان مردم در آن چه اختلاف داشتند دآوری کنند ولی کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و نشانه های روشن به آن ها رسیده بود به خاطر انحراف از حق و ستمگری در آن اختلاف کردند و خداوند آن هایی را که ایمان آورده بودند به حقیقت آن چه مورد اختلاف بود به فرمان خودش رهبری نمود و خداوند هر کسی را بخواهد به راه راست هدایت می نماید.

(213)

(309) - از زراره و حمران و محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره فرمایش خداوند: «تمامی مردم یک امت بودند. پس خداوند پیامبران را (برای هدایت ایشان) فرستاده» فرمودند: مردم گمراه بودند پس خداوند رسولانی را از بین آنان برگزید ولی گر از مردم (اهل سنت) سؤال کنی گویند: خداوند (از ابتدا) در امر (بعثت رسولان) فارغ پشته بود

(310) - از یعقوب بن شعیب روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «تمامی مردم یک امت بودند» سؤال کردم؟

فرمود: مردم (یاد شده در) این آیه، مربوط به قبل از زمان نوح علیه السلام بوده که همگی یک امت را تشکیل می دادند خداوند قبل از نوح رسولانی را برای ایشان برگزید عرض کردم: مردم آن زمان هدایت یافته بودند یا گمراه؟

فرمود: بلکه گمراه بودند نه مؤمن و نه کافر و نه مشترک (یعنی، سرگردان و بودند).

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً)؟

قَالَ: بَعْدَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَبْلَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضِدًّا لِأَنَّ فَبَدَأَ لِلَّهِ فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ، أَمَا إِنَّكَ إِن لَقِيتَ هَؤُلَاءِ قَالُوا: إِنَّ ذَلِكَ لَم يَزَلْ وَكَذَّبُوا إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ بَدَأَ اللَّهُ فِيهِ .(1)

413/312] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ) فَقَالَ: كَانَ هَذَا قَبْلَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانُوا ضَالًّا فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ .(2)

414/313] - (عَنْ مَسْعَدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ) فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

كَانَ ذَلِكَ قَبْلَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَبَدَأَ اللَّهُ هُدًى كَانُوا؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَلْ كَانُوا ضِدًّا لِأَنَّ ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمَّا انْفَرَضَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَلَحَ ذُرِّيَّتُهُ بَعَثَ شَيْثًا وَصَيْبُهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِظْهَارِ دِينِ اللَّهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ آدَمُ وَصَالِحُ ذُرِّيَّتِهِ ، وَ ذَلِكَ أَنَّ قَابِيلَ تَوَاعَدَهُ بِالْقَتْلِ كَمَا قَتَلَ أَخَاهُ هَابِيلَ ، فَسَارَ فِيهِمْ بِالتَّقْيِيهِ وَ الْكَيْفِيَّةِ ، فَارْتَدَاؤُهُمْ كُلَّ يَوْمٍ ضِدًّا لِأَنَّ حَتَّى لَمَّا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مَعَهُمْ إِلَّا مَنْ هُوَ سَلَفٌ وَ لِحَقِّ الْوَصِيِّ بِجَزِيرِهِ فِي الْبَحْرِ يَعْبُدُ اللَّهَ ، فَبَدَأَ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْ يَبْعَثَ الرَّسُلَ وَ لَوْ سَدَّ حُلَّ هَؤُلَاءِ الْجَهَالُ لَقَالُوا قَدْ فَرَعْنَا مِنَ الْأَمْرِ وَ كَذَّبُوا إِنَّمَا [هِيَ] شَيْءٌ يَحْكُمُ بِهِ اللَّهُ فِي كُلِّ عَامٍ .

ص: 418

1- عنه البرهان في تفسير القرآن : 461/1 ح 4. إن كان في هذا الحديث وبعده إشكال، يأتي جوابه في الحديث الثالث .

2- عنه البرهان في تفسير القرآن : 461/1 ح 5 . تفسير القمي : 70/1 (كيفية الحج) مرسلًا و باختصار، عنه البحار : 24/11 ح 1 .

(311) - از یعقوب بن شعیب روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره این آیه: «تمامی مردم یک اُمّت بودند» سؤال کردم؟

فرمود: مردم بعد از آدم علیه السلام و قبل از زمان نوح علیه السلام گمراه بودند، پس خداوند پیامبرانی را به عنوان بشارت دهنده (به بهشت) و انداز کننده (از دوزخ)، برگزید ولی چنان چه از این جماعت (اهل سنت) جو یا شوی گویند: خداوند همیشه رسولانی را برایشان برگزیده است؛ آنان دروغ می گویند، بلکه خداوند این برنامه را (از زمان نوح علیه السلام) انجام داد.

(312) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «تمامی مردم یک اُمّت بودند، پس خداوند پیامبران را به عنوان بشارت دهنده و انداز کننده (ایشان) فرستاد» فرمود مردم قبل از زمان نوح علیه السلام گمراه بودند پس خداوند پیامبرانی را به عنوان بشارت دهنده (به بهشت) و انداز کننده (از دوزخ) برگزید.

(313) - و از مسعدة روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «تمامی مردم یک اُمّت بودند که خداوند پیامبران را (برای هدایت آنان) فرستاد تا بشارت دهنده و انداز کننده باشند، فرمود: آن مربوط به زمان قبل از حضرت نوح علیه السلام بوده است.

سؤال کردند: آیا (مردم آن زمان) هدایت یافته بودند؟

فرمود: گمراه بودند؛ زیرا هنگامی که حضرت آدم وفات یافت ذریّه اش صالح بودند و فرزندش شیث جانشین او گردید ولی نمی توانست دین و آئینی را که آدم و ذریّه اش داشتند آشکار و تبلیغ کند؛ و این به خاطر آن بود که برادرش قابیل او را تهدید به قتل کرده همان طوری که هابیل را کشته بود

بنابراین شیث با تقیه و حالت سرّی انجام وظیفه می کرد و بر همین اساس روز به روز بر گمراهی آنان افزوده می گشت تا آن جا که روی زمین غیر از آن ها

ص: 419

ثُمَّ قَرَأَ (فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ) (1) فَيَحْكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا يَكُونُ فِي تِلْكَ الْأَسْنَةِ مِنْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ أَوْ مَطَرٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ

قُلْتُ: أَفْضَلًا كَانَ قَبْلَ النَّبِيِّ أَمْ عَلَيَّ هُدًى؟

قَالَ: لَمْ يَكُونُوا عَلَيَّ هُدًى كَانُوا عَلَيَّ فِطْرَهُ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَهُمْ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ، وَلَمْ يَكُونُوا لِيَهْتَدُوا حَتَّى يَهْدِيَهُمُ اللَّهُ أَمَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ إِبْرَاهِيمَ: (لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ) (2) أَيْ نَاسِيًا لِلْمِيثَاقِ . (3)

قوله تعالى: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتَمُ الْبُاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ) (214)

415/314- (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْمُعَاوِيَةُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ ، قَالَ:

لَمَّا قُتِلَ الْوَلِيدُ ، خَرَجَ مِنْ هَذِهِ الْعِصَابَةِ نَفَرٌ بِحَيْثُ أَحَدَثَ الْقَوْمُ ، قَالَ: فَدَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقَالَ: مَا الَّذِي أَخْرَجَكُمْ عَنْ غَيْرِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ؟

قَالَ: فَقَالَ الْقَائِلُ مِنْهُمْ: الَّذِي شَتَّ اللَّهُ مِنْ كَلِمَةِ أَهْلِ الشَّامِ ، وَقَتْلِ خَلِيفَتِهِمْ ، وَإِخْتِلَافِهِمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ .

ال: « مَا تَجِدُونَ أُعِينُكُمْ إِلَيْهِمْ؟ - فَأَقْبَلَ يَذْكُرُ حَالَهُمْ - أَلَيْسَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ

ص: 420

1- سورة الدخان : 4/44

2- سورة الأنعام: 77/6

3- عنه البرهان في تفسير القرآن: 461/1 ح 6، ونور الثقلين : 2081 ح 783، 783 و 185/4 ح 69

کسی باقی نماند و جانشین آدم (شیث) به جزیره ای در میان دریا پناهنده شد و در آن جا خدا را پرستش می کرد پس خداوند متعال اراده نمود که رسولانی را برانگیزد ولی چنان چه از نادانان سؤال کنید. گویند: خداوند از هدایت مردم فارغ گشته و مردم مشکل دینی نداشتند. اما آن ها دروغ می گویند همانا خداوند در هر سال (شب قدر) حکم می نماید حضرت این آیه را قرائت نمود: «در آن (شب قدر) هر امری را بر مبنای حکمت، مقدر و ثبت می نماید».

پس خداوند متعال آن چه در آن سال از مشکلات و سختی ها رفاهیات و سادگی ها نزول باران و رحمت و ... را حکم (بر وقوع آن ها) می نماید.

گفتم: آیا مردم قبل از آمدن پیامبران گمراه و یا هدایت شده بودند؟

فرمود: هدایت یافته بودند ولی آشنای به معارف و مسائل نبودند بلکه بر همان فطرت خدایی می زیستند و هیچ گونه تغییری ایجاد نکرده بودند، لذا تا موقعی که خداوند پیامبرانی را برایشان نفرستاده بود (به امور لازم) آشنا نبودند و با آمدن پیامبران خداوند هدایتشان نمود، آیا فرمایش حضرت ابراهیم را نشنیده ای: «چنان چه پروردگرم مرا هدایت نکند از گمراهان خواهم بود» که منظور فراموشی زمان عهد و میثاق (خداوند با ذرات آفرینش) می باشد

فرمایش خداوند متعال: آیا گمان کردید وارد بهشت می شوید بدون آن که حوادثی هم چون حوادث گذشتگان به شما برسد؟ گرفتاری ها و ناراحتی هایی به آن ها رسید و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: یاری خداکی خواهد آمد؟! (پس از خدا تقاضای یاری کردند و به آن ها گفته شد: آگاه باشید یاری خدا نزدیک است. (214)

314) - از محمد بن سنان به نقل از معافی بن اسماعیل روایت کرده است که گفت: هنگامی که ولید کشته شد. بعضی افراد حرکت کرده و به محضر امام صادق علیه السلام

يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ إِلَى سُوقِهِ فَيَقْضِي حَوَائِجَهُ، ثُمَّ يَرْجِعُ وَلَمْ تَخْتَلِفْ، إِنْ كَانَ لِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أْتَى هُوَ عَلَى مِثْلِ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ، لِيَأْخُذَ الرَّجُلَ مِنْهُمْ فَيَقْطَعَ يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ، وَيَسْشُرَّهُ بِالْمَنَاشِيرِ، وَيُصَلِّبَ عَلَى جِدْعِ النَّخْلَةِ، وَلَا يَدْعُ مَا كَانَ عَلَيْهِ؟

ثُمَّ تَرَكَ هَذَا الْكَلَامَ، ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى آيَةِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ: (أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبُاسَاءِ وَالصَّارِعَاءِ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ). (1)

قوله تعالى: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ) (219)

416/315]- (حَمْدَوِيَّةٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كَتَبَ إِلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْسَةَ - يَعْنِي إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - : إِنْ رَأَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَنْ يُخْبِرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى حَمْدَوِيَّةٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: كَتَبَ إِلَيْهِ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْسَةَ يَعْنِي إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ رَأَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَنْ يُخْبِرَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ) الْآيَةَ فَمَا الْمَيْسِرُ؟ جَعَلْتُ فِدَاكَ!

ص: 422

1- عنه البرهان في تفسير القرآن، 1/462 ح 1 الغيبة للطوسي : 458 (ذكر طرف من العلامات الكائنة)، بإسناده عن خالد العاقولي - في حديث له - عن أبي أيوب عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير عنه البحار : 130/52 ح 28 .

حضور یافتند حضرت به ایشان فرمود: چه برنامه ای شما و از رفتن به حج باز داشته است؟ یکی از ایشان گفت: همان چیزی که وحدت کلمه شامیان را بر هم زده و خلیفه شان را کشته و در بین یک دیگر اختلاف و درگیری به وجود آورده است.

حضرت فرمود: چه چیزی دیدگاه شما را نسبت به آن ها جلب کرده؟ آیا فردی از شما از منزل خود به بازار نمی رود و چون کار های خود را انجام داد بدون اختلاف و درگیری به منزل باز نمی گردد. اگر وضعیت پیش از شما بر شما حاکم می بود که افراد را می گرفتند و دست و پایشان را قطع می کردند. بدنش را با اژه می بریدند بر شاخه های درخت آویزان می کردند و چیزی برایش باقی نمی گذاشتند، (آیا خوب بود؟!)

بعد از آن حضرت این نوع مطالب را قطع نمود و به وسیله آیه ای از آیات کتاب خداوند توجه آنان را جلب نمود: «آیا گمان می کنید که وارد بهشت می شوید بدون آن که مشکلات پیشینیان را داشته باشید؟! تا جایی که مؤمنین به همراه پیامبرشان بگویند: نصرت و یاری خداوند چه وقت فرا می رسد؟ توجه کنید که نصرت خداوند نزدیک خواهد بود.»

فرمایش خداوند متعال: (ای پیامبر!) در مورد شراب و قمار از تو سوال می کنند، بگو: آن ها گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بر دارد (ولی) گناه آن ها از نفعشان بیشتر است و (نیز) از تو سوال می کنند: چه چیزی را اتفاق کنند؟ بگو از ما زاد نیامندی های خود خداوند آیات را اینچنین برای شما روشن می نماید شاید که اندیشه کنید. (219)

315) - از حمادویه به نقل از محمد بن عیسی روایت کرده است که گفت: ابراهیم بن عیینه برای امام هادی علیه السلام نامه ای به این مضمون نوشت: چنان چه سرور و مولایم صلاح بدند مرا از تغییر فرمایش خداوند: «(ای پیامبر!) در رابطه با

فَكَتَبَ كُلَّ مَا قَوْمٍ بِهِ فَهُوَ الْمَيْسِرُ وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ. (1)

417 / [316] - (الْحَسَنُ بْنُ عَمْرِو بْنِ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْجَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

الْتَرْدُ وَالشُّطْرُنْجُ مِنَ الْمَيْسِرِ. (2)

418 / [317] - (عَنْ عَامِرِ بْنِ السَّمُطِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

الْخَمْرُ مِنْ سِتَّةِ أَشْيَاءَ: التَّمْرِ وَالزَّيْبِ، وَالْحِنْطِ، وَالشَّعِيرِ، وَالْعَسَلِ، وَالذَّرْوِ. (3)

419 / [318] - (عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ: (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ)؟

قَالَ: الْعَفْوَ: الْوَسْطُ. (4)

ص: 424

1- عنه وسائل الشيعة: 325/17 ح 22675، والبرهان في تفسير القرآن: 468/1 ح 5، ونور الثقلين: 209/1 ح 789 و مستدرك الوسائل: 119/13 ح 14945 بتفاوت.

2- عنه وسائل الشيعة: 326/17 ح 22676، والبرهان في تفسير القرآن: 468/1 ح 6، و مستدرك الوسائل: 224/13 ح 15197 مسائل علي بن جعفر عليه السلام: 294 ح 750

3- عنه وسائل الشيعة: 281/25 ح 31912، والبرهان في تفسير القرآن: 468/1 ح 7، ونور الثقلين: 210/1 ح 790 الكافي: 392/6 ح 1 بإسناده عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، وح 2 عن الحسن الحضرمي عمّن أخبره، عن علي بن الحسين عليهما السلام، ونحو الأول تهذيب الأحكام: 101/9 ح 177 - فيهما: الخمر من خمسة أشياء... - عنهما وسائل الشيعة: 279/25 ح 31907، و 31908 و 280 ح 31909، دعائم الإسلام: 133/2 ح 469 عن علي بن الحسين عليهما السلام - كذا فيه: الخمر من خمسة -، عنه البحار: 495/66، و مستدرك الوسائل: 37/17 ح 20672.

4- عنه وسائل الشيعة: 553/21 ح 27854، والبرهان في تفسير القرآن: 468/1 ح 9: الكافي: 52/4 ح 3 بإسناده عن ابن أبي عمير، عن بعض أصحابه، عن أبي عبد الله عليه السلام، عنه وسائل الشيعة: 551/21 ح 27843، فقه الرضاء عليه السلام: 254 (باب - 37 النفقة و المآكل و المشارب)، عنه البحار: 72/104 ح 13، و مستدرك الوسائل: 37/13 ح 14676 فقه القرآن: 240/1.

خمر و میسر از تو سؤال می کنند» آگاه نماید که منظور از «المیسر» چیست؟

حضرت در جواب نوشت: هر چیزی است که به وسیله آن قمار بازی و برد و باخت شود؛ و (ضمناً) هر مست کننده ای حرام است.

(316) - از حسین از موسی بن قاسم بجلی از محمد بن علی بن جعفر، به نقل از پدرش، از برادرش امام کاظم علیه السلام از پدرش امام صادق علیه السلام، روایت نموده است که فرمود:

نرد (تخته ای است که به وسیله آن بازی می نمایند) و شطرنج (وسایل مجسمه ای شکلی است که به وسیله آن ها بازی می کنند و) نوعی از قمار است

(317) - از عامر بن سمط روایت کرده است که گفت:

امام سجّاد علیه السلام فرمود: خمر (شراب مست کننده) از شش چیز (گرفته و تهیه می شود) خرما، مویز، گندم، جو، عسل و ذرت.

(318) - از جمیل بن درّاج روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «(ای پیامبر!) از تو سؤال می کنند که چه چیز انفاق نمایند؟ بگو: عفو نماید»، سؤال کردم؟

فرمود: «العفو» در این جا به معنای میانه روی و اعتدال می باشد

420/319] - (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى : (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ) ؟

قَالَ : (الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) (1) قَالَ : نَزَلَتْ هَذِهِ بَعْدَ هَذِهِ ، هِيَ الْوَسْطُ) (2)

421 / 320] - (عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ (يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ) قَالَ :
الْكَفَافُ) (3)

422 / 321] - (وَفِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ : الْقَصْدُ) (4)

قوله تعالى : (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنْ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (220)

423 / 322] - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ) ؟

قَالَ : تُخْرِجُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ مَا يَكْفِيهِمْ وَتُخْرِجُ مِنْ مَالِكَ قَدْرَ مَا يَكْفِيكَ ،

ص : 426

1- سورة الفرقان : 67/25

2- عنه وسائل الشيعة : 554/21 ح 27855 ، والبرهان في تفسير القرآن : 468/1 ح 10 ، و 472/5 ح 6 ، ونور الثقلين : 28/4 ح 99

3- عنه وسائل الشيعة : 554/21 ح 27856 ، والبرهان في تفسير القرآن : 468/1 ح 11 .

4- عنه البرهان في تفسير القرآن : 468/1 ذيل ح 11

319) - از عبد الرحمان روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «از تو سؤال می کنند که چه چیز انفاق نمایند؟ بگو: عفو نماید»، سؤال نمودم؟ فرمود: (منظور آن در آیه ای دیگر آمده است که می فرماید:) «آن کسانی که چون انفاق و بخشش کنند نه اسراف می کنند و نه بخل می ورزند، بلکه با میانه روی بین آن دو حالت را انجام می دهند» که در آیه بعد از آن نازل شده و در مورد صرفه جویی و میانه روی است

320) - از یوسف روایت کرده است که گفت:

امام صادق و یا امام باقر علیهما السلام درباره فرمایش خداوند: «از تو سؤال می کنند که چه چیز انفاق نمایند؟ بگو: عفو نماید» فرمود: منظور از آن کفاف و صرفه جویی است

321) - و در روایت ابو بصیر آمده است: منظور اقتصاد و قناعت می باشد.

فرمایش خداوند متعال: درباره دنیا و آخرت (بیندیشید) و (ای پیامبر!) از تو در مورد یتیمان سؤال می کنند بگو: اصلاح کار آنان بهتر است و اگر زندگی خود را با زندگی آنان بیامیزید (مانعی ندارد) آنان برادران (و خواهران دینی) شما هستند خداوند فساد کنندگان را از اصلاح گران می شناسد و اگر خدا بخواهد شما را به زحمت می اندازد (که آنان را از خودتان جدا سازید، ولی خداوند چنین نمی کند) زیرا او توانمند و حکیم است (220)

322) - از زراره روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و اگر با آنان (یتیمان) مخلوط شوید، پس آن ها نیز برادران شما هستند»، سؤال کردم؟

فرمود: به مقدار کفایت از اموال یتیمان بر می دارد و مصرفشان می نماید

ص: 427

قَالَ: قُلْتُ: أَرَأَيْتَ أَيَّتَامُ صِبَاغًا وَكِبَارًا وَبَعْضُهُمْ أَعْلَى فِي الْكِسْوَةِ مِنْ بَعْضٍ؟

فَقَالَ: أَمَّا الْكِسْوَةُ فَعَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ كِسْوَتِهِ، وَ أَمَّا الطَّعَامُ فَاجْعَلْهُ جَمِيعًا فَأَمَّا الصَّغِيرُ فَإِنَّهُ أَوْشَكَ أَنْ يَأْكُلَ كَمَا يَأْكُلُ الْكَبِيرُ . (1)

[323]/424 - (عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: وَإِنْ تَخَالَطْتُمْهُمْ؟

قَالَ يَعْنِي الْيَتَامَى يَقُولُ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَلِي يَتَامَى وَهُوَ فِي حَجْرِهِ فَلْيُخْرِجْ مِنْ مَالِهِ عَلَى قَدْرِ مَا يُخْرِجُ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ فَيَخَالَطُهُمْ فَيَأْكُلُونَ جَمِيعًا وَلَا يَرْزَأَنَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ شَيْئًا فَإِنَّهَا هُوَ نَارٌ) (2)

[324]/425 - (عَنْ الْكَاهِلِيِّ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ صَدْرِيُّ الْبَصْرِ فَقَالَ: إِنَّا نَدْخُلُ عَلَى أَخٍ لَنَا فِي بَيْتِ أَيَّتَامٍ مَعَهُمْ خَادِمٌ لَهُمْ، فَتَقَعْدُ عَلَى بَسَاطِهِمْ وَتَشْرَبُ مِنْ مَائِهِمْ، وَ يَخْدُمُنَا خَادِمُهُمْ، وَرُبَّمَا أَطْعَمَنَا فِيهِ الطَّعَامَ مِنْ عِنْدِ صَاحِبِنَا وَفِيهِ مِنْ طَعَامِهِمْ فَمَا تَرَى أَصْلَحَكَ اللَّهُ؟

ص: 428

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 10/75 ح 35 ، و البرهان في تفسير القرآن : 470/1 ح 7. الكافي : 130/5 ح 5 بإسناده عن أبي الصَّبَّاحِ الكِنَانِيِّ، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، عنه وسائل الشيعة : 254/17 ح 22459 ، فقه القرآن: 35/2 (باب التصرف في أموال اليتامى).
- 2- عنه بحار الأنوار: 10/75 ح 36 ، و البرهان في تفسير القرآن : 471/1 ح 8. الكافي: 129/5 ح 1 ، و ح 2 بإسنادهما عن سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير فيهما، و نحوهما تهذيب الأحكام : 340/6 ح 69 ، و ح 70 ، عنهم وسائل الشيعة : 251/17 ح 22451 و 254 ح 22460 ، فقه القرآن : 35/2 (باب التصرف في أموال اليتامى). و يأتي أيضاً في الحديث 30 من سورة «النساء».

هم چنین از اموال خودت به مقدار کفایت برداشت و مصرف می کنی.

گفتم: اگر بعضی یتیمان صغیر و بعضی کبیر بودند و بعضی از جهت زندگی نسبت به بعضی دیگر بیشتر در رفاه باشند و نیز بعضی اهل خورد و خوراک و بعضی دیگر اهل قناعت و صرفه جویی بودند با این که اموالشان یک جا درهم است نظر شما در این مورد چیست؟

فرمود: اما نسبت به لباس هر کدام به اندازه سهمشان پول داده می شود، ولی نسبت به خوراک همه افراد یک جا بر سر یک سفره از غذا استفاده می کنند که چه بسا افراد کوچک تر همانند بزرگ ترها استفاده خواهند نمود.

(323) - از سماعه روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام و یا امام کاظم علیه السلام پیرامون فرمایش خدای عزّ و جلّ: «و اگر با آنان (یتیمان) مخلوط شوید، پس آن ها نیز برادران شما هستند»، سؤال کردم؟

فرمود: مربوط به یتیمان است چنان چه مردی سرپرستی یتیمان را بر عهده دارد باید به مقدار نیاز از اموال خود برداشت نماید و با مقدار لازم برای مصرف یتیمان مخلوط کند و با هم بخورند و مواظب باشد که از اموال یتیمان چیزی بر ندارد که عقاب و جزای آن آتش می باشد.

(324) - از کاهلی روایت کرده است که گفت:

نزد امام صادق علیه السلام بودم که مرد نابینایی از آن حضرت سؤال کرد: بر یکی از دوستانمان وارد می شویم که در خانه یتیمان زندگی می کند و آنان پیش خدمتی مشترک دارند ما بر فرش های ایشان می نشینیم و از آب هایشان می نوشیم و پیش خدمتشان برای ما خدمت می کند چه بسا هم از خوراکشان که مخلوط طعام دوستان است تناول می کنیم نظر شما در این موارد چیست؟

-خداوند امورتان را اصلاح فرماید-..

ص: 429

فَقَالَ: قَدْ قَالَ اللَّهُ (بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ) (1) فَاتُّمُّمْ لَا يَخْفَى عَلَيْكُمْ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ) - إِلَى قَوْلِهِ:-
(لَأَعْتَنَّكُمْ) ثُمَّ قَالَ: إِنْ يَكُنْ دُخُولُكُمْ عَلَيْهِمْ فِيهِ مَنَفَعَةٌ لَهُمْ فَلَا بَأْسَ، وَإِنْ كَانَ فِيهِ ضَرَرٌ فَلَا . (2)

[325]/426 - (عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ أَخِي هَلَكَ وَ تَرَكَ أَيْتَامًا وَ لَهُمْ مَاشِيَةٌ فَمَا يَحِلُّ لِي مِنْهَا؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنْ كُنْتَ تَلِيْطُ حَوْضَهَا وَ تَرُدُّ نَادِيَّتَهَا وَ تَقُومُ عَلَى رَعِيَّتِهَا فَاشْرَبْ مِنَ الْبَانِيهَا غَيْرَ مُجْتَهِدٍ وَ لَا ضَارًّا بِالْوَلَدِ)
وَ اللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ (3)

[326]/427 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ بِيَدِهِ الْمَاشِيَةُ لِابْنِ أَخٍ لَهُ يَتِيمٍ فِي حَجْرِهِ أَيْ خَلِطَ أَمْرَهَا بِأَمْرِ مَاشِيَتِهِ؟

قَالَ: فَإِنْ كَانَ يَلِيْطُ حَوْضَهَا وَ يَقُومُ عَلَى هَنَاتِهَا وَ يَرُدُّ نَادِيَّتَهَا فَلْيَشْرَبْ عَنِ الْبَانِيهَا غَيْرَ مُجْتَهِدٍ لِلْحِلَابِ وَ لَا مُضِرًّا بِالْوَلَدِ،)

ص: 430

1- سورة القيامة : 14/75

2- عنه بحار الأنوار : 10/75 ح 37 ، و البرهان في تفسير القرآن : 471/1 ح 9، و مستدرک الوسائل : 193/13 ح 15076 . الكافي :
129/5 ح 4 بإسناده عن عبد الله بن يحيى الكاهلي قال: قيل لأبي عبد الله عليه السلام ، و نحوه تهذيب الأحكام : 68339/6 ، عنهما
وسائل الشيعة : 248/17 ح 22446 ، و البحار : 272/79 ح 18

3- عنه بحار الأنوار: 11/75 ح 38 ، و البرهان في تفسير القرآن : 471/1 ح 10، و مستدرک الوسائل : 194/13 ح 15077 .

فرمود: خداوند فرموده است: «انسان بر نفس (و حرکات) خود (آشنا) و بی‌نا» است، بنابراین چیزی بر شما مخفی و پنهان نخواهد بود با توجه بر این که خدای عزّ و جلّ می فرماید: «اگر با یتیمان (در زندگی) مخلوط شدید، آنان برادران شما هستند، البته خداوند فسادگر را از اصلاح گر می شناسد که اگر خدا بخواهد شما را از رحمت خود دور می گرداند»

سپس افزود: اگر ورود شما بر ایشان سودمند است مانعی ندارد، ولی چنان چه ضرر بر ایشان وارد می کند جایز نیست (و تشخیص آن بر خود انسان می باشد).

(325) - از ابو حمزه روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: مردی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و اظهار داشت: ای رسول خدا! برادرم مرده است و یتیمانی را باقی گذاشته که دارای چهار پایانی هستند از آن ها برای من چه چیز و چه مقدار حلال و جایز است؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چنان چه آبخور (شتران) آن ها را تمیز و رسیدگی می کنی و فراریان آن ها را بر می گردانی و بر چرانیدن و نگهداری آنها اهمّیت می دهی می توانی از شیر آن ها استفاده نمایی ولی باید توجه کنی که تا آخر ندوشی و خسارتی بر بچه هایشان وارد نمایی که خداوند فرموده است: «خداوند فسادگر را از اصلاح گر می شناسد»

(326) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت درباره مردی که چهارپایانی از یتیمان برادرش در دستش می باشد که یتیمان نیز در زندگی و خانه او هستند آیا می تواند امور خود را با آنان مخلوط و مشترک گرداند؟

فرمود چنان چه آبخور آن ها را تمیز و رسیدگی می کند و فراریان آن ها را بر می گرداند و بر چرانیدن و نگهداری آن ها اهمّیت می دهد می تواند از شیر

ص: 431

ثُمَّ قَالَ: (مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ) (1) (وَ اللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ) (2)

428/327]- (عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى (وَإِنْ تَخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ)

قَالَ: تَخْرُجُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ مَا يَكْفِيهِمْ وَ تَخْرُجُ مِنْ مَالِكَ قَدْرَ مَا يَكْفِيكَ ثُمَّ تُنْفِقُهُ .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ . (3)

429/328]- (عَنْ عَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِي الْيَتَامَى (وَإِنْ تَخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ)؟

قَالَ: يَكُونُ لَهُمُ التَّمَرُ وَ اللَّبَنُ وَ يَكُونُ لَكَ مِثْلُهُ عَلَى قَدْرِ مَا يَكْفِيكَ وَ يَكْفِيهِمْ، وَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ الْمُفْسِدُ مِنَ الْمُصْلِحِ . (4)

ص: 432

1- سورة النساء: 6/4 .

2- عنه بحار الأنوار: 11/75 ح 39 ، و وسائل الشيعة: 252/17 ذيل ح 22455 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 471/1 ح 11 مجمع البيان: 9/2 عن محمد بن مسلم، عن أحدهما عليهما السلام، عنه وسائل الشيعة: 352/17 ح 22453 ، و نحوه عوالي اللئالي: 120/2 ح 332 عنه البحار: 12/75 ح 45 .

3- عنه بحار الأنوار: 11/75 ح 40، و البرهان في تفسير القرآن: 472/1 ح 12 . الكافي: 130/5 ضمن ح 5 عن أبي الصباح الكناني، عن أبي عبد الله عليه السلام، و نحوه تهذيب الأحكام: 341/6 ح 73 عنهما وسائل الشيعة: 254/17 ح 22459 .

4- عنه بحار الأنوار: 11/75 ح 41، و وسائل الشيعة: 255/17 ح 22461، و البرهان في تفسير القرآن: 472/1 ح 13، و نور الثقلين: 212/1 ح 803 . الكافي: 18/3 ح 13 بتفاوت يسير عنه وسائل الشيعة: 355/1 ح 943 .

آن‌ها استفاده نماید ولی باید توجه کند که تا آخر ندو شد و خسارتی بر بچه هایشان وارد ننماید.

سپس افزود: خداوند فرموده است: «هر کسی که غنی و بی‌نیاز باشد باید اجتناب و احتیاط نماید و کسی که تهی دست و فقیر باشد، با خوبی و نیکی می‌تواند تناول کند» خداوند فرموده است: «و خداوند فسادگر را از اصلاح‌گر می‌شناسد.»

(327) - از محمد حلبی روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: درباره فرمایش خداوند متعال: «و اگر با یتیمان مخلوط شوید، آنان برادران شما هستند و خداوند فسادگر را از اصلاح‌گر می‌شناسد» چه می‌فرماید؟

فرمود از اموال خودتان و از اموال آنان به اندازه کافی برداشت می‌کنی و پس از آن انفاق و هزینه (یتیمان) می‌نمایی

و مانند آن نیز توسط محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت شده است.

(328) - از علی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام پیرامون «ایتام» در ضمن فرمایش خداوند متعال: «و اگر با یتیمان مخلوط شوید، آنان برادران شما هستند» سؤال کردم؟

فرمود: برای یتیمان، خرما و شیر (یا ماست) می‌باشد و تونیز به همان مقدار داری که برای جمعتان کفایت می‌کند و البته شخص فاسد و صالح برای خداوند مخفی نمی‌باشد

ص: 433

430/329]- (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَبَّاجٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ يَكُونُ لِلْيَتِيمِ عِنْدِي الشَّيْءُ وَهُوَ فِي حَجْرِي أَنْفِقُ عَلَيْهِ مِنْهُ وَرُبَّمَا أَصَبْتُ مِمَّا يَكُونُ لَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَ مَا يَكُونُ مِنِّي إِلَيْهِ أَكْثَرُ؟

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِنْ أَلَّهَ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ (1)

قوله تعالى: (وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) (222)

431/331]- (عَنْ جَمِيلٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَ النَّاسُ يَسْتَجُونَ بِالْحِجَارَةِ وَالْكَرْسُفِ ثُمَّ أَحْدِثَ الْوُضُوءَ وَهُوَ خُلِقَ حَسَنٌ فَأَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَصَنَعَهُ] وَأَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ (إِنْ أَلَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) (2)

432/331]- (عَنْ سَلَامٍ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ حُمْرَانُ بْنُ أَعْيَنَ فَسَأَلَهُ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَمَّا

ص: 434

1- عنه بحار الأنوار: 11/75 ح 42 و وسائل الشيعة: 255/17 ح 22462 والبرهان في تفسير القرآن: 472/1 ح 14 ونور الثقلين:

212/1 ح 804

2- عنه بحار الأنوار: 204/80 ح 13 والبرهان في تفسير القرآن: 475/1 ح 9 ومستدرک الوسائل: 277/1 - 593

(329) - از عبد الرحمان بن حجاج روایت کرده است که گفت:

به امام کاظم علیه السلام عرض کردم با یتیمی زندگی می کنم و او نزد من چیزی دارد که از مال خودش برایش مصرف می کنم و چه بسا مقداری از مال او را استفاده می کنم ولی بیشتر از آن را برایش جایگزین می نمایم.

فرمود با این روش مانعی ندارد البته خداوند نسبت به فسادگر و اصلاح گر آگاه و دانا می باشد

فرمایش خداوند متعال: و (نیز) از تو درباره خون حیض سؤال می کنند بگو آن چیز زیان بار و آلوده است پس در حالت قاعدگی از همسران خود کناره گیری کنید و با آن ها نزدیکی ننماید تا پاک شوند و هنگامی که پاک شدند از طریقی که خدا به شما فرمان داده با آن ها آمیزش کنید، خداوند توبه کنندگان را دوست دارد و پاکان را (نیز) دوست دارد. (222)

(330) - از جمیل روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود مردم خودشان را به وسیله سنگ و (پارچه از جنس) پنبه تطهیر و پاک می کردند سپس برنامه وضو (و شستشو مطرح و) اجرا شد و آن اخلاق و پدیده خوبی بود؛ پس از آن رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور به وضو داد و خود نیز اجرا نمود؛ و خداوند در کتاب خود «به راستی که خداوند توبه کنندگان و پاکیزه شوندهگان را دوست دارد» را نازل نمود

(331) - از سلام (بن مستنیر) روایت کرده است که گفت:

من در محضر امام باقر علیه السلام بودم که حمران بن اعین وارد شد و چیزهایی را از آن حضرت پرسید و چون حمران خواست از جایش برخیزد، به امام باقر علیه السلام عرض کرد: -خداوند عمر شما را پاینده دارد و ما را به وجود شما بهره مند سازد

ص: 435

هَمَّ حُمْرَانُ بِالْقِيَامِ قَالَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْكَ أَطَالَ اللَّهُ بِقَاكَ وَ أَمْتَعَنَا بِكَ! إِنَّا نَأْتِيكَ فَمَا نَخْرُجُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى تَرِقَ قُلُوبُنَا وَ نَسَ لَمَوْ
أَنْفُسَنَا عَنِ الدُّنْيَا وَ تَهُونَ عَلَيْنَا مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ هَذِهِ الْأَمْوَالِ، ثُمَّ نَخْرُجُ مِنْ عِنْدِكَ فَإِذَا صِرْنَا مَعَ النَّاسِ وَ التُّجَّارِ أَحَبَبْنَا الدُّنْيَا

قَالَ: فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا هِيَ الْقُلُوبُ مَرَّةً يَصْعَبُ عَلَيْهَا الْأَمْرُ وَ مَرَّةً يَسْهُلُ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا إِنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَخَافُ عَلَيْنَا النِّفَاقَ،

قَالَ: فَقَالَ لَهُمْ: وَ لِمَ تَخَافُونَ ذَلِكَ؟

قَالُوا إِنَّا إِذَا كُنَّا عِنْدَكَ فَذَكَرْنَا رُوعَنَا وَ وَجَلْنَا نَسَبَنَا الدُّنْيَا وَ زَهَدْنَا فِيهَا حَتَّى كَانَا نَعَايِنُ الْآخِرَةَ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ نَحْنُ عِنْدَكَ، فَإِذَا خَرَجْنَا مِنْ
عِنْدِكَ وَ دَخَلْنَا هَذِهِ الْبُيُوتَ وَ شِجْمَنَا الْأَوْلَادَ وَ رَأَيْنَا الْعِيَالَ وَ الْأَهْلَ وَ الْمَالَ، يَكَادُ أَنْ نُحَوَّلَ عَنِ الْحَالِ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا عِنْدَكَ وَ حَتَّى كَانَا لَمْ
نَكُنْ عَلَى شَيْءٍ أَفْتَخَافُ عَلَيْنَا أَنْ يَكُونَ هَذَا النِّفَاقَ؟

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: كَلَاهُ هَذَا مِنْ خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ لِيَرَعِبَّكُمْ فِي الدُّنْيَا، وَ اللَّهُ! لَوْ أَنْتُمْ تَدُومُونَ عَلَى الْحَالِ الَّتِي
تَكُونُونَ عَلَيْهَا وَ أَنْتُمْ عِنْدِي فِي الْحَالِ الَّتِي وَصَفْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِهَا لَصَافَحْتُمْ الْمَلَائِكَةَ وَ مَسَيْتُمْ عَلَى الْمَاءِ

وَ لَوْ لَا أَنْتُمْ تُذَيَّبُونَ فَتَسْتَعْفِرُونَ اللَّهَ لَخَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا لِكَيْ يُذَيَّبُوا ثُمَّ يَسْتَغْفِرُوا فَيَغْفِرَ لَهُمْ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ مُفْتَنٌ تَوَابٌ أَمَا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

- من به شما گزارش می دهم که ما هرگاه خدمت شما می رسیم از نزد شما بیرون نمی رویم مگر آن که دل ما نرم و نفوس ما نسبت به این دنیا آرامش می یابد و آن چه از مال و دارائی که در دست مردم است بر ما خوار و بی ارزش می شود ولی همین که از نزد شما بیرون می رویم و پیش مردم و تجار قرار می گیریم دنیا دوست می شویم

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا این دل ها است که گاهی سخت و سرکش و گاهی هموار و آسان می شوند. سپس امام باقر علیه السلام افزود: ولی اصحاب و یاران حضرت محمد صلی الله علیه و آله اظهار داشتند: ای رسول خدا! ما از حالت نفاق بر خود ترس داریم فرمود: چرا از آن می ترسید؟

گفتند: تا زمانی که در خدمت شما هستیم شما به ما یادآوری و موعظه می کنید و ما را به آخرت تشویق می نمایید از خدا می ترسیم و دنیا را فراموش می کنیم و نسبت به آن بی رغبت می شویم تا جایی که گویا آخرت را به چشم خود می نگریم بهشت و دوزخ را تا نزد شما هستیم در نظر داریم ولی موقعی که از نزد شما بیرون می رویم و در خانه های خود وارد می شویم و بوی فرزندان خود را می شنویم و خانواده را می نگریم نزدیک است از آن حالی که در خدمت شما داشتیم، برگردیم تا جایی که گویا هیچ عقیده و ایمانی نداریم آیا شما هم از این که این تغییر حالت برای ما نفاق باشد نمی ترسید؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هرگز چنین نیست این ها از وسوسه ها و نیرنگ های شیطان است که به وسیله آن ها شما را به دنیا تشویق می کند به خدا سوگند اگر شما بر همان حالی که برای خود شرح دادید پیوسته می ماندید هر آینه فرشته ها با شما دست می دادند و بر روی آب راه می رفتید و اگر نبود که شما گناه می کنید و از خدا آمرزش می خواهید هر آینه خدا خلقی را می آفرید تا گناه کنند و سپس از خدا آمرزش بخواهند

التَّوَابِينَ) وَقَالَ (اِسْتَعْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ.) (1) . (2)

[332]/433 - (عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

كَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ؛ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَأْكُلُونَ الْبُسْرَ وَكَانُوا يُعْرَوْنَ بَعْرًا فَأَكَلَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ الدُّبَاءَ فَلَانَ بَطْنُهُ وَاسْتَنْجَى بِالْمَاءِ فَبَعَثَ إِلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

قَالَ: فَجَاءَ الرَّجُلُ وَهُوَ خَائِفٌ أَنْ يَكُونَ قَدْ نَزَلَ فِيهِ أَمْرٌ فَيَسُوؤُهُ فِي إِسْتِنْجَائِهِ بِالْمَاءِ قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَلْ عَمِلْتَ فِي يَوْمِكَ هَذَا شَيْئًا؟

فَقَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي وَاللَّهِ! مَا حَمَلَنِي عَلَى الْإِسْتِنْجَاءِ بِالْمَاءِ إِلَّا أَنِّي أَكَلْتُ طَعَامًا فَلَانَ بَطْنِي، فَلَمْ تُغْنِ عَنِّي الْحِجَابَةُ [شَيْئًا] فَأَسَدْتُ تَنْجِيَّتَ بِالْمَاءِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: هَنِيئًا لَكَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَنْزَلَ فِيكَ آيَةً (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) فَكُنْتُ أَوَّلَ مَنْ صَنَعَ ذَا أَوَّلِ التَّوَابِينَ وَأَوَّلَ الْمُتَطَهِّرِينَ.) (3)

ص: 438

1- سورة هود 90/11

2- عنه بحار الأنوار: 56/70 ح 28، والبرهان في تفسير القرآن: 475/1 ح 10. الكافي: 423/2 ح 1 بإسناده عن سلام بن المستنير قال: كنت عند أبي جعفر عليه السلام عنه البحار: 41/6 ح 78 مجموعة ورام: 210/2 (الجزء الثاني).

3- عنه بحار الأنوار: 198/80 ذيل ح 3 أشار إليه والبرهان في تفسير القرآن: 476/1 ح 11، ومستدرک الوسائل: 277/1 ح 594. علل الشرائع: 286/10 ح 1 (باب - 205)، عنه وسائل الشيعة: 355/1 ح 944، والبحار: 198/80 ح 3، من لا يحضره الفقيه: 30/1 ح

59 مرسلًا، عنه وسائل الشيعة: 354/1 ح 942، والبحار: 2/80

و خدا آنها را پیامرزد به راستی که مؤمن در حال امتحان و آزمایش است و بسیار توبه می نماید و درخواست مغفرت و آمرزش می کند آیا گفتار خدای عزّ و جلّ: «به راستی خداوند توبه کنندگان و پاکیزه شوندهگان را دوست دارد»، را نشنیده ای؟ و نیز فرموده است: «و از پروردگار خود درخواست آمرزش کنید و به سوی او توبه نمایید»

(332)- از ابو خدیجه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: مردم به وسیله سه قطعه سنگ، خود را تطهیر و استنجا می کردند؛ زیرا که معمولاً خوراکشان خرمای نارس بود و (همانند حیوانات) پشکل می کردند پس در یک روز مردی مقداری کدوی حلوایی خورد و شکمش روان گشت و به وسیله آب خود را تطهیر و استنجا کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (از جریان او خبردار شد و) به دنبال او فرستاد، موقعی که او نزد حضرت آمد می ترسید که نکند آیه ای در نکوهش و سرزنش او نازل شده که چرا به وسیله آب استنجا و تطهیر کرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: آیا امروز کار خاصی انجام داده ای؟

عرضه داشت، بلی ای رسول خدا! به خدا سوگند تنها چیزی که مرا بر استنجای با آب واداشت این بود که مقداری کدو خوردم و شکمم روان گشت و نتوانستم با سنگ تنها استنجا و تطهیر کنم، لذا با آب استنجا کردم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گوارایت، باد زیرا خدای عزّ و جلّ (در تأیید تو) آیه ای را فرستاد: «به راستی که خداوند توبه کنندگان و پاکیزه شوندهگان را دوست دارد» بنابراین تو اولین کسی هستی که چنین کردی و اولین توبه کننده و اولین تطهیر کننده می باشی

ص: 439

434/333] - (عَنْ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَرْأَةُ تَحِيضُ يَحْرُمُ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يَأْتِيَهَا فِي فَرْجِهَا لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ .) فَيَسَدُ تَقْيِيمٌ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْتِيَ امْرَأَتَهُ، وَهِيَ حَائِضٌ فِيمَا دُونَ الْفَرْجِ. (1)

قوله تعالى : (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) (223)

435/334] - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ إِتْيَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ: ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ) (2)

436/335] - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ: (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ) قَالَ: حَيْثُ شَاءَ.) (3)

ص: 440

1- عنه بحار الأنور : 293/103 ح 43. ووسائل الشيعة: 327/20 ح 25738، و البرهان في تفسير القرآن : 476/1 ح 12 . هذه قطعة

من الحديث الأتي في سورة «النساء»، الحديث 78

2- عنه بحار الأنوار 28/104 ح 1، ووسائل الشيعة : 147/20 ح 25268 و البرهان في تفسير القرآن. 476/1 ح 13 و نور الثقلين،

217/1 ح 825

3- عنه بحار الأنوار: 28/104 ح 2 ووسائل الشيعة: 148/20 ح 25269 و البرهان في تفسير القرآن : 476/1 ح 14، و نور الثقلين،

217/1 ح 825

(333) - از عیسی بن عبد الله روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: زنی که خون حیض می بیند، بر همسرش حرام است که - با استفاده از فرج و عورت - با او مجامعت نماید؛ زیرا که خداوند متعال فرموده است: «و با آنان نزدیکی نکنید تا موقعی که پاک شوند» در صورتی که مرد تحمل نداشته باشد در حال حیض از غیر عورت فرج استفاده کند.

فرمایش خداوند متعال: زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند پس هر زمان که بخواهید می توانید با آن ها آمیزش کنید ولی (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود پیش فرستید و از (معصیت) خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و (ای پیامبر!) به مؤمنان بشارت ده (223)

(334) - از عبد الله بن ابی یعفر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره استمتاع مرد از پشت زن سؤال کردم؟

فرمود: حرمت و منعی برایش، نیست سپس این آیه را «زنان شما (زمین تولید و) بذر افشانی شمایند پس هر زمان که بخواهید می توانید (به هر شیوه مشروع) نزدیکی و بذر افشانی نمایید» تلاوت نمود.

(335) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «زنان شما، زمین تولید و بذر افشانی شمایند پس هر زمان که بخواهید می توانید نزدیکی و بذر افشانی نمایید» فرمود: هر موقع و به هر شکلی (مشروع) که بخواهید.

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ) فَقَالَ: مِنْ قُدَامِهَا وَمِنْ خَلْفِهَا فِي الْقُبْلِ. (1)

1438/[337] - (عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُونَ فِي إِيْتَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ؟

قُلْتُ: بَلَّغْنِي أَنَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ لَا يَرُونَ بِهِ بَأْسًا، قَالَ: إِنَّ الْيَهُودَ كَانَتْ تَقُولُ: إِذَا أَتَى الرَّجُلُ مِنْ خَلْفِهَا خَرَجَ وَلَدُهُ أَحْوَلُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُونَ فِي إِيْتَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ قُلْتُ: بَلَّغْنِي أَنَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ لَا يَرُونَ بِهِ بَأْسًا، قَالَ: إِنَّ الْيَهُودَ كَانَتْ تَقُولُ: إِذَا أَتَى الرَّجُلُ مِنْ خَلْفِهَا خَرَجَ وَلَدُهُ أَحْوَلُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ) يَعْنِي مِنْ خَلْفٍ أَوْ قُدَامٍ خِلَافًا لِقَوْلِ الْيَهُودِ، وَلَمْ يَعْزِ فِي أَذْبَارِهِنَّ .

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (مِثْلُهُ). (2)

439/[338] - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ) قَالَ: مَنْ قُبِلَ. (3)

ص: 442

1- عنه بحار الأنوار: 28/104 ح 3، و وسائل الشيعة: 143/20 ح 25254، و البرهان في تفسير القرآن: 476/1 ح 15، و نور الثقلين: 217/1 ح 826.

2- عنه بحار الأنوار: 28/104 ح 4 و 5 و البرهان في تفسير القرآن: 477/1 ح 16، و نور الثقلين: 217/1 ح 827 و مستدرک الوسائل: 231/14 ح 16580. تهذيب الأحكام: 415/7 ح 32، و 460 ح 49 الاستبصار: 244/3 ح 11، عنهما وسائل الشيعة: 141/20 ح 25248.

3- عنه بحار الأنوار: 29/104 ح 6، و وسائل الشيعة: 143/20 ح 25255، و البرهان في تفسير القرآن: 477/1 ح 17، و نور الثقلين: 217/1 ح 828

(336) - از صفوان بن یحیی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خدای عزّ و جلّ: «زنان شما، زمین تولید و بذر افشانی شمایند پس هر زمان که بخواهید می توانید نزدیکی و بذر افشانی نمایید»، سؤال کردم؟

فرمود: از جلو و از پشت ولی با استفاده از جلو و فرج باشد.

(337) - از مُعمر بن خَلاد روایت کرده است که گفت :

امام رضا علیه السلام فرمود: (اهل سنّت) در مورد کامیابی مرد از دبر و عقب همسرش چه می گویند؟

گفتم: اطلاع یافته ام که اهل مدینه منعی و مشکلی در آن نمی بینند

فرمود یهودیان می گفتند: چنان چه مرد از پشت زن مجامعت نماید و فرزندی منعقد گردد، لوچ می شود که خداوند این آیه: «زنان شما زمین تولید و بذر افشانی شمایند پس هر زمان که بخواهید می توانید نزدیکی و بذر افشانی نمایید» را نازل نمود؛ که از پشت باشد و یا از جلو مانعی (و حرمتی) ندارد بر خلاف قول یهود، البته منظور در دبر و عقب نیست.

(338) - از زراره روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «زنان شما، زمین تولید و بذر افشانی شمایند پس هر زمان که بخواهید می توانید نزدیکی و بذر افشانی نمایید»، سؤال کردم؟

فرمود: منظور استفاده و کامیابی از جلو می باشد

440/339]- (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي أَهْلَهُ فِي دُبْرِهَا؟

فَكَرِهَ ذَلِكَ وَقَالَ: وَإِيَّاكُمْ وَمَحَاشِ النِّسَاءِ وَقَالَ: إِنَّمَا مَعْنَى (نِسَاؤُكُمْ حَرْتُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرَّتَكُمْ أَيْ شِئْتُمْ) (أَيَّ سَاعَةٍ شِئْتُمْ). (1)

441/340]- (عَنِ الْفَتْحِ بْنِ يَزِيدَ الْجُرْجَانِيِّ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مِثْلِهِ فَوَرَدَ مِنْهُ الْجَوَابُ: سَأَلْتَ عَمَّنْ أَتَى جَارِيَّتَهُ فِي دُبْرِهَا وَالْمَرْأَةُ لِعَبِّهِ [الرَّجُلِ] لَا تُؤْذِي وَهِيَ حَرْتُ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى). (2)

قوله تعالى: (وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَدِّقُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (224) لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ) (225)

442/341]- (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا)؟

ص: 444

1-، عنه البحار الانوار: 29/104 ح و وسائل الشيعة: 144/20 ح 25256، و البرهان في تفسير القرآن : 477/1 ح 18، و نور الثقلين:

217/1 ح 829

2- عنه بحار الأنوار: 29/104 ح 9 و وسائل الشيعة : 144/20 ح 25257، و البرهان في تفسير القرآن : 477/1 ح 19 و نور الثقلين :

217/1 ح 830

(339) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی که از پشت زن مجامعت می کند سؤال کردم؟

فرمود بر حذر باشید از این که بخواهید از محل خروج مدفوع زن استفاده و کامیابی کنید سپس افزود: معنای «زنان شما زمین تولید و بذر افشانی شما نیستند پس هر زمان که بخواهید می توانید نزدیکی و بذر افشانی نمایید» هر ساعت و هر زمان می باشد.

(340) - از فتح بن یزید جرجانی روایت کرده است که گفت:

نامه ای به امام رضا علیه السلام نوشتم، پس حضرت در جواب مرقوم نمود: درباره کسی سؤال کرده ای که با همسر خود از پشت جماع کرده است، باید توجه نمایی که زن وسیله سرگرمی و آسایش مرد است نباید مورد اذیت و آزار قرار گیرد همان طوری که خداوند متعال فرموده است: زن هم چون زمین کشتزار بذر می باشد (پس مواظب باش که بذر و نطفه خود را در کجا تلف می کنی)

فرمایش خداوند متعال: و خداوند را در معرض سوگند های خود قرار ندهید و نیکی کنید و تقوا پیشه سازید و در میان مردم اصلاح کنید و خداوند شنوای داناست (224) خداوند شما را به خاطر سوگند هایی که بدون توجه یاد می کنید مؤاخذه نخواهد کرد اما به آن چه که افکار و دل های شما کسب کرده (و سوگند هایی که از روی اراده و اختیار یاد می کنید) مؤاخذه می کند و خداوند آمرزنده و بردبار است (225)

(341) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند تبارک و تعالی: «و خداوند را در معرض سوگند های خود قرار ندهید، نیکی نمایید و تقوا را رعایت کنید»، سؤال کردم؟

ص: 445

قَالَ: هُوَ قَوْلُ الرَّجُلِ: لَا وَ اللَّهِ! وَ بَلَى وَ اللَّهِ، (1)

[342]/443- (عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ [قالا-]: (وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ) قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يُصْلِحُ بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ فَيَحْمِلُ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الْإِثْمِ. (2)

[343]/444- (عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ (وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ)

قَالَ: يَعْنِي الرَّجُلَ يَخْلِفُ أَنْ لَا يُكَلِّمَ أَخَاهُ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ أَوْ لَا يُكَلِّمَ أُمَّهُ. (3)

[344] / 445 - (عَنْ أَيُّوبَ قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَ لَا كَاذِبِينَ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ)

قَالَ: إِذَا اسْتَعَانَ رَجُلٌ بِرَجُلٍ عَلَى صُلْحٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ رَجُلٍ فَلَا تَقُولَنَّ: إِنَّ عَلَيَّ يَمِينًا أَنْ لَا أَفْعَلَ؛ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ (وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا

ص: 446

1- عنه بحار الأنوار: 98/72 ح 21، و 281/104 ح 15، و وسائل الشيعة: 239/23 ح 29473، و البرهان في تفسير القرآن: 478/1 ح 4. الكافي: 443/7 ح 1 بإسناده عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، من لا يحضره الفقيه: 228/3 ح 1076 بإسناده عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام عنه ووسائل الشيعة: 239/23 ح 29472، و نحو الكافي، تهذيب الأحكام: 280/8 ح 15، عنه و عن الكافي، ووسائل الشيعة: 238/23 ح 29470.

2- عنه بحار الأنوار: 223/104 ح 34، و البرهان في تفسير القرآن: 478/1 ح 5، و نور الثقلين: 218/1 ح 835 و كنز الدقائق: 535/12، و مستدرک الوسائل: 77/16 ح 19201.

3- عنه بحار الأنوار: 224/104 ح 35، و وسائل الشيعة: 223/23 ح 29421، و البرهان في تفسير القرآن: 478/1 ح 6، و كنز الدقائق: 535/1 ح 218/1: و نور الثقلين: 218/1 ح 836.

فرمود: آن گفتار شخصی است که بگوید: نه، به خدا سوگند! بلی، به خدا سوگند!

(342) - از زراره و حمران و محمد بن مسلم روایت کرده است که گفته اند: امام باقر و امام صادق علیهما السلام (درباره فرمایش خداوند: «و خداوند را در معرض سوگند های خود قرار ندهید»)، فرمودند: منظور آن شخصی است که بین دو نفر، صلح و دوستی برقرار می کند و در بین ایشان (به خاطر سوگند به خداوند) مرتکب گناه می شود.

(343) - از منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که درباره فرمایش خداوند: «و خداوند را در معرض سوگند های خود قرار ندهید» فرمودند منظور این است که شخصی سوگند می خورد تا با برادر خود سخن نگوید و معاشرتی با او نداشته باشد و یا با مادر خود تکلمی نکند.

344 - از ایوب روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت (امام صادق علیه السلام) شنیدم که می فرمود: به خدا سوگند نخورید، نه سوگند راست و نه دروغ؛ زیرا که خدای عزّ و جلّ فرموده است: «و خداوند را در معرض سوگند های خود قرار ندهید»

حضرت افزود: چنان چه شخصی برای ایجاد صلح و دوستی بین دو نفر، از دیگری کمک بخواهد پس حقّ ندارد که بگوید: من سوگند خورده ام که در چنین برنامه هایی دخالت نکنم زیرا خداوند فرموده است: «و خداوند را در معرض سوگند های خود قرار ندهید، این که خوبی کنید و تقوا را رعایت نمایید و بین مردم صلح برقرار کنید»

ص: 447

وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ (1)

446/[345]- (عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ)

قَالَ: هُوَ: لَا وَاللَّهِ! وَبَلَى وَاللَّهِ! وَكَلَّاءَ وَاللَّهِ! لَا يَعْقِدُ عَلَيْهَا أَوْ لَا يَعْقِدُ عَلَى شَيْءٍ) (2)

قول تعالى : (لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (226) وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) (227)

447/[346]- (عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ ، قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي الْإِيْلَاءِ: «إِذَا أَلَى الرَّجُلُ مِنْ امْرَأَتِهِ، لَا يَقْرِبُهَا وَلَا يَمَسُّهَا وَلَا يَجْمَعُ رَأْسَهُ وَرَأْسَهَا، فَهُوَ فِي سَدِّهَا مَا لَمْ يَمَسَّ الْأَرْبَعَةَ أَشْهُرَ، فَإِذَا مَضَى الْأَرْبَعَةَ أَشْهُرَ فَهُوَ فِي حِلٍّ مَا سَكَتَتْ عَنْهُ، فَإِذَا طَلَبَتْ حَقَّهَا بَعْدَ الْأَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَقَفَتْ؛ فَإِمَّا أَنْ يَفِيءَ فَيَمَسَّهَا، وَإِمَّا أَنْ يَعْزِمَ عَلَى الطَّلَاقِ فَيُخَلِّيَ عَنْهَا،

ص: 448

1- عنه بحار الأنوار: 224/104 ح 36، و وسائل الشيعة : 200/23 ح 29361 و 29362 و البرهان في تفسير القرآن: 479/1 ح 7، و نور الثقلين: 218/1 ح 837، و مستدرک الوسائل : 77/16 ح 19202

2- عنه بحار الأنوار: 224/104 ح 37، و وسائل الشيعة : 239/23 ح 29474 و البرهان في تفسير القرآن : 479/1 ح 2. الكافي : 443/7 ح 1 من لا يحضره الفقيه: 361/3 ح 4279 بإسناده عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام - إلى قوله: و بلى و الله- ، تهذيب الأحكام : 280/8 ح 15، عنهم و وسائل الشيعة: 239/23 ح 29472 .

(345) - از ابو الصباح روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «خداوند شما را به خاطر سوگند هایی بیهوده خورده اید، مؤاخذه نمی کند» سؤال کردم؟

فرمود: لغو و بیهوده گویی شخص این است که بگوید: نه، به خدا سوگند! بلی، به خدا سوگند! نه به خدا سوگند! هرگز چنین نمی کنم ولی بر چیزی متعهد و پایند نباشد.

فرمایش خداوند متعال: کسانی که زنان خود را ایلام می نمایند (یعنی سوگند یاد می کنند که با آن ها آمیزش جنسی نکنند) حق دارند چهار ماه انتظار بکشند (و در این چهار ماه وضعیت خود را از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند) پس اگر (در این فرصت) بازگشت کنند. (چیزی بر آن ها نیست؛ زیرا) خداوند آمرزنده و مهربان است (226) و اگر تصمیم به جدایی گرفتند (آن هم با شرایطش مانعی ندارد) پس خداوند شنوای داناست. (227)

(346) - از برید بن معاویه روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره ایلام می فرمود: چنان چه مردی همسر خود را ایلاء کند بر این که با او مجامعت و هم خوابی نکند تا مدت چهار ماه فرصت دارد که از تصمیم خود برگردد و توبه نماید ولی اگر چهار ماه سیری گشت و پشیمان نگردید، چنان چه زن ساکت و بی تفاوت باشد، مشکلی ایجاد نمی کند اما اگر مطالبه حق خود را کند زندانی و بازداشت می شود تا آن که یا برگردد و با او دوستی و نزدیکی کند و یا تصمیم بر طلاق گیرد و از بند زوجیت آزادش نماید و پس از این که یک بار حیض و سپس پاک شود بدون آن

ص: 449

حَتَّى إِذَا حَاصَتْ وَ تَطَهَّرَتْ مِنْ مَحِيضِهَا، طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يُجَامِعَهَا بِشَهَادَةِ عَدْلَيْنِ، ثُمَّ هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ يَمْضِ الثَّلَاثَةُ أَقْرَاءَ (1)

[347]/448 - (عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَيُّمَا رَجُلٍ آلَى مِنْ إِمْرَأَتِهِ فَلَا يِلَاءَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ: وَاللَّهِ! لَا أُجَامِعُكَ كَذَا وَ كَذَا، وَ يَقُولُ وَاللَّهِ! لَا أَعِيظُنْكَ ثُمَّ يُعَايِظُهَا وَ لَأَسْوَأَنَّكَ ثُمَّ يَهْجُرُهَا فَلَا يُجَامِعُهَا فَإِنَّهُ يَتَرَبَّصُّ بِهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءَ - وَ الْإِيْفَاءُ أَنْ يُصَالِحَ - (فَإِنَّ اللَّهَ عَفْوٌ رَحِيمٌ) وَ إِنْ لَمْ يَقْبَلْ أُجْبِرْ عَلَى الطَّلَاقِ (وَ لَا يَقَعُ بَيْنَهُمَا طَلَاقٌ حَتَّى تُوقَفَ وَ إِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ) (2) فَهِيَ تَطْلِيقَةٌ. (3)

[348]/449 - (عَنْ أَبِي بصيرٍ: فِي رَجُلٍ آلَى مِنْ إِمْرَأَتِهِ حَتَّى مَضَتْ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَقَالَ: يُوقَفُ فَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ اعْتَدَّتْ إِمْرَأَتُهُ كَمَا تَعْتَدُّ الْمُطَلَّقَةُ وَ إِنْ أَمْسَكَ فَلَا بَأْسَ) (4)

ص: 450

1- عنه بحار الأنوار: 170/104 ح 7، و البرهان في تفسير القرآن 482/1 ح 10، و مستدرک الوسائل: 401/15 ح 18632. الكافي: 130/6 ح 1، تهذيب الأحكام: 3/8 ح 3 الاستبصار: 255/3 ح 1، عنهم وسائل الشيعة: 351/222 ح 28767، عوالي اللئالي: 293/2 ح 56 قطعة منه، و 405/3 ح 2.

2- ما بين القوسين لم يرد في الطبع الجديد

3- عنه بحار الأنوار: 171/104 ح 8، و البرهان في تفسير القرآن: 482/1 ح 11، و مستدرک الوسائل: 404/15 ح 18642. الكافي: 130/6 ح 2، من لا يحضره الفقيه: 524/3 ح 4824، تهذيب الأحكام: 2/8 ح 1 الاستبصار: 252/3 ح 1 بتفاوت يسير في الجميع عنهم وسائل الشيعة: 347/22 ح 28756.

4- عنه بحار الأنوار: 171/104 ح 9، و البرهان في تفسير القرآن: 482/1 ح 12، و مستدرک الوسائل: 407/15 ح 18652 تهذيب الأحكام: 7/8 ح 20 بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، و نحوه الاستبصار: 254/3 ح 6 عنهما وسائل الشيعة: 355/22 ح 28779.

که مجامعت کرده باشد در حضور دو شاهد عادل، طلاق را جاری می گرداند بعد از آن اگر مایل بود می تواند رجوع کند به شرط آن که سه مرحله (پاکی از حیض) را نگذرانده باشد.

(347) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هر مردی که همسر خود را ایلاء کند و بگوید: سوگند به خدا! با تو مجامعت و هم خوابی نمی کنم و یا بگوید سوگند به خدا! تو را غضبناک می گردانم، سپس (با بی توجهی نسبت به او) غضبناکش کند و یا بگوید: تو را ناراحت می نمایم و سپس با ترک دوستی و زناشویی ناراحتش کند به چنین مردی چهار ماه مهلت داده می شود پس اگر وفا کرد که همان دوستی و زناشویی باشد «پس خداوند آمرزنده و مهربان است».

ولی اگر وفا نکرد مجبور به طلاق می شود و طلاق واقع نمی شود، مگر بعد از توقیف و بازداشت او پس اگر طلاق داد یک طلاق محسوب می شود.

(348) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

مردی که با زن خود ایلاء کند و چهار ماه از آن گذشته باشد، توقیف و بازداشت می شود تا زن خود را طلاق دهد و چون طلاقش داد باید عدّه طلاق نگاه دارد ولی اگر پشیمان شد و توبه کرد مشکلی نخواهد بود.

ص: 451

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ آلَى مِنْ إِمْرَأَتِهِ فَمَصَّتْ أَرْبَعَهُ أَشْهُرًا؟

قَالَ: يُوقَفُ فَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ بَانَتْ مِنْهُ وَعَلَيْهَا عِدَّةُ الْمُطَلَّغَةِ، وَإِلَّا كَفَرَ يَمِينَهُ وَأَمْسَكَهَا. (1)

451/350] - (عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ [قَالَ:

إِنَّهُ ذُكِرَ لَنَا أَنَّ أَجَلَ الْإِيْلَاءِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ بَعْدَ مَا يَأْتِيَانِ السُّلْطَانَ فَإِذَا مَصَّتِ الْأَرْبَعَةَ الْأَشْهُرَ فَإِنْ شَاءَ أَمْسَكَ وَإِنْ شَاءَ طَلَّقَ وَالْإِمْسَاكُ الْمَسِيْسُ .

(2)

452/351] - (سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا بَانَتِ الْمَرْأَةُ مِنَ الرَّجُلِ هَلْ يَخْطُبُهَا مَعَ الْخُطَابِ؟ قَالَ: يَخْطُبُهَا عَلَى تَطْلِيْقَتَيْنِ وَلَا يَقْرُبُهَا

حَتَّى يَكْفُرَ يَمِينَهُ. (3)

453/352] - (عَنْ صَدِّقِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الْمَوْلَى إِذَا أَبَى أَنْ يُطَلَّقَ قَالَ: كَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْعَلُ

لَهُ حَظِيْرَةً مِنْ قَصَبٍ وَيَحْسِبُهُ فِيهَا وَيَمْنَعُهُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ حَتَّى يُطَلَّقَ. (4)

ص: 452

1- عنه بحار الأنوار: 171/104 ح 10، وسائل الشيعة: 356/22 ذيل ح 28781، والبرهان في تفسير القرآن: 482/1 ح 13. من لا

يحضره الفقيه: 525/3 ح 4825، تهذيب الأحكام: 8/8 ح 21، الاستبصار: 254/3 ح 7 عنهم وسائل الشيعة: 355/22 ح 28781

2- عنه بحار الأنوار: 171/104 ح 11 وسائل الشيعة: 349/22 ح 28762، والبرهان في تفسير القرآن: 383/1 ح 14.

3- عنه بحار الأنوار: 171/104 ح 12، وسائل الشيعة: 356/22 ح 28782، والبرهان في تفسير القرآن: 483/1 ح 15.

4- عنه بحار الأنوار: 171/104 ح 13، و وسائل الشيعة: 354/22 ح 28778، والبرهان في تفسير القرآن: 483/1 ح 16. الكافي:

133/6 ح 10 بإسناده عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام، من لا يحضره الفقيه: 524/3 ذيل ح 4824 مرسلًا وبتفاوت

يسير تهذيب الأحكام: 6/8 ح 13، الاستبصار: 257/3 ح 1 عنهم وسائل الشيعة: 353/22 ح 28772 و 354 ح 28775، ومستدرک

الوسائل: 407/15 ح 18650 عن الصدوق في المقتنع.

(349) - از منصور بن حازم روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی که با زن خود ایلاء کند و چهار ماه از آن گذشته باشد، سؤال کردم؟

فرمود: او توقیف و بازداشت می شود پس اگر تصمیم بر طلاق گرفت و طلاق داد از یک دیگر جدا می شوند و باید عده طلاق نگاه دارد و گرنه باید کفاره سوگند پرداخت کند و با زن خود معاشرت دوستانه داشته باشد.

(350) - از عباس بن هلال روایت کرده است که گفت:

امام رضا علیه السلام: فرمود: مدّت ایلاء چهار ماه می باشد، سپس به سلطان (حاکم و یا قاضی) مراجعه می کنند پس اگر مایل بود و خواست با هم زندگی می کنند و اگر نپذیرفت باید طلاق دهد؛ ضمناً معنای زندگی این است که باید همراه با زناشویی باشد.

(351) - از امام صادق علیه السلام سؤال شد که اگر زنی (به سبب ایلاء) از شوهرش جدا شود و مرد بخواهد رجوع کند خطبه و عقد لازم است؟

فرمود: خطبه را جاری می کند به عنوان این که دو مرحله طلاق واقع شده است و تا زمانی که کفاره سوگند خود را نپردازد نمی تواند با او نزدیکی و زناشویی نماید.

(352) - و از صفوان به نقل از بعضی از اصحابش روایت کرده است، که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره مردی که با زن خود ایلاء کند و حاضر به طلاق نشود، فرمود: امام علی علیه السلام برای چنین شخصی اتاکی از نی تهیه می کرد و او را در آن بازداشت و زندانی می نمود و از خوردنی ها و آشامیدنی ها ممنوعش می نمود تا حاضر به طلاق گردد

ص: 453

454/353] - (عَنْ أَبِي بصيرٍ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : فِي الرَّجُلِ إِذَا آلَى مِنْ إِمْرَأَتِهِ ، فَمَضَتْ أَرْبَعَهُ أَشْهُرٌ وَلَمْ يَفِيْ ، فَهِيَ مُطَلَّغَةٌ ، ثُمَّ يُوقَفُ ؛ فَإِنْ فَاءَ فَهِيَ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيْقَتَيْنِ ، وَإِنْ عَزَمَ فَهِيَ بَائِنَةٌ مِنْهُ .) (1)

455/354] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَعَنْ زُرَّارَةَ قَالَا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْقُرْءُ مَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ .) (2)

456/355] - (عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ :

سَمِعْتُ رَبِيعَةَ الرَّأْيِ وَهُوَ يَقُولُ : [إِنَّ مِنْ رَأْيِي] أَنَّ الْأَقْرَاءَ الَّتِي سَمَّى اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ إِنَّمَا هِيَ الطُّهُرُ فِيمَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِالْحَيْضِ

قَالَ : فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَدَّثْتُهُ بِمَا قَالَ رَبِيعَةُ ، فَقَالَ : كَذَبَ وَ لَمْ يَقُلْ بِرَأْيِهِ وَ إِنَّمَا بَلَغَهُ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَقُلْتُ : أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَ كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ ذَلِكَ ؟

قَالَ : نَعَمْ كَانَ يَقُولُ : إِنَّمَا الْقُرْءُ : الطُّهُرُ تُقْرَأُ فِيهِ الدَّمُ فَيَجْمَعُهُ فَإِذَا

ص : 454

1- عنه بحار الأنوار: 172/104 ح 14 ، وسائل الشيعة : 356/22 ح 28783 ، والبرهان في تفسير القرآن : 483/1 ح 17 . تهذيب الأحكام : 4/8 ح 7 ، الاستبصار : 256/3 ح 5 عنهما وسائل الشيعة : 352/22 ح 28770 .

2- عنه بحار الأنوار: 187/104 ح 21 ، وسائل الشيعة : 203/22 ح 28389 ، والبرهان في تفسير القرآن : 475/1 ح 9 الكافي : 88/6 ضمن ح 9 ، وتهذيب الأحكام : 122/8 ح 22 و 123 ح 23 ، وضمن ح 28 الاستبصار: 330/3 ح 11 و ح 12 عنهم وسائل الشيعة : 201/22 ح 28381-28383 ، دعائم الإسلام : 296/2 ح 1112 ، عنه مستدرک الوسائل : 353/15 ح 18476 .

(353) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی با زن خود ایلاء کرده است بر اینکه با او مجامعت و زناشویی نکند و اگر چهار ماه از آن بگذرد و رجوع ننماید، زن (در حکم) مطلقه قرار می گیرد پس مرد را توقیف و بازداشت می کنند، سپس اگر حاضر به دوستی و نزدیکی شد زن در حکم دو مرحله طلاق قرار گرفته است ولی چنان چه تصمیم بر طلاق گرفت زن او جدا خواهد شد.

(354) - از محمد بن مسلم و زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: «قُرء» پاکی بین دو مرحله خون حیض می باشد.

(355) - از زراره روایت کرده است که گفت:

از ربيعة الرأی (1) شنیدم که می گفت: رأی و عقیده من درباره «الأقراء» که خداوند در قرآن مطرح نموده به این معنا است که یک مرحله پاکی در بین دو مرتبه حیض می باشد. سپس به حضور امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و آن چه را که از ربيعة شنیده بودم بیان کردم حضرت فرمود: دروغ گفته است این مطلب را با رأی و عقیده خود نگفته است بلکه آن را از امام علی علیه السلام دریافت کرده است.

عرض کردم: خداوند امور شما را اصلاح نماید! آیا امام علی علیه السلام چنین مطلبی را بیان نموده است؟

فرمود: بلی می فرمود: همان معنای «قُرء» پاکی از خون می باشد که خون در مدّت پاکی، جمع و نگهداری می شود تا وقتی که زمان حیض فرا رسد و پاکی را نابود کند.

ص: 455

1- او ابو عثمان ربيعة بن فروخ تیمی است که با نظریه خود و قیاس در احکام عمل می کرد و در مدینه مفتی اهل سنت بود تاریخ بغداد: ج 8 ص 420 شماره 4531 و تهذیب التهذیب: ج 3 ص 258 شماره 491

قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ رَجُلٌ طَلَّقَ إِمْرَأَتَهُ طَاهِرًا مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَهَادَةِ عَدْلَيْنِ،

قَالَ: إِذَا دَخَلَتْ فِي الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةَ فَقَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا وَحَلَّتْ لِلْأَزْوَاجِ

قَالَ: قُلْتُ: إِنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ يَرُؤُونَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَغْتَسِلْ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ، فَقَالَ: كَذَبُوا قَالَ: وَ كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا رَأَتِ الدَّمَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةَ فَقَدْ انْقَضَتْ عِدَّتُهَا. (1)

457/356] - (وَ فِي رِوَايَةِ رَبِيعَةَ الرَّأْيِ : وَ لَا سَبِيلَ لَهُ عَلَيْهَا، وَ إِنَّمَا الْقُرْءُ مَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ وَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ، فَإِنَّكَ إِذَا نَظَرْتَ فِي ذَلِكَ لَمْ تَجِدِ الْأَقْرَاءَ إِلَّا ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، فَإِذَا كَانَتْ لَا تَسْتَقِيمُ مِمَّا تَحِيضُ فِي الشَّهْرِ مَرَارًا وَ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً، كَانَ عِدَّتُهَا عِدَّةَ الْمُسْتَحَاضَةِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، وَ إِنْ كَانَتْ تَحِيضُ حَيْضًا مُسْتَقِيمًا فَهُوَ فِي كُلِّ شَهْرٍ حَيْضُهُ، بَيْنَ كُلِّ حَيْضَةٍ شَهْرٌ وَ ذَلِكَ الْقُرْءُ.) (2)

ص: 456

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 187/104 ح 22 وسائل الشيعة: 310/22 ذيل ح 28408، و البرهان في تفسير القرآن: 485/1 ح 10، و مستدرک الوسائل: 354/15 ح 18482 و 353 ح 18479 و 355 ح 18486 قطع منه فيها الكافي: 86/6 ح 1 - من قوله: قلت: أصلحك الله - ، و 89 ح 1 - إلى قوله: جاء المحيض دفعه، عنه وسائل الشيعة: 201/22 ح 28384 عوالي اللئالي: 141/2 المسلك الرابع في أحاديث (...)، مجمع البيان: 326/1 بتفات عنه وسائل الشيعة: 309/22 ح 28408 .
- 2- عنه بحار الأنوار: 187/104 ذيل ح 22 و البرهان في تفسير القرآن: 485/1 ذيل ح 10، و مستدرک الوسائل: 355/15 ح 18487 . الكافي: 88/6 ح 9 تهذيب الأحكام: 123/8 ح 28، الاستبصار: 327/3 ح 4، عنهم وسائل الشيعة: 204/22 ح 28393.

عرض کردم: خداوند امور شما را اصلاح نماید! مردی همسر خود را در حالت پاکی و بدون آن که مجامعت و نزدیکی کرده، باشد در حضور دو شاهد عادل طلاق می دهد (حکمش چگونه است)؟

فرمود: موقعی که دو مرحله حیض دید و مرحله سوم نیز حیض شود، عدّه طلاقش پایان یافته و می تواند (با هر کسی که بخواهد) ازدواج کند.

گفتم: اهالی عراق از امام علی علیه السلام روایت کرده اند: تا زمانی که حیض سوم پایان نیافته و غسل نکرده شوهر قبلی او در رجوع اولویت دارد.

فرمود: دروغ گفته اند امام علی علیه السلام می فرمود: چنان چه زن مرحله سوم خون را ببیند عدّه اش پایان یافته است.

356) - و در روایت ربیعة الرأی آمده: مرد حق رجوع به زن را ندارد و همانا «قُرء» ما بین دو مرحله دیدن خون حیض می باشد و هم چنین گفته است: زن حق شوهر کردن ندارد مگر بعد از غسل از حیض سوم

پس موقعی که تو خوب به فتواها دقت کنی در می یابی که «اقراء»، سه مرحله دیدن خون حیض است و باید سه مرحله به طول انجامد بنابراین اگر زن عادت ماهیانه منظمی نداشته باشد بلکه چه بسا چند بار و یا فقط یک بار در یک ماه خون ببیند عدّه او همانند عدّه مستحاضه می باشد که سه ماه خواهد بود، ولی اگر عادت ماهیانه اش منظم باشد در هر ماه یک بار خون حیض می بیند و بین هر دو مرحله حیض یک ماه فاصله می شود و منظور از «قُرء» همین مورد اخیر می باشد.

458/357] - (قَالَ ابْنُ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

الْعِدَّةُ الَّتِي تَحِيضُ وَتَسْتَقِيمُ حَيْضُهَا ثَلَاثَةٌ أَقْرَاءٌ وَهِيَ ثَلَاثُ حِيضٍ) (1)

459/358] - (وَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ: الْقَرْءُ هُوَ الطُّهُرُ إِنَّمَا يُقْرَأُ فِيهِ الدَّمُ حَتَّى إِذَا جَاءَ الْحَيْضُ دَفَعَتْهَا.) (2)

460/359] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ مَتَى تَبِينُ مِنْهُ؟

قَالَ: حِينَ يَطْلُعَ الدَّمُ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ.) (3)

قوله تعالى: (وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (228)

ص: 458

-
- 1- عنه بحار الأنوار 188/104 ح 23 و البرهان في تفسير القرآن: 485/6 ح 11 و مستدرک الوسائل: 352/15 ح 18473 بحذف الذيل ، و 353 ح 18477 بتمامه تهذيب الأحكام: 126/8 ح 33 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام و ح 34 عن أبي بصير الاستبصار: 330/3 ح 9 و ح 10 عنهم وسائل الشيعة: 220/22 ح 28387
 - 2- عنه بحار الأنوار: 188/104 ذيل ح 23، و البرهان في تفسير القرآن: 486/1 ح 12 ، مستدرک الوسائل: 353/15 ح 18478.
 - 3- عنه بحار الأنوار: 188/104 ح 24 و البرهان في تفسير القرآن: 486/1 ح 13 الكافي 88/6 ح 11 بتفصيل، و نحوه تهذيب الأحكام: 124/8 ح 30، الاستبصار: 328/3 ح 6 عنهم وسائل الشيعة 205/22 ح 28395، و 210 ح 28410 .

(357) - ابن مسکان روایت کرده است که گفت:

ابو بصیر گفته است عدّه زنی که خون حیض می بیند و عادت ماهیانه اش منظم است سه «قُرّه» می باشد که سه مرحله دیدن خون حیض خواهد بود.

(358) - از احمد بن محمد روایت کرده است، که گفت:

«قُرّه» همان پاکی است که از خون حیض پاک شود و چون خون حیض جاری گردد پاکی را از بین می برد.

(359) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام در مورد مردی سؤال کردم که همسر خود را طلاق داده چه زمانی از یک دیگر جدای قطعی می شوند؟
فرمود: موقعی که خون حیض را در مرحله ببیند.

فرمایش خداوند متعال: زنان طلاق داده شده باید به مدت سه مرتبه عادت ماهیانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند (و عدّه نگاه دارند) و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند برای آن ها حلال نیست که آن چه را خدا در رحم های ایشان آفریده کتمان کنند و همسرانشان برای بازگرداندن آن ها (و از سر گرفتن زندگی زناشویی) در این مدت (از دیگران) سزاوارتر خواهند بود در صورتی که خواهان اصلاح باشند و برای آنان همانند وظایفی که بر دوش آن ها می باشد. حقوق شایسته ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند و خداوند توان مند حکیم است. (228)

ص: 459

461/360] - (عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (وَ الْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ) يَعْنِي لَا يَحِلُّ لَهَا أَنْ تَكْتُمَ الْحَمْلَ إِذَا طَلَّقَتْ وَ هِيَ حُبْلَى ، وَ الزَّوْجُ لَا يَعْلَمُ بِالْحَمْلِ ، فَلَا يَحِلُّ لَهَا أَنْ تَكْتُمَ حَمْلَهَا وَ هُوَ أَحَقُّ بِهَا فِي ذَلِكَ الْحَمْلِ مَا لَمْ تَضَعْ) (1)

462/361] - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

الْمُطَلَّغَةُ تَبِينُ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرِهِ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ) (2)

463/362] - (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي الْمَرْأَةِ إِذَا طَلَّقَهَا زَوْجَهَا مَتَى تَكُونُ أُمَّلَكَ بِنَفْسِهَا ؟

قَالَ : إِذَا رَأَتْ الدَّمَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ بَانَتْ .) (3)

464/363] - (قَالَ زُرَّارَةُ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

الْأَقْرَاءُ هِيَ الْأَطْهَارُ قَالَ : الْقُرْءُ مَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ .) (4)

ص : 460

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 188/104 ح 25، و وسائل الشيعة : 196/22 ح 28371 و البرهان في تفسير القرآن : 486/1 ح 14 و نور الثقلين: 221/1 ح 853.
 - 2- عنه بحار الأنوار: 188/104 ح 26، و البرهان في تفسير القرآن : 486/1 ح 15، و مستدرک الوسائل 355/15 ح 18483 الكافي : 87/6 ح 3 بإسناده عن زرارة، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، عنه وسائل الشيعة : 206/22 ح 28397.
 - 3- عنه بحار الأنوار: 188/104 ح 27، و البرهان في تفسير القرآن : 486/1 ح 16، و مستدرک الوسائل : 355/15 ح 18484 . الكافي : 87/6 ح 2 و 6 بإسنادهما عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام- فيه من قوله : إذا رأت الدم ، عنهما وسائل الشيعة : 205/22 ح 28396 ، و 206 ح 28398
 - 4- عنه بحار الأنوار: 188/104 ح 28، و البرهان في تفسير القرآن : 486/1 ح 17 . الكافي : 89/6 ح 2 و 3 فيهما القطعة الثانية منه، و ح 4 القطعة الأولى منه و نحوه تهذيب الاحكام 122/8 ح 22 و 23 و 123 - 4 عن أبي عبد الله عليه السلام ، و الاستبصار : 3303 ح 11 - 13 عنه وسائل الشيعة : 201/22 ح 28381 - 28383 - عوالي اللئالي : 385/3 ح 52 نحو الكافي.

(360) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و زانی که طلاق داده شده اند، باید سه مرحله پاکی از خون حیض را عدّه نگاه دارند و جایز نیست که آن چه را خداوند در رحم ایشان آفریده (حاملگی خود را) کتمان نمایند.»

فرمود: منظور این است که زن در صورتی که طلاق داده شده، اگر آبستن باشد و شوهر نداند، حقّ ندارد حاملگی خود را کتمان نماید، با توجّه بر این که مرد تا زمانی که همسرش آبستن باشد و زایمان نکرده در اولویت می باشد

(361) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: زنی که طلاق داده شده در اولین لحظه دیدن خون حیض در مرحله سوم از مرد خود جدا خواهد شد.

(362) - از عبد الرحمان بن ابی عبد الله روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره زنی که شوهرش او را طلاق داده، سؤال شد: چه وقت می تواند آزاد و مالک وجود خود باشد؟

فرمود: زن در اولین لحظه دیدن خون حیض در مرحله سوم از مرد خود جدا خواهد شد.

(363) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: «أقراء» به معنای پاکی از خون حیض است.

و (نیز): فرمود «قرء» پاکی بین دو مرحله دیدن خون حیض می باشد.

قوله تعالى : (الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُعِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُعِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) (229)

465/364- (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ، قَالَ :

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : فِي الرَّجُلِ إِذَا تَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ . قَالَ : أَقَرَّتْ بِالْمِيثَاقِ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ : (فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ .) (1)

466/365- (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

الْمَرْأَةُ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِرُزُوجِهَا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ الَّتِي تُطَلِّقُ ثُمَّ تَرَاجِعُ ثُمَّ تُطَلِّقُ ثُمَّ تَرَاجِعُ ثُمَّ تُطَلِّقُ الثَّلَاثَةَ ، فَلَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ « إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ يَقُولُ : (الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ) وَالتَّسْرِيحُ هُوَ التَّطْلِيقُ الثَّلَاثَةُ (2)

ص : 462

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 154/104 ح 63. والبرهان في تفسير القرآن 488/1 ح 4 الكافي: 501/5 ح 5 بإسناده عن عبد الرحمان بن أعين قال : سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول : ... عنه وسائل الشيعة . 116/20 ح 25179
- 2- عنه بحار الأنوار: 195/104 ح 64 والبرهان في تفسير القرآن: 488/1 ح 5 . الكافي 76/6 ح 3. تهذيب الأحكام : 33/8 ح 17 بتفاوت فيهما، الاستبصار : 274/3 ح 15، عنهم وسائل الشيعة . 118/22 ح 28159

فرمایش خداوند متعال طلاق، (طلاقى که مرد حق رجوع و بازگشت دارد) دو مرتبه است (که در هر مرتبه) باید همسر خود را به طور شایسته نگاهداری کند (و با او دوستی و آشتی نماید) یا با نیکی او را رها سازد (و از او جدا شود) و برای شما حلال نیست که چیزی از آن چه به آن ها داده اید پس بگیرید مگر این که هر دو همسر بترسند که حدود الهی را اجرا نکنند که اگر بترسید که آنان حدود الهی را رعایت نکنند مانعی برای آن ها نیست که زن فدیة و عوضی بپردازد (و طلاق بگیرد)، این ها حدود الهی است پس از آن تجاوز نکنید و هر کسی که از آن تجاوز کند ستمگر خواهد بود. (229)

364) - از عبد الرحمان روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم درباره مردی که ازدواج کرده می فرمود: او بر عهد و میثاقی که خداوند از او گرفته اقرار کرده است که فرموده: «پس یا باید درست با زن زندگی کند و با او را به نیکویی رها کند و طلاقش دهد»

365) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: آن زنی که شوهرش بر و (حرام گشته) حلال نمی شود. مگر آن که به دیگری شوهر کند پس اگر این شوهر بعدی طلاقش داد، می تواند به اولی ازدواج نماید و آن به این صورت می باشد: یک مرتبه طلاقش داده و به او رجوع کرده سپس طلاق (دوم) داد و باز هم رجوع نمود و بعد از آن نیز طلاق سوم داد، دیگر حق رجوع ندارد مگر آن که به دیگری شوهر نماید همان طوری که خداوند فرموده است «طلاق دو مرتبه است و بعد از آن یا باید درست با زن زندگی کند و یا او را به نیکویی رها کند» که معنای «تسریح» همان طلاق سوم می باشد.

ص: 463

467/366] - (قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ) (1) قَالَ هِيَ هَاهُنَا التَّطْلِيقَةُ الثَّلَاثَةُ، فَإِنْ طَلَّقَهَا الْأَخِيرُ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا بِتَزْوِيجٍ جَدِيدٍ.) (2)

468/367] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فِيمَا سَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ) وَالتَّسْرِيحُ بِالْإِحْسَانِ هِيَ التَّطْلِيقَةُ الثَّلَاثَةُ.) (3)

469/368] - (عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِزَوْجِهَا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ؟

قَالَ: هِيَ الَّتِي تُطَلِّقُ ثُمَّ تُرَاجِعُ ثُمَّ تُطَلِّقُ ثُمَّ تُرَاجِعُ ثُمَّ تُطَلِّقُ الثَّلَاثَةَ فَهِيَ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِزَوْجِهَا حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ « ، وَتَذُوقَ عُسَيْلَتِهِ وَ يَذُوقَ عُسَيْلَتَهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ: (الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فِيمَا سَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ) فَانِ التَّسْرِيحُ بِالْإِحْسَانِ التَّطْلِيقَةُ الثَّلَاثَةُ) (4)

470/369] - (عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْفَارِسِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: « فِيمَا سَاكَ

ص: 464

1- سورة البقرة: 230/2

2- سورة البقرة: 230/2

3- عنه بحار الأنوار: 155/104 ح 65، و البرهان في تفسير القرآن: 488/1 ح 7.

4- عنه بحار الأنوار: 155/104 ح 66، و البرهان في تفسير القرآن: 488/1 ح 8 الكافي: 76/6 ح 3 بإسناده عن أبي بصير قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، و ح 5 باختصار، و نحوهما تهذيب الأحكام: 33/8 ح 17، و الاستبصار: 274/3 ح 15، عنهم وسائل الشيعة: 114/22 ح 28152 و 118 ح 28159، دعائم الإسلام: 297/2 ح 1115، عن أبي جعفر وأبي عبد الله عليهما السلام، عنه مستدرک الوسائل: 327/15 ح 18398، النواذر للأشعري: 112 ح 276، عنه البحار: 138/104 ح 7.

(366) - (ابو بصیر) روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و اگر او را طلاق داد پس برای او حلال نیست که با آن زن نکاح کند مگر آن که شوهری دیگر انتخاب کند»، فرمود: منظور از این آیه، در جایی است که زن سه طلاقه گشته که اگر شوهر بعدی طلاقش داد بر این زن و شوهر قبلی او مشکلی نیست که به یک دیگر رجوع نمایند و ازدواج جدید کنند.

(367) - ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند می فرماید: «طلاق دو مرتبه است پس بعد از آن یا باید درست با زن زندگی کند و یا او را به نیکویی رها کند» که معنای «تَسْرِیحٌ بِإِحْسَانٍ»، همان سه طلاقه شدن همسر می باشد.

(368) - از سماعة بن مهران روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت (امام صادق و یا امام کاظم علیهما السلام) درباره آن زنی که شوهرش بر او حلال نیست، مگر آن که به دیگری شوهر کند سؤال کردم؟

فرمود: آن زنی است که یک مرتبه طلاقش داده و به او رجوع کرده، سپس طلاق (دوم) داد و باز هم رجوع نمود و بعد از آن نیز طلاق سوم داد که دیگر حق رجوع ندارد مگر آن که به دیگری شوهر نماید و از یک دیگر کامیاب شوند همان طوری که خداوند فرموده است: «طلاق دو مرتبه است پس بعد از آن یا باید درست با زن زندگی کند و یا او را به نیکویی رها کند»، که معنای «تَسْرِیحٌ» همان طلاق سوم می باشد

(369) - از ابو القاسم فارسی روایت کرده است که گفت:

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم! خداوند در کتابش می فرماید: «پس بعد

بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ) وَمَا يَعْنِي بِذَلِكَ؟

قَالَ: أَمَّا الْأَمْسَاكُ بِالْمَعْرُوفِ فَكَفُّ الْأَذَى وَإِجْبَاءُ [إِحْبَاءِ] النَّفَقَةِ، وَأَمَّا التَّسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ فَالطَّلَاقُ عَلَى مَا نَزَلَ بِهِ الْكِتَابُ. (1)

471/370]- (عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَا يَنْبَغِي لِمَنْ أَعْطَى اللَّهُ شَيْئاً أَنْ يَرْجِعَ فِيهِ، وَمَا لَمْ يُعْطِ لِلَّهِ وَفِي اللَّهِ فَلَهُ أَنْ يَرْجِعَ فِيهِ، نَحْلَهُ كَأَنْتَ أَوْ هَبَيْتَهُ، جِيزَتْ أَوْ لَمْ تُجْزَ، [وَلَا يَرْجِعُ الرَّجُلُ لِيَوْمٍ مَا يَهَبُ لِامْرَأَتِهِ، وَلَا الْمَرْأَةُ فِيَوْمَ مَا تَهَبُ لِزَوْجِهَا. جِيزَتْ أَوْ لَمْ تُجْزَ]، (2) أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: (وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئاً)؟ وَقَالَ: (فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْساً فَكُلُوهُ هَنِيئاً مَرِيئاً). (3). (4)

472 / 371]- (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُخْتَلَعِ كَيْفَ يَكُونُ خُلْعُهَا؟

فَقَالَ: لَا يَجِلُّ خُلْعُهَا حَتَّى تَقُولَ: وَاللَّهِ! لَا أُبْرِّ لَكَ قَسَمًا وَلَا أُطِيعُ لَكَ أَمْرًا وَلَا أُوطِئَنَّ فِرَاشَكَ وَلَا دُخْلَنَّ عَلَيْكَ بِغَيْرِ إِذْنِكَ فَإِذَا هِيَ قَالَتْ ذَلِكَ حَلَّ خُلْعُهَا،

ص: 466

1- عنه بحار الأنوار: 155/104 ح 67، وسائل الشيعة: 512/21 ح 27726، والبرهان في تفسير القرآن: 489/1 ح 9.

2- ما بين المعقوفتين لم يرد في الطبع الجدي

3- سورة النساء: 4/4

4- عنه بحار الأنوار: 188/103 ح 3، والبرهان في تفسير القرآن: 490/1 ح 5، ومستدرک الوسائل: 69/14 ح 16119 فيه إلى قوله: أو لم تجز وفيه: حيزت أو لم تجز، بدل حيزت أو لم تجز، و 71 ح 16125 القطعة الأخيرة منه. الكافي: 30/7 ح 3 بإسناده عن زرارة، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، ونحوه تهذيب الأحكام: 152/9 ح 1، والاستبصار: 110/4 ح 17 عنهم وسائل الشيعة: 231/19 ح 24479.

از آن یا باید درست با زن زندگی کند و یا او را به نیکویی رها کند» معنا و مقصود آن چیست؟

فرمود: اما «فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ»، یعنی (به او) اذیت و آزار نرساند و هزینه زندگی او را بدون نقصان و بدون منت تأمین کند؛ و اما «تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» آن طلاق می باشد که کتاب (و سنت) بیان نموده است.

(370) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: سزاوار نیست چیزی را که انسان در راه خدا داده پشیمان شود و پس بگیرد ولی آن چه را که برای خدا و در راه او نداده می تواند پس بگیرد خواه آن که به عنوان مهریه باشد و یا هدیه و بخشش و یا این که قابل تصرف باشد یا نباشد

هم چنین چیزی را که مرد به همسر خود داده است و یا زن به شوهر خود داده - قابل حیات و تصرف باشد یا نباشد - حق رجوع ندارند؛ مگر خداوند متعال نفرموده است: «پس برای شما حلال نیست پس گرفتن مقداری از آن چه را که به همسرانتان داده اید»؟ و نیز فرموده است چنان چه همسرانتان با رغبت و رضایت چیزی را به شما دادند، بخورید که نوش جانتان و گوارایتان باد»

(371) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره طلاق خلع سؤال کردم که چگونه واقع می شود؟

فرمود: طلاق خلع همسر صحیح نیست مگر آن که زن (به شوهر) خود بگوید: به خداوند سوگند! هیچ موقع به سوگند تو اهمیتی نمی دهم فرمان تو را رعایت و اطاعت نمی کنم مردی دیگر را در رختخواب تو وارد می گردانم و بدون اجازه تو بر تو وارد می شوم هنگامی که چنین نکاتی را بگوید طلاق خلع او حلال واقع خواهد شد.

ص: 467

وَ حَلَّ لَهُ مَا أَخَذَ مِنْهَا مِنْ مَهْرِهَا وَ مَا زَادَ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى (فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ) وَ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ بِتَطْلِيْقِهِ وَ هِيَ أَمْلَكُ بِنَفْسِهَا، إِنْ سَاءَتْ نِكَحَتُهُ، وَ إِنْ سَاءَتْ فَلَا فَإِنْ نَكَحَتْهُ فَهِيَ عِنْدَهُ عَلَى نِثْتَيْنِ. (1)

473/372]- (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ) فَقَالَ: إِنْ اللَّهُ غَضِبَ عَلَى الرَّأْيِيِّ فَجَعَلَ لَهُ جَلْدَ مَائَةٍ فَمَنْ غَضِبَ عَلَيْهِ فَرَادَ فَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُ بَرِيءٌ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ (تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا) (2)

474/373]- (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَضَالَةَ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ إِمْرَأَتَهُ عِنْدَ فُرْجِهَا تَطْلِيْقَةً ثُمَّ لَمْ يُرَاجِعْهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا عِنْدَ فُرْجِهَا الثَّالِثَةَ فَبَانَتْ مِنْهُ، أَلَيْسَ أَنْ يُرَاجِعَهَا؟

قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: قَبْلَ أَنْ يَتَزَوَّجَ زَوْجًا غَيْرَهُ؟

قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ لَهُ: فَرَجُلٌ طَلَّقَ إِمْرَأَتَهُ تَطْلِيْقَةً ثُمَّ رَاجَعَهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا ثُمَّ رَاجَعَهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا؟ قَالَ: لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ. (3)

ص: 468

1- عنه بحار الأنوار: 163/104 ح 5، وسائل الشيعة : 282/22 ح 28596، و البرهان في تفسير القرآن : 490/1 ح 6، و نور الثقلين : 224/1 ح 863 الكافي : 139/6 ح 1 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، و نحوه من لا يحضره الفقيه : 523/3 ح 4821، و تهذيب الأحكام : 95/8 ح 1، و الاستبصار : 315/3 ح 1، عنهم وسائل الشيعة : 280/22 ح 28590، عوالي اللئالي : 395/3 ح 12

2- عنه بحار الأنوار : 52/79 ح 42، و وسائل الشيعة : 18/28 ح 34311، و البرهان في تفسير القرآن : 490/1 ح 1 و نور الثقلين : 224/1 ح 864.

3- عنه بحار الأنوار: 155/104 ح 68، و البرهان في تفسير القرآن : 492/1 ح 8

و آن چه را که مرد از زن در برابر طلاقش بگیرد - خواه مهریه باشد و یا بیشتر از آن - جایز و حلال می باشد؛ و این همان فرمایش خداوند متعال است (که فرموده): «و برای ایشان مشکلی نیست نسبت به آن چه انجام داده است».

و موقعی که چنین جریانی انجام پذیرد زن از مرد جدا گشته و زن نسبت به خود مالک و اختیاردار می باشد اگر مایل بود با مرد (مجدداً) ازدواج می کند و اگر مایل نبود خیر، پس اگر به همان مرد شوهر کند این زن نزد او در دو مرحله (نکاح) می باشد

(372) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «آن چه گذشت، بیان احکام و حدود الهی است، از آن تجاوز نکنید که هر کس از حدود خداوند تجاوز نماید، ستمگر خواهد بود» فرمود: به راستی خداوند بر زناکار غضب نموده و برای مجازاتش یک صد ضربه شلاق قرار داده است پس هر کسی که بر او غضب کند و بیش از آن را بزند من در پیشگاه خداوند از او بیزار خواهم بود؛ و این همان فرمایش خداوند متعال است (که فرموده): «آن ها احکام و حدود الهی است، از آن تجاوز نکنید»

(373) - از عبد الله بن فضاله روایت کرده است که گفت:

از امام کاظم علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که همسر خود را هنگام پاکی از خون حیض طلاق داده و رجوع نکرده سپس هنگام پاکی سوم نیز او را طلاق داد و از یک دیگر جدا شدند آیا می تواند به او رجوع نماید؟

فرمود: بلی. عرض کردم آیا پیش از آن که زن با مردی دیگر ازدواج کند؟! فرمود: بلی گفتم: بنابراین اگر مردی زن خود را یک بار طلاق دهد و رجوع نماید، سپس طلاق دهد و رجوع کند مرتبه سوم نیز طلاق دهد چگونه است؟

فرمود حلال نیست، مگر آن که با مردی دیگر ازدواج نماید (سپس اگر طلاقش داد می تواند با اولی ازدواج نماید)

475/374]- (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الطَّلَاقِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَهُ « حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ » قَالَ لِي: أَخْبِرَكَ بِمَا صَنَعْتُ أَدَا بِامْرَأَةٍ كَأَنَّ عِنْدِي فَأَرَدْتُ أَنْ أُطَلِّقَهَا فَتَرَكَتُهَا حَتَّى إِذَا طَمِثْتُ ثُمَّ طَهَّرْتُ، طَلَّقْتُهَا مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ بِشَاهِدَيْنِ، ثُمَّ تَرَكَتُهَا حَتَّى إِذَا كَادَتْ أَنْ تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا رَاجَعْتُهَا وَدَخَلْتُ بِهَا وَمَسَسْتُهَا وَتَرَكَتُهَا حَتَّى طَمِثْتُ وَطَهَّرْتُ ثُمَّ طَلَّقْتُهَا بِغَيْرِ جَمَاعٍ بِشَاهِدَيْنِ ثُمَّ تَرَكَتُهَا حَتَّى إِذَا كَادَتْ أَنْ تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا رَاجَعْتُهَا وَدَخَلْتُ بِهَا وَمَسَسْتُهَا ثُمَّ تَرَكَتُهَا حَتَّى طَمِثْتُ فَطَهَّرْتُ ثُمَّ طَلَّقْتُهَا بِشُهُودٍ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَإِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ بِهَا لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِي بِهَا حَاجَةٌ. (1)

قوله تعالى: (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (230)

476/375]- (عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ فَتَزَوَّجَتْ بِالْمُنْعَةِ أَتَحِلُّ لِرِوَجِهَا الْأَوَّلِ؟

ص: 470

1- عنه بحار الأنوار. 156/104 ح 69 و البرهان في تفسير القرآن: 492/1 ح 9 و مستدرک الوسائل: 324/15 ح 18387 الكافي 75/6 ح 1، تهذيب أحكام: 41/8 ح 44 بتفاوت يسير فيهما، عنهما وسائل الشيعة: 119/22 ح 28161

از امام باقر علیه السلام در مورد طلاق که رجوع در آن حلال نیست مگر آن که زن با مردی دیگر ازدواج کند سؤال کردم؟

فرمود: بر آن چه در رابطه با خانمی که انجام داده ام تو را شنا می نمایم موقعی که خواستم او را طلاق دهم رهایش کردم تا خون حیض دید و چون پاک شد بدون آن که بعد از آن با او نزدیکی کرده باشم در حضور دو شاهد عادل طلاقش دادم پس از آن رهایش نمودم تا اواخر عده اش رسید سپس رجوع کرده و با او مجامعت کردم باز وهایش نمودم تا خون حیض دید و چون پاک شد نیز بدون آن که نزدیکی کرده باشم در حضور دو شاهد عادل طلاقش دادم و به حال خود رهایش کردم موقعی که به نزدیکی پایان عده اش رسید رجوع کرده و زناشویی انجام دادم باز هم رهایش نمودم تا خون حیض دید و چون پاک شد نیز بدون آن که نزدیکی کرده باشم در حضور دو شاهد عادل طلاقش دادم اما دلیل این که با او چنین کردم؛ چون (مشکلاتی داشت و برای ادب و تربیت او ناچار به این برخورد بودم و چندان) نیازی به او نداشتم

فرمایش خداوند متعال: پس اگر (بعد از دو مرحله طلاق و رجوع) او را طلاق داد از آن به بعد زن بر او حلال نخواهد بود مگر این که همسر دیگری را انتخاب کند (و با او آمیزش نماید)، پس اگر (همسر دوم) او را طلاق داد گناهی

ندارد که بازگشت کنند. در صورتی که امیدوار باشند که حدود الهی را محترم می شمارند این ها حدود الهی است که خداوند آن را برای گروهی که آگاه هستند بیان می نماید. (230)

375) - از حسن بن زیاد روایت کرده است که گفت:

به آن حضرت (امام صادق علیه السلام) عرض کردم: مردی با زنی ازدواج کرده سپس او را به نوعی طلاق داده و مرد دیگری با او ازدواج موقت کرد، آیا برای

قَالَ: لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَدْخُلَ فِي مِثْلِ الَّذِي خَرَجْتَ مِنْ عِنْدِهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُعِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ الَّتِي لَمْ يَمَسَّ فِيهَا طَلَقٌ) (1)

477 / [376] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الطَّلَاقِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ؟

قَالَ: هُوَ الَّذِي يُطَلَّقُ ثُمَّ تَرَاجَعُ - وَ الرَّجْعَةُ هُوَ الْجَمَاعُ - ثُمَّ يُطَلَّقُ ثُمَّ يَرَاغِعُ ثُمَّ يُطَلَّقُ الثَّلَاثَةَ فَلَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ وَ قَالَ: الرَّجْعَةُ الْجَمَاعُ وَ إِلَّا فَهِيَ وَاحِدَةٌ) (2)

478/[277] - (عَنْ عُمَرَ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِامْرَأَتِهِ: أَنْتِ طَالِقَةٌ ثُمَّ رَاجَعَهَا ثُمَّ قَالَ: أَنْتِ طَالِقَةٌ لَمْ تَحِلِّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا وَ لَمْ يُشْهَدْ فَهُوَ يَتَزَوَّجُهَا إِذَا شَاءَ) (3)

ص: 472

1- عنه بحار الأنوار: 156/104 ح 70، و البرهان في تفسير القرآن: 492/1 ح 10، و نور الثقلين: 225/12 ح 870 و مستدرک الوسائل: 328/15 ح 18402. كتاب درست بن أبي منصور (المطبوع ضمن الأصول الستة عشر): 165 بإسناده عن الحسن الصيقل، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير عنه مستدرک الوسائل: 329/15 ح 18404، و نحوه تهذيب الأحكام: 34/8 ح 22 و الاستبصار: 275/3 ح 20، عنهما وسائل الشيعة: 132/22 ح 28199.

2- عنه بحار الأنوار: 156/104 ح 71، و البرهان في تفسير القرآن: 492/1 ح 110، و مستدرک الوسائل: 323/15 ح 18386، و 331 ح 18411. الكافي: 74/6 ح 5 بإسناده عن إسحاق بن عمّار، عن أبي الحسن عليه السلام، فيه القطعة الأخيرة منه

3- عنه بحار الأنوار: 156/104 ح 72، و وسائل الشيعة: 123/22 ح 28173، و البرهان في تفسير القرآن: 493/1 ح 12، و مستدرک الوسائل: 289/15 ح 18273

او ازدواج با شوهر اولش حلال می باشد؟

فرمود، نه مگر اینکه با شوهر دوم ازدواج (دائم) کند (که بعد از طلاق اگر طلاقش دهد حق رجوع دارد)؛ زیرا خداوند متعال فرموده است: «پس چنانچه شوهر، همسر خود را طلاق دهد رجوع برایش جایز نیست، مگر آن که به دیگری شوهر کند، پس اگر دومی طلاقش داد مانعی نیست که با شوهر اولی ازدواج کند اگر احتمال دهند که می توانند به حدود و احکام خداوند اهمیت داده و آن را اجرا کنند»، ضمناً در نکاح متعه و ازدواج موقت طلاق نمی باشد (و تا زمانی که زناشویی و سپس طلاق نباشد برای نفر اول حلال نمی شود)

(376) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام در مورد طلاق که رجوع در آن حلال نیست مگر آن که زن با مردی دیگر ازدواج کند سؤال کردم؟

فرمود: آن در موردی است که او طلاق داده و (پیش از تمام شدن عده) رجوع و زناشویی نموده پس از آن دو مرتبه طلاق داد و رجوع نمود تا مرتبه سوم که دیگر بر او حلال نمی باشد مگر آن که به دیگری شوهر کند (و طلاقش دهد).

(377) - از عمر بن حنظله روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: چنانچه مردی به همسر خود بگوید: تو را طلاق دادم سپس به او رجوع کند دو مرتبه طلاقش دهد و رجوع نماید و نیز مرتبه سوم طلاقش دهد دیگر برای او حلال نمی باشد مگر آن که به دیگری شوهر کند پس اگر شوهر بعدی طلاقش داد و رجوع نکرد می تواند در صورت تمایل با شوهر اولی ازدواج نماید.

ص: 473

479/378] - (مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ، ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى انْقَضَتْ عِدَّتُهَا، ثُمَّ تَزَوَّجَهَا، ثُمَّ طَلَّقَهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا، حَتَّى فَعَلَ ذَلِكَ بِهَا ثَلَاثًا. قَالَ: لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ) (1)

480/379] - (عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ طَلَاقًا لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَتَزَوَّجَهَا عَبْدٌ ثُمَّ طَلَّقَهَا هَلْ يَهْدِمُ الطَّلَاقُ؟

قَالَ: نَعَمْ لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ) وَهُوَ أَحَدُ الْأَزْوَاجِ. (2)

481/380] - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ الطَّلَاقَ طَلَّقَهَا مِنْ قَبْلِ عِدَّتِهَا فِي غَيْرِ جَمَاعٍ، فَإِنَّهُ إِذَا طَلَّقَهَا وَاحِدَةً ثُمَّ تَرَكَهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجْلُهَا وَشَاءَ أَنْ يَخْطُبَ مَعَ الْخُطَابِ فَعَلَّ، فَإِنْ رَاجَعَهَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُوَ الْأَجَلَ أَوْ الْعِدَّةَ فَهِيَ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيْقِهِ، فَإِنْ طَلَّقَهَا الثَّانِيَةَ فَشَاءَ أَيضًا أَنْ يَخْطُبَ مَعَ الْخُطَابِ إِنْ كَانَ تَرَكَهَا حَتَّى يَخْلُوَ أَجْلُهَا وَإِنْ شَاءَ رَاجَعَهَا قَبْلَ أَنْ يَنْقُضِيَ أَجْلَهَا فَإِنْ فَعَلَ فَهِيَ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيْقَتَيْنِ فَإِنْ

ص: 474

1- عنه بحار الأنوار: 157/104 ح 73 و البرهان في تفسير القرآن: 1/493 ح 13، و مستدرک الوسائل: 15/322 ح 18381 تهذيب الأحكام: 8/65 ح 133 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام، و ح 134 عن محمد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السلام، و نحوهما الاستبصار: 3/297 ح 5 و 6، عنهما وسائل الشيعة: 22/111 ح 28146 .

2- عنه بحار الأنوار: 157/104 ح 74، و البرهان في تفسير القرآن: 1/493 ح 14 و مستدرک الوسائل: 15/329 ح 18405 . الكافي: 5/425 ح 3 عنه وسائل الشيعة: 22/133 ح 28204، النوادر للأشعري: 112 ح 277، عنه البحار: 104/139 ح 8.

(378) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که همسر خود را طلاق داده و بعد از سپری شدن عده اش با او ازدواج کرده ولی بدون عمل مجامعت طلاقش داده و این برنامه را سه مرتبه انجام داده (سؤال کردم؟)

فرمود: بر او حلال نمی باشد مگر آن که به دیگری شوهر کند (و طلاقش دهد).

(379) - از اسحاق بن عمّار روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال کردم که همسر خود را به نوعی طلاق داده که دیگر بر او حلال نمی باشد بعد از آن زن با عبد و غلامی (زر خرید) ازدواج کرد و طلاقش داد آیا اثر آن طلاق قبلی را از بین برده و بی اثر می نماید؟

فرمود: بلی چون خداوند فرموده است: «مگر آن که شوهری دیگر با او نکاح کند» و غلام هم یکی از شوهران می باشد

(380) - از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هنگامی که مردی بخواهد همسر خویش را طلاق دهد و او را پیش از ورود به عادت ماهیانه اش - بدون آن که نزدیکی کرده باشد - طلاق داده و رهایش کند تا عده اش سپری گردد، چنان چه بخواهد (بعد از عده) رجوع و دوستی نماید باید همانند یک فرد بیگانه هم چون دیگران از او خواستگاری نماید.

ولی اگر پیش از سپری شدن عده اش به او رجوع کرد (مانعی ندارد و) با یک دیگر زندگی می کنند اما اگر باز هم او را طلاق داد و رجوع نکرد، همانند دیگران از او خواستگاری می کند مگر آن که پیش از پایان عده اش رجوع کرده باشد (که مانعی ندارد و همانند قبل، زن و شوهر هستند) و این طلاق دوم محسوب می شود اما اگر باز هم طلاقش داد سه طلاقه شده است و دیگر حق

ص: 475

طَلَّقَهَا ثَلَاثًا فَلَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ، وَهِيَ تَرْتُّ وَتُورَثُ مَا كَانَتْ فِي الدَّمِّ فِي التَّطْلِيقَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ. (1)

قوله تعالى: (وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) (231)

[381]/482 - (عَنْ زُرَّارَةَ وَحُمَرَانَ ابْنَيْ أَعِينٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالُوا:

سَأَلْنَا هُمَا عَنْ قَوْلِهِ (وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِيَتَعْتَدُوا)؟

فَقَالَا: هُوَ الرَّجُلُ يُطَلِّقُ الْمَرْأَةَ تَطْلِيقَهُ وَاحِدَةً ثُمَّ يَدْعُهَا حَتَّى إِذَا كَانَ آخِرُ عِدَّتِهَا رَاجِعَهَا ثُمَّ يُطَلِّقُهَا أُخْرَى فَيَتْرُكُهَا مِثْلَ ذَلِكَ فَنَهَيْهُ ذَلِكَ. (2)

ص: 476

1- عنه بحار الأنوار: 157/104 ح 75، والبرهان في تفسير القرآن: 493/1 ح 15، و مستدرک الوسائل: 322/15 ح 18379 و 198/17 ح 21138 قطعتان منه الكافي: 69/6 ح 9، تهذيب الأحكام: 29/8 ح 5، الاستبصار: 270/3 ح 3، عنهم وسائل الشيعة: 106/22 ح 28138، و 113 ح 28150

2- عنه بحار الأنوار: 157/104 ح 76، و وسائل الشيعة: 172/22 ح 28311 و البرهان في تفسير القرآن: 494/1 ح 4.

رجوع و خواستگاری نخواهد داشت مگر آن که مردی دیگر با او نکاح کند

ضمناً این زنی که طلاق داده شده با شوهرش که طلاقش داده در مدّت عدّه طلاق اول و دوم (چنان چه یکی بمیرد) از یک دیگر ارث می برند

فرمایش خداوند متعال: و هنگامی که زنان را طلاق دادید و آنان به آخرین روز های عدّه (طلاق) رسیدند پس به شیوه ای صحیح آن ها را نگاهداری کنید و یا به گونه ای پسندیده آن ها را رها سازید و هیچ گاه به خاطر زیان رساندن و تعدّی کردن آن ها را نگاه ندارید و کسی که چنین کند. به خویشتن ستم کرده است (و با این رفتار ناپسند) آیات خدا را به استهزا نگیرید و به یاد بیاورید نعمت خدا را بر خود و کتاب آسمانی و علم و دانشی را که بر شما نازل کرده است و شما را با آن پند می دهد پس از (غضب و عذاب) خدا بپرهیزید و بدانید که خداوند از هر چیزی (نسبت به اعمال و نیت شما، آشکار یا پنهان) آگاه است. (231)

381) - از زراره و حمران فرزندان اعمین و از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفته اند:

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره فرمایش خداوند متعال: « و همسران خود را به خاطر ضرر زدن و ستم بر آن ها نگاه ندارید» سؤال کردیم؟

فرمودند: در مورد مردی است که همسر خود را طلاق می دهد و در زمان پایانی عدّه اش رجوع می کند سپس طلاقش می دهد و نیز رجوع می نماید تا سه مرتبه که خداوند از این کار نهی نموده است.

ص: 477

483/382]- (عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا)؟

قَالَ: الرَّجُلُ يُطَلِّقُ حَتَّى إِذَا كَادَتْ أَنْ يَخْلُوَ أَجْلَهَا رَاجِعَهَا ثُمَّ طَلَّقَهَا ثُمَّ رَاجِعَهَا يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَنَهَى اللَّهُ عَنْهُ . (1)

484/383]- (عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ لِقِضَاءِ اللَّهِ سَاحِطًا، وَ مَنْ أَصْبَحَ يَشْكُو مُصِيبَةً نَزَلَتْ بِهِ فَقَدْ أَصْبَحَ يَشْكُو اللَّهَ، وَ مَنْ أَتَى غَنِيًّا فَتَوَاصَعَ لِغِنَاهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِثَلْثِي دِينِهِ، وَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ ثُمَّ دَخَلَ النَّارَ فَهُوَ مِمَّنْ كَانَ يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَ مَنْ لَمْ يَسْتَشِيرْ يَنْدَمْ وَ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ . (2)

ص: 478

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 157/104 ح 77 و وسائل الشيعة: 172/22 ذيل ح 28310 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 494/1 ح 5 و مستدرک الوسائل: 342/15 ح 18445. من لا يحضره الفقيه: 501/3 ح 4761، عنه وسائل الشيعة: 172/22 ح 8310، دعائم الإسلام: 294/2 ح 1108 عن الإمام عليّ و جعفر بن محمد عليهما السلام بتفاوت يسير، عنه مستدرک الوسائل: 342/15 ح 18446
- 2- عنه بحار الأنوار: 45/72 ح 54، و 104/75 ح 35 و 196 ح 21 قطعة منه، و 182/92 ح 17 أخرى قطعة منه، و البرهان في تفسير القرآن: 494/1 ح 1، و مستدرک الوسائل: 235/4 ح 4583 و 341/8 ح 9607 قطعتان منه فيهما. الاختصاص: 226 (حديث في زيارة المؤمن لله) عن رفاعة عن أبي عبد الله عليه السلام، الأمامي للمفيد: 188 ح 15 (المجلس الثالث و العشرون) عنهما البحار: 43/77 ح 13، و نحوه الأمامي للطوسي: 229 ح 404 (المجلس الثامن) عنه البحار: 348/13 ح 35، و 196/78 ح 18، تحف العقول: 6 (وصيّته صلى الله عليه و آله لأئمة المؤمنين عليه السلام) عنه البحار: 56/78 ح 118، جواهر السنّة للشيخ الحرّ العاملي: 137، نقلاً عن الإمام الصادق عليه السلام بتفاوت يسير .

(382) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و همسران خود را به خاطر ضرر زدن و ستم بر آن ها نگاه ندارید»، سؤال کردم؟ فرمودند: در مورد مردی است که همسر خود را طلاق می دهد و در زمان پایانی عده اش رجوع می کند سپس طلاقش می دهد و نیز رجوع می نماید تا سه مرتبه که خداوند از این کار نهی نموده است.

(383) - از عمرو بن جُمیع روایت کرده که به طور مرفوعه گفته است:

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: در کتاب تورات نوشته شده است: هر کس نسبت به دنیا اندوهناک و حریص باشد در برابر مقدرات خداوند خشمناک خواهد گشت؛ هر کس برای مصیبتی که به وی نازل شده (برای افراد درد دل و) شکایت کند از خداوند شکایت کرده است.

هر شخصی که در برابر ثروتمندی به خاطر ثروتش تواضع و فروتنی کند خداوند دو سوم دین او را از بین می برد؛ هر کسی که از این امت (محمد صلی الله علیه و آله) قرآن را قرائت کند سپس داخل دوزخ شود از افرادی می باشد که آیات قرآن را مسخره می دانسته اند؛ و هر کسی که در کار هایش مشورت نکند پشیمان می شود و فقر و تنگدستی برای آدمی مرگ بزرگی می باشد.

ص: 479

قوله تعالى: (وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِينَ عَنْ أَوْلَادِهِنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (233)

485/384]- (داؤدُ بْنُ الْحَصِينِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

(وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِينَ عَنْ أَوْلَادِهِنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ) قَالَ: مَا دَامَ الْوَلَدُ فِي الرَّضَاعِ فَهُوَ بَيْنَ الْأَبَوَيْنِ بِالسَّوِيَّةِ فَإِذَا فُطِمَ فَأَلَابَ أَحَقُّ مِنَ الْأُمِّ فَإِذَا مَاتَ الْأَبُ فَأَلَامُ أَحَقُّ بِهِ مِنَ الْعَصَبَةِ، وَإِنْ وَجَدَ الْأَبُ مَنْ يُرْضِعُهُ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَقَالَتِ: الْأُمُّ لَا أَرْضِعُهُ إِلَّا بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ، فَإِنَّ لَهُ أَنْ يَنْزِعَهُ مِنْهَا، إِلَّا أَنْ ذَلِكَ خَيْرٌ [أَخِيرًا] لَهُ وَ أَقْدَمُ وَ أَزْفَقُ بِهِ أَنْ يُتْرَكَ مَعَ أُمِّهِ . (1)

ص: 480

1- عنه بحار الأنوار 133/104 ح 1 و البرهان في تفسير القرآن: 497/6 ح 9، و مستدرک الوسائل: 162/15 ح 17865 الكافي: 45/6 ح 4 من لا- يحضره الفقيه: 434/3 ح 4501 تهذيب الأحكام: 104/8 ح 1، الاستبصار 320/3 ح 1 عنهم وسائل الشيعة: 470/21 ح 27611 عوالي اللئالي: 369/3 ح 345

فرمایش خداوند متعال: مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر کسی که فرزند برای او متولد شده (یعنی بر پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور متعارف (در مدت شیر دادن پردازد اگر چه طلاق گرفته باشد) و هیچ کسی موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر هم چنین بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد (یعنی هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید) و اگر آن دو با رضایت یک دیگر و مشورت بخواهند کودک را (زودتر) از شیر باز گیرند گناهی بر آن ها نیست و اگر (با عدم توانایی یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیریید گناهی بر شما نیست به شرط این که حق گذشته مادر را به طور متعارف پردازید و (از مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزیید و بدانید که خداوند به آن چه انجام می دهید بیناست! (233)

384- از داود بن حصین روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «مادران نوزادان خود را دو سال کامل شیر دهند» فرمود: تا موقعی که فرزند شیر خوار باشد پدر و مادر به طور مساوی حق نگهداری دارند و پس از شیر خوارگی پدر در اولویت می باشد و اگر پدر بمیرد مادر نسبت به دیگر ورثه در اولویت خواهد بود و چنان چه پدر زن شیر دهی را پیدا کند که مثلاً چهار درهم ولی مادر پنج در هم می گیرد پدر می تواند شیر خوار را از مادر بگیرد و به آن زن (دایه) بدهد ولی بچه را نزد مادر نهادن مناسب تر خواهد بود.

ص: 481

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ)

قَالَ: الْجَمَاعُ. (1)

487/386] - (عَنْ الْحَلْبِيِّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى:] (لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ) قَالَ:

كَانَتْ الْمَرْأَةُ مِمَّنْ تَرْفَعُ يَدَهَا إِلَى الرَّجُلِ إِذَا أَرَادَ مُجَامَعَتَهَا فَتَقُولُ: لَا أَدْعُكَ إِلَيَّ أَخَافُ أَنْ أَحْمِلَ عَلَيَّ وَلَا يَدِي وَيَقُولُ الرَّجُلُ لِلْمَرْأَةِ: لَا أُجَامِعُكَ إِلَيَّ أَخَافُ أَنْ تَعْلَقِي فَأَقْتُلَ وَلَدِي، فَنَهَى اللَّهُ عَنْ أَنْ يُضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَالْمَرْأَةُ الرَّجُلَ (2)

488/387] - (عَنْ أَلْعَلَاءَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ)؟

قَالَ: هُوَ فِي التَّفَقُّهِ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ مَا عَلَى الْوَالِدِ.

وَعَنْ جَمِيلٍ عَنْ سُورَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِثْلُهُ. (3)

ص: 482

1- عنه بحار الأنوار: 294/103 ح 44 ووسائل الشيعة: 458/21 ح 27575، والبرهان في تفسير القرآن: 497/1 ح 10.

2- عنه بحار الأنوار: 294/103 ح 45، ووسائل الشيعة: 458/21 ح 27573 أشار إليه، والبرهان في تفسير القرآن 497/1 ح 11. الكافي: 41/6 ح 6 بإسناده عن أبي الصَّبَّاحِ الكِنَانِيِّ، عن أبي عبد الله عليه السلام، و 103 ح 3 عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير فيهما، ونحوهما تهذيب الأحكام: 418/7 ح 45، و 180/10 ح 1 عنهما وسائل الشيعة: 189/20 ح 25392 و 457/21 ح 27573

3- عنه بحار الأنوار: 75/104 ح 6 و 7، ووسائل الشيعة: 527/21 ح 27767، والبرهان في تفسير القرآن: 497/1 ح 12 و نور

الثقلين: 228/1 ح 885 دعائم الإسلام: 290/2 ح 1091

(385) - از جمیل بن درّاج روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «مادر حق ندارد به نوزاد خود ضرر و آسیبی برساند» سؤال کردم؟

فرمود: مقصود حالت مجامعت و زناشویی است

(386) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره (فرمایش خدای متعال): «مادر حق ندارد به نوزاد خود ضرر و آسیبی برساند» فرمود: برخی زنان (بچه شیرده) بودند که هرگاه شوهرش می خواست با او هم بستر شود دست خود را به سمت شوهرش بالا می برد و با گفتن: می ترسم آبستن شوم و به فرزند (شیرخوارم) ضرر و صدمه ای وارد شود مانع از مجامعت شوهر می گشت و مرد نیز متقابلاً می گفت: مجامعت نمی کنم که مبادا آبستن شوی و فرزندم از بین برود.

پس خدای عزّ و جلّ نهی نمود از این که زن و مرد بخواهند به یک دیگر ضرر و آسیب برسانند.

(387) - از علاء به نقل از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از یکی از دو امام (باقر و یا صادق) علیهما السلام درباره فرمایش خداوند: «و بر وارث همانند آن می باشد» سؤال نمودم؟

فرمود: مقصود از آن نفقه و خرجی است که بر ورثه واجب است تا نفقه (زن و شیرخوارش) را تأمین و پرداخت کنند.

همین حدیث به نقل از، جمیل از سوره از امام باقر علیه السلام نیز وارد شده است.

ص: 483

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ)؟

قَالَ: لَا يَنْبَغِي الْوَارِثُ أَنْ يُضَارَّ الْمَرْأَةُ فَيَقُولَ: لَا أَدْعُ وَلَدَهَا يَأْتِيهَا وَيُضَارَّ وَلَدَهَا إِنْ كَانَ لَهُمْ عِنْدَهُ شَيْءٌ وَلَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقْتَرَّ عَلَيْهِ. (1)

490/389] - (عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

الْمُطَلَّقَةُ يُنْفَقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَصْعَ حَمْلُهَا وَ هِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا أَنْ تُرْضِيَ عَنْهُ مِمَّا تَقْبَلُهُ امْرَأَةٌ أُخْرَى، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ) إِنَّهُ نَهَى أَنْ يُضَارَّ بِالصَّبِيِّ أَوْ يُضَارَّ بِأُمِّهِ فِي رِضَاعِهِ، وَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَأْخُذَ فِي رِضَاعِهِ فَوْقَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ فَإِنْ أَرَادَ الْفِصَالَ قَبْلَ ذَلِكَ عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا كَانَ حَسَنًا، وَ الْفِصَالُ هُوَ الْفِطَامُ. (2)

قوله تعالى: (وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) (234)

ص: 484

1- عنه بحار الأنوار: 75/104 ح 8 و 133 ح 2، و وسائل الشيعة: 528/21 ح 27768 و البرهان في تفسير القرآن: 497/1 ح 13، و نور الثقلين: 228/1 ح 886. دعائم الإسلام 290/2 ح 1091 عن أمير المؤمنين عليه السلام بتفاوت عنه مستدرک الوسائل: 158/15 ح 17849.

2- عنه بحار الأنوار: 133/104 ح 3، و البرهان في تفسير القرآن: 498/1 ح 14، و مستدرک الوسائل: 157/15 ح 17847، و 162 ح 17866 قطعة منه الكافي: 103/6 ح 3 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام، من لا يحضره الفقيه: 510/3 ح 4788 عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير فيهما، عنهما وسائل الشيعة: 472/21 ح 27615.

388) - از ابو الصباح (کنانی) روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند «و بر وارث همانند آن می باشد» سؤال کردم؟

فرمود: سزاوار نیست که ورثه بر زن بچه در و شیر دهنده ضرر و آسیب وارد کند و مثلاً بگویند: نمی گذاریم بچه نزد مادرش باشد و با این شیوه ضرری بر شیر خوار وارد کنند، هم چنین ورثه نمی توانند بر چنین زنی - در پرداخت نفقه - سخت گیری نمایند.

389) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: زنی که طلاق داده شده (و آبستن باشد) بر او نفقه و خرجی پرداخت می شود تا موقعی که زایمان کند بعد از آن هم شیردادن و نگهداری نسبت به این فرزند حق اولویت با همین مادر می باشد تا آن که آن را بخواهند به زن (و دایه ای) دیگر بدهند؛ زیرا خداوند می فرماید: «مادر حق ندارد به نوزاد خود ضرر و آسیبی برساند و مولود او هم نمی تواند سبب ضرر به نوزادش باشد و بر وارث نیز هم چنان است» که از ضرر و آسیب وارد کردن بر شیر خوار و نیز بر مادرش نهی نموده است؛ و ضمناً مادر بیش از دو سال (برای شیردادن حق ندارد که خرجی و نفقه دریافت کند ولی اگر ولی شیر خوار بخواهد فرزند را از مادر جدا کند، با رضایت و توافق هر دو طرف مانعی ندارد و منظور از «الفصام» همان قطع شیردادن و گرفتن از شیر است.

فرمایش خداوند متعال: و کسانی که از شما می میرند و همسرانی باقی می گذارند باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند (و عده نگه دارند) و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند گناهی بر شما نیست که هر چه می خواهند درباره خودشان به طور متعارف انجام دهند (و با مرد دل خواه خود ازدواج کنند) و خدا به آن چه عمل می کنید، آگاه است. (234)

491/390] - (عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ « وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا » جِئْنَ النِّسَاءُ يُخَاصِمْنَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقُلْنَ لَا نَصْبِرُ، فَقَالَ لَهُنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَأَنَّ إِحْدَاكُنَّ إِذَا مَاتَ زَوْجُهَا أَخَذَتْ بَعْرَةَ فَأَلْقَتْهَا خَلْفَهَا فِي دُورِهَا فِي خِدْرِهَا ثُمَّ قَعَدَتْ، فَإِذَا كَانَ مِثْلُ ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنَ الْحَوْلِ أَخَذَتْهَا فَفَتَّتَهَا ثُمَّ اِكْتَحَلَتْ بِهَا ثُمَّ تَزَوَّجَتْ فَوَضَعَ اللَّهُ عَنْكُنَّ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ. (1)

492/391] - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: فِي امْرَأَةٍ تُؤْفَى عَنْهَا زَوْجُهَا لَمْ يَمَسَّهَا قَالَ لَا تَنْكِحْ حَتَّى تَعْتَدَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا. (2)

493/392] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى (مَتَاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ)؟ (3)

ص: 486

1- عنه بحار الأنوار: 188/104 ح 29، ووسائل الشيعة: 238/22 ح 28484، و البرهان في تفسير القرآن: 499/1 ح 4، و نور الثقلين : 229/1 ح 895 الكافي : 117/6 ح 13 ياسناده عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت عنه وسائل الشيعة : 235/22 ح 28477، و 244 ح 28502 ونحوه دعائم الإسلام : 285/2 ح، 1071 عن جعفر بن محمد، عن أبيه عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليهم السلام، عنه مستدرک الوسائل : 362/15 ح 18511

2- عنه بحار الأنوار : 189/104 ح 30، و البرهان في تفسير القرآن : 499/1 ح 5. الكافي: 119/6 ح 8 ياسناده عن عبد الله بن سنان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : قضى أمير المؤمنين عليه السلام، من لا يحضره الفقيه : 508/3 ح 4783 فيه : قضى أمير المؤمنين عليه السلام في امرأة ... و تهذيب الأحكام : 143/8 ح 95، و الاستبصار : 338/30 ح 1 كلاهما نحو الكافي، عنهم وسائل الشيعة: 247/22 ح 28508.

3- سورة البقرة : 240/2 .

(390) - از ابو بکر حضرمی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که آیه شریفه «و کسانی که فوت می نمایند و همسرانی بر جای می گذارند باید چهار ماه و ده روز صبر کنند و بنشینند» نازل شد عده ای از زنان برای مخاصمه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و اظهار داشتند: ما طاقت و توان تحمل نداریم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در سابق هرگاه یکی از شما شوهرش فوت می کرد شکنجه (و یا پشگل و گالی) را بر می داشت و پشت سر خود می انداخت و در خانه خود می نشست تا یک سال بعد در همان روز آن را بر می داشت و سورمه می کشید و خود را آرایش می نمود و سپس شوهر می کرد و خداوند (برای شما لطف نموده و) مدت هشت ماه را از آن برداشته است.

(391) - از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم درباره زنی که شوهرش مرده و بین ایشان مجامعتی انجام نگرفته است می فرمود: نمی تواند ازدواج کند، مگر آن که چهار ماه و ده روز از فوت شوهرش گذشته باشد.

(392) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «(همسرانی که شوهرشان فوت نموده) تا یک سال باید نگهداری شوند بدون آن که حق بیرون رفتن از منزل را داشته باشند» سؤال کردم؟

فرمود: به وسیله آیه ای دیگر: «باید چهار ماه و ده روز صبر کنند و (در خانه) بنشینند»، نسخ شده است که آن نیز توسط آیه ارث نسخ گردیده است.

ص: 487

قَالَ: مَنْسُوخُهُ نَسَخَتْهَا (يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا) وَنَسَخَتْهَا آيَةُ الْمِيرَاثِ. (1)

494/ [393] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! كَيْفَ صَارَتْ عِدَّةُ الْمُطَلَّغَةِ ثَلَاثَ حَيَضَاتٍ أَوْ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ، وَصَارَتْ عِدَّةُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا؟

فَقَالَ: أَمَّا عِدَّةُ الْمُطَلَّغَةِ ثَلَاثَةٌ قُرُوءٍ فَلَأَجَلَ إِيَّاهُ الرَّحِمُ مِنَ الْوَلَدِ وَأَمَّا عِدَّةُ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى شَرَطَ لِلنِّسَاءِ شَرْطًا وَشَرَطَ عَلَيْهِنَّ شَرْطًا فَلَمْ يَجْزُ فِيهَا شَرْطَ لِهِنَّ وَ لَمْ يَجْزُ فِيهَا شَرْطَ عَلَيْهِنَّ، أَمَّا مَا شَرَطَ لِهِنَّ فِي الْإِبْلَاءِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ إِذْ يَقُولُ تَعَالَى: (لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ) (2) فَلَنْ يُجَوِّزَ لِأَحَدٍ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فِي الْإِبْلَاءِ لِعِلْمِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهَا غَايَةُ صَبْرِ الْمَرْأَةِ مِنَ الرَّجُلِ، وَأَمَّا مَا شَرَطَ عَلَيْهِنَّ فَإِنَّهُ أَمْرٌ أَنْ تَعْتَدَّ إِذَا مَاتَ زَوْجُهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَأَخَذَ لَهُ مِنْهَا عِنْدَ مَوْتِهِ مَا أَخَذَ لَهَا مِنْهُ فِي حَيَاتِهِ. (3)

ص: 488

1- عنه بحار الأنوار: 189/104 ح 31، ووسائل الشيعة: 238/22 ح 28483، و البرهان في تفسير القرآن: 499/1 ح 6، و نور الثقلين : 240/1 ح 954، و مستدرک الوسائل : 362/15 ح 18512 عن معاوية قال: سألته ... تفسير القمي: 5/1 (مقدمة المصنف)، و 77 (أقسام الطلاق)، عنه ووسائل الشيعة: 237/22 ح 28481، أوائل المقالات: 122 (132 - القول في ناسخ القرآن و منسوخه) مراسلاً و البحار: 191/104 ح 41 عن تفسير النعماني، بالإسناد عن كتاب القرآن، عن أمير المؤمنين عليه السلام ووسائل الشيعة: 237/22 ح 28480 عن علي بن الحسين المرتضى في رسالة المحكم و المتشابهة بإسناده عن علي عليه السلام في بيان الناسخ و المنسوخ، بتفصيل .

2- سورة البقرة: 227/2

3- عنه بحار الأنوار: 190/104 ح 38 و البرهان في تفسير القرآن: 499/1 ح 7، و مستدرک الوسائل : 363/15 ح 18513، فيه: محمد بن سليمان، عن أبي جعفر الثاني عليه السلام الكافي: 113/6 ح 1 بإسناده عن محمد بن سليمان، عن أبي جعفر الثاني عليه السلام، عنه ووسائل الشيعة: 235/22 ح 28478، علل الشرائع: 507/2 ح 1 (باب - 277) بإسناده عن محمد بن سليمان الديلمي، عن أبي الهيثم قال: سألت أبا الحسن الثاني عليه السلام عنه البحار: 184/104 ح 711 و 192 ح 48 عن كتاب الغايات، عن محمد بن سليمان الديلمي، عن أبي جعفر عليه السلام، بتفاوت يسير في الجميع.

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم! چگونه عده زنی که طلاق داده شده است سه حیض و یا سه ماه قرار گرفته ولی عده زنی که شوهرش مرده چهار ماه و ده روز می باشد؟

فرمود: اما این که عده زن طلاق داده شده باید سه مرحله پاکی را ببیند، به خاطر آن است که رحم زن از نطفه پاک شود و اما عده زنی که شوهرش فوت کرده چهار ماه و ده روز است حکمتش این است که خداوند متعال یک شرط به نفع زنان و یک شرط هم بر علیه ایشان قرار داده و در این دو شرط نسبت به ایشان تقصیر و کوتاهی نکرده بلکه در شرط بر علیه شان هم چون شرط به نفعشان جانب مصلحت را رعایت نموده است.

اما شرط به نفع ایشان: این که است خداوند متعال در مورد ایلاء به نفع زنان چهار ماه را تعیین نموده؛ زیرا می داند که نهایت صبر ایشان تا این مدت است لذا خداوند عزّ و جلّ می فرماید: «آنان که با زنان خود ایلاء می کنند، باید چهار ماه انتظار بکشند»

بنابراین خداوند متعال مرد را در ایلاء اجازه نداده که بیشتر از چهار ماه مباشرت و زناشویی با همسرش را ترک کند؛ زیرا می داند که این مدت نهایت صبر زنان بوده که می توانند خود را از مردان باز دارند و اما شرط بر علیه ایشان: این است که اگر شوهرشان فوت نماید، باید چهار ماه و ده روز عده نگه دارند، بنابراین خداوند مقداری را که در زمان حیات شوهر قرار داده در زمان فوت هم قرار داده است.

قوله تعالى : (وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِيمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَ تَذَكَّرُونَ هُنَّ وَ لَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَ لَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ) (235)

495/394]- (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا) قَالَ : هُوَ طَلَبُ الْحَلَالِ (وَ لَا تَعْرِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ) أَيْسَ يَقُولُ الرَّجُلُ لِلْمَرْأَةِ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتُهَا : مَوْعِدُكَ بَيْتِ آلِ فُلَانٍ ثُمَّ طَلَبَ إِلَيْهَا أَنْ لَا تَسْبِقَهُ بِنَفْسِهَا إِذَا انْقَضَتْ عِدَّتُهَا .

قُلْتُ : فَقَوْلُهُ : (إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا) ؟

قَالَ : هُوَ طَلَبُ الْحَلَالِ فِي غَيْرِ أَنْ يَعْرِمَ عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ (1)

ص : 490

1- عنه بحار الأنوار: 189/104 ح 32 و البرهان في تفسير القرآن: 501/1 ح 5، و مستدرک الوسائل : 414/14 ح 17141 . تفسير القمي: 77/1 (أقسام الطلاق) مرسلًا و مختصرًا، الكافي : 434/5 ح 2 بإسناده عن عبد الله بن سنان قال : سألت أبا عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير عنه وسائل الشيعة : 497/20 ح 26188 .

فرمایش خداوند متعال: و گناهی بر شما نیست که به طور کنایه (از زنانی که همسرانشان مرده اند) خواستگاری کنید و یا در دل تصمیم بر این کار بگیرید (بدون این که آن را اظهار کنید) خداوند می دانست شما به یاد آن ها خواهید افتاد (و با خواسته طبیعی شما به شکل معقول مخالف نیست) ولی پنهانی با آن ها قرار زنا شویی نگذارید مگر این که به شیوه ای پسندیده (و متعارف) اظهار کنید! اقدام به ازدواج نمایید تا عده آن ها سرآید و بدانید خداوند آن چه را در دل دارید می داند پس از مخالفت او بپرهیزید و بدانید خداوند آمرزنده و بردبار است. (235)

394) - از عبد الله بن سنان به نقل از پدرش روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خدای عزّ و جلّ: «با زن ها وعده های پنهانی قرار ندهید، مگر آن که کلام معروف و پسندیده (متعارف شرعی) مطرح کنید» سؤال کردم؟

فرمود: منظور در خواست و پیشنهاد از راه حلال می باشد، «عقد و گره نکاح را بر هم نزنید تا موقعی که مهلت نوشته سر آید» بدون آن که قصد قطعی برای نکاح و مجامعت داشته باشد، مگر آن که مهلت عده، تمام شده باشد؛ آیا نمی تواند چنین باشد که مرد به زن پیش از آن که عده اش پایان یافته باشد بگوید: به توقول می دهم همانند فلان خانواده قرار گیری؟ سپس از زن تقاضا کند که پس از پایان یافتن عده اش سبقت در خواستگاری و ازدواج نداشته باشد.

عرضه داشتیم: پس این فرمایش خداوند متعال: «مگر آن که کلام معروف و پسندیده (متعارف شرعی) مطرح کنید،» چه معنایی دارد؟

فرمود: پیشنهاد حلال و مباح است ولی بدون آن که (در هنگام پیشنهاد خواستگاری) قصد (انشاء) نکاح نماید مگر این که مدت عده پایان یافته باشد.

496/395] - (وَفِي حَبْرِ رِفَاعَةَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (قَوْلًا مَعْرُوفًا) قَالَ: تَقُولُ حَيْرًا) (1)

497/396] - (وَفِي رِوَايَةٍ [أُخْرَى عَنْ] أَبِي بَصِيرٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا) قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَقُولُ لِلْمَرْأَةِ قَبْلَ أَنْ تَتَّقِضِيَ عِدَّتَهَا: أُوَاعِدُكِ بَيْتَ آلِ فُلَانٍ لِتَزُفْتِ وَ يَزُفْتُ مَعَهَا) (2)

498/397] - (وَفِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ قَبْلَ أَنْ تَتَّقِضِيَ عِدَّتَهَا مَوْعِدُكِ بَيْتَ آلِ فُلَانٍ ثُمَّ يَطْلُبُ إِلَيْهَا أَنْ لَا تَسْبِقَهُ بِنَفْسِهَا إِذَا انْقَضَتْ عِدَّتُهَا). (3)

499/398] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا) قَالَ: الْمَرْأَةُ فِي عِدَّتِهَا تَقُولُ لَهَا قَوْلًا جَمِيلًا تُرَغِّبُهَا فِي نَفْسِكَ، وَلَا تَقُولُ: إِنِّي أَصْنَعُ كَذَا وَأَصْنَعُ كَذَا الْقَبِيحَ مِنَ الْأَمْرِ فِي الْبُضْعِ وَ كُلِّ أَمْرٍ قَبِيحٍ). (4)

ص: 492

1- عنه بحار الأنوار: 189/104 ح 33 ، و البرهان في تفسير القرآن : 501/1 ح 6، و مستدرک الوسائل : 414/14 ذیل ح 17141 . الكافي : 434/5 ح 2 ، عنه وسائل الشيعة : 497/20 ح 26188 .

2- عنه بحار الأنوار: 189/104 ح 34 ، و البرهان في تفسير القرآن : 501/1 ح 7 ، و مستدرک الوسائل : 414/14 ح 17142 الكافي : 434/5 ح 1 ياسناده عن الحلبي ، عن أبي عبد الله عليه السلام ، و 435 ح 3 ياسناده عن علي بن أبي حمزة قال : سألت أبا الحسن عليه السلام عنه وسائل الشيعة : 498/20 ح 26190 .

3- عنه بحار الأنوار: 189/104 ح 35، و البرهان في تفسير القرآن : 501/1 ح 8 و مستدرک الوسائل : 414/14 ح 17143 . هذا الحديث قطعة من الحديث السابق تحت الرقم 394 الذي تقدّم مع تخريجاته فراجع.

4- عنه بحار الأنوار: 190/104 ح 36، وسائل الشيعة: 499/20 ح 26193 ، و البرهان في تفسير القرآن: 502/1 ح 9 ، و نور الثقلين : 232/1 ح 906.

(395) - در روایت رفاعه از امام صادق علیه السلام آمده است:

(مقصود از) (قَوْلًا مَّعْرُوفًا) این است که سخن خوب و دلنشین بگویی.

(396) - و در روایتی دیگر از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود:

مقصود (آیه شریفه) این است که مرد به زن - پیش از آن که عده اش تمام شده باشد - بگوید: به تو وعده می دهم که همانند خانواده فلان طایفه باشی و نسبت به یک دیگر اظهار عشق و علاقه نمایند

(397) - و هم چنین با سند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده است، که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: مقصود (از آیه شریفه) این است که مرد به زن بگوید: به تو وعده می دهم که همانند خانواده فلان طایفه باشی پس از آن پیشنهاد دهد که چنان چه عده اش پایان یافت برای خواستگاری از او سبقت نگیرد

(398) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «با زن ها وعده های پنهانی قرار ندهید مگر آنکه کلام معروف و پسندیده (متعارف شرعی) مطرح کنید» فرمود: نسبت به زن - پیش از آن که عده اش تمام شده باشد - گفتار خوب و دلنشین داشته باشی که او را علاقه مند به خود کنی ولی حق گفتن این که با تو چنین هم خوابی و یا چنین عمل زناشویی انجام می دهم را نداری که در رابطه با کیفیت نزدیکی کردن و قصد جماع باشد.

500/399] - (عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: (إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا) قَالَ: يَقُولُ الرَّجُلُ لِلْمَرْأَةِ - وَهِيَ فِي عِدَّتِهَا - يَا هَذِهِ! مَا أَحْبَبْتُ إِلَّا مَا أَسْرُكُ وَ لَوْ قَدْ مَضَى عِدَّتُكَ لَا تَقُوْتِي إِنْ سَاءَ اللَّهُ فَلَا تَسْ بِقِيْنِي بِنَفْسِكَ، وَ هَذَا كُلُّهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَعْرِضُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ). (1)

قوله تعالى: (لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ) (236)

501/400] - (عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الرَّجُلِ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ أَيَّمَتَّعَهَا؟

فَقَالَ: نَعَمْ أَمَا يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ أَمَا تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ) (2)

502/401] - (عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَلَهَا نِصْفُ مَهْرِهَا، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ سَمِيَ لَهَا مَهْرًا فَمَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ (عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ)

ص: 494

1- عنه بحار الأنوار: 190/104 ح 37، و وسائل الشيعة: 499/20 ح 26194، و البرهان في تفسير القرآن: 502/1 ح 10، و نور الثقلين: 232/1 ح 907. الكافي: 435/5 ح 4 بإسناده عن عبد الرحمان بن أبي عبد الله، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت، عنه وسائل الشيعة: 498/20 ح 26191.

2- عنه بحار الأنوار: 357/103 ح 49، و البرهان في تفسير القرآن: 503/1 ح 5، و مستدرک الوسائل: 88/15 ح 17617. الكافي: 104/6 ح 1، بتفاوت يسير، و نحوه تهذيب الأحكام: 140/8 ح 86، عنهما وسائل الشيعة: 306/21 ح 27144.

(399) - از مسعدة بن صدقه روايت کرده است که گفت:

امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خداوند متعال «مگر آنکه کلام معروف و پسندیده (متعارف شرعی) مطرح کنید» فرمود: این که مرد به زن - پیش از آن که عده اش تمام شده باشد - بگوید: ای فلانی (خانم، عزیزم و...) من سعادت خوش بختی تو را آرزومندم اگر مهلت عده شما پایان یافت - ان شاء الله - مرا فراموش نکنی و بر من (نسبت به دیگری) سبقت نگیری؛ ضمناً در تمامی این گفتار و برخورد ها نباید (هیچ یک از مرد و زن) در آن موقع قصد جدی جماع و نکاح را داشته باشد.

فرمایش خداوند متعال: اگر زنان را قبل از آمیزش یا تعیین مهر (به عللی) طلاق دهید گناهی بر شما نیست و آن ها را (به وسیله هدیه ای مناسب) بهره مند سازید آن کسی که توانایی دارد به اندازه توانایش و آن کسی که تنگدست است به اندازه خودش هدیه ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد) بدهد و این برای نیکوکاران الزامی است (236)

(400) - از حفص بن بختری روايت کرده است که گفت:

از امام صادق عليه السلام درباره مردی که همسر خود را طلاق داده آیا لازم است که او را از اموال و امکانات خود کمک نموده و بهره مند گرداند؟

فرمود: بلی آیا دوست نداری که از محسنین و نیکوکاران باشی؟! آیا دوست ندارد که از متقین و پرهیزکاران باشی؟!!

(401) - از ابو الصباح کنانی روايت کرده است که گفت:

امام صادق عليه السلام فرمود: چنان چه مردی همسر خود را پیش از آن که با او عمل مجامعت انجام دهد بخواهد طلاقش دهد پس باید نصف مهریه اش را بپردازد؛ ولی اگر مهریه ای مقرر نشده باشد باید در حد توان خود از جهت قدرت و توان

ص: 495

وَلَيْسَ لَهَا عِدَّةٌ، وَتَزَوَّجَ مَنْ شَاءَتْ مِنْ سَاعَتِهَا) (1)

[402]/503 - (عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: (الْمُوسِعُ) يُمْتَعُ بِالْعَبْدِ وَالْأَمَةِ وَيُمْتَعُ الْمُعْسِرُ بِالْحِنْطَةِ وَالزَّيْبِ وَالثُّوبِ وَالدَّرَاهِمِ). (2)

[403]/504 - (وَقَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ [الْحَسَنَ] بَنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَتَّعَ امْرَأَةً طَلَّقَهَا أُمَّهُ وَلَمْ يَكُنْ يُطَلِّقُ امْرَأَةً إِلَّا مَتَّعَهَا بِشَيْءٍ) (3)

[404]/505 - (عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرَهُ) مَا قَدَّرَ الْمُوسِعُ وَالْمُقْتِرُ؟

قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُمْتَعُ بِرَاحِلَتِهِ يَعْنِي حَمَلَهَا الَّذِي عَلَيْهَا) (4)

ص: 496

1- عنه بحار الأنوار: 357/103 ح 50 ، و البرهان في تفسير القرآن : 503/1 ح 6، و مستدرک الوسائل: 88/1 ح 17618 ، و 92 ح 17637 القطعة الأولى منه من لا يحضره الفقيه : 505/3 ح 4773 عنه وسائل الشيعة: 307/21 ح 27147، و 177/22 ح 28320 .

2- عنه بحار الأنوار: 357/103 ح 51، و البرهان: 503/1 ح 7 و مستدرک الوسائل: 89/15 ح 17622 الكافي : 105/6 ح 4 بإسناده عن عثمان بن عيسى، عن سماعة جميعاً عن أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل ، و نحوه تهذيب الأحكام : 139/8 ح 84 عنهما وسائل الشيعة : 312/21 ح 27163، دعائم الإسلام : 293/2 ح 1103 بتفاوت يسير، عنه مستدرک الوسائل : 90/15 ح 17627 .

3- عنه بحار الأنوار: 357/103 ح 51، و البرهان في تفسير القرآن : 503/1 ح 7، و مستدرک الوسائل : 89/15 ح 17622 . الكافي : 105/6 ح 4 بإسناده عن عثمان بن عيسى، عن سماعة جميعاً، عن أبي عبد الله عليه السلام، تهذيب الأحكام : 139/8 ح 84 عنهما وسائل الشيعة : 312/21 ح 27163 .

4- عنه بحار الأنوار: 357/103 ح 52، وسائل الشيعة: 310/21 ح 27156 أشار إليه، و البرهان : 503/1 ح 8 و نور الثقلين : 232/1 ح 908 و مستدرک الوسائل: 89/15 ح 17623. قرب الإسناد: 174 ح 637 عنه وسائل الشيعة: 310/21 ح 27156 ، و البحار: 354/103 ح 39 .

مالی و یا تنگدستی و ناتوانی» او را کمک و بهره مند گرداند.

ضمناً چنین زنی بعد از طلاق عده لازم ندارد و با هر کسی که مایل باشد می تواند ازدواج کند

(402) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: شخص توانمند (برای کمک به همسر طلاق داده اش، که بدون مجامعت طلاقش داده و مهریه ای نداشته است) در حدّ دادن یک عبد (زر خرید و غلام) و یا کنیز (به عنوان دلگرمی به این همسرش) پردازد

ولی شخص ضعیف و ناتوان در حدّ (مانند) گندم، کشمش، لباس و پول نقد پرداخت کند

(403) - و افزود: امام حسین [یا حسن مجتبی] علیهما السلام همسر خود را طلاق داد و یک کنیز به او داد و حضرت زنی را طلاق نمی داد مگر آن که چیزی را به او عطا کرده و بهره مندش می نمود.

(404) - از ابن بکیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و آنان را متعه کنید با رعایت قدرت و توان مالی و یا تنگدستی و ناتوانی» سؤال کردم که قدرت «موسع» و «مقتر» چه اندازه است؟

فرمود: امام سجّاد علیه السلام به مقدار اجناسی که بر حیوانش بار بود او را بهره مند می نمود

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُمَتِّعُهَا قَبْلَ أَنْ يُطَلِّقَهَا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ: (وَ مَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرُهُ) (1)

قوله تعالى: (وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) (237)

507 / 406]- (عَنْ أُسَامَةَ بْنِ حَنْصِ - قَيْمِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - قَالَ: قُلْتُ لَهُ: سَأَلْتُ عَنْ رَجُلٍ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ وَلَمْ يُسَمِّ لَهَا مَهْرًا؟

قَالَ: لَهَا الْمِيرَاثُ وَعَلَيْهَا الْعِدَّةُ وَلَا مَهْرَ لَهَا وَقَالَ: أَمَا تَقْرَأُ مَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ (إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ؟) (2)

ص: 498

1- عنه بحار الأنوار: 357/103 ح 53، و البرهان في تفسير القرآن: 503/1 ح 9 و نور الثقلين: 232/1 ح 8909 و مستدرک الوسائل: 88/15 ح 17619 تهذيب الأحكام: 141/8 ح 88 بإسناده عن أبي حمزة عليه السلام عن أبي جعفر عليه السلام، عنه وسائل الشيعة: 306/21 ح 27143.

2- عنه بحار الأنوار: 357/103 ح 54 فيه: بدل قِيم، عن، و نحوه وسائل الشيعة: 335/21 ح 27231، و البرهان في تفسير القرآن: 506/1 ح 12، و نور الثقلين: 233/1 ح 917 الكافي: 120/6 ح 11 بإسناده عن عبيد بن زرارة قال: سألت أبا عبد الله... بتفاوت، و نحوه من لا يحضره الفقيه: 507/3 ح 4780، و تهذيب الأحكام: 363/7 ح 23 و وسائل الشيعة: 270/21 ح 27068، و 327 ح 27205

از امام باقر علیه السلام درباره مردی که می خواهد همسر خود را طلاق دهد و از او جدا شود، سؤال کردم؟

فرمود: پیش از آن که طلاقش دهد او را از اموال خود بهره مند گرداند؛ زیرا خداوند متعال در کتابش فرموده است: «و آنان را از اموال خود و در حدّ توانایی - نسبت به حالت توان، قدرت و یا تنگدستی خود - کمک و بهره مند نمایید.»

فرمایش خداوند متعال: و اگر آنان را پیش از آن که با آن ها تماس بگیرید و (آمیزش کنید) طلاق دهید در حالی که مهری برای آن ها تعیین کرده باشید پس نصف آنچه را تعیین کرده اید (به آن ها بدهید) مگر این که آن ها (حق خود را) ببخشند یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند ولیّ آن ها، یعنی) کسی که گره ازدواج به دست اوست آن را ببخشد و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آن ها) به پرهیزکاری نزدیک تر است و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید که خداوند به آنچه انجام می دهید، بیناست. (237)

406) - از اسامة بن حفص - کارگذار امام کاظم علیه السلام - روایت کرده که گفت: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: مردی با زنی ازدواج کرده، ولی مهریه و صدقاتی تعیین نکرده اند (تکلیفشان چیست؟

فرمود: (اگر شوهر بمیرد زن از او ارث می برد و (اگر طلاقش دهد) باید عده نگه دارد و مهریه ای هم طلبکار نمی باشد سپس فرمود: آیا فرمایش خداوند متعال را در کتابش نخوانده ای که می فرماید: «اگر همسران خود را پیش از آن که زناشویی کرده باشید طلاق دادید برای او نصف آن چه را قرار بسته اید، خواهد بود»؟ (مفهومش این است که اگر قرار بسته باشند حقّی ندارد.)

407/508 - (عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ: رَجُلٌ تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَسَمَى لَهَا صَدَاقًا ثُمَّ مَاتَ عَنْهَا وَلَمْ يَدْخُلْ بِهَا قَالَ: لَهَا الْمَهْرُ كَمَلًا وَ لَهَا الْمِيرَاثُ قُلْتُ فَإِنَّهُمْ رَوَوْا عَنْكَ أَنَّ لَهَا نِصْفَ الْمَهْرِ قَالَ: لَا يَحْفَظُونَ عَنِّي إِذَا كَانُوا الْمُطَلَّعَةَ. (1))

408/509 - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ هُوَ وَلِيُّ أَمْرِهِ. (2))

409/510 - (عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ لِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ «إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ» قَالَ: هُوَ الْوَلِيُّ وَالَّذِينَ يَعْفُونَ عِنْدَ الصَّدَاقِ أَوْ يَحْطُونَ عَنْهُ بَعْضُهُ أَوْ كُلُّهُ. (3))

410/511 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ) قَالَ: هُوَ الْأَبُ وَالْأَخُ وَالْمُوصَى إِلَيْهِ وَالَّذِي يَجُوزُ أَمْرَهُ

ص: 500

1- عنه بحار الأنوار: 358/103 ح 55، و البرهان في تفسير القرآن: 506/1 ح 13، و نور الثقلين: 233/1 ح 918، و مستدرک الوسائل: 96/15 ح 17650 تهذيب الأحكام: 147/8 ح 112 ياسناده عن منصور بن حازم قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، و نحو الاستبصار: 342/3 ح 12 عنهما وسائل الشيعة: 333/21 ح 27225.

2- عنه بحار الأنوار: 358/103 ح 56، و البرهان في تفسير القرآن: 506/1 ح 14، و مستدرک الوسائل: 319/14 ح 16822، و 93/15 ح 17640 تهذيب الأحكام: ج 392 ح 1570.

3- عنه بحار الأنوار: 358/103 ح 57، و وسائل الشيعة: 316/21 ح 27175، و البرهان في تفسير القرآن: 506/1 ح 15

(407) - از منصور بن حازم روایت کرده است که گفت:

به حضرت عرض کردم: مردی با زنی با تعیین مهریه و صدق ازدواج کرده و پیش از آن که با او مجامعت و زناشویی کند فوت نمود، تکلیفشان چیست؟

فرمود: زن آن تمامی مهر را حق مطالبه دارد و ارث هم می برد

گفتم: بعضی از شما روایت کرده اند که فرموده اید: نصف مهر حق اوست؟

فرمود: به خوبی کلام مرا رعایت و حفظ نکرده اند آن مربوط به زنی است که طلاق داده شده است.

(408) - از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که عقده و گره نکاح به دست اوست»، ولی و قیم او می باشد

(409) - از زراره و حمران و محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر و امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «مگر این که (همسران) ببخشند و یا کسی که عقده و گره نکاح به دست اوست» فرمودند: وی ولی و قیم او می باشد و نیز کسانی که می توانند مهریه و یا بعضی از آن را ببخشند و یا بگیرند.

(410) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «یا ببخشند کسی که عقده و گره نکاح به دست اوست» فرمود: پدر (زن) برادر و یا کسی که به او وصیت کرده و یا هر کسی که تصرفش در اموال و امور زن جایز و نافذ باشد که برایش خرید و فروش می کند بنابراین هر یک از ایشان (هر مقدار از مهریه اش

فِي مَالِ الْمَرْأَةِ فَيَنْتَاعُ لَهَا وَيَشْتَرِي، فَأَيُّ هَؤُلَاءِ عَفَا فَقَدْ جَاَزَ(1)

411/512 [411/512] - (عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: (الَّذِي يَبِيْدُهُ عَقْدُهُ النِّكَاحَ) هُوَ الْوَلِيُّ الَّذِي أَنْكَحَ يَأْخُذُ بَعْضًا وَيَدَعُ بَعْضًا وَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يَدَعَ كُلَّهُ.) (2)

412/513 [412/513] - (عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ (أَوْ يَعْفُوا الَّذِي يَبِيْدُهُ عَقْدُهُ النِّكَاحَ) قَالَ: هُوَ الْأَخُّ وَالْأَبُّ وَالرَّجُلُ الَّذِي يُوصَى إِلَيْهِ وَالَّذِي يَجُوزُ أَمْرُهُ فِي مَالِهِ بِقِيَمِهِ

قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَالَتْ لَا أُجِيزُ مَا يَصْنَعُ؟

قَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ لَهَا أَنْ تُجِيزَ بِيَعَهُ فِي مَالِهَا وَلَا تُجِيزَ هَذَا) (3)

ص: 502

1- عنه بحار الأنوار: 358/103 ح 58 و البرهان في تفسير القرآن: 506/1 ح 16، و نور الثقلين: 233/1 ح 919 بتفاوت، و مستدرک الوسائل: 93/15 ح 17639 الكافي: 106/62 ح 2 بإسناده عن عثمان بن عيسى، عن سماعة جميعاً عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، و ذيل ح 3 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام، و نحوهما من لا يحضره الفقيه: 506/32 ح 4778، و تهذيب الأحكام: 393/7 ح 49، و 142/8 ذيل ح 92 وسائل الشيعة: 283/20 ح 25634 و 315/21 ح 27172

2- عنه بحار الأنوار: 358/103 ح 59، و البرهان في تفسير القرآن: 507/18 ح 17، و نور الثقلين: 234/12 ح 921 و مستدرک الوسائل: 93/15 ح 17641. من لا يحضره الفقيه: 88/3 ح 3387 عن نوادر محمد بن أبي عمير، عن غير واحد من أصحابنا، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، و 507 ح 4779، و نحو الأول تهذيب الأحكام: 215/6 ح 6، و 392/7 ح 48 عن رفاعة قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام، عنهم وسائل الشيعة: 168/19 ح 24374، و 282/20 ح 25633، و 316/21 ح 27173

3- عنه بحار الأنوار: 358/103 ح 60، و وسائل الشيعة: 316/21 ح 27174، و البرهان في تفسير القرآن: 507/1 ح 18 و نور الثقلين: 233/1 ح 919. الكافي: 106/6 ح 2 بإسناده عن عثمان بن عيسى، عن سماعة جميعاً عن أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، و ذيل ح 3 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، و نحوهما من لا يحضره الفقيه: 506/3 ح 4778، و تهذيب الأحكام: 393/7 ح 49، و 142/8 ذيل ح 92 عنهم وسائل الشيعة: 283/20 ح 25634، و 315/21 ح 27172

را) ببخشد جایز و نافذ خواهد بود.

(411) - از رفاعه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام در مورد «کسی که عقده و گره نکاح به دست اوست»، فرمود: ولی او آن کسی است که ازدواج را برنامه ریزی کرده او می تواند مقداری از مهریه را بگیرد و یا ببخشد ولی او حق ندارد که تمام آن را ببخشد و رها کند.

(412) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «مگر این که (همسران) ببخشد و یا کسی که عقده و گره نکاح به دست اوست» فرمود: برادر (زن) و پدر (او) و هر کسی که به او وصیت کرده و نیز کسی که سرپرست و قیم اموال اوست

عرضه داشتیم: نظر شما در این که اگر زن بگوید آن چه را او انجام دهد، اجازه نمی دهم چیست؟

فرمود: چنین حقی را ندارد آیا اجازه تصرف در اموالش را دارد ولی در این مورد اجازه نداشته باشد؟!

ص: 503

514 / [413] - (عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ (الَّذِي يَبْدِيهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ)؟

فَقَالَ: هُوَ الَّذِي يُزَوِّجُ يَأْخُذُ بَعْضًا وَيَتْرِكُ بَعْضًا وَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يَتْرِكَ كُلَّهُ. (1)

515 / [414] - (عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ)؟

قَالَ: الْمَرْأَةُ تَعْفُو عَنْ نِصْفِ الصَّدَاقِ،

فُلْتُ: (أَوْ يَعْفُوا الَّذِي يَبْدِيهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ)؟

قَالَ: أَبُوهَا إِذَا عَفَا جَازَ لَهُ وَ أَخُوهَا إِذَا كَانَ يُقِيمُ بِهَا وَ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهَا، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْأَبِ يَجُوزُ لَهُ، وَإِذَا كَانَ الْأَخُ لَا يُقِيمُ بِهَا وَ لَا يَقُومُ عَلَيْهَا لَمْ يَجُزْ عَلَيْهَا أَمْرُهُ. (2)

516 / [415] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ لِمِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي يَبْدِيهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ) قَالَ: الَّذِي يَعْفُو عَنْ الصَّدَاقِ أَوْ يَحِطُّ بَعْضَهُ أَوْ كُلَّهُ. (3)

517 / [416] - (عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (أَوْ يَعْفُوا الَّذِي يَبْدِيهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ) قَالَ: هُوَ الْأَبُ وَ الْأَخُ وَ الرَّجُلُ الَّذِي يُوصَى إِلَيْهِ، وَ الَّذِي يَجُوزُ أَمْرُهُ فِي مَالِ الْمَرْأَةِ فَيَنْتَاعُ لَهَا وَ يَشْتَرِي فَأَيُّ هَؤُلَاءِ عَفَا فَقَدْ جَازَ،

ص: 504

1- عنه بحار الأنوار: 358/103 ح 61، و البرهان في تفسير القرآن: 507/1 ح 19 و مستدرک الوسائل: 93/15 ح 17642. تهذيب الأحكام: 392/7 ح 1572.

2- عنه بحار الأنوار: 358/103 ح 62، و وسائل الشيعة: 317/21 ح 27176، و البرهان في تفسير القرآن: 507/1 ح 20، و نور الثقلين: 234/1 ح 920.

3- عنه بحار الأنوار: 359/103 ح 63، و وسائل الشيعة: 317/21 ح 27177، و البرهان في تفسير القرآن: 507/1 ح 21

413) - از رفاعة روايت کرده است که گفت:

از امام صادق عليه السلام در مورد (فرمایش خداوند متعال: «کسی که عقیقه و گره نکاح به دست اوست»، سؤال کردم؟

فرمود: او کسی است که ازدواج را برنامه ریزی و اجرا کرده است او می تواند مقداری از مهریه او را بگیرد و یا ببخشد ولی حق ندارد که تمام آن را ببخشد و رها کند.

414) - از اسحاق بن عمار روايت کرده است که گفت:

از امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «مگر این که (همسرتان) ببخشد»، سؤال کردم؟

فرمود: زن می تواند نصف صداق و مهریه خود را ببخشد.

گفتم: «یا کسی که عقیقه و گره نکاح به دست اوست»، چگونه است؟

فرمود: اگر پدر زن مهریه را ببخشد جایز و نافذ می باشد هم چنین برادر او اگر قیم و سرپرست اموال و کارهای خواهرش باشد که همانند پدر مجاز خواهد بود ولی اگر او قیمیت و ولایتی نداشته، باشد تصرفاتش غیر مجاز می باشد

415) - از محمد بن مسلم روايت کرده است که گفت:

امام باقر عليه السلام در مورد فرمایش خداوند متعال: «مگر این که (همسرتان) ببخشد و یا کسی که عقیقه و گره نکاح به دست اوست»، فرمود: کسی است که می تواند صداق و مهریه - تمام و یا بعضی از آن - را ببخشد و یا دریافت کند.

416) - از سماعة روايت کرده است که گفت:

امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «مگر این که (همسرتان) ببخشد و یا کسی که عقیقه و گره نکاح به دست اوست» فرمود: پدر و برادر (زن) و هر کسی که به او وصیت کرده و نیز کسی که سرپرست و قیم اموال اوست و می تواند برایش خرید و فروش نماید پس هر کدام که نسبت به مهریه بخششی داشته باشد صحیح می باشد

ص: 505

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَالَتْ: لَا أَحْجِزُهَا مَا يَصْنَعُ؟

قَالَ: لَيْسَ لَهَا ذَلِكَ أَتُحِيزُ بَيْعَهُ فِي مَالِهَا وَلَا تُحِيزُ هَذَا؟! (1).

[417]/518 - (عَنْ بَعْضِ بَنِي عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي مَالِ الْيَتِيمِ يَعْمَلُ بِهِ الرَّجُلُ

قَالَ: يُبِيلُهُ مِنَ الرَّبْحِ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ). (2).

[418] / 519 - (عَنْ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا تُبَى عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ عَضُوضٌ يَعِضُّ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا فِي يَدَيْهِ وَيَنْسُونَ الْفَضْلَ بَيْنَهُمْ، قَالَ اللَّهُ: (وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ) (3)

قوله تعالى: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) (238)

ص: 506

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 359/103 ح 64، والبرهان في تفسير القرآن: 507/1 ح 22. الكافي: 106/6 ح 2 من لا يحضره الفقيه: 506/3 ح 4778، عنهما وسائل الشيعة: 315/21 ح 27172
 - 2- عنه بحار الأنوار: 12/75 ح 43، والبرهان في تفسير القرآن: 508/1 ح 23، ومستدرک الوسائل: 50/7 ح 7626. الكافي: 305/5 ح 28 مع زيادة ونحوه تهذيب الأحكام: 18/71 ح 80، والاستبصار: 71/3 ح 1 عنهم وسائل الشيعة: 448/17 ح 22964.
 - 3- عنه بحار الأنوار: 413/74 ح 28، والبرهان في تفسير القرآن: 508/1 ح 24. الكافي: 310/5 ح 28 بإسناده عن معاوية بن وهب عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، ونحوه تهذيب الأحكام: 18/7 ح 80 والاستبصار: 71/3 ح 1 عنهم وسائل الشيعة: 448/17 ح 22964، عيون أخبار الرضا عليه السلام: 42/2 ح 168، خصائص الأئمة عليهم السلام: 124، صحيفة الرضا عليه السلام: 83 ح 190، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: 219/20.

عرضه داشتیم نظر شما در این که اگر زن بگوید آن چه را او انجام دهد، اجازه نمی‌دهم چیست؟

فرمود: چنین حقی را ندارد آیا اجازه تصرف در اموالش را دارد ولی در این مورد اجازه نداشته باشد؟

417) - از بعضی فرزندان عطیه روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره اموال یتیم سؤال کردم که مرد تا چه حدی می‌تواند در آن تصرف کند؟

فرمود: مقداری از سود و درآمد اموالش را تصرف و مصرف می‌نماید همان طوری که خداوند می‌فرماید: «و فراموش نکنید افزایش و احسان (به یک دیگر) را در بین خودتان»

418) - از فرزند ابو حمزه روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی سخت بر مردم خواهد آمد که هر کس بر آن چه در دست‌های خود دارد، دندان فرو می‌برد و مردم احسان به یک دیگر را فراموش می‌کنند در صورتی که خداوند فرموده است: «و احسان و کمک به یک دیگر را فراموش نکنید»

فرمایش خداوند متعال: در انجام همه نمازها (به خصوص) نماز وسطی (یعنی نماز ظهر) کوشا باشید و از روی خضوع و اطاعت برای خدا بپا خیزید. (238)

ص: 507

قُلْتُ لَهُ: (الصَّلَاةُ الْوُسْطَى)؟

فَقَالَ: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) وَصَلَاةِ الْعَصْرِ (وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) وَالْوُسْطَى هِيَ الظُّهْرُ وَكَذَلِكَ كَانَ يَقْرَأُهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (1)

521/[420] - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

(حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) وَ«الْوُسْطَى» هِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهِيَ وَسْطُ صَلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَصَلَاةِ الْعَصْرِ (قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) فِي الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سَفَرٍ، فَكُنْتُ فِيهَا وَتَرَكْتُهَا عَلَى حَالِهَا فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ، وَأَضَافَ لِمَقَامِهِ رُكْعَتَيْنِ وَإِنَّمَا وُضِعَتِ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ أَضَافَهُمَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِلْمَقِيمِ لِمَكَانِ الْخُطْبَتَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ، فَمَنْ صَلَّى الْجُمُعَةَ فِي غَيْرِ الْجَمَاعَةِ فَلْيُصَلِّهَا أَوْبَعًا كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ،

قَالَ: قَوْلُهُ: (وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) قَالَ: مُطِيعِينَ رَاغِبِينَ. (2).

ص: 508

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 288/82 ح 12 و 110/83 ح 8، و البرهان في تفسير القرآن: 509/1 ح 4 و نور الثقلين: 237/1 ح 936، و مستدرک الوسائل: 21/3 ح 2914
- 2- عنه بحار الأنوار: 188/82 ح 12 و 108/83 ح 6، أشار إليه، و 201/85 ح 14، و 194/89 ح 37، و البرهان في تفسير القرآن: 509/1 ح 5، و نور الثقلين: 237/1 ح 937 قطعة منه، و مستدرک الوسائل: 15/6 ح 6310 بحذف الذيل. الكافي: 271/3 ح 1 بإسناده عن حريز عن زرارة قال: سألت أبا جعفر عليه السلام في كلام طويل ونحوه من لا يحضره الفقيه: 195/1 ح 600، و تهذيب الأحكام: 241/2 ح 23 عنهم وسائل الشيعة: 10/4 ح 4385 علل الشرائع: 354/2 ح 1 (باب - 67) نحو الفقيه عنه البحار: 283/82 ح 3 ذيل ح 3.

419) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره «نماز وسطی»، سؤال کردم؟

فرمود: «بر» نمازها و نماز وسطی و نماز عصر محافظت نمایند و برای خدا با حالت قنوت به پا خیزید» که «وسطی» ظهر است و رسول خدا صلی الله علیه و آله و این چنین قرائت می نمود.

420) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: «بر نمازها و نماز وسطی محافظت نمایند» که (منظور از «صلاة الوسطی» همان نماز ظهر خواهد بود و آن) اولین نمازی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله خواند

و این نماز در بین دو نماز در روز قرار گرفته است و آن دو نماز عبارتند از: نماز صبح و نماز عصر.

سپس حضرت فرمود: این آیه در روز جمعه هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر بود، نازل شد پس حضرت در آن نماز (وسطی) قنوت خواند و سپس آن نماز را به همان حالت خود واگذارده و چیزی به آن - برای مسافر و غیر مسافر - اضافه نکرد ولی برای مقیم (کسی که مسافر نباشد) دو رکعت اضافه نمود؛ و حکمت این دو رکعتی که حضرت برای مقیم (به عنوان نماز ظهر به جای نماز جمعه) اضافه نمود وجود دو خطبه (در نماز جمعه) می باشد بنابراین کسی که آن را تنها و بدون جماعت بخواند باید چهار رکعت بخواند همانند نماز ظهر سایر روزها (و ضمناً وقت نماز عصر در روز جمعه، همان وقت ظهر در در سایر روزها می باشد)

و حضرت افزود: فرمایش خداوند: (قُومُوا لِلَّهِ قَنَّتِينَ)، یعنی با حالت اطاعت از دستور و اشتیاق (به عبادت و ستایش خداوند) باشید.

421/522 - (عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ : أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ : أَنَّهُمَا سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ : (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى)

قَالَ : صَلَاةَ الظُّهْرِ وَ فِيهَا فَرَضَ اللَّهُ الْجُمُعَةَ وَ فِيهَا السَّاعَةُ الَّتِي لَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ فَيَسْأَلُ خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاهَا.) (1)

422/523 - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : (الصَّلَاةُ الْوُسْطَى) الظُّهْرُ (وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) إِقْبَالَ الرَّجُلِ عَلَى صَلَاتِهِ وَ مُحَافِظَتَهُ عَلَى وَفَّيْتِهَا حَتَّى لَا يُلْهِمِيهَ عَنْهَا وَ لَا يَشْغَلُهُ شَيْءٌ .) (2)

423/524 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

صَلَاةُ الْوُسْطَى هِيَ الْوُسْطَى مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ وَ هِيَ الظُّهْرُ ، وَ إِنَّمَا يُحَافِظُ أَصْحَابُنَا عَلَى الرُّوَالِ مِنْ أَجْلِهَا) (3)

424/525 - (وَ فِي رِوَايَةِ سَمَاعَةَ : (وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) قَالَ : هُوَ الدُّعَاءُ) (4)

ص : 510

1- عنه بحار الأنوار : 288/82 ح 13 و 195/89 ح 38 و البرهان في تفسير القرآن : 509/1 ح 6 و نور الثقلين : 237/1 ح 938 قطعة منه ، و مستدرک الوسائل : 21/3 ح 2915 ، و 9/6 ح 6292 . الكافي : 47/22 ح 10 بإسناده عن عمر بن أذينة قال : سمعت أبا عبد الله عليه السلام بتفاوت تهذيب الأحكام : 117/2 ح 209 ، عنهما وسائل الشيعة : 69/7 ح 8750 ، مكارم الأخلاق : 272 (في الأوقات المرجوة لإجابة الدعاء) نحو الكافي ، عنه البحار : 345/93 ضمن ح 9 .

2- عنه بحار الأنوار : 289/82 ح 14 قطعة منه ، و 321/84 ذيل ح 4 و 201/85 ذيل ح 14 ، وسائل الشيعة : 23/4 ح 4411 ، و البرهان في تفسير القرآن : 510/1 ح 7 . تفسير القمي : 79/1 (أقسام العدة) مرسلًا ، عنه البحار 286/82 ح 4 .

3- عنه بحار الأنوار : 289/82 ح 15 و وسائل الشيعة : 23/4 ح 4412 ، و البرهان في تفسير القرآن : 509/1 ح 8 ، و نور الثقلين : 237/1 ح 939

4- عنه بحار الأنوار : 202/85 ذيل ح 14 ، و البرهان في تفسير القرآن : 510/1 ح 9 ، و نور الثقلين : 237/1 ح 940 .

(421) - از زراره و محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «بر نمازها و نماز وسطی محافظت نمایید» سؤال کردند؟

حضرت فرمود: مقصود (از این فرمایش خداوند) نماز ظهر است که خداوند نماز جمعه را در آن وقت واجب نموده است و در آن ساعتی می باشد که چنانچه انسان در آن ساعت خداوند را بخواند و از او چیزی درخواست کند، خداوند متعال عطاایش کند.

(422) - از عبد الله سنان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: (مقصود از فرمایش خداوند متعال) «الصَّلَاةُ الْوَسْطَى»، نماز ظهر است و «قَوْمُوا لِلَّهِ قَتَبَيْنَ» روی آوردن انسان به سمت نماز می باشد و رعایت و اهمیّت دادن به وقت آن که غفلت نکند و کاری مانعش نگردد

(423) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: «صلاةٌ وسطی» نماز وسط روز است که (همان نماز) ظهر می باشد و همانا دوستان و یاران ما بر زوال خورشید به خاطر نماز، اهمیّت می دهند

(424) - و در روایت سماعة (حضرت) فرموده است (منظور از) «قَوْمُوا لِلَّهِ قَتَبَيْنَ»، دعا و راز و نیاز است

425/526 [عَنْ زُرَّارَةَ] عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (حَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ)

[قَالَ: الصَّلَاةَ، رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْوُسْطَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ] (وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) طَائِعِينَ لِإِلَهِكُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ. (1)

قوله تعالى: (فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمْتُمْ فادْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ (239) وَ الَّذِينَ يُتَوَقَّؤْنَ مِنْكُمْ وَ يَدْرؤْنَ أَرْوَاجًا وَ صِدْيَةً لَأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَا فَرَجْنًا فَلَآ جُنَاحَ عَلَيْنَا فِي مَآ فَعَلْنَا فِي أَنفُسِنَا مِن مَّعْرُوفٍ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (240)

426/527 [عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ صَلَاةِ الْمُؤَافَقَةِ؟

فَقَالَ: إِذَا لَمْ تَكُنْ النَّصْفَ مِنْ عَدُوِّكَ صَلَّيْتَ إِيمَاءً رَاجِلًا كُنْتَ أَوْ رَاكِبًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا) تَقُولُ فِي الرُّكُوعِ: لَكَ رَكَعٌ وَ أَنْتَ رَبِّي، وَ فِي السُّجُودِ: لَكَ سَجْدَةٌ وَ أَنْتَ رَبِّي أَيْنَمَا تَوَجَّهْتَ بِكَ

ص: 512

425) - [از زرارة] از عبد الرحمان بن كثير روايت کرده است که گفت: امام صادق عليه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «بر نماز ها و نماز وسطی محافظت نماييد و با حالت اطاعت از دستور و اشتیاق (به عبادت و ستایش خداوند) باشيد، فرمود: (منظور از) «الصلوات» رسول الله امير المؤمنين، فاطمه حسن و حسين - سلام الله عليهم - هستند، «الوسطی» امير المؤمنين عليه السلام است « وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَنِينًا »، تابعين و پيروان ائمه عليهم السلام می باشيد.

فرمایش خداوند متعال: پس اگر (به خاطر جنگ یا خطر دیگری) بترسيد (نماز را) در حال پیاده یا سواره انجام دهید اما هنگامی که امنیت خود را باز يافتيد خدا را یاد کنید (و نماز را به صورت متعارف انجام دهید) همان گونه که خداوند چیز هایی را که نمی دانستيد به شما تعليم داد (239) و کسانی که در آستانه مرگ هستند و همسرانی از خود بر جای می گذارند باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آن ها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره مند سازند به شرط این که آن ها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج نکنند) و اگر بیرون روند (حقی برای هزینه ندارند و) گناهی بر شما نیست نسبت به آن چه که آنان در مورد خود به گونه ای شایسته انجام می دهند و خداوند توان مند و حکيم است (240)

426) - از زراره روايت کرده است که گفت: (1)

ص: 513

1- ادامه متن است: به امام باقر عليه السلام عرضه داشتم: مرا از چگونگی نماز در حالت رویاری و جنگ با دشمن آگاه فرما فرمود: چنان چه در حالت آرامش نباشی (بلکه مشغول جنگ و ستیز باشی)، نماز را (برای رکوع و سجود) با حالت اشاره (سر، چشم و ابرو) انجام بده - فرقی نمی کند که پیاده باشی و یا سواره - زیرا که خداوند متعال فرموده است: «و اگر چنان چه ترسیدید، پس (نماز را) به حالت پیاده و یا سواره (انجام دهید) اگر در حالت جنگ و ترس - خواه پیاده و یا سواره - باشيد (نماز را برای دفاع با اشاره انجام دهید) در حال اشاره برای رکوع می گویی: «لک رکعت و دأنت ربی» (ای خدا!) برای تو رکوع به جا می آورم تو پروردگار من هستی و با حالت اشاره برای سجده می گویی: «لک سجده و أنت ربی» (ای خداوند!) برای تو سجده می کنم، تو پروردگار من هستی.

دَابَّتِكَ غَيْرَ أَنْكَ تَوَجَّهَ حِينَ تُكَبِّرُ أَوَّلَ تَكْبِيرِهِ. (1)

[427]/528 - (عَنْ أَبَانَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

فَاتَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَالنَّاسَ يَوْمًا بِصِدْفَيْنِ يَعْنِي صَلَاةَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، فَأَمَرَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يُسَبِّحُوا وَيُكَبِّرُوا وَيَهْلَلُوا، قَالَ: وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا) فَأَمَرَهُمْ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَنَعُوا ذَلِكَ رُكْبَانًا وَرِجَالًا.

وَرَوَاهُ الْحَلْبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فَاتَ النَّاسَ الصَّلَاةَ مَعَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامَ يَوْمَ صِفِّينَ إِلَى آخِرِهِ. (2)

[428]/529 - (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ [ابْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ] عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا) كَيْفَ يَفْعَلُ وَمَا يَقُولُ وَمَنْ يَخَافُ سَبْعًا أَوْ لِسًا كَيْفَ يُصَلِّي؟

قَالَ: يُكَبِّرُ وَيَوْمِيْ إِيْمَاءً بِرَأْسِهِ. (3)

ص: 514

1- عنه بحار الأنوار: 116/89 ذيل ح 10، ووسائل الشيعة: 446/8 ح 11128، والبرهان في تفسير القرآن: 510/1 ح 2، و نور الثقلين: 239/12 ح 948. من لا يحضره الفقيه: 466/1 ح 1345 بتفاوت، ونحوه تهذيب الأحكام: 173/3 ح 5، عنهما وسائل الشيعة: 441/8 ح 11113.

2- عنه بحار الأنوار: 116/89 ذيل ح 10، ووسائل الشيعة: 446/8 ح 11129، والبرهان في تفسير القرآن: 510/18 ح 3، و نور الثقلين: 239/1 ح 949 القطعة الأولى منه.

3- عنه بحار الأنوار: 117/89 ذيل ح 10، ووسائل الشيعة: 447/8 ح 11130، والبرهان في تفسير القرآن: 511/1 ح 4. الكافي: 457/3 ح 6، تهذيب الأحكام: 173/3 ح 382 عنهما وسائل الشيعة: 439/8 ح 11106،

فرقی نمی‌کند که مرکب سواری تو را به هر سویی ببرد و یا مواجه کند مهم این است که هنگام گفتن اولین تکبیر توجه (به سمت قبله را) داشته باشی

(427) - از ابان بن منصور روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام به همراه اصحاب و لشکرش در جنگ صفین یک روز نماز، ظهر، عصر، مغرب و عشا را از دست دادند، (به ناچار) امیرالمؤمنین علیه السلام دستور داد تا آنان تسبیح و تکبیر و لا إله إلا الله، بگویند.

امام صادق علیه السلام افزود: خداوند متعال فرموده است: (پس اگر در حالت جنگ و ترس) خواه پیاده و یا سواره - باشید (نماز را در حال دفاع با اشاره انجام دهید)، بر همین اساس امام علی علیه السلام چنان دستوری را داد و لشکر، در حال پیاده و سواره آن را انجام دادند.

و نیز حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: امام علی علیه السلام به همراه اصحاب و لشکرش در جنگ صفین نمازشان را از دست دادند ... تا آخر حدیث قبل.

(428) - از عبد الرحمان [بن ابی عبد الله] روایت کرده است، که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: - (پس اگر در حالت جنگ و ترس) خواه پیاده و یا سواره - سؤال کردم که او چگونه نماز بخواند؟ و نیز چنان چه شخصی از درنده و دزد ترسید چطور نماز را به جا آورد؟

فرمود: (تبت می‌کند و) تکبیرة الإحرام می‌گوید و (برای رکوع و سجود و تشهد و...) با سر (و یا چشم) اشاره می‌نماید.

ص: 515

530 / [429] - (عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي صِدَاقِ الزَّوْجِ قَالَ: يُكَبِّرُ وَ يُهَلِّلُ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ يَقُولُ اللَّهُ: (فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا) (1)

531/[430] - (عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (وَ الَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ)؟

قَالَ: مَنْسُوخَةٌ نَسَخْتَهَا آيَةٌ (يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا) (2) وَ نَسَخْتَهَا آيَةُ الْمِيرَاثِ. (3)

532/[431] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَ الَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ)؟

قَالَ: هِيَ مَنْسُوخَةٌ قُلْتُ: وَ كَيْفَ كَانَتْ؟

قَالَ: كَانَ الرَّجُلُ إِذَا مَاتَ أَنْفَقَ عَلَى إِمْرَأَتِهِ مِنْ صَدَقَاتِ الْمَالِ حَوْلًا، ثُمَّ أُخْرِجَتْ بِأَمْرٍ مِيرَاثٍ ثُمَّ نَسَخْتَهَا آيَةُ الرَّبِيعِ وَ الثَّمَنِ فَالْمَرْأَةُ يُنْفَقُ عَلَيْهَا مِنْ نَصِيبِهَا. (4)

ص: 516

1- عنه بحار الأنوار: 117/89 ذيل ح 11، وسائل الشيعة: 447/8 ح 11131، والبرهان في تفسير القرآن: 511/1 ح 5. من لا يحضره الفقيه: 465/12 ح 1341، عنه وسائل الشيعة: 443/8 ح 11118.

2- سورة بقرة: 234/2.

3- عنه بحار الأنوار: 190/104 ح 39، ووسائل الشيعة: 238/22 ح 28483، والبرهان في تفسير القرآن: 511/18 ح 1 ونور الثقلين: 240/1 ح 955، ومستدرک الوسائل: 363/15 ح 18512.

4- عنه بحار الأنوار: 191/104 ح 40، ووسائل الشيعة: 239/22 ح 28485، والبرهان في تفسير القرآن: 511/1 ح 2.

(429) - از عبد الرحمان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: در میدان جنگ و ستیز با دشمن به جای نماز، تکبیر «الله أكبر» و «لا إله إلا الله» می گویی؛ زیرا که خداوند می فرماید: «اگر در حالت جنگ و ترس - خواه پیاده و یا سواره -» باشید (نماز را در حال دفاع با اشاره انجام دهید)

(430) - از ابن ابی عمیر به نقل از (معاویة بن عمّار) روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت (امام صادق علیه السلام) درباره فرمایش خداوند متعال: «و کسانی که فوت می کنند و همسران خود را بدون وصیت باقی می گذارند (تا یک سال) باید تأمین هزینه شوند و از منزل بیرون نروند سؤال کردم؟

فرمود: به وسیله آیه ای دیگر: باید چهار ماه و ده روز خود را نگاه دارند» نسخ شده است که آن نیز توسط آیه ارث نسخ گردیده است.

(431) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت (امام باقر و یا امام صادق علیهما السلام) درباره فرمایش خداوند متعال: «و کسانی که فوت می کنند و همسران خود را بدون وصیت باقی می گذارند (تا یک سال) باید تأمین هزینه شوند و از منزل بیرون نروند»، سؤال کردم؟

فرمود: این آیه نسخ شده است.

عرض کردم: چگونه انجام گرفته است؟

فرمود: هنگامی که مردی از دنیا می رفت تا یک سال از اصل اموال شوهر به همسرش نفقه داده می شد و سپس او بدون ارث از زندگی آن مرد بیرون می شد که به وسیله آیه (ارث) یک چهارم و یک هشتم نسخ گردید، بعد از آن، نفقه زن از سهمیه ارث خود او پرداخت شد.

ص: 517

قوله تعالى: (وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) (241)

[432]/533 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) مَا أَذْنَى ذَلِكَ الْمَتَاعِ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ مُعْسِرًا لَا يَجِدُ؟

قَالَ: الْخِمَازُ وَشِبْهُهُ. (1)

[433]/534 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) قَالَ:

مَتَاعُهَا بَعْدَ مَا تَنَقَّضِيَ عِدَّتُهَا (عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرُهُ) «، فَأَمَّا فِي عِدَّتِهَا فَكَيْفَ يُمْتَعُهَا وَهِيَ تَرْجُوهُ وَهُوَ يَرْجُوهَا وَيُجْرِي اللَّهُ بَيْنَهُمَا مَا شَاءَ، أَمَا إِنَّ الرَّجُلَ الْمَوْسِرَ يُمْتَعُ الْمَرْأَةُ الْعَبْدَ وَالْأَمَةَ، وَيُمْتَعُ الْفَقِيرُ بِالْحِنْطِ وَالرَّيْبِ وَالثُّوبِ وَالذَّرَاهِمِ،

وَإِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَتَّعَ امْرَأَةً كَانَتْ لَهُ بِأَمِهِ، وَلَمْ يُطَلِّقْ امْرَأَةً إِلَّا مَتَّعَهَا. (2)

ص: 518

1- عنه بحار الأنوار: 360/103 ح 68، و البرهان في تفسير القرآن: 513/1 ح 7، و مستدرک الوسائل: 89/15 ح 17625 . الكافي:

105/6 ح 5 تهذيب الأحكام: 140/8 ح 85 عنهما وسائل الشيعة: 309/21 ح 27153

2- عنه بحار الأنوار: 359/103 ح 65، و البرهان في تفسير القرآن: 513/1 ح 8 و مستدرک الوسائل: 89/15 ح 17624 و 91 ح

17633 قطعة منه. الكافي: 105/6 ح 3 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام، و ح 4 عن عثمان بن عيسى، عن سماعة

جميعاً، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير فيهما، و نحوهما تهذيب الأحكام: 139/8 ح 83 و ح 84 عنهما وسائل الشيعة:

308/21 ح 27152

فرمایش خداوند متعال: و برای زنان طلاق داده شده هدیه متعارفی لازم است (که از طرف شوهر پرداخت گردد) این حقی است بر عهده مردان پرهیزکار (241)

(432) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم: (مرا نسبت به فرمایش خداوند: «و برای زن های طلاق داده شده متاع و هدیه ای مناسب لازم است و این حقی است بر عهده مردان پرهیزکار» آگاه نمایید که اگر مرد در تنگدستی و سختی باشد کمترین مقدار بهره مندی از اموال (برای همسرش) چه مقدار می باشد؟

فرمود: «خمار» مقنعه و پوششی که زن را بپوشاند.

(433) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خدای عزّ و جلّ: «و برای زن های طلاق داده شده متاع و هدیه ای مناسب لازم است و این حقی است بر عهده مردان پرهیزکار» فرمود: زن طلاق داده شده را - بعد از آن که عده اش پایان یافت - در حدّ توان از اموال خود کمک نماید بهره مندش کند

(گفتم:) چگونه او را از اموال خود بهره مند گرداند با این که در عده است و هر دو نفر امید به یکدیگر دارند؟ تا خدوند چه اراده کند و بین آنان چه اتفاقی بیفتد؟

فرمود: چنان چه شخص توانمند باشد. برای کمک به همسر طلاق داده اش در حدّ دادن یک عبد (زر خرید و غلام) و یا کنیز بپردازد، ولی شخص ضعیف و ناتوان در حدّ خود (مانند) گندم، کشمش لباس و پول نقد پرداخت کند.

سپس افزود: امام حسن مجتبی علیه السلام همسر خود را طلاق داد و یک کنیز به او عطا کرد و حضرت زنی را طلاق نمی داد مگر آن که چیزی را به او عطا می کرد و بهره مندش می نمود

ص: 519

مَتَاعُهَا بَعْدَ مَا تَنَقَّضِيَ عِدَّتُهَا (عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرُهُ) (1)

536/435] - [عن حلبى] (عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عَنِ الْمُطَلَّقِ مَا لَهَا مِنَ الْمُتَعَةِ؟ قَالَ: عَلَى قَدْرِ مَالِ زَوْجِهَا.) (2)

537/436] - (عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا؟

قَالَ: فَقَالَ: عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ سَمَى لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُ الْمَهْرِ وَ لَا عِدَّةَ عَلَيْهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ سَمَى لَهَا مَهْرًا فَلَا مَهْرَ لَهَا وَ لَكِنْ يُمْتَعُهَا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ (وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَمِّينِ) (3)

538/437] - (قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا إِنْ مُتَّعَهُ الْمُطَلَّقُ فَرِيضَةً .) (4)

ص: 520

1- عنه بحار الأنوار : 359/103 ذيل ح 65 و وسائل الشيعة : 311/21 ح 27161 ، و البرهان في تفسير القرآن : 513/1 ح 9. قطعة من حديث سابقه، فراجع تخريجاته

2- عنه بحار الأنوار : 359/103 ح 66، و وسائل الشيعة : 311/21 ح 27158 ، و البرهان في تفسير القرآن : 513/1 ح 10.

3- عنه بحار الأنوار: 359/103 ح 67 ، و وسائل الشيعة : 311/21 ح 27159 ، و البرهان في تفسير القرآن : 513/1 ح 11 الكافي : 106/6 ح 1 بإسناده عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام، و 119 ح 6 بإسناده عن ابن أبي يعفور، عن أبي الله عليه السلام بتفاوت فيهما، عنهما و وسائل الشيعة : 313/21 ح 27168، و 328 ح 27209

4- عنه بحار الأنوار: 360/103 ذيل ح 67 ، و وسائل الشيعة : 311/21 ح 27160 ، و البرهان في تفسير القرآن : 514/1 ح 12 الكافي: 105/6 ح 2 بإسناده عن البنزطي قال: ذكر: بعض أصحابنا ونحوه من لا- يحضره الفقيه : 506/3 ح 4775، و تهذيب الأحكام: 141/8 ح 9 عنهم و وسائل الشيعة : 306/21 ح 27141 ، و 307 ح 27145

(434) - و از حلبی روایت کرده است که گفت:

بهره مند شدن زن بعد از گذشت عده اش از اموال شوهر، به مقدار استطاعت و توان و یا ناتوانی شوهرش می باشد

(435) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

از یکی از دو امام صادق و امام کاظم علیهما السلام درباره زنی که طلاق داده شده سؤال کردم که از چه مقدار از اموال شوهرش باید بهره مند شود؟

فرمود: به مقدار توان و استطاعت شوهرش خواهد بود

(436) - از حسن بن زیاد روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره مردی که همسر خود را پیش از آن که با او نزدیکی و مجامعت کرده باشد طلاق داده سؤال کردم؟

فرمود: چنان چه مهریه ای برایش قرار داده شده نصف آن حق همسرش می باشد، (و برای زن شوهر کرده ای که همبستر نشده باشند) عده لازم نیست، ولی اگر مهریه ای قرارداد نشده باشد چیزی طلب کار نمی باشد لیکن (از باب احسان) او را از اموال خود در حدّ توان بپهرمند و کمک نماید؛ زیرا که خداوند متعال در کتاب خود می فرماید: «و برای زن های طلاق داده شده متاع و هدیه ای مناسب لازم است و این حقی بر عهده مردان پرهیزکار می باشد»

(437) - از احمد بن محمد روایت کرده است که گفت:

بعضی از اصحاب گفته اند: بهره مند ساختن زن طلاق داده شده از اموال شوهرش فریضه و لازم می باشد

قوله تعالى: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ) (243) وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (244) مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (245)

[438]/539- (عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: حَدَّثَنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ) قُلْتُ: أَحْيَاهُمْ حَتَّى نَظَرَ النَّاسُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ أَمَاتَهُمْ مِنْ يَوْمِهِمْ أَوْ رَدَّهُمْ إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى سَكَنُوا الدُّوْرَ وَ أَكَلُوا الطَّعَامَ وَ نَكَحُّوا النِّسَاءَ؟

قَالَ: بَلْ رَدَّهُمُ اللَّهُ حَتَّى سَكَنُوا الدُّوْرَ وَ أَكَلُوا الطَّعَامَ وَ نَكَحُّوا النِّسَاءَ وَ لَبِثُوا بِذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ مَاتُوا بِأَجَالِهِمْ. (1)

ص: 522

1- عنه بحار الأنوار: 381/13 ح 2 أشار إليه. و 74/53 ح 74 و البرهان في تفسير القرآن: 515/1 ح 2 مختصر بصائر الدرجات : 24 بإسناده عن حمران بن أعين، عن أبي جعفر عليه السلام عنه البحار: 381/13 ح 2 و 74/53 ح 74، و البرهان: 515 ذيل 2، مجمع البيان: 605/2 عنه البحار: 381/13 ح 2. هذه القصة وقعت لأهل مدينة من مدائن الشام في زمن نبي من أنبياء بني إسرائيل المسمّى حزقييل عليه السلام راجع تفصيلها إلى الكافي : 198/8 ح 237 بإسناده عن ابن محبوب عن عمر ابن يزيد وغيره عن بعضهم عن أبي عبد الله عليه السلام، و بعضهم عن أبي جعفر عليه السلام

فرمایش خداوند متعال: آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ از خانه های خود قرار کردند؟ و آنان هزار ها نفر بودند (که به بهانه ترس از بیماری طاعون از شرکت در میدان جهاد امتناع ورزیدند)، پس خداوند به آن ها گفت: بمیرید (و به همان بیماری که آن را بهانه قرار داده بودند مردند). سپس خداوند آن ها را (برای عبرت دیگران) زنده کرد خداوند نسبت به بندگان خود فضل و احسان می کند ولی بیشتر مردم شکر (او را) بجا نمی آورند (243) و در راه خداوند قتال و جهاد نمایند و بدانند که همانا خداوند شنوا و دانا است (244) کیست که به خدا قرض الحسنه ای دهد (و از اموالی که در اختیار او قرار داده انفاق کند) تا آن را برای او چندین برابر افزایش دهد؟ و خداوند است (که روزی بندگان را) محدود یا گسترده می نماید و شما به سوی او باز می گردید (و پاداش خود را دریافت خواهید کرد). (245)

(438) - از حمران بن اعین روایت کرده است که گفت:

به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم: درباره تفسیر فرمایش خداوند متعال: «آیا نمی بینی کسانی را که - از ترس مرگ - از دیار خود بیرون رفتند و هزاران نفر بودند؟ پس خداوند به آنان فرمود: همگی بمیرید و سپس تمامی آن افراد را زنده نموده»، برایم مطالبی را بیان فرما: آیا خداوند ایشان را زنده نمود تا دیگر انسان ها به ایشان بنگرند (و عبرت گیرند)؟ آیا پس از آن همه را می راند و در همان روز مجدداً زنده نمود؟ و در خانه های خود ساکن شدند و همانند دیگران غذا می خوردند و به زنان نگاه می کردند؟

فرمود: بلکه خداوند آنان را زنده نمود تا (زنده شدگان) در خانه های خود ساکن شدند و همانند دیگران غذا می خوردند و با زبان نکاح می کردند. زمانی که اراده خداوند تعلق گرفت تمامی آنان با سرآمدن و پایان عمرشان مردند.

ص: 523

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا) (1) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَبِّ زِدْنِي، فَانزَلَ اللَّهُ تَعَالَى (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا) (2) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَبِّ! زِدْنِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً) وَالكَثِيرَةُ عِنْدَ اللَّهِ لَا يُحْصَى. (3)

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُهُ تَعَالَى: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا)؟ قَالَ: هِيَ صَلَهِ الْإِمَامِ (4)

كُنْتُ فِي دِيْوَانَ ابْنِ عَبَّادٍ، فَرَأَيْتُ كِتَابًا يُنْسَخُ فَسَأَلْتُ عَنْهُ؟، فَقَالُوا: كِتَابُ الرِّضَا إِلَى ابْنِهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنْ خُرَاسَانَ فَسَأَلْتُهُمْ أَنْ يَدْفَعُوهُ إِلَيَّ، فَإِذَا فِيهِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَبَقَاكَ اللَّهُ طَوِيلًا، وَأَعَادَكَ مِنْ عَدُوِّكَ يَا وَلَدِي!، فِدَاكَ أَبُوكَ! قَدْ فَسَّرْتُ لَكَ مَالِي وَأَنَا حَتَّى سَوِيٌّ، رَجَاءً أَنْ يُمْنِكَ [اللَّهُ] بِالصَّلَةِ لِقِرَائَتِكَ،

1- سورة نمل، 89/27 و سورة قصص 84/28

2- سورة الأنعام: 160/6 .

3- عنه بحار الأنوار: 246/71 ذيل ح 2، و البرهان في تفسير القرآن: 516/1 ح 3. معاني الأخبار: 397 ح 54 بإسناده عن أبي أيوب الخزاز قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ...، عنه البحار: 246/71 ح 1 و 137/96 ح 72 .

4- عنه بحار الأنوار: 215/96 ح 2، و البرهان في تفسير القرآن: 516/1 ح 4. تفسير القمي: 351/2، الكافي: 537/1 ذيل ح 2 بإسناده عن الخيبري و يونس بن ظبيان قالوا: سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: ...، و 302/8 ح 461، ثواب الأعمال: 99 (ثواب صلة الإمام عليه السلام عن إسحاق بن عمار قال: قلت للصادق عليه السلام، عنه البحار: 215/96 ح 3 .

(439) - از علی بن عمّار روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: پس از آن که این آیه شریفه «هر کسی که کار نیکی انجام دهد برای او (در پیشگاه خداوند) بهتر خواهد بود» را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل کرد - هر کسی که حسنه ای انجام دهد بهتر از آن برایش ذخیره گردد - حضرت اظهار داشت: خداوند! برای (امت) من بیفزا سپس خداوند متعال این آیه را نازل نمود: «هر کسی که کار نیکی انجام دهد برای او ده برابر آن خواهد بود»

حضرت اظهار داشت: «اللهم زدنی» خداوند تبارک و تعالی (این آیه): «هر کسی که به خداوند (عمل، وام) قرض الحسنه ای دهد، پس خداوند چندین برابر برایش افزایش می دهد» را نازل کرد که خیر بسیار در پیشگاه خداوند قابل تعیین و شمارش نمی باشد

(440) - از اسحاق بن عمّار روایت کرده است که گفت:

به امام کاظم علیه السلام عرضه داشتیم: منظور از «هر کسی که به خداوند (عمل، وام) قرض الحسنه ای دهد» (چیست)؟

فرمود: صله و کمک رسانی به امام است.

(441) - از محمد بن عیسی بن زیاد روایت کرده است که گفت:

در دفترخانه (نویسندگان) ابن عبّاد بودم پس نوشته ای را دیدم که مشغول نسخه برداری از آن بودند؛ از (محتوای) آن سؤال کردم؟

گفتند: نامه ای است که امام رضا علیه السلام - از خراسان - به فرزندش نوشته است.

از ایشان درخواست کردم که آن را به من دهند تا ببینم وقتی آن را گرفتم و ملاحظه کردم در آن نوشته بود به نام خداوند بخشاینده، مهربان، خداوند، طول عمر عطایت کند و از شر دشمنان در پناه خویش قرارت دهد ای فرزندم پدرت فدایت باد!

همانا من آن چه را در نظر داشتم برایت بیان کرده ام - من زنده و سالم هستم و اما نسبت به (خانم) سعیده (که مورد اعتماد امام کاظم علیه السلام بود)، اوزنی است که

ص: 525

وَلِمَوَالِي مُوسَى وَجَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَأَمَّا سَعِيدُهُ فَإِنَّهَا امْرَأَةٌ قَوِيَّةٌ أَلْجَزَمُ فِي النَّحْلِ، وَالصَّوَابُ فِي دِقَّةِ النَّظَرِ، [رقة الفطر] وَ لَيْسَ ذَلِكَ كَذَلِكَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً)، وَقَالَ: (لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ) (1) وَقَدْ أَوْسَعَ اللَّهُ عَلَيْكَ كَثِيرًا يَا بَنِيَّ! فِدَاكَ أَبُوكَ! - لَا يَسْتُرُ فِي (2) الْأُمُورَ بِحَسَبِهَا فَتُخْطِئَ حَقَّكَ، وَالسَّلَامُ. (3)

قوله تعالى: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّهِمْ لَهُمْ إِبْعَثْ لَنَا مَلَكًا يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (246) - الى - وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (248)

ص: 526

1- سورة الطلاق: 7/65

2- في الطبع الحديث: لا تستردني وهو تغير مفهوم وفي البحار: لا تستردوني

3- عنه بحار الأنور 103/50 ج 18، والبرهان في تفسير القرآن: 566/1 ح 5 و موسوعة مكاتيب الأئمة و رسائلهم عليهم السلام 138/1 ح 147 (تأليف المحقق)

دارانی زاده ای قوی می باشد و در رسیدن به واقعیات و داشتن نظریات صحیح ثابت و مستقیم است ولی با همه این حالات چنین جوی که اشاره شد وجود ندارد، خداوند متعال فرموده است: «کسی که به خداوند قرض الحسنه ای دهد. خداوند برایش چند برابر می گرداند» و نیز فرمود: «صاحبان امکانات که توانایی دارند و نیز آن هایی که ناتوان هستند (هر کدام در حد توانشان) باید از آن چه خداوند عطایشان نموده انفاق نمایند» ای فرزندانم! پدرت فدایت باد! همانا که خداوند برای تو وسعت بسیاری قرار داده است؛ (دقت کن) امور جاری از نظرت جهان نگردد که سهم و نصیب خود را در پیشگاه خداوند از دست می دهی در پایان بر تو سلام باد.

فرمایش خداوند متعال: آیا ندیدی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی به پیامبر خود گفتند: زمامدار برای ما انتخاب کن تا (به فرمان او) در راه خدا جهاد کنیم؟ پیامبر به آن ها گفت: شاید اگر دستور جنگ آید (سربجی کنید و) در راه خدا جهاد نکنید گفتند: چگونه ممکن است جهاد نکنیم در حالی که از خانه ها و فرزندانمان رانده شده ایم، (و شهرها به وسیله دشمن اشغال و فرزندان ما اسیر شده اند؟! اما زمانی که دستور جهاد آمد روی گرداندند مگر افرادی اندک خداوند به موقعیت ستمگران (246) - ادامه اش تا - و پیامبرشان گفت: نشانه حکومت او، این است (همان صندوق عهدی که) به سوی شما خواهد آمد در آن آرامشی از پروردگار شما و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد فرشتگان آن را حمل می کنند و در این نشانه ای (روشن) برای شما خواهد بود. اگر ایمان داشته باشید. (248)

442/543] - (عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ إِنبِئْنَا مِلْكًا نُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَكَانَ الْمَلِكُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ هُوَ الَّذِي يَسِيرُ بِالْجُنُودِ وَالنَّبِيُّ يُقِيمُ لَهُ أَمْرَهُ وَيُنْبِئُهُ بِالْخَبَرِ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ فَلَمَّا قَالُوا ذَلِكَ لِنَبِيِّهِمْ قَالَ لَهُمْ: إِنَّهُ لَيْسَ عِنْدَكُمْ وِفَاءٌ وَلَا صِدْقٌ وَلَا رَغْبَةٌ فِي الْجِهَادِ،

فَقَالُوا: إِنَّا كُنَّا نَهَابُ (1) الْجِهَادَ فَإِذَا أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَابْنَانَا فَلَا بَدَّ لَنَا مِنَ الْجِهَادِ وَنُطِيعُ رَبَّنَا فِي جِهَادِ عَدُوِّنَا،

قَالَ: (إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا)

فَقَالَتْ عِظَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ: وَ مَا شَأْنُ طَالُوتَ يُمَلِّكُ عَلَيْنَا وَ لَيْسَ فِي بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ الْمَمْلَكَةِ، وَ قَدْ عَرَفْتَ أَنَّ النَّبُوَّةَ وَ الْمَمْلَكَةَ فِي آلِ الْأَوَّلَى وَ يَهُودَا وَ طَالُوتَ مِنْ سِبْطِ إِبْنِ يَامِينَ بْنِ يَعْقُوبَ

فَقَالَ لَهُمْ (إِنَّ اللَّهَ قَدْ اصْطَفَاكُمْ وَ زَادَهُمْ بِسَطْوَةٍ فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ) وَ الْمَلِكُ بِيَدِ اللَّهِ يَجْعَلُهُ حَيْثُ يَشَاءُ لَيْسَ لَكُمْ أَنْ تَخْتَارُوا وَ (إِنَّ آيَةَ مَلِكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ التَّابُوتُ) مِنْ قَبْلِ اللَّهِ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ (فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ) وَ هُوَ الَّذِي كُنْتُمْ تَهْزِمُونَ بِهِ مَنْ لَقَيْتُمْ، فَقَالُوا: إِنَّ جَاءَ التَّابُوتُ رَضِينَا وَ سَلَّمْنَا. (2)

ص: 528

1- هاب الشيء: إذا خافه و إذا وقره و عظمه . مجمع البحرين: 185/2 (هيب).

2- عنه بحار الأنوار: 449/13 ح 11 و البرهان في تفسير القرآن: 522/1 ح 11.

امام صادق علیه السلام (درباره فرمایش خداوند متعال): «آیا گروهی از بنی اسرائیل را مشاهده نکردی که بعد از موسی به پیامبرشان گفتند: پادشاهی را برای ما بفرست تا با او در راه خدا جهاد و قتال کنیم: فرمود: پادشاه آن زمان (به این سو و آن سو) لشکرکشی می کرد و پیامبرشان برنامه ها و امور او را اجرا می نمود و اخبار و حوادث را از طرف خداوند می گرفت و برای او بیان می کرد

هنگامی که آن پیشنهاد را برای پیامبرشان مطرح کردند در پاسخ به ایشان گفت: در شما وفای به عهد و پیمان نمی بینم هم چنین شما صداقت در گفتار و اشتیاق به جنگ و جهاد ندارید گفتند: ما از جنگ میترسیدیم ولی هنگامی که از دیار و از نزد فرزندانمان خارج شویم ناچاریم که جنگ و جهاد کنیم و در جنگ و جهاد با دشمن از فرمان خدا اطاعت خواهیم کرد.

پیامبر خدا علیه السلام فرمود: خداوند طالوت را به عنوان پادشاه برای شما برگزیده است.

بزرگان بنی اسرائیل اظهار داشتند: موقعیت و برتری طالوت چیست که بر ما حاکم و پادشاه باشد؟ او نه از خانواده انبیاء است و نه از خانواده حاکمان و پادشاهان می باشد؛ و تو خود می دانی که نبوت و مملکت داری در خانواده لاوی و یهودا بوده است و طالوت از ذریه بنیامین می باشد پیامبرشان گفت: «همانا خداوند او را برای شما برگزیده و او را از علم و توان جسمی بهره مند گردانده است» ضمناً، پادشاهی به دست خدا می باشد که به هر کس اراده کند عطا می نماید؛ و شما حق انتخاب نخواهید داشت و نشانه پادشاهی او این است که صندوق تابوت را برایتان می آورد» که از آن طرف خداوند فرشته ها برایتان حمل می کنند «در آن (تابوت) سینه ای از طرف پروردگارتان و نیز آثار آل موسی و آل هارون می باشد» آن همان چیزی است که در برابر برخورد با دشمنان حرکت می دادید و هجوم می آوردید.

همگی اظهار داشتند: اگر تابوت آورده شود راضی و تسلیم خواهیم بود.

443/544 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ) قَالَ: كَانَ الْقَلِيلُ سِتِّينَ أَلْفًا) (1)

444/455 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ) قَالَ: لَمْ يَكُنْ مِنْ سِبْطِ النَّبِيِّ وَ لَا مِنْ سِبْطِ الْمَمْلُوكَةِ (قَالَ إِنَّ اللَّهَ إِصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ) وَقَالَ (إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ) فَجَاءَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ تَحْمِلُهُ .) (2)

445/546 - (عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ) قَالَ: رُضَاضُ الْأَلْوَا حِ فِيهَا الْعِلْمُ وَ الْحِكْمَةُ، الْعِلْمُ جَاءَ مِنَ السَّمَاءِ فَكُتِبَ فِي الْأَلْوَا حِ وَ جُعِلَ فِي التَّابُوتِ) (3)

446/547 - (عَنْ أَبِي الْمُحَسِّنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ) ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذُرِّيَّةُ الْأَنْبِيَاءِ .) (4)

ص: 530

1- عنه بحار الأنوار: 443/13 ذيل ح 6 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 522/1 ح 12. معاني الأخبار: 151 ح 1، عنه البحار: 443/13 ح 6.

2- عنه بحار الأنوار: 438/13 ح 1، و البرهان في تفسير القرآن: 522/1 ح 13. الكافي: 316/82 ح 498 بتفصيل عنه البحار: 437/13 ح 1

3- عنه بحار الأنوار: 450/13 ح 13، و البرهان في تفسير القرآن: 522/1 ح 14، و نور الثقلين: 246/1 ح 977. الكافي: 317/8 ح 500 ياسناده عن حريز عمن أخبره، عن أبي جعفر عليه السلام- إلى قوله: و الحكمة - عنه البحار: 438/13 ح 3.

4- عنه بحار الأنوار: 450/13 ح 13، و البرهان في تفسير القرآن: 523/1 ح 15 وفيه: عن أبي الحسن، و نور الثقلين: 247/1 ح 978

(443) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «پس از آن که جنگ و جهاد بر ایشان نوشته و واجب گردید، مخالفت کردند، مگر عدّه اندکی از ایشان»، فرمود:

تعداد قلیل شصت هزار نفر بودند

(444) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «همانا خداوند، طالوت را برای شما به عنوان پادشاه فرستاد، گفتند: پادشاهی از کجا به او رسیده است؟ با این که ما نسبت به آن در اولویت هستیم»؛ فرمود: طالوت از خانواده نبوت و ذریّه پادشاهان نبود، «(پیامبرشان) گفت: خداوند او را برای شما برگزیده است»، سپس فرمود: «نشانه پادشاهی او این است که صندوق تابوت را برایتان می آورد (که آن را فرشته ها از طرف خداوند، برایتان حمل می نمایند)، در آن سکینه ای از طرف پروردگارتان و نیز آثار آل موسی و آل هارون می باشد» پس فرشته ها در حالتی که آن را حمل می کردند آوردند

(445) - حرّیز به نقل از شخصی (از اصحاب) روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «صندوق (تابوت) را برایتان می آورد که در آن سکینه ای از طرف پروردگارتان و نیز آثار آل موسی و آل هارون می باشد پس در حالتی که فرشته ها آن را حمل می کردند، آوردند» فرمود:

در آن تابوت قطعه هایی از الواح (موسی علیه السلام) بود که در بردارنده علوم و حکمت می باشد که علم از آسمان آمد و بر الواح نوشته شد و درون تابوت قرار گرفت.

(446) - از ابو الحسن (ابو المحسن) روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و آثار آل موسی و آل هارون می باشد و فرشته ها آن را حمل می کرده اند» سؤال نمودم؟

فرمود ایشان ذریّه پیامبران بودند.

ص: 531

548/447] - (عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَمِعْتُهُ وَهُوَ يَقُولُ لِلْحَسَنِ: أَيُّ شَيْءٍ السَّكِينَةُ عِنْدَكُمْ؟ وَقَرَأَ (فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ) (1) فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ! لَا أُدْرِي
فَأَيُّ شَيْءٍ هِيَ؟

قَالَ: رِيحٌ تَخْرُجُ مِنَ الْجَنَّةِ طَيِّبَةٌ لَهَا صُورَةٌ كَصُورَةِ وَجْهِ الْإِنْسَانِ

قَالَ: فَتَكُونُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ، فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي سَبَاطٍ: تَنْزِلُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ؟

فَقَالَ: تَنْزِلُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ، وَهِيَ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ بَنَى الْكَعْبَةَ فَجَعَلَتْ تَأْخُذُ كَذَا وَبَنَى الْأَسَاسَ عَلَيْهَا،

فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ)؟

قَالَ: هِيَ مِنْ هَذَا، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى الْحَسَنِ فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ التَّابُوتُ فِيكُمْ؟

فَقَالَ: السَّلَاحُ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعَمْ هُوَ تَابُوتُكُمْ، فَقَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ فِي التَّابُوتِ الَّذِي كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ؟

قَالَ: كَانَ فِيهِ الْوَاخُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّتِي تَكْسَرَتْ وَالطَّسْتُ الَّتِي تُغْسَلُ فِيهَا قُلُوبُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (2)

ص: 532

1- سورة الفتح: 26/48

2- عنه بحار الأنوار: 450/13 ح 14 ، و البرهان في تفسير القرآن: 523/1 ح 16، و نور الثقلين: 247/1 ح 979 قطعة منه . الكافي :
206/4 ح 5 بإسناده عن ابن فضال قال: قال أبو الحسن - يعني الرضا - عليه السلام باختصار، ونحوه من لا يحضره الفقيه: 246/2 ح
2318 بإسنادهما عن إسماعيل بن همام عن الرضاء عليه السلام عنهما وسائل الشيعة: 212/13 ح 17584 ، عيون أخبار الرضا عليه
السلام: 312/1 ح 80 و معاني الأخبار: 285 ح 3 نحو الفقيه عنهما البحار: 102/12 ح 9 و 444/13 ح 9، و 53/99 ح 2 .

(447) - از عباس بن هلال روایت کرده است که گفت:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که به حسن (بن جهم) می فرمود: از دیدگاه شما (سکینه) چیست؟ و (حضرت این آیه شریفه: «پس خداوند سکینه را بر رسول خود نازل نمود» را قرائت نمود

حسن به حضرت عرض کرد: فدایت گردم! من نمی دانم شما برایم بفرمایید: «سکینه»، چیست؟

فرمود: رایحه ای خوش بو است که از بهشت هم چون شکل ظاهری انسان، بیرون می آید و همراه پیامبران الهی می باشد

علی بن اسباط از حضرت پرسید: آیا این سکینه و رایحه بر پیامبران و اوصیای ایشان نازل می شود؟

فرمود بر پیامبران نازل می گردد که بر حضرت ابراهیم علیه السلام در آن موقعی که مشغول بنای کعبه بود نازل گردید و محدوده کعبه را توسط آن تنظیم نمود و اساس پایه ها و ستون های آن را بنا کرد

محمد بن علی به امام عیبه السلام گفت: (منظور از) فرمایش خداوند متعال: «در آن (تابوت) سکینه ای از طرف پروردگارتان می باشد» چیست؟

فرمود: آن سکینه هم همین می باشد سپس حضرت مجدداً به حسن، خطاب نمود تابوت از دیدگاه شما چیست؟

عرضه داشت: سلاح می باشد فرمود: بلی از دید شما تابوت سلاح است حسن گفت: شما بفرمایید: تابوتی که در بین بنی اسرائیل بود چیست؟

فرمود: در آن الواح موسی علیه السلام قرار داشت که شکست؛ و تشت همان چیزی است که در آن قلوب پیامبران شستشو داده می شد.

ص: 533

قوله تعالى : (فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمِ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةً غَلَبَتْ فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ) (249)

[448]/549 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ (إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي)

[قال عليه السلام: [فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ] وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا ، مِنْهُمْ مَنِ اغْتَرَفَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ يَشْرَبْ ، فَلَمَّا بَرَزُوا قَالَ الَّذِينَ اغْتَرَفُوا (لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ) وَ قَالَ الَّذِينَ لَمْ يَغْتَرِفُوا : (كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ) . (1)

[449]/550 - (عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ :

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَقَلِّ مِنَ الْفِتْنَةِ وَ لَا يَكُونُ الْفِتْنَةُ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ) (2)

ص: 534

1- عنه بحار الأنوار: 438/13 ذيل ح 1 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 523/1 ح 17، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 . الكافي :

316/8 ح 498 في حديث طويل، عنه البحار: 437/13 ح 1

2- عنه البرهان في تفسير القرآن: 523/1 ح 18 و نور الثقلين: 249/1 ح 984 . إكمال الدين: 654/2 ح 20 بتفصيل، و نحوه العدد

القويّة: 65 (نبذة) من أحوال الإمام الحجّة عليه السلام، و بحار الأنوار: 323/52 ح 33

فرمایش خداوند متعال: پس هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر منصوب شد و) سپاهیان را با خود بیرون برد گفت: خداوند شما را به وسیله یک نهر آب آزمایش می کند آن هایی که از آن بنوشند از من نیستند و آن هایی که جز یک پیمانه با دست خود بیشتر نیاشامند از من هستند پس جز عده اندکی همگی از آن آب نوشیدند و هنگامی که او و افرادی که با او ایمان آورده بودند از آن نهر گذشتند (و از کمی نفرات خود، ناراحت شدند، عده ای) گفتند: امروز ما توانایی مقابله با (جالوت و) سپاهیان او را نداریم ولی آن هایی که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به قیامت ایمان داشتند) گفتند: چه بسیار گروه کوچکی که به فرمان خدا بر گروه های عظیمی پیروز شدند و خداوند با استقامت کنندگان است. (249)

(248) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «همانا خداوند شما را به وسیله نهر آبی مورد آزمایش قرار می دهد هر که از آن بیاشامد از (حزب) من نخواهد بود» فرمود: همگی از آن آب آشامیدند مگر 313 نفر از مردانشان بعضی یک مشت آب آشامیدند و بعضی هیچ نیاشامیدند. هنگامی که رو در روی دشمن قرار گرفتند. آن هایی که یک مشت آب نوشیده بودند گفتند: «ما امروز توان جنگ با جالوت و لشکریانش را نداریم» و آن هایی که آب نیاشامیده بودند گفتند: «چه بسا افراد اندکی که با اذن و اراده خداوند بر افراد بیشماری، غالب و پیروز گردند که البته خداوند با صبر کنندگان است» (1)

ص: 535

1- ترجمه حدیث (449) - از حماد عثمان روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: قائم (آل محمد علیهم السلام، خداوند ظهور مبارکش را نزدیک تر بگرداند و ما را از یاران با وفایش قرار دهد. ان شاء الله) در کمتر از «فئة» ظهور و خروج نمی کند که تعداد «فئة» کمتر از ده هزار نفر نمی باشد.

كَانَ دَاوُدُ وَإِخْوَهُ لَهُ أَرْبَعَةٌ وَمَعَهُمْ أَبُوهُمُ شَيْخٌ كَبِيرٌ وَتَخَلَّفَ دَاوُدُ فِي غَنَمٍ لِأَيِّهِ فَفَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ فَدَعَا أَبُوهُ دَاوُدَ - وَهُوَ أَصْغَرُهُمْ - فَقَالَ: يَا بُنَيَّ! إِذْهَبْ إِلَى إِخْوَتِكَ بِهَذَا الَّذِي قَدْ صَدَّ نَعْنَاهُ لَهُمْ يَتَفَوَّضُونَ بِهِ عَلَيَّ عَدُوَّهُمْ - وَكَانَ رَجُلًا قَصِيصًا أَرْزَقَ قَلِيلَ الشَّعْرِ طَاهِرِ الْقَلْبِ - فَخَرَجَ وَ قَدْ تَقَارَبَ الْقَوْمُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ.

[فَدَكَرَ] عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: فَمَرَّ دَاوُدُ عَلَى حَجَرٍ فَقَالَ الْحَجَرُ: يَا دَاوُدُ! خُذْنِي فَاقْتُلْ بِي جَالُوتَ، فَإِنِّي إِنَّمَا خُلِقْتُ لِقَتْلِهِ، فَأَخَذَهُ فَوَضَعَهُ فِي مِخْلَاطِهِ الَّتِي تَكُونُ فِيهَا حِجَارَتُهُ الَّتِي كَانَ يَرْمِي بِهَا عَنْ غَنَمِهِ بِمُقْدَافِهِ فَلَمَّا دَخَلَ الْعَسْكَرَ سَمِعَهُمْ يَتَعَطَّمُونَ أَمْرَ جَالُوتَ فَقَالَ لَهُمْ دَاوُدُ: مَا تَعَطَّمُونَ مِنْ أَمْرِهِ؟ فَوَاللَّهِ لَئِن عَايَنْتَهُ لَأَقْتُلَنَّه فَتَحَدَّثُوا بِخَبْرِهِ حَتَّى أُدْخِلَ عَلَى طَالُوتَ، فَقَالَ: يَا فَتَى! وَمَا عِنْدَكَ مِنَ الْقُوَّةِ وَمَا جَرَّبْتَ مِنْ نَفْسِكَ؟

قَالَ: كَانَ الْأَسَدُ يَعْدُو عَلَى الشَّاهِ مِنْ غَنَمِي فَأُدْرِكُهُ فَأَخْذُ بِرَأْسِهِ فَأَفْكَ لِحْيِيهِ عَنْهَا فَأَخْذُهَا مِنْ فِيهِ،

قَالَ: فَقَالَ: أَدْعُ لِي بِدِرْعٍ سَابِغَةٍ

قَالَ: فَأَتَى بِدِرْعٍ فَقَدَفَهَا فِي عُثْقِهِ فَتَمَلَّأَ مِنْهَا حَتَّى رَاعَ طَالُوتُ وَمَنْ حَضَرَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَقَالَ طَالُوتُ: وَاللَّهِ لَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَقْتُلَهُ بِهِ

قَالَ: فَلَمَّا أَنْ أَصْبَحُوا وَرَجَعُوا إِلَى طَالُوتَ وَالتَّمَى النَّاسُ، قَالَ دَاوُدُ: أُرُونِي جَالُوتَ فَلَمَّا رَأَاهُ أَخَذَ الْحَجَرَ فَجَعَلَهُ فِي مُقْدَافِهِ فَرَمَاهُ فَصَكَ بِهِ بَيْنَ عَيْنَيْهِ فَدَمَعَهُ وَنَكَسَ عَنْ دَابَّتِهِ وَقَالَ النَّاسُ: قَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَمَلَكَهُ النَّاسُ حَتَّى

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت داود علیه السلام چهار برادر داشت و پدر پیرشان، نیز همراه ایشان بود ولی داود برای چوپانی گوسفندان به جای پدر می ایستاد هنگامی که طالوت با لشکریانش آماده جنگ شدند پدر داود را که کوچک ترین فرزندش بود احضار کرد و گفت: ای فرزندم! با این وسیله ای که ساخته ایم، در کنار برادرانت برو تا بر دشمن شان تقویت گردند داود علیه السلام مردی، کوتاه قد، با چشمانی آبی رنگ، سری کم مو و قلبی پاک بود پس داود حرکت نمود و افراد به یک دیگر نزدیک شدند.

سپس به نقل از ابو بصیر ادامه داد: پس شنیدم که حضرت فرمود: داود در مسیر راه خویش به سنگی برخورد کرد سنگ به او گفت: ای داود! مرا همراه خود بگیر و جالوت را به وسیله من هلاک گردان که من برای هلاکت او آفریده شده ام پس آن را برداشت و در توبره خود نهاد که «مقلاع» (وسیله پرتاب سنگ) خود را در آن نهاده بود چون بین لشکر (طالوت) وارد شد شنید که آنان درباره عظمت و قدرت جالوت و لشکریانش گفتگو می کنند داود به آنان گفت: آیا عظمت قدرت و امر خداوند را اهمّیت نمی دهید؟! به خدا سوگند! اگر با جالوت روبرو شوم او را هلاک می کنم

افراد، سخنان داود را بر زبان های خود می راندند تا آن که او بر طالوت وارد شد طالوت به او گفت: نیرو و توانت چه مقدار است؟ و چه اندازه بدن خود را (برای مقابله با دشمن) آزموده ای؟

داود اظهار داشت: (روزی) شیر درنده ای یکی از گوسفندانم را دنبال کرد و به آن رسید و سرش را گرفت من (نزدیک آن ها رفتم و) دو فک شیر را گرفتم و گوسفند را نجات دادم طالوت گفت: آن زره (جنگی) گشاد را بیاورید، موقعی که آن را آوردند و بر بدن داود پوشاندند اندازه قامت او بود و تمامی بنی اسرائیل به او خیره شدند طالوت اظهار داشت: به خدا سوگند! امید است که تو جالوت را به قتل رسانده و هلاکش کنی

لَمْ يَكُنْ يُسَمِعُ لَطْمَ الْوَتِ ذِكْرًا، وَاجْتَمَعَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ عَلَى دَاوُدَ وَانزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الزُّبُورَ وَعَلَّمَهُ صَنِيعَ الْحَدِيدِ فَلَيِّنَهُ لَهُ وَأَمَرَ الْجِبَالَ وَالطَّيْرَ
يُسَبِّحْنَ مَعَهُ،

قَالَ: وَلَمْ يُعْطَ أَحَدٌ مِثْلَ صَوْنِهِ، فَأَقَامَ دَاوُدُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مُسْتَخْفِيًا وَأُعْطِيَ قُوَّةً فِي عِبَادَتِهِ. (1)

قوله تعالى: (فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ) وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ
لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (251)

[451]/552- (عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِمَنْ يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا، وَلَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الصَّلَاةِ لَهَلَكُوا، وَإِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِمَنْ يَصُومُ مِنْهُمْ عَمَّنْ
لَا يَصُومُ مِنْ شِيعَتِنَا وَلَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الصِّيَامِ لَهَلَكُوا وَإِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِمَنْ يُزَكِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُزَكِّي عَنْ شِيعَتِنَا وَلَوْ أَجْمَعُوا عَلَى
تَرْكِ الزَّكَاةِ لَهَلَكُوا وَإِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِمَنْ يَحُجُّ مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يَحُجُّ مِنْ شِيعَتِنَا وَلَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الْحَجِّ لَهَلَكُوا، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى:)
وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ

ص: 538

1- عنه بحار الأنوار: 451/13 ح 16. و 17 و البرهان في تفسير القرآن: 5231 ح 19، و نور الثقلين: 249/1 ح 985 قطعة منه إكمال
الدين : 155/1 ح 17 بإسناد عن جعفر بن محمد بن عمارة عن أبيه قال: قلت للصادق جعفر محمد عليهما السلام بتفاوت يسير عنه
البحار: 445/13 ح 10 و 67/14 ح 2

چون صبح فردای آن روز شد و مردم با یک دیگر نزد طالوت آمدند داود گفت: جالوت را به من نشان دهید. هنگامی که او را دید سنگ را از توبره خود در آورد و درون مقلع گذاشت و پرتابش نمود پس بر پیشانی - در بین دو چشمان - جالوت اصابت کرد و او از مرکب سواری خود با صورت به زمین افتاد و مردم فریاد می زدند داود جالوت را کشت و داود را رهبر و پادشاه خود قرار دادند و دیگر نامی از طالوت برده نمی شد و بنی اسرائیل اطراف داود تجمع کردند و خداوند «زبور» را برایش فرستاد و صنعت آهنگری را تعلیم شداد پس آهن را برایش نرم گردانید و به کوه ها و پرندگان دستور داد تا در تسیح داود هم نوا گردند.

امام علیه السلام افزود: هیچ کسی هم چون داود صدایش زیبا و دلنشین نبود، پس مدّتی را داود در بین بنی اسرائیل به طور مخفیانه و ناشناس اقامت نمود و با نیرو و نشاطی فوق العاده مشغول عبادت و ستایش خداوند گردید

فرمایش خداوند متعال: پس به اذن خدا آن ها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند و داود (آن نوجوان نیرومند) جالوت را کشت و خداوند حکومت و دانش را به او عطا نمود و از آن چه می خواست به او تعلیم داد و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی کرد زمین را فساد فرا می گرفت ولی خداوند نسبت به جهانیان لطف و احسان (بی حدّ) دارد. (251)

(451) - از یونس بن ظبیان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند به وسیله کسانی - از پیروان ما - که نماز به جای می آورند (بلا و عذاب را) از پیروان ما که نماز نمی خوانند بر طرف می گرداند و چنان چه همگی ترک نماز کنند هلاک شوند همانا خداوند به وسیله کسانی - از شیعیان ما - که روزه می گیرند (بلا و عذاب را) از پیروان ما که روزه نمی گیرند بر طرف

ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ) فَوَ اللَّهُ! مَا أَنْزَلْتُ إِلَّا فِيكُمْ وَلَا عَنِّي بِهَا غَيْرُكُمْ. (1)

قوله تعالى: (تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ) (253)

452/553 - (عَنْ أَبِي عَمْرٍو الزُّبَيْرِيِّ (2) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بِالزِّيَادَةِ بِالْإِيمَانِ يَتَفَاوَضُ الْمُؤْمِنُونَ بِالذَّرَجَاتِ عِنْدَ اللَّهِ،

قُلْتُ: وَإِنَّ لِلْإِيمَانِ دَرَجَاتٍ وَمَنَازِلَ يَتَفَاوَضُ بِهَا الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ اللَّهِ؟

قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: صِفْ لِي ذَلِكَ - رَحِمَكَ اللَّهُ - حَتَّى أَفْهَمَهُ

قَالَ: مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَقَالَ: (تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ) الْآيَةَ

ص: 540

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 382/73 ح 6، و البرهان في تفسير القرآن: 525/1 ح 3، و نور الثقلين: 249/1 ح 983، و مستدرک الوسائل: 92/3 ح 3100 قطعة منه. تفسير القمّي: 83/1 (قصة طالوت و جالوت) بإسناده عن جميل قال: قال أبو عبد الله عليه السلام عنه وسائل الشيعة: 28/1 ح 36، الكافي: 451/2 ح 1 بإسناده عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله عليه السلام، عنه تأويل الآيات الظاهرة: 100
- 2- في المصدر: الزبيري و الظاهر أنه سهو و تصحيف راجع جامع الرواة: 406/2

می نماید و چنان چه همگی بر ترک روزه متّحد شوند هلاک می شوند.

همانا خداوند به وسیله کسانی - از پیروان ما - که زکات (و خمس) می پردازند، (بلا و عذاب را) از پیروان ما که زکات نمی پردازند بر طرف می گرداند و چنان چه همگی زکات نپردازند هلاک می شوند همانا خداوند به وسیله کسانی - از پیروان ما - که حج انجام می دهند (بلا و عذاب را) از پیروان ما که حج انجام نمی دهند، بر طرف می نماید و چنان چه همگی ترک حج کنند هلاک می شوند؛ و این موارد همان فرمایش خدای عزّ و جلّ است «و چنان چه خداوند به وسیله بعضی انسان ها (بلا و عذاب را) از بعضی دیگر دفع و بر طرف نمی کرد فساد و هلاکت تمام زمین را فرا می گرفت، و لیکن خداوند برای جهانیان، صاحب فضل و کرامت است» حضرت افزود: به خداوند سوگند! این آیه فقط درباره شما (دوستان ما) نازل شده و برای غیر از شما نمی باشد.

فرمایش خداوند متعال: بعضی از رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم خداوند با برخی از آنان سخن گفت و بعضی را در جاتی برتر داد و به عیسی بن مریم نشانه هایی روشن دادیم و او را با روح القدس تأیید نمودیم و اگر خدا می خواست جنگ و ستیز نمی کردند (خدا مردم را در پیمودن راه سعادت آزاد گذارده است) کسانی که بعد از آن ها بودند پس از آن همه نشانه های روشن که برای آنان آمد این امت ها بودند که با هم اختلاف کردند، بعضی ایمان آورده و بعضی کافر شدند اگر خدا می خواست با هم پیکار نمی کردند ولی خداوند آن چه را بخواهد (از روی مصلحت و حکمت) انجام می دهد (253)

(452) - از ابو عمرو زبیدی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: بعضی افراد به سبب تقویت و افزایش ایمان، بر بعضی دیگر برتری می یابند و به مقامات بلند مرتبه نایل می شوند.

ص: 541

وَقَالَ: (وَ لَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى بَعْضٍ) (1) وَقَالَ: (أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَلآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ) (2) وَقَالَ: (هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ) (3) فَهَذَا ذَكَرَ اللَّهُ دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ وَ مَنَازِلَهُ عِنْدَ اللَّهِ . (4)

554 / [453] - (عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ ، قَالَ:

كُنْتُ وَاقِفًا مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْجَمَلِ ، فَجَاءَ رَجُلٌ حَتَّى وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، كَبَّرَ الْقَوْمُ وَ كَبَّرْنَا ، وَ هَلَّلَ الْقَوْمُ وَ هَلَّلْنَا ، وَ صَلَّى الْقَوْمُ وَ صَلَّىْنَا ، فَعَلَامَ نَقَاتِلُهُمْ؟

فَقَالَ: عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الْآيَةُ: (تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ)

فَنَحْنُ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ (مَنْ بَعْدَ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَ لَكِنْ اِخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ)

فَنَحْنُ الَّذِينَ آمَنَّا ، وَ هُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَقَالَ الرَّجُلُ: كَفَرَ الْقَوْمُ ، وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ!

ص: 542

1- سورة الإسراء : 55/17

2- سورة الإسراء : 21/17

3- سورة آل عمران : 163/3 .

4- عنه بحار الأنوار: 171/69 ح 14 ، و البرهان في تفسير القرآن: 528/1 ح 3، و نور الثقلين 253/1 ح 1009. الكافي : 40/2 ح 1
بإسناده عن أبي عمرو الزبيرى، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفصيل، عنه البحار: 308/22 ح 9، و 27/69 ح 2 .

عرضه داشتیم: و آیا ایمان دارای درجات و مراتبی است، که مؤمنان در پیشگاه خداوند، بعضی بر بعضی دیگر برتری و فضیلت پیدا می کنند؟

فرمود: بلی، این چنین است گفتم: خداوند متعال شما را در رحمت و پناه خود قرار دهد! آن ها را برایم بیان فرما تا خوب بفهمم و درک کنم.

فرمود: آن چه را که خداوند به سبب آن بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده فرمایش خداوند است: (آن پیامبران را برخی بر برخی دیگر برتری دادیم، بعضی از آنان با خدا سخن گفته و بعضی را چند درجه بالا بردیم)، هم چنین فرموده است «و در حقیقت بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر فضیلت و برتری داده ایم» و فرمود: «دقت نظر نما که چگونه بعضی از ایشان را بر بعضی دیگر برتری بخشیده ایم و در آخرت درجات و مراتبی والاتر خواهد بود»؛ و فرمود: «آنان در پیشگاه خداوند (دارای) درجات و مقاماتی هستند» پس این (اشاره ای به) درجات و مراحل ایمان در پیشگاه خداوند بود.

453) - از اصیغ بن نباتة روایت کرده است که گفت:

در جنگ جمل (با عایشه و طرف دارانش) در کنار امام علی علیه السلام ایستاده بودم مردی آمد و در به حضرت گفت: ای امیر مؤمنان! آن گروه (مخالف ما) «الله اکبر» گفته اند و ما هم گفته ایم آنان «لا إله إلا الله» گفته اند و ما هم گفته ایم، آنان نماز به جا آورده اند و ما هم به جا آورده ایم بنابراین برای چه و با چه ملاکی با آنان می جنگیم؟

فرمود: بر اساس این آیه: «آن پیامبران را برخی بر برخی دیگر برتری دادیم. بعضی از آنان با خدا سخن گفته و بعضی را چند درجه بالا بردیم و به عیسی بن مریم معجزات روشنی را دادیم و او را به وسیله روح قدس تقویت نمودیم؛ و اگر خدا می خواست، آنان بعد از آن که دلائل روشنی برایشان آمد جنگ و کشتار نمی کردند» به این دلیل جنگ و قتال می کنیم، بنابراین، ما کسانی

ص: 543

ثُمَّ حَمَلَ فِقَاتِلَ حَتَّى قُتِلَ رَحِمَهُ اللَّهُ. (1)

قوله تعالى : (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ) (255)

[454]/555 - (عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَتِ الْجَنُّ: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةً وَذُرْوَةَ الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ). (2)

ص: 544

-
- 1- عنه بحار الأنوار : 309/29 ح 40 ، و 451 ، و البرهان في تفسير القرآن : 528/1 ح 4 ، و نور الثقلين : 249/1 ح 983 . الاحتجاج : 169/1 (احتجاج أمير المؤمنين عليه السلام بعد دخوله البصرة) بتفاوت يسير ، عنه البحار : 202/32 ح 155 .
- 2- عنه بحار الأنوار : 267/92 ح 14 ، و نور الثقلين ؟؟؟؟ 249/1 ح 983 ، و مستدرک الوسائل : 337/4 ح 4829 الدعوات للراوندى : 217 ح 586 ، مجمع البيان : 626/2 عنه مستدرک الوسائل : 337/4 ح 4828 ، أعلام الدين : 369 (باب عدد أسماء الله تعالى و هي تسعة) .

هستیم که بعد از آنان می باشیم» و لیکن اختلاف کردند، پس برخی از آنان ایمان آوردند و عده ای دیگر کفر ورزیدند که اگر خدا می خواست کشتار نمی کردند ولی خداوند آن چه را اراده نماید انجام می دهد».

پس ما ایمان آورده ایم و آنان (همان) کسانی هستند که کفر ورزیده اند.

آن مرد گفت: به پروردگار کعبه سوگند! که آنان کافر شده اند سپس بر آنان حمله کرد و جنگید تا به شهادت رسید - خداوند او را رحمت نماید- .

فرمایش خداوند متعال: خدایی جز خداوند یکتایی که زنده و قائم به ذات خویش است وجود ندارد و موجودات دیگر قائم به او هستند هیچ گاه چرت (خواب سبک) و سنگینی او را فرا نمی گیرد آن چه در آسمان ها و زمین است همه از آن اوست کیست که نزد او جز به فرمان او شفاعت کند؟! بنابر این شفاعتِ شفاعت کنندگان برای آن ها که شایسته شفاعت هستند از مالکیت مطلقه او نمی کاهد) آن چه را در پیش روی آن ها و پشت سرشان است می داند و گذشته و آینده در پیشگاه علم او یکسان است) و کسی از علم او آگاه نمی گردد جز به اندازه ای که او بخواهد تخت (حکومت او) آسمان ها و زمین را در بر گرفته و نگاهداری آن دو (آسمان و زمین) او را خسته نمی کند بلندی مقام و عظمت مخصوص او است. (255)

554) - از عبد الحمید بن فرقان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: جنیان گفته اند برای هر چیزی بلندی است و بلندی قرآن «آیه الكرسي» است.

ص: 545

455/556 [455] - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ: (مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ أَوْلَيْكَ الشَّافِعُونَ.) (1)

456/557 [456] - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

إِنَّ الشَّيَاطِينَ يَقُولُونَ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةٌ وَذُرْوَةٌ، الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ، مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مَرَّةً صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنَ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْأَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنَ مَكَارِهِ الْآخِرَةِ، وَأَيَسَّرَ مَكْرُوهَ الدُّنْيَا الْفَقْرَ، وَأَيَسَّرَ مَكْرُوهَ الْآخِرَةِ عَذَابَ الْقَبْرِ، وَإِنِّي لَأَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى صُعُودِ الدَّرَجَةِ) (2)

457/558 [457] - (عَنْ حَمَّادٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

رَأَيْتُهُ جَالِسًا مُتَوَرِّكًا بِرِجْلِهِ عَلَى فَخِيزِهِ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ عِنْدَهُ: جُعِلْتُ فِي دَاكِ هَذِهِ جِلْسَةً مَكْرُوهَةً فَقَالَ: لَا إِنَّ الْيَهُودَ قَالَتْ: إِنَّ الرَّبَّ لَمَّا فَرَّغَ مِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَلَسَ عَلَى الْكُرْسِيِّ هَذِهِ الْجِلْسَةَ لِيَسْتَرِيحَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ) لَمْ يَكُنْ مُتَوَرِّكًا كَمَا كَانَ) (3)

ص: 546

1- عنه بحار الأنوار: 42/8 ذيل ح 30 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 533/1 ح 3 و نور الثقلين: 249/1 ح 1983 . المحاسن: 183/18 ح 184 (باب - 44 شيعتنا أخذون بحجرتنا)، عنه البحار: 41/8 ح 30.

2- عنه بحار الأنوار: 267/92 ح 15، و وسائل الشيعة: 396/11 ح 15098، و البرهان في تفسير القرآن: 541/1 ح 7، و نور الثقلين: 249/1 ح 983، و مستدرک الوسائل: 338/4 ح 4830 . الأمالي للصدوق: 98 ح 6 (المجلس الحادي والعشرون) باسناده عن عمرو بن أبي المقدم قال: سمعت أبا جعفر الباقر عليه السلام بتفاوت يسير عنه البحار: 262/92 ح 1، و نحوه جامع الأخبار: 45 (الفصل الثاني والعشرون) و مستدرک الوسائل: 337/4 ح 4827 عن مجمع البيان

3- عنه بحار الأنوار: 469/75 ح 3 و البرهان في تفسير القرآن: 534/1 ح 14، و نور الثقلين: 249/1 ح 983، و مستدرک الوسائل: 338/4 ح 4830 الكافي: 661/2 ح 5 عنه وسائل الشيعة: 107/12 ح 15774، و البحار: 47/47 ح 72

(455) - از معاویه بن عمّار روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: (تفسیر و تأویل فرمایش خداوند: «چه کسی در پیشگاه خداوند شفاعت می کند مگر با اذن خداوند؟!»، (چیست)؟

فرمود: ما (اهل بیت عصمت و طهارت) همان شفاعت کنندگان هستیم

(456) - از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: شیاطین می گویند همانا برای هر چیزی یک نوع بلندی و رفعتی است و «آیة الکرسی» بالاترین جایگاه قرآن کریم است.

هر کسی «آیة الکرسی» را یک بار بخواند خداوند هزار چیز ناخوشایند دنیوی را و هزار ناخوشایند آخرتی را از او دور می گرداند؛ ساده ترین آن ها دنیا تنگ دستی و در آخرت عذاب قبر می باشد همانا من به وسیله «آیة الکرسی» برای رسیدن به مقامات عالیّه کمک می گیرم.

(457) - از حمّاد روایت کرده است که گفت:

دیدم آن حضرت (امام صادق) علیه السلام روی پای چپ نشسته و پای راست خود را روی پای چپ گذارده است که مردی به حضرت عرض کرد: فدایت گردم! این نوع نشستن مکروه و ناپسند است.

فرمود: نه همانا یهودیان گفته اند: هنگامی که پروردگار از آفرینش آسمان ها و زمین پایان یافت به همین شکل روی کرسی نشست تا استراحت کند پس خداوند متعال این آیه شریفه «خداوند، نیست خدایی مگر خودش، او زنده و ایستاده (فعال ابدی) است، او را چرت و خواب فرا نمی گیرد: را نازل نمود و خداوند «مُتَوَكِّكٌ» نبود که روی ران خود نشسته باشد.

ص: 547

458/559 - (عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ « وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ » قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ : السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَجَمِيعُ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي الْكُرْسِيِّ .) (1)

560 / [459] - (عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ) أَوْسَعَ الْكُرْسِيُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؟ أَمْ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَسِعَتِ الْكُرْسِيَّ؟ فَقَالَ: إِنَّ كُلَّ شَيْءٍ فِي الْكُرْسِيِّ .) (2)

561/460 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى [الْمِثْمِيُّ] (3) عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَبُو دَرٍّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا أَفْضَلُ مَا أَنْزَلَ عَلَيْكَ؟

قَالَ: آيَةُ الْكُرْسِيِّ ، مَا السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ السَّبْعُ فِي الْكُرْسِيِّ إِلَّا كَحَلْقِهِ مُلْقَاهُ بِأَرْضِ بِلَاقِعٍ وَإِنْ فَضَّلَهُ عَلَى الْعَرْشِ كَفَضْلِ الْفَلَاحِ عَلَى الْحَلْقَةِ .) (4)

ص: 548

-
- 1- عنه بحار الأنوار : 24/58 ح 40، و البرهان في تفسير القرآن : 534/1 ح 15، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 تفسير القمي : 137/12 بتفاوت يسير عنه البحار : 22/55 ح 39 .
 - 2- عنه بحار الأنوار: 24/58 ذيل ح 40 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن : 534/1 ح 17، و نور الثقلين : 249/1 ح 983 . الكافي : 132/1 ح 4 و 5 بتفاوت يسير في كليهما، و نحوهما التوحيد : 327 ح 4، و 328 ح 5، عنه البحار : 23/58 ح 40 .
 - 3- هو محسن الميثمي، روى عن أبي عبد الله عليه السلام جامع الرواة: 42/2 .
 - 4- عنه بحار الأنوار: 5/58 ح 1 ، و البرهان 534/1 ح 18 و نور الثقلين: 249/1 ح 983 . معاني الأخبار: 333 ح 1 في حديث طويل، و نحوه الخصال : 524 ح 13، عنهما البحار : 5/58 ح 1 عوالي اللئالي : 90/1 ح 26 (الفصل الخامس) في حديث طويل، الدر المنثور للسيوطي : 17/2

(458) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «کرسی خداوند وسیع و گسترده است و تمام آسمان ها و زمین را فرا گرفته است»، فرمود: آسمان ها و زمین و تمامی آن چه را که خداوند آفریده است همه در کرسی قرار دارند.

(459) - از زراره روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «کرسی خداوند وسیع و گسترده می باشد و تمام آسمان ها و زمین را فرا گرفته است» سؤال کردم که آیا کرسی وسیع تر از آسمان ها و زمین است و یا آسمان ها و زمین وسیع تر می باشند؟

فرمود: همانا هر چیزی در (تحت پوشش) کرسی قرار دارد.

(460) - از محسن بن مُثَنّی (میثمی)، به نقل از کسی که یادآور شده، روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: ابوذر اظهار داشت: ای رسول خدا! برترین چیزی که بر شما نازل شده چیست؟

فرمود: «آیه الکرسی» است؛ آسمان های هفت گانه و زمین هفت طبقه درون کرسی نیستند مگر همانند حلقه ای که در سرزمینی پهناور قرار گرفته باشد به راستی که اهمیّت و برتری عرش بر کرسی همانند برتری آن زمین پهناور نسبت به آن حلقه است.

ص: 549

سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ) أَيُّهُمَا وَسِعَ الْآخَرَ؟

قَالَ: الْأَرْضُونَ كُلُّهَا وَالسَّمَاوَاتُ كُلُّهَا وَجَمِيعُ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي الْكُرْسِيِّ. (1)

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ) وَسِعَ الْكُرْسِيُّ؟ أَوِ الْكُرْسِيُّ وَسِعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ؟ قَالَ:

لَا بَلِ الْكُرْسِيُّ وَسِعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَالْعَرْشُ وَكُلُّ شَيْءٍ خَلَقَ اللَّهُ فِي الْكُرْسِيِّ. (2)

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ)؟ فَقَالَ: إِنَّ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِمَا مِنْ خَلْقٍ

مَخْلُوقٍ فِي جَوْفِ الْكُرْسِيِّ وَ لَهُ أَرْبَعَةُ أَمَلَاكٍ يَحْمِلُونَهُ بِإِذْنِ اللَّهِ. (3)

1- عنه بحار الأنوار: 171/19 ح 14 و البرهان في تفسير القرآن: 534/1 ح 18، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 تفسير القمّي: 85/1 (آية

الكرسي) بتفاوت يسير عنه البحار: 22/58 ح 39

2- عنه بحار الأنوار: 22/58 ح 39 و البرهان في تفسير القرآن: 534/1 ح 19، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 تفسير القمّي: 85/1 عنه

البحار 22/58 ح 39، الكافي: 132/1 ح 4، التوحيد: 327 ح 4 بتفاوت يسير في الجميع.

3- عنه بحار الأنوار 33/58 ح 52 و البرهان في تفسير القرآن: 534/1 ح 20، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 تفسير القمّي: 85/1 (آية

الكرسي) بتفصيل عنه البحار: 21/58 ح 38.

461- از زراره روایت کرده، است که گفت:

از یکی از دو امام (باقر و یا صادق) علیهما السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «کرسی خداوند وسیع و گسترده است و تمام آسمان ها و زمین را فرا گرفته است» سؤال کردم کدام یک از آن دو (کرسی و یا آسمان ها) وسیع ترند؟

فرمود: تمامی (هفت طبقه) زمین و تمامی آسمان ها و تمامی آن چه را که خداوند آفریده است همگی در (تحت پوشش) کرسی قرار دارد.

462- از زراره روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «کرسی خداوند وسیع و گسترده است و تمام آسمان ها و زمین را فرا گرفته است» سؤال کردم که آیا آسمان ها و زمین وسیع ترند و کرسی را در بر دارند؟ و یا کرسی وسیع تر و در برگیرنده آسمان ها و زمین می باشد؟

فرمود: نه بلکه کرسی وسیع تر و آسمان ها و زمین و عرش را در بر گرفته است و هر چیزی را که خداوند آفریده در (تحت پوشش) کرسی قرار دارند.

463- از اصبع بن نباته روایت کرده است که گفت:

از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «کرسی خداوند وسیع و گسترده است و تمام آسمان ها و زمین فرا گرفته است»، سؤال کردند؟

فرمود: به درستی که آسمان ها و زمین که آسمان ها و زمین و هر آن چه از آفریده ها که در بین آن هاست همگی در درون کرسی قرار گرفته اند و چهار فرشته کرسی را به اذن خداوند حمل می کنند

ص: 551

قوله تعالى : (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (256) اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (257)

464/565 - (عَنْ زُرَّارَةَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ : (بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى) قَالَ : هِيَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ. (1)

465/566 - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ :

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي أُخَالِطُ النَّاسَ فَيَكْثُرُ عَجَبِي مِنْ أَقْوَامٍ لَا يَتَوَلَّوْنَكُمْ وَ يَتَوَلَّوْنَ فُلَانًا وَ فُلَانًا لَهُمْ أَمَانَةٌ وَ صِدْقٌ وَ وِفَاءٌ وَ أَقْوَامٌ يَتَوَلَّوْنَكُمْ لَيْسَ لَهُمْ تِلْكَ الْأَمَانَةُ وَ لَا الْوِفَاءُ وَ لَا الصِّدْقُ ؟

قَالَ : فَاسْتَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا وَ أَقْبَلَ عَلَيَّ كَالْغَضِّ بَانَ ثُمَّ قَالَ : لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ ، وَ لَا عَتَبَ عَلَيَّ مَنْ دَانَ بِوِلَايَةِ إِمَامٍ عَدْلٍ مِنَ اللَّهِ ،

قَالَ : قُلْتُ : لَا دِينَ لِأَوْلِيَاكَ وَ لَا عَتَبَ عَلَيَّ هَؤُلَاءِ ؟!

ص: 552

1- عنه بحار الأنوار: 60/67 ح 4، و البرهان في تفسير القرآن 538/1 ح 12، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 الكافي: 14/22 ح 1 بإسناده عن عبد الله بن أبي عبد الله عليه السلام، و ح 3 بإسناده عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام، عنه البحار: 131/67 ح 1.

فرمایش خداوند متعال: در قبول دین، اکراهی و اجباری نیست؛ (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است بنابراین این کسی که به طاغوت (بت و شیطان و هر موجود طغیان گری) کافر شود و به خدا ایمان آورد همانا به دستگیره محکمی چنگ زده است که گسستی برای آن نیست و خداوند شنوا و داناست (256) خداوند ولیّ و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، آنان را از تاریکی ها به سوی نور بیرون می برد (ولی) کسانی که کافر شدند اولیای آن ها طاغوت ها هستند که آن ها را از نور به سوی تاریکی ها بیرون می برند

آن ها اهل آتش می باشند و همیشه در آن خواهند ماند. (257)

464) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «ریسمان محکم»، فرمود: آن ایمان به خداوند است که ایمان و اعتقاد به یگانگی او باشد.

465) - از عبد الله بن ابی یعفر روایت کرده است، که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: من با مردم معاشرت دارم مردمی که از شما پیروی نمی کنند و به دنبال فلان و فلان می روند بسیار تعجب می نمایم که امین راست گو و با وفایند و مردم دیگری هم هستند که هستند که پیرو و دنباله روی شما هستند ولی امانت داری و فاداری و راست گویی در آن ها نمی باشد.

راوی گوید: امام صادق علیه السلام (تا این مطلب را شنید) راست نشست و مانند شخصی خشمناک متوجه من شد سپس فرمود: هر که از امام ستمگری که از جانب خدا نیست دینداری و پیروی کند دین ندارد و کسی که از امام عادلانی که از جانب خداست دینداری و پیروی کند مذمت و سرزنشی بر او نمی باشد

عرض کردم: آیا آنان دین ندارند و بر این افراد هم سرزنشی نیست؟!

ص: 553

فَقَالَ: نَعَمْ لَا- دِينَ لِأَوْلَادِكَ وَلَا- عَتَبَ عَلَيَّ هُوَ لَا-، ثُمَّ قَالَ: أَمَا تَسَمِعُ لِقَوْلِ اللَّهِ (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) يُخْرِجُهُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الدُّنْيَا إِلَى نُورِ التَّوْبَةِ وَالْمَغْفِرَةِ لِوَالِدِيَّتِهِمْ كَمَا قَالَ إِمَامٌ عَادِلٌ مِنَ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظُّلُمَاتُ) يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ)

قَالَ: قُلْتُ: أَلَيْسَ اللَّهُ عَنَى بِهَا الكُفَّارَ حِينَ قَالَ: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا)

قَالَ: فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ أَى نُورٍ لِلْكَافِرِ وَ هُوَ كَافِرٌ فَأُخْرِجَ مِنْهُ إِلَى الظُّلُمَاتِ؟ إِنَّمَا عَنَى اللَّهُ بِهِ ذَا أَنَّهُمْ كَانُوا عَلَى نُورِ الإِسْلَامِ، فَلَمَّا أَنْ تَوَلَّوْا كُلَّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَرَجُوا بِوَالِدِيَّتِهِمْ إِيَّاهُمْ مِنْ نُورِ الإِسْلَامِ إِلَى ظُلُمَاتِ الكُفْرِ، فَأَوْجَبَ لَهُمُ النَّارَ مَعَ الكُفَّارِ، فَقَالَ: (أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ). (1)

[466]/567 - (عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ:

قَصَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قِصَّةَ الْفَرِيقَيْنِ جَمِيعاً فِي الْمِيثَاقِ حَتَّى بَلَغَ الإِسْتِثْنَاءَ مِنَ اللَّهِ فِي الْفَرِيقَيْنِ، فَقَالَ: إِنَّ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ خَلَقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ لَهُ فِيهِمَا الْمَشِيئَةُ فِي تَحْوِيلِ مَا يَشَاءُ فِيمَا قَدَّرَ فِيهَا حَالٍ عَنْ حَالٍ، وَالْمَشِيئَةُ فِيمَا خَلَقَ لَهَا مِنْ خَلْقِهِ فِي مُنْتَهَى مَا قَسَمَ لَهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ فِي كِتَابِهِ: (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الظُّلُمَاتُ) فَأَلْتَوْرُهُمْ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ) فَالنُّورُ هُمْ

ص: 554

1- عنه بحار الأنوار: 23/67، و 104/68 ح 18 و 135/72 ح 19، و البرهان في تفسير القرآن: 538/1 ح 538/1 ح 13 و نور الثقلين: 249/1 ح 983، و مستدرک الوسائل: 174/18 ح 22425. الكافي: 305/1 ح 3 عنه و عن النعماني البحار: 322/23 ح 39 الغيبة للنعماني: 132 ح 14 عنه تأويل الآيات الظاهرة: 102، و البحار: 135/72 ح 19.

فرمود: بلی آنان دین ندارند و بر این ها نیز سرزنش و مذمتی نخواهد بود سپس افزود: مگر فرمایش خدای عزّ و جلّ را نشنیده ای (که فرمود): «خداوند، کار ساز و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، آنان را از تاریکی ها خارج و به نور و روشنایی می برد»؟ یعنی از تاریکی های گناهان به واسطه پیروی ایشان از امام عادلّی که از جانب خداوند می باشد به نور توبه و آمرزش هدایت شان می نماید.

و نیز فرموده است: «و کسانی که کافر شده اند کارساز و سرپرست شان طغیان گرانی سرکش هستند که ایشان را از نور و روشنایی به تاریکی ظلمت می برند» که مقصود از این آیه این است که آن ها بر نور هدایت اسلام بوده اند ولی چون از هر امام ستمگری که از جانب خدا نمی باشند پیروی می کنند به خاطر همین پیروی از نور اسلام به ظلمات کفر گرائیده اند، به همین دلیل خداوند برای ایشان به همراه کافران، آتش دوزخ را واجب نموده است، لذا فرمود: «آن ها اهل دوزخ هستند و در آن جاودان خواهند بود».

(466) - از مسعده بن صدقه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام داستان دو فرقه (شیعه و مخالفین) را در جریان عهد و میثاق نقل کرد تا آن جا که فرمود: خداوند برای هر دو فرقه استثناء قرار داد و سپس فرمود: خیر و شر دو مخلوق از مخلوقات خدا هستند که برای خداوند در هر دوی آن ها نسبت به تغییر مشیّت و اراده خود تأثیر به سزایی دارند، برای هر کسی که مقدر شده است تا از حالتی به حالتی دیگر تغییر یابد؛ که این آیه شریفه به همین مطلب اشاره دارد: «خداوند ولیّ کسانی است که ایمان آورده اند که ایشان را از تاریکی ها به روشنایی هدایت می نماید و (اما) کسانی که کافر شدند اولیای آنان طاغوت خواهد بود که آنان را نور به تاریکی ها می کشاند» که

ص: 555

[467]/568 - (عَنْ مِهْزَمِ الْأَسَدِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِأَعْدِبِينَ كُلِّ رَعِيَّةٍ دَانَتْ بِإِمَامٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بِرَّةً تَقِيَّةً
وَلَا غَفْرَانَ عَنْ كُلِّ رَعِيَّةٍ دَانَتْ بِكُلِّ إِمَامٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا سَيِّئَةً قُلْتُ: فَيَعْفُو عَنْ هَؤُلَاءِ وَيُعَذِّبُ هَؤُلَاءِ؟

قَالَ: نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) ثُمَّ ذَكَرَ الْحَدِيثَ الْأَوَّلَ - حَدِيثَ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ - رَوَاهُ
مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، وَزَادَ فِيهِ: فَأَعْدَاءُ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الْخَالِدُونَ فِي النَّارِ، وَإِنْ كَانُوا فِي أَدْيَانِهِمْ عَلَى غَايَةِ الْوَرَعِ وَالزُّهْدِ وَ
الْعِبَادَةِ وَالْمُؤْمِنُونَ بِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هُمُ الْخَالِدُونَ فِي الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانُوا فِي أَعْمَالِهِمْ [مُسِيئَةً] عَلَى ضِدِّ ذَلِكَ (2)

[468]/569 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

لَمَّا دَخَلَ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمَلِكِ قَالَ لَهُ: كَيْفَ أَنْتَ يَا إِبْرَاهِيمَ؟ قَالَ: إِنِّي لَسْتُ بِإِبْرَاهِيمَ أَنَا يُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ،
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: وَهُوَ صَاحِبُ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ قَالَ: وَكَانَ أَرْبَعَ مِائَةٍ سَنَةً شَابًا). (3)

ص: 556

1- عنه بحار الأنوار: 310/23 ح 12، و 23/67 عن الكافي فيه: فالنور هم آل محمد عليهم السلام والظلمات عدوهم، والبرهان في تفسير القرآن: 538/1 ح 14، ونور الثقلين: 264/1 ح 1066.

2- عنه بحار الأنوار: 23/67، و 105/68 ح 19، والبرهان في تفسير القرآن: 539/1 ح 15 ونور الثقلين: 265/12 ح 1067، و مستدرک الوسائل: 175/18 ح 22426. كفاية الأثر: 156 (باب ما روي عن أمير المؤمنين علي عليه السلام) بإسناده عن محمد بن الحنفية، قال أمير المؤمنين عليه السلام: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول... بتفاوت يسير عنه البحار: 337/36 ح 200 و 349/26 ح 23 عن كتاب المحتضر، للحسن بن سليمان من كتاب السيد الجليل حسن بن كبش بإسناده إلى المفيد رفعه إلى محمد بن الحنفية.

3- عنه البرهان في تفسير القرآن: 542/1 ح 2 ونور الثقلين: 267/1 ح 1075 قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي: 137 ح 144، عنه البحار: 42/12 ح 32 و 296 ح 81.

منظور از «النور»، آل محمد علیهم السلام می باشند و «الظلمات»، دشمنان ایشان هستند.

(467) - از مهزم اسدی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند متعال فرموده است: من هر کسانی را که به امام غیر منصوب از طرف خدا ایمان بیاورند، حتماً عذابشان خواهم کرد اگر چه آن مردم در کار های خویش نیکو و پرهیزکار باشند، ولی هر کسانی که از امام بر حق و منصوب از طرف خداوند پیروی کنند، آنان را می آمرزم اگر چه در کار های خود دارای خطا و لغزش باشند.

عرض کردم: آیا خداوند از آن ها می گذرد ولی این ها را عذاب می کند؟!

فرمود: بلی خداوند می فرماید: «خدا آن هایی را که ایمان آورده اند از تاریکی ها نجات می دهد و به نور روشنائی ها هدایت می کند»

و در روایت دیگر به نقل از محمد بن الحسین مانند آن آمده و در پایان افزوده است که حضرت فرمود: دشمنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام به طور دائم در آتش ماندگار هستند اگر چه اهل ورع و تقوی و زهد و عبادت باشند و کسانی که به علی علیه السلام اعتقاد و ایمان داشته باشند (بعد از گذراندن دوران مجازات) در بهشت جاودان به سر می برند اگر چه اهل گناه و خطا باشند.

(468) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام بر پادشاه وارد شد به او گفت: ای ابراهیم! در چه وضعیتی هستی؟ فرمود: من ابراهیم نیستم بلکه من یوسف فرزند یعقوب فرزند اسحاق فرزند ابراهیم می باشم؛ سپس فرمود و آن پادشاه همان کسی بود که با حضرت ابراهیم علیه السلام درباره آفرینش پروردگار، احتجاج کرد.

ابو بصیر افزود: و عمر آن پادشاه چهار صد سال - در حال شادابی - بوده است.

ص: 557

قوله تعالى: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (258) أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا... (259)

[469]/570 - (عَنْ أَبَانَ بْنِ حَجْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

خَالَفَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْمَهُ وَعَابَ إِلَهُتَهُمْ حَتَّى أُدْخِلَ عَلَى نُمْرُودَ فَحَاصَ مَهُمٌ، فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ: (رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَ أُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (1)

ص: 558

1- عنه بحار الأنوار: 22/58 ح 39 و البرهان في تفسير القرآن: 542/1 ح 1 و نور الثقلين 249/1 ح 983 الكافي : 368/8 ح 559 بإسناده عن أبان بن عثمان، عن حجر، عن أبي عبد الله عليه السلام عنه البحار: 44/12 ح 37 قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي: 104 ح 96 عنه البحار: 38/12 ح 23

فرمایش خداوند متعال: آیا ندیدی (و نشنیده ای) کسی را (به نام نمرود) که با ابراهیم در باره پروردگارش احتجاج و گفتگو کرد؟ خداوند به او حکومت داده بود (و مغرور گشته بود) چون ابراهیم گفت: خدای من آن کسی است که زنده می کند و می میراند او گفت: من نیز زنده می کنم و می میرانم (و دو زندانی را که محکوم به اعدام بودند یکی را آزاد و دیگری را به قتل رساند). ابراهیم گفت: خداوند خورشید را از مشرق می آورد (تو نیز) خورشید را از مغرب بیاور! پس (نمرود که) کافر بود مبهوت و در مانده شد و خداوند قوم منمگر را هدایت نمی کند (258) یا همانند کسی که از کنار یک قریه (ویران شده) عبور کرد. در حالی که دیوار های آن روی سقف هایش فرو ریخته (و اعضای اهل آن در هر سو پراکنده شده بودند با خود) گفت: چگونه خدا این ها را بعد از مرگ زنده می گرداند؟! ... (259)

(469) - از ابان به نقل از حجر روایت کرده است، که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام با (رسم و رسومات و اعتقادات) قوم خود مخالفت نمود و خدایانشان را سرزنش و نکوهش کرد با جایی که بر نمرود وارد شد و مخاصمه و احتجاج نمود و اظهار داشت: «پروردگار من کسی است که زنده می نماید و می میراند» نمرود گفت: «من نیز زنده می نمایم و می می رانم» ابراهیم فرمود: «به درستی که پروردگار من خورشید را از مشرق ظاهر می گرداند، تو (اگر قدرت داری) از مغرب ظاهر گردان! پس کسی که کافر گشته بود سرگردان شد» و خداوند ستمگران را هدایت نمی کند

ص: 559

571/ [470] - (وَعَنْ حَنَّانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَسَبْعُهُ نَفَرًا: أَوْلَهُمْ إِبْنُ آدَمَ الَّذِي قَتَلَ أَخَاهُ، وَنُمرُودُ بْنُ كَنْعَانَ الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ) (1)

572/[471] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا) فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ نَبِيًّا يُقَالُ لَهُ: أَرْمِيَا، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: قُلْ لَهُمْ: مَا بَلَدٌ تَنْقِيْتُهُ مِنْ كِرَائِمِ الْبُلْدَانِ، وَغُرَسَ فِيهِ مِنْ كِرَائِمِ الْغُرَسِ وَتَقِيْتُهُ مِنْ كُلِّ غَرِيْبِهِ فَأَخْلَفَ فَأَنْبَتَ حُرُوبًا

قَالَ: فَضَدَّ حِكْمًا وَاسْتَهْزَأُوا بِهِ فَشَكَاهُمْ إِلَى اللَّهِ، قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ: إِلَيْهِ أَنْ قُلْ لَهُمْ: إِنَّ الْبَلَدَ بَيْتَ الْمَقْدِسِ وَالْغُرَسَ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَنْقِيْتُهُ مِنْ كُلِّ غَرِيْبِهِ وَنَحِيْتُهُ عَنْهُمْ كُلَّ جَبَّارٍ فَأَخْلَفُوا فَعَمِلُوا بِمَعَاصِي اللَّهِ فَلَأَسَّ لَطَنٌ عَلَيْهِمْ فِي بِلَادِهِمْ مِنْ يَسَدٍ فِكَ دِمَاءَهُمْ وَيَأْخُذُ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنْ بَكَوْا إِلَى فَلَمْ أَرْحَمْ بِكَاءَهُمْ وَإِنْ دَعَوْا لَمْ أَسْتَجِبْ دُعَاءَهُمْ ثُمَّ لَأَخْرَبَنَّهَا مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ لَأَعْمُرَنَّهَا،

فَلَمَّا حَدَّثَهُمْ جَزَعَتِ الْعُلَمَاءُ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا ذُنُوبُنَا نَحْنُ وَ لَمْ نَكُنْ نَعْمَلُ

ص: 560

1- عنه بحار الأنوار: 43/12 ح 34، و البرهان في تفسير القرآن: 542/1 ح 3، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 ثواب الأعمال : 214 (عقاب ابن آدم الذي قتل أخاه)، عنه البحار: 313/8 ح 83 و 410/30 ح الخصال : 346/2 ح 15، عنه البحار : 233/11 ح 12 و 37/12 ح 17 و 128/13 ح 28

(470) - و از حنّان بن سدیر به نقل از شخصی از اصحاب امام صادق علیه السلام روایت کرده است که گفت:

شنیدم که (امام صادق علیه السلام) می فرمود: سخت ترین عذاب الهی در روز قیامت، برای هفت نفر می باشد؛ اولین آن ها فرزند آدم است که برادر خود را به قتل رسانید و (دوم) نمرود است که با ابراهیم علیه السلام درباره پروردگارش احتجاج کرد.

(471) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خدای متعال: «همانند آن کسی که بر قریه ای که مخروبه شده بود و اهالی آن مرده و پوسیده بودند ، مرور کرد» فرمود: موقعی که بنی اسرائیل مرتکب معصیت شدند و از اوامر پروردگارش سرپیچی کردند خداوند اراده نمود تا شخصی را بر آن ها مسلط نماید و آن ها را به ذلت و خواری افکند پس به درستی که خداوند متعال پیامبری را به نام ارمیا برای بنی اسرائیل مبعوث نمود و به او فرمود به بنی اسرائیل بگو: در این شهری که من آن را از میان همه شهر ها برگزیده ام بهترین درختان را در آن کاشته ام و از هر درخت نامناسبی پاک گردانده ام، اکنون درخت خرنوب را به جای آن ها جایگزین خواهم نمود.

هنگامی که ارمیا این خبر را به آنان ابلاغ کرد خندیدند و مسخره نمودند، (ارمیا) برخورد آنان را برای خداوند بازگو نمود خدای متعال به او وحی فرستاد: به ایشان بگو: آن شهری که برگزیدم بیت المقدس است و بهترین درختان همان بنی اسرائیل ساکن آن جا می باشند که هیچ غریبه ای در میانشان نیست و هر ستمگری را از ایشان دور داشته ام ولی با انجام معصیت و تحریف احکام دین من هر آینه کسی را در شهرشان بر آنان مسلط می گردانم تا خونشان را بریزد و اموال شان را بگیرد، پس اگر گریه و ناله کنند رحمشان نمی کنم و اگر دعا کنند دعایشان را مستجاب نخواهم کرد، آنان را ذلیل و خوار می گردانم سپس دیارشان را به مدت صد سال تخریب می نمایم و پس از آن، بازسازی و آباد می گردانم پس موقعی که ارمیا علیه السلام این مطالب را برای آنان بیان کرد دانشمندانشان اظهار ناله و ناراحتی کردند و گفتند ای فرستاده خدا در این

بِعَمَلِهِمْ فَعَاوَدَ لَنَا رَبِّكَ، فَصَامَ سَبْعًا فَلَمْ يُوحِ إِلَيْهِ شَيْءٌ

فَأَكَلَ أَكْلَهُ ثُمَّ صَامَ سَبْعًا فَلَمْ يُوحِ إِلَيْهِ شَيْءٌ فَأَكَلَ أَكْلَهُ ثُمَّ صَامَ سَبْعًا

فَلَمَّا أَنْ كَانَ يَوْمُ الْوَالِدِ وَالْعِشْرِينَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: لَتَرْجِعَنَّ عَمَّا تَصْنَعُ أَتْرَاجِعُنِي فِي أَمْرِ قَضَيْتُهُ أَوْ لَأَرُدَّنَّ وَجْهَكَ عَلَيَّ دُبْرَكَ ثُمَّ أَوْحَى إِلَيْهِ: قُلْ لَهُمْ: لِأَنَّكُمْ رَأَيْتُمُ الْمُنْكَرَ فَلَمْ تُنْكِرُوهُ، فَسَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بُخْتَ نَصَرَ فَصَنَعَ بِهِمْ مَا قَدْ بَلَغَكَ،

ثُمَّ بَعَثَ بُخْتَ نَصَرَ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ: إِنَّكَ قَدْ نُبِّئْتَ عَنْ رَبِّكَ وَحَدَّثْتَهُمْ بِمَا أَصَنَعُ بِهِمْ فَإِنْ شِئْتَ فَأَقِمْ عِنْدِي فِيمَنْ شِئْتَ وَإِنْ شِئْتَ فَاخْرُجْ فَقَالَ: لَا بَلْ أَخْرُجْ فَتَزُودَ عَصِيرًا وَتِينًا وَخَرْجَ،

فَلَمَّا أَنْ غَابَ مَدَّ الْبَصَرِ إِلَيْهَا فَقَالَ: (أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ) أَمَاتَهُ غُدْوَةً وَبَعَثَهُ عَشِيَّةً قَبْلَ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ وَكَانَ أَوَّلُ شَيْءٍ خُلِقَ مِنْهُ عَيْنَاهُ فِي مِثْلِ غَرْقِيءٍ [\(1\)](#) الْبَيْضِ

ثُمَّ قِيلَ لَهُ: (كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ) فَلَمَّا نَظَرَ إِلَى الشَّمْسِ لَمْ تَغِبْ قَالَ: (أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لِحْمًا)

ص: 562

1- الغرقىء: قشرة البيض الداخلة. كتاب العين: 354/4، وفي لسان العرب: 2283/10، و مجمع البحرين: 221:5: الغرقىء: القشرة الملتزقة ببياض البيض (غرق).

میان گناه ما چیست؟ ما که برنامه های آنان را انجام نمی دهیم به (پیش) پروردگارت باز گرد و از او درخواست کن که توضیح دهد.

ارمیا هفت روز دیگر روزه گرفت ولی وحی بر او نازل نشد پس اندکی غذا خورد و هفت روز دیگر روزه گرفت ولی باز هم وحی نرسید، مجدداً اندکی غذا خورد و هفت روز دیگر روزه گرفت پس چون روز بیست و یکم فرا رسید خداوند برایش وحی فرستاد: از این حرکت و پیشنهاد خود درگذر آیا در چیزی که اراده و مقدرات من بر آن تعلق گرفته دخالت می کنی؟ مواظب باش که صورتت را به پشت سرت برخواهم، گرداند سپس افزود: به آنان بگو: شما فحشا و منکرات آنان را مشاهده می کردید ولی مانع نمی شدید و نهی نمی کردید. پس از آن که خداوند بخت النصر را بر بنی اسرائیل مسلط نمود به پیامبر خدا گفت: آن چه را که من می خواهم انجام دهم تو از طرف پروردگارت به بنی اسرائیل ابلاغ کرده ای اگر مایل هستی نزد ما ماندگار باش و گرنه هر کجا که می خواهی برو.

پاسخ داد: نه نمی مانم بلکه بیرون می روم پس مقداری انجیر و آب میوه همراه خود برداشت و بیرون رفت (و چون مقداری از شهر فاصله پیدا کرد) نگاهی به خانه ها و دیار آنان کرد و اظهار داشت: «چگونه خداوند این مردگان پوسیده و متلاشی شده را زنده می گرداند پس خداوند او را به مدت صد سال می راند» - که مردن او صبحگاهان و زنده شدنش پیش از غروب خورشید انجام گرفت - و اولین جایی که از بدنش زنده گشت چشم های او - که همانند پوست نازک زیر پوست تخم (پرندگان) - بود سپس به او گفته شد چه مدتی درنگ کرده ای؟

پاسخ داد: یک روز، و سپس با نگاه به خورشید - که غروب نکرده بود - گفت: «یا مقداری از یک روز» (خداوند متعال فرمود: «بلکه صد سال درنگ کرده ای به خوراک و نوشیدنی های خود توجه کن که چگونه تغییری نیافته است، به الاغ خود نگاه کن تو را آیت و نشانه ای برای مردم قرار می دهیم به استخوان های پوسیده نگاه کن که چگونه آن ها را روی هم تنظیم می کنیم و گوشت را بر روی آن ها می پوشانیم»)

قَالَ: فَجَعَلَ يَنْظُرُ إِلَى عِظَامِهِ كَيْفَ يَصِلُ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ وَيَرَى الْعُرُوقَ كَيْفَ تَجْرِي، فَلَمَّا اسْتَوَى قَائِمًا قَالَ: (أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

وَفِي رِوَايَةٍ هَارُونَ: فَتَزَوَّدَ عَصِيرًا وَ لَبَنًا. (1)

[472]/573 - (عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

نَزَلَتْ هَذِهِ الْأَمِيَّةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَكَذَا: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنَشِّدُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ» قَالَ: مَا تَبَيَّنَ لِرَسُولِ اللَّهِ أَنَّهَا فِي السَّمَاوَاتِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - سَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِلرَّبِّ وَ آمَنَ بِقَوْلِ اللَّهِ (فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (2)

[473]/574 - (أَبُو طَاهِرٍ الْعَلَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَرْزُوقٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ:

ذَكَرَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ أَنَّ إِبْنَ الْكَوَّاءِ قَالَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا وُلِدَ أَكْبَرَ مِنْ أَبِيهِ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا؟ قَالَ: نَعَمْ أَوْلَيْكَ وَ لِدُ عَزِيزٍ حَيْثُ مَرَّ عَلَى قَرْيَةِ حَرَبِهِ، وَ قَدْ جَاءَ مِنْ صَنِيعِهِ لَهُ تَحْتَهُ حِمَارٌ وَ مَعَهُ شَنَّةٌ فِيهَا تَيْنٌ وَ كُوزٌ فِيهِ عَصِيرٌ

ص: 564

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 373/14 ح 14، وسائل الشيعة: 142/16 ح 21193 قطعة منه، والبرهان في تفسير القرآن: 547/1 ح 2 و نور الثقلين: 249/1 ح 983. تفسير القمّي: 58/1، الزهد: 240 ح 291 (باب - 20) بإسناده عن هارون بن خارجة، عن أبي عبد الله عليه السلام - إلى قوله: ما قد بلغك - بتفاوت يسير عنه البحار: 86/100 ح 61 و مستدرک الوسائل: 191/12 ح 13851، التوحيد: 327 ح 4 بتفاوت يسير، قصص الأنبياء عليهم السلام للراوندي: 222 ح 294 (الباب الخامس عشر في نبوة إرميا و داود عليهما السلام) بإسناده عن هارون بن خارجة عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام - إلى قوله تعالى: فأما الله مائة عام - سعد السعود: 117 .
- 2- عنه البرهان في تفسير القرآن: 547/1 ح 3، و نور الثقلين: 249/1 ح 983.

(امام صادق علیه السلام افزود:) او مشغول نگاه به استخوان‌ها (ی پوسیده و پراکنده) شده بود که چگونه از این جا و آن جا جمع می‌شوند و این که رگ‌ها چگونه پیوند می‌خورند تا آن که خود (و الاغش) به پا ایستاد، سپس گفت: «دانستم که خداوند بر هر کاری توانمند و قدرتمند است»

و در روایت هارون آمده است: که از عصیر و شیر توشه می‌گرفت.

(472) - از جابر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه شریفه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین نازل گشت: آیا استخوان‌ها را مشاهده نمی‌کنی که چگونه آن‌ها را روی هم تنظیم می‌کنیم و سپس روی آن‌ها گوشت (و پوست) می‌پوشانیم؟ «پس موقعی که برایش آشکار شد»؛ و رسول خدا تسلیم پروردگار گشت و ایمان آورد، «اظهار داشت: یقین کردم که خداوند بر هر کاری توانمند و قدرتمند است».

(473) - از ابو طاهر علوی از علی بن محمد علوی از علی بن مرزوق از ابراهیم بن محمد روایت کرده است که گفت:

عده‌ای از اهل علم یادآور شده‌اند بر این که ابن کَوَّاء (روزی) به امام علی علیه السلام عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! کدام فرزندان‌ی هستند که در دنیا از پدر خودشان بزرگتر بوده‌اند؟

فرمود: بله فرزندان عَزیر بودند؛ او در حالی که سوار بر الاغ به سمت زمین کشاورزی خود می‌رفت توبره‌ای همراه داشت که در آن مقداری انجیر و کوزه‌ای از آب میوه بود.

ص: 565

فَمَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ خَرِبَةٍ فَقَالَ: (أَنْتِي يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ) فَتَوَالَدَ وُلْدُهُ وَتَنَاسَلُوا ثُمَّ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ فَأَحْيَاهُ فِي الْمَوْلِدِ الَّذِي
أَمَاتَهُ فِيهِ فَأَوْلَيْتَكَ وُلْدَهُ أَكْبَرَ مِنْ أَبِيهِمْ. (1)

قوله تعالى: (وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولِمُ تُوْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ
ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (260)

[474]/575 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى) قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ :

لَمَّا أَرَىٰ إِبْرَاهِيمُ مَلَكَوَتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَأَىٰ رَجُلًا يَزِينِي فَدَعَا عَلَيْهِ فَمَاتَ، ثُمَّ رَأَىٰ آخَرَ فَدَعَا عَلَيْهِ فَمَاتَ حَتَّىٰ رَأَىٰ ثَلَاثَةً فَدَعَا عَلَيْهِمْ
فَمَاتُوا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ! إِنَّ دَعْوَتَكَ مُجَابَةٌ فَلَا تَدْعُ عَلَيَّ عِبَادِي، فَإِنِّي لَوْ شِئْتُ لَمْ أَخْلُقْهُمْ، إِنِّي خَلَقْتُ خَلْقِي عَلَىٰ ثَلَاثَةِ
أَصْنَافٍ: عَبْدًا يَعْبُدُنِي لَا يُشْرِكُ بِي شَيْئًا فَأُثْبِتُهُ، وَعَبْدًا يَعْبُدُ غَيْرِي فَلَنْ يَفُوتَنِي، وَعَبْدًا يَعْبُدُ غَيْرِي فَأُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ مَنْ يَعْبُدُنِي

ثُمَّ التَّقَتَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَىٰ حَيْفَهُ عَلَىٰ سَاحِلٍ بَعْضُهَا فِي الْمَاءِ وَبَعْضُهَا فِي

ص: 566

1- عنه بحار الأنوار: 374/14 ح 16، و البرهان في تفسير القرآن: 548/1 ح 4، و نور الثقلين: 275/1 ح 1086، و قصص الأنبياء
عليهم السلام للجزائري: 428 (باب في قصص أرميا و دانيال عليهما السلام)

پس بر قریه ای مخروبه مرور کرد و گفت: «چگونه خداوند این مردگان پوسیده و متلاشی شده را زنده می گرداند؟ پس خداوند او را به مدّت صد سال میراند.»

پس از آن فرزندانش زاد و ولد کردند و نسل فراوانی به جای گذاشتند سپس خداوند عزیر را در همان جایی که میرانده بود (در همان سنّ جوانی) زنده اش کرد بنابراین فرزندانش از او (پدرشان) بزرگ تر بودند

فرمایش خداوند متعال: و (به خاطر آور) هنگامی را که ابراهیم گفت: خدایا به من نشان بده که چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود مگر ایمان نیاورده ای؟ عرض کرد: آری ولی می خواهم قلبم آرامش یابد فرمود: در این صورت چهار نوع از پرندگان را انتخاب کن! و آن ها را (پس از سر بردن) قطعه قطعه کن (و در هم بیامیز) و سپس بر هر کوهی قسمتی از آن ها را قرار بده بعد آن ها را بخوان پس به سرعت به سوی تو می آیند و بدان که خداوند (بر هر چیزی) قادر و حکیم است. (260)

474- از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره سخن حضرت ابراهیم: «پروردگارا! نشان من بده که چگونه مرده را زنده می گردانی» فرمود: هنگامی که ابراهیم علیه السلام ملکوت آسمان ها و زمین را دید مردی را مشاهده کرد که زنا می کند بر آن مرد نفرین کرد و آن مرد مُرد سپس مرد دیگری را در حال زنا دید او را نیز نفرین کرد و او نیز مُرد و تا سه نفر را هم چنان نفرین شان کرد و مردند خداوند به او وحی فرستاد ای ابراهیم! دعای تو مستجاب است بر بندگان من نفرین نکن؛ زیرا که اگر می خواستم آن ها را نمی آفریدم همانا من بندگانم را به سه گونه آفریده ام: بنده ای که مرا می پرستد و

الْبَرِّ يَجِيءُ سِبَاعُ الْبَرِّ فَيَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَفَسَدَ بَعْضُهَا عَنْ بَعْضٍ (1) فَيَأْكُلُ بَعْضُهَا بَعْضًا فَعِنْدَ ذَلِكَ تَعَجَّبَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِمَّا رَأَى وَ قَالَ: (رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى) كَيْفَ تَخْرُجُ مَا تَنَاسَخَ هَذِهِ أُمَّمٌ أَكَلَتْ بَعْضُهَا بَعْضًا (قَالَ: أَوْ لَمْ تُؤْمِنِ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُطَمِّنَنَّ قَلْبِي) يَعْنِي حَتَّى أَرَى هَذَا كَمَا رَأَى اللَّهُ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا،

قَالَ: خُذْ « أَزْبَعَهُ مِنَ الطَّيْرِ فَصَدْرُهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا وَ تَقَطَّعُهُنَّ وَ تَحْلُطُهُنَّ كَمَا اخْتَلَطَتْ هَذِهِ الْجِيفَةُ فِي هَذِهِ السَّبَاعِ الَّتِي أَكَلَتْ بَعْضُهَا بَعْضًا، (ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تَيْنِكَ سَعِيًّا) فَلَمَّا دَعَاهُنَّ أَجَبْنَهُ وَ كَانَتْ الْجِبَالُ عَشْرَةَ. (2)

[475]/576 - (وَ رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

وَ كَانَتْ الْجِبَالُ عَشْرَةَ وَ كَانَتْ الطُّيُورُ: الدَّيْكَ وَ الْحَمَامَةَ وَ الطَّوُوسَ وَ الْغُرَابَ، وَ قَالَ: (فَخُذْ أَزْبَعَهُ مِنَ الطَّيْرِ) فَقَطَّعْنَهُنَّ بِلَحْمِهِنَّ وَ عِظَامِهِنَّ وَ رِيَشِهِنَّ ثُمَّ أَمْسِكْ رُءُوسَهُنَّ ثُمَّ فَرِّقْنَهُنَّ عَلَى عَشْرَةِ جِبَالٍ (عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا

ص: 568

1- في نسخة: وفسد بعضها عن بعض

2- عنه بحار الأنوار: 22/58 ح 39، و البرهان في تفسير القرآن: 551/1 ح 7، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 تفسير القمي: 205/1 (سورة الأنعام) بإسناده عن أبي أيوب الخزاز، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام - إلى قوله: فأخرج من صلبه من يعبدني، و نحوه الكافي: 305/8 ح 473، عنه و عن العلل وسائل الشيعة: 383/19 ح 24810، و البحار: 41/7 ح 12 علل الشرائع: 585/2 ح 31 (باب - 385 نوادر العلل) بإسناده عن أبي أيوب قال: حدثنا أبو بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت يسير، عنه البحار: 61/12 ح 6.

چیزی را برای من شریک نمی گیرد که به چنین بنده ای پاداش نیک می دهم؛ و بنده ای که غیر از مرا می پرستد اما مرا هم از دست نمی دهد؛ و بنده ای که غیر از مرا می پرستد از نسل او کسی را می آفرینم که او مرا می پرستد.

سپس ابراهیم علیه السلام توجه نمود که در ساحل دریا مرداری افتاده که نیمی از آن در آب و نیمی در خشکی (بیرون آب) قرار داشت و درندگان دریا را دید که می آیند و نیمه او را که در دریا قرار دارد می خورند و سپس باز می گردند و به یک دیگر حمله می کنند و هم را می خورند و پس از لحظه ای دید که درندگان صحرایی می آیند و از آن می خورند و آن ها هم به یک دیگر یورش می برند و یک دیگر را می خورند.

ابراهیم از این، جریان شگفت زده شد و اظهار داشت: «پروردگارا! نشان من بده که چگونه مرده را زنده می گردانی چگونه این مرده ها را در روز قیامت زنده می نمایی با این که یک دیگر را خورده اند؟ خداوند فرمود «آیا ایمان و یقین نداری»؟

اظهار داشت: «آری، ولی برای آن که اطمینان قلب پیدا کنم» یعنی (می خواهم) هم چنان که همه چیز را به چشم می بینم این حقیقت را نیز به چشم خود بنگرم خداوند دستور داد: «چهار پرنده بگیر و نزد خود صدای شان بزن»؛ آن ها را قطعه قطعه کن و با یک دیگر در هم آمیز چنان چه گوشت این مردار در تن این درندگان که یک دیگر را خورده اند در هم آمیزد «سپس مقداری از آن ها را سر هر کوهی بگذار و بعد از آن صدایشان بزن با سرعت جوابت را بدهند و به سویت آیند» و چون ابراهیم علیه السلام آن ها را خواند و به نزدش آمدند ضمناً تعداد آن کوه ها، ده کوه بوده است.

(475 - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: کوه ها، ده تا بودند و پرندگان، عبارت بودند از خروس کبوتر طاووس و کلاغ و خداوند فرمود: «پس چهار پرنده را بگیر و نزد خود صدایشان بزن» چهار پرنده را بگیر و سر آن ها را ببر و گوشت استخوان و پرهایشان را مخلوط گردان سپس سر های آن ها را نزد خود نگهدار

فَجَعَلَ مَا كَانَ فِي هَذَا الْجَبَلِ يَذْهَبُ إِلَى هَذَا الْجَبَلِ بِرَيْشِهِ وَ لَحْمِهِ وَ دَمِهِ ثُمَّ يَأْتِيهِ حَتَّى يَضَعَ رَأْسَهُ فِي عُنُقِهِ حَتَّى فَرَّغَ مِنْ أَرْبَعَتِهِنَّ . (1)

[476]/577 - (عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرَّبُودَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ لَمَّا أَوْحَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ خُذْ أَرْبَعَةَ مِنَ الطَّيْرِ، عَمَدَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخَذَ النَّعَامَةَ وَالطَّائِسَ وَالْوَزَّ وَالذَّيْبَ فَتَنَّفَ رَيْشَهُنَّ بَعْدَ الذَّبْحِ ثُمَّ جَعَلَهُنَّ فِي مِهْرَاسِهِ فَهَرَسَهُنَّ ثُمَّ فَرَّقَهُنَّ عَلَى جِبَالِ الْأُرْدُنِّ، وَكَانَتْ يَوْمَئِذٍ عَشْرَةَ أَجْبَالٍ فَوَضَعَ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ دَعَاهُنَّ بِأَسْمَائِهِنَّ فَأَقْبَلْنَ إِلَيْهِ سَعْيًا، يَعْنِي مُسْرِعَاتٍ، فَقَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ ذَلِكَ (أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (2)

578 / [477] - (عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسَدٍ بَاطِلٍ : أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَدَّ بِلَّ عَنِ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (قَالَ بَلَى وَ لَكِنَّ لِيْطْمَئِنَّ قَلْبِي) أَكَانَ فِي قَلْبِهِ شَكٌّ؟

قَالَ: لَا وَ لَكِنَّهُ أَرَادَ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ فِي يَقِينِهِ،

قَالَ: وَ الْجُزْءُ وَاحِدٌ مِنَ الْعَشْرِ) (3)

ص: 570

1- عنه بحار الأنوار: 73/12 ح 19، و البرهان في تفسير القرآن: 552/1 ح 8، و نور الثقلين: 280/1 ح 1097

2- عنه بحار الأنوار: 73/12 ح 20، و البرهان في تفسير القرآن: 552/1 ح 9، و نور الثقلين: 280/1 ح 1096.

3- عنه بحار الأنوار: 73/12 ح 21 وسائل الشيعة : 383/19 ح 24811، و البرهان في تفسير القرآن : 552/1 ح 10، و نور الثقلين : 278/1 ح 1092، و مستدرک الوسائل : 128/14 ح 16280 المحاسن : 247/1 ح 249 (باب - 29 اليقين و الصبر في الدين) بإسناده عن صفوان بن يحيى قال : سألت أبا الحسن الرضا عليه السلام - إلى قوله: الزيادة في يقينه . ، عنه البحار : 176/70 ح 34، و مستدرک الوسائل : 195/11 ح 12724، و نحوه مشكاة الأنوار : 15 (الفصل الثالث في اليقين).

و آن ها را با گوشت ها و استخوان هایشان مخلوط نموده و سپس ده قسمت کن و هر قسمتی را بر سر کوهی بگذار

بعد از آن که او طبق دستور عمل کرد و سرها را به دست گرفت (و پرنده ها را صدایشان زد) دید قطعه ها به سمت یکدیگر حرکت می کنند و در نهایت نزد او می آیند و به سر های خود ملحق می گردند تا آن که هر چهار پرنده به طور کامل در آمدند

(476) - از معروف بن خربوذ روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی هنگامی که خداوند به ابراهیم وحی فرستاد: چهار پرنده از پرندگان را بگیر حضرت ابراهیم علیه السلام هم شتر مرغ طاووس مرغابی ماده و خروس را گرفت و پس از سر بریدن و کندن پرهايشان همه آن ها را یک جا در هاونی ریخت و کوبید سپس هر مقداری از آن ها را سر کوهی از کوه های اردن - که ده کوه بود - قرار داد در پایان آن ها را با نام صدا زد پس همگی یکی پس از دیگری با سرعت به سمت حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و در چنین موقعیتی اظهار داشت: «به راستی که خداوند بر هر کاری قادر و توانمند است».

(477) - از علی بن اسباط روایت کرده است که گفت:

از امام رضا علیه السلام پیرامون فرمایش خداوند متعال: «گفت: بلی، ولی می خواهم که قلبم مطمئن شود» سؤال کردند: آیا در قلب حضرت ابراهیم علیه السلام شکی وجود داشت؟

فرمود: نه ولیکن از خداوند افزایش و تقویت ایمان و یقین خویش را درخواست کرد سپس افزود: «جزء»، یکی از ده قسمت می باشد

ص: 571

جُمِعَ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْمَنْصُورِ الْقُضَاةِ، فَقَالَ لَهُمْ: رَجُلٌ أَوْصَى بِجُزْءٍ مِنْ مَالِهِ فَكَيْفَ الْجُزْءُ؟ فَلَمْ يَعْلَمُوا كَيْفَ الْجُزْءِ وَاسْتَكْوَأَ إِلَيْهِ فِيهِ، فَأَبْرَدَ بَرِيدًا إِلَى صَاحِبِ الْمَدِينَةِ أَنْ يَسْأَلَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: رَجُلٌ أَوْصَى بِجُزْءٍ مِنْ مَالِهِ فَكَيْفَ الْجُزْءُ؟ فَقَدْ أَشْكَلَ ذَلِكَ عَلَى الْقُضَاةِ فَلَمْ يَعْلَمُوا كَيْفَ الْجُزْءِ فَإِنْ هُوَ أَحْبَبَكَ بِهِ وَإِلَّا فَاحْمِلْهُ عَلَى الْبَرِيدِ وَوَجِّهْهُ إِلَيَّ،

فَأَتَى صَاحِبُ الْمَدِينَةِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ أَبَا جَعْفَرَ بَعَثَ إِلَيَّ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِجُزْءٍ مِنْ مَالِهِ وَسَأَلَ مِنْ قَبْلِهِ مِنْ الْقُضَاةِ فَلَمْ يُخْبِرُوهُ مَا هُوَ، وَقَدْ كَتَبَ إِلَيَّ أَنْ فَسَّرْتَ ذَلِكَ لَهُ وَإِلَّا حَمَلْتُكَ عَلَى الْبَرِيدِ إِلَيْهِ،

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ بَيْنَ إِنْ اللَّهَ يَقُولُ: لَمَّا قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ (رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى) إِلَى قَوْلِهِ (كُلُّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءٌ) فَكَانَتِ الطَّيْرُ أَرْبَعَةً وَالْجِبَالُ عَشْرَةً، يُخْرِجُ الرَّجُلُ مِنْ كُلِّ عَشْرَةٍ أَجْزَاءَ جُزْءًا وَاحِدًا، وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَعَا بِمَهْرَاسٍ فَدَقَّ فِيهِ الطُّيُورَ جَمِيعًا، وَحَبَسَ الرُّءُوسَ عِنْدَهُ، ثُمَّ إِنَّهُ دَعَا بِالَّذِي أَمَرَ بِهِ فَجَعَلَ يَنْظُرُ إِلَى الرِّيشِ كَيْفَ يَخْرُجُ، وَإِلَى الْعُرُوقِ عِرْقًا عِرْقًا حَتَّى تَمَّ جَنَاحُهُ مُسَوِّيًا فَأَهْوَى نَحْوَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَالَ إِبْرَاهِيمُ بِبَعْضِ الرُّءُوسِ فَاسْتَقْبَلَهُ بِهِ، فَلَمْ يَكُنِ الرَّأْسُ الَّذِي اسْتَقْبَلَهُ بِهِ لِذَلِكَ الْبَدَنِ حَتَّى انْتَقَلَ إِلَيْهِ غَيْرُهُ، فَكَانَ مُوَافِقًا لِلرَّأْسِ فَتَمَّتِ الْعِدَّةُ وَتَمَّتِ الْأَبْدَانُ. (1)

ص: 572

1- عنه بحار الأنوار: 73/12 ح 22 و 212/103 ح 18، و وسائل الشيعة: 382/19 ح 24809 قطعة منه، والبرهان في تفسير القرآن: 552/1 ح 11، و نور الثقلين: 278/1 ح 1093، قصص الأنبياء عليهم السلام للجزائري 116 (الفصل الثالث في إراءته ملكوت السماوات).

تمام قضات نزد ابو جعفر (منصور) دوانیقی جمع بودند و او از آن ها پرسید: شخصی جزئی از مال خود را وصیت می کند (منظور از آن جزء چقدر است؟

هیچ کس پاسخ آن را نمی دانست و همگی اظهار عجز و ناتوانی کردند، لذا او قاصدی را برای حاکم مدینه فرستاد تا از امام صادق علیه السلام سؤال نماید: مردی بخش و جزئی از مال خود را وصیت می کند (منظور از آن جزء چقدر است؟ چون جواب این مسأله برای قضات ایجاد مشکل کرده است و آنان از جواب آن در مانده و عاجز هستند.

والی مدینه نزد امام صادق علیه السلام رفت و گفت: ابو جعفر دوانیقی شخصی را نزد من فرستاده است تا از شما درباره مردی که جزئی از مال خود را وصیت می کند سؤال کنم: (منظور از آن جزء چقدر است؟ ضمناً دوانیقی برای او نامه نوشته است که چنان چه جواب آن را ندهی شما را به همراه مأمور نزد او بفرستم.

امام صادق علیه السلام فرمود: این مسأله در کتاب خدا بیان شده است آن جا که حضرت ابراهیم می گوید: «پروردگارا! به من نشان بده که چگونه مرده ها را زنده می نمایی؟» تا آن جا که می فرماید: «سپس بر سر هر کوهی جزیی از آن ها را قرار بده» که پرندگان چهار تا و کوه ها ده تا بودند؛ بنابراین آن مرد از هر ده تا جزء یک جزء بر می دارد

و حضرت ابراهیم هاونی را خواست و بدن آن پرندگان را در آن کوبید و سر های آنها را نزد خود نگاه داشت (بعد از آن که آن ها را کوبید به ده جزء تقسیم کرد و هر جزئی را بر کوهی نهاد) آن ها را صدا زد و نگاه می کرد که چگونه پر ها، رگ ها استخوان ها و گوشت ها به هم می پیوندند و چگونه بال در می آورند تا حرکت کردند و به سمت حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند سپس یکی از سر ها را برداشت و پیش یکی از پرندگان آورد پس متوجه شد که این مال آن بدن نیست و به نزد بدنی دیگر برد و منطبق درآمد تا آن که یکی پس از دیگری کامل گردید.

إِنَّ امْرَأَةً أَوْصَتْ إِلَى وَ قَالَتْ لِي: ثُلْثِي تَقْضِي بِهِ دَيْنَ ابْنِ أَخِي، وَ جُزْءٌ مِنْهُ لِفُلَانَةٍ، فَسَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ ابْنَ أَبِي لَيْلَى فَقَالَ: مَا أَرَى لَهَا شَيْئاً وَ مَا أَدْرِي مَا الْجُزْءُ فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَخْبَرْتُهُ كَيْفَ قَالَتِ الْمَرْأَةُ وَ مَا قَالَ ابْنُ أَبِي لَيْلَى،

فَقَالَ: كَذَبَ ابْنُ أَبِي لَيْلَى لَهَا عَشْرُ الثُّلُثِ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: (اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْءاً) وَ كَانَتِ الْجِبَالُ يَوْمَئِذٍ عَشْرَةً وَ هُوَ الْعَشْرُ مِنَ الشَّيْءِ) (1)

581/480] - (عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي رَجُلٍ أَوْصَى بِجُزْءٍ مِنْ مَالِهِ فَقَالَ: جُزْءٌ مِنْ عَشْرِهِ كَانَتِ الْجِبَالُ عَشْرَةً وَ كَانَ الطَّيْرُ الطَّائِسَ وَ الْحَمَامَةَ وَ الدِّيكَ وَ الْهُدْهُدَ فَأَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُقَطَّعَنَّ وَ يَخْلَطَّهِنَّ وَ أَنْ يَضَعَ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُمْ جُزْءاً وَ أَنْ يَأْخُذَ رَأْسَ كُلِّ طَيْرٍ مِنْهَا بِيَدِهِ،

قَالَ: فَكَانَ إِذَا أَخَذَ رَأْسَ الطَّيْرِ مِنْهَا بِيَدِهِ تَطَّيَّرَ إِلَيْهِ مَا كَانَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ كَمَا كَانَ) (2)

ص: 574

1- عنه بحار الأنوار: 213/103 ح 19 و البرهان في تفسير القرآن: 553/1 ح 12 و نور الثقلين: 249/12 ح 983، و مستدرک الوسائل: 129/14 ح 16281. الكافي: 39/7 ح 1، تهذيب الأحكام: 208/9 ح 1، الاستبصار: 131/4 ح 1 بتفاوت يسير في الجميع عنهم وسائل الشيعة: 380/19 ح 24804

2- عنه بحار الأنوار: 213/103 ح 20، و البرهان في تفسير القرآن: 553/1 ح 13، و نور الثقلين: 278/1 ح 1094، و مستدرک الوسائل: 129/14 ح 16282 فيه القطعة الأولى منه. تهذيب الأحكام: 209/9 ح 4، قطعة منه، و نحوه الاستبصار: 132/4 ح 4 عنهما وسائل الشيعة: 383/19 ح 24812.

(479) - از عبد الرحمان بن سیّابه روایت کرده است که گفت:

خانمی به من وصیّت کرد و گفت با یک سوم اموالم بدهکاری برادر زاده ام را می پردازم و جزئی از اموالم را به فلاّنی می دهی درباره حکم آن از ابن ابی لیلی سؤال کردم پس او گفت: چیزی (و حقی) برای او نمی بینم اما جزء را نمی دانم که چه مقدار می باشد؟

سپس از امام صادق علیه السلام سؤال کردم و کیفیت وصیّت و نیز جواب ابن ابی لیلی را برای حضرت بازگو کردم فرمود: ابن ابی لیلی دروغ گفته است برای آن زن یک دهم از یک سوم اموالش می باشد؛ زیرا خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام دستور داد: «بر سر هر کوهی چیزی از آن ها را قرار بده» کوه ها در آن زمان ده تا بودند؛ که جزء یک دهم از هر چیزی می باشد

(480) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام در مورد مردی که به جزئی از اموالش وصیّت کرده بود فرمود: «جزء»، یک قسمت از ده قسمت است؛ زیرا که کوه ها ده تا بود و پرندگان، طاووس، کبوتر خروس و هدهد (شانه سر) بودند پس خداوند دستور داد که او آن ها را (سر ببرد و) تکه تکه و مخلوط کند و بر هر کوهی جزئی از آن ها را قرار دهد ولی سر آن ها را نزد خود نگاه دارد.

امام علیه السلام افزود: پس از آن سر هر کدام را که به دست می گرفت (و صدای شان می زد پرواز و حرکت می کرد و به سر خود ملحق می گشت).

ص: 575

جَاءَنِي أَبُو جَعْفَرِ بْنِ سَلِيمَانَ الْخُرَاسَانِيُّ وَقَالَ: نَزَلَ بِي رَجُلٌ مِنْ خُرَاسَانَ مِنَ الْحُجَّاجِ فَتَدَاكَرْنَا الْحَدِيثَ فَقَالَ: مَاتَ لَنَا أَخٌ بِمَرَوْ وَأَوْصَى إِلَيَّ بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَأَمَرَنِي أَنْ أُعْطِيَ أَبَا حَنِيفَةَ مِنْهَا جُزْءًا وَلَمْ أَعْرِفِ الْجُزْءَ كَمْ هُوَ مِمَّا تَرَكَ، فَلَمَّا قَدِمْتُ الْكُوفَةَ أَتَيْتُ أَبَا حَنِيفَةَ فَسَدَّ أَلْتُهُ عَنِ الْجُزْءِ؟

فَقَالَ: لِي الرَّبُوعُ، فَأَبَى قَلْبِي ذَلِكَ، فَقُلْتُ: لَا أَفْعَلُ حَتَّى أَحُجَّ وَأَسْتَقْصِي الْمَسْأَلَةَ فَلَمَّا رَأَيْتُ أَهْلَ الْكُوفَةِ قَدِ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ الرَّبُوعُ قُلْتُ لِأَبِي حَنِيفَةَ: لَا سِوَاهُ بِذَلِكَ لَكَ أَوْصَى بِهَا يَا أَبَا حَنِيفَةَ!، وَلَكِنْ أَحُجَّ وَأَسْتَقْصِي الْمَسْأَلَةَ

فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: وَأَنَا أُرِيدُ الْحُجَّ.

فَلَمَّا أَتَيْنَا مَكَّةَ وَكُنَّا فِي الطَّوَافِ فَإِذَا نَحْنُ بِرَجُلٍ شَيْخٍ قَاعِدٍ قَدْ فَرَعَ مِنْ طَوَافِهِ وَهُوَ يَدْعُو وَيُسَبِّحُ، إِذِ انْتَمَتَ أَبُو حَنِيفَةَ فَلَمَّا رَأَاهُ قَالَ: إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَسْأَلَ غَايَةَ النَّاسِ فَسَلْ هَذَا فَلَا أَحَدَ بَعْدَهُ، قُلْتُ: وَمَنْ هَذَا؟

قَالَ: جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، فَلَمَّا قَعَدْتُ وَاسْتَمَكَنْتُ إِذِ اسْتَدَارَ أَبُو حَنِيفَةَ خَلْفَ ظَهْرِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَعَدَ قَرِيبًا مِنِّي فَسَدَّ لَمَّ عَلَيْهِ وَعَظَّمَهُ وَجَاءَ غَيْرُ وَاحِدٍ مُزْدَلِفِينَ مُسَلِّمِينَ عَلَيْهِ وَقَعَدُوا، فَلَمَّا رَأَيْتُ ذَلِكَ مِنْ تَعْظِيمِهِمْ لَهُ اسْتَدَّ ظَهْرِي فَغَمَزَنِي أَبُو حَنِيفَةَ أَنْ تَكَلِّمْ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنِّي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ وَإِنَّ رَجُلًا مَاتَ وَأَوْصَى إِلَيَّ بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَأَمَرَنِي أَنْ أُعْطِيَ مِنْهَا جُزْءًا وَسَمَى لِي الرَّجُلَ، فَكَمْ الْجُزْءُ؟ جُعِلْتُ فِدَاكَ!

فَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا أَبَا حَنِيفَةَ! لَكَ أَوْصَى قُلْ فِيهَا فَقَالَ: الرَّبُوعُ،

481) - به نقل از محمد بن اسماعیل از عبد الله بن عبدالله روایت کرده است که گفت:

شخصی به نام جعفر بن سلیمان خراسانی نزد من آمد و گفت: مردی از حاجیان پیش من آمد و پس از صحبت هایی اظهار داشت: یکی از دوستان ما در شهر مروفوت نمود و مقدار صد هزار درهم برای من وصیت کرد و گفت: جزئی از آن ها را به ابو حنیفه بده؛ نمی دانم که «جزء» چه مقدار می باشد؟

چون به کوفه رفتم از ابو حنیفه درباره «جزء»، سؤال کردم؟

ابو حنیفه جواب داد: یک چهارم خواهد بود ولی دلم نپذیرفت و با خود گفتم: به گفته او عمل نمی کنم که تا وقتی به حج بروم و درباره آن تحقیق کنم ولی دیدم که اهل کوفه هم سخن ابو حنیفه را می گویند به همین دلیل به او گفتم ناراحت نباش آن چه را برای وصیت کرده محفوظ می باشد و لیکن می خواهم به حج بروم و درباره آن تحقیق می کنم ابو حنیفه گفت: و من نیز قصد سفر حج دارم؛ هنگامی که وارد مکه شدیم و مشغول طواف (کعبه الهی) گشتیم در بین طواف پیر مردی را دیدیم که از طواف فارغ گشته و (در گوشه ای) نشسته است و مشغول دعا و تسبیح می باشد و ابو حنیفه نیز متوجه او شد و به من گفت: اگر سخن نهایی مردم را می خواهی از این مرد سؤال کن که بالاتر از او نیست. گفتم: این مرد کیست؟

گفت: او جعفر بن محمد علیهما السلام است پس کنار آن حضرت نشستم و ابو حنیفه از پشت حضرت دور زد و کنار من نشست و بر حضرت سلام و احترام کرد و نیز بسیاری از حاجیان می آمدند و بر حضرت سلام می کردند و می نشستند؛ پس چون چنین احترامی را از مردم دیدم دلم آرام گرفت و نیرو گرفتم و ابو حنیفه به من اشاره کرد که سخن خود را مطرح نما

به حضرت اظهار داشتیم: فدایت گردم! مردی از اهالی خراسان هستم یکی از دوستانم مرده است و یک صد هزار دینار وصیت کرده که جزئی از آن را به دیگری بدهم و نام او را معین کرده است بفرمایید که «جزء» چه مقدار می باشد؟ فدایت گردم!

ص: 577

فَقَالَ لِابْنِ أَبِي لَيْلَى قُلْ فِيهَا، فَقَالَ: الرَّبُّعُ،

فَقَالَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمِنْ أَيْنَ قُلْتُمْ الرَّبُّعَ؟

قَالُوا: لِقَوْلِ اللَّهِ: (فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا) فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُمْ - وَ أَنَا أَسْمَعُ - : هَذَا قَدْ عَلِمْتَ الطَّيْرَ أَرْبَعَةً فَكَمْ كَانَتْ الْجِبَالَ إِتْمَا الْأَجْزَاءُ لِلْجِبَالِ لَيْسَ لِلطَّيْرِ، فَقَالُوا: ظَنَنَّا أَنَّهَا أَرْبَعَةٌ،

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ لَكِنَّ الْجِبَالَ عَشْرَةٌ. (1)

482/583-[]- (عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ: (فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا) الْآيَةَ فَقَالَ: أَخَذَ الْهُدْهُدَ وَالصُّرْدَ وَالطَّاوُوسَ وَالْغُرَابَ فَذَبَحَهُنَّ وَ عَزَلَ رُءُوسَهُنَّ ثُمَّ نَحَرَ أَبْدَانَهُنَّ بِالْمِنْخَارِ بِرَيْشِهِنَّ وَ لُحُومِهِنَّ وَ عِظَامِهِنَّ حَتَّى اخْتَلَطَ، ثُمَّ جَزَّاهُنَّ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ عَلَى عَشْرَةِ جِبَالٍ، ثُمَّ وَضَعَ عِنْدَهُ حَبًّا وَ مَاءً ثُمَّ جَعَلَ مَنَاقِيرَهُنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَالَ: ائْتَيْنِ سَعِيًّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَتَطَايَرَتْ بَعْضُهُنَّ إِلَى بَعْضِ اللَّحُومِ وَ الرَّيْشِ وَ الْعِظَامِ حَتَّى اسْتَوَتْ بِالْأَبْدَانِ كَمَا كَانَتْ وَ جَاءَ كُلُّ بَدَنِ حَتَّى انْتَرَقَ بِرَقَبَتِهِ الَّتِي فِيهَا الْمَنْقَارُ.

فَحَلَّى إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَنَاقِيرِهَا فَرَفَعْنَ وَ شَرِبْنَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ، وَ التَّمَطَّنَ مِنْ ذَلِكَ الْحَبِّ، ثُمَّ قُلْنَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! أَحْيَيْتَنَا أَحْيَاكَ اللَّهُ، فَقَالَ: بَلَى اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ،

ص: 578

1- عنه بحار الأنوار: 213/103 ح 21، و وسائل الشيعة: 382/19 ح 24810 قطعة منه و البرهان في تفسير القرآن: 554/1 ح 14، و نور الثقلين: 279/1 ح 1095.

امام صادق علیه السلام خطاب به ابو حنیفه کرد و فرمود: برای تو وصیت کرده است، جوایش را بگو پس گفت: یک چهارم می باشد سپس به ابن ابی لیلی خطاب کرد و فرمود تو نظرت را بگو، او نیز گفت: یک چهارم است پس از آن امام صادق علیه السلام فرمود: از کجا و با چه دلیلی گفتید: (مقصود از آن) یک چهارم است؟

گفتند: به دلیل فرمایش خداوند: «پس چهار پرنده را بگیر و نزد خود صدای شان بزن سپس مقداری از آن ها را سر هر کوهی بگذار و بعد از آن صدای شان بزن» امام صادق علیه السلام به آنان فرمود: من نیز این آیه را شنیده ام و می دانم که پرندگان چهار تا بوده اند بگوئید: کوه ها چند تا بوده اند؟ چون اجزاء نسبت به کوه ها بود نه نسبت به پرندگان گفتند: فکر می کنیم که کوه ها نیز چهار تا بوده اند امام صادق علیه السلام فرمود: ولی (بدانید که) کوه ها ده تا بوده است

(482) - از صالح بن سهل همدانی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «پس بگیر چهار پرنده را بگیر و نزد خود صدای شان بزن سپس مقداری از آن ها را سر هر کوهی بگذار و بعد از آن صدایشان بزن»، فرمود: (ابراهیم علیه السلام چهار پرنده) هدهد، جغد، طاووس و کلاغ را گرفت و آن ها را سر برید و سرهایشان را جدا نمود سپس بدن ها، پر ها گوشت ها و استخوان هایشان را در هاون کوبید به طوری که همه با هم آمیخته شدند، سپس به ده جزء تقسیمشان کرد و هر جزئی را بر سر یکی از ده کوه نهاد، بعد از آن مقداری دانه و آب کنار خود گذاشت و سر های آنها را با انگشتان خود گرفت و گفت: به اذن خداوند با شتاب به سوی من آید پس برخی، گوشت ها پر ها و استخوان ها به سمت یک دیگر حرکت کردند تا بدن هایشان تکمیل شد و به سوی ابراهیم علیه السلام آمدند و به سر های خود ملحق گشتند و ابراهیم علیه السلام سر هایشان را رها کرد تا به سمت دانه ها و آب رفتند؛ پس خوردند نوشیدند و گفتند: ای پیامبر خدا! ما را زنده کردی خداوند تو را زنده نگاه دارد، ابراهیم علیه السلام فرمود: بلکه این خداوند است که زنده می کند و می میراند.

فَهَذَا تَفْسِيرُهُ فِي الظَّاهِرِ، وَ أَمَّا تَفْسِيرُهُ فِي بَاطِنِ الْقُرْآنِ قَالَ: خُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ مِمَّنْ يَحْتَمِلُ الْكَلَامَ فَاسْتَوِدِعْهُمْ عِلْمَكَ، ثُمَّ اِئْتَهُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ حُجْجًا لَكَ عَلَى النَّاسِ،

فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَأْتُوكَ دَعْوَتُهُمْ بِالِاسْمِ الْأَكْبَرِ يَأْتُونَكَ سَعِيًّا بِإِذْنِ اللَّهِ. (1)

قوله تعالى: (مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (261)

[483]/584 - (عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ [يُونُسَ] قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا أَحْسَنَ الْمُؤْمِنُ عَمَلَهُ ضَاعَفَ اللَّهُ [لَهُ] عَمَلَهُ بِكُلِّ حَسَنَةٍ سَبْعِمِائَةَ ضِعْفٍ، فَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ: (وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ) فَأَحْسِنُوا أَعْمَالَكُمْ الَّتِي تَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِ اللَّهِ

قُلْتُ: وَ مَا الْإِحْسَانُ؟

قَالَ: إِذَا صَلَّيْتَ فَأَحْسِنِ رُكُوعَكَ وَ سُجُودَكَ، وَإِذَا صُمْتَ فَتَوَقَّ كُلَّ مَا فِيهِ فَسَادُ صَوْمِكَ وَإِذَا حَجَجْتَ فَتَوَقَّ كُلَّ مَا يَحْرُمُ عَلَيْكَ فِي حِجَّتِكَ وَ عُمْرَتِكَ، قَالَ: وَ كُلُّ

ص: 580

1- عنه بحار الأنوار: 123/103 ح 21، و البرهان في تفسير القرآن: 554/1 ح 15، و نور الثقلين: 249/1 ح 983. الخصال: 264 ح 146 بتفاوت يسير عنه البحار: 63/12 ح 9، و قصص الأنبياء عليهم السلام للجزائري: 114 (الفصل الثالث في إراءته ملكوت السماوات).

این تفسیر ظاهر (کلام خداوند متعال) بود اما تفسیر باطن قرآن چنین است که فرمود: چهار تا از پرندگان را بگیر که توان سخن گفتن داشته باشند پس علوم خود را نزد آن ها به ودیعه بگذار و آن ها را به اطراف زمین بفرست تا برای دیگران حجت و دلیل قرار گیرند و هرگاه خواستی که باز گردند به وسیله اسم اکبر (اعظم) صدایشان کن تا به اذن خداوند با سرعت به سویت آیند.

فرمایش خداوند متعال: مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند دانه بذری هستند که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه یک صد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کسی که بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می گرداند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) دانا می باشد (261)

(483) - از عمر بن یونس روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هنگامی که مؤمن عمل نیکی را انجام دهد خداوند متعال عملش را چندین برابر نموده و برای هر عمل نیک هفت صد برابر پاداش عطا می نماید؛ زیرا که در قرآن فرموده است: «خداوند برای هر که بخواهد می افزایشد» بنابر این اعمال خود را برای رسیدن به ثواب های الهی نیکو گردانید عرض کردم: نیکو گرداندن عمل چگونه است؟

فرمود: هنگامی که نماز می خوانی، رکوع و سجود آن را نیکو به جا آور و اگر روزه گرفتی از آن چه که روزه را فاسد می کند خود داری نما و اگر حجی انجام دادی از آن چه که در حج و عمره بر تو حرام شده است خودداری کن و هر عملی را که به جا می آوری باید از آلودگی و فساد پاکیزه باشد.

ص: 581

عَمَلٍ تَعْمَلُهُ فَلْيَكُنْ نَقِيًّا مِنَ الدَّنَسِ . (1)

[484]/585 - (عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَهُ فَضْلٌ عَلَى الْمُسْلِمِ فِي شَيْءٍ مِنَ الْمَوَارِيثِ وَالْقَضَايَا وَالْأَحْكَامِ حَتَّى يَكُونَ لِلْمُؤْمِنِ أَكْثَرُ مِمَّا يَكُونُ لِلْمُسْلِمِ فِي الْمَوَارِيثِ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ؟

قَالَ: لَا هُمَا يَجْرِيَانِ فِي ذَلِكَ مَجْرَى وَاحِدًا إِذَا حَكَمَ الْإِمَامُ عَلَيْهِمَا وَلَكِنَّ لِلْمُؤْمِنِ فَضْلًا عَلَى الْمُسْلِمِ فِي أَعْمَالِهِمَا يَتَفَرَّبَانِ بِهِ إِلَى اللَّهِ،

قَالَ: فَقُلْتُ: أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا؟) (2) وَزَعَمْتَ أَنَّهُمْ مُجْتَمِعُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ مَعَ الْمُؤْمِنِ.

قَالَ: فَقَالَ: أَلَيْسَ اللَّهُ قَدْ قَالَ: (وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ) فَالْمُؤْمِنُونَ هُمُ الَّذِينَ يُضَاعِفُ اللَّهُ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ لِكُلِّ حَسَنَةٍ سَبْعِينَ ضِعْفًا، فَهَذَا مِنْ فَضْلِهِمْ وَيَزِيدُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ فِي حَسَنَاتِهِ عَلَى قَدْرِ صِحَّةِ إِيْمَانِهِ أضعافاً مضاعفةً كثيرةً، وَيَفْعَلُ اللَّهُ بِالْمُؤْمِنِينَ مَا يَشَاءُ) (3)

ص: 582

1- عنه بحار الأنوار: 247/71 ذيل ح 7 أشار إليه، والبرهان في تفسير القرآن: 556/1 ح 3، ونور الثقلين: 249/1 ح 983. المؤمن (تحقيق المحقق): 54 ح 53 (باب - 2 فيما خص الله به المؤمنين) قطعة منه، عنه البحار: 247/71 ح 8، المحاسن: 254/12 ح 283 (باب - 30 في الإخلاص) بإسناده عن عمر بن يزيد قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: عنه البحار: 247/71 ح 7، و 116/85 ح 24، و 291/96 ح 11 و مستدرک الوسائل: 443/4 ح 5121 ثواب الأعمال: 168 (ثواب الإحسان) بإسناده عن أبي محمد الوابشي، عن أبي عبد الله عليه السلام نحو المؤمن عنه البحار: 412/73 ح 23.

2- سورة الأنعام: 160/6 .

3- عنه بحار الأنوار: 283/68 ح 39، و وسائل الشيعة: 42/26 ح 32449، و البرهان في تفسير القرآن: 556/1 ح 4، و نور الثقلين: 249/12 ح 983. الكافي: 26/2 ح 5 بتفصيل و زيادة في آخره عنه وسائل الشيعة: 42/26 ح 32449، و البحار: 250/68 ح 12.

خدمت حضرت باقر العلوم عليه السلام عرض کردم: آیا مؤمن در ميراث و ديگر احکام و قضاوت بر مسلمان فضیلتی دارد؟ و آیا مؤمن حقّ بیشتری از مسلمان دارد؟

فرمود: نه هر دو نفرشان مساوی می باشند و چنان چه امام (قاضی)، حکمی را صادر، کند برای هر دو یک سان انجام می دهد ولی مؤمن برای اعمال و عباداتی که انجام می دهد بر مسلمان فضیلت دارد

راوی گوید: عرضه داشتم: مگر خداوند نفرموده است: «هر کس کار نیکی انجام دهد خداوند ده برابر به او پاداش می دهد»؟ بنابر این مؤمن و مسلمان در اعمال عبادی مانند: نماز، روزه، زکات و حج با هم شریک هستند و در یک حال این اعمال را انجام می دهند.

امام عليه السلام فرمود: مگر خداوند نفرموده است: «خداوند به هر شخص که بخواهد چند برابر می دهد»؟ و این افزایش برای مؤمنان می باشد که تا هفتاد برابر به آن ها عطا می کند می کند هم چنین خداوند اعمال مؤمن را به اندازه صحّت و کمال ایمانش چند برابر افزایش می دهد و بلکه درباره مؤمن هر چه بخواهد و اراده نماید عمل می کند

485/586] - (عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجَعْفِيِّ قَالَ :

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ)؟

قَالَ: الْحَبَّةُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَالسَّبْعُ السَّنَابِلُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِهَا سَابِعُهُمْ قَائِمُهُمْ ،

قُلْتُ: الْحَسَنُ؟ قَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ مُفْتَرَضٌ طَاعَتُهُ وَ لَكِنْ لَيْسَ مِنَ السَّنَابِلِ السَّبْعَةِ أَوْلَاهُمْ الْحُسَيْنُ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ،

فَقُلْتُ: قَوْلُهُ: (فِي كُلِّ سُنْبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ)؟

قَالَ: يُوَلِّدُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فِي الْكُوفَةِ مِائَةً مِنْ صُلْبِهِ وَ لَيْسَ ذَاكَ إِلَّا هَوْلَاءِ السَّبْعَةِ . (1)

486/587] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَابِشِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ :

إِذَا أَحْسَنَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ صَاعَفَ اللَّهُ لَهُ عَمَلَهُ لِكُلِّ حَسَنَةٍ سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (وَ اللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ) (2)

ص: 584

1- عنه البرهان في تفسير القرآن : 556/1 ح 6، و نور الثقلين: 282/1 ح 1106 .

2- عنه بحار الأنوار: 248/71 ح 8 و البرهان في تفسير القرآن: 556/1 ح 5، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 المؤمن للحسين سعيد الأهوازي : 54 ح 53 (الباب الثاني)، عنه البحار : 64/67 ح 10، 24/68 ح 42 عن الأمالي المحاسن : 254/1 ح 283 (باب - 30 في الإخلاص) بإسناده عن عمر بن يزيد قال : سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول ... مع زيادة في آخره عنه وسائل الشيعة : 61/1 ح 132، و البحار : 247/71 ح 7، ثواب الأعمال : 168، الأمالي للطوسي : 223 ح 388 (المجلس الثامن)، عنه وسائل الشيعة : 118/1 ح 296 . أقول: يحتمل أن تكون قطعة من حديث 483 .

(485) - از مفضل بن محمد جعفی روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «همانند دانه ای است که هفت خوشه رویانده باشد»، سؤال کردم؟

فرمود: «حَبَّةٌ»، حضرت فاطمه علیها السلام است و «سَبْعَ سَنَابِلٍ»، هفت نفر از فرزندان حضرت فاطمه علیهم السلام می باشند که هفتمین ایشان قائم (آل محمد علیهم السلام) خواهد بود.

عرضه داشتم: پس حسن علیه السلام چه می شود؟

فرمود: او پیشوایی است که خداوند متابعت و پیروی از او را بر همگان واجب نموده ولی از سنبله های هفتگانه نیست بلکه اولین ایشان حسین و آخرین ایشان قائم (آل محمد علیهم السلام) هستند.

گفتم: منظور از «در هر خوشه ای صد دانه وجود دارد» چیست؟

فرمود: از نسل هر یک از مردان ایشان در کوفه یک صد مرد دیگر به دنیا می آید و چنین ذریه و نسلی نمی باشد مگر از همین هفت نفر.

(486) - از محمد و ابیسی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: چنان چه بنده ای عملی نیکو انجام دهد، خداوند اعمال او را در مقابل هر کار نیک هفت صد برابر پاداش می دهد؛ زیرا که او در قرآن فرموده است «و خداوند برای هر که بخواهد می افزاید»

ص: 585

قوله تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (264) وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْ بِهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (265)

487/588 [487/588] - (عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى : (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ قَالَا :

نَزَلَتْ فِي عُثْمَانَ وَ جَرَتْ فِي مُعَاوِيَةَ وَ أَتْبَاعِهِمَا. (1)

488/589 [488/589] - (عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنَبِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى) لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هَذَا تَأْوِيلٌ قَالَ : أَنْزَلَتْ فِي عُثْمَانَ) (2)

ص: 586

1- عنه بحار الأنوار: 214/30 ح 73، و البرهان في تفسير القرآن: 558/1 ح 4، و نور الثقلين: . 283/1 ح 1113.

2- عنه بحار الأنوار: 214/30 ح 74، و البرهان في تفسير القرآن: 559/1 ح 5، و نور الثقلين: 284/1 ح 1114.

فرمایش خداوند متعال: ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقه ها و بخشش های خود را با منت و آزار باطل نسازید همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می کند و به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورد. پس (کار او) هم چون قطعه سنگی است که بر آن (مختصر گردی از) خاک باشد (و دانه هایی در آن افشانده شود) و رگبار باران بر آن بیارد (پس همه خاک ها و بذرها را می شوید) و آن را صاف رها کند آن ها از کاری که انجام داده اند. چیزی به دست نمی آورند و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی کند (264) و (کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود اتقاق می کنند هم چون باغی است که در نقطه بلندی باشد و باران های درشت به آن برسد (و از هوای آزاد و نور آفتاب به حد کافی بهره مند شود)

پس میوه خود را دو چندان دهد (و همی شاداب و با طراوت خواهد بود) و خداوند به آن چه که انجام می دهید بینا می باشد. (265)

487) - از مفضل بن صالح از بعضی اصحابش روایت کرده است که گفت: امام باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقه و احسان خود را با منت گذاری و آزار رساندن باطل نگردانید» - تا آخر آیه - فرمود: در شأن عثمان نازل گشته ولی در مورد معاویه و پیروانش به اجرا در آمده است.

488) - از سلام بن مستنیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقه و احسان خود را با منت و آزار رساندن باطل نگردانید» فرمود: از جهت تأویل مربوط به محمد و آل محمد علیهم السلام می باشد ولی در مورد عثمان (بن عفان) نازل شده است.

489/590 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى) إِلَى قَوْلِهِ : (لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا) قَالَ ؟ «صَفْوَانٍ» أَيْ حَجَرٍ (وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ) (1) فُلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ وَ مُعَاوِيَةُ وَ أَشْيَاعُهُمْ) (2)

490/591 - (عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسَدِّ تَبَيَّرَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) قَالَ : أَنْزَلَتْ فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) (3)

491/592 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : (وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) قَالَ : عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُهُمْ ، وَ هُوَ مِمَّنْ يُنْفِقُ مَالَهُ إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) (4)

ص: 588

1- سورة النساء: 38/4

2- عنه بحار الأنوار: 214/30 ح 75 ، و البرهان في تفسير القرآن: 559/1 ح 6، و نور الثقلين: 284/1 ح 1116 .

3- عنه بحار الأنوار : 61/36 ح 5، و 35/41 ح 9 و البرهان في تفسير القرآن: 559/1 ح 7، و نور الثقلين: 284/1 ح 1119. تفسير فرات

الكوفي : 70 ح 41 الشواهد التنزيل : 104/1 ح 144، شرح نهج البلاغة : 261/13 فيه : قد روى المفسرون كلهم أن ...

4- عنه بحار الأنوار: 35/41 ح 10، و البرهان في تفسير القرآن: 559/1 ح 8 و نور الثقلين: 284/1 ح 1118 .

489- از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق درباره فرمایش خداوند: «متعال ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقه و احسان خود را با منت گذاری و آزار رساندن باطل نگردانید» تا پایان «توان ندارند (بر نگهداری) چیزی از آن چه را که به دست آورده اند» فرمود: «صفوان» یعنی صخره صاف (تخته سنگ)؛ و منظور از (این فرمایش خداوند): «کسانی که اموال خود را برای خود نمایی و ریا انفاق می کنند فلانی فلانی و معاویه و پیروان شان هستند

490- از سلام بن مستنیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و کسانی که اموال خویش را برای رضایت و خوشنودی خداوند انفاق می نمایند» فرمود: (منظور از آن) امام علی علیه السلام است.

491- از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره و کسانی که اموال خویش را برای رضایت و خوشنودی خداوند انفاق می نمایند» فرمود: امیر مؤمنان امام علی علیه السلام همه برتر می باشد و او از کسانی بود که اموال خود را در جهت خوشنودی و جلب رضایت خداوند انفاق می کرد

ص: 589

قوله تعالى: (أَيُّدُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ ضُعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (266) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ) (267)

[492]/593 - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ [فِي قَوْلِهِ تَعَالَى]: (إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رِيحٌ). (1)

[493]/594 - (عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ) قَالَ:

كَانَ أَنَسٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَصَدَّقُونَ بِأَشْرٍ مَا عِنْدَهُمْ مِنَ التَّمْرِ

ص: 590

1- عنه بحار الأنوار: 145/96 ح 17 ، و البرهان في تفسير القرآن: 559/1 ح 9 و نور الثقلين: 285/1 ح 1121

فرمایش خداوند متعال آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن نهرها جاری است و برای او از هر نوع میوه ای وجود داشته باشد در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندان (کوچک و) ضعیف دارد پس گردبادی که در آن آتش (سوزانی) است به آن برخورد کند و شعله ور گردد و آن را بسوزاند؟ (چنین است حال کسانی که انفاق های خود را با ریا و منت و آزار باطل می کنند) خداوند ایات خود را این چنین برای شما آشکار می سازد. شاید بیندیشید (وراه حق را بیابید). (266) فرمایش خداوند متعال: ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمت های پاکیزه اموالی را که به دست آورده اید و از آن چه از (درون) زمین (هم چون منابع و معادن و درختان و گیاهان) برای شما خارج ساخته ایم انفاق کنید و برای انفاق به سراغ قسمت های ناپاک نروید در حالی که خود شما حاضر نیستید آن ها را بپذیرید مگر از روی چشم پوشی و کراهت و بدانید که خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است. (267)

492) - ار أبو بصیر روایت کرده است که گفت: امام باقر علیه السلام درباره «إِعْصَاؤُ فِيهِ نَارٌ»، فرمود: (منظور از آن تند) باد (آتش زا) است.

493) - از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید از بهترین چیزهایی که به دست آورده اید و نیز از آن چه که از زمین (مانند معادن، منابع درختان و ...) برای شما خارج نموده ایم انفاق کنید و برای انفاق به دنبال چیزهای خراب و نامناسب نگردید»

ص: 591

الرَّقِيقِ الْفِشْرِ، الْكَبِيرِ النَّوَى يُقَالُ لَهُ الْمَعْفَارَةُ فَفِي ذَلِكَ أَنْزَلَ اللَّهُ (وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ .) (1)

494/595 [] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ)؟

قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَمَرَ بِالنَّخْلِ أَنْ يُرَكِّي يَجِيءُ قَوْمٌ بِاللَّوَانِ مِنَ التَّمْرِ هُوَ مِنْ أَرْدَى التَّمْرِ يُودُونَهُ عَنْ زَكَاتِهِمْ، تَمْرٌ يُقَالُ لَهُ: الْجَعْرُورُ وَ الْمَعْفَارَةُ، قَلِيلَةُ اللَّحَاءِ عَظِيمَةُ النَّوَى فَكَأَنَّ بَعْضَهُمْ يَجِيءُ بِهَا عَنِ التَّمْرِ الْجَيِّدِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لَا تَخْرُصُوا هَاتَيْنِ وَ لَا تَجِيئُوا مِنْهَا بِشَيْءٍ وَ فِي ذَلِكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ) إِلَى قَوْلِهِ (إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ) وَ الْإِعْمَاضُ أَنْ يَأْخُذَ هَاتَيْنِ التَّمْرَيْنِ مِنَ التَّمْرِ،

وَ قَالَ: لَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ صَدَقَةٌ مِنْ كَسْبٍ حَرَامٍ (2)

495/596 [] - (عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ: (إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ) فَقَالَ:

بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ رَوَاحَةَ فَقَالَ: لَا تَخْرُصُوا جَعْرُوراً وَ لَا مَعْفَارَةً، وَ كَانَ أَنَسٌ يَجِيئُونَ بِتَمْرِ سَوْءٍ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ:

ص: 592

1- عنه بحار الأنوار: 145/96 ح 18، و وسائل الشيعة: 206/9 ح 11850، و البرهان في تفسير القرآن: 560/1 ح 4، و نور الثقلين:

249/1 ح 983

2- عنه بحار الأنوار: 46/96 ح 4، و وسائل الشيعة: 206/9 ح 11849 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 560/1 ح 5، و نور

الثقلين: 249/1 ح 983. الكافي: 48/42 ح 9 بحذف الذيل عنه و وسائل الشيعة: 205/9 ح 11848

فرمود در زمان رسول خدا ثلی الله علیه و آله عده ای بودند که به وسیله بدترین و پست ترین خرما های خشکیده، لاغر پوسیده و هسته بزرگ صدقه و زکات می دادند که به آن «معافاره» می گفتند خداوند در همین مورد آیه «و برای انفاق به دنبال چیز های خراب و نامناسب نگردید» را نازل نمود

(494) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره (فرمایش خداوند متعال): «و از آن چه که از زمین (مانند معادن منابع درختان و ...) برای شما خارج کرده ایم، انفاق نمایید و برای انفاق به دنبال چیز های خراب و نامناسب نگردید»، سؤال کردم؟

(حضرت) فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه دستور می داد که زکات خرما ها داده شود عده ای از افراد انواع خرما ها (بی که پوسیده و بی ارزش بود) را می آوردند و به عنوان زکات تحویل می دادند - آن خرماها «جُغور» بود خرمای ریزی که معمولاً استفاده نمی شود «معافاره» خرمای خشک و لاغری که دارای هسته ای بزرگ است.

عده ای دیگر از خرما های خوب و مرغوب می آوردند پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود خرما های آن درخت نخل را نچینید و از آن ها نیاورید و در همین رابطه خداوند (این آیه را) ای کسانی که ایمان آورده اید، از بهترین چیز هایی که به دست آورده اید و نیز از آن چه که از زمین است» نازل نمود - تا جایی که فرمود: «مگر خودتان حاضر به گرفتن (و مصرف کردن) آن باشید» و برای انفاق به دنبال چیز های خراب و نامناسب نباشید که خودتان حاضر به گرفتن آن ها نیستید مگر آن که مورد علاقه و رغبت خودتان باشد. «أَنْ تُغْمَضُوا»، یعنی خودتان حاضر به گرفتن (و مصرف کردن) آن باشید و افزود: اگر انفاق و صدقه درآمد حرام باشد مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد.

(495) - از رفاعه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «مگر خودتان حاضر به گرفتن (و مصرف کردن) آن باشید» فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله عبد الله بن رواحه را فرستاد

ص: 593

(وَ لَسْتُمْ بِأَخْرِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ) وَ ذَكَرَ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ حَرَصَ عَلَيْهِمْ تَمَرٌ سَوْءٌ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! لَا تَحْرُصْ جُعُورًا وَلَا مِعَافَاةً. (1)

[496/597] - (عَنْ زُرَّازَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ) قَالَ:

كَانَتْ بَقَايَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ أَصَابُوهَا مِنَ الرَّبَا وَ مِنْ [الْمَكَاسِبِ] الْخَبِيثَةِ قَبْلَ ذَلِكَ، فَكَانَ أَحَدُهُمْ يَتَيَمَّمُهَا فَيُنْفِقُهَا وَيَصَدِّقُ بِهَا فَهَاهُمْ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ. (2)

[497/598] - (عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ)؟

قَالَ: كَانَ النَّاسُ حِينَ أَسْلَمُوا عَدَدَهُمْ مَكَاسِبُ مِنَ الرَّبَا، وَ مِنْ أَمْوَالِ خَبِيثَةٍ، فَكَانَ الرَّجُلُ يَتَعَمَّدُهَا مِنْ بَيْنِ مَالِهِ فَيَتَصَدَّقُ بِهَا، فَهَاهُمْ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ وَ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا مِنْ كَسْبٍ طَيِّبٍ. (3)

ص: 594

1- عنه بحار الأنوار: 46/96 ح 5، ووسائل الشيعة: 207/9 ح 11851، و البرهان في تفسير القرآن: 561/1 ح 6، و نور الثقلين: 249/1 ح 983.

2- عنه بحار الأنوار: 167/96 ح 10، و وسائل الشيعة: 468/9 ح 12514، و البرهان في تفسير القرآن: 561/1 ح 7، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 ووسائل الشيعة: 466/9 ح 12511 عن المقنع، عن الحلبي أنه سأل الصادق عليه السلام.

3- عنه بحار الأنوار: 168/96 ح 11، و وسائل الشيعة: 466/9 ح 12510 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 561/1 ح 8، و نور الثقلين: 249/1 ح 983. المقنع: 54، عنه وسائل الشيعة: 466/9 ح 12510، دعائم الإسلام: 244/1 ح 244 عن جعفر ابن محمد عليهما السلام، و 329/2 ح 1243 عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال عنهما مستدرک الوسائل: 95/7 ح 77742 و 244 ح 8151، و 173/13 ح 15021

تا به مردم بگوید: خرما های این دو درخت نخل - جعروور و معافاره - را نچینید (و از آن ها صدقه، نیاورید) چون عدّه ای بودند که خرما های بی ارزش را به عنوان زکات و صدقه می آوردند سپس خداوند جلیل (این آیه) «و شما خود گیرنده آن نیستید مگر خودتان حاضر به گرفتن (و مصرف کردن) آن باشید» را نازل نمود. و امام علیه السلام یادآور شد که عبد الله درخت های خرما ی بد و بی ارزش را برای آنان می چید پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عبد الله! خرما های درخت جعروور و معافاره را نچین.

(496) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و مخلوط نگردانید آن را به وسیله اجناس پست تا از آن انفاق کنید»، فرمود: پیش از آن که این آیه نازل شود اموالی از گذشته برای مردم مانده بود که از ربا و دیگر درآمدهای خبیث (کسب شده) بود، پس بعضی از ایشان آن اموال را درهم می آمیختند و انفاق می کردند و صدقه می دادند که خداوند ایشان را از آن کار نهی نمود

(497) - از ابو الصباح روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خداوند: «و مخلوط نگردانید آن را به وسیله اجناس پست تا از آن انفاق کنید»، سؤال کردم؟

فرمود: مردم پیش از آن که اسلام آورند اموالی را داشتند که از ربا و دیگر درآمدهای خبیث و حرام (کسب شده) بود پس عدّه ای از ایشان آن اموال را درهم مخلوط می کردند و انفاق می نمودند و صدقه می دادند که خداوند ایشان را از آن کار نهی نمود و این که انفاق و صدقه پذیرفته نمی شود مگر از کسب و درآمد پاک و حلال

ص: 595

كَانَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَأْتُونَ بِصَدَقَةِ الْفَطْرِ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِيهِ عَذْقُ يَسَمَى الْجَعْرُورَ وَعَذْقُ يَسَمَى مِعَافَاةً، كَانَا عَظِيمَ نَوَاهِمَا، رَقِيقَ لِحَاهُمَا، فِي طَعْمِهَا مَرَاةٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْخَارِصِ: لَا تَخْرُصْ عَلَيْهِمْ هَذَيْنِ اللَّوْنَيْنِ لَعَلَّهُمْ يَسْتَحْيُونَ لَا يَأْتُونَ بِهِمَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ) إِلَى قَوْلِهِ: (مِنْهُ تُنْفِقُونَ) (1)

600/[499] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الصَّبِيِّ قَالَ:

مَرَّ إِبْرَاهِيمُ النَّخَعِيُّ عَلَى امْرَأَةٍ وَهِيَ جَالِسَةٌ عَلَى بَابِ دَارِهَا بُكْرَةً وَكَانَ يُقَالُ لَهَا أُمُّ بَكْرٍ، وَفِي يَدِهَا مِغْزَلٌ تَغْزُلُ بِهِ، فَقَالَ: يَا أُمَّ بَكْرٍ! أَمَا كَبُرَتْ؟ أَلَمْ يَأْنِ لَكَ أَنْ تَضَعِي هَذَا الْمِغْزَلَ؟

فَقَالَتْ: وَكَيْفَ أَضَعُهُ؟ وَسَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: هُوَ مِنْ طَيِّبَاتِ الْكَسْبِ) (2)

قوله تعالى: (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) (268) يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) (269)

ص: 596

1- عنه بحار الأنوار: 47/96 ح 6، ووسائل الشيعة: 207/9 ح 11852، والبرهان في تفسير القرآن: 561/1 ح 9، ونور الثقلين: 286/1 ح 1124.

2- عنه بحار الأنوار: 53/103 ح 15، ووسائل الشيعة: 237/17 ح 22429، والبرهان في تفسير القرآن: 561/1 ح 10، ونور الثقلين: 249/1 ح 983.

امام صادق علیه السلام فرمود: اهالی مدینه، زکات فطره خود را به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آوردند در حالی که آن مخلوط بود با خرما «جغور» (خرمای ریزی که معمولاً استفاده نمی شد) و «معافاره» (خرمای خشک و لاغری که دارای هسته ای بزرگ است) که هر دو تلخ مزه هستند

رسول خدا صلی الله علیه و آله به همین خاطر به کسانی که خرما ها را می چیدند دستور داد: از این دو درخت خرما نچینند تا شاید آنان خجالت بکشند از این دو نوع (برای انفاق و صدقه) نیاورند؛ و در همین رابطه خداوند متعال فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیز های خوب و پاکیزه ای که به دست آورده اید، انفاق کنید» تا آن جا که - «تا از آن انفاق نمایید» را نازل نمود.

(499) - از محمد بن خاند ضبی روایت کرده است که گفت:

ابراهیم نخعی در صبگاهی عبورش به زنی افتاد که جلوی منزلش نشسته بود - و به او امّ بکر می گفتند - و دوک ریسندگی در دست داشت و ریسندگی می کرد، پس به او گفت: ای امّ بکر! تو بزرگ و پیر شده ای، ایا وقت آن نرسیده که این دوک ریسندگی را رها کرده و کنار بگذاری؟ گفت: آن را رها کنم؟ و از علی بن ابی طالب، امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: ریسندگی از کارها و درآمدهای پاک و حلال است.

فرمایش خداوند متعال: شیطان شما را وعده فقر و تهیدستی می دهد و به فحشا (وزشتی ها) فرمان می دهد ولی خداوند به شما وعده آمرزش و فروزی می دهد و قدرت خداوند گسترده است و او داناست (268) دانش و حکمت را به هر کی بخواهد (و شایسته بداند) می دهد و به هر کسی دانش داده شود خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی کنند و) متذکر نمی گردند. (269)

601/500] - (عَنْ هَازُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ لَهُ إِنِّي أَفْرَحُ مِنْ غَيْرِ فَرَحِ أَرَاهُ فِي نَفْسِي وَلَا فِي مَالِي وَلَا فِي صَدِيقِي، وَأَحْزَنُ مِنْ غَيْرِ حُزْنِ أَرَاهُ فِي نَفْسِي وَلَا فِي مَالِي وَلَا فِي صَدِيقِي
قَالَ: نَعَمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ يُلِمُّ بِالْقَلْبِ فَيَقُولُ: لَوْ كَانَ لَكَ عِدَّةُ اللَّهِ خَيْرًا مِمَّا أَرَاكَ عَلَيْكَ عِدْوَكَ وَلَا جَعَلَ بِكَ إِلَيْهِ حَاجَةً هَلْ تَنْتَظِرُ إِلَّا مِثْلَ الَّذِي
إِنْتَظَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ؟ فَهَلْ قَالُوا شَيْئًا؟ فَذَكَ الَّذِي يَحْزَنُ مِنْ غَيْرِ حُزْنٍ.

وَأَمَّا الْفَرَحُ فَإِنَّ الْمَلَكَ يُلِمُّ بِالْقَلْبِ فَيَقُولُ: إِنْ كَانَ اللَّهُ أَرَاكَ عَلَيْكَ عِدْوَكَ وَجَعَلَ بِكَ إِلَيْهِ حَاجَةً، فَإِنَّمَا هِيَ أَيَّامٌ قَلِيلٌ أَبْشِرْ بِمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ
فَضْلٍ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا (1)

602 / [501] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا)؟

قَالَ: هِيَ طَاعَةُ اللَّهِ وَمَعْرِفَةُ الْإِمَامِ. (2)

ص: 598

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 56/70 ح 27، و البرهان في تفسير القرآن: 562/1 ح 3، و نور الثقلين: 249/1 ح 983
 - 2- عنه بحار الأنوار: 215/1 ح 22، و 86/24 ذيل ح 2 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن: 563/1 ح 4، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 المحاسن: 148/1 ح 60 (باب - 19 في المعرفة) بإسناده عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام، الكافي: 142/1 ح 11، عنهما البحار: 86/24 ح 2.

500) - از هارون بن خارجه روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: من چه بسا به گونه ای شادمان و خوشحال می گردم که آن شادمانی را نه در خانواده و نه در ثروت و نه در دوستانم می یابم؛ و چه بسا به گونه ای ناراحت و اندوهناک می گردم که آن ناراحتی را در خانواده و ثروت و دوستانم نمی بینم. فرمود: آری چنین است شیطان در دل انسان، مشغول وسوسه می شود و خاطرات بدی ایجاد می کند و می گوید: اگر تو در نزد خداوند ارزشی داشتی دشمنت را بر تو چیره و غالب نمی کرد و تو را فقیر و تهی دست نمی نمود

آیا تو انتظار و توقّعی غیر از داشتن اوضاع گذشتگان را داری؟

و آیا آن ها چیزی گفته اند؟ این وسواس و خاطرات است که باعث اندوه و ناراحتی می شود بدون آن که سببی داشته باشد.

و اما نسبت به خوشحالی و شادمانی از جهت الهامات فرشته است که در دل و باطن انسان می گوید: اگر خداوند دشمن تو را بر تو پیروز کرده و تو را نیازمند او نموده این یک امری است زودگذر و کوتاه مدّت بشارت باد تو را که در نعمت ها و بخشش ها و عنایات ابدی خداوند خواهی بود و این است معنای فرمایش خداوند متعال: «شیطان شما را به فقر و بیچارگی وعده می دهد و به فحشاء و منکرات و می دارد ولی خداوند مغفرت و کرامت را از طرف خود به شما وعده می دهد و (قدرت) خداوند وسیع و (اوبه هر چیزی) آشنا است».

501) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت (امام صادق علیه السلام) درباره فرمایش خداوند متعال: «و کسی که حکمت عطایش گردد، خیر بسیاری عطایش گردیده است» سؤال کردم؟

فرمود: آن اطاعت و پیروی از فرامین الهی است هم چنین شناخت و معرفت نسبت به امام (معصوم) می باشد

ص: 599

603/502]- (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: (وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا) قَالَ: مَعْرِفَهُ (1))

604/503]- (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: (وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا) قَالَ: مَعْرِفَهُ الْإِمَامِ وَ اجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ. (2))

605/504]- (عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا)؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةُ وَ التَّقِيَّةُ فِي الدِّينِ، فَمَنْ فَقَهُ مِنْكُمْ فَهُوَ حَكِيمٌ، وَ مَا مِنْ أَحَدٍ يَمُوتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَحَبَّ إِلَيَّ إِلَّا إِلَى إِبْلِيسَ مِنْ قَعِيهِ. (3))

قوله تعالى: (إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يُكْفَرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) (271)

ص: 600

1- عنه بحار الأنوار: 215/1 ح 23، و البرهان في تفسير القرآن: 563/1 ح 5، و نور الثقلين: 249/1 ح 983

2- عنه بحار الأنوار: 215/1 ح 24 و 86/24 ح 3، و البرهان في تفسير القرآن: 563/1 ح 6، و نور الثقلين: 249/1 ح 983، و مستدرک الوسائل: 354/11 ح 13239. الكافي: 276/2 ح 1 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام و 284 ح 20 بإسناده عن أبي بصير، عن أبي عبد الله عليه السلام عنه وسائل الشيعة: 315/15 ح 20619، و ح 20620.

3- عنه بحار الأنوار: 215/1 ح 25 و 86/24 ح 4، و البرهان في تفسير القرآن: 564/1 ح 7، و نور الثقلين: 287/1 ح 1135 شواهد التنزيل للحسكاني: 109/1 ح 155

502) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که درباره فرمایش خداوند متعال: «و کسی که حکمت عطایش گردد، خیر بسیاری عطایش گردیده است» می فرمود: شناخت و معرفت (نسبت به امام واجب اطاعه) می باشد.

503) - از ابو بصیر روایت کرده است که گفت:

از امام باقر علیه السلام شنیدم که درباره فرمایش خداوند متعال: «و کسی که حکمت عطایش گردد، خیر بسیاری عطایش گردیده است»، می فرمود: شناخت و معرفت نسبت به امام (واجب اطاعه) می باشد هم چنین دوری و اجتناب از گناهان کبیره ای که نسبت به آن ها وعده آتش و عقاب داده شده است

504) - از سلیمان بن خالد روایت کرده است که گفت:

از آن حضرت (امام صادق علیه السلام) درباره فرمایش خداوند متعال: «و کسی که حکمت عطایش گردد خیر بسیاری عطایش گردیده است سؤال کردم؟

فرمود: مقصود از «الْحِكْمَةُ» معرفت و آشنا شدن به (معارف و احکام) دین است؛ کسی که از شما (شیعیان و پیروان ما) فقیه و آشنای در دین باشد، حکیم خواهد بود در نزد ابلیس مرگ مؤمن فقیه از مرگ دیگر مومنین محبوب تر است.

فرمایش خداوند متعال: اگر انفاق ها را آشکار کنید خوب است و اگر هم آن را پنهان به نیازمندان بدهید برای شما بهتر است و آن قسمتی از گناهان شما را می پوشاند (و در پرتو بخشش در راه خدا بخشوده خواهید شد) و خداوند به آن چه انجام می دهید آگاه است (271)

ص: 601

606/505] - (عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَإِنْ تَخَفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ)؟

قَالَ: لَيْسَ تِلْكَ الزَّكَاةَ وَ لَكِنَّهُ الرَّجُلُ يَتَصَدَّقُ لِنَفْسِهِ وَ الزَّكَاةُ عَلَانِيَةٌ لَيْسَ بِسِرٍّ. (1)

607/506] - (عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُلْحِفَ. (2)

608/507] - (عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُهُ تَعَالَى: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً» قَالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ. (3)

قوله تعالى: (الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (274)

ص: 602

1- عنه بحار الأنوار: 79/96 ح 9 و وسائل الشيعة: 311/9 ح 12100، و البرهان في تفسير القرآن: 565/1 ح 4، و نور الثقلين:

289/1 ح 1148. دعائم الإسلام: 329/2 ح 1246، عنه مستدرک الوسائل: 133/7 ح 7832

2- عنه بحار الأنوار: 155/96 ح 23، و وسائل الشيعة: 444/9 ح 12455 و البرهان في تفسير القرآن: 566/1 ح 3، و نور الثقلين:

249/1 ح 983 الكافي: 499/3 ضمن ح 9 بإسناده عن أبي بصير قال: كُتِبَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه: 48/2 ضمن

ح 1666 فيه: روى سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام، عنهما وسائل الشيعة: 47/9 ح 11488، و 51 ح 11496.

3- عنه بحار الأنوار: 95/96 ح 9، و وسائل الشيعة: 311/9 ح 12101، و البرهان في تفسير القرآن: 566/1 ح 3، و نور الثقلين:

249/1 ح 983 الكافي: 499/3 ضمن ح 9، عنه وسائل الشيعة: 47/9 ح 11488، و 311/9 ح 12101.

505 - از حلبی روایت کرده ، است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و اگر آن را در پنهانی انجام دهید و به فقیران بپردازید برای شما بهتر است» سؤال نمودم؟

فرمود: مربوط به زکات (واجب) نیست بلکه چه بسا مردی برای خود صدقه دهد؛ ولی زکات (واجب) علنی و آشکارا خواهد بود، نباید سری و پنهانی انجام پذیرد

(506) - از جابر جعفی روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند درخواست کننده (و گدای) التماس کننده و اصرار ورز را دوست ندارد

(507) - از ابوبصیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «کسانی که اموال و دارایی خود را در شب و روز پنهانی و آشکارا انفاق می کنند (و صدقه می دهند)» سؤال کردم؟

فرمود این (نوع انفاق صدقه است و) ربطی به زکات (واجب) ندارد

فرمایش خداوند متعال: آن افرادی که اموال خود را شب و روز پنهان و آشکارا انفاق می کنند پاداش آن ها نزد پروردگارشان (محفوظ) است نه ترسی بر آن ها خواهد بود و نه غمگین خواهند شد. (274)

ص: 603

كَانَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَةُ دَرَاهِمَ لَمْ يَمْلِكْ غَيْرَهَا فَتَصَدَّقَ بِدِرْهَمٍ لَيْلًا وَبِدِرْهَمٍ نَهَارًا وَبِدِرْهَمٍ سِرًّا وَبِدِرْهَمٍ عَلَانِيَةً فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ! مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ؟

قَالَ: إِنِّجَارُ مَوْعُودِ اللَّهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) (الآية). (1)

قوله تعالى: (الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (275)

ص: 604

1- عنه بحار الأنوار: 35/41 ح 11، ووسائل الشيعة: 403/9 ح 12338، و البرهان في تفسير القرآن: 566/1 ح 4، و نور الثقلين: 290/1 ح 1153، و مستدرک الوسائل: 180/7 ح 7975 مختصراً. تفسير فرات الكوفي: 70 ح 42 بإسناده عن أبي صالح عن ابن عباس، الاختصاص: 150 (من كتاب ابن دأب في فضل أمير المؤمنين عليه السلام)، كشف الغمّة: 177/1 (في وصف زهده عليه السلام في الدنيا) عن الواحدي في تفسيره يرفعه بسنده إلى ابن عباس، عنه البحار: 61/36 ح 6، و 3341، الطرائف: 99/1 ح 142 (ما نزل من الآيات في شأن علي عليه السلام)، كشف اليقين: 89 (المبحث السادس في السخاء) مرسلًا، مستدرک الوسائل: 180/7 ح 7974 عن الراوندي في لبّ اللباب، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: 21/1 فيه: روى المفسرون.... شواهد التنزيل: 140/1 ح 155 نحو تفسير الفرات، و 141 ح 156 بإسناده عن أيوب بن سليمان قال: حدّثنا محمّد بن مروان.

امام علی علیه السلام فقط دارای چهار درهم بود پس یک درهم آن ها را شبانه و درهمی را در روز و درهمی را پنهانی و آخرین درهم را آشکارا صدقه داد چون این خبر به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: ای علی! چه چیزی سبب شد و تورا واداشت که چنین کنی؟

پاسخ داد: انجام وعده های خداوند

سپس این آیه شریفه نازل گردید: «کسانی که اموال و دارایی خود را در شب و روز پنهانی و آشکارا انفاق می کنند (و صدقه می دهند) .

فرمایش خداوند متعال: «کسانی که ربا می خورند، (از درون قبر) بر نمی خیزند، مگر همانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد و گاهی بر می خیزد) این به خاطر آن است که گفتند: داد و ستد همانند ربا است (و تفاوتی با هم ندارند) در حالی که خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام نموده است (و فرق بین آن دو بسیار است) پس اگر کسی موعظه های خداوند به او رسد و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول آیه) به دست آورده مال او خواهد بود و کار او به خدا واگذار می شود (و گذشته او را خواهد بخشید)، ولی کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند) اهل آتش خواهند بود و همیشه در آن می مانند. (275)

509/610] - (عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: آكَلُ الرَّبَّاءَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ. (1)

510/611] - (عَنْ زُرَّازَةَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَكُونُ الرَّبَّاءُ إِلَّا فِيمَا يُوزَنُ وَيُكَالُ. (2)

511/612] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى (مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ) قَالَ: الْمَوْعِظَةُ التَّوْبَةُ. (3)

512/613] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ:

أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ عَمِلَ بِالرَّبَّاءِ حَتَّى كَثُرَ مَالُهُ بَعْدَ أَنْ سَأَلَ غَيْرَهُ مِنَ الْفُقَهَاءِ، فَقَالُوا لَهُ: لَيْسَ يَقْبَلُ مِنْكَ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ تَرُدَّهُ إِلَى أَصْحَابِهِ، فَلَمَّا قَصَّ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَخْرَجَكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَوْلُهُ:

ص: 606

1- عنه بحار الأنوار: 120/103 ح 30، ووسائل الشيعة: 124/18 ح 223292، والبرهان في تفسير القرآن: 568/1 ح 2، و نور الثقلين: 291/1 ح 1158.

2- عنه بحار الأنوار: 122/103 ح 37 بتفاوت يسير، و البرهان في تفسير القرآن: 569/1 ح 6 بتفاوت يسير، و نور الثقلين: 291/1 ح 1159، و مستدرک الوسائل: 338/13 ح 15532 الكافي: 146/5 ح 10، من لا يحضره الفقيه: 175/3 ح 786، تهذيب الأحكام: 17/7 ح 74، عنهم وسائل الشيعة: 131/18 ح 23311، النوادر للأشعري: 162 ح 414، عنه البحار: 117/100 ح 15، بتفاوت يسير في الجميع.

3- عنه بحار الأنوار: 122/103 ح 38، و وسائل الشيعة: 132/18 ح 223312، و البرهان في تفسير القرآن: 569/1 ح 5، و نور الثقلين: 249/1 ح 983. الكافي: 314/2 ح 2 بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أحدهما عليهما السلام، تهذيب الأحكام: 15/7 ح 68 بإسناده عن محمد بن مسلم قال: دخل رجل على أبي جعفر عليه السلام عنهما وسائل الشيعة: 72/16 ح 21010، و 130/18 ح 23307.

(509) - از شهاب بن عبد ربّه روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خورنده را از دنیا نمی رود، مگر آن که شیطان در او نفوذ می کند و هم چون دیوانگان خواهد گشت.

(510) - از زراره روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: ربایی وجود ندارد مگر در آن چه که با کیل و پیمان و یا با وزن مبادله شود.

(511) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «کسی که موعظه ای از پروردگارش دریافت کند و بر طبق آن عمل نماید، پس آن چه به دست آورده برای اوست و امور او واگذار به خداوند می باشد» فرمود: «مَوْعِظَةٌ» توبه و درخواست آمرزش است

(512) - از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت:

شخصی بر امام باقر علیه السلام وارد شد که در اثر رباخواری، اموال بسیاری را به دست آورده بود و از فقهاء و دانشمندان (پیرامون اموال خود که از این طریق به دست آورده بود) سؤال کرده و همگی گفته بودند: هیچ خیرات و انفاقی (از این اموال که این چنین به دست آورده ای) پذیرفته نیست بلکه باید آن ها را به صاحبانش باز گردانی

و زمانی که خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شد و مشکل خود را مطرح کرد حضرت به او فرمود: کتاب خداوند متعال راه نجات تو را بیان نموده «کسی که موعظه ای از پروردگارش دریافت کند و بر طبق آن عمل نماید، پس آن چه

(فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ) وَ الْمَوْعِظَةُ التَّوْبَةُ . (1)

قوله تعالى: (يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (276) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (277)

[513]/614- (عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَكَلْتُ بِهِ مَنْ يَقْبِضُهُ غَيْرِي إِلَّا الصَّدَقَةَ، فَإِنِّي أَتَلَقُّهَا بِيَدِي تَلَقُّهَا حَتَّىٰ إِنَّ الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ يَتَصَدَّقُ بِالتَّمْرَةِ وَبِشِقِّ تَمْرَةٍ فَأَرْبِيهَا لَهُ كَمَا يُرْبِي الرَّجُلُ فَلُوَّهُ وَفَصِيلُهُ فَيَلْقَانِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهِيَ مِثْلُ أُحُدٍ وَأَعْظَمُ مِنْ أُحُدٍ . (2)

ص: 608

-
- 1- عنه بحار الأنوار: 122/103 ح 39 ، و البرهان في تفسير القرآن : 569/1 ح 7 ، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 و مستدرک الوسائل : 336/13 ح 15527 . تهذيب الأحكام : 15/7 ح 68 ، عنه وسائل الشيعة : 130/18 ح 23307
- 2- عنه بحار الأنوار: 126/96 ح 43 ، و وسائل الشيعة : 382/9 ذيل ح 11520 أشار إليه، و البرهان في تفسير القرآن : 570/1 ح 10 ، و نور الثقلين: 294/1 ح 1173 . الكافي : 47/4 ح 6 تهذيب الأحكام : 109/4 ح 51 ، رجال الكشي : 500/2 ح 423 ، عنهم وسائل الشيعة : 382/9 ح 12291 ، و 407 ح 12347 ، المقنعة : 266 (باب - 28 من الزيادات في الزكاة)، عدّة الداعي : 68 (القسم السادس ما يرجع إلى الفعل)، مكارم الأخلاق : 135 (الفصل الأول في فضل إطعام الطعام)

به دست آورده برای اوست و امور او واگذار به خداوند می باشد».

و حضرت افزود: «مَوْعِظَةٌ» توبه و درخواست استغفار است.

فرمایش خداوند متعال: خداوند (سودگیری از طریق) ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد! و خداوند هیچ انسان نا سپاس گنهکاری را دوست نمی دارد (276) کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح و نیکو را انجام دادند و نماز را برپا داشته اند و زکات (و خمس اموالشان) را پرداخته اند اجرشان نزد پروردگارشان (محفوظ) است و نه ترسی بر آن ها خواهد بود و نه غمگین خواهند گشت (277)

(513) - از سالم بن ابی حفصه روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند (متعال در حدیث قدسی) می فرماید:

هیچ چیزی از اعمال (و برنامه های) شما پذیرفته نمی باشد مگر آن که من دیگری را وکیل گردانده ام تا آن را دریافت نماید، مگر صدقه را؛ زیرا که من خودم صدقه را به سرعت و با دست خودم از صدقه دهنده می گیرم تا جایی که آن مرد و یا، زن فقط یک خرما و یا نصف خرما صدقه می دهد، پس من خودم آن را دریافت می کنم و برایش (به عنوان ذخیره) نگه می دارم و به رشد می رسانم تا اندازه ای که روز قیامت آن صدقه همانند کوه احد و بلکه بزرگ تر از آن خواهد بود.

ص: 609

514/615] - (عَنْ مُحَمَّدٍ الْقَمَامِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُرِيّ لِأَحَدِكُمْ الصَّدَقَةَ كَمَا يُرِيّ أَحَدَكُمْ وَلَدَهُ حَتَّى يَلْقَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ مِثْلُ أَحَدٍ .) (1)

515/616] - (عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَنَا خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَكَلْتُ بِالْأَشْيَاءِ غَيْرِي إِلَّا الصَّدَقَةَ، فَإِنِّي أَقْبِضُهَا بِيَدِي حَتَّى إِذَا الرَّجُلُ أَوْ الْمَرْأَةُ يَصَدَّقُ بِشَقِّهِ التَّمْرَةَ فَأُرِيّهَا لَهُ كَمَا يُرِيّ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَصَيْلَهُ وَفَلْوَهُ، حَتَّى أَتْرِكُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْظَمَ مِنْ أَحَدٍ .) (2)

516/617] - (عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ وَكَّلَ بِهِ مَلَكٌ غَيْرَ الصَّدَقَةِ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْخُذُ بِيَدِهِ وَيُرِيّهُ كَمَا يُرِيّ أَحَدَكُمْ وَلَدَهُ حَتَّى يَلْقَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهِيَ مِثْلُ أَحَدٍ .) (3)

قوله تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (278) فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ) (279)

ص: 610

1- عنه بحار الأنوار: 126/96 ح 43، ووسائل الشيعة: 382/9 ح 12292، و البرهان في تفسير القرآن: 570/1 ح 11، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 .

2- عنه بحار الأنوار: 127/96 ح 44 و البرهان في تفسير القرآن: 570/1 ح 12، و نور الثقلين: 294/1 ح 1174 .

3- عنه بحار الأنوار: 127/96 ح 45، و البرهان في تفسير القرآن: 570/1 ح 13، و نور الثقلين: 294/1 ح 1175 .

(514) - از محمد قَمّام روایت کرده است که گفت: امام سجاد علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که خداوند صدقه های شما را رشد و پرورش می دهد - هم چنان که شما فرزندان را نگهداری کرده و پرورش می دهید - و در قیامت تحویلتان داده می شود در حالی که به اندازه کوه احد پرورش یافته است.

(515) - از ابو حمزه روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند می فرماید: من آفریننده هر چیزی هستم، ولی برای دریافت اشیاء دیگری را وکیل گردانده ام که دریافت نماید، مگر صدقه را که با خودم تحویل می گیرم تا جایی که آن مرد و یا زن فقط یک خرما و یا نصف خرما صدقه می دهد من آن را دریافت می کنم و برایش نگه می دارم و به رشد می رسانم تا جایی که روز قیامت آن صدقه همانند کوه احد و بلکه بزرگ تر از آن می شود.

(516) - به نقل از علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام از پدرش امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ چیزی وجود ندارد مگر آن که خداوند فرشته ای را وکیل و محافظ آن قرار داده مگر صدقه را که با دست خویش می گیرد و آن را نگهداری نموده و پرورش می دهد هم چنان که شما فرزندان را نگهداری و پرورش می دهید و روز قیامت تحویل تان داده می شود در حالی که به اندازه کوه احد پرورش یافته است.

فرمایش خداوند متعال: ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت با فرمان) خدا بپرهیزید و آن چه که از (مطالبات) ربا باقی مانده است را رها کنید اگر ایمان دارید! (278) پس اگر (چنین) نمی کنید، بدانید که خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید سرمایه های شما از آن شما خواهد بود نه ستم می کنید و نه بر شما ستم وارد می شود (279)

618/517] - (عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ الدِّينُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ فَيَقُولُ: أَتَقْدُلِي؟

فَقَالَ. لَا أَرَى بِهِ بَأْسًا؛ لِأَنَّهُ لَمْ يَزِدْ عَلَيَّ رَأْسَ مَالِهِ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (فَلَكُمْ رُؤُوسٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ). (1)

619/518] - (عَنْ أَبِي عَمْرٍو الرُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

إِنَّ التَّوْبَةَ مُطَهَّرَةٌ مِنْ دَنَسِ الْخَطِيئَةِ، قَالَ: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) - إِلَى قَوْلِهِ: (لَا تَظْلِمُونَ) فَهَذَا مَا دَعَا اللَّهُ إِلَيْهِ عِبَادَهُ مِنَ التَّوْبَةِ، وَوَعَدَ عَلَيْهَا مِنْ ثَوَابِهَا، فَمَنْ خَالَفَ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ بِهِ مِنَ التَّوْبَةِ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ، وَكَانَتْ النَّارُ أَوْلَى بِهِ وَ أَحَقُّ) (2)

620/519] - (عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ الدُّهْنِيِّ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُظِلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ فَلْيُنْظِرْ مُعْسِرًا أَوْ لِيَدْعُ لَهُ مِنْ حَقِّهِ). (3)

ص: 612

1- عنه بحار الأنوار: 123/103 ح 40، و البرهان في تفسير القرآن: 571/1 ح 2، و نور الثقلين: 249/1 ح 983. الكافي: 259/5 ح 4 بإسناده عن الحلبي، عن أبي عبد الله عليه السلام، من لا يحضره الفقيه: 33/3 ح 3270 بإسناده عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر عليه السلام، تهذيب الأحكام: 207/6 ح 6 نحو الكافي، عنهم وسائل الشيعة: 376/18 ح 23882، و 448 ح 24019، دعائم الإسلام: 62/2 ح 175 عنه مستدرک الوسائل: 313/13 ح 15456، و 414 ح 15764، فقه القرآن: 395/1 ح 223293، و وسائل الشيعة: 124/18 ح 223293، و البرهان في تفسير القرآن: 571/18 ح 3 و نور الثقلين: 295/1 ح 1178، و مستدرک الوسائل: 125/12 ح 13698 يأتي الحديث أيضاً بهذا الإسناد في سورة «الأنعام» في الحديث 27 بتفاوت يسير .

3- عنه بحار الأنوار: 150/103 ح 12 و البرهان في تفسير القرآن: 574/1 ح 4، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 الكافي: 35/4 ح 1 من لا يحضره الفقيه: 59/2 ح 1703 بتفاوت يسير فيهما، عنهما وسائل الشيعة: 319/16 ح 21654 .

(517) - از حلبی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره شخصی که در زمان معینی بدهی دارد و طلبکار می آید و می گوید: هم اکنون طلب مرا نقداً پرداخت کن فرمود: اشکالی در آن نمی بینم؛ رأس المال خود را طلب کرده و چیزی اضافه نمی خواهد و خداوند متعال فرموده است «پس رأس المال و اصل آن برای خود شما (حلال و مباح) می باشد نه ظلم کنید و نه مورد ظلم قرار بگیرید.»

(518) - از ابو عمرو و ژبیری روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا توبه (و استغفار) پاک کننده (انسان) از آلودگی های گناهان و خطاها می باشد هم چنان که خداوند متعال فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید تقوای الهی را رعایت نمایید و اگر (واقعاً) ایمان و اعتقاد دارید رباخواری را رها کنید ... نباید ظلم کنید.»

این چیزی است که خداوند بندگانش را به آن دعوت نموده تا توبه نمایند و از پاداش او برخوردار گردند پس هر کسی که مخالفت با دستور خدا کند و توبه ننماید به سخط و خشم او گرفتار شود و جایگاه حقیقی او آتش خواهد بود.

(519) - از معاویه بن عمّار روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: کسی که بخواهد روز قیامت - که سایه ای جز سایه (رحمت) الهی نیست - در سایه خداوند متعال قرار گیرد فرد ناتوانی را که از او طلب دارد مهلت دهد و یا از حقّ خود بگذرد و (طلبش را) بیخشد

ص: 613

621/520] - (عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ سَرَّهَ أَنْ يَقِيَهُ اللَّهُ مِنْ نَفَحَاتِ جَهَنَّمَ فَلْيُنْظَرْ مُعْسِراً أَوْ لِيَدْعَ لَهُ مِنْ حَقِّهِ . (1)

622/521] - (عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [قال:]

أَنَّ أَبَا الْيُسْرِ (2) رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ مِنْ بَنِي سَلِيمَةَ (3) ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَيُّكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَنْفَصِلَ (4) مِنْ فَوْزِ جَهَنَّمَ؟

فَقَالَ الْقَوْمُ: نَحْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَقَالَ: مَنْ أَنْظَرَ غَرِيماً أَوْ وَصَعَ لِمُعْسِرٍ . (5)

ص: 614

1- عنه بحار الأنوار: 151/103 ح 13 ، و البرهان 574/1 ح 5 ، و نور الثقلين: 249/1 ح 983.

2- هو أبو اليسر كعب بن عمرو الأنصاري الصحابي، وهو الذي أسر العباس بن عبد المطلّب، و شهد صفين مع الإمام عليّ عليه السلام، لا حظ مستدرک الحاكم : 505/3 ، و سير أعلام النبلاء : 537/2 .

3- في الحديث سقط واضح، كما يتّضح من مراجعة المصادر التالية

4- هذه الكلمة وردت مختلفة في المطبوع و النسخ. و استثناءً نورد الحديث من غير ترجمة من الأماي للطوسي: بإسناده عن محمّد بن جعفر، عن أبيه جعفر بن محمّد، عن أبيه محمّد بن عليّ عليهم السلام، عن أبي لبابة بن عبد المنذر ، أنّه جاء يتقاضى أبا اليسر ديناً له عليه، فسمعه يقول: قولوا له: ليس هو هاهنا فصاح أبو لبابة: يا أبا اليسر اخرج إليّ، فخرج إليه، فقال: ما حملك على هذا؟! فقال العسر يا أبا لبابة. قال: الله، قال الله فقال أبو لبابة: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: من أحبّ أن يستظلّ من فور جهنّم؟ فقلنا: كلنا نحبّ ذلك. قال: فليُنظر غريماً، أو ليدع لمعسر.

5- عنه البرهان في تفسير القرآن : 574/1 ح 6، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 الكافي 35/4 ضمن ح 14 بإسناده عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله، عن أبي عبد الله عليه السلام، عنه وسائل الشيعة : 319/16 ح 21655 ، أَمَاي المفيد : 315 ح 7 ، أَمَاي الطوسي : 83 ح 123 (المجلس 3) ، و 459 ح 25 أسد الغابة : 245/4 بتفاوت في الجميع .

(520) - از ابو الجارود روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که می خواهد خداوند متعال او را از شعله های سوزان دوزخ در امان قرارش دهد و شادمان و خوشحال گردد فرد ناتوانی را که از او طلب دارد مهلت دهد و یا از حقّ خود بگذرد و (طلبش را) ببخشد.

(521) - از قاسم بن سلیمان روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: ... (1) رسول خدا صلی الله علیه و آله (خطاب به اصحاب خود کرد و) فرمود: کدام یک از شما دوست دارد که از شعله های سوزان دوزخ جدا، دور و در امان باشد؟

پس تمامی افراد گفتند: همه ما ای رسول خدا!

حضرت فرمود: کسی که بدهکار ناتوانی را مهلت دهد و یا بدهی او را ببخشد (از شعله های سوزان دوزخ در امان خواهد بود)

ص: 615

1- جمله وسط - به جای نقطه چین - ترجمه نشد چون حدیث افتادگی دارد و منظور از آن جمله واضح نیست

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِلرَّجُلِ أَنْ يَبْلُغَ مِنْ غَرِيمِهِ؟

قَالَ: لَا يَبْلُغُ بِهِ شَيْئاً اللَّهُ أَنْظَرَهُ. (1)

624/523]- (عَنْ أَبِي عَمْرٍو أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي يَوْمِ حَارٍّ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُظِلَّهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ فَلْيَنْظُرْ غَرِيماً أَوْ لِيَدْعَ لِمُعْسِرٍ. (2)

625/524]- (عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

يَبْعَثُ اللَّهُ قَوْماً مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَجُوهُهُمْ مِنْ نُورٍ، وَلِبَاسُهُمْ مِنْ نُورٍ، وَرِيَاشُهُمْ مِنْ نُورٍ جُلُوسٌ عَلَى كُرَاسٍ مِنْ نُورٍ، قَالَ: فَيُشْرِفُ اللَّهُ لَهُمْ عَلَى الْخَلْقِ فَيَقُولُونَ: هَؤُلَاءِ الْأَنْبِيَاءُ فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ: هَؤُلَاءِ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ

قَالَ: فَيَقُولُونَ: هَؤُلَاءِ شُهَدَاءُ قَالَ فَيَنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ لَيْسَ هَؤُلَاءِ شُهَدَاءَ وَ لَكِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ يُسِّرُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ يُنْظِرُونَ الْمُعْسِرَ حَتَّى يُسِّرَ. (3)

قوله تعالى: (وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (280)

ص: 616

1- عنه بحار الأنوار: 151/103 ح 14، و البرهان في تفسير القرآن: 575/1 ح 7، و نور الثقلين: 249/1 ح 983

2- عنه بحار الأنوار: 151/103 ح 15 و البرهان 575/1 ح 8 و نور الثقلين: 249/1 ح 983

3- عنه بحار الأنوار: 151/103 ح 16، و البرهان في تفسير القرآن: 575/1 ح 9 و نور الثقلين: 249/1 ح 983، و مستدرک الوسائل:

365/12 ح 14315. ثواب الأعمال: 145 (ثواب إنظار المعسر) بإسناده عن حماد، عن سدير، عن أبي جعفر عليه السلام، عنه وسائل

الشيعة: 366/18 ح 23862، و البحار: 149/103 ح 5.

(522) - از اسحاق بن عمّار روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: تا چه اندازه طلب کار می تواند بر بدهکار ناتوان خود سخت گیری نماید؟ فرمود: هیچ اندازه! هم چنان که خدا به او مهلت داده است

(523) - از ابان و او از کسی که به او خبر داده روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزی که هوا بسیار گرم بود، فرمود: کسی که می خواهد روز قیامت - که سایه ای جز سایه (رحمت) الهی وجود ندارد - در سایه خداوند قرار گیرد باید فرد ناتوانی را که از او طلب دارد مهلت دهد و یا از حقّ خود بگذرد و او را ببخشد.

(524) - از حنّان بن سدیر به نقل از پدرش سُدیر روایت کرده است که گفت:

امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند در روز قیامت گروه هایی را از زیر عرش خویش مبعوث می نماید در حالتی که صورت های ایشان از نور لباس هایشان از نور پرهایشان از نور است که بر کرسی هایی از نور قرار گرفته اند بعد از آن خداوند آفریده های خود را بر آنان مشرف می گرداند که بتوانند آن گروه (های نوارانی) را ببینند موقعی که چشمشان بر آنان افتاد گویند: اینان پیامبرانند از عرش خداوند ندا آید: اینان پیامبر نیستند گویند شهدا هستند. ندا آید: اینان شهدا نمی باشند ولی اینان کسانی هستند که مؤمنان را شادمان می گردانیدند و به بدهکار در مانده و ناتوان مهلت می دادند تا بتوانند به آسانی بدهی خود را بپردازد.

فرمایش خداوند متعال: و اگر (بدهکار) قدرت پرداخت نداشته باشد او را تا هنگام توانایی مهلت دهید (و چنان چه قدرت پرداخت را ندارد) برای (رضای) خداوند به او ببخشید که بهتر است اگر (منافع این جریان را) بدانید (280)

ص: 617

ثَلَاثَةٌ يُظْلَهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمٌ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: رَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ حُسْنٍ إِلَى نَفْسِهَا فَتَرَكَهَا وَقَالَ: إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَرَجُلٌ أَنْظَرَ مُعْسِرًا أَوْ تَرَكَ لَهُ مِنْ حَقِّهِ، وَرَجُلٌ مُعَلِّقٌ قَلْبُهُ بِحُبِّ الْمَسَاجِدِ (وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ) يَعْنِي إِنْ تَصَدَّقُوا بِمَالِكُمْ عَلَيْهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ، فَلْيَدْعُ مُعْسِرًا أَوْ لِيَدْعَ لَهُ مِنْ حَقِّهِ نَظْرًا.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ بِمِثْلِ مَا لَهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَسْتَوْفَى حَقَّهُ. (1)

627/526] - (عَنْ عُمَرَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَزِيرَةِ قَالَ:

سَأَلَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ: (فَنَظَرَهُ إِلَى مَيْسَرِهِ) فَأَخْبَرَنِي عَنْ هَذِهِ النَّظَرِ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ لَهَا حَدٌّ يُعْرَفُ إِذَا صَارَ هَذَا الْمُعْسِرُ لَا بُدَّ لَهُ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ وَقَدْ أَخَذَ مَالَ هَذَا الرَّجُلِ وَأَنْفَقَ عَلَى عِيَالِهِ وَلَيْسَ لَهُ غَلَّةٌ يُنْتَظَرُ إِذْرَاكُهَا، وَلَا دَيْنٌ يُنْتَظَرُ مَحَلُّهُ، وَلَا مَالٌ غَائِبٌ يُنْتَظَرُ قُدُومُهُ؟

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ يُنْتَظَرُ بِقَدْرِ مَا يَنْتَهِي خَبْرُهُ إِلَى الْإِمَامِ فَيَقْضِي عَنْهُ مَا عَلَيْهِ مِنْ سَهْمِ الْغَارِمِينَ إِذَا كَانَ أَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، فَإِنْ كَانَ أَنْفَقَهُ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَلَا شَيْءَ لَهُ عَلَى الْإِمَامِ،

ص: 618

1- عنه بحار الأنوار: 151/103 ح 17 بتفاوت يسير و البرهان في تفسير القرآن: 575/1 ح الثقلين: 249/1 ح 983. عدّة الداعي: 234 (خاتمة) عن رسول الله صلى الله عليه وآله مختصراً.

(525) - ابن سنان به نقل از ابو حمزه روایت کرده است که گفت:

سه گروه هستند در روز قیامتی که سایبانی جز سایبان (رحمت) خداوند نیست خداوند متعال آنان را در سایه عرش (رحمت) خود قرار می دهد: (اول) مردی که زن، زیبایی او را به سوی خود بخواند، اما وی به او اعتنایی نکند و در پاسخ بگوید: «من از خداوندی که پروردگار جهانیان است می ترسم» (دوم) مردی که به بدهکار در مانده و ناتوانی مهلت دهد و از حقّ خود گذشت نماید، هم چنان که خداوند می فرماید: «و اگر صدقه حساب کنید و بپردازید، برای شما بهتر است» یعنی آن چه را از بدهکار طلب دارید به جای صدقه حساب کنید و یا حقّ خود را رها کرده و مهلتش دهید (سوم) مردی است که عشق و علاقه اش حضور در مساجد است.

امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی که «معسر» و بدهکار ناتوانی را مهلت دهد بر خدای عزّ و جلّ است که هر یک روزی را که مهلت بدهد برایش به همان مقدار صدقه حساب نماید تا موقعی که طلب خود را وصول کند.

(526) - از عمر بن، سلیمان به نقل از مردی از اهالی جزیره روایت کرده است که گفت:

شخصی از امام رضا علیه السلام سؤال می کرد و گفت: فدایت شوم! همانا خدای بزرگ می فرماید: «فَنَظَرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (اگر بدهکار در سختی تنگدستی باشد)، (طلبکار) باید منتظر بماند تا سختی او بر طرف شود؛ مرا آگاه فرما و این مهلت دادن را که خداوند مطرح نموده آیا اندازه ای دارد که بر اساس آن به این تنگدست مهلت دهد و منتظر بماند، یعنی انسانی که مال دیگری را گرفته و خرج خانواده خود کرده است و (اکنون) نه مالی و نه محصولی دارد که در انتظار برداشت آن باشد و نه از کسی طلبی دارد که در انتظار دریافت آن باشد و نه مالی در دست مسافری دارد که منتظر آمدن او باشد؟

امام علیه السلام فرمود: بلی باید آن قدر منتظر بماند تا خبر (ناتوانی) او به امام (و حاکم

قُلْتُ: فَمَالُ هَذَا الرَّجُلِ الَّذِي ائْتَمَنَهُ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ فِيْمَ اَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللّٰهِ اَوْ مَعْصِيَتِهِ؟

قَالَ: يَسْعَى لَهٗ فِي مَالِهِ فَيَرُدُّهُ وَهُوَ صَاغِرٌ. (1)

[527]/628 - (عَنْ اِبْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِاَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَتَى يُدْفَعُ اِلَى الْغُلَامِ مَالُهُ؟

قَالَ: اِذَا بَلَغَ وَ اُوْنَسَ مِنْهُ رُشْدٌ، وَ لَمْ يَكُنْ سَفِيْهًا اَوْ ضَعِيْفًا

قَالَ: قُلْتُ فَاِنَّ مِنْهُمْ مَنْ يَبْلُغُ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ سِتَّ عَشْرَةَ سَنَةً وَ لَمْ يَبْلُغْ

قَالَ: اِذَا بَلَغَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً جَاَزَ اَمْرُهُ اِلَّا اَنْ يَكُوْنَ سَفِيْهًا اَوْ ضَعِيْفًا.

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا السَّفِيْهُ وَ الضَّعِيْفُ؟

قَالَ: السَّفِيْهُ الشَّارِبُ الْخَمْرِ، وَ الضَّعِيْفُ الَّذِي يَأْخُذُ وَاَحَدًا بِاَيْتَيْنِ. (2)

ص: 620

1- عنه بحار الأنوار: 152/103 ح 18 ، و البرهان في تفسير القرآن: 575/1 ح 11، و نور الثقلين : 249/12 ح 983، و مستدرک الوسائل : 129/7، 7823، و 397/13 ح 15767 الكافي : 93/2 ح 5 بإسناده عن محمد بن سليمان، عن رجل من أهل الجزيرة يكتني أبا محمد قال : سأل الرضا عليه السلام ، و نحوه تهذيب الأحكام : 185/6 ح 10، عنه وسائل الشيعة : 336/18 ح 336/18 ح 23796، فقه القرآن : 383/1 :

2- عنه بحار الأنوار: 164/103 ح 11، و وسائل الشيعة : 370/19 ح 24787، و البرهان في تفسير القرآن : 577/18 ح 3 و نور الثقلين: 299/1 ح 1192، و مستدرک الوسائل : 242/13 ح 15243 قطعة منه

وقت) برسد و بدهکاری او را از سهمی که بدهکاران (در بیت المال) دارند پرداخت نماید به شرط آن که شخص آن پول را در راه طاعت خدا مصرف کرده باشد ولی اگر در جهت معصیت مصرف کرده باشد امام (و حاکم) مسئولیتی نخواهد داشت.

(محمد بن سلیمان گوید: من گفتم: گناه این شخص چیست که او را قبول داشته و به او قرض و یا نسبه داده است و اکنون نمی داند که او در راه طاعت خدا مصرف کرده و یا در راه خلاف و معصیت؟ فرمود باید تلاش کند و مال خود را باز گرداند گرچه بدهکار بیچاره و خوار گشته است.

(527) - از ابن سنان روایت کرده است که گفت:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اموال نوجوان را چه وقت می توان تحویلش داد؟

فرمود موقعی که به حد بلوغ برسد و رشد (جسمی و فکری) او آشکار گردد به شرط آن که سفیه و یا ضعیف نباشد.

عرض کردم: بعضیها هستند که به سن 15 و یا 16 سالگی رسیده اند، ولی بالغ نشده اند تکلیف آنان چیست؟

فرمود: اگر به 13 سالگی برسد کارهایش صحیح و مشروع می شود مگر آن که سفیه و یا ضعیف باشد.

گفتم: (افراد) سفیه و ضعیف کیستند؟

فرمود: سفیه کسی است که (نفهمد و) شراب (مست کننده) بنوشد و ضعیف شخصی می باشد که یک درهم را به بیشتر از آن بگیرد (و تشخیص ندهد).

ص: 621

قوله تعالى: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا... (282)

[528]/629 - (عَنْ يَزِيدَ بْنِ أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (وَلَا يَأْبَ الشُّهَادَةُ إِذَا مَا دُعُوا) . قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ إِذَا مَا دُعِيَ إِلَى الشَّهَادَةِ لِيَشْهَدَ عَلَيْهَا، أَنْ يَقُولَ: لَا أَشْهَدُ لَكُمْ) (1)

[529]/630 - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: (وَلَا يَأْبَ الشُّهَادَةُ إِذَا مَا دُعُوا) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِذَا دَعَاكَ الرَّجُلُ تَشْهَدُ عَلَيَّ دِينٍ أَوْ حَقٍّ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَتَّقَاعَسَ عَنْهَا) (2)

ص: 622

-
- 1- عنه بحار الأنوار. 3020104 ح 14. ووسائل الشيعة: 311/27 ح 33814، و البرهان في تفسير القرآن 580/1 ح 14 فيه: عن زيد أبي سامة: (و هو زيد الشحام)، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 الكافي: 379/7 ج 1 بإسناده عن سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام و ح 2 عن أبي الصبّاح الكناني، عن أبي عبد الله عليه السلام، و نحوهما تهذيب الأحكام: 275/6 ح 156 و ح 158، عنهم وسائل الطبيعة: 309/27 ح 33806 و 310 ح 33809 عوالي اللئالي: 347/2 ح 19)
- 2- عنه بحار الأنوار: 312/104 ح 15، و البرهان في تفسير القرآن: 581/1 ج 15، و نور الثقلين: 249/1 ح 983، و مستدرک الوسال: 409/17 ح 21686 الكافي: 380/7 ح 3 من لا يحضره الفقيه: 57/3 ح 3326 مختصراً، عنهما وسائل الشيعة:

فرمایش خداوند متعال: ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدّت داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یک دیگر پیدا کنید آن را بنویسید و باید (سند را) نویسنده ای عادل و مورد اعتماد بین شما بنویسد و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد نباید از نوشتن - همان گونه که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند پس باید بنویسد و آن کسی که حق بر عهده اش می باشد املا گوید (و او بنویسد) و از خداوند پروردگار خویش بپرهیزد و چیزی را فروگذار ننماید... (282)

(528) - از یزید بن ابواسامه (معروف به زید شحّام) روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و چنان چه گواهان دعوت برای گواهی شدند امتناع نورزند» سؤال کردم؟

فرمود: سزاوار نیست هنگامی که شخصی را برای ادای شهادت دعوت نمودند امتناع ورزد و بگوید: من برای شما شهادت نمی دهم.

(529) - از محمد بن فضیل روایت کرده است که گفت:

امام موسی کاظم علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و چنان چه گواهان: دعوت برای گواهی شدند امتناع نورزند» فرمود: موقعی که شخصی تو را برای ادای شهادت - درباره قرض و یا هر حقّی دیگر - دعوت کرد، سزاوار نیست که بهانه جوئی کنی و آن را به تأخیر بیندازی

ص: 623

631/530] - (عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا) قَالَ: قَالَ: قَبْلَ الشَّهَادَةِ؟ قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ إِذَا مَا دُعِيَ لِلشَّهَادَةِ شَهِدَ عَلَيْهَا أَنْ يَقُولَ: لَا أَشْهَدُ لَكُمْ وَذَلِكَ قَبْلَ الْكِتَابِ) (1)

632/531] - (عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى (2) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

لَا رَهْنَ إِلَّا مُقْبُوضًا) (3)

633/532] - (عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

قُلْتُ: (وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ) قَالَ: بَعْدَ الشَّهَادَةِ. (4)

ص: 624

1- عنه بحار الأنوار: 312/104 ح 15 ، و البرهان في تفسير القرآن: 581/1 ح 16 ، و نور الثقلين: 249/12 ح 983 ، و مستدرک الوسائل: 409/17 ح 21687. الكافي: 379/7 ح 1 بإسناده عن سماعة، عن أبي عبد الله عليه السلام، و ح 2 عن أبي الصَّبَّاحِ الكِنَانِي، عن أبي عبد الله عليه السلام بتفاوت فيهما، و نحوهما تهذيب الأحكام: 275/6 ح 156 ، و ح 158، عنهما وسائل الشيعة: 309/27 ح 33801 و 310 ح 33809 ، دعائم الإسلام: 516/2 ح 1853 ، عوالي اللئالي: 347/2 ح 19 و 540/3 ح 48.

2- وقع بهذا العنوان في أسناد كثير من الروايات.... فقد روى عن أبي الحسن الرضا و أبي جعفر الثاني عليهما السلام... معجم رجال الحديث: 86/17 رقم 11500 فأبو جعفر عليه السلام في هذا الحديث هو الثاني، أي الجواد عليه السلام. مترجم.

3- عنه بحار الأنوار: 159/103 ح 4 و وسائل الشيعة: 383/18 ح 23894 ، و البرهان في تفسير القرآن: 581/1 ح 2، و نور الثقلين: 301/1 ح 1204 . تهذيب الأحكام: 176/7 ح 36 بإسناده عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر عليه السلام، عنه وسائل الشيعة: 383/18 ح 23893 ، و نحوه عوالي اللئالي: 113/2 ح 312

4- عنه بحار الأنوار: 312/104 ح 17 ، و البرهان: 582/1 ح 4، و نور الثقلين: 249/1 ح 983. الكافي: 381/7 ح 2 ، من لا يحضره الفقيه: 57/3 ح 3327، تهذيب الأحكام: 275/6 ح 155 ، عنهم وسائل الشيعة: 309/27 ح 33805 و 312 ح 33815 ، عوالي اللئالي: 346/2 ح 18، و 540/3 ح 47

(530) - از ابو الصباح روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند (متعال): «و چنان چه گواهان، برای دادن گواهی دعوت شدند، نباید امتناع ورزند» فرمود: این فرمان الهی) مربوط به قبل از شاهد قرار گرفتن (شخص) می باشد که سزاوار نیست شخصی که برای ادای شهادت دعوت شود امتناع ورزد و بگوید: من برای شما شهادت نمی دهم که البته این حکم مربوط به قبل از شاهد گرفتن (و نوشتن گواهی) است.

(531) - از محمد بن عیسی روایت کرده است، که گفت:

امام جواد علیه السلام فرمود: وثیقه و رهنی واقع نمی شود مگر آن که تحویل و دریافتی در کار باشد

(532) - از هشام بن سالم روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و شهادت و گواهی (خود) را کتمان نکنید، سؤال کردم؟

فرمود مربوط به بعد از شاهد قرار گرفتن می باشد (که بعد از آن حق استتکاف و امتناع نخواهد داشت).

ص: 625

قوله تعالى : (وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا
الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتَمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (283) لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ
يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (284)

634/533] - (عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ) قَالَ : قَبْلَ الشَّهَادَةِ .) (1)

635/534] - (عَنْ سَعْدَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ
فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَدْخُلَ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ حُبِّهِمَا .)
(2)

ص: 626

1- عنه بحار الأنوار: 312/104 ح 18، و البرهان في تفسير القرآن: 581/1 ح 17، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 و مستدرک الوسائل :
410/17 ح 21668 تقدمت بقية تخريجاته في الحديث السابق.

2- عنه بحار الأنوار: 57/27 ح 15، و 153/30 ح 76 و البرهان في تفسير القرآن: 588/1 ح 6 و نور الثقلين: 301/1 ح 1212

فرمایش خداوند متعال و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید چیزی را وثیقه بگیرید (وثیقه ای که در اختیار طلبکار قرار گیرد) پس اگر به یک دیگر اطمینان (کامل) داشته باشید (وثیقه لازم نیست و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون وثیقه چیزی از دیگری گرفته) امانت (و بدهی خود را به موقع) پردازد و از خدایی که پروردگار اوست بپرهیزد و (ای مؤمنین!) شهادت را کتمان نکنید هر کسی که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است و خداوند به آن چه انجام می دهید دانا است (283) آن چه در آسمان ها و زمین است از آن خدا خواهد بود و (از این رو) اگر آن چه را که در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان نمایید خداوند شما را بر طبق آن محاسبه می کند پس او هر کسی را که بخواهد (و شایستگی داشته باشد) می بخشد و هر کسی را بخواهد (و مستحق باشد مجازات می کند و خداوند بر همه چیز قدرت دارد. (284)

(533) - از هشام روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «و شهادت و گواهی را کتمان نکنید فرمود» مربوط به قبل از شاهد قرار گرفتن می باشد (ولی بعد از آن حق استتکاف و امتناع نخواهد داشت).

(534) - از سعدان و او به نقل از مردی روایت کرده است که گفت:

امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «آن چه را که در درون خود دارید، خواه آشکار و یا پنهان نمایید، خداوند محاسبه می نماید و هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عقاب می کند» فرمود: بر خداوند سزاوار است که هر که ذره ای از دوستی و علاقه آن دو نفر (اولی و دومی) را در دل دارد وارد بهشت نگرداند.

ص: 627

إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى جَوَارِحِ بَنِي آدَمَ وَقَسَمَ عَلَيْهَا وَفَرَّقَهُ فِيهَا فَلَيْسَ مِنْ جَوَارِحِهِ جَارِحَةٌ إِلَّا وَقَدْ وُكِّلَتْ مِنَ الْإِيمَانِ بَعْضٌ مَا وُكِّلَتْ بِهِ أُخْتُهَا فَمِنْهَا قَلْبُهُ الَّذِي بِهِ يَعْقِلُ وَيَفْقَهُ وَيَفْهَمُ وَهُوَ أَمِيرُ بَدَنِهِ الَّذِي لَا يَرُدُّ الْجَوَارِحُ وَلَا يَصُدُّ إِلَّا عَنْ رَأْيِهِ وَأَمْرِهِ. فَأَمَّا مَا فَرَضَ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِيمَانِ فَأَلْفَرَاؤُ وَالْمَعْرِفَةُ وَالْعَقْدُ وَالرِّضَا وَالسَّلِيمُ بِأَنَّ لِلَّهِ إِلَهًا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ إِلَهًا وَاحِدًا. لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَلَا وَلَدًا، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِفْرَاؤُ بِمَا جَاءَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ مِنْ نَبِيٍّ أَوْ كِتَابٍ، فَذَلِكَ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِفْرَاؤِ وَالْمَعْرِفَةِ وَهُوَ عَمَلُهُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا) (1) وَقَالَ: (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (2) وَقَالَ (الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنُ قُلُوبُهُمْ) (3) وَقَالَ: (إِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُهَا يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ) فَذَلِكَ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْقَلْبِ مِنَ الْإِفْرَاؤِ وَالْمَعْرِفَةِ وَهُوَ عَمَلُهُ وَهُوَ رَأْسُ الْإِيمَانِ. (4)

ص: 628

1- سورة النحل : 106/16 .

2- سورة الرعد : 28/13

3- سورة المائدة : 41/5

4- عنه البرهان في تفسير القرآن : 588/1 ح 7 ، و نور الثقلين : 249/1 ح 983 الكافي : 33/2 ضمن ح 1 عنه وسائل الشيعة : 164/15 ضمن ح 20218 ، و البحار : 23/69 ح 6 ، دعائم الإسلام : 4/1 (ذكر الإيمان) في حديث طويل ، عنه مستدرک الوسائل : 149/11 ح 12661 . و يأتي الحديث أيضاً في الحديث 292 من سورة «النساء» و كذا الحديث 77 في سورة «بني إسرائيل» .

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند ایمان را بر فرزندان آدم واجب دانسته است و آن را در بین ایشان تقسیم نموده بنابر این عضوی از اعضای بدن، وجود ندارد مگر آن که دارای قسمی از ایمان می باشد که در عضوی دیگر به نوعی دیگر خواهد بود پس یکی از اعضا قلب است که به وسیله آن می اندیشد تشخیص می دهد و می فهمد؛ قلب امیر و فرمانده تمامی اعضای بدن می باشد به طوری که هیچ عضوی بدون اراده و دستور آن حرکتی انجام نمی دهد.

آن چه که نسبت به ایمان بر قلب لازم و حتمی گشته عبارتند از: اقرار، شناخت تصوّر و تصمیم رضایت و تسلیم (حقایق و مقدرات الهی) بودن است و دلیل بر این که خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد، شریکی برایش نمی باشد او خدای یکتا و تنها می باشد نه همد می دارد و نه فرزندی و بر این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست.

هم چنین به آن چه از نزد خداوند آمده - اعم از پیامبران و کتاب هایی که بر ایشان نازل شده - اقرار کند و ایمان آورد؛ این ها همه مواردی بود که خداوند بر قلب از جهت اقرار و معرفت و عمل واجب و لازم دانسته است که همان فرمایش خداوند متعال است: «مگر کسی که (بر عملی یا گفتاری) مجبور شود ولی قلبش از جهت ایمان مطمئن و استوار باشد»

هم چنین (حضرت در ادامه) فرمود: «هر آینه دل ها به نام و یاد خدا آرام می گیرد» نیز فرمود: «کسانی در کفر ورزیدن شتاب می کنند و با زبان می گویند: ایمان آورده ایم، اما قلب ایشان ایمان نیاورده است» باز هم فرمود: «اگر آن چه را در درون خود دارید، خواه آشکار و یا پنهان نمایید، خداوند محاسبه می نماید و هر که را بخواهد می آمرزد و هر که را بخواهد عقاب می کند»

قوله تعالى : (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (285) لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفُ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (286)

[536]/637 - (عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَنِي بَشِيرٍ قَالَ :

ذُكِرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَدْءُ الْأَذَانِ فَقَالَ : إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ رَأَى فِي مَنَامِهِ الْأَذَانَ فَقَصَّصَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَمَرَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ بِاللَّيْلِ ،

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَذَّبُوا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ نَائِمًا فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ فَأَتَاهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ طَائِفٌ فِيهِ مَاءٌ مِنَ الْجَنَّةِ ، فَأَيَّقَظَهُ وَأَمَرَهُ أَنْ يُغْتَسِلَ بِهِ ثُمَّ وُضِعَ فِي مَحْمِلٍ لَهُ أَلْفُ أَلْفٍ لُونٍ مِنْ نُورٍ ، ثُمَّ صَدَّعِدَ بِهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى أَبْوَابِ السَّمَاءِ ، فَلَمَّا رَأَتْهُ الْمَلَائِكَةُ نَفَرَتْ عَنْ أَبْوَابِ السَّمَاءِ وَقَالَتْ : إِلَهَيْنِ : إِلَهٍ فِي الْأَرْضِ وَإِلَهٍ فِي السَّمَاءِ

فَأَمَرَ اللَّهُ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ ، فَتَرَجَعَتِ الْمَلَائِكَةُ

فرمایش خداوند متعال: پیامبر به آن چه از سوی پروردگارش بر او نازل شده. ایمان آورده است و همه مؤمنان و فرشتگان (نیز) به خداوند و کتاب ها و رسولاتش ایمان آورده اند: (و گویند:) ما در میان هیچ یک از پیامبران او فرقی نمی گذاریم و (مؤمنان در عالم ذر) گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم؛ پروردگارا! (انتظار) آمرزش (داریم) و بازگشت به سوی تو می باشد (385) خدا هر فردی را به مقدار توانش تکلیف می کند هر فردی کار نیکی با زشتی را انجام دهد برای خودش می باشد پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا خطایی مرتکب شدیم ما را بازخواست منما پروردگارا! آن گونه که بر امت های بیش از ما تکلیف طاقت فرسا نمودهای چنان تکلیفی را برای ما قرار مده و آن چه را که طاقت آن را نداریم بر ما تکلیف مگردان گناه ما را ببخش و ما را بیامرز و رحم نما تو مولای ما هستی پس ما را بر کافران پیروز گردان (286)

(536) - از عبد الصمد بن بشیر روایت کرده است که گفت:

در محضر امام صادق علیه السلام صحبت از شروع دان شد و داستانی مطرح گردید و آن این که مردی از انصار در خواب دید که اذان می گوید. نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و خواب خود را بیان کرد حضرت رسول صلی الله علیه و آله به او دستور داد تا اذان را به بلال تعلیم دهد امام صادق علیه السلام فرمود: دروغ گفته اند بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در سایه دیوار کعبه خوابیده بود، پس جبرئیل به همراه ظرفی از آب بهشت فرود آمد و آن حضرت را از خواب بیدار کرد و دستور داد تا خود را بشوید.

سپس حضرت را در کجاوه ی قرار داد که انباشته از هزاران رنگ از انواع نور ها بود و او را بالا بود تا به در های آسمان رسید چون فرشته ها او را دیدند همگی از جلوی در ها کنار رفته و گفتند: دو خدا هست: یکی در زمین و دیگری در آسمان پس خداوند به جبرئیل دستور داد تا بگوید: «الله اکبر، الله اکبر» و چون جبرئیل آن را گفت

ص: 631

نَحْوَ أَبْوَابِ السَّمَاءِ وَعَلِمَتْ أَنَّهُ مَخْلُوقٌ فَفَتَحَتْ الْبَابَ، فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ، فَفَتَرَتِ الْمَلَائِكَةُ عَنْ أَبْوَابِ السَّمَاءِ فَقَالَتْ: إِلَهَيْنِ: إِلَهٌ فِي الْأَرْضِ وَإِلَهٌ فِي السَّمَاءِ

فَقَالَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَتَرَجَعَتِ الْمَلَائِكَةُ وَعَلِمَتْ أَنَّهُ مَخْلُوقٌ، ثُمَّ فُتِحَ الْبَابُ فَدَخَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ مَرَّ حَتَّى انْتَهَى إِلَى السَّمَاءِ الثَّلَاثَةِ، فَفَتَرَتِ الْمَلَائِكَةُ عَنْ أَبْوَابِ السَّمَاءِ فَقَالَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَتَرَجَعَتِ الْمَلَائِكَةُ وَفُتِحَ الْبَابُ، وَ مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ، فَإِذَا هُوَ بِمَلِكٍ مَتَكِيءٍ عَلَى سَدِيرٍ تَحْتَ يَدِهِ ثَلَاثُمِائَةِ أَلْفِ مَلِكٍ تَحْتَ كُلِّ مَلِكٍ ثَلَاثُ مِائَةِ أَلْفِ مَلِكٍ فَهَمَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالسُّجُودِ وَظَنَّ أَنَّهُ فَنُودِي أَنْ قُمْ

قَالَ: فَقَامَ الْمَلِكُ عَلَى رِجْلَيْهِ

قَالَ: فَعَلِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ عَبْدٌ مَخْلُوقٌ قَالَ: فَلَا يَزَالُ قَائِمًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

قَالَ: وَفُتِحَ الْبَابُ وَ مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ، قَالَ: وَانْتَهَى إِلَى سِدْرِهِ الْمُنْتَهَى

قَالَ: فَقَالَتِ السُّدْرَةُ: مَا جَاوَزَنِي مَخْلُوقٌ قَبْلَكَ، ثُمَّ مَضَى (فَتَدَانِي فَتَدَلِّي * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى * فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى) (1)، قَالَ: فَدَفَعَ إِلَيْهِ كِتَابَيْنِ كِتَابَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ بِيَمِينِهِ وَكِتَابَ أَصْحَابِ الشُّمَالِ بِشِمَالِهِ، فَأَخَذَ

ص: 632

فرشته‌ها بازگشتند و دانستند که او مخلوقی از آفریده‌های خداوند است و درب آسمان گشوده شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد گشت و بالا رفت تا رسید به آسمان دوم فرشته‌ها (وقتی او را دیدند) همگی از جلوی درهای آسمان کنار رفتند و گفتند: دو خدا هست یکی خدایی در زمین و دیگری خدایی در آسمان

جبرئیل گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن لا إله إلا الله» و فرشته‌ها بازگشتند و دانستند که او مخلوقی از آفریده‌های خداوند است و درب آسمان گشوده شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد گشت و بالا رفت تا رسید به آسمان سوم پس فرشته‌ها (وقتی او را دیدند) همگی از جلوی درهای آسمان کنار رفتند و جبرئیل گفت: «أشهد أن محمداً رسول الله، أشهد أن محمداً رسول الله» و فرشته‌ها بازگشتند و دری باز شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله عبور نمود تا رسید به آسمان چهارم، پس فرشته‌ای را دیدند که بر تختی تکیه زده است و سی صد هزار فرشته زیر دست او هستند و زیر دست هر یک از ایشان سی صد هزار فرشته دیگر است در این هنگام، رسول خدا صلی الله علیه و آله گمان کرد که این همان مقصود می‌باشد و خواست سجده کند که ندا آمد بر خیز و آن فرشته برخاست و رسول خدا صلی الله علیه و آله دانست که مخلوقی از آفریده‌های خداوند می‌باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: این فرشته تا روز قیامت بر پای خود ایستاده است. سپس افزود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به راه خود ادامه داد تا رسید به آسمان هفتم و از آن جا گذشت تا به «سدره المنتهی» رسید و «سدره المنتهی» به پیامبر صلی الله علیه و آله اظهار داشت: هیچ مخلوقی تا کنون از من گذر نکرده است پس از آن جلورفت تا جایی که «نزدیک شد * به مقدار (پرتاب) دو تیر در کمان و یا کمتر از آن مقدار * پس خداوند به بنده اش وحی مخصوصی فرستاد»

امام صادق علیه السلام فرمود: آن گاه نامه اصحاب یمین و اصحاب شمال را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و نامه اصحاب یمین را به دست راست خویش گرفت و آن را گشود اسم بهشتیان و اسم پدر و قبیله آن‌ها را در آن مشاهده کرد، پس در آن

كِتَابِ أَصْحَابِ الْيَمِينِ بِيَمِينِهِ وَفَتْحَهُ فَنَظَرَ فِيهِ فَإِذَا فِيهِ أَسْمَاءُ الْجَنَّةِ وَأَسْمَاءُ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ.

قَالَ: فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (كُلُّ آمَنَ بِاللَّهِ وَوَلَّيْتَهُ وَكُتِبَ لَهُ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ) فَقَالَ اللَّهُ: (وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا) فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (غُفِرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ) قَالَ اللَّهُ: (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا)

قَالَ: فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَدْ فَعَلْتُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا) فَقَالَ: قَدْ فَعَلْتُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: (رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ اللَّهُ قَدْ فَعَلْتُ،

ثُمَّ طَوَى الصَّحِيفَةَ فَأَمْسَكَهَا بِيَمِينِهِ. وَفَتَحَ الْأُخْرَى صَحِيفَةَ أَصْحَابِ الشِّمَالِ فَإِذَا فِيهَا أَسْمَاءُ أَهْلِ النَّارِ وَأَسْمَاءُ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ،

قَالَ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا مُحَمَّدُ! (فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ)،

(1)

قَالَ: فَلَمَّا فَرَّغَ مِنْ مُتَاجِرِهِ رَبِّهِ رُذِّ إِلَى الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ - وَهُوَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ

ص: 634

هنگام خداوند متعال فرمود: «پیامبر بر آن چه از جانب خدا بر او نازل شده ایمان آورد»؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در جواب گفت: «مؤمنین همگی به خداوند و فرشته ها و کتاب های آسمانی و پیامبران، ایمان آوردند و فرقی بین پیامبران نمی گذاریم»؛ پس خداوند فرمود: «و گفتند: شنیدیم و فرمان بردیم»؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اظهار داشت: «پروردگارا! آمرزش خود را بر ما لازم بدار که بازگشت ما به سوی تو خواهد بود» خداوند فرمود: «خداوند بر شخصی تکلیف نمی کند مگر آن که توان داشته باشد، بنابراین آن چه را انجام دهد و به دست آورد (چه خوب و مفید و یا بد و مُضَرّ) همه به نفع او و یا به ضرر خود او خواهد بود».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: «ای پروردگارا! چنان چه (موردی را) فراموش کردیم و یا اشتباه نمودیم ما را بازخواست و مؤاخذه مگردان» پس خداوند متعال در جواب فرمود: قبول کردم باز پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «ای پروردگارا! (اعمال و رفتار) سخت و طاقت فرسا را بر ما تحمیل نگردان، هم چنان که بر گذشتگان ما تکلیف نمودی»

پس خداوند متعال فرمود: خواسته ات را برآورده کردم هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: «ای پروردگارا! آن چه را که ما توان و طاقت آن را نداریم، بر ما تکلیف و تحمیل نگردان ما را مورد عفو قرار ده و ما را بیامرز و بر ما رحم کن که تو مولای ما هستی ما را بر کافران یاری و پیروز گردان»؛ و خداوند متعال در تمام موارد می فرمود: این خواسته ات را نیز برای تو و برای امتت بر آورده کردم.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دیوان را بست و به دست راست گرفت آن گاه نوشته اصحاب شمال را گشود که اسم های جهنمی ها و اسم های پدرانشان و قبیله های آن ها در آن بود. امام صادق علیه السلام افزود: رسول خدا صلی الله علیه و آله اظهار داشت: خداوند! اینان گروهی هستند که ایمان نخواهند آورد خداوند (در جواب) فرمود: ای محمد (اکنون که چنین است آنان را رها کن و) «از آنان روی برگردان و (هر گاه با تو برخوردی کردند) بگو: سلام که البته به زودی متوجه خواهند شد».

امام علیه السلام فرمود: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مناجات با پروردگار فارغ گشت

بِحِذَاءِ الْكَعْبَةِ - ،

قَالَ: فَجَمَعَ لَهُ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ

وَالْمَلَائِكَةَ ثُمَّ أَمَرَ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَآتَمَّ الْأَذَانَ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَصَلَّى بِبِهِمْ فَلَمَّا فَرَغَ انْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ: (فَسُئِلَ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ) (1)

فَسَأَلَهُمْ يَوْمَئِذٍ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ نَزَلَ وَمَعَهُ صَحِيفَتَانِ، فَدَفَعَهُمَا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَهَذَا كَانَ بَدْءَ الْأَذَانِ (2)

[537]/638 - (عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَتَى جِبْرِئِيلُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَهُوَ بِالْأَبْطَحِ - بِالْبُرَاقِ - أَصَدَّعُرٍ مِنَ الْبُغْلِ وَأكْبَرُ مِنَ الْحِمَارِ - عَلَيْهِ أَلْفُ أَلْفٍ مِحْفَهُ مِنْ نُورٍ فَشَسِمَسَ الْبُرَاقَ حِينَ أَذْنَاهُ مِنْهُ لِيَرْكَبَهُ فَلَطَمَهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَطْمَةً عَرِقَ الْبُرَاقُ مِنْهَا، ثُمَّ قَالَ: أُسْكُنْ فَإِنَّهُ مُحَمَّدٌ ثُمَّ زَفَّ بِهِ مِنْ بَيْتِ الْمَقْدِسِ إِلَى السَّمَاءِ فَتَطَايَرَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ أَبْوَابِ السَّمَاءِ، فَقَالَ جِبْرِئِيلُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: عَبْدٌ مَخْلُوقٌ،

ص: 636

1- سورة يونس : 94/10

2- عنه بحار الأنوار: 119/84 ح 19 ، و البرهان في تفسير القرآن : 588/1 ح 8 و 524/4 ح 31، قطعة منه، و نور الثقلين: 249/1 ح

983 ، و مستدرک الوسائل : 42/4 ح 4136 ، و 48 ح 4152 قطعان منه .

به جانب «بیت المعمور» رفت - که در آسمان هفتم موازی کعبه قرار دارد -.

و خداوند تمامی پیامبران و رسولان را با فرشته ها جمع نمود و به جبرئیل دستور داد: (جمله های) اذان را کامل گردان و اقامه نماز را بگو.

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله جلورفت و با ایشان نماز به جای آورد و چون نماز پایان یافت رو به ایشان نمود و خداوند به او خطاب کرد و فرمود: «از ایشان که پیش از تو کتاب های آسمانی می خواندند، سؤال کن (تا بدانی) که حق از طرف پروردگارت بر تو آمده است، بنابراین هرگز از تردید کنندگان مباش» به همین خاطر رسول خدا صلی الله علیه و آله از ایشان سؤال نمود و بعد از آن فرود آمد و دو صحیفه همراه خود آورد، که هر دو را به امیر المؤمنین علی علیه السلام تحویل داد.

پس امام صادق علیه السلام افزود شروع اذان این چنین بوده است.

(537) - از عبد الصمد بن بشیر روایت کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: موقعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می خواست در سرزمین ابطح بر براقی (فضا پیمایی) که از قاطر کوچک تر و از الاغ بزرگ تر بود و بر آن هزار هزار هودج از نور قرار داشت سوار شود ولی براق کمر نمی داد، پس جبرئیل سیلی (و ضربه ای) بر صورت براق زد که بدنش عرق کرد و سپس به آن فرمود: آرام باش او محمد صلی الله علیه و آله است. بعد از آن حضرت را سریع از بیت المقدس به آسمان بالا برد و فرشته ها از جلوی درب های آسمان ها کنار رفتند و جبرئیل گفت: «الله اکبر، الله اکبر» و فرشته ها می گفتند او نیز مخلوقی از آفریده های خداوند می باشد و از جبرئیل سؤال می کردند: او کیست؟ جبرئیل در جواب می گفت: او محمد صلی الله علیه و آله است بر او سلام کنید سپس از آن جا با سرعت به سمت آسمان دوم رفتند و فرشته ها از جلوی درب آسمان کنار رفتند و جبرئیل گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن لا إله إلا الله» و فرشته ها می گفتند: او نیز مخلوقی از آفریده های خداوند می باشد و نزد جبرئیل می آمدند و سؤال می کردند: او کیست؟

ص: 637

قَالَ: ثُمَّ لَقُوا جِبْرِيلَ فَقَالُوا: يَا جِبْرِيلُ مَنْ هَذَا؟

قَالَ: هَذَا مُحَمَّدٌ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ زَفَّ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ الثَّانِيَةِ، فَتَطَايَرَتِ الْمَلَائِكَةُ فَقَالَ جِبْرِيلُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: عَبْدٌ مَخْلُوقٌ فَلَقُوا جِبْرِيلَ فَقَالُوا: مَنْ هَذَا؟

فَقَالَ: مُحَمَّدٌ، فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ فِي سَمَاءِ سَمَاءٍ ثُمَّ أَتَمَّ الْأَذَانَ ثُمَّ صَلَّى بِهِمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَآمَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ مَضَى بِهِ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى انْتَهَى بِهِ إِلَى مَوْضِعٍ فَوَضَعَ إصْبَعَهُ عَلَى مَنْكِبِهِ ثُمَّ رَفَعَهُ فَقَالَ لَهُ: امْضِ يَا مُحَمَّدُ!، فَقَالَ لَهُ: يَا جِبْرِيلُ! تَدْعُنِي فِي هَذَا الْمَوْضِعِ؟

قَالَ: فَقَالَ لَهُ: يَا مُحَمَّدُ لَيْسَ لِي أَنْ أَجُوزَ هَذَا الْمَقَامَ، وَ لَقَدْ وَطِئْتُ مَوْضِعًا مَا وَطِئَهُ أَحَدٌ قَبْلَكَ وَ لَا يَطَّأُهُ أَحَدٌ بَعْدَكَ،

قَالَ: فَفَتَحَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ، قَالَ: فَكَلَّمَهُ اللَّهُ (أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ) قَالَ: نَعَمْ. يَا رَبِّ! (وَ الْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ) قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ)

قَالَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (رَبَّنَا لَا تُوَاخِزْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ اِرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ)

جبرئیل در جواب می گفت: او محمد صلی الله علیه و آله است، بر او سلام کنید. و به همین منوال آسمانی را بعد از آسمانی دیگر گذراند سپس اذان را تکمیل کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله با ایشان در آسمان هفتم نماز جماعت به جای آورد، سپس جبرئیل، حضرت را در محلی آورد و انگشت خود را بر شانه اش نهاد و گفت ای محمد! برو. فرمود: مرا در این محل تنها رها می کنی؟! جبرئیل گفت ای محمد! من از این جا حق تجاوز و عبور ندارم تو در جایی قدم نهاده ای که هیچ کسی قبل از تو قدم نهاده است و بعد از تو نیز کسی قدم نخواهد گذاشت.

پس خداوند برای او از هر آن چه عظیم بود برایش گشود و با او سخن گفت: «رسول بر آن چه بر او از سوی پروردگارش نازل شده ایمان آورد» و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب گفت، بلی ای پروردگارا! و همه مؤمنان به خدا و فرشتگانش و کتاب هایش و پیامبرانش ایمان دارند و میان هیچ یک از پیامبرانش فرقی نمی گذاریم و گفتند: ای پروردگار ما شنیدیم و اطاعت کردیم ما آمرزش تو را خواستاریم که سرانجام (بازگشت همه) به سوی تو خواهد بود» خدای تبارک و تعالی فرمود: «خداوند هیچ کسی را جز به اندازه طاقت و توانش مکلف نمی کند نیکی های هر کسی از آن خود او خواهد بود و بدی هایش هم از آن خودش می باشد»

حضرت محمد صلی الله علیه و آله عرض کرد: «پروردگارا! اگر ما فراموش کرده ایم یا خطایی نموده ایم ما را بازخواست نکن ای پروردگار ما آن گونه که بر امت های پیش از ما تکلیف سخت قرار دادی بر ما تکلیف سخت تحمیل منما و آن چه را که طاقت آن را نداریم بر ما تکلیف نگردان، گناه ما را ببخش و ما را بیامرز و ما را رحمت نما تو مولای ما، هستی پس ما را بر گروه کافران پیروز و یاری فرما»

قَالَ: قَالَ اللَّهُ: يَا مُحَمَّدُ! مَنْ لِأُمَّتِكَ [مِنْ] بَعْدِكَ؟

فَقَالَ: اللَّهُ أَعْلَمُ، قَالَ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ.

قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ مَا كَانَتْ وَلَا يَتُّهُ إِلَّا مِنَ اللَّهِ مُشَافَهَةً لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (1).

639/538- (عَنْ قَتَادَةَ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ: (ءَأَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ) حَتَّى يَخْتِمَهَا قَالَ: وَحَقُّ اللَّهِ! إِنَّ لِلَّهِ كِتَابًا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْفَيْ سَنَهُ [فَوَصَّدَهُ] عِنْدَهُ فَوْقَ الْعَرْشِ فَأَنْزَلَ آيَتَيْنِ فَخَتَمَ بِهِمَا الْبَقْرَةَ فَأَيَّمَا بَيْتٍ قُرِئَ فِيهِ لَمْ يَدْخُلْهُ شَيْطَانٌ.) (2)

640/539- (عَنْ زُرَّارَةَ وَحُمَرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

فِي آخِرِ الْبَقْرَةِ لَمَّا دَعُوا أَجِيبُوا (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) قَالَ: مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا: (لَهَا مَا كَسَدَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَدَتْ) وَ قَوْلُهُ: (لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا) (3)

ص: 640

1- عنه بحار الأنوار: 402/18 ح 106، و البرهان في تفسير القرآن: 590/1 ح 9 و 525/4 ح 32 قطعة منه، و نور الثقلين: 249/1 ح 983 الكافي: 376/8 ح 567 باسناده عن عبدالله بن عطاء، عن أبي جعفر عليه السلام- أورد صدره بتفاوت، عنه البحار: 311/18 ح 20

2- عنه البرهان في تفسير القرآن: 591/1 ح 10، و نور الثقلين: 304/1 ح 1220. بحار الأنوار: 206/57 ح 157 نقلاً عن الدر المنثور للسيوطي بأسانيده عن مجاهد، و 371 ح 15 عن أنس - كذا عن الدر المنثور، عن أبي نعيم في الحلية بتفاوت يسير فيهما .

3- عنه بحار الأنوار: 306/5 ح 26، و البرهان 591/1 ح 11، و نور الثقلين: 305/1 ح 1225 الكافي: 380/7 ح 3، تهذيب الأحكام: 276/6 ح 754

امام صادق علیه السلام فرمود: پس خداوند متعال فرمود: ای محمد! چه کسی را بعد از خودت برای (هدایت) امت خود در نظر گرفته ای؟

اظهار داشت: خدا دانایتر می باشد خداوند فرمود: علی امیرالمؤمنین را انتخاب نموده ام.

امام صادق علیه السلام افزود به خدا سوگند! ولایت (علی علیه السلام) مطرح نشد مگر به طور مشافهه و رویارویی (نور عظمت) خداوند متعال با حضرت محمد صلی الله علیه و آله

(538) - از قتاده روایت کرده است که گفت:

رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که این آیه (ءَأَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ) را تلاوت می نمود و به پایان می رسانید می فرمود: سوگند به حقیقت خداوند در پیشگاه خدا نوشته ای می باشد که دو هزار سال پیش از آن که آسمان ها و زمین را بیافریند انجام گرفته است و آن را بالای عرش نزد خود قرار داد.

پس دو آیه از آن را نازل نمود و سوره بقره را با آن ختم گردانید پس در هر خانه ای که خوانده شود شیطان وارد آن نخواهد شد.

(539) - از زراره و حمران و محمد بن مسلم روایت کرده است که گفته اند:

یکی از دو امام (باقر و یا صادق) علیهما السلام فرمود: در آخر سوره بقره (دو آیه ای) است که هر گاه به وسیله آن ها دعا شود مستجاب خواهد شد: «خداوند کسی را تکلیف نمی نماید، مگر آن که در توانش باشد» فرمود: آن چه را خداوند واجب نموده «برای اوست آن چه انجام داده و علیه اوست آن چه انجام داده» و نیز فرمایش دیگر: خداوند! بر ما مشقت و سختی بار نگردان، هم چنان که بر دیگران پیش از بارگردانده ای» می باشد

ص: 641

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رُفِعَتْ عَنْ أُمَّتِي أَرْبَعُ خِصَالٍ: مَا أَخْطَأُوا وَ مَا نَسُوا وَ مَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ وَ لَمْ يُطِيقُوا، وَ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْوَانَ الْخَزَّازِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رُفِعَتْ عَنْ أُمَّتِي أَرْبَعُ خِصَالٍ مَا أَخْطَأُوا وَ مَا نَسُوا وَ مَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ وَ لَمْ يُطِيقُوا، وَ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى (رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ) وَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: (إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ) (1). (2)

ص: 642

1- سورة النحل : 106/16 .

2- عنه بحار الأنوار : 306/5 ح 27 ، وسائل الشيعة : 218/16 ح 21401 ، والبرهان في تفسير القرآن : 591/12 ح 12 ، ونور الثقلين : 249/1 ح 983 ، ومستدرک الوسائل : 24/12 ح 13403 الكافي : 462/22 ح 1 عنه وسائل الشيعة : 369/15 ح 20770 . و يأتي الحديث أيضاً في الحديث 75 من سورة «النحل» .

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: (عقاب و مجازات) چهار خصلت از امت من برداشته شده است: خطاها فراموشی ها چیزهایی که بر انجام آن ها مجبور گردند و آن چه را طاقت و توان انجامش را نداشته باشند هم چنان که خدای تبارک و تعالی فرمود: «ای پروردگار ما! چنان چه (موردی را) فراموش کردیم و یا اشتباه نمودیم، ما را بازخواست و مؤاخذه مگردان ای پروردگار ما کارهای سخت و طاقت فرسایی که بر گذشتگان تحمیل می کردی بر ما تحمیل نگردان ای پروردگار ما! بر آن چه که طاقت و توان آن را نداریم بر ما تکلیف نفرما»

و خداوند متعال فرمود: «مگر کسی که بر انجام خلافی مجبور گردد ولی قلبش مطمئن از ایمان باشد»

فهرس الآيات المباركة

سورة الحمد «1»

الآيات رقم الآية/الصفحة

فضلها وبعض خواصها...90

(بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ)...1-100/3

(مَلِیْكَ یَوْمِ الدِّیْنِ)...102/4

(اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ)...104/5

(اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ * صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ)...6-106/7

(غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَ لَا الضَّالِّیْنَ)...106/7

سورة البقرة « 2 »

فضلها وبعض خواصها...112

(الْم * ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَیْبَ فِیْهِ هَدًیًّ لِلْمُتَّقِیْنَ)...1-116/2

(وَ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ ... اِنَّكَ اَنْتَ الْعَلِیْمُ الْحَكِیْمُ)...30-120/32

(قَالَ یٰۤاٰدَمُ اَنْبِئْهُمْ بِاَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا اَنْبَأَهُمْ)...140/33

(وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ ... فَتَكُوْنُوْنَ مِنَ الظَّالِمِیْنَ)...34-146/35

(فَتَلَقٰی ءَادَمُ مِنْ رَبِّهِ... فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ)...37-168/38

ص: 644

- (يَبِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا ... تَمَنَّا قَلِيلًا وَإِنِّي فَاتِقُونَ)...40-170 / 41
- (وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتُوا... تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ)...43-172 / 44
- (وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ... فَضَلَّتْكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ)...45-176 / 47
- (وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ)...51-182
- (وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ... السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ)...58-182 / 59
- (وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ)...61-184
- (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا)...63-186
- (فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا... وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ) 66 - 70 / 188
- (قَالَ إِنَّهُ، يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ)...71-194
- (فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ)...79-196
- (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ... اللَّهُ بِعَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ)...83-200 / 85
- (وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقِينَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ)...87-202
- (وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ)...89-204
- (بِسْمَا أَشْتَرُوا بِهِ يَ أَنْفُسَهُمْ أَنْ ... اللَّهُ مِنْ قَبْلِ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) 90 - 91 / 208
- (وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا)...93-212
- (وَ لَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ)...101-214
- (مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ)...106-226
- (وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسْجِدَ ... إِنْ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)...114-228 / 115
- (الَّذِينَ اتَّيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ، حَقَّ تِلَاوَتِهِ ي)...121-232
- (وَ لَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَ لَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةٌ وَ لَا)...123-234

(وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ ... عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ)...124-126/236

(وَإِذِ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ ... فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)...136-137/252

(صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ)...254/138

(وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى)...256/143

(قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً)...262/144

(وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيَهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا)...272/148

(فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ)...274/152

(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ)...278/155

(الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ مُّصِيبَةٌ ... وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ)...280/157-156

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ)...286/158

(إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنْ ... وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)...290/160-159

(وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ ... هُمْ بِخَيْرٍ جِنِّ مِنَ النَّارِ)...294/167-165

(يَأْيُهَا النَّاسُ كُلُّوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا)...298/168

(إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ)...302/173

(يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ)...308/178

(كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ ... يُبَدِّلُونَهُ وَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)...312/181-180

(فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا ... مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ)...318/183-182

(أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ)...322/184

(شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِلنَّاسِ)...328/185

(وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاتَّبِعْنِي ... لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ)...338/187-186

(وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَطْلِ وَ تَدْلُوا)...344/188

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوْقِيتٌ لِلنَّاسِ وَ الْحَجِّ)...348/189

(وَ قَتَلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ ... وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ)... 352 /194-193

(وَانْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا تُلْقُوا ... أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)... 356 /196-195

(الْحَجَّ أَشْهَرُ مَعْلُومَتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٍ)...378/197

(لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ ... اللَّهُ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ)...199/388-198

(فَإِذَا فَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا ... حَسَنَةً وَ فَنَا عَذَابِ النَّارِ)...392 /201-200

(وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ)...396/203

(وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ ... وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ) 404 /205-204

(وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ)...406/207

(يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً)...408/208

(سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَهُمْ مِنْ ءَايَةٍ بَيِّنَةٍ)...414/211

(كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ)...416/213

(أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ)...420/214

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ)...422/219

(فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ)...426/220

(وَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النَّسَاءَ)...434/222

(نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا)...440/223

(وَ لَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً ... قُلُوبِكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ)...444 /225-224

(لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ... الطَّلَاقِ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)...448 /227-226

- (وَ الْمَطْلَقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ)...458/228
- (الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ)...462/229
- (فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا)...470/230
- (وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ)...476/231
- (وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ)...480/233
- (وَ الَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ)...484/234
- (وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ)...490/235
- (لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ)...494/236
- (وَ إِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ)...498/237
- (حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا)...506/238
- (فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا... مَعْرُوفٍ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)...512 /240-239
- (وَ لِلْمُطَلَّقاتِ مَتَعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ)...519/241
- (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ ... وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ)...522 /245-243
- (أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَآءِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ... لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)...526 /248-246
- (فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ)...534/249
- (فَهَزَمُوهُم بِأَذْنِ اللَّهِ وَ قَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَ آتَاهُ)...538/251
- (تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ)...540/253
- (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ)...544/255
- (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ ... النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)...552 /257-256
- (أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ ... خَاوِيَةً عَلَى عُرُوشِهَا)...558 /259-258

(وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي) ... 566/240

(مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ) ... 580/261

(يَأْيُهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا ... وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ) ... 586/265-264

(أَيُّدٌ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ ... وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ) ... 590/267-266

(السَّيِّئِينَ يَعِدُكُمْ الْقُرْ ... وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ) ... 596/269-268

(إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَبِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا) ... 600/271

(الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً) ... 602/274

(الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي) ... 604/275

(يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي ... خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) ... 608/277-276

(يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا ... لَا تَطْلُمُونَ وَلَا تَتْلُمُونَ) ... 610/279-278

(وَإِنْ كَانَ دُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا) ... 616/280

(يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ) ... 622/282

(وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا ... عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) ... 626/284-283

(ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ ... عَلَىٰ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) ... 630/286-285

فهرس الأحاديث الشريفة

حرف الألف

الحديث المعصوم - الصفحة

أَكِلُ الرَّبَّأ لَا يُخْرُجُ مِنْ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَخَبَّطَهُ الشَّيْطَانُ... الإمام الصادق عليه السلام - 606

أَلْ مُحَمَّدٍ أَبَوَابُ اللَّهِ وَ سَبِيلُهُ وَ الدُّعَاءُ إِلَى الْجَنَّةِ... الإمام الباقر عليه السلام - 352

إِثْنُوا الْأُمُورَ مِنْ وَجْهَيْهَا... الإمام الباقر عليه السلام - 352

أَتَدْرِي مَا السَّلْمُ؟ ... وَ لَآيَةِ عَلِيٍّ وَ الْأَيْمَةِ... الإمام الصادق عليه السلام الله - 408

إِتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتِفَائِكُمْ... الإمام الصادق عليه السلام - 198

إِتْمَامُهُمَا إِذَا آدَاهُمَا، يَتَّبِعِي مَا يَتَّبِعِي الْمُحْرِمُ فِيهِمَا... الإمام الصادق عليه السلام - 358

أَتَمَّهِنَّ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ... الإمام الصادق عليه السلام - 236

أَتَى جَبْرِئِيلُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ هُوَ بِالْأَبْطَحِ بِالْبُرَاقِ أَصْغَرَ... الإمام الصادق عليه السلام - 636

خَبِرَكَ بِمَا صَنَعْتُ أَنَا بِأَمْرِهِ كَانَتْ عِنْدِي فَأَرَدْتُ أَنْ أُطَلِّقَهَا... الإمام الباقر عليه السلام - 470

أَخَذَ الْهُدْهَدَ وَ الصُّرْدَ وَ الطَّائُوسَ وَ الْغُرَابَ فَذَبَحَهُنَّ وَ عَزَلَ... الإمام الصادق - 578

(ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً) ، هُوَ وَ لَآيَتُنَا... الإمام الباقر عليه السلام - 410

ذَا آلَى الرَّجُلُ مِنْ إِمْرَأَتِهِ، لَا يَقْرُبُهَا وَ لَا يَمَسُّهَا وَ لَا يَجْمَعُ... الإمام الصادق عليه السلام - 448

إِذَا أَحْسَنَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ ضَاعَفَ اللَّهُ لَهُ عَمَلَهُ لِكُلِّ حَسَنَةٍ... الإمام الصادق عليه السلام - 584

ذَا أَحْسَنَ الْمُؤْمِنُ عَمَلَهُ ضَاعَفَ اللَّهُ عَمَلَهُ؛ بِكُلِّ حَسَنَةٍ... الإمام الصادق عليه السلام - 580

- إِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ الطَّلَاقَ طَلَّقَهَا فِي قَبْلِ عِدَّتِهَا بِغَيْرِ جَمَاعٍ... الإمام العلي عليه السلام - 474
- إِذَا اسْتَبَقَتْ مِنْ مَنَامِكَ فَقُلِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلْقَى بِهَا آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ... الإمام الباقر عليه السلام - 166
- إِذَا أَتَى أَحَدَكُمْ أَهْلُهُ، فَلْيَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُلَاطَفَةً، فَإِنَّهُ أَبْرُ لِقَلْبِهَا،... الإمام الكاظم عليه السلام - 98
- إِذَا أَمَّ الرَّجُلُ الْقَوْمَ جَاءَ شَيْطَانٌ إِلَى الشَّيْطَانِ الَّذِي هُوَ قَرِيبٌ.... الإمام الصادق عليه السلام - 91
- إِذَا أُوزِنَ الْإِمَامُ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِيِّ الْأَكْبَرِ... الإمام الصادق عليه السلام - 272
- إِذَا بَلَغَ وَأُونِسَ مِنْهُ رُشْدٌ وَلَمْ يَكُنْ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا... الإمام الصادق عليه السلام - 620
- إِذَا تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ هَدْيٌ صَامَ... الإمام الصادق عليه السلام - 370
- إِذَا حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَقُلِ «اللَّهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ... الإمام الصادق عليه السلام - 326
- إِذَا حَلَفَ ثَلَاثَ أَيَّامٍ مُتَّابِعَاتٍ صَادِقًا فَقَدْ جَادَلَ... الإمام الصادق عليه السلام - 384
- إِذَا دَعَاكَ الرَّجُلُ تَشْهَدُ عَلَيَّ دِينٍ أَوْ حَقٍّ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ... الإمام الكاظم عليه السلام - 622
- إِذَا رَأَتْ الدَّمَّ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ بَانَتُ.... الإمام الصادق عليه السلام - 460
- إِذَا رَجَعْتَ إِلَى أَهْلِكَ... الإمام الصادق عليه السلام - 372
- إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَلَهَا نِصْفُ مَهْرِهَا... الإمام الصادق عليه السلام - 494
- إِذَا فَاتَ الرَّجُلَ الصِّيَامُ فَلْيُبْدَأْ صِيَامَهُ مِنْ لَيْلِهِ التَّنْفِرِ... الإمام علي عليه السلام - 374
- ذَا قَالَ الرَّجُلُ لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ طَالِقَةٌ ثُمَّ رَاجَعَهَا قَالَ أَنْتِ.. الإمام الصادق عليه السلام - 472
- إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَاقْرَأِ الْمَثَانِي وَ سُورَةَ أُخْرَى ، وَصَلِّ... الإمام الصادق عليه السلام - 96
- ذَا كَانَ جَانِكَ الْحَدِيثَانِ الْمُخْتَلِفَانِ فَفَسِّهْهُمَا عَلَى كِتَابِ اللَّهِ... الإمام الكاظم عليه السلام - 50
- إِذَا لَمْ تَكُنْ النَّصِيفَ مِنْ عَدُوِّكَ صَلَّيْتَ إِيمَاءً رَاجِلًا كُنْتَ... الإمام الباقر عليه السلام - 512
- أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ مَنْ كَانَتْ... النبي صلى الله عليه وآله - 282
- الْأَرْضُونَ كُلُّهَا وَالسَّمَاوَاتُ كُلُّهَا وَ جَمِيعُ مَا خَلَقَ اللَّهُ... أحدهما عليهما السلام - 550
- الْأَرْضِينَ وَالْجِبَالَ وَالشَّعَابَ وَالْأُودِيَةَ... الإمام الصادق عليه السلام - 140

- 262 - اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ، وَلَا تُقَلِّبْ بِوَجْهِكَ عَنِ الْقِبْلَةِ ... الإمام الباقر عليه السلام -
- سَتَوَلَّى عَلَى مَا دَقَّ وَجَلَّ ... الإمام الصادق عليه السلام - 98
- إِسْمُ اللَّهِ الْأَعْظَمُ مُقَطَّعٌ فِي أُمَّ الْكِتَابِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 90
- أَسْمَاءُ الْأَوْدِيَةِ وَالنَّبَاتِ وَالشَّجَرِ وَالْجِبَالِ مِنَ الْأَرْضِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 140
- أُطْلِبُ لَهُ وَارثاً أَوْ مَوْلَى فَادْفَعَهَا إِلَيْهِ، فَإِنَّ اللَّهَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 318
- عَدَاءٌ عَلَيَّ هُمْ الْمُحَدِّثُونَ فِي النَّارِ أَبَدَ الْأَبَدِينَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 298
- (إِعْصَاؤُ فِيهِ نَارٌ) ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رِيحٌ ... الإمام الباقر عليه السلام - 590
- أَعْطَى الْفِطْرَةَ قَبْلَ الصَّلَاةِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: (وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ . الإمام الصادق عليه السلام - 176
- أُعْطِيَتْ الطُّوَالَ مَكَانَ التَّوْرَةِ ، أُعْطِيَتْ الْمِثِينَ ... النبي صلى الله عليه وآله - 112
- أَعْطَاهُ لِمَنْ أَوْصَى لَهُ وَإِنْ كَانَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا ... الإمام الباقر عليه السلام - 316
- أَقْرَبْتُ بِالْمِيثَاقِ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ (فَأَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ ... الإمام الباقر عليه السلام - 462
- أَلَا إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي هَبَطَ بِهِ آدَمُ وَجَمِيعَ مَا فَضَّلْتَ بِهِ النَّبِيِّينَ ... الإمام علي عليه السلام - 412
- الْأَقْرَاءُ هِيَ الْأَطْهَارُ قَالَ: الْقُرْءُ مَا بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 460
- إِلَّا عَلَى ذُرِّيَّةِ قَتْلِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أحدهما عليهما السلام - 354
- الزَّمِ الْأَرْضَ لَا تُحَرِّكَنَّ يَدَكَ وَلَا رِجْلَكَ أَبَدًا حَتَّى تَرَى ... الإمام الباقر عليه السلام - 262
- أَمَا سَمِعْتَ بِطَارِقٍ أَنْ طَارِقًا كَانَ نَحَاسًا بِالْمَدِينَةِ فَآتَى ... الإمام الصادق عليه السلام - 300
- أَمَرَ اللَّهُ بِالذُّخُولِ فِيهِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 410
- أَمُرُوا بِمَعْرِفَتِنَا ... الإمام الباقر وصادق عليهما السلام - 410
- مَا إِلَّا مَسَاكُ بِالْمَعْرُوفِ فَكَفُّ الْأَذَى وَ إِحْبَاءُ [إِحْبَاءُ] التَّقَه. الإمام الرضا عليه السلام - 466
- أَمَّا عَدَّةُ الْمُطَلَّغَةِ ثَلَاثَةٌ قُرُوءٌ فَلَأَجَلٍ إِسْتِبْرَاءِ الرَّحِمِ مِنَ الْوَلَدِ . الإمام الباقر عليه السلام - 488
- أَمَا قَوْلُهُ : (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءً ... الإمام الباقر عليه السلام - 406

أُمَّهُ مُحَمَّدٌ بْنُ هَاشِمٍ حَاصَّةً... الإمام الصادق عليه السلام - 248

أَنَا أَقْضَى فِي ذَا، قُلْ لَهُمَا فَلْتَاكُلْ وَ لِيُظَلَّهَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 300

أَنَا عَبْدُ اللَّهِ إِسْمِي أَحْمَدُ وَأَنَا عَبْدُ اللَّهِ إِسْمِي إِسْرَائِيلُ ... النبي صلى الله عليه وآله - 180

أَنْتُمْ - وَ اللَّهُ! - هُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ؛ قَالَ لَا يَنْبُتُ... الإمام الباقر عليه السلام - 402

إِنْ كَانَ بِالْبَلَدِ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ 7... الإمام الصادق عليه السلام - 240

إِنْ كَانَ سَمَى لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُهُ الْمَهْرِ، وَلَا عِدَّةَ عَلَيْهَا... الإمام الصادق عليه السلام - 520

أَنْزَلَ اللَّهُ هَذِهِ آيَةَ فِي التَّطَوُّعِ حَاصَّةً : (فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا... الإمام الباقر عليه السلام - 228

أُنزِلَتْ فِي عُثْمَانَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 586

أُنزِلَتْ فِي عَلِيٍّ... الإمام الباقر عليه السلام - 588

إِنَّ آدَمَ كَانَ لَهُ فِي السَّمَاءِ خَلِيلٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، فَلَمَّا هَبَطَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 138

نَبَأَ أَبِي الْيَسْرِ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ مِنْ بَنِي سَلِيمَةَ... الإمام الصادق عليه السلام - 614

نَبَأَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنَا أَنَّ رَجُلًا أَتَى سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ فَقَالَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 292

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْرَجَ إِسْمَاعِيلَ إِلَى الْمَوْقِفِ فَأَقَاضَا مِنْهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 392

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَنْ دَعَا رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ ... الإمام السجاد عليه السلام - 244

إِنَّ إِبْلِيسَ تَرَاءَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْوَادِي... الإمام الصادق عليه السلام - 288

إِنَّ إِبْلِيسَ رَنَّ أَزْبَعَ رَنَاتٍ : أَوَّلُهُنَّ يَوْمَ لَعْنٍ، وَ حِينَ... الإمام الصادق عليه السلام - 94

إِنْ اسْتَمْتَعْتَ بِالْعُمُرِ إِلَى الْحَجِّ فَإِنَّ عَلَيْكَ الْهَدْيَ... الإمام الصادق عليه السلام - 368

إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَسَبْعَةُ نَفَرٍ: أَوَّلُهُمْ... الإمام الصادق عليه السلام - 560

إِنَّ التَّوْبَةَ مُطَهِّرَةٌ مِنْ دَسِّ الْخَطِيئَةِ... الإمام الصادق عليه السلام - 612

إِنَّ الْحَسَنَ [الْحَسَنَ] بَنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَتَّعَ امْرَأَةً طَلَّقَهَا أُمَّهُ... الإمام الصادق عليه السلام - 496

إِنَّ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةَ وَ التَّمَقُّهُ فِي الدِّينِ فَمَنْ فَقَهُ مِنْكُمْ ... الإمام الصادق عليه السلام - 600

إِنَّ الْحَنِيفَةَ هِيَ الْإِسْلَامُ... الإمام الصادق عليه السلام - 252

إِنَّ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ لَهُ فِيهِمَا الْمَشِيئَةُ... الإمام الصادق عليه السلام - 554

إِنَّ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِمَا مِنْ خَلْقٍ مَخْلُوقٍ فِي جَوْفِ... الإمام علي عليه السلام - 550

إِنَّ الشَّيَاطِينَ يَقُولُونَ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةٌ وَذُرْوَةُ الْقُرْآنِ آيَةٌ... الإمام الصادق عليه السلام - 546

إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ حَاجًّا لَا يَخْطُو... الإمام الصادق عليه السلام - 402

إِنَّ الْعُمْرَةَ وَاجِبَةٌ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى... الإمام الباقر عليه السلام - 358

إِنَّ الْعُمْرَةَ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ، لِأَنَّ اللَّهَ... الإمام الصادق عليه السلام - 360

إِنَّ الْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَآمِرٌ يَأْمُرُ بِالْجَنَّةِ وَيَنْجُرُّ عَنِ النَّارِ... الإمام الصادق عليه السلام - 54

إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مُحْكَمٌ وَمُتَشَابِهٌ، فَأَمَّا الْمُحْكَمُ فَتُؤْمِنُ بِهِ... الإمام الصادق عليه السلام - 58

إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ، وَآدَتِي مَا لِلْإِمَامِ... الإمام الصادق عليه السلام - 62

إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْأَرْضِ جَمِيعًا مَكَّةَ وَاخْتَارَ مِنْ مَكَّةَ بَكَّةَ... آبَانَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - 160

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَذْبَحُوا بَقْرَةً، وَإِنَّمَا... الإمام الرضا عليه السلام - 192

إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ، وَهُوَ الصَّادِقُ الْبُرُّ، فِيهِ... الإمام الصادق عليه السلام - 46

أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ مِنَ الْجَنَّةِ لِأَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ... الإمام الصادق عليه السلام - 244

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ نَبِيًّا يَقَالُ لَهُ أَرْمِيَا... الإمام الصادق عليه السلام - 560

إِنَّ الْإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... بِخَمْسَةِ أَسْيَافٍ فَسَيِّفٌ عَلَى... الإمام الصادق عليه السلام - 198

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَرَضَ عَلَى آدَمَ فِي الْمِيثَاقِ ذُرِّيَّتَهُ... الإمام الصادق عليه السلام - 168

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَحَبَّ [أراد] أَنْ يَخْلُقَ خَلْقًا... الإمام الباقر عليه السلام - 120

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدْعُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمٍ... الإمام الباقر عليه السلام - 40

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: (الطَّلُقُ مَرَّتَانٍ فَأِمْسَاكُ... الإمام الباقر عليه السلام - 464

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ، وَقُطْبَ جَمِيعِ... الإمام الصادق عليه السلام - 38

- إِنَّ اللَّهَ حِينَ أَهْبَطَ آدَمَ إِلَى الْأَرْضِ أَمَرَهُ أَنْ يَحْرِثَ بِيَدِهِ ... النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - 164
- نَنَّ اللَّهُ غَضِبَ عَلَى الرَّانِي فَجَعَلَ لَهُ جَلْدَ مَائِهِ فَمَنْ غَضِبَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 468
- إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى جَوَارِحِ بَنِي آدَمَ وَقَسَمَ عَلَيْهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 628
- إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ طَاعَتَنَا فِي كِتَابِهِ فَلَا يَسْعُ النَّاسُ جَهْلًا، لَنَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 74
- إِنَّ اللَّهَ لَمَّا أَوْحَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ خُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ، عَمَدَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 570
- إِنَّ اللَّهَ لَمَّا خَلَقَ الْخَلْقَ فَجَعَلَهُ فِرْقَتَيْنِ، فَجَعَلَ خَيْرَتَهُ فِي ... الإمام الصادق عليه السلام - 40
- إِنَّ اللَّهَ لَيُرِي لِأَحَدِكُمْ الصَّدَقَةَ كَمَا يُرِي أَحَدَكُمْ وَلَدَهُ حَتَّى يَلْقَاهُ ... النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - 610
- إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِمَنْ يُصَلِّي مِنْ شِعْتِنَا عَمَّنْ لَا يُصَلِّي مِنْ ... الإمام الصادق عليه السلام - 538
- إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: (وَهُوَ أَلَدُ الْخِصَامِ) ... الإمام الباقر عليه السلام - 406
- إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: لَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَكَلْتُ بِهِ مَنْ يَقْبِضُهُ غَيْرِي ... الإمام الصادق عليه السلام - 608
- إِنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانُوا يَنْزِلُونَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي كُلِّ ... الإمام الباقر عليه السلام - 216
- إِنَّ الْمَلَكَ يَنْزِلُ الصَّحِيفَةَ أَوَّلَ النَّهَارِ، وَأَوَّلَ اللَّيْلِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 274
- إِنَّ أَوَّلَ كُفْرٍ كُفِرَ بِاللَّهِ حَيْثُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ كُفْرُ إِبْلِيسَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 144
- إِنَّ أَهْلَ الْجَاهِلِيَّةِ كَانَ مِنْ قَوْلِهِمْ كَلًّا وَأَبِيكَ، بَلَى وَأَبِيكَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 394
- إِنَّ أَهْلَ الْحَرَمِ كَانُوا يَقْفُونَ عَلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَتَقِفُ النَّاسُ الْإِمَامَ الْصَادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - 390
- إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ يَذْبَحُونَ الْبَقْرَةَ فِي اللَّبَبِ، فَمَا تَرَى فِي ... الإمام الصادق عليه السلام - 194
- إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ، فِي عَلِيٍّ ... الإمام الصادق عليه السلام - 290
- إِنَّ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَقْرَبُ إِلَيَّ اسْمِ اللَّهِ ... الإمام الرضا عليه السلام - 96
- إِنَّ حُبِّيَّ وَأَبَا يَاسِرٍ إِنِّي أَخْطَبُ وَنَفَرًا مِنْ يَهُودٍ ... الإمام الباقر عليه السلام - 116
- إِنَّ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَتَلَ قَرَابَهُ لَهُ ثُمَّ أَخَذَهُ فَطَرَحَهُ ... الإمام الرضا عليه السلام - 190
- إِنَّ فِي الْفِطْرِ تَكْبِيرًا... الإمام الصادق عليه السلام - 336

إِنَّ فِي الْفِطْرِ لَتَكْبِيرًا وَلَكِنَّهُ مَسْتَوْرٌ [مسنون]، يُكَبَّرُ فِي ... الإمام الصادق عليه السلام - 334

إِنَّ فِي الْقُرْآنِ مَا مَضَىٰ وَ مَا يَحْدُثُ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ... الإمام الصادق عليه السلام - 62

إِنَّ فِيكُمْ مَنْ يُقَاتِلُ عَلَىٰ تَأْوِيلِ الْقُرْآنِ كَمَا قَاتَلْتُ عَلَىٰ تَنْزِيلِهِ... النبي صلى الله عليه وآله - 74

إِنَّ قُرَيْشًا كَانَ تَفِيضٌ مِنْ جَمْعٍ وَ مُضَرٌّ وَ رَبِيعَةٌ مِنْ عَرَفَاتٍ ... الإمام الصادق عليه السلام - 392

إِنَّ كُلَّ شَيْءٍ فِي الْكُرْسِيِّ... الإمام الصادق عليه السلام - 548

إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ قَدْ انْطَلَقَ نَحْوِي بِرِ مَيْمُونٍ فَأَذْرَكَ... الإمام علي عليه السلام - 408

إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَ جَعَلْتَهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 326

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ يَبْعَثُ فِيْنَا مَنْ يَعْلَمُ كِتَابَهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 74

إِنَّا نَدْخُلُ عَلَىٰ أَخٍ لَنَا فِي بَيْتِ آيَاتٍ مَعَهُمْ خَادِمٌ... الإمام الصادق عليه السلام - 428

إِنَّمَا كَانَ لَبْثُ آدَمَ وَ حَوَاءَ فِي الْجَنَّةِ حَتَّىٰ خَرَجَا مِنْهَا ... النبي صلى الله عليه وآله - 148

إِنَّمَا هِيَ الْقُلُوبُ؛ مَرَّةً يَصْعَبُ عَلَيْهَا الْأَمْرُ، وَ مَرَّةً يَسْهُلُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 436

إِنَّهُ ذَكَرَ لَنَا أَنَّ أَجَلَ الْإِيْلَاءِ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ بَعْدَ مَا... الإمام الرضا عليه السلام - 452

إِنَّهُ كَانَ عَلَىٰ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَصْنَامٌ فَلَمَّا أَنْ حَجَّ ... الإمام الصادق عليه السلام - 290

إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا وَقَدْ وَكَّلَ بِهِ مَلَكٌ غَيْرَ الصِّدْقِ ... النبي صلى الله عليه وآله - 610

إِنَّهُ نَازَلَ فِي قِبَابٍ مِنْ نُورٍ حِينَ يَنْزِلُ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 414

إِنِّي لِأَطُوفُ بِالْبَيْتِ مَعَ أَبِي 7 إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ طَوَالَ جُعْشَمٍ ... الإمام الصادق عليه السلام - 128

أَوْفُوا بِوَلَايَةِ عَلِيِّ فَرَضًا مِنَ اللَّهِ أُوفِ لَكُمْ الْجَنَّةَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 172

أَوْ قَدْ فَعَلُوهَا؟ ... الإمام علي عليه السلام - 30

أُولَئِكَ قُرَيْشٌ كَانُوا يَقُولُونَ: نَحْنُ أَوْلَىٰ النَّاسِ بِالْبَيْتِ... الإمام الصادق عليه السلام - 388

أَوَّلُ بُعْثِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلَيْهَا ظَهَرَ الْكُوفَةَ لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ ... الإمام علي عليه السلام - 146

أَوَّلُ شَيْءٍ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فَهُوَ الْبَيْتُ الَّذِي ... الإمام علي عليه السلام - 248

(اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) ، يعني أمير المؤمنين ... الإمام الصادق عليه السلام - 106

الأهله (في قوله تعالى : الْحَجَّ أَشْهَرُ... الإمام الصادق عليه السلام - 380

أَيَّ لَاحِرَجَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 286

لِإِيمَانٍ عَمَلٌ كُلُّهُ، وَالْقَوْلُ بَعْضُ ذَلِكَ الْعَمَلِ ، مُفْتَرَضٌ الإمام الصادق عليه السلام - 260

أَيُّ شَيْءٍ السَّكِينَةُ عِنْدَكُمْ؟ ... الإمام الرضا عليه السلام - 532

أَيُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ مِنْ أَحَادِيثِ الشَّيْخَةِ؟ ... الإمام الباقر عليه السلام - 138

أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُونَ فِي إِيْتَابِ النَّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ؟ ... الإمام الرضا عليه السلام - 442

إِيَّاكُمْ وَالْخُصُومَةَ ، فَإِنَّهَا تُحِبُّ الْعَمَلَ وَتَمَحِّقُ الدِّينَ... الإمام الباقر عليه السلام - 84

إِيَّاَنَا عَنِّي بِذَلِكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِبَعَهُ وَصِيَّهُ... الإمام السجاد عليه السلام - 244

إِيَّاكُمْ يُحِبُّ أَنْ يَنْفَصِلَ مِنْ فَوْرِ جَهَنَّمَ؟ ... النبي صلى الله عليه وآله - 614

يُمَا رَجُلٍ أَلَى مِنْ إِمْرَأَتِهِ وَالْإِبْلَاءِ: أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ: وَاللَّهِ... الإمام الصادق عليه السلام - 450

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ هُدُنَةٍ وَأَنْتُمْ عَلَى ظَهْرِ سَفَرٍ... النبي صلى الله عليه وآله - 28

حرف الباء

«الْبَاءُ» بِهَاءِ اللَّهِ وَ «الْسَيْنُ» سَنَاءِ اللَّهِ وَ «الْمِيمُ» ... الإمام الصادق عليه السلام - 100

الْبَاغِي الْخَارِجُ عَلَى الْإِمَامِ وَالْعَادِي اللَّصُّ الإمام الصادق عليه السلام - 304

الْبَاغِي الظَّالِمُ وَالْعَادِي الْعَاصِبُ... الإمام الصادق عليه السلام - 302

لْبَاغِي طَالِبُ الصَّيْدِ وَالْعَادِي السَّارِقُ لَيْسَ لَهُمَا... الإمام الصادق عليه السلام - 306

بِظُلْمِهِ وَسُوءِ سِيرَتِهِ... الإمام علي عليه السلام - 406

بَعَثَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ فَقَالَ: لَا تَخْرُصُوا... الإمام الصادق عليه السلام - 592

بَعْدَ آدَمَ وَقَبْلَ نُوحٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ضَلَالًا، فَبَدَا لِلَّهِ، فَبَعَثَ اللَّهُ التَّيَّيْنَ... الإمام الصادق عليه السلام - 418

بَعْدَ الشَّهَادَةِ... الإمام الصادق عليه السلام - 624

بَعْدَ مُسَمَّيْنِ كَمَا سُمِّيَ مَنْ قَبْلَنَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 64

بَلْ رَدَّهُمُ اللَّهُ حَتَّى سَكَنُوا الدُّورَ وَ أَكَلُوا الطَّعَامَ وَ نَكَحُّوا ... الإمام الباقر عليه السلام - 522

بِمَا عِنْدَنَا مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ بِمَا ضَيَّعُوا مِنْهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 258

بِيَاضِ النَّهَارِ مِنْ سَوَادِ اللَّيْلِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 344

بِالزِّيَادَةِ بِالْإِيمَانِ يَتَفَاوَسِلُ الْمُؤْمِنُونَ بِالذَّرَجَاتِ عِنْدَ اللَّهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 540

حرف التاء

تُخْرِجُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ مَا يَكْفِيهِمْ وَ تُخْرِجُ مِنْ مَالِكَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 432

تُخْرِجُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ مَا يَكْفِيهِمْ وَ تُخْرِجُ مِنْ مَالِكَ قَدْرَ مَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 426

تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَتْعَالِي ... الإمام الباقر عليه السلام - 276

تَعْرِفُ النَّاسِخَ مِنَ الْمَسْخُوحِ؟ ... الإمام علي عليه السلام - 60

تفسير الهدى ، علي عليه السلام ، قال الله فيه : (فَلَا خَوْفٌ ... الإمام الباقر عليه السلام - 170

تَفْسِيرُهَا فِي الْبَاطِنِ لَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا فِي عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَفَرُوا ... الإمام الباقر عليه السلام - 208

تَقُولُ خَيْرًا ... الإمام الصادق عليه السلام - 492

التَّكْبِيرُ الْأَخِيرُ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ ... الإمام الصادق عليه السلام - 336

التَّكْبِيرُ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ فِي دُبْرِ الصَّلَوَاتِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 398

حرف الجيم

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَخِي هَلَكَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 430

جَرَتْ فِي الْقَائِمِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 252

جُزءٌ مِنْ عَشْرِهِ كَانَتْ الْجِبَالُ عَشْرَةَ وَ كَانَ الطَّيْرُ الطَّائِرُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 574

حرف الحاء

الْحَبَّةُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ ، وَ السَّبْعُ السَّنَابِلُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِهَا ، ... الإمام الصادق عليه السلام - 584

الْحَجُّ جَمِيعُ الْمَنَاسِكِ وَالْعُمْرَةُ لَا يُجَاوِزُ بِهَا مَكَّةَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 358

الْحَرْثُ الذَّرِّيَّةُ... الإمام الصادق عليه السلام - 406

حَسْبُكَ كُلُّ شَيْءٍ فِي الْكِتَابِ مِنْ فَاتِحَتِهِ إِلَى خَاتِمَتِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 66

الْحَكَّامُ ، الْقِضَاةُ... الإمام الرضا عليه السلام - 346

الْحِكْمَةُ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا ، قَالَ : الْمَعْرِفَةُ... الإمام الباقر عليه السلام - 600

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ وَالْعَصْرِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 508

حَقٌّ جَعَلَهُ اللَّهُ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ... الإمام الصادق عليه السلام - 312

حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ لَا يَدْخُلَ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 626

حَيْثُ شَاءَ... الإمام الباقر عليه السلام - 440

يَنْ يَطْلُعُ الدَّمُّ مِنَ الْخَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 458

خَالَفَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْمَهُ وَعَابَدَ إِلَهُتَهُمْ حَتَّى أُدْخِلَ عَلَى ... الإمام الصادق عليه السلام - 558

حرف الخاء

خَرَجَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ مِنْ عِنْدِ عُثْمَانَ... الإمام الصادق عليه السلام - 196

خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْمَدِينَةِ فَكَانَ فِيهَا قَالَ لَهُمْ ... الإمام الباقر عليه السلام - 36

خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حِينَ حَجَّ حِجَّةَ الْوَدَاعِ ، خَرَجَ فِي أَرْبَعٍ ... الإمام الباقر عليه السلام - 364

الْخِمَارُ وَشِبْهُهُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 518

الْخَمْرُ مِنْ سِتِّهِ أَشْيَاءُ التَّمْرِ وَالزَّيْبِ ، وَالْحِنْطَةُ . وَالشَّعِيرِ ... الإمام السجّاد عليه السلام - 424

حرف الدال

دُونَ الْمَوَاقِيتِ إِلَى مَكَّةَ فَهُمْ مِنْ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ... الإمام الصادق عليه السلام - 376

حرف الذال

ذُرِّيَّةُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 530

ذَلِكَ جُوعٌ خَاصٌّ، وَ جُوعٌ عَامٌّ؛ فَأَمَّا بِالشَّامِ فَإِنَّهُ عَامٌّ ... الإمام الباقر عليه السلام - 278

ذَلِكَ مِثْلُ مُوسَى وَ الرَّسُولِ مِنْ بَعْدِهِ وَ عِيسَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ... الإمام الباقر عليه السلام - 202

ذَلِكَ مِنْ خُطُوبِ الشَّيْطَانِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 302

حرف الراء

الرَّجُلُ يُطَلَّقُ حَتَّى إِذَا كَادَتْ أَنْ يَخْلُوَ أَجْلَهَا رَاجِعَهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 478

رَدُّوا عَلَيَّ اللَّهُ فَقَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ ... الإمام السجّاد عليه السلام - 134

رُضَاضُ الْأَلْوَاحِ فِيهَا الْعِلْمُ وَ الْحِكْمَةُ، الْعِلْمُ جَاءَ مِنَ السَّمَاءِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 530

رِضْوَانُ اللَّهِ، وَ التَّوَسُّعُ فِي الْمَعِيشَةِ، وَ حُسْنُ الصَّحْبَةِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 396

رِضْوَانُ اللَّهِ وَ الْجَنَّةُ فِي الْآخِرَةِ وَ السَّعَةُ فِي الْمَعِيشَةِ وَ حُسْنُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 396

رُفِعَتْ عَنْ أُمَّتِي أَرْبَعُ خِصَالٍ: مَا أَخْطَاؤُوا، وَ مَا نَسُوا... النبي صلى الله عليه وآله - 642

حرف السين

سَأَلَتْ عَمَّنْ أَتَى جَارِيَتَهُ فِي دُبْرِهَا، وَ الْمَرْأَةُ لُعْبَةٌ ... الإمام الرضا عليه السلام - 444

السُّجُودُ وَ وَضْعُ الْيَدَيْنِ عَلَى الرُّكْبَتَيْنِ فِي الصَّلَاةِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 188

سَرَقُوا أَكْرَمَ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 92

السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ جَمِيعُ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي الْكُرْسِيِّ ... الإمام الصادق عليه السلام - 548

(السَّلَامُ) هُوَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَمَرَ اللَّهُ بِالذُّخُولِ فِيهِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 411

سَلَّهَا كَيْفَ فَجَرَّتْ ... الإمام علي عليه السلام - 304

سَمُّوهُمْ بِأَحْسَنِ أَمْثَالِ الْقُرْآنِ يَعْنِي عَشْرَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، هَذَا، ... الإمام علي عليه السلام - 66

حرف الشين

سَوَّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ، وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ بِالْحَجِّ ... الإمام الباقر عليه السلام - 380

شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 316

السَّيِّحُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي بِهِ الْعَطَاشُ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُفْطِرَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 326

السَّيِّحُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي يَأْخُذُهُ الْعَطَاشُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 322

السَّيِّحُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي يَأْخُذُهُ الْعَطَاشُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 324

حرف الصاد

الصَّبْرُ الصَّوْمُ إِذَا نَزَلَتْ بِالرَّجُلِ أَشَدُّهُ أَوْ النَّازِلُهُ فَلْيُصُمْ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 178

الصَّبْرُ هُوَ الصَّوْمُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 179، 278

الصَّبْغَةُ مَعْرِفَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْوَلَايَةِ فِي الْمِيثَاقِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 256

الصَّرْفُ النَّافِلَةُ وَالْعَدْلُ الْفَرِيضَةُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 234

الصَّلَاةُ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 512

صَلَاةُ الظُّهْرِ وَ فِيهَا فَرَضُ اللَّهِ الْجُمُعَةَ وَ فِيهَا السَّاعَةُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 510

صَلَاةُ الْوُسْطَى هِيَ الْوُسْطَى مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ وَ هِيَ الظُّهْرِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 510

(الصَّلَاةُ الْوُسْطَى) ، الظهر ... الإمام الصادق عليه السلام - 510

صُمْ حِينَ يَصُومُ النَّاسُ، وَ أَفْطِرْ حِينَ يُفْطِرُ النَّاسُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 350

صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ أَنْ الْعَامَّةُ اخْتَلَفَتْ فِي ذَلِكَ ... الإمام السَّجَّاد عليه السلام - 334

الصَّوْمُ قُوَّةٌ لَا يَتَكَلَّمُ إِلَّا بِالْخَيْرِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 332

صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ قَبْلَ التَّرْوِيهِ يَوْمٌ وَ يَوْمَ التَّرْوِيهِ ... الإمام علي عليه السلام - 374

الصَّيْدَ فَإِنْ أُبْتُلِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الصَّيْدِ فَفَدَاهُ ... الإمام الباقر عليه السلام الله - 404

حرف الظاء

ظَهَرَ الْقُرْآنُ الَّذِينَ نَزَلَ فِيهِمْ، وَ بَطْنُهُ الَّذِينَ عَمِلُوا ... الإمام الباقر عليه السلام - 56

ظَهْرُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ، مِنْهُ مَا مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ بَعْدُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 58

حرف العين

الْعَدْلُ فِي قَوْلِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْفِدَاءُ... الإمام الصادق عليه السلام - 232

الْعَفْوُ: الْوَسْطُ... الإمام الصادق عليه السلام - 424

عَلَى الَّذِي أَفْطَرَ قِضَاءَ ذَلِكَ الْيَوْمِ، إِنَّ اللَّهَ... الإمام الصادق عليه السلام - 342

عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُهُمْ، وَهُوَ مِمَّنْ يُتَّقَى مَالَهُ... الإمام الصادق عليه السلام - 588

عَلَى قَدْرِ مَالِ رَوْحِهَا... الإمام الصادق عليه السلام و الكاظم عليهما السلام - 520

عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَمَا وَجَدْتُمْ آيَةً نَجَا بِهَا مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ... الإمام الصادق عليه السلام - 36

عَلَيْهِ دَمٌ؛ لِأَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَقُولُ... الإمام الصادق عليه السلام - 372

حرف الفاء

فَاتَ النَّاسَ الصَّلَاةَ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ صِفِّينَ إِلَى آخِرِهِ... الإمام الصادق عليه السلام - 514

فَاتَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ النَّاسَ يَوْمًا بِصِفِّينَ - يعني صلاة... الإمام الصادق عليه السلام - 514

فَاتِحَةَ الْكِتَابِ [يُتَنَى فِيهَا الْقَوْلُ الإمام الصادق عليه السلام - 100

فَإِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ لَمْ يَسْقُطْ شَعْرَةٌ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ... الإمام الصادق عليه السلام - 402

فَإِنَّ تَمَامَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ لَا يَرُفْتُ وَلَا يَفْسُقَ وَلَا... الإمام الباقر و الصادق عليه السلام - 362

فَإِنْ ظَنَنْتَ أَنَّ اللَّهَ عَنَى بِهَذِهِ الْآيَةِ جَمِيعَ أَهْلِ... الإمام الصادق عليه السلام - 260

فَإِنْ كَانَ يَلِيطُ حَوْضَهَا وَيُقَوْمُ عَلَى هَنَاتِهَا وَيُرْدُّ نَادَتَهَا... الإمام الباقر عليه السلام - 430

فَرِيضَةٌ... كَانَ ذَلِكَ فِي عُمْرَةِ الْقِضَاءِ... الإمام الصادق عليه السلام - 288

فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، مِنْهُمْ مَنِ اعْتَرَفَ... الإمام الباقر عليه السلام - 534

فلان و فلان ... «النسل»، هم الذرية، و «الحرث»: الزرع... الإمام الكاظم عليه السلام - 404

فَلَانٌ وَفَلَانٌ وَفَلَانٌ وَ مُعَاوِيَةُ وَ أَشْيَاعُهُمْ... الإمام الصادق عليه السلام - 588

فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ... الإمام الباقر عليه السلام - 304

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَ مِنْهُمْ مَنْ جَحَدَ وَ مِنْهُمْ مَنْ أَقْرَبَ وَ مِنْهُمْ... الإمام الصادق عليه السلام - 414

فَهِيَ مُطْلَقَةٌ، ثُمَّ يُوقَفُ فَإِنْ فَاءَ فَهِيَ عِنْدَهُ عَلَى تَطْلِيقَتَيْنِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 454

فِي آخِرِ الْبَقْرَةِ لَمَّا دَعُوا أَجِيبُوا (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا) ... أحدهما عليهما السلام - 640

فِي كِتَابِ عَلِيٍّ (لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ) ... الإمام الصادق عليه السلام - 116

فِيهِمَا جَمِيعًا ... الإمام الصادق عليه السلام - 186

حرف القاف

قَالَ أَبُو ذَرٍّ : يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ مَا أَنْزَلَ عَلَيْكَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 548

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَا خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَكَانَتْ بِالْأَشْيَاءِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 610

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ تَعَالَى : إِنِّي أَعْطَيْتُ الدُّنْيَا بَيْنَ عِبَادِي ... النبي صلى الله عليه وآله - 280

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : لِأَعْذَبَنَّ كُلَّ رَعِيَّةٍ دَانَتْ بِإِمَامٍ ... الإمام الصادق عليه السلام - 556

قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ يَحْكِي قَوْلَ الْيَهُودِ - : (إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ ... الإمام الصادق عليه السلام - 210

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِقَوْمِ مُوسَى : (وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا ... الإمام الصادق عليه السلام - 184

قَالَتْ الْحِجْنُ : إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذِرْوَةً وَذِرْوَةُ الْقُرْآنِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 544

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي يَوْمٍ حَارٍّ : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُظِلَّهُ اللَّهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 616

قال : علي عليه السلام في قول الله تعالى : (وَادْكُرُوا اللَّهَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 398

قَالَ لِأَبِي حَنِيفَةَ مَا سُورَةُ أَوْلَاهَا تَحْمِيدٌ وَأَوْسَطُهَا إِخْلَاصٌ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 90

قَبْلَ التَّرْوِيهِ بِيَوْمٍ وَبِوَيْومِ التَّرْوِيهِ وَبِوَيْومِ عَرَفَةَ ... الإمام علي عليه السلام - 374

قَبْلَ التَّرْوِيهِ يَصُومُ وَبِوَيْومِ التَّرْوِيهِ وَبِوَيْومِ عَرَفَةَ ، فَمَنْ فَاتَهُ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 372

قَبْلَ الشَّهَادَةِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 626

(الْقُرْآنُ ، أَخَالِقِ هُوَ ؟ قَالَ :) لَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 42

الْقُرْآنُ : جُمْلَةُ الْكِتَابِ ، وَ أَخْبَارُ مَا يَكُونُ ، وَ الْفُرْقَانُ : الْمُحْكَمُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 52

الْقُرْآنُ جُمْلَةُ الْكِتَابِ وَ الْفُرْقَانُ الْمُحْكَمُ الْوَاجِبُ الْعَمَلُ بِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 330

الْقُرْءُ مَا بَيَّنَّ الْحَيْضَتَيْنِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 454

قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ ... الإمام الباقر عليه السلام - 196

قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ أُمَّتَكَ سَنُفْتَنَنَّ فَسُئِلَ مَا أَلْمَخْرَجُ ... الإمام المجتبي عليه السلام - 38

حرف الكاف

كَالذَّابِحِ نَفْسَهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 176

كَانَ إِبْلِيسُ أَوَّلَ مَنْ تَغَنَّى وَ أَوَّلَ مَنْ نَاحَ وَ أَوَّلَ ... النبي صلى الله عليه وآله - 164

كَانَ الرَّجُلُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُ: كَانَ أَبِي وَ كَانَ أَبِي ، فَأُنزِلَتْ ... الإمام الباقر عليه السلام - 394

كَانَ الرَّجُلُ يَقُولُ: كَانَ أَبِي وَ كَانَ أَبِي فَنَزَلَتْ عَلَيْهِمْ ... الإمام الباقر عليه السلام - 396

كَانَ الْقَلِيلُ سِتِّينَ أَلْفًا الإمام الباقر عليه السلام - 530

كَانَ النَّاسُ حِينَ أَسْلَمُوا عِنْدَهُمْ مَكَاسِبُ مِنَ الرَّبَا، وَ مِنْ ... الإمام الباقر عليه السلام - 594

كَانَ النَّاسُ يَسْتَنْجُونَ بِالْحِجَارَةِ وَ الْكُرْسُفِ ثُمَّ أُحْدِثَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 434

كَانَ أَنَاسٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، يَتَصَدَّقُونَ بِأَشْرٍ مَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 590

كَانَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَأْتُونَ بِصَدَقَةِ الْفِطْرِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 596

أَنْتِ الْفَرْدَةُ وَ هُمْ الْيَهُودُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا فِي السَّبْتِ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 188

كَانَتْ الْمَرْأَةُ مِمَّنْ تَرْفَعُ يَدَهَا إِلَى الرَّجُلِ إِذَا أَرَادَ مُجَامَعَتَهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 482

كَانَتْ الْيَهُودُ تَجِدُ فِي كُتُبِهَا أَنَّ مُهَاجِرَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 204

كَانَتْ بَقَايَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ أَصَابُوهَا مِنَ الرَّبَا وَ مِنْ ... الإمام الباقر عليه السلام - 594

كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقِيضُ مِنَ الْمُرْدَلِفَةِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ ، يَقُولُونَ : ... الإمام الصادق عليه السلام - 390

كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ، فَهَاهُمْ اللَّهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 346

كَانَ دَاوُدُ وَ أَخُوهُ لَهُ أَزْبَعَةٌ وَ مَعَهُمْ أَبُوهُمْ شَيْخٌ كَبِيرٌ ... الإمام الصادق عليه السلام - 536

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَمَرَ بِالنَّخْلِ أَنْ يُزَكَّى، يَجِيءُ قَوْمٌ ... الإمام الصادق عليه السلام - 592

- 92 - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْهَرُ بِ - «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»... الإمام الباقر عليه السلام -
- 496 - كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُمْتَعُ بِرَاحِلَتِهِ يَعْنِي حَمَلَهَا .. الإمام الصادق عليه السلام -
- 72 - كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبَ حَلَالٍ وَحَرَامٍ وَعِلْمٍ بِالْقُرْآنِ ، وَنَحْنُ ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 452 - كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَجْعَلُ لَهُ حَظِيرَةً مِنْ قَصَبٍ وَيَحْسِبُهُ فِيهِ ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 182 - كَانَ فِي الْعِلْمِ وَالتَّقْدِيرِ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ بَدَأَ لِلَّهِ ... الإمام الباقر عليه السلام -
- 416 - كَانُوا ضَلَالًا فَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِمْ أَنْبِيَاءَ وَلَوْ سَأَلْتَ الإمام الباقر و الصادق عليهما السلام -
- 438 - كَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَأْكُلُونَ الْبُسْرَ ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 416 - كَانَ هَذَا قَبْلَ نُوحٍ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَدَأَ لِلَّهِ فَأَرْسَلَ الرَّسُولَ ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 418 - إِنْ هَذَا قَبْلَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانُوا ضَلَالًا، فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ ... الإمام الباقر عليه السلام -
- 574 - كَذَبَ ابْنُ أَبِي لَيْلَى لَهَا عَشْرُ الثُّلُثِ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 630 - كَذَبُوا، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ نَائِمًا فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ.. الإمام الصادق عليه السلام -
- 226 - كَذَبُوا مَا هَكَذَا هِيَ إِذَا كَانَ يُنْسَى وَيَنْسَخُهَا أَوْ يَأْتِ بِمِثْلِهَا ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 454 - كَذَبَ وَ لَمْ يَقُلْ بِرَأْيِهِ وَإِنَّمَا بَلَغَهُ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... الإمام الباقر عليه السلام -
- 276 - الْكُفْرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَى خَمْسَةِ أَوْجُهٍ، فَمِنْهَا: كُفْرُ النَّعَمِ ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 200 - الْكُفْرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَى خَمْسَةِ أَوْجُهٍ، فَمِنْهَا: كُفْرُ النَّعَمِ ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 170 - الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقِّيَهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ، قَالَ: يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ... الإمام علي عليه السلام -
- 166 - لِكَلِمَاتِ الَّتِي تَلَقِّيَهُنَّ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هَدَى ... الإمام الباقر عليه السلام -
- 366 - كُلُّ شَيْءٍ فِي الْقُرْآنِ «أَوْ» فَصَاحِبُهُ بِالْخِيَارِ يَخْتَارُ مَا ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 50 - كُلُّ شَيْءٍ، مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ ... الإمام الصادق عليه السلام -
- 424 - كُلُّ مَا قَوْمٌ بِهِ فَهُوَ الْمَيْسِرُ وَكُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ ... الإمام الهادي عليه السلام -
- 302 - كُلُّ يَمِينٍ بَغَيْرِ اللَّهِ فَهِيَ مِنْ خُطُوتِ الشَّيْطَانِ ... الإمام الباقر عليه السلام -

كُنْتُ مَعَ أَبِي فِي الْحَجْرِ فَبَيْنَا هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي إِذْ أَتَاهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 132

حرف اللام

لَا أَرَى بِهِ بَأْسًا لِأَنَّهُ لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 612

لَا إِنَّ الْيَهُودَ قَالَتْ: إِنَّ الرَّبَّ لَمَّا فَرَعَ مِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 546

لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِنَّ اللَّهَ « يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 434

لَا بَأْسَ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ: (نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ ... الإمام الصادق عليه السلام - 440

لَا بَلِ الْكُرْسِيُّ وَسِعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، وَالْعَرْشُ وَكُلُّ ... الإمام الصادق عليه السلام - 550

لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَلَا كَاذِبِينَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 446

لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ. ... الإمام الصادق عليه السلام - 474

لَا تَقُولُوا لِكُلِّ آيَةٍ هَذِهِ رَجُلٌ، وَهَذِهِ رَجُلٌ، إِنَّ مِنَ الْقُرْآنِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 86

لَا تَنْفِرُوا فِي الْيَوْمِ الثَّانِي حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ فَأَمَّا الْيَوْمُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 400

أَتَنْكِحُ حَتَّى تَعْتَدَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا، عِدَّةَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 486

لَا حَرَجَ عَلَيْهِ أَنْ يَطْوِفَ بِهِمَا فَتَزَلَّتْ هَذِهِ آيَةٌ ... الإمام الصادق عليه السلام - 286

لَا خَالِقٍ وَلَا مَخْلُوقٍ وَكَفَيْتَهُ كَلَامُ الْخَالِقِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 42

لَا دِينَ لِمَنْ دَانَ بَوْلَايِهِ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 552

لَا رَهْنَ إِلَّا مُقْبُوضًا ... الإمام الجواد عليه السلام - 624

لَا، لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَدْخُلَ فِي مِثْلِ الَّذِي خَرَجْتَ مِنْ عِنْدِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 472

أَ، وَكَفَيْتَهُ أَرَادَ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ فِي يَقِينِهِ ... الإمام الرضا عليه السلام - 570

لَا وَكَفَيْتَهُمْ كَانُوا أَسْبَاطَ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَمْ يَكُونُوا ... الإمام الباقر عليه السلام - 254

لَا هُمَا يَجْرِيَانِ فِي ذَلِكَ مَجْرَى وَاحِدًا إِذَا حَكَمَ الْإِمَامُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 582

لَا يَبْلُغُ بِهِ شَيْئًا اللَّهُ أَنْظَرَهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 616

- لَا يَحِلُّ خُلْعُهَا حَتَّى تَقُولَ: وَ اللَّهُ لَا أَبْرَ لَكَ فَسَمًا ... الإمام الصادق عليه السلام - 466
- لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَقْلٍ مِنَ الْفِتْنَةِ، وَلَا تَكُونُ الْفِتْنَةُ أَقْلًا ... الإمام الصادق عليه السلام - 534
- لَا يُزْفَعُ الْأَمْرُ وَالْخِلَافَةُ إِلَى آلِ أَبِي بَكْرٍ أَبَدًا وَلَا إِلَى آلِ عُمَرَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 36
- لَا يُصَدِّقُ عَلَيْنَا إِلَّا بِمَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ ... الإمام الباقر و الصادق عليه السلام - 50
- لَا يَصْلُحُ لِأَهْلِ مَكَّةَ الْمُتَنَعَةُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى ... الإمام الكاظم عليه السلام - 378
- لَا يَعْتَدِي اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا عَلَى نَسْلِ وُلْدِ قَتْلِهِ الْحُسَيْنِ ... أحدهما عليهما السلام - 354
- لَا يُقْتَلُ حُرٌّ بَعْدَهُ وَ لَكِنْ يُضْرَبُ ضَرْبًا شَدِيدًا وَ يُعْرَمُ دِيَةٌ ... الإمام الصادق عليه السلام - 308
- لَا يَكُونُ الرَّبَّاءُ إِلَّا فِيمَا يُوزَنُ وَ يَكَالُ الإمام الصادق عليه السلام - 606
- يَنْبَغِي الْوَارِثَ أَنْ يُضَارَّ الْمَرْأَةُ فَيَقُولَ: لَا أَدْعُ وَلَدَهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 484
- لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ إِذَا مَا دُعِيَ إِلَى الشَّهَادَةِ لِيَشْهَدَ عَلَيْهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 622
- لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ إِذَا مَا دُعِيَ لِلشَّهَادَةِ شَهِدَ عَلَيْهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 624
- لَا يَنْبَغِي لِمَنْ أَعْطَى اللَّهُ شَيْئًا أَنْ يَرْجِعَ فِيهِ وَ مَا لَمْ يُعْطِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 466
- (الَّذِي بِيَدَيْهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ) ، هُوَ الْوَلِيُّ الَّذِي ... الإمام الصادق عليه السلام - 502
- (الَّذِي بِيَدَيْهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ) ، هُوَ وَلِيُّ أَمْرِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 500
- الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَ لَكُمْ أَنْ تَقُولُوا إِنَّا قُدْوَةُ اللَّهِ ... التوقيع (منه) عليه السلام - 76
- لَّذِي يُعْفُو عَنِ الصَّدَاقِ أَوْ يَحْطُّ بَعْضَهُ أَوْ كُلَّهُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 504
- لَعَنَ اللَّهُ الْمُرْجِيَّةَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أَبَا حَنِيفَةَ [أَبَا عُبَيْدَةَ] ... الإمام الرضا عليه السلام - 460
- لَعَنَكَ اللَّهُ - وَ لَمْ يُسْمِعْهُ - مَا الْهُدَى تُرِيدُ وَ لَكِنَّ الْعَمَى ... الإمام علي عليه السلام - 222
- لَمَّا أَرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَأَى رَجُلًا ... الإمام الصادق عليه السلام - 566
- لَمَّا أَنْ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَسْجُدُوا لَهُ، فَقَالَتْ ... الإمام الصادق عليه السلام - 142
- لَمَّا مَعَهَا، يَنْظُرُ إِلَيْهَا مِنْ أَهْلِ الْقُرَى، قَالَ: وَ نَحْنُ ... الإمام الباقر و الصادق عليهما السلام - 190

لَمَّا نَجَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ أَوْحَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى! ... الإمام الباقر عليه السلام - 212

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 524

لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: (وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ ... الإمام الصادق عليه السلام - 486

لَمَّا هَلَكَ سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَضَعَ إِبْلِيسُ السِّحْرَ وَثَمَّ كَتَبَهُ فِي كِتَابٍ ... الإمام الباقر عليه السلام - 214

مُمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَصُومُ فِي السَّفَرِ تَطَوُّعاً وَلَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 332

لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَكَانَتْ الْمَلَائِكَةُ تَرَى أَنَّهُ مِنْهَا، ... الإمام الصادق عليه السلام - 142

لَمْ يَكُنْ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَلَمْ يَكُنْ يَلِي شَيْئاً مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 144

لَمْ يَكُنْ مِنْ سِبْطِ النَّبِيِّ وَلَا مِنْ سِبْطِ الْمَمْلُوكَةِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 530

لَوْ اسْتَقَامَتْ لِي الْإِمْرَةُ وَكُسِرَتْ - أَوْ ثَبِتَتْ - لِي الْوِسَادَةُ ... الإمام علي عليه السلام - 72

لَوْ أَنَّ رَجُلًا اتَّفَقَ مَا فِي يَدَيْهِ فِي سَبِيلِ مَنْ سُبِلَ اللَّهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 356

لَوْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ إِسْمًا أَفْضَلَ مِنْهُ لَسَمَّانَا بِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 240

لَوْ قَدْ قُرِئَ الْقُرْآنُ كَمَا أَنْزَلَ لَأَلْفَيْتَنَا فِيهِ مُسَمَّيْنَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 64

لَوْ كُنْتُ اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ لَفَعَلْتُ ... النبي صلى الله عليه وآله - 364

لَوْ لَأَنَّ زَيْدَ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَنَقَصَ مِنْهُ مَا خَفِيَ حَقُّنَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 66

لَوْ لَقَيْتُكَ بِالْمَدِينَةِ لَأَرَيْتُكَ أَثَرَ جَبْرَيْلَ فِي دُورِنَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 76

وَمَاتَ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَّا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ ... الإمام السَّجَّاد عليه السلام - 102

لَهَا الْمِيرَاثُ وَعَلَيْهَا الْعِدَّةُ وَلَا مَهْرَ لَهَا وَقَالَ: أَمَا تَقْرَأُ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 498

لِيَأْكُلِ الَّذِي لَمْ يَسْتَيْتِنِ الْفَجْرَ، وَقَدْ حَرَّمَ الْأَكْلَ عَلَى الَّذِي ... الإمام الصادق عليه السلام - 342

لَيْسَ أَبَعْدُ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنَ الْقُرْآنِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 82

لَيْسَ تِلْكَ الزَّكَاةُ، وَلَكِنَّهُ الرَّجُلُ يَتَصَدَّقُ لِنَفْسِهِ الزَّكَاةَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 602

لَيْسَ ذَلِكَ بِجِدَالٍ إِنَّمَا الْجِدَالُ: وَاللَّهُ وَبَلَى وَاللَّهُ ... أحدهما عليهم السلام - 384

لَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْ تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ ، إِنَّ آيَةَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 80

لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ لَهَا خَمْسِينَ أَلْفَ عَامٍ ... الإمام الصادق عليه السلام - 136

لَيْسَ لِأَهْلِ سَرْفٍ وَلَا لِأَهْلِ مَرٍّ وَلَا لِأَهْلِ مَكَّةَ مُنْعَةٌ... الإمام الكاظم - 378

لَيْسَ مِنَ الزُّكَاةِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 602

يَسْ هَذَا بِيَجْدَالٍ إِنَّمَا الْجِدَالُ: لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ... الإمام الباقر عليه السلام - 388

حرف الميم

مَا أَتَاكُمْ عَنَّا مِنْ حَدِيثٍ لَا يُصَدِّقُهُ كِتَابُ اللَّهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 50

مَا أَبْقَتِ الْحَنِيْفَةُ شَيْئًا حَتَّىٰ إِنَّ مِنْهَا قَصَّ الشَّارِبِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 252

مَا أَبَيَّنَهَا لِمَنْ عَقَلَهَا، قَالَ: مَنْ شَهِدَ رَمَضَانَ فَلْيَصُمْهُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 330

مَا أَصْبَرَهُمْ عَلَىٰ فِعْلٍ مَا يَعْمَلُونَ أَنَّهُ يُصَيِّرُهُمْ إِلَى النَّارِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 306

مَا الَّذِي أَخْرَجَكُمْ مِنْ غَيْرِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ؟ ... الإمام الصادق عليه السلام - 420

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ كِتَابًا إِلَّا وَفَاتِحَتُهُ... الإمام الصادق عليه السلام - 92

مَا بَيَّنَّ اللُّوحَيْنِ شَيْءٌ إِلَّا وَأَنَا أَعْلَمُهُ الإمام علي عليه السلام - 76

مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ هَذَا حَرْفًا، مَا صَامَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا ثَلَاثِينَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 336

مَا دَامَ الْوَلَدُ فِي الرِّضَاعِ فَهُوَ بَيْنَ الْأَبَوَيْنِ بِالسَّوِيَّةِ فَإِذَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 480

مَا ضَرَبَ رَجُلٌ الْقُرْآنَ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ إِلَّا كَفَرَ... الإمام الباقر عليه السلام - 84

مَا عَاتَبَ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَهُوَ يَعْنِي بِهِ مَنْ قَدْ مَضَىٰ فِي الْقُرْآنِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 54

مَا عَلِمْتُمْ فُقُولُوا وَمَا لَمْ تَعْلَمُوا فُقُولُوا اللَّهُ أَعْلَمُ... الإمام الباقر عليه السلام - 80

مَا عَهْدِي بِكَ تَخَاصُمِ النَّاسِ ، ... الإمام الكاظم عليه السلام - 146

مَا لَهُمْ - قَاتَلَهُمُ اللَّهُ - عَمَدُوا إِلَىٰ أَعْظَمِ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 98

مَا نَزَلَتْ آيَةٌ إِلَّا وَأَنَا عَلِمْتُ فِيمَنْ أَنْزَلْتُ، وَأَيُّنْ أَنْزَلْتُ، وَعَلَىٰ ... الإمام علي عليه السلام - 76

مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا أَقْرَأْنَاهَا وَأَمَلَاهَا عَلَيَّ... الإمام علي عليه السلام - 68

مَتَاعُهَا بَعْدَ مَا تَنَفَّضِي عِدَّتُهَا (عَلَى الْمُوسِعِ قَدْرُهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 518

مَخْرَجَكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَوْلُهُ... الإمام الباقر عليه السلام - 606

الْمَرْأَةُ الَّتِي لَا تَحِلُّ لِرَوْجِهَا حَتَّى تَتَكَحَّحَ رَوْجًا غَيْرَهُ الَّتِي ... الإمام الصادق عليه السلام - 462

الْمَرْأَةُ تَحِيضٌ يَحْرُمُ عَلَى رَوْجِهَا أَنْ يَأْتِيَهَا فِي فَرْجِهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 440

الْمَرْأَةُ تَخَافُ عَلَى وَلَدِهَا وَالشَّيْخُ الْكَبِيرُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 324

الْمَرْأَةُ تَعْفُو عَنْ نِصْفِ الصِّدَاقِ... الإمام الصادق عليه السلام - 504

الْمَرْأَةُ فِي عِدَّتِهَا تَقُولُ لَهَا قَوْلًا جَمِيلًا تُرَعِّبُهَا فِي نَفْسِكَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 492

الْمِرَاءُ فِي كِتَابِ اللَّهِ كُفْرٌ... الإمام الرضا عليه السلام - 84

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ وَالْقَمَلِ يَتَنَاثَرُ... الإمام الصادق عليه السلام - 366

مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ وَاجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ الَّتِي أَوْجَبَ اللَّهُ... الإمام الباقر عليه السلام - 600

مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا، فَقَدْ أَصْبَحَ... الإمام علي عليه السلام - 478

مَنْ أَرَادَ أَنْ يُظِلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ... النبي صلى الله عليه وآله - 612

مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ بِمِثْلِ... النبي صلى الله عليه وآله - 618

مَنْ أَوْصَى بِوَصِيهِ لَغَيْرِ الْوَارِثِ مِنْ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ بِالْمَعْرُوفِ... الإمام الباقر عليه السلام - 314

مَنْ جَادَلَ فِي الْحَجِّ فَعَلَيْهِ إِطْعَامُ سِتِّهِ مَسَاكِينَ، لِكُلِّ... الإمام الكاظم عليه السلام - 380

مَنْ حَكَمَ بِرَأْيِهِ بَيْنَ اثْنَيْنِ فَقَدْ كَفَرَ، وَمَنْ فَسَّرَ... الإمام الصادق عليه السلام - 82

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَقِيَهُ اللَّهُ مِنْ نَفَحَاتِ جَهَنَّمَ فَلْيُنْظَرْ مُعْسِرًا... النبي صلى الله عليه وآله - 614

مَنْسُوخُهُ نَسَخَتْهَا آيَةٌ (يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ... الإمام الصادق عليه السلام - 516

مَنْسُوخُهُ نَسَخَتْهَا: (يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ... الإمام الباقر عليه السلام - 488

مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ، إِنْ أَصَابَ لَمْ يُوجَرْ، وَإِنْ أَخْطَأَ فَهُوَ... الإمام الصادق عليه السلام - 82

مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَاصَابَ لَمْ يُوجَرْ، وَإِنْ أَخْطَأَ كَانَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 80

مِنْ قُدَامِهَا وَ مِنْ خَلْفِهَا، فِي الْقَبْلِ... الإمام الصادق عليه السلام - 442

مَنْ قَرَأَ أَرْبَعَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الْبَقْرَةِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ آيَتَيْنِ... النبي صلى الله عليه وآله - 114

مَنْ قَرَأَ الْبَقْرَةَ وَ آلَ عِمْرَانَ جَاءَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تِظْلَانِهِ... الإمام الصادق عليه السلام - 112

مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يُبْلِهَا حَتَّى يَسْتَفِيدَ عِلْمًا... الإمام الصادق عليه السلام - 194

مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ مَسْرُورًا حَتَّى يُبْلِهَا... الإمام الصادق عليه السلام - 194

مَنْ لَمْ تُبْرِئْهُ «الْحَمْدُ» لَمْ يُبْرِئْهُ شَيْءٌ... الإمام الصادق عليه السلام - 96

مَنْ لَمْ يَعْرِفْ أَمْرَنَا مِنَ الْقُرْآنِ لَمْ يَتَنَكَّبِ الْفِتْنَ... الإمام الصادق عليه السلام - 64

مَنْ لَمْ يُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِذَوِي قَرَابَتِهِ مِمَّنْ لَا يَرِثُ فَقَدْ خَتَمَ... الإمام على عليه السلام - 314

مِنْهُمْ الصَّيْدَ وَ اتَّقَى الرَّفَثَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْجِدَالَ وَ مَا حَرَّمَ... الإمام الباقر عليه السلام - 400

الْمُضْطَرُّ لَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ لِإِنَّهَا لَا تَزِيدُهُ إِلَّا شَرًّا... الإمام الصادق عليه السلام - 302

الْمُطْلَقَةُ تَبِينُ عِنْدَ أَوَّلِ قَطْرِهِ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ... الإمام الباقر عليه السلام - 460

الْمُطْلَقَةُ يُنْفَقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا وَ هِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا... الإمام الصادق عليه السلام - 484

الْمَعْدُودَاتُ وَ الْمَعْلُومَاتُ هِيَ وَاحِدَةٌ أَيَّامُ الشَّرِيقِ... الإمام الصادق عليه السلام - 398

(الموسع) يمتّع بالعبد و الأمة، و يمتع المعسر... الإمام الصادق عليه السلام - 496

الْمَوْعِظَةُ التَّوْبَةُ... الإمام الصادق عليه السلام - 606

«الميم» مُلْكُ اللَّهِ، «الله» إِلَهُ الْخَلْقِ... الإمام الصادق عليه السلام - 102

حرف النون

النَّاسِخُ الثَّابِتُ الْمَعْمُولُ بِهِ، وَ الْمَنْسُوخُ مَا قَدْ كَانَ يُعْمَلُ بِهِ... الإمام الصادق عليه السلام - 58

النَّاسِخُ الثَّابِتُ، وَ الْمَنْسُوخُ مَا مَضَى، وَ الْمَحْكَمُ مَا يُعْمَلُ بِهِ،... الإمام الصادق عليه السلام - 56

النَّاسِخُ مَا حُوِّلَ وَ مَا يُنْسِيهَا: مِثْلُ الْعَيْبِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ بَعْدُ... الإمام الباقر عليه السلام - 226

- لَنَافِلُهُ كُلُّهَا سِوَاءِ تَوْمِيٍّ إِيْمَاءً أَيْنَمَا تَوَجَّهَتْ دَابَّتُكَ... الإمام الصادق عليه السلام - 230
- نَحْنُ الْأُمَّةُ الْوَسْطَى وَنَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 256
- نَحْنُ أَوْلِيكَ الشَّافِعُونَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 546
- نَحْنُ نَمَطُ الْحِجَازِ... الإمام الباقر عليه السلام - 258
- نَحْنُ هُمْ وَقَدْ قَالُوا هَوَامُّ الْأَرْضِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 294
- نَحْنُ يُعْنَى بِهَا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ، إِنَّ الرَّجُلَ... الإمام الصادق عليه السلام - 294
- التَّرْدُ وَالشُّطْرُنُجُ مِنَ الْمَيْسِرِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 424
- نَزَلَ الْقُرْآنُ أَثَلَاثًا: ثُلُثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا، وَثُلُثٌ سُنَنٌ وَأَمْثَالٌ... الإمام علي عليه السلام - 52
- زَلَّ الْقُرْآنُ بِإِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمِعِي يَا جَارَةٌ! ... الإمام الصادق عليه السلام - 52
- نَزَلَ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى الْبَيْتِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 328
- نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَرْبَاعٍ: رُبْعٌ فِينَا، وَرُبْعٌ فِي عَدُوِّنَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 52
- نَزَلَ الْقُرْآنُ نَاسِيحًا وَمَنْسُوحًا ... الإمام الباقر عليه السلام - 56
- نَزَلَتْ الزَّكَاةُ وَلَيْسَ لِلنَّاسِ الْأَمْوَالُ وَإِنَّمَا كَانَتْ الْفِطْرَةُ... الإمام الصادق عليه السلام - 174
- نَزَلَتْ ثَلَاثَةٌ أَحْبَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ: الْحَجْرُ الْأَسْوَدُ اسْتَوْدَعَهُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 240
- نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُتَعَهُ وَهُوَ عَلَى الْمَرْوَةِ بَعْدَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 368
- نَزَلَتْ فِي خَوَاتِ بْنِ جُبَيْرٍ وَكَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْخَنْدَقِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 340
- زَلَّتْ فِي عُثْمَانَ وَجَرَّتْ فِي مُعَاوِيَةَ وَاتَّبَعِيهِمَا الإمام الباقر وصادق عليهما السلام - 586
- نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَكَذَا: أَلَمْ تَرَ إِلَى... الإمام الباقر عليه السلام - 564
- نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَكَذَا وَاللَّهِ! : (وَإِذَا قِيلَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 210
- نَزَلَتْ هَذِهِ بَعْدَ هَذِهِ، هِيَ الْوَسْطُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 426
- نَزَلَ جَبْرَيْلُ بِهِذِهِ الْآيَةِ (فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ... الإمام الباقر عليه السلام - 184

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا... من قبل... الإمام الباقر عليه السلام - 442

نَسَخَتْهَا الَّتِي بَعْدَهَا : (فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا... الإمام الباقر عليه السلام - 318

النَّسْلُ: الْوَلَدُ، وَالْحَرْثُ الْأَرْضُ... أحدهما عليهما السلام - 404

نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا... الإمام علي عليه السلام - 42

نَعَمْ أَطْعِمُهُ مَا لَمْ تَعْرِفْهُ بِوَلَايَةِ وَلَا بَعْدَاوِهِ... الإمام الصادق عليه السلام - 198

نعم، ... الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا عَلَيَّ... الإمام الصادق عليه السلام - 274

نَعَمْ أَمَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ أَمَا تُحِبُّ أَنْ... الإمام الصادق عليه السلام - 494

نَعَمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ يُلِيمُ بِالْقَلْبِ فَيَقُولُ: لَوْ كَانَ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ... الإمام الصادق عليه السلام - 598

نعم ؛ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ : (طَهِّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ... الإمام الصادق عليه السلام - 242

نَعَمْ أَوْلَيْكَ وَوَلَدُ عَزِيرٍ حَيْثُ مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ خَرِبَتْ وَقَدْ جَاءَ... الإمام علي عليه السلام - 564

عَمَّ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ : (إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ... الإمام الباقر عليه السلام - 314

عَمَّ، قُلْتُ: قَبْلَ أَنْ يَتَزَوَّجَ زَوْجًا غَيْرَهُ قَالَ: نَعَمْ... الإمام الكاظم عليه السلام - 468

نَعَمْ كَذَلِكَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... أصحابه... الإمام الصادق عليه السلام - 360

نعم ، لقول الله تعالى : (حَتَّى تَتَكَبَّحَ زَوْجًا)... الإمام الصادق عليه السلام - 474

نَعَمْ وَتَصَدِيقُهُ فِي الْقُرْآنِ قَوْلُ شُعَيْبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ قَالَ... الإمام الصادق عليه السلام - 246

نَعَمْ وَعَلِمُهُمْ بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَتَفْسِيرِ الْقُرْآنِ وَاحِدٌ... الإمام الصادق عليه السلام - 72

نَعَمْ يُنْتَظَرُ بِقَدْرِ مَا يَنْتَهَى إِلَى الْإِمَامِ فَيَقْضَى عَنْهُ... الإمام الرضا عليه السلام - 618

حرف الواو

وَإِيَّاكُمْ وَمَحَاشِ السِّبَاءِ... الإمام الصادق عليه السلام - 444

وَ حَقُّ اللَّهِ إِنَّ لِلَّهِ كِتَابًا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... النبي صلى الله عليه وآله - 640

وَ الرَّفْتُ هُوَ الْجَمَاعُ وَالْفُسُوقُ الْكُذْبُ وَالسَّبَابُ وَالْجِدَالُ... الإمام الصادق عليه السلام - 382

«الْوَسْطَى» هِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهِيَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 508

وَالْفِجَاجُ وَالْأَوْدِيَةُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 140

وَالْفَرَضُ فَرَضُ الْحَجِّ التَّلْبِيَةُ وَالْإِشْعَارُ وَالتَّكْلِيدُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 380

الْوُقُوفِ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِقْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ ... الإمام علي عليه السلام - 48

الْوُقُوفُ عِنْدَ ذِكْرِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 232

وَاللَّهُ إِلَهٌ كُلُّ شَيْءٍ . . . الإمام الصادق عليه السلام - 102

وَاللَّهُ مَا ضَرَبُوهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَلَا قَتَلُوهُمْ بِسَيَافِهِمْ وَلَا كُنْ ... الإمام الصادق عليه السلام - 186

وَذَلِكَ وَاللَّهُ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ شِيعَتَنَا ... الإمام الكاظم عليه السلام - 272

وَكَانَ الْمَلِكُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ هُوَ الَّذِي يَسِيرُ بِالْجُنُودِ، وَالتَّبِيُّ ... الإمام الصادق عليه السلام - 528

وَكَانَتْ الْجِبَالُ عَشْرَةَ، وَكَانَتْ الطُّيُورُ الدِّيَكِ وَالْحَمَامَةَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 568

لَا سَبِيلَ لَهُ عَلَيْهَا وَإِنَّمَا الْقُرْءُ مَا بَيَّنَّ الْحَيَضَتَيْنِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 456

(وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ وَبَوْلِدِهِ)؟ قَالَ : الْجَمَاعُ . . . الإمام الصادق عليه السلام - 482

وَمَا عَلِمَ الْمَلَائِكَةُ بِقَوْلِهِمْ : (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 128

وَمَا هِيَ قَالَ يَقُولُ (إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَأَنَا فِي مَنْزِلِي) ... الإمام الصادق عليه السلام - 330

وَيُلِّ لَهُمْ إِنِّي لَأَعْرِفُ نَاسِخَهُ مِنْ مَسْخُوحِهِ وَ مُحْكَمَهُ مِنْ ... الإمام علي عليه السلام - 68

حرف الهاء

الْهُدَى مِنَ الْإِبْلِ وَالْبَقْرِ وَالْغَنَمِ وَلَا يَجِبُ حَتَّى يُعَلَّقَ عَلَيْهِ ... الإمام الباقر عليه السلام - 362

هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَأَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... النبي صلى الله عليه وآله - 34

هَذَا فِي كِتَابِ اللَّهِ بَيْنَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لَمَّا ... الإمام الصادق عليه السلام - 572

هَذِهِ كُلُّهَا تَجْمَعُ الضَّلَالَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَكُلَّ مَنْ أَفْرَأَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 320

هم آل محمد عليهم السلام... الإمام الباقر و الصادق عليهما السلام - 296

هم الأئمة عليهم السلام ... الإمام الصادق عليه السلام - 232 ، 258

ص: 674

هم اليهود و النصارى... الإمام الصادق عليه السلام - 108

هما مفروضان... الإمام الصادق عليه السلام - 360

هم أهل الكتاب... الإمام الصادق عليه السلام - 294

هم أهل اليمن... الإمام الباقر عليه السلام - 392

هُمُ أَوْلِيَاءُ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ إِتَّخَذُوهُمْ أَيْمَةً مِنْ دُونِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 296

هُمُ نَحْنُ خَاصَّةٌ الإمام الصادق عليه السلام - 180

هُوَ الْأَبُ وَ الْأَخُ وَ الرَّجُلُ الَّذِي يُوصَى إِلَيْهِ، وَ الَّذِي يَجُوزُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 504

هُوَ الْأَبُ وَ الْأَخُ وَ الْمُوصَى إِلَيْهِ وَ الَّذِي يَجُوزُ أَمْرُهُ...الإمام الباقر عليه السلام -500

هُوَ الْأَخُ وَ الْأَبُ وَ الرَّجُلُ الَّذِي يُوصَى إِلَيْهِ وَ الَّذِي يَجُوزُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 502

هُوَ الَّذِي يُزَوِّجُ يَأْخُذُ بَعْضًا وَ يَتْرِكُ بَعْضًا وَ لَيْسَ لَهُ... الإمام الصادق عليه السلام - 504

هُوَ الَّذِي يُطَلِّقُ ثُمَّ تَرَاجَعَ وَ الرَّجَعَهُ هُوَ الْجَمَاعُ -... الإمام الصادق عليه السلام - 472

هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُ مَالَ لَا يَنْفِقُهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ بِخُلَاءٍ ... الإمام الصادق عليه السلام - 298

هُوَ الرَّجُلُ يُصْلِحُ بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ فَيَحْمِلُ مَا بَيْنَهُمَا ... الإمام الباقر و الصادق عليه السلام - 446

هُوَ الرَّجُلُ يُطَلِّقُ الْمَرْأَةَ تَطْلِيقَةً وَاحِدَةً، ثُمَّ يَدْعُهَا... الإمام الباقر و الصادق عليهما السلام - 476

هُوَ الرَّجُلُ يَقْبَلُ الدَّيَةَ أَوْ يَغْفُو أَوْ يَصَالِحُ ثُمَّ يَعْتَدِي ... الإمام الصادق عليه السلام - 310

هُوَ الرَّجُلُ يَقْبَلُ الدَّيَةَ فَأَمَرَ اللَّهُ الَّذِي لَهُ الْحَقُّ... أحدهما عليهم السلام - 310

هُوَ الرَّجُلُ يَقُولُ لِلْمَرْأَةِ قَبْلَ أَنْ تَنْقَضِيَ عِدَّتُهَا : أَوَاعِدُكَ... الإمام الصادق عليه السلام - 492

هُوَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ الَّذِي لَا يَسْتَطِيعُ وَ الْمَرِيضُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 322

هو (القرآن) كلام الله... الإمام الرضا عليه السلام - 38

هُوَ الْوَلِيُّ وَ الَّذِينَ يَغْفُونَ عَنِ الصَّدَاقِ أَوْ يَحْطُونَ ... الإمام الباقر و الصادق عليهما السلام - 500

هُوَ سُؤَالَ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ الإمام الصادق عليه السلام - 378

هُوَ طَلَبُ الْحَلَالِ، (وَلَا تَعَزَّمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى ... الإِمامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ - 491

ص: 675

- هُوَ قَوْلُ الرَّجُلِ: لَا وَ اللَّهِ، وَ بَلَى وَ اللَّهِ!... الإمام الصادق عليه السلام - 446
- هُوَ قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ قَبْلَ أَنْ تَنْقَضِيَ عِدَّتَهَا مَوْعِدِكَ بَيْتٌ ... الإمام الصادق عليه السلام - 492
- هُوَ لَا وَ اللَّهِ وَ بَلَى وَ اللَّهِ وَ كَلَّا وَ اللَّهِ، لَا يَعْقِدُ عَلَيْهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 448
- هُوَ لِأَهْلِ مَكَّةَ لَيْسَتْ لَهُمْ مُتَعَةٌ وَ لَا عَلَيْهِمْ عُمْرَةٌ ... الإمام الباقر عليه السلام - 376
- هُوَ مِنْ طَيِّبَاتِ الْكَسْبِ ... الإمام علي عليه السلام - 596
- هُوَ مُؤْتَمَنٌ عَلَيْهِ مُفَوَّضٌ إِلَيْهِ فَإِنْ وَجَدَ ضَعْفًا فَلْيُقْطِرْ ... الإمام الصادق عليه السلام - 332
- هِيَ آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَنَسَاهُمْ إِيَّاهَا الشَّيْطَانُ الإمام علي عليه السلام - 96
- هِيَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَحَدَّهُ الإمام الباقر و الصادق عليهما السلام - 552
- هِيَ الَّتِي تَطَلَّقَ ثُمَّ تَرَاجَعَ ثُمَّ تَطَلَّقَ ثُمَّ تَرَاجَعَ ثُمَّ تَطَلَّقَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 464
- هِيَ الشُّهُورِ (الْأَهْلَةُ؟) ... الإمام الصادق عليه السلام - 350
- هِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 172
- هِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 398
- هِيَ خَاصَّةٌ بِآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الإمام الصادق عليه السلام - 180
- هِيَ سُورَةُ «الْحَمْدِ»، وَ هِيَ سَبْعُ آيَاتٍ مِنْهَا ... الإمام الصادق عليه السلام - 90
- هِيَ صِلَةُ الْإِمَامِ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 524
- هِيَ طَاعَةُ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ الإمام الصادق عليه السلام - 598
- هِيَ لِجَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ مَا هِيَ لِلْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةٌ ... الإمام الصادق عليه السلام - 308
- هِيَ لِلْمُؤْمِنِينَ خَاصَّةٌ ... الإمام الصادق عليه السلام - 320
- هِيَ مِمَّا قَالَ اللَّهُ: (وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ اتُوا... الإمام الكاظم عليه السلام - 174
- هِيَ مَنْسُوخَةٌ... الإمام الصادق عليه السلام - 516
- هِيَ مَنْسُوخَةٌ، نَسَخَتْهَا آيَةُ الْفَرَائِضِ الَّتِي هِيَ الْمَوَارِيثُ... أحدهما عليهما السلام - 314

هِيَ وَلايَةُ الثَّانِي وَالْأَوَّلِ... الإمام الصادق عليه السلام - 412

ص: 676

هِيَ هَاهُنَا التَّطْلِيْقَةُ الثَّلَاثِيَّةُ، فَإِنْ طَلَّقَهَا الْأَخِيرُ... الإمام الصادق عليه السلام - 464

حرف الياء

يَا أَبَا الْفَضْلِ، لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْمُحْكَمِ مِنَ اللَّهِ... الإمام الباقر عليه السلام - 64

يَا أَبَا بَصِيرٍ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ فِي الْأُمَّةِ حُكَّامًا يُجُورُونَ... الإمام الصادق عليه السلام - 346

يَا أَبَا حَمَزَةَ كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ عَلَا نَجْفَكُمْ، فَإِذَا عَلَا... الإمام الباقر عليه السلام - 414

يَا أَبَا حَنِيفَةَ لَكَ أَوْصَى قُلُوبُ فِيهَا فَقَالَ: الرَّبُّعُ... الإمام الصادق عليه السلام - 576

أَيُّهَا النَّاسُ! مَا جَانَكُمْ عَنِّي يُوْفِقُ الْقُرْآنَ فَأَنَا قُلْتُهُ... النبي صلى الله عليه وآله - 48

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَبَّأَنِي اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ أَنَّهُ لَنْ يُعَمَّرَ... النبي صلى الله عليه وآله - 32

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ عَصُوضٌ يَعَصُ كُلُّ إِمْرِيٍّ عَلَى مَا... النبي صلى الله عليه وآله - 506

يَا جَابِرُ، أَلَا أَعْلَمُكَ أَفْضَلَ سُورَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ... النبي صلى الله عليه وآله - 94

يَا جَابِرُ إِنَّ الْقُرْآنَ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ بَطْنٌ وَ ظَهْرٌ، وَ لِلظَّهْرِ ظَهْرٌ... الإمام الباقر عليه السلام - 60

يَا جَابِرُ إِنَّ الْقُرْآنَ بَطْنًا وَ لِلْبَطْنِ ظَهْرًا... الإمام الصادق عليه السلام - 56

يَا جَابِرُ مَا أَعْظَمَ فِرْيَةَ أَهْلِ الشَّامِ عَلَى اللَّهِ يَزْعُمُونَ... الإمام الباقر عليه السلام - 242

يَا خَيْثَمَةَ، الْقُرْآنُ نَزَلَ أَثَلَاثًا: ثُلُثٌ فِيْنَا وَ فِي أَحِبَّائِنَا... الإمام الباقر عليه السلام - 54

يَا عَلِيُّ مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ؟... النبي صلى الله عليه وآله - 604

يَا فَضَيْلُ بَلِّغْ مَنْ لَقِيتَ مِنْ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ... الإمام الباقر عليه السلام - 276

يَا مُحَمَّدُ إِذَا سَمِعْتَ اللَّهَ ذَكَرَ أَحَدًا مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ... الإمام الباقر عليه السلام - 64

يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَطَ عَلَى النَّاسِ شَرْطًا وَ شَرَطَ لَهُمْ... الإمام الباقر عليه السلام - 382

يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَطَ عَلَى النَّاسِ وَ شَرَطَ لَهُمْ فَمَنْ وَفَى... الإمام الباقر عليه السلام - 384

يَا مُحَمَّدُ مَا جَاءَكَ فِي رِوَايَةٍ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يُوْفِقُ الْقُرْآنَ... الإمام الصادق عليه السلام - 48

يَا مِسْمَعُ مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومٍ... الإمام الصادق عليه السلام - 178

يَبْعَثُ اللَّهُ قَوْمًا مِّنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَجُوهُهُمْ مِّنْ... الإمام الباقر عليه السلام - 616

ص: 677

- يَتَصَدَّقُ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرَ عَلَىٰ مِسْكِينٍ مَدًّا مِنْ طَعَامٍ ... الإمام الصادق عليه السلام - 322
- يُجْزِيهِ شَاةً وَ الْبَدَنَةَ وَ الْبَقْرَةَ أَفْضَلَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 362
- يَحْرُمُ عَلَيْهِ مَا يَحْرُمُ عَلَى الْمُحْرَمِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَعَدَهُمْ ... الإمام الصادق عليه السلام - 362
- خُطْبُهَا عَلَى تَطْلِيقَتَيْنِ وَ لَا يَقْرَبُهَا حَتَّىٰ يُكْفَرَ يَمِينَهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 452
- يَرْجِعُ مَغْفُورًا لَهُ لَا ذَنْبَ لَهُ الإمام الصادق عليه السلام - 400
- يَسْجُدُ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ يُصَلِّي ... الإمام الصادق عليه السلام - 230
- (يَسْتُلُونَاكَ مَاذَا يُفْقُونَ) ، قَالَ الْكَفَّافُ ... أحدهما عليهما السلام - 426
- الْيَسْرُ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ الْعُسْرُ ، فَمَنْ كَانَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 334
- يُصَلِّيَهَا وَ لَوْ بَعْدَ أَيَّامٍ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 240
- يَصُومُ الْأَيَّامَ الَّتِي قَالَ اللَّهُ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 368
- يَصُومُ الثَّلَاثَةَ لَا يُفَرِّقُ بَيْنَهُمَا وَ لَا يَجْمَعُ الثَّلَاثَةَ وَ السَّبْعَةَ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 372
- الثَّلَاثَةَ وَ السَّبْعَةَ لَا يُفَرِّقُ بَيْنَهَا ، وَ لَا يَجْمَعُ السَّبْعَةَ ... الإمام الكاظم عليه السلام - 374
- يَصُومُ الْمُتَمَتِّعَ قَبْلَ التَّرْوِيهِ بِيَوْمٍ وَ يَوْمَ التَّرْوِيهِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ ... الإمام علي عليه السلام - 376
- يَعْلَمُونَ أَنِّي أَقْدِرُ عَلَىٰ أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَا يَسْأَلُونَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 338
- يَعْنِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ الإمام الصادق عليه السلام - 390
- يَعْنِي إِذَا مَا اعْتَدَىٰ فِي الْوَصِيَّةِ وَ زَادَ فِي الثُّلُثِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 320
- يَعْنِي الرَّجُلَ يَحْلِفُ أَنْ لَا يُكَلِّمَ أَخَاهُ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 446
- يَعْنِي الرَّزْقَ إِذَا أَحَلَّ الرَّجُلُ مِنْ إِحْرَامِهِ وَ قَضَىٰ نُسُكَهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 388
- يَعْنِي الْيَتَامَى يَقُولُ: إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَلِي يَتَامَى ... الإمام الصادق أو الكاظم عليهما السلام - 428
- يَعْنِي أَنْ يَأْتِيَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهٍ أَيْ الْأُمُورِ كَانَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 352
- يَعْنِي بِذَلِكَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ ... الإمام الباقر عليه السلام - 292

يَعْنِي صِيَامَ رَمَضَانَ ، فَمَنْ رَأَى هِلَالَ ... الإمام الصادق عليه السلام - 342

ص: 678

يَعْنِي فَلَانًا وَصَاحِبَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُمْ وَ دَانَ بِدِينِهِمْ ... الإمام الباقر عليه السلام - 172

يَعْنِي لَا تَأْكُلَا مِنْهَا ... الإمام الباقر عليه السلام - 148

يَعْنِي لَا يَحِلُّ لَهَا أَنْ تَكْتُمَ الْحَمْلَ إِذَا طُلِّقَتْ وَ هِيَ حُبْلَى ... الإمام الصادق عليه السلام - 460

يَغْرُمُهَا وَصِيئُهُ وَ يَجْعَلُهَا فِي حِجَّتِهِ كَمَا أَوْصَى بِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 316

يَقْضِي بِمَا عِنْدَهُ دِينَهُ وَ لَا يَأْكُلُ أَمْوَالَ النَّاسِ إِلَّا وَ عِنْدَهُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 348

يَقُولُ الرَّجُلُ لِلْمَرْأَةِ - وَ هِيَ فِي عِدَّتِهَا - يَا هَذِهِ مَا أَحِبُّ ... الإمام الصادق عليه السلام - 494

يَكْبَرُ وَ يَوْمِي، إيماءاً برأسه... الإمام الصادق عليه السلام - 514

يَكْبَرُ وَ يُهَلِّلُ؛ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ. يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى... الإمام الصادق عليه السلام - 516

يَكُونُ لَهُمُ التَّمَرُ وَ اللَّبَنُ وَ يَكُونُ لَكَ مِثْلُهُ عَلَى قَدَرِ مَا... الإمام الصادق عليه السلام - 432

يُمْتَعُّهَا قَبْلَ أَنْ يُطَلِّقَهَا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 498

يَنْبَغِي لِلَّذِي لَهُ الْحَقُّ أَنْ لَا يَضُرَّ أَحَاهُ إِذَا كَانَ قَادِرًا ... الإمام الصادق عليه السلام - 310

يَنْزِلُ فِي سَبْعِ قِبَابٍ مِنْ نُورٍ لَا يُعْلَمُ فِي أَيِّهَا هُوَ حِينَ ... الإمام الباقر عليه السلام - 414

يُنْبِلُهُ مِنَ الرَّيْحِ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ... الإمام الصادق عليه السلام - 506

يُودِي الرَّجُلُ عَنْ نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ وَ عَنْ رَقِيقِهِ الذَّكْرَ مِنْهُمْ... الإمام الباقر عليه السلام - 174

يُوقَفُ فَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ اعْتَدَّتْ امْرَأَتُهُ كَمَا تَعْتَدُّ الْمُطَلَّقَةُ ... الإمام الصادق عليه السلام - 450

يُوقَفُ فَإِنْ عَزَمَ الطَّلَاقَ بَانَ مِنْهُ وَ عَلَيْهَا عِدَّةُ الْمُطَلَّقَةِ ... الإمام الصادق عليه السلام - 452

يُوفُونَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ وَ الظَّنُّ مِنْهُمْ يَقِينٌ ... إمام علي عليه السلام - 180

[إِنَّمَا] عَنَى بِذَلِكَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... الإمام الباقر عليه السلام - 254

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

